

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جلد ۱

چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه  
بی تی اس درباره کمپانی این گروه  
(کمپانی بیگ هیت اینترتینمنت)

/ دکتر مرتضی منطقی /

/ استاد دانشگاه خوارزمی /

تابستان ۱۴۰۳



# فهرست مطالب

## مقدمه

### مصاحبه‌های انجام شده

مصاحبه با ریحانه، ۲۱ ساله

متن آهنگ‌های بی‌تی‌اس اکثراً از فضای آهنگ‌های جنسی و عاشقانه و صرفاً بیس‌دار آمریکایی، اروپایی خیلی فاصله داشت و توی متن آهنگ‌ها، یک مفهوم فلسفی یا روان‌شناسی گنجانده شده بود. این از مهم‌ترین علت‌هایی بود که به بی‌تی‌اس جذب شدم.

مصاحبه با کوثر، ۲۵ ساله

کل تمرکز این آلبوم لاو یورسلف روی این بود که خودت رو همین جوری که هستی دوست داشته باش و من مثالی بارزش رو می‌دیدم، یعنی مثلاً طرف می‌گفت که من واقعاً می‌خواستم همه چی رو تموم بکنم و خودم رو بکشم، ولی با شنیدن این آلبوم، از این کار منصرف شدم.

مصاحبه با عرفان، ۲۱ ساله

گروه هفت نفره اعضاء بی‌تی‌اس ظاهراً مذکر هستند، اما فاقد هویت جنسی قطعی هستند. از قضا، این مسأله، یعنی هویت مرزی جنسی، یکی از محورهای شکل‌گیری پروژه بی‌تی‌اس هست.

مصاحبه با مه‌لقا، ۱۹ ساله

کاپیتال‌سیسم و موسیقی مارکتی میان جایزه‌های مختلف می‌دارن... نمی‌دونم چندمدل رأی‌گیری و استریم زدن وجود داره، توی اسپاتیفای، توی یوتوب، توی توییتر و توی پلتفرمای مختلف و این که تو بخوای واردش بشی، وارد به سبکل معیوبی می‌شی که دائماً در حال رأی‌گیری هستی... .

مصاحبه با سحر، ۱۵ ساله

تازه بعد از دیو، بخش دارک این صنعت موسیقی رو می‌بینند، این که مجبورند یه سری نمادها رو نشون بدن به خاطر قراردادهایی که کمپانی‌ها با ایلومیناتی می‌بندند، این که مجبورند یک شخص دیگه باشن.

مصاحبه با فرشته، ۱۸ ساله

جونگ‌کوک که رسانه‌های کره‌ای به اون لقب «پادشاه سولداوت» رو دادن، بار دیگه محبوبیت و قدرتش رو در این زمینه ثابت کرد و دو تیشرتی که یکی در لایو جیهوپ و دیگری لباسی که در سامر پکیج به تن داشت، در سریع‌ترین زمان ممکن سولداوت شدند.

مصاحبه با شکوفه، ۱۸ ساله

در واقع این طور تعبیر می‌شه که سلبریتی‌ها روح‌شون رو به شیطان می‌فروشن.

مصاحبه با حدیث، ۱۴ ساله

... خواننده‌ها و بازیگرا و سلبریتی‌ها هم قبول می‌کنن و یه قراردادی رو امضاء می‌کنن که باید اون رو با خون خودشون امضاء کنن. بعد از اون قرارداد، باید چندتا مراسم انجام بدن و به این کارا می‌گن، فروختن روح به شیطان.

مصاحبه با ترانه، ۱۸ ساله

از این طریق کسی که به زبان کره‌ای مسلطتر باشه، توسط سفارت انتخاب می‌شه، جایزه می‌گیره و راه‌هایی جلوی پاش می‌ذارن که راحت‌تر بتونه به کره سفر کنه و کم‌کم اون رو جذب کشور کره می‌کنن.

مصاحبه با صبا، ۱۶ ساله

الآن بچه‌های ما تو مدرسه خیلیاشون این جور ی هستن و سر آیدولا باهم دیگه دعوا می‌کنن که فلانی واسه منه و شوهر منه و اینا یا حتی اونا که هم جنس‌گرا هم هستن یه جور دیگه تصور می‌کنن خودشون رو با اینا، چون بالاخره اینا هر دو گرایش رو به نمایش می‌گذارن دیگه.

مصاحبه با سمانه، ۱۷ ساله

مثلاً تو خیابوناشون می‌رن فیلم می‌گیرن از خودشون و یه چند نفر دیگه و مثلاً لبخند می‌زنن و با افراد عادی جامعه سلام و احوال‌پرسی می‌کنن و باهاشون عکس می‌گیرن تا بگن مردم ما چه قدر حال‌شون خوبه و تو این کشور همه چی عالیه.

مصاحبه با ریحانه، ۱۷ ساله

ما یه جایی داریم به نام مجیک شاپ که یه آهنگم ساختن ازش و اونجا جاییه که یه آرمی می‌تونه خودش باشه، کنار پسرا توی رؤیاهاش و خب یه جورایی اونجا پسرا منتظرمون ان.

مصاحبه با راضیه، ۱۵ ساله

صمیمیت بی‌تی‌اس اینه که بیست و چهار ساعته نگران آرمی‌ها هستن و کلی تلاش می‌کنن که بهترین خودشون رو به آرمی نشون بدن. حرف‌هایی رو به آرمی می‌زنن که هیچ کس نمی‌گه و انگیزه زیادی بهم می‌دن با این که من رو ندیدن و نمی‌شناسن.

### تأملی دوباره در باب کمپانی گروه بی‌تی‌اس

۱- پردازش گروه بی‌تی‌اس

۲- آرایه محتواهای جذاب

۳- پردازش پر هیجان و پر شکوه صحنه‌های اجرا

۴- تبلیغات کمپانی برای گروه بی‌تی‌اس

۴-۱- انجام تبلیغات گسترده همه جانبه و فراگیر برای گروه بی‌تی‌اس

۴-۲- برگزاری پرشکوه جشن تولد ستاره‌ها

- ۳-۴- برگزاری جشن فستا
- ۴-۴- تلاش برای بین‌المللی ظاهر شدن گروه بی‌تی‌اس
- ۵-۴- برگزاری تورهای جهانی
- ۶-۴- راه‌اندازی خبرگزاری اختصاصی و تعامل با رسانه‌های دیگر
- ۷-۴- طرح چندتوانی اعضای گروه بی‌تی‌اس
- ۸-۴- کمک به مراکز درمانی و خیریه
- ۹-۴- استقبال از حاشیه‌سازی‌های مختلف
- ۵- بخشیدن وجهه اجتماعی و سیاسی به گروه
- ۶- ایجاد ارتباط عمیق بین آیدول‌ها و هواداران
- ۷- اهداف کمپانی بیگ‌هیت
  - ۱-۷- اهداف اقتصادی
  - ۲-۷- اهداف فرهنگی
  - ۳-۷- اهداف اجتماعی
  - ۴-۷- اهداف سیاسی
  - ۵-۷- اهداف عقیدتی
  - ۶-۷- اهداف اخلاقی
  - ۷-۷- اهداف زیست محیطی
  - ۸-۷- اهداف زیباشناختی
  - ۹-۷- اهداف روان‌شناختی

## فهرست کتاب حاضر

۱۱	..... مقدمه
۱۹	..... مصاحبه با ریحانه، ۲۱ ساله
۷۳	..... تأملی دوباره
۷۷	..... مصاحبه با کوثر، ۲۵ ساله
۱۶۵	..... تأملی دوباره
۱۷۳	..... مصاحبه با مهلقا، ۱۹ ساله
۲۰۳	..... تأملی دوباره
۲۰۹	..... مصاحبه با سحر، ۱۵ ساله
۲۴۹	..... تأملی دوباره
۲۵۹	..... مصاحبه با فرشته، ۱۸ ساله
۲۹۵	..... تأملی دوباره



## مقدمه

«به عیان مشاهده می‌افتد که کودکان و جوانان به پرورش و مجالست کسانی که به خُلقی موسومند، آن خُلق را از افراد فرا می‌گیرند» (خواجه نصیرالدین طوسی).

الگوها از اهمیت وافری در شکل دادن به شخصیت انسانی انسان‌ها و جوامع برخوردارند. الگوها بسان فانوس‌های دریایی که راه را بر کشتی‌ها نشان می‌دهند، راه را بر کشتی وجودی انسان‌ها و جوامع می‌نمایانند. از همین رو از دیدگاه‌های دینی گرفته تا دیدگاه‌های معاصر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، همگی بر اهمیت الگوها صحه نهاده از ضرورت عطف توجه انسان‌ها و جوامع بشری نسبت بدان‌ها یاد کرده‌اند.

از منظر دیدگاه دینی در عین وجود الگوها و اسوه‌های حسنه، الگوهای غیرحَسَن نیز وجود دارند که برخلاف اعتلایابی و تحول‌آفرینی که در اسوه‌های حسنه برای انسان‌ها وجود دارد، اسوه‌های غیرحَسَن در سقوط ارزشی و انسانی انسان‌ها، ذی‌نقش بوده، اسباب اضمحلال آنان را فراهم می‌آورند. در نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مسأله الگوبرداری افراد، ذیل نظریات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. هرگنهان و السون<sup>۱</sup> در این زمینه می‌نویسند:

«مسأله الگو و تقلید یا همانندسازی با آن، از مقوله‌های مهم روان‌شناسی معاصر دیده شده، مکاتب روان‌شناسی زیادی درباره آن نظریه‌پردازی کرده‌اند».

سایت سلامتی نیز با اشاره به مقاله منتشره لئوناردو<sup>۳</sup> که در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۷ در نشریه ساینس منتشر شده است، ذیل عنوان الگوبرداری کودکان، از اثرپذیری کودکان ۱۵ ماهه از الگوهای فرارویشان یاد می‌کند.

مسأله الگو، الگویابی و جامعه‌پذیری نیز از مباحث مورد توجه در نظریات جامعه‌شناسی بوده است (هر چند جامعه‌شناسان مقوله الگوبرداری را گسترده‌تر از روان‌شناسان دیده و مسأله الگوگیری را در ابعاد اخلاقی تا فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی، گسترده دیده‌اند).

۱ - خواجه نصیرالدین طوسی (؟). اخلاق ناصری. به تصحیح مجتبی مینوی. ۱۳۶۵. تهران: خوارزمی.

۲ - هرگنهان، بی. آر. و السون، میتو، اچ. (؟). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی‌اکبر سیف. چ ۱. ۱۳۹۶.

3 - Leonardo, J. (2017). When Adults Show Determination, Babies Copy. Massachusetts Institute of Technology, department of brain and cognitive sciences, Cambridge. *Science*, Sept. 22, 2017.

نقش پراهمیتی که الگوها در تربیت انسان‌ها و جوامع بشری دارند، سبب شده است که هم انسان‌ها و نهادهای نیک‌اندیش و هم انسان‌های بد و نهادهایی که در پی به تاراج بردن هستی انسان‌ها و جوامع بشری هستند، متوجه الگوها شده، منطبق با خواست خود به پردازش الگوهای مطلوب‌طبع خویش اقدام کنند. بالطبع از آنجا که انسان‌ها و نهادهای بداندیش به صراحت نمی‌توانند با طرح الگوهای سیئه و ناپاک، دیگران را معطوف به خود کنند، می‌کوشند تا با پردازش الگوهایی به ظاهر ارزشمند و متعالی، انسان‌ها را با اتکاء به الگوهای به ظاهر جذاب، به سمت اهداف سوء خویش هدایت کرده و راهنمون سازند.

طبرسی در تفسیر مجمع البیان (؟)، ترجمه محمد رازی، (۱۳۶۵)،<sup>۱</sup> در توضیح آیه ۲۳ از سوره نوح که ناظر بر مسأله الگوها است، به اشاره همین مسأله پرداخته است. به این معنا که طبرسی خاطر نشان می‌سازد، برخی از الگوها ممکن است دارای ویژگی‌های قابل توجهی باشند، اما در عمل انسان‌ها را به راه‌های نامناسبی سوق می‌دهند که اسباب سقوط و اضمحلال آنان و جوامعشان را فراهم می‌آورند.

بررسی چگونگی پردازش الگوها در طول تاریخ بشر، بیانگر آن است که ورای الگوهای دینی که چند بعدی هستند، الگوهای عامی که در سطح جوامع بشری پردازش می‌شده‌اند، در ابتدا، تنها واجد یک ویژگی قابل ملاحظه بودند، مثلاً رستم کوهی از عضله بود، باربد و نکیسا، نوازندگی شگفتی داشتند، کلتوپاترا از چهره زیبایی برخوردار بود و مانند آن‌ها. اما اهمیت تعیین کننده الگوها سبب شد تا بشر طی چند دهه اخیر، برای تحقق بیش از پیش اهدافش، رو به پردازش الگوهای فرآگیرتر و قدرتمندتری بیاورد، از این رو با ادغام دو جریان ورزشی و هنری، در صدد پردازش الگوهایی دو بُعدی برآمد. به عنوان مثال، آرنولد که چندین بار قهرمان پرورش اندام در سطح جهان شده بود، پا به عرصه هنر نهاد و در فیلم‌های سینمایی نقش‌آفرین واقع شد.

در موج جدید پردازش الگوها، به فرض اگر کسی علاقه‌مند به مسایل ورزشی بود، پای فیلم افرادی همچون آرنولد، استالونه، بروس لی و نظایر آن‌ها می‌نشست و فیلم آن‌ها را می‌دید و اگر کسی هم علاقه‌مند به هنر سینما بود، باز پای همان فیلم‌ها نشست و به کاربری از همان فیلم‌ها می‌پرداخت.

بررسی روند پردازش الگوها در حال حاضر بیانگر آن است که اهمیت وافر الگوها، سبب شده است که برخی از نهادها و جریان‌های اجتماعی در پی محقق کردن بیش از پیش اهداف خودشان، در صدد پردازش الگوهای چند بُعدی برآیند. از همین رو، روند پردازش الگوها پس از تبدیل الگوهای یک بُعدی به دو بُعدی، از حالت اخیر به پردازش الگوهای چند بُعدی سوق یافته و ارتقاء پیدا کرده اند.

<sup>۱</sup> - طبرسی، ابوعلی افضل ابن الحسن (؟). مجمع البیان. ترجمه حاج شیخ محمد رازی. ۱۳۶۵. ج ۲۵. تهران: فراهانی.

از جمله نهادهایی که در پردازش الگوهای چند بعدی موفق عمل کرده اند، می‌توان از کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت (کمپانی گروه کی‌پاپری بی‌تی‌اس) یاد کرد. این کمپانی در جریان شکل دادن به گروه خویش، از آغاز، پردازش الگوهای چند بعدی را مدنظر قرار داده و عملی ساخته است. کمپانی بیگ‌هیت در گام نخست برای شروع فعالیت خویش، پسرانی «زیبا رو» را برای تشکیل گروه خود گزینش کرد. افراد زیباروی اخیر، طی سال‌ها کارآموزی در زمینه‌های خوانندگی، رقص، رسانه، بازیگری و مانند آن، هم‌زمان با اجرای آهنگ‌های خویش، به نمایش «رقصی پرهیجان» نیز می‌پردازند که نمایش دشوار اخیر از عهده افراد عادی خارج است.

پسران بی‌تی‌اس علاوه بر اجراهای پرهیجان و باشکوهی که دارند، با ارایه آهنگ‌هایی که ناظر بر مسایل و مشکلات دوران جوانی و جوانی افراد است، خود را به صورت «مدافع جوانان» به نمایش کشیده و با دادن رهنمود در مورد عصیان علیه ارزش‌های نسل بزرگسال خود را به صورت «گروهی روشنفکر» تثبیت کرده و با ارایه رهنمود در مورد چگونه ادامه دادن و چگونه زیستن در جهان دشواری که جوانان را دربر گرفته است، با طرح حمایت تام خویش از جوانان، خود را به صورت «منجی جوانان» مطرح می‌سازند.

---

۱ - کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، در سال ۲۰۱۰ گروه بی‌تی‌اس را شکل داد و با پا به عرصه نهادن این گروه در سال ۲۰۱۳ تا به حال، گروه بی‌تی‌اس به موفقیت‌های قابل توجهی در سطح جهان دست یافته است.

«مدیرعامل کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، بانگ شی - هیوک با این اندیشه که جوانان امروز نیازمند قهرمانانی هستند که بدون آن که آنان را از موضع بالا موعظه کنند، تکیه‌گاه آنان قرار گرفته و دست به همراهی با آنان بزنند» (ویکی‌پدیا)، به گروه بی‌تی‌اس (که با نام بنگتن بویز نیز شناخته می‌شود)، شکل داد.

شوگا یکی از اعضای ۷ نفره گروه بی‌تی‌اس نیز در مصاحبه‌ای خاطرنشان می‌کرد، ما برای آن که با مخاطبان خودمان هم‌دلی ایجاد کنیم، در صدد بیان داستان‌هایی برآمدم که مردم تمایل به شنیدنشان داشتند، یعنی داستان‌هایی از عواطف و احساسات آنان و طرح اضطراب‌ها، نگرانی‌ها و دردهای مردم، چیزی که دیگران کمتر به طرح آن‌ها می‌پرداختند.

اندیشه‌های اخیر سبب شد، گروه بی‌تی‌اس، فضایی نسبتاً متفاوت از گروه‌های پاپ کره‌ای را رقم بزند و در این مسیر با استقبال داخل و خارجی گسترده‌ای روبرو شود.

«رتبه اول آهنگ خون، عرق و اشک در تمامی جداول کره جنوبی، رتبه اول آهنگ نقشه روح: ۷، در صدر جداول ۱۰۰ آهنگ داغ و جدول بیلبورد ۲۰۰، شکستن رکورد پربیننده‌ترین نمایش اولیه یوتیوب و شکستن بیش‌تر از ۱۰۰ میلیون بازدید آهنگ طی ۲۴ ساعت پس از انتشار و دریافت ۱۲ جایزه در جشنواره موسیقی بیلبورد، تنها قسمتی از دستاوردهای قابل توجه گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌روند» (ویکی‌پدیا). تبدیل شدن اعضای گروه به الگوی بسیاری از نوجوانان و جوانان از دیگر دستاوردهای گروه بی‌تی‌اس کمپانی بیگ‌هیت است.

اما کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت و گروه بی‌تی‌اس آن، ورای دستاوردهای قابل توجه اخیر، از ابعاد ناشناخته‌ای نیز برخوردارند که مجموعه حاضر کوشیده است تا با مصاحبه میدانی با طرفداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس، از آن‌ها پرده بردارد و در کنار ارزیابی موفقیت‌های جهانی اخیر، اهداف آشکار و پنهان اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی - عقیدتی، روان‌شناختی و زیباشناختی کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت و گروه بی‌تی‌اس آن را عمیق‌تر واکاوی کند.

از سوی دیگر پسران گروه بی‌تی‌اس، هم‌زمان با تلاش در جهت ارایه تولیدهایی برای «پرکردن فراغ‌بال هواداران و سرگرم کردن آنان»، دست به «ایجاد روابطی عمیق با هواداران» زده، به فرض شعار می‌دهند: «اگر شما هیچ پناهی ندارید، ما در سؤال در اندیشه شما هستیم و شما می‌توانید ما را همواره پشتیبان و یاور خودتان ببینید».

اقدام‌های «نوع‌دوستانه و به ظاهر نوع‌دوستانه» گروه بی‌تی‌اس از سویی و «فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی» آنان از سوی دیگر، جذابیت‌های دیگری هستند که گروه کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت از آن برخوردار است و در نهایت، پسران با پرهیز از ازدواج و یا حتی گذاشتن یک قرار ملاقات با جنس مخالف، به شکل غیرمستقیم خود را به صورت «عشق» و «همسر بالقوه مخاطبان دختر» خویش مطرح می‌سازند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس را به صورت الگوهای چند بعدی (زیبا، سرشار از هیجان، با صدایی زیبا، نوع‌دوست، با توجهات اجتماعی-سیاسی، روشنفکر، منجی جوانان و مانند آن) مطرح می‌سازد که شاید در طول پردازش الگوهای بشری، مشابه آن‌ها یافت نشود. بررسی شواهد میدانی در سطح هواداران گروه بی‌تی‌اس، حکایت از اثرگذاری فوق تصور این گروه بر مخاطبان خویش، خاصه هواداران مؤنث، دارد.

بررسی‌های مقدماتی پژوهشگر و دانشجویانش در زمینه شناخت اثرات گروه بی‌تی‌اس بر هوادارانش، بیانگر آن است که گاه تشکل‌های هواداری قدرتمندی در سطح طرف‌داران گروه بی‌تی‌اس شکل گرفته است که به فرض با عرضه ۸ ساعت ویدیوی سفر سالانه پسران بی‌تی‌اس (بن ویاژ) در فضای مجازی، تنها یک گروه ۳۰ نفره مترجم از یک تشکل هواداری، هم‌زمان تمامی شب روی ترجمه فیلم‌های پسران گروه کار می‌کنند و با اتمام ترجمه، محتوای تهیه شده را به دست ویراستاران گروه سپرده، می‌خواهند تا جمع ویراستارها نیز پس از ویرایش نهایی متن تهیه شده، آن را برای بارگذاری به دست جمع سوم تیمشان بسپارند و خودشان به استراحت بپردازند و گروه بارگذاری نیز بلافاصله، با بارگذاری محتوای تهیه شده در فضای مجازی، آن را به دست خیل هواداران گروه بی‌تی‌اس می‌رساند. به همین ترتیب در موارد متعددی مشاهده شده است که برخی از هواداران، با نشر آهنگ‌های جدید بی‌تی‌اس، برای آن که آهنگ گروه مورد علاقه‌شان در سایت‌های مطرح موسیقایی جهان، از رتبه بالایی برخوردار شود و یا جوایز انتخاب‌های مردمی را ببرند، «به شکل ۲۴ ساعته شروع به گوش کردن آهنگ مورد نظر کرده» یا «به کار رأی دادن پرداخته‌اند» تا به این ترتیب با افزایش دفعات کاربری از آهنگ مورد نظر، میزان آرای آن (استریمینگ) افزایش یافته، رتبه بالایی را در سایت‌های مطرحی مانند بیلبورد، اسپاتیفای و نظایر آن‌ها به دست بیاورند یا جوایز انتخاب‌های مردمی را از آن خود سازند.

یکی از دانشجویان نگارنده، در گزارش خویش خاطرنشان می‌ساخت، وقتی وی برای گردآوری داده‌های مورد نظرش، به یکی از دبیرستان‌های دخترانه مراجعه کرده بود، ملاحظه کرد، قریب به نیمی

از دانش‌آموزان مدرسه گریه می‌کنند و وقتی وی با شگفتی جویای این امر شده بود که آیا کسی از کادر آموزشی شما در گذشته است که شما این چنین بی‌تابی می‌کنید، دانش‌آموزان به وی پاسخ داده بودند که «نه، جین - یکی از پسران عضو بی‌تی‌اس - به سرپازی رفته است!»

دختران زیادی در جریان مصاحبه‌هایشان اظهار می‌داشتند: «حاضرند جانشان را برای پسران گروه بدهند»، «در مواجهه با نفرت پراکتان گروه‌های رقیب، دچار حمله ترس (پنیک) شده‌اند»، «حاضر است کلیه‌اش را بفروشد و بهای آن را برای یک شب به سر بردن نزد جیمین، بپردازد»، «سر این که فلان آیدول (ستاره)، شوهر من است، با دیگر دانش‌آموزان به دعوا و مرافعه و گیس و گیس‌کشی در مدرسه پرداخته‌اند»، «سفارش تهیه داستان‌های هرزه‌نگار (فن‌فیکشن‌های اسمات) با محوریت خود و یکی از پسران گروه را به افرادی که از قلم‌گیری برخوردارند، داده‌اند»، «خانواده خودشان را تهدید کرده‌اند که آن‌ها را به کره جنوبی (موطن بی‌تی‌اس) بفرستند، وگرنه خودکشی خواهند کرد»، «دست به برگزاری گردهمایی (میتینگ)های بزرگ با حضور ادمین کانال‌های بی‌تی‌اس، ادمین صفحات بی‌تی‌اس، کلسیونرها (کالکشنرها) بی‌تی‌اس، داستان‌نویس‌ها (فن‌فیک یا فن‌فیکشن)های بی‌تی‌اس و هواداران (فن‌های) ساده، برای تجلیل از پسران گروه در ایران زده‌اند»، «دست به تمرین ۵-۶ ساعت رقص در روز می‌زنند تا حداقل به عنوان رقاصان پس‌صحنه اجرای بی‌تی‌اس پذیرفته شوند»، «با شنیدن شایعه رابطه ستاره مورد علاقه‌شان با یک دختر، به اندیشه خودکشی افتاده‌اند» و «به گونه‌ای حرف می‌زنند که انگار با ستاره مورد نظرشان ازدواج کرده‌اند» و یا حتی «داعیه باردار شدن از ستاره مورد نظرشان را دارند».

بررسی میدانی مقدماتی گروه پژوهش دلالت بر آن داشت که دانش‌آموزان قابل توجهی (حتی در مقطع دبستان) فراگیری خودآموز زبان کره‌ای را شروع کرده، برخی در حدی با این زبان آشنا شده‌اند که به راحتی متن‌های به زبان کره‌ای را ترجمه کرده و یا اصولاً صفحه اینستاگرامی خویش را با نوشتار کره‌ای اداره می‌کنند.

فروش بالای کتاب‌های آموزش زبان کره‌ای (پس از کتاب‌های زبان انگلیسی) در جامعه، شاهد مثال بارز دیگری در موفقیت گروه‌های کی‌پاپ و خاصه گروه بی‌تی‌اس در سطح نوجوانان و جوانان جامعه است و این در حالی است که وقتی دانش‌آموزان دبیرستانی، روی صفحه رایانه‌های مدرسه‌شان، تصویر اعضای ۷ نفره پسران گروه بی‌تی‌اس را می‌گذارند، اولیای آموزشی مدرسه یا آن‌ها را نمی‌شناسند و یا به سادگی از کنار علت و دلیل این امر، عبور می‌کنند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، نگارنده را بر آن داشت تا در جهت روشنگری در امر تحول‌های پدید آمده در پردازش الگوها در جهان معاصر اقدام کند که در پی این امر با همراهی دانشجویانش، به پژوهش در این جهت پرداخت!

۱- درباره روش پژوهش حاضر باید بیان داشت که در این تحقیق، روش پژوهش، روش کیفی بوده است.

گاهی پژوهش‌گران حوزه‌های انسانی با مسأله‌ها و پرسش‌هایی رو به رو می‌شوند که امکان پاسخ‌گویی آن‌ها با کمک روش‌های معمول پژوهش میسر نیست. معمولاً در این پرسش‌ها مؤلفه‌ها و مفاهیمی وجود دارد که نمی‌توان به راحتی آن‌ها را تعریف کرد، یا سابقه‌ای از موارد مشابه آن‌ها در متون قبلی وجود ندارد و بر این اساس نمی‌توان فرضیه‌ای تدوین کرد و در نتیجه نمی‌توان به آزمون فرضیه پرداخت. پژوهش کیفی برای پاسخ به شرایط اخیر، مناسب‌ترین گزینه است.

اجرای پژوهش کیفی فرآیندی غیرخطی است و قسمت‌های مختلف آن بیش از آن که در پی یکدیگر قرار گیرند، در کنار هم قرار می‌گیرند. به تعبیر دیگر، در پژوهش کیفی هم‌زمان با گردآوری داده‌ها تحلیل نیز آغاز می‌شود و این فرآیند تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهش‌گر به نقطه اشباع برسد. منظور از نقطه اشباع زمانی است که می‌توان از کیفیت و کفایت (بستگی) داده‌های گردآوری شده برای رسیدن به تحلیلی دقیق اطمینان یافت.

رویکرد پژوهش کیفی در این پژوهش روش داده‌بنیاد بود. روش داده‌بنیاد، روش مناسبی برای پژوهش در حوزه‌هایی است که دانش اندکی درباره آن‌ها در دسترس است.

نظریه‌پردازان نظریه داده‌بنیاد، سعی بر آن دارند که درکی از فرایندهای مرتبط با موضوع‌های بنیادی به وجود آورند. در همه پژوهش‌های کیفی محقق باید یافته‌های خود را که بیش‌تر جنبه تفسیری دارند، بدون تکیه بر روش‌های آماری، به نحو متقاعد کننده‌ای گزارش کنند.

معمولاً کتاب‌های روش تحقیق کیفی در مورد حجم نمونه مورد بررسی ارقام ۸، ۱۲ و یا ۲۰ مصاحبه کیفی عمیق را در مورد مسأله مورد بررسی پیشنهاد کرده‌اند که به زعم پژوهش‌گر، این ارقام به چند دلیل در ایران درست جواب نمی‌دهند.

دلیل نخست را می‌توان در تفاوت روند جامعه‌پذیری در غرب و در ایران خلاصه کرد، به این معنا که به نظر می‌رسد روند جامعه‌پذیری در ایران، روندی دشوار و بعضاً متناقض است، در حالی که در غرب چنین نیست. به عنوان مثال، آنچه خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در ایران به کودک یا جوان القا می‌کنند، خط‌مشی‌هایی ناهمگون است. به تعبیر دیگر، در ایران اولیا از فرزند می‌خواهند، وی تنها به فکر بیرون کشیدن گلیم خویش از آب باشد، اولیای آموزشی در مدرسه به دانش‌آموز مستقیم و غیرمستقیم القا می‌کنند که وی باید ایثار، جهاد و شهادت را در دستور کار خود داشته باشد و سرانجام همین فرد در جامعه شاهد آن است که فساد اقتصادی در جامعه شکل نظام‌مند به خود گرفته و بسیاری از مسوولان و نزدیکان آنان در زمینه رانت‌خواری با یکدیگر مسابقه نهاده‌اند، از این رو روند جامعه‌پذیری در ایران با دشواری و تنگنا پیش رفته و محقق می‌گردد، در حالی که نهادهای خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در غرب، در غالب موارد به گونه‌ای یک‌دست و هماهنگ عمل می‌کنند.

دلیل بعدی احتیاط در افزایش حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی در ایران را باید در عدم حمایت مالی بسیاری از پژوهش‌ها در ایران دید. به این معنا که به فرض در غرب، پژوهش‌گر خود را موظف می‌داند، در برابر گرفتن وقت مصاحبه‌شونده، با پرداخت وجهی، قدردانی لازم را از همکاری و صرف وقت فرد مصاحبه شده انجام دهد، در حالی که این امکان در ایران، در غالب موارد میسر نیست و همین مسأله سبب می‌شود، مصاحبه‌شوندگان به ویژه در پژوهش‌های کیفی که مستلزم صرف وقت کافی است، حاضر به صرف وقت مناسب نشده، مصاحبه خود را زودتر از حد لازم به پایان برسانند. ترس سیاسی پاسخ دهندگان در محیط ایران - که البته در این پژوهش به میزان نسبتاً کمی مطرح بود- و بی‌حوصلگی، عدم تمرکز و پاسخ‌های بعضاً متعارض پاسخ دهندگان - که در پاسخ‌دهندگان کم سن، طبیعی است- از دیگر مشکلات پژوهش کیفی به شمار می‌روند.

روند تهیه مجموعه حاضر به این ترتیب بود که نگارنده، پس از آموزش مقدماتی روش کیفی داده بنیاد به دانشجویانش در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، و پس از ارایه برخی از اطلاعات اولیه در مورد اهمیت الگوها و چگونگی پردازش الگوهای گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی بیگ‌هیت به دانشجویان، از آنان می‌خواست تا در برخورد با هواداران این گروه، دست به مصاحبه عمیق با آنان بزنند و دیدگاه‌های آنان در ارتباط با فراز و فرودهای کمپانی بیگ‌هیت، گروه بی‌تی‌اس و هواداران این گروه را جويا گردند.

در پژوهش حاضر، مصاحبه‌های انجام شده از نمونه‌های در دسترس بهره جسته، اما در شهرهای مختلف ایران صورت پذیرفته است. شرط انجام مصاحبه نیز هواداری و شناخت کافی از گروه بی‌تی‌اس بود.

سازمان‌بندی اولیه پژوهش حاضر، شامل «بررسی ابعاد آشکار و پنهان کمپانی بیگ‌هیت» (کمپانی مالک گروه بی‌تی‌اس)، «بررسی ابعاد آشکار و پنهان گروه پسران بی‌تی‌اس» و «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس» بود.

پس از گردآوری اطلاعات میدانی لازم، اطلاعات گردآمده، در دو زیر مجموعه ارایه گردیدند. زیر مجموعه نخست، شامل مصاحبه‌های انجام شده حول محورهای «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس» (۲۳ مصاحبه)، «ابعاد آشکار و پنهان گروه بی‌تی‌اس» (۱۲ مصاحبه) و «ابعاد آشکار و پنهان کمپانی بیگ‌هیت» (۱۲ مصاحبه) بود که پس از درج کامل اظهارات دانش‌آموزان و دانشجویان<sup>۱</sup> مصاحبه شده، در یک بررسی کیفی مقدماتی با روش داده بنیاد، جمع‌بندی لازم در مورد موضوع پژوهش، صورت پذیرفته است.

در زیر مجموعه دوم، اولاً با توجه به فیش‌های گردآوری شده از تمامی مصاحبه‌های انجام شده (۴۷ مصاحبه عمیق انجام شده در پژوهش) و ثانیاً با تحلیل برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس و ثالثاً با

---

مسائل اخیر سبب می‌شود، پژوهش‌گران ایرانی برای وقوف کامل به پدیده کیفی مورد نظر، آمار مصاحبه‌های عمیق خویش را افزایش دهند، همان‌گونه که در پژوهش حاضر، تعداد مصاحبه‌های مورد نظر برای گردآوری داده‌های تحقیق، بیش‌تر از موارد توصیه شده در کتاب‌های پژوهش کیفی در نظر گرفته شده است.

۱ - با توجه به سرعت تحولات اجتماعی از سویی و بی‌عنایتی به بررسی‌های پژوهشی در مورد مسائل انسانی- اجتماعی جامعه، در کلان نظام دانشگاهی و مؤسسات پژوهشی کشور، درج مصاحبه‌های انجام شده با جمعیت تحقیق، واجد این مزیت هست که ترسیمی هر چند نسبی از تحول‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی- عقیدتی و سیاسی آنان را به دست می‌دهد و اگر چه نگارنده در انتهای کتاب‌های یاد شده، با اتکاء به همین مصاحبه‌ها، دست به جمع‌بندی‌های لازم زده و بر همان مبنا، به ارایه رهنمود اقدام ورزیده است، اما این مصاحبه‌ها می‌توانند به عنوان یک ماده خام، مورد استفاده سایر پژوهشگران انسانی- اجتماعی قرار گیرند.

از این رو ارایه کامل مصاحبه‌های انجام شده، در برهوت تحقیقاتی ایران، به نظر می‌رسد، ابداع ارزشمندی باشد که به دیگر پژوهشگران مسائل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نوجوانان و جوانان در فهم بهتر تحول‌های نسل‌های جدید ایران، یاری خواهند رساند.

۱۶ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

استعانت از معدودی از پژوهش‌های انتقادی انجام شده در مورد گروه بی‌تی‌اس و برخی از منابع مربوط به تحول‌های نوجوانان و جوانان، موضوع‌های مورد نظر پژوهش، به شکل عمیق‌تری مورد بررسی قرار گرفتند و به این ترتیب کتاب‌های زیر مجموعه دوم، تدوین گردیدند. به تعبیر دیگر، زیر مجموعه نخست، بیش‌تر سنخ یک تحلیل داده بنیاد اصیل را دارد که بدون اتکاء به اطلاعات دیگر و صرفاً مبتنی بر یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده، به ارایه جمع‌بندی لازم پرداخته است، اما در زیر مجموعه دوم، سنخ تحلیل کیفی انجام شده، بیش‌تر متمایل به روش کیفی سه سویه‌سازی است که در آن اطلاعات حاصل از جمعیت تحقیق، با اطلاعات حاصل از معدود اسناد و مدارک موجود و نظریات دیگر پژوهشگران در زمینه موضوع پژوهش، مورد بررسی و استفاده قرار گرفته‌اند.

مجموعه حاضر شامل ۱۴ جلد کتاب است، عناوین کتاب‌های زیر مجموعه نخست به قرار زیرند:

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت

اینترتینمنت) (۲ جلد)

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره اعضای این گروه (۲ جلد)

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره هواداران این گروه (۳ جلد)

عنوان‌های کتاب‌های زیر مجموعه دوم به شرح زیر است:

- بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی‌تی‌اس (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) از منظر

هواداران ایرانی (۲ جلد)

- بررسی اهداف آشکار و پنهان گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)

- بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۳ جلد).

اثر حاضر در دو جلد، شامل مقدمه، ارایه ۱۲ مصاحبه انجام شده با محوریت فراز و فرودهای کمپانی

بیگ‌هیت اینترتینمنت و جمع‌بندی مباحث ارایه شده، در مصاحبه‌های درج شده در کتاب است.

عناوین مصاحبه‌های درج شده در دو جلد تهیه شده با موضوع کمپانی بیگ‌هیت، به قرار زیرند:

- «متن آهنگ‌های بی‌تی‌اس اکثراً از فضای آهنگای جنسی و عاشقانه و صرفاً بیس‌دار آمریکایی،

اروپایی خیلی فاصله داشت و توی متن آهنگ‌ها، یک مفهوم فلسفی یا روان‌شناسی گنجانده شده بود.

این از مهم‌ترین علت‌هایی بود که به بی‌تی‌اس جذب شدم» (مصاحبه با ریحانه، ۲۱ ساله)،

- «کل تمرکز این آلبوم لاو یورسلف روی این بود که خودت رو همین جور می‌دوست

داشته باش و من مثلاً ی بارزش رو می‌دیدم، یعنی مثلاً طرف می‌گفت که من واقعاً می‌خواستم همه

چی رو تموم بکنم و خودم رو بکشم، ولی با شنیدن این آلبوم، از این کار منصرف شدم» (مصاحبه با

کوثر، ۲۵ ساله)،



- «گروه هفت نفره اعضاء بی‌تی‌اس ظاهراً مذکر هستند، اما فاقد هویت جنسی قطعی هستند. از قضا، این مسأله، یعنی هویت مرزی جنسی، یکی از محورهای شکل‌گیری پروژه بی‌تی‌اس هست» (مصاحبه با عرفان، ۲۱ ساله)،

- «کاپیتالایسم و موسیقی مارکتی میان جایزه‌های مختلف می‌ذارن... نمی‌دونم چندمدل رأی‌گیری و استریم زدن وجود داره، توی اسپاتیفای، توی یوتوب، توی توییتر و توی پلتفرمای مختلف و این که تو بخوای واردش بشی، وارد یه سیکل معیوبی می‌شی که دائماً در حال رأی‌گیری هستی...» (مصاحبه با مه‌لقا، ۱۹ ساله)،

- «تازه بعد از دیو، بخش دارک این صنعت موسیقی رو می‌بینند، این که مجبورند یه سری نمادها رو نشون بدن به خاطر قراردادهایی که کمپانی‌ها با ایلومیناتی می‌بندند، این که مجبورند یک شخص دیگه باشن» (مصاحبه با سحر، ۱۵ ساله)،

- «جونگ‌کوک که رسانه‌های کره‌ای به اون لقب «پادشاه سولداوت» رو دادن، بار دیگه محبوبیت و قدرتش رو در این زمینه ثابت کرد و دو تیشرتی که یکی در لایو جیهوپ و دیگری لباسی که در سامر پکیج به تن داشت، در سریع‌ترین زمان ممکن سولداوت شدند» (مصاحبه با فرشته، ۱۸ ساله)،

- «در واقع این طور تعبیر می‌شه که سلبریتی‌ها روحشون رو به شیطان می‌فروشن» (مصاحبه با شکوفه، ۱۸ ساله)،

- «... خواننده‌ها و بازیگرا و سلبریتی‌ها هم قبول می‌کنن و یه قراردادی رو امضاء می‌کنن که باید اون رو با خون خودشون امضاء کنن. بعد از اون قرارداد، باید چندتا مراسم انجام بدن و به این کارا می‌گن، فروختن روح به شیطان» (مصاحبه با حدیث، ۱۴ ساله)،

- «از این طریق کسی که به زبان کره‌ای مسلط‌تر باشه، توسط سفارت انتخاب می‌شه، جایزه می‌گیره و راه‌هایی جلوی پاش می‌ذارن که راحت‌تر بتونه به کره سفر کنه و کم‌کم اون رو جذب کشور کره می‌کنن» (مصاحبه با ترانه، ۱۸ ساله)،

- «الآن بچه‌های ما تو مدرسه خیلیاشون این جور هستن و سر آیدولا باهم دیگه دعوا می‌کنن که فالانی واسه منه و شوهر منه و اینا یا حتی اونا که هم جنس‌گرا هم هستن یه جور دیگه تصور می‌کنن خودشون رو با اینا، چون بالاخره اینا هر دو گرایش رو به نمایش می‌گذارن دیگه» (مصاحبه با صبا، ۱۶ ساله)،

- «مثلاً تو خیابوناشون می‌رن فیلم می‌گیرن از خودشون و یه چند نفر دیگه و مثلاً لبخند می‌زنن و با افراد عادی جامعه سلام و احوال‌پرسی می‌کنن و باهاشون عکس می‌گیرن تا بگن مردم ما چه قدر حال‌شون خوبه و تو این کشور همه چی عالیه» (مصاحبه با سمانه، ۱۷ ساله)،

- «ما یه جایی داریم به نام مجیک شاپ که یه آهنگم ساختن ازش و اونجا جاییه که یه آرمی می‌تونه خودش باشه، کنار پسرا توی رؤیاهاش و خب یه جورابی اونجا پسرا منتظرمون ان» (مصاحبه با ریحانه، ۱۷ ساله)،

- «صمیمیت بی‌تی‌اس اینه که بیست و چهار ساعته نگران آرمی‌ها هستن و کلی تلاش می‌کنن که بهترین خودشون رو به آرمی نشون بدن. حرف‌هایی رو به آرمی می‌زنن که هیچ کس نمی‌گه و انگیزه زیادی بهم می‌دن با این که من رو ندیدن و نمی‌شناسن» (مصاحبه با راضیه، ۱۵ ساله).  
عناوین حاصل از مصاحبه‌های انجام شده که در جمع‌بندی پژوهش درباره کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت آمده‌اند، به قرار زیر است:

«پردازش قدرت‌مند گروه بی‌تی‌اس»، «ارایه محتواهای جذاب»، «پردازش پرهیجان و پرشکوه صحنه‌های اجرا»، «تبلیغات کمپانی برای گروه بی‌تی‌اس»، «بخشیدن وجهه اجتماعی - سیاسی به گروه»، «ایجاد ارتباط عمیق بین ستاره‌ها و هواداران»، «اهداف کمپانی بیگ‌هیت» (اهداف اقتصادی، اهداف فرهنگی، اهداف اجتماعی، اهداف سیاسی، اهداف اخلاقی - عقیدتی، اهداف زیست محیطی، اهداف زیباشناختی، اهداف روان‌شناختی).

در خاتمه باید از دانشجویان محترم کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری که در امر پژوهش میدانی گسترده تحقیق، به نگارنده یاری رسانده و وی را رهین منت خویش کردند، سپاس‌گزاری داشته باشم. عزیزان همکار در تهیه مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

آتنا رعیتی، آلا سیاحی، امیرحسین عمویی، پرنیان بحرینی، پریسا عزیزآبادی فراهانی، پویان عزتی - زاده، پیمان اصغری، ثمین مرادی، جواد بشردوست، حانیه یاسمن، درناز دشتی‌زاده، زهرا بزرگی، زهرا خجوی، زهرا قاضی زاهدی، زینب‌سادات موسوی، ساجده فرخی، ستاره ورزشی، سعید علوی، سینا هداوند، صدف سادات حقیقت‌زاده، عارفه جامه بزرگ، عسل یمینی، علی امینی، علی دراج، علی شهباز، فاطمه ایمانی، فاطمه رضانی، فاطمه سیادت، فاطمه قلی‌زاده، فاطمه کرمی‌زاده، فاطمه یاری‌سعدی، مایده طاهری، مایده واعظی، مبینا رهگشای، مجید طهماسبی، محمدحسین دستورانی، محمدکاظم آذرکمان، مرضیه حمیدی، مرضیه دمرچی‌لو، مریم حسینی، مریم خوانساری، مریم فرشاد، مریم قربانی، معید مطهری، ملیکا ابراهیمی، مهتا شیردل، مهرگان نظام اسلامی، مهسا فرمانی، مهشید محمدلو، مهناز سرمستی، المیرا داودخانی، المیرا قاسمی، میرمحمد مشرقی، مینا مردای تبار، نرجس رحمتی، نسرین جعفری، نگین شه‌ریاری و نیکا مهدی‌زاده.

زحمت تایپ کتاب نیز بر عهده خانم اکرم مظاهری بود که از ایشان نیز تشکر و قدردانی می‌گردد. اجرشان مأجور باد.

## مصاحبه با ریحانه، ۲۱ ساله

متن آهنگ‌های بی‌تی‌اس اکثراً از فضای آهنگای جنسی و عاشقانه و صرفاً بیس‌دار آمریکایی-اروپایی خیلی فاصله داشت و توی متن آهنگ‌ها، یک مفهوم فلسفی یا روان‌شناسی گنجانده شده بود. این از مهم‌ترین علت‌هایی بود که به بی‌تی‌اس جذب شدم.

- سلام!

سلام.

- حالت خوبه؟

مرسی شما خوبین؟

- ممنون. خب... خودت رو معرفی می‌کنی، اسمت چیه و چند سالته؟

ریحانه، بیست و یک سالمه و ترم پنج رشته هنر هستم.

- خوشحالم باهات آشنا شدم. منم زینب هستم.

سلام زینب، خوشبختم.

- خب... اجازه می‌دی مصاحبه خودمون رو شروع کنیم؟

آره، حتماً.

- ریحانه شما از چه زمانی با کی‌پاپ آشنا شدی؟

از سال آخر دبیرستانم. یعنی هیجده سالگی.

- چه طور باهاشون آشنا شدی؟

من گاهی توی اینستا می‌چرخیدم. ویدیوهای کوتاه از موزیک‌ویدیوهاشون رو دیدم و با فن‌هاشون

آشنا شدم و اول از سبک موزیک ویدیوهاشون و تنوعش خوشم اومد، کم‌کم توی یوتیوب سرچ کردم

و اطلاعات بیش‌تری درباره‌شون کسب کردم.

---

۱ - کی‌پاپ یا پاپ کره‌ای - به انگلیسی K-pop - کوتاه شده‌ی کلمه‌ی Korean popular music یک ژانر از موسیقی عامه‌پسند بوده و خاستگاه آن کره‌ی جنوبی است. این ژانر تحت تأثیر سبک‌ها و ژانرهای مختلفی از سراسر جهان بوده‌است؛ از آن جمله می‌توان به اکسپریمنتال، راک، جاز، گاسپل، هیپ هاپ، آر اند بی، رگی، رقص الکترونیک، فولک، کانتری و کلاسیک، علاوه بر ریشه‌های موسیقی سنتی کره‌ای آن اشاره کرد. فرم مدرن‌تر این ژانر، به‌دنبال تشکیل یکی از نخستین گروه‌های کی-پاپ، سئو تای‌جی اند بویز (Seo Taiji and Boys) در سال ۱۹۹۱ ظهور یافت. استفاده از سبک‌ها و ژانرهای موسیقی متفاوت توسط این گروه و تأثیرپذیری از عناصر موسیقی خارجی، به شکل‌گیری دوباره و مدرن‌شدن عرصه موسیقی معاصر کره کمک کرد.

۲ - Fan - طرفدار - شخصی که یک شخص دیگر یا چیزی را تحسین می‌کند و از نگاه کردن یا گوش دادن به او لذت می‌برد.

۲۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- پس از اینستاگرام بوده. بیش‌تر شنیدم که از طریق دوستانشون آشنا می‌شن با کی‌پاپ. از اطرافیان کسی طرفدارشون نبود؟  
چرا بود. ولی خب من اصلاً از طریق دوستانم بهشون جذب نشدم. کلاً از سلايق دوستانم تأثیرپذیری کمی داشتم.

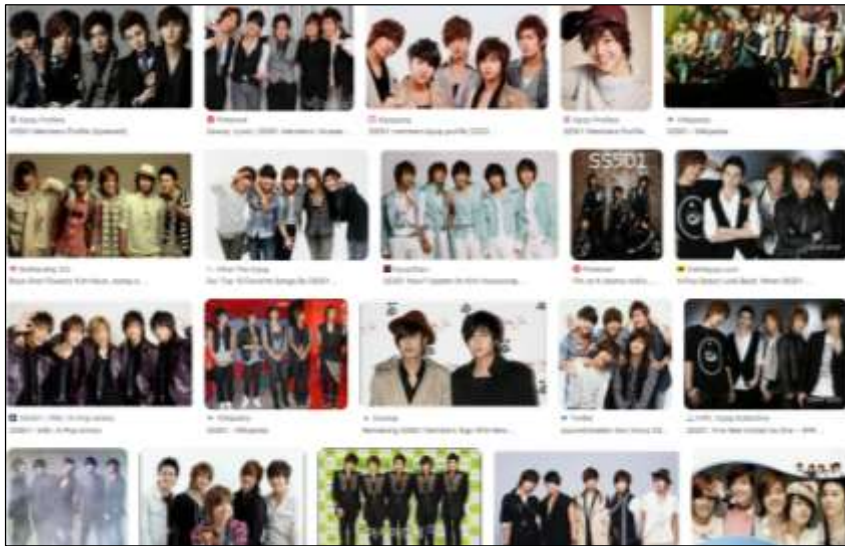
بعد از این که خودم شخصاً با کی‌پاپ آشنا شدم و تقریباً اطلاعات متوسط و پایه‌ای رو فهمیدم، انگار یک نقطه‌ی اشتراک با همون یکی، دو نفر از دوستانم پیدا کردم و محدوده‌ی علاقه‌ام به کی‌پاپ و بی‌تی‌اس و اطلاعاتم رو گسترده‌تر کردم.

- همون طور که باعث شد با بقیه دوست بشی، باعث شد از بقیه‌ی افراد هم فاصله بگیری؟  
برای من به شخصه، خیر. باعث نشد از اطرافیانم فاصله بگیرم. اتفاقاً باعث شد با دیدگاه بازتر و بی‌طرفانه‌تری با اطرافیانم ارتباط برقرار کنم و توانایی‌های اجتماعیم پیشرفت خوبی داشته باشن.  
- ریحانه از تاریخچه کی‌پاپ چی می‌دونی تا در ادامه به بی‌تی‌اس برسیم.

بین کی‌پاپ، مسأله‌ی جدیدی در جامعه‌ی ایران نیست. کی‌پاپ بیش‌تر از ۱۵ سال پیش با گروه‌هایی مانند سوپرجونیور، دابل اس فایو او وان<sup>۲</sup> و اس ان اس دی<sup>۳</sup> و صنعت کی‌دراما و سریال‌هایی مانند پسران فراتر از گل<sup>۴</sup>، رؤیای بلند<sup>۵</sup> و تو زیبایی<sup>۶</sup> به نوجوانان و جوانان ایرانی معرفی شد.



- ۱ - سوپرجونیور (Super Junior) گروه موسیقی پسرانه اهل کره جنوبی است که در سال ۲۰۰۵، توسط لی سو-مان، مؤسس اس.ام. اینترتینمنت، شکل گرفت. این گروه در ابتدا با حضور ۱۳ عضو، لیتوک، هیچول، هان‌گنگ، یسونگ، کانگین، شیندونگ، سونگمین، اونهیوک، دونگهه شیوون، ریووک و کیبوم آغاز به کار کرد. کیوهیون نیز در سال ۲۰۰۶ به گروه پیوست. سوپرجونیور در سال ۲۰۰۹، با انتشار تک‌آهنگ موفق «بیخشید، ببخشید» از آلبومی با همین عنوان، در سطح بین‌المللی مطرح شد و عنوان «پادشاه موج کره (هالیو) و پادشاه کی‌پاپ» را از آن خود کرد و ۳ سال متمادی جایگاه «پرفروش‌ترین هنرمند» کی‌پاپ را حفظ کرد.
- ۲ - دابل اس ۵۰۱ (SS501) گروه خواننده پسرانه در کره جنوبی بوده است؛ که توسط کمپانی دی اس پی تشکیل شده بود. این گروه از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ فعالیت داشتند.
- ۳ - گرلز جنریشن (Girls' Generation) که به اس‌ان‌اس‌دی نیز معروف است، یک گروه دخترانه اهل کره جنوبی است. این گروه توسط اس.ام. اینترتینمنت پایه‌گذاری شده و دارای هشت عضو به نام‌های ته‌یان، سانی، تیفانی، هیویان، یوری، سوپونگ، یونا و سوهیان است. در ابتدا و در سال ۲۰۰۷، گرلز جنریشن با نه عضو به عرصه موسیقی وارد شد، اما در سپتامبر ۲۰۱۴ بود که نهمین عضو گروه یعنی جسیکا، از گروه جدا شد. به عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های «موج کره‌ای» و یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های «کی‌پاپ» در سطح بین‌المللی، گرلز جنریشن تعداد بی‌شماری جایزه و عنوان‌های افتخاری از جمله «خوانندگان ملی» و «گروه دخترانه ملی» کسب کرده‌است.
- ۴ - پسران فراتر از گل‌ها (Boys over flowers) یک مجموعه تلویزیونی کره‌ای است که در سال ۲۰۰۹ توسط کانال کی‌بی‌اس ۲ ساخته شد. این مجموعه بینندگان بالایی در کره جنوبی داشت و یکی از محبوب‌ترین سریال‌ها در سراسر آسیا شد. بازیگران این مجموعه کو هائه سان، لی مین-هو، کیم هیون-جونگ، کیم بوم، کیم جون و کیم سو-اون هستند. پسران فراتر از گل‌ها از ۵ ژانویه تا ۳۱ مارس ۲۰۰۹ در ۲۵ قسمت از کی‌بی‌اس ۲ پخش شد.
- ۵ - رؤیای بلند (Dream high) نام مجموعه تلویزیونی کره جنوبی با بازیگری به سوزی از میس ای، کیم سو هیون، اوک تکیون از توپی‌ام، هاهم ایون جونگ از تی آرا، جانگ وو یونگ از توپی‌ام و آی یو است که در ۲۰۱۱ میلادی از شبکه کی‌بی‌اس ۲ پخش شد. این درام در بین نوجوانان بسیار محبوب بود و در طول دو ماه از پخش آن، در بین بینندگان رتبه بین ۱۸٪ تا ۲۰٪ را به دست آورد.
- ۶ - تو زیبایی (You are beautiful) عنوان مجموعه تلویزیونی محصول شرکت SBS کره جنوبی است. این مجموعه تلویزیونی با گرفتن بیش از چهار جایزه به عنوان بهترین مجموعه تلویزیونی کره در سال ۲۰۰۹ برگزیده شده‌است.





بیشتر دختران نوجوان (و تعداد کمی از پسران) در زمانی که اصولاً هیچ چیز چشم‌گیری در کشور وجود نداشت، با دیدن پسران و دختران زیبایی که می‌خواندند و می‌رقصیدند، وارد دنیای رنگارنگی شدند که به آن‌ها امید می‌داد. آن زمان در کی‌پاپ از زیبایی و کیفیتی که الآن به چشم می‌خورد، خبری نبود. آیدول‌ها لباس‌های عجیب و غریب می‌پوشیدند، مدل موهای خوبی نداشتند و آرایش‌های غلیظی می‌کردند. موزیک‌ویدیوها و آهنگ‌ها به زحمت گیر می‌آمد و اگر پیدا می‌شد هم بی‌کیفیت بود. خانواده‌ها هم نگران بودند که چرا فرزندشان یک‌باره این قدر به کشور کوچکی در شرق آسیا توجه نشان می‌دهد و جامعه هم رفتار خوبی با آن‌ها نداشت.

اما کی‌پاپ پر بود از آزادی، شادی و درک کردن. در زمانی که شاید خانواده‌ها و به طور کلی جامعه، شادی و آزادی را نوجوانان به ویژه دختران می‌گرفت، این نوجوانان در خانه با دیدن ویدیوهایی از پسران و دختران کره‌ای، راهی برای احساس شادی و امید پیدا کردند. خواننده‌هایی که می‌خواندند و می‌رقصیدند و در برنامه‌ها در کنار هم بازی می‌کردند و می‌خندیدند. برای طرفدارانشان ویدیو ضبط می‌کردند و با متن آهنگ‌هایشان به آن‌ها نشان می‌دادند که تنها نیستند و درک می‌شوند. نوجوانان در مدرسه به همین دلیل با دیگران آشنا می‌شدند و اوقات خوبی باهم داشتند. آهنگ‌ها و ویدیوهایی که به زحمت پیدا می‌شد را باهم رد و بدل می‌کردند و در مورد آن‌ها صحبت می‌کردند. در وبلاگ‌ها در موردشان می‌نوشتند و خبرهای‌شان را منتشر می‌کردند. برای همین آن نوجوانی که در ۱۵ سال پیش با کی‌پاپ آشنا شد، شاید الآن هم در سن ۲۵ یا حتی ۳۰ و بزرگ‌تر، هنوز هم طرفدار باقی مانده است و با بزرگ‌تر شدن، فراموششان نکرده.

با پیشرفت فناوری و در نتیجه آسان‌تر شدن دسترسی به محتوای صنعت کی‌پاپ، طرفداران حتی بیش‌تر هم شدند. در اینستاگرام، توییتر، تلگرام و یوتیوب، حالا با کیفیت‌های مختلف موزیک‌ویدیوها، آهنگ‌ها و برنامه‌های گروه‌های کی‌پاپ، به راحتی پیدا می‌شد. به خاطر این صنعت، برخی از نوجوانان به دلیل علاقه وافری که به آن یافته بودند، اقدام به یادگیری زبان کره‌ای به عنوان زبان سوم خود کردند، برخی در ادیت عکس و فیلم توانایی نشان دادند، بعضی هم در نوشتن متن و داستان. برخی با هنرهایی که از قبل داشتند، توانسته بودند با فروش محصولاتی مرتبط با کی‌پاپ، کسب درآمد کنند و

از نوجوانی خودشان منبعی برای کسب درآمد داشته باشند و مستقل شوند. گروهی از هواداران با جدیت درس می‌خوانند تا برای تحصیل به آن کشور بروند. نوجوانان رقص‌هایشان را یاد می‌گیرند، به دیگران یاد می‌دهند و با آهنگ‌هایشان ورزش می‌کنند. طرفداران گروه‌های مختلف به بهانه‌هایی مانند تولد آیدول مورد علاقه‌شان و یا سالگرد گروه مورد علاقه‌ی خود، به خیریه‌ها کمک می‌کنند. حتی گاهی در جنبش‌های اجتماعی کشور به خاطر زیاد بودن‌شان مؤثر واقع می‌شوند. همه‌ی این‌ها در حالی انجام می‌شود که این طرفداران، احتمالاً هیچ وقت از نزدیک آن‌ها را نمی‌بینند و به کنسرت‌های آنان نمی‌روند. - خوب ریحانه، کلاً دلیل این که خودت جذب کی‌پاپ شدی، چی بود؟

راستش من از قبل به موسیقی‌های آمریکایی علاقه داشتم واقعاً. هنوزم دارم. ولی هیچ علاقه‌ای به موزیک ویدیوها و لیریک‌هاشون نداشتم. به نظرم اکثراً معنی‌های جالبی نداشتن و خیلی سطحی و بدون پیچیدگی و کانسپت خاصی به نظر می‌اومدن. بعد از این که چندتا کلیپ کوتاه از موزیک ویدیوهای کره‌ای دیدم، اول جذب فضای پر از تنوع و رنگ و موزیک ویدیوهای پر هزینه و چشمگیرشون شدم و این که توی همین موزیک ویدیوهای چند دقیقه‌ای، یک داستان و یک موضوع و چندین تئوری و تحلیل و عمق خوبی رو گنجونده بودن هم برام خیلی جذاب بود. چون به موزیک ویدیوهای بی‌محتوا و اکثراً جنسی و کم هزینه‌ی هالیوودی عادت کرده بودم و این مقدار از توجه روی محتواشون خیلی برام جدید و جالب بود و علاقه داشتم که ببینمشون، درباره‌شون بخونم و بدونم داستان پشت این صحنه‌ها و تصاویر و تحلیل‌هاش چیه.

مورد بعدی هم محتوای آهنگ‌ها بود. متن آهنگ‌های بی‌تی‌اس اکثراً از فضای آهنگ‌های جنسی و عاشقانه و صرفاً بیس‌دار آمریکایی، اروپایی خیلی فاصله داشت و توی متن آهنگ‌ها، یک مفهوم فلسفی یا روان‌شناسی گنجونده شده بود. این از مهم‌ترین علت‌هایی بود که به بی‌تی‌اس جذب شدم.

چون متن آهنگ‌ها بسیار قوی بودن و روی یک خط داستانی و محتوایی خیلی منسجم و خوب پیش می‌رفتند و توی هر آرایه و دوره‌ای توی کار موسیقی‌شون، به یک محتوای عمیق می‌پرداختن، مثل جوانی، مشکلات نوجوون‌ها، مشکلات سیستم آموزشی، پذیرفتن خود، دوست داشتن خود و تمام ابعاد خودمون.

---

۱ - بی‌تی‌اس (به انگلیسی: BTS، Bangtan Boys) و به کره‌ای (Bangtan Sonyeondan) که با نام بَنگْتَن بویز نیز شناخته می‌شود، گروه پسرانه‌ی هفت نفره‌ی اهل کره جنوبی است. تشکیل این گروه از سال ۲۰۱۰ آغاز شد و در سال ۲۰۱۳، زیر نظر بیگ‌هیت اینترتینمنت شروع به کار کرد. اعضای گروه، جین (کیم سئوک‌جین)، شوگا (مین یونگی)، جی-هوپ (جانگ هوسوک)، آر‌ام (کیم نامجون)، جیمین (پارک جیمین)، وی (کیم ته‌هیونگ) و جونگ‌کوک (چئون جونگ‌کوک)، در ترانه‌سرایی و تهیه‌ی بسیاری از آثار خود مشارکت دارند. بی‌تی‌اس در ابتدا به‌عنوان یک گروه هیپ‌هاپ شروع به کار کرد، ولی در طول زمان سبک‌های گوناگونی را پوشش داد. متن ترانه‌های آن اغلب دغدغه‌های شخصی و اجتماعی، سلامت روان، مشکلات دوران مدرسه، فقدان، عشق به خود را شامل می‌شود. آثار این گروه اقتباسی از ادبیات و مفاهیم روان‌شناختی و شامل یک خط داستانی است.



من ذاتاً از چیزایی که ذهن رو به شکل مثبتی درگیر می‌کنن و یه بازدهی مثبت و آموزنده دارن، خوشم میاد و بهشون جذب می‌شم و اگه جذابیت بصری داشته باشه که چه بهتر.



گروه بی‌تی‌اس: از بالا سمت راست: آرام (کیم نامجون) - جین (کیم سئوک‌جین) - جونگ‌کوک (جئون جونگ‌کوک) از پایین سمت راست: جی‌هوپ (جانگ هوسوک) - شوگا (مین یونگی) - جیمین (پارک جیمین) - وی (کیم ته‌هیونگ)

- پس به نظرت در مقایسه با هنرمندای هالیوودی، این نقطه‌ی قوتیه که کی‌پاپ و بی‌تی‌اس دارن. این هم هست. اما تنها نقطه‌ی قوت نیست. کی‌پاپ و بی‌تی‌اس، توی سبک‌های مختلف موسیقی فعالیت می‌کنن و از نظر فیلم‌برداری و تصاویر هم توی هر سبکی محتوا تولید می‌کنن و این باعث می‌شه هر سلیقه‌ای به سمت‌شون کشیده بشه.

علاوه بر این، بی‌تی‌اس نه فقط از کانسپت خوب که از استعدادهای خوب توی عرصه‌های مختلف مثل خوانندگی، مدلینگ و ویژوال و حتی بازیگری برخوردارن و این، باز هم حیطة‌ی کاری‌شون رو متنوع‌تر و گسترده‌تر می‌کنه.

از پروموت خوب، مدیریت قوی و سیاست‌های کمپانی‌ها هم نمی‌شه چشم‌پوشی کرد. گروه‌های کی‌پاپ به خوبی راه تبلیغات و جذب مخاطب رو بلدن و می‌دونن چه طور خودشون رو توی سطح جهانی بالا بکشونن.

هنرمندای هالیوودی به نوعی مستقل و فردگرا محسوب می‌شن که هر کدوم به تنهایی و توی یک سبک خاص فعالیت می‌کنن و این باعث می‌شه گستره‌ی فعالیت‌شون محدودتر بشه و صرفاً سلیقه خاص به سمت‌شون کشیده بشن و اگر هم موسیقی پاپ و عامه‌پسندی هم دارن، اصولاً از یک فن‌بیس<sup>۱</sup> و گروه طرفداری قوی برخوردار نیستن و این یعنی حمایت خیلی قوی و دائمی‌ای ندارن و تبلیغ از سمت فن‌ها کمتر انجام می‌شه. به نظر من وسواس روی محتوا، تنوع و حساسیت و وجدان کاری نسبت به فن‌ها، توی هالیوود ضعیف‌تره.

۱ - طرفداران یک فرد - Fan base -، گروه و تیم معروف که به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته می‌شوند.

- پس به خاطر همین اول جذب بی‌تی‌اس شدی؟ بقیه‌ی گروه‌های کی‌پاپ هم از این کیفیت که می‌گی برخوردار هستن؟

من اون کیفیت توی موسیقی، محتوا، معنی لیریک‌ها و استعداد خوانندگی‌ای که می‌خواستم رو به طور عام، توی کی‌پاپ پیدا نکردم راستش. کی‌پاپ یک صنعت سرگرمیه. نه یک صنعت خوانندگی. برای شخصی مثل من که دنبال یک پکیج کامل برای طرفداری می‌گشتم، بی‌تی‌اس کاملاً با اولویت‌هام می‌خوند و تقریباً کامل به نظر می‌رسید.

موسیقی یک امر سلیقه‌ایه. پس می‌شه گفت سلیقه‌ی شخصیم هم توی انتخابم دخیل بود. از این نظر، توی کی‌پاپ، گروه‌ها و خواننده‌های کمی هستن که نظر من رو به خودشون جلب کنن و برام رضایت‌بخش باشن. موسیقی کره‌ای به طور کلی، سلیقه و ترجیح شخصیم نیست. - داری در مورد یه بسته کامل و یه رضایت نسبی صحبت می‌کنی. شده نقطه ضعیفی ازشون پیدا کنی؟

آره قطعاً. نقطه‌ی ضعف همیشه وجود داره. در بین کارهای قوی، قطعاً کارهای ضعیفی هم وجود دارن. من اون بازدهی کلی رو مد نظر قرار می‌دم و به طور میانگین عملکردشون رو بررسی می‌کنم. اما واقع بینانه، هم نقاط قوت رو می‌بینم، هم نکاتی که رضایت‌بخش نیستن.

- می‌شه در مورد یکی از این نقطه ضعف‌ها مثال بزنی؟

بله. مثلاً یکی از ضعف‌هایی که گاهی پیش میاد، منحصر کردن یک مجموعه موسیقی یا یک آلبوم، به یک سلیقه‌ی خاص هست. مثال می‌زنم. مثلاً همه متوجه تفاوت مشهود بین موسیقی پاپ هالیوودی و موسیقی کی‌پاپ هستیم. موسیقی‌ای که مورد استقبال عموم مردم در خود کره‌ی جنوبی قرار می‌گیره، از نظر ریتم و خوانندگی، با سلیقه‌ی کلی فن‌های خارجی بسیار متفاوته. با توجه به این که بی‌تی‌اس حالا یک اکت جهانی هست و فن‌های خارجی بسیار زیادی داره، این طور انتظار می‌ره که موسیقی‌ای که از سمت اونا ساخته می‌شه، معیارهای اینترنشنال (جهانی) بیش‌تری رو در نظر داشته باشه.

گاهی اوقات، مثل همین آلبوم اخیر بی‌تی‌اس، یعنی پروف<sup>۱</sup>، اکثر آهنگ‌ها برای سلیقه و پسند عمومی مردم کره ساخته شده و مورد استقبال اینترنشنال قرار نمی‌گیره و این برای گروه جهانی‌ای مثل بی‌تی‌اس، می‌تونه مقداری مشکل‌ساز باشه. باید در کنار حفظ هویت و اصل خود آرتیست، سلیقه و تقاضای اکثریت فن‌ها هم مد نظر قرار بگیره.

۱ - به معنی تأثیرگذار بودن در سطح جهان است.

۲ - Proof، آخرین آلبوم منتشر شده و اولین آلبوم آنتولوژی گروه بی‌تی‌اس است که در ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲، توسط بیگ‌هیت میوزیک منتشر شد. تک‌آهنگ آغازین این آلبوم، «زیباترین لحظه در راه است» نیز در همان روز منتشر شد.



- چرا این قدر بیش‌تر به فن‌های کره‌ای اهمیت می‌دن؟

من که نگفتم بیش‌تر اهمیت می‌دن. فقط چون منطق این طور حکم می‌کنه. البته بی‌تی‌اس حالا یک اکت جهانیه و همین طور که گفتیم، در سطح استانداردهای جهانی هم کار می‌کنه. اما مخصوصاً برای گروه‌های تازه‌کار، جا باز کردن بین فن‌های کره‌ای و بین مدیاهای خود کره، خیلی مهمه و باید هم همین باشه. اولین و مهم‌ترین مصرف‌کننده‌ی محتوای کره‌ای، خود کره‌ای‌ها هستن. مردم کشور خودشون. اون‌ها در برنامه‌های بی‌تی‌اس شرکت می‌کنن، از شون حمایت می‌کنن، در کنسرت‌ها شون شرکت می‌کنن، مرچ‌ها و آلبوهاشون رو بدون واسطه خریداری می‌کنن و طرفداری‌هایی از این دست رو دارن. پس منطق حکم می‌کنه که در درجه‌ی اول، رضایت طرفدارهای داخلی کسب بشه.

علاوه بر این کی‌پاپ در حال صادر کردن فرهنگ و معیارها و ارزش‌های خودش به سرتاسر دنیاست. پس طبیعتاً باید در موسیقی و بقیه‌ی محتواهای خودش، طبق اصول خودش، سلیقه و فرهنگ کشور خودش عمل کنه و معیارهای خودش رو بین معیارهای جهانی جا بده. پس مقداری با استانداردهای جهانی سازگار می‌شه تا به مارکت‌های جهانی موسیقی وارد بشه و هم‌زمان هویت خودش رو حفظ می‌کنه تا فرهنگ خودش رو نشر بده.

---

۱ - Merch - Merchandise - در حوزه بازرگانی معنای کالای تجاری می‌دهند. مرچ‌ها انواع مختلفی دارند و هم برای رویدادهای مختلفی طراحی، تولید و فروخته می‌شوند. مرچ‌ها برای کنسرت‌ها، فن‌ساین، آلبوم یا سینکل‌های منتشر شده، تولد اعضای گروه، رویدادهای خاص از جمله همکاری با برندها، موزیکال‌ها، سالگرد گروه یا زیرگروه یا فندوم، و... ارایه می‌شوند. انواع مرچ‌ها هم خیلی متنوع هست. مثل تی‌شرت، کلاه، حوله، انواع سرکلیدی از نماد یا تاریخ تولد اعضا، فتوکارت ساده یا هولوگرام یا متحرک یا استند یا مدل‌های دیگه. مرچ‌هایی که اصطلاحاً PhoneTab گفته می‌شوند و ترکیبی از فتوکارتی برای پشت قاب شفاف موبایل و آویز موبایل هستند، تقویم، پوستر، انواع استیکر وسایلی مثل کیف دستی یا چتر یا بادبزن وسایل تزئینی مثل عروسک‌های کوچک یا بوک لمپ و مانند آن‌ها.

۲۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- هوشمندانه و منطقیه. خب... داشتیم از بی‌تی‌اس می‌گفتیم و جایی از لیریک‌های آهنگاشون حرف زدی. می‌تونی در موردشون بیش‌تر توضیح بدی؟ اگه می‌شه مثال از آهنگ‌ها هم بزنی. نویسنده‌ی اکثر متن‌های آهنگ‌های بی‌تی‌اس، از اعضای خود گروه هستن و مخصوصاً اگه آهنگ‌ها سولو و برای یک نفر از اعضا باشن، کاملاً گویای ابعاد شخصیتی خودشون، دغدغه‌ها و عمق افکار خودشون هست.

اما توی آهنگ‌های گروهی، افکار چند نفر از اعضا، باهمدیگه سازگار و منسجم می‌شه تا بتونه یک مفهوم کلی رو برسونه. و بعد متن نوشته می‌شه، در حالی که هر قسمت از اون، از فیلتر هر کدوم از اعضا و همچنین اعضای کمپانی و ترانه‌نویس‌های خود کمپانی رد شده و به تأیید رسیده. در هر دوره‌ی کاری و در هر آلبوم، یک کانسپت کلی انتخاب می‌شه و برای بی‌تی‌اس، در اکثر مواقع، این کانسپت‌ها درباره‌ی شناخت شخصیتی و مفاهیم روان‌شناسی و رشد شخصیتی و اجتماعی هستن. مثلاً آهنگ بلک سوان یا قوی سیاه<sup>۲</sup> که درباره‌ی دغدغه‌های اعضا و گروه بی‌تی‌اس درباره‌ی خوانندگی و آینده‌ی کاری و مشکلات شهرت و قسمت‌های تاریک این شهرت و محبوبیت هست.



۱ - Concept - مفاهیم و سبک‌های خاصی هستند که آیدول‌های کی‌پاپ به صورت گروهی و تکی آن‌ها را برای ساخت آهنگ‌ها، موزیک ویدیو و آلبوم، به طور منظم و ثابت دنبال می‌کنند. این مفاهیم می‌تواند از طریق ژانر، اشعار و متن آهنگ‌ها، حال و هوای موزیک ویدیوها و سبک لباس پوشیدن آیدول‌ها به نمایش گذاشته شوند.

۲ - «قوی سیاه» (Black Swan) ترانه‌ای از گروه بی‌تی‌اس، از چهارمین آلبوم استودیویی کره‌ای‌زبان گروه Map of the soul: 7 در سال ۲۰۲۰ است. این قطعه در ۱۷ ژانویه ۲۰۲۰، به‌عنوان نخستین تک‌آهنگ آلبوم، توسط بیگ‌هیت اینترتینمنت منتشر شد. از نظر معنایی، متنی درون‌نگر از اعترافات بی‌تی‌اس و ترس از دادن اشتیاق‌شان به موسیقی دارد.

یا سینگل ترک پر میشن تو دنس<sup>۱</sup> که با تأثیر از شرایط جامعه، درباره‌ی انرژی بخشیدن به افراد در دوره‌ی قرنطینه و کرونا بود و همین طور از مشاغلی که از کرونا آسیب دیدن و همچنین افراد ناشنوا هم حمایت می‌کرد.



ترکیبی از دغدغه‌های اجتماعی و شخصی هر کدام از اعضا و همچنین کل گروه و حتی گروهی کلی از مردم مثل نوجوانان یا دانش‌آموزان، مفاهیم لیریک‌ها رو تشکیل می‌دن.



- شنیدم که گاهی طرفدارا از این حرف می‌زنن که این آهنگ‌ها تونسته بهشون کمک کنه، به نظر تو این حرف درسته؟

قطعاً کمک کننده هستن. وقتی توی یک موسیقی، درباره‌ی امیدواری، پذیرش، تلاش برای آرزوها و همچنین مفاهیمی صحبت می‌شه، در حالی که از عنصر شنیداری و بصری هم به خوبی استفاده می‌شه، تأثیرگذاری خیلی بالایی داره.

- تو با خواندن این لیریک‌ها چه حسی داری؟

۱ - «اجازه برای رقص» (Permission to Dance) ترانه‌ای از گروه بی‌تی‌اس است. این تک‌آهنگ در ۹ ژوئیه ۲۰۲۱، توسط بیگ‌هیت میوزیک و سونی میوزیک به‌عنوان تک‌آهنگی مستقل منتشر شد. این ترانه همچنین بخشی از نسخه سی‌دی تک‌آهنگ پیشین بی‌تی‌اس، «کره» (Butter) و سومین تک‌آهنگ انگلیسی‌زبان گروه بود. «اجازه برای رقص» در جدول‌های پنج کشور اول شد و در ده رتبه اول ده کشور دیگر قرار گرفت.

۳۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

لیریک‌ها، حاصل دغدغه‌های عمیق شخصی و اجتماعی هستند. شنیدن موسیقی‌ای که از مسایل درونی یک شخص نشأت می‌گیرد و تلاش می‌کند ارتباط معنایی و احساسی با مخاطب برقرار کند تا مفاهیم مثبتی رو بهش برسونه، باعث می‌شه به مخاطب حس درک شدن دست بده. حتی موزیک‌های غمگین هم می‌تونن با اون وجهه‌ی عمیق و شاید غمگین و احساسی با مخاطب ارتباط برقرار کنن و این حس رو ایجاد کنن که شخص داره حرف‌های درونی خودش رو می‌شنوه. تنها نیست و کسانی هستن که این درد رو چشیدن و اون رو ابراز می‌کنن. برای مثال، موسیقی‌های سولو از عضو گروه بی‌تی‌اس، مین یونگی؛ مثل «دست‌آویزای مشکلات روحی و چالش‌های فکری‌ای هستن که هر نوجوون و جووون ممکنه اونا رو تجربه کنه و حس کنه تنه‌است، شنیده نمی‌شه و درک نمی‌شه. اما شنیدن این موسیقی، می‌تونه برای شخص امیدبخش باشه. «خواننده‌ی محبوبم از این چالش فکری به سلامتی گذر کرده. پس من هم می‌تونم».



قسمتی از متن آهنگ «The Last»

علاوه بر این، موسیقی‌های شاد و پرانرژی هم، به تأمین انرژی و رفع خستگی و تخلیه‌ی هیجان‌ها هم کمک می‌کنه. این چیزیه که من فکر می‌کنم. آهنگ غمگین یا شاد فرقی نداره. اگر محتوای انتقالی خوب باشه، تأثیر مثبته.

- این برای موزیک‌ویدیوها هم صدق می‌کنه؟ منظورم تحلیل‌هایی که طرفداران می‌کنن. به نظرت چرا طرفدارا جزء به جزء موزیک‌ویدیوها رو تحلیل می‌کنن؟

۱ - مین یونگی (Min Yoongi) که با نام‌های هنری شوگا (Suga) و آگوست دی (Agust D) شناخته می‌شود، ریپر، ترانه‌سرا و تهیه‌کننده موسیقی اهل کره‌ی جنوبی است. او در سال ۲۰۱۳، به‌عنوان عضوی از گروه پسرانه‌ی کره‌ای بی‌تی‌اس، تحت نظر کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت آغاز به کار کرد. در سال ۲۰۱۶، نخستین میکس‌تیپ انفرادی خود را با عنوان آگوست دی، منتشر کرد. او ترانه‌سرا و تهیه‌کننده‌ی موسیقی بسیاری از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس است.

۲ - آهنگ «The Last» از آلبوم میکس‌تیپ شوگا (مین یونگی) ریپر گروه بی‌تی‌اس به نام (Agust D) است که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد. متن این آهنگ در مورد سختی‌ها و چالش‌های زندگی این ریپر قبل از موفقیت است.

چون مخاطب متوجه وسواس و دقتی که برای موزیک ویدیو گذاشته شده می‌شه. انسان ذاتاً از حل مسأله لذت می‌بره و به کشف و بررسی چیزای مرموز علاقه داره. پس وقتی متوجه یک سوژه در یک موزیک ویدیو می‌شه که از نظرش می‌تونه معنی‌دار باشه و یک مفهوم رو توی خودش جا داده باشه، قطعاً به دنبال فهمیدنش می‌ره تا با حل مسأله حس پیروزی بهش دست بده.

طوری که انگار حس خوب بعد از فهمیدن یک تحلیل در موزیک ویدیو، پاداش دیدن این موزیک ویدیو هست. و این ظرافت در تصویرسازی برای یک محتوا، از نظر من به نوعی احترام به مخاطب هم هست.

آرتیست برای جلب رضایت و نظر مخاطب تلاش می‌کنه و از اون سمت، مخاطب در تلاشه که حرف‌های آرتیست رو از موزیک ویدیو بفهمه و وقت و زمانی که برای تولید این محتوا صرف شده رو بی‌جواب نذاره. یک کارگردانی و فیلم‌برداری خوب، با دقت و تیزبینی مخاطب، پاداش کارشون رو می‌گیرن.

پس این یک عرضه و تقاضای دوطرفه هس و علاوه بر این، تحلیل یک موزیک ویدیو، باعث می‌شه تصویر و موسیقی بیش‌تر و بیش‌تر توی ذهن مخاطب جا بگیرن و ذهنش رو مشغول نگه دارن... و ازش طرفدار قوی‌تری بسازن.

- ولی ممکنه که این تحلیل‌ها درست نباشن و حتی از سمت خواننده‌ها تأیید نشن. درسته؟ با این حال باز هم ادامه می‌دن.

درسته. ممکنه تأیید بشن یا نشن. البته که این موضوع خیلی زیاد توی زندگی روزمره به چشم می‌خوره. درست مثل اشعار قدیمی و فاخری که هنوز هم که هنوزه، ما تحلیل صد در صد درست و قاطعی ازشون نداریم. فقط می‌تونیم از دیدگاه‌های شخصی خودمون و با منطق خودمون، اون رو بررسی کنیم و لزوماً کسی درست یا غلط نمی‌گه.

خاصیت یک محتوای معنی‌دار همینه. تحلیل‌های مختلف، نتیجه‌های مختلفی هم دارن که ممکنه مد نظر آرتیست باشن یا نباشن. اما آرتیست اونا رو رد یا تأیید نمی‌کنه. چون با ضابطه‌مندی و رد یا تأیید کردن اونا، جلوی خلاقیت، هیجان فن‌ها برای ابراز نظرات شخصی و کنجکاوای فن‌ها رو می‌گیره. مرموز بودن هر چه بیش‌تر، هیجان فن‌ها برای کشف رو بالاتر می‌بره و مدت طولانی‌تری محتوا رو سر زبون‌ها و توی مشغله‌های ذهنی طرفدارها نگه می‌داره.

- پس همه‌ی اینا به خاطر جذب فن بیش‌تره.

قسمتی از اون. من فکر می‌کنم مقداری از این وسواس، به ترجیح شخصی خود آرتیست هم برمی‌گرده. یک محتوای پیچیده و مبهم، می‌تونه گویای شخصیت و دغدغه‌های عمیق و پیچیده‌ی خود هنرمند باشه. طبیعتاً کسی تمایل نداره صریح و بی‌پرده از درونیاتش حرف بزنه و با تعداد زیادی از افراد اونا رو به اشتراک بذاره.

- بیش‌تر موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس تئوری داره؟

اکثراً تئوری‌ها و تحلیل‌های خاص خودشون رو دارن یا تئوری هستن، یعنی یک داستان و یک روایت خاص رو بیان می‌کنن که این، موزیک ویدیو رو به حالت یک فیلم و یک داستان شبیه می‌کنه تا جذابیت بیش‌تری به محتوا بده یا تحلیل هستن که به کانسپت کلی آلبوم برمی‌گردن. به طور مثال، موزیک ویدیوی فیک لاو؛ تحلیل‌هایی درباره‌ی عشق حقیقی و عشق دروغین داره که با تصاویر یا با متن آهنگ، مفهومش رو منتقل می‌کنه. عشق حقیقی و اصلی، عشق انسان به خودش و فرد، تا زمانی که خودش رو نپذیرفته باشه و خودش رو دوست نداشته باشه، هر عشق بیرونی‌ای، براش کافی نیست و رضایتش رو به دست نمیاره و حتی آسیب‌زننده هست.



تصویری از موزیک‌ویدیوی «Fake Love»



قسمتی از متن آهنگ «Fake Love»

۱ - عشق دروغین (Fake Love) ترانه‌ای از گروه بی‌تی‌اس است و به عنوان تک آهنگ اصلی سومین آلبوم گروه به نام عاشق خودت باش: اشک (Love yourself: Tear) در سال ۲۰۱۸ منتشر شد.



- گفتی که این‌ها بخشیش برای سرگرمی و جذب مخاطبه. می‌خواستم بدونم که چیزی هم بهتون یاد می‌ده؟ مثلاً چه موضوعاتی توی تئوری‌های بی‌تی‌اس بحث می‌شه؟

آره قطعاً چیزای آموزنده‌ای هم داره. مثلاً برای من به شخصه، مثال می‌زنم، موزیک ویدیوی خون، عرق و اشک، باعث شد کنجکاو بشم که اطلاعات عمومیم رو درباره‌ی الهه‌ها و افسانه‌های یونانی بالاتر ببرم تا متوجه بشم که بی‌تی‌اس با اشاره کردن به موضوعاتی مثل بال‌های ایکاروس<sup>۲</sup>، تلاش داشته تا چه مفهوم و درس اخلاقی‌ای رو به مخاطبش انتقال بده.

یا به خاطر بهتر متوجه شدن تیزرهای آلبوم وینگز<sup>۳</sup> بود که مشتاق به مطالعه‌ی یک‌سری کتاب‌های فلسفی مثل دمیان<sup>۴</sup> شدم و داستان‌هایی مثل دمیان، آنان که از خیر اوملاس گذشتند<sup>۵</sup>، نقشه‌ی روح<sup>۶</sup>، بادام<sup>۷</sup> و مغازه‌ی جادویی<sup>۸</sup>، مثال‌هایی از کتاب‌هایی هستن که به خاطر همین تحلیل‌ها و معرفی‌های

۱ - خون، عرق و اشک (Blood Sweat & Tears) نام یکی از آهنگ‌های معروف گروه بی‌تی‌اس است که در سال ۲۰۱۶ در آلبوم بال‌ها (Wings) منتشر شد.

۲ - ایکاروس (به یونانی: Ἴκαρος) نام شخصیتی افسانه‌ای در اساطیر یونانی است او پسر دایدالوس مخترع هزارتو بود. او به همراه پدر تصمیم گرفت از زندان مینوس به کرت بگریزد پدرش برای او بال‌هایی از جنس موم و پر ساخت تا با آن‌ها بگریزد. پدر به او توصیه نمود تا از تکبر و از خود راضی بودن بپرهیزد و پس از آن از پرواز در ارتفاع خیلی پایین و خیلی بالا دوری کند. با این وجود او به توصیه پدر گوش نکرد و به خورشید نزدیک شد، موم‌ها آب شدند و بال‌ها جدا گشت و به دریا افتاد. این دریا به نام او ایکاریا نامیده می‌شود. عده‌ای خورشید را منبع آگاهی می‌دانند و سقوط ایکاروس به دریا را سمبل تلاش برای دست یابی به آگاهی زیادتر از حد مجاز می‌پندارند. البته مقدونیان نیز به عطارد ایکارس می‌گفتند، چون به خورشید نزدیک و گرم و سوزان بود.

۳ - بال‌ها (Wings) دومین آلبوم استودیویی گروه بی‌تی‌اس است که در تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۱۶ منتشر شد و شامل ۱۵ ترانه است. تک‌آهنگ اصلی این آلبوم «خون عرق و اشک» نام دارد.

۴ - دمیان (به آلمانی: Demian) نام یک کتاب ادبی است که توسط هرمان هسه، نویسنده‌ی اهل آلمان نوشته شده‌است. این کتاب یکی از آثار مشهور ادبی جهان است.

۵ - کسانی که از خیر اُملاس گذشتند (The Ones Who Walk Away from Omelas) داستانی کوتاه از اورسولا لو گووین است که در سال ۱۹۷۳ برای اولین بار منتشر شد. یک داستان فلسفی است که از طرح داستانی بسیار ساده و توضیحات انتزاعی از شخصیت‌ها تشکیل شده‌است؛ تأکید راوی بر یک آرمان‌شهری با نام اُملاس (Omelas) و شهروندان آن است. این داستان در سال ۱۹۷۴، نامزد دریافت جایزه لوکس و برنده‌ی جایزه هوگو برای بهترین داستان کوتاه سال شد.

۶ - نقشه‌ی روح (Map of the soul) کتابی از فیلسوف معروف کارل یونگ است. گروه بی‌تی‌اس آلبوم موسیقی خود به نام نقشه‌ی روح: پرسونا (Map of the soul: Persona) را بر اساس این کتاب تولید کردند.

۷ - بادام (Almond) کتاب رمانی به نویسندگی سون وون‌پیونگ است. رمان درم ورد پسر نوجوانی است که به بیماری آلکسی تیمیا مبتلا است.

۸ - کتاب مغازه‌ی جادویی (In to the Magic shop) کتابی به نویسندگی دکتر جمیز آر. دوتی است. در کتاب مغازه جادویی اثر جمیز آر دوتی، از زمان کودکی‌اش و آشنایی او با مغازه جادویی، تا زمانی که به یک جراح مغز و اعصاب بزرگ تبدیل می‌شود همراه هستیم. گروه بی‌تی‌اس یکی از ترک‌های خود را به اسم Magic shop یا همان مغازه جادویی را از این کتاب الهام گرفته‌اند و خوانده‌اند. جملاتی که در این موزیک گفته می‌شود بسیار نزدیک به جملات متن کتاب مغازه جادویی نیز هست. این گروه پس از انتشار این موزیک به طرفداران خود خواندن کتاب مغازه جادویی را پیشنهاد می‌کند، پس از مطرح کردن این موضوع فروش

۳۴ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

اعضای بی‌تی‌اس، مشتاق به خوندن شون شدم و البته مطالعه همیشه باز خورد مثبت و یادگیری مفیدی هم به دنبال خودش قطعاً داره.

علاوه بر اینا، تحلیل‌ها و تئوری‌ها، کنجکاوی و خلاقیت مخاطب رو برانگیخته می‌کنه و یه نوع انرژی مثبت و سالم رو درش به وجود میاره و همین تجزیه و تحلیل کردن‌های ذهنی و پی بردن به مفاهیم موزیک‌ها و موزیک ویدیوها، تاحد زیادی آموزنده هست. مثل پی بردن به مفهوم دوست داشتن خود، اهمیت رؤیاها، اهمیت پذیرفتن خود... و حتی مثل موزیک اسپین بریکر! توجه به موضوع فشار اقتصادی روی والدین و زیاده خواه نبودن.



توی سیستم قرن 21 کلاس‌ها به دو قسمت تقسیم میشن  
اونایی که دارن ، و اونایی که ندارن  
اونایی که کفش میروشن و اونایی که کفش ندارن  
اونایی که لباس خوب دارن ، و اونایی که لباس ندارن  
اونایی که براشون سخته این چیزا رو تهیه کنن  
چی شده ، داری از مد عقب میشی ؟  
کسی غر زدی و اعتراض کردی تا بگنیشون ، چه دارم نصیحت میکنم ؟  
حرمت تمام اون زاکت پوفکی رو بر کرده  
حتی بعد از دیدن پشت خمیده ی پدر و مادرت، تو خیلی بی‌عاطفه ای  
اعتراض میکنی که همه ی دوستات این چیزا رو دارن و اونای باید اینا رو برات بخرن  
هی عزیزم  
اینقدر نابالغ نباش  
از سرما بخ نمیزی فقط به خاطر اینکه اون زاکت رو ندارن  
قسمتی از متن آهنگ Spine Breaker

کتاب مغازه جادویی به طرز چشم‌گیری چند برابر می‌شود. به همین خاطر است که این کتاب را به نام کتاب مغازه جادویی BTS نیز می‌شناسند.

۱ - آهنگ کمرشکن (Spine Breaker) از آلبوم Skool Luv Affair توسط گروه بی‌تی‌اس در سال ۲۰۱۴ منتشر شد.

موضوعات برای یادگیری در موزیک ویدیوها و موسیقی‌ها، متنوع و زیادن که قطعاً نمی‌شه تمام اونا رو حتی به طور خلاصه نام برد.

– خود اعضاء مستقیماً این محتواها رو پیشنهاد کردن یا طرفدارها از روی یه سری اشارات به این‌ها پی بردن؟

به شیوه‌های مختلف معرفی شدن.

بعضی از کتاب‌ها شخصاً توسط خود اعضاء معرفی شده. مثلاً کتاب کتابخانه‌ی نیمه شب<sup>۱</sup> و نقشه‌ی روح شخصاً توسط نامجون معرفی شده.

کتاب بادام در یکی از همین ریلیتی شوهای که اشاره کردم، توسط نامجون و یونگی خونده و معرفی شد. اما بعضی از کتاب‌ها و محتواها، به شکلی غیر مستقیم. مثلاً در موزیک ویدیوی روز بهاری<sup>۲</sup> با گنجوندن اسم اوملاس در قسمتی از طراحی صحنه، گریزی به اسم داستان «آنان که از خیر اوملاس گذشتند» زده شد و مخاطب به این شکل درباره‌ی داستان و مفهوم این محتوا کنجکاو شد. که این داستان هم البته تم فلسفی و آموزنده‌ی خاصی داره یا مثلاً در تیزرهای آلبوم وینگز بود که با نوشته شدن قسمتی از متن داستان دمیان در تیزرها، به این کتاب فلسفی اشاره شد. قسمتی که درباره‌ی تولد دوباره‌ی درونی و فکری و تشبیه اون به متولد شدن یک جوجه از تخم بود.

آهنگ «مغازه‌ی جادویی» از بی‌تی‌اس هم که اشاره‌ی مستقیم به کتاب مغازه‌ی جادویی و تحلیل‌های این کتاب داشت. پس به طور کلی، این محتواها توسط بی‌تی‌اس معرفی شدن. حالا یا به طور مستقیم، یا به طور یک اشاره‌ی غیر مستقیم.

۱ – کتابخانه‌ی نیمه شب (The Midnight Library) رمانی نوشته‌ی مت هیگ است. داستان در مورد دختری است که وارد یک کتابخانه‌ی مرموز می‌شود تا بداند اگر در جایی از زندگی انتخاب دیگری می‌کرد قصه زندگی او چه طور می‌شد.

۲ – روز بهاری (Spring Day) آهنگی از گروه بی‌تی‌اس است که در سال ۲۰۱۷ در آلبوم هرگز تنها راه نمی‌روی (Never You Walk Alone) منتشر شد. این موزیک ویدیو با الهام از داستان کوتاه فلسفی «کسانی که از خیر املاس گذشتند» از اورسولا لو گوین و همچنین فیلم برف‌شکن (۲۰۱۳) از بونگ جون-هو ساخته شده است. این موزیک ویدیوی پنج دقیقه‌ای، حاوی نمادگرایی گسترده است و به مفهوم «مرگ، زندگی پس از مرگ و خاتمه» می‌پردازد. بسیاری از طرفداران و نشریات رسانه‌ای، این موزیک ویدیو را به فاجعه کشتی سوول مرتبط دانستند که در ۱۶ آوریل ۲۰۱۴ اتفاق افتاد و به مفقود شدن و مرگ بیش از ۳۰۰ دانش‌آموز انجامید. آر ام لیدر گروه بی‌تی‌اس در این باره می‌گوید که ویدیو بر بازنمایی تصویری متن ترانه تمرکز دارد و می‌توان تفسیرهای مختلفی از آن کرد.



تصویری از موزیک‌ویدیوی Spring day

این معجزه‌ی معجزه‌آسا  
ما ساختیمش  
(نه) من اینجا بودم  
تو اومدی پیش من  
من به کهکشانت ایمان دارم  
میخوام ملودی تو رو بشنوم  
ستاره‌ها توی راه شیری  
اینکه چطور آسمونت رو میساز  
در آخر ناامیدیم  
یادت نره که من بالاخره تو رو پیدا کردم  
تو لبه‌ی پرتگاه وایساده بودی  
آخرین دلیل من  
زنده بمون

قسمت از متن آهنگ Magic shop

- و این که این یه جور نزدیک کردن حس و حال آیدول نسبت به طرفدار می‌شه. این نتیجه‌ی مثبتی داره یا یک نتیجه‌ی منفی هم داره؟

نتیجه‌ی مثبت، همون طور که گفتم می‌تونه یک ارتباط معنایی و روحی بین طرفدار و آرتیست ایجاد کنه. حس درک شدن، دوست داشته شدن و تنها نبودن.

اما از طرفی، از نظر ایجاد وابستگی یا علاقه‌ی افراطی و صرف زمان بیش از اندازه برای خواننده‌ی محبوب، می‌تونه آسیب زنده باشه. طرفدار باید به یاد داشته باشه که فن بودن، فقط قسمتی از زندگی‌شه. - خودت تونستی درست این قسمت از زندگی رو مدیریت کنی یا کسی رو می‌شناسی که نتونسته باشه؟

من فکر می‌کنم خوب از پشش براومدم. دنیای کی‌پاپ خیلی بزرگ و پر از رنگ و هیجان و تنوعه و اگه کنترلی روش نداشته باشی، کاملاً می‌تونه فرد رو غرق خودش کنه. من به شخصه، ذاتاً شخصیت هیجانی و احساسی و تنوع طلبی ندارم و می‌تونم حدودی که برای خودم تعیین کردم رو همچنان حفظ کنم. دیگه چی بگم... حدود هر شخص با منطق خودش متفاوته. با معیارها و حد و حدود ذهنی خودم، بله، هستن کسانی که با توجه به خط قرمزهای من، حس می‌کنم که شاید دچار زیاده‌روی شده باشن. اما حق قضاوت کردن شون رو به خودم نمی‌دم.

- مثلاً چه طور مدیریت می‌کنی؟ چون می‌دونم که بودن توی گروه‌های طرفداری بزرگ کارهای زیادی می‌خواد. استریم، رأی‌گیری، تویییت زدن و غیره. تو این کارا رو همیشه انجام می‌دی؟  
من کارهام رو اولویت بندی کردم. مثلاً در حال حاضر، استریم<sup>۱</sup> و هشتگ زدن برای من اولویت کم‌تری دارن تا کارها و تکالیف دانشگاه. پس بیش‌تر وقتم، صرف درس و یادگیری‌هایی می‌شن که برای آینده‌ام لازم می‌بینم شون. در اولویت‌های بعدی، رأی‌گیری‌ها و تویییت زدن‌ها هستن که می‌تونم براشون مقداری وقت در کل روزی که می‌گذرونم، خالی بذارم. رشد شخصی همیشه در اولویه. کنارش، می‌شه موسیقی گوش کرد و از برنامه‌های مختلف لذت برد تا انرژی هم کسب کرده باشی.  
- می‌تونی بگی زیاده روی از نظرت یعنی چه کارهایی؟

وابستگی‌های بی‌مورد به خواننده. رؤیاپردازی‌های بیش از اندازه و فراموش کردن شرایط حقیقی‌ای که شخص درش قرار داره. بی‌خیال شدن نسبت به امور عادی و روزمره‌ی زندگی. ضعیف عمل کردن در درس و یادگیری و وظایف دیگه. آسیب رسیدن مالی یا جسمی به خاطر وقت گذاشتن‌های بدون

۱ - Stream این کلمه به معنای حمایت کردن از آثاری است که آن ستاره و گروه منتشر می‌کند. به عنوان مثال، شاید در بین پست‌های کی‌پاپرها ببینید که نوشته‌اند «اهداف استریم کام‌بک جدید» و اهدافی را برای بازدید زدن در یوتیوب، شنیدن آهنگ در پلتفرم‌های جهانی موسیقی مانند اسپاتیفای و اپل میوزیک لیست کرده‌اند. تماشای موزیک ویدیوی ستاره و شنیدن آهنگ‌های آن‌ها از پلتفرم‌های گفته شده، نوعی استریم محسوب می‌شود.

کنترل و هیجانی احساسی. اینا همه‌شون از نظرم، از علاقه‌ی افراطی، تنوع طلبی و عدم برنامه‌ریزی بودن هر شخص نشأت می‌گیره.

- تا به حال نشده که به خاطر کی‌پاپ روند زندگی عادت به هم بخوره؟

شاید اون اوایل که با کی‌پاپ و دنیای متنوعش آشنا شدم، تاحدی تحت تأثیرش قرار گرفتم و برای شناختش بیشترش، هیجان داشتم. اما همون طور که گفتم، ذاتاً آدم هیجانی و احساساتی‌ای نیستم و از همون اول، همراه با جنبه‌های مثبت، جنبه‌های منفی قضیه رو هم مد نظر داشتم. حفظ کردن حد و حدود نرمال طرفداری، کار سختی نیست. می‌شه به راحتی، طرفدار بودن رو در یک زندگی عادی هضم کرد.

- به نظرت چه چیزهایی باعث می‌شه که طرفدارها به این موارد روی بیارن؟

عوامل مختلفی هست. می‌تونه صرفاً از طبیعت احساساتی و افراطی یک شخص باشه. می‌تونه از ناتوانی‌شون توی برنامه‌ریزی باشه. می‌تونه از حس تنهایی و کمبودهای احساسی یا حتی کمبود تفریح و هیجان هم باشه.

با توجه به شرایط، یک نوجوون عادی در اینجا، گزینه‌های متنوعی برای تفریح و تخلیه‌ی هیجان و رشد ابعاد مختلف شخصیتش نداره. یک انسان به دنبال تفریح و هیجان و تنوع می‌ره و این که در این شرایط، یک جوون، به طور افراطی به هیجان یک فضا وابسته می‌شه، چیز دور از ذهنی نیست. در این فضای حاکم، اعم از اجتماع و سیاست و آموزش و پرورش، یک نوجوون یا جوون، دائماً مورد سرکوب احساسی و روحی روانی قرار می‌گیره و برای التیام پیدا کردن، قطعاً به سمت فضایی رنگی، شاد، مثبت و لطیف کشیده می‌شه. می‌دونی، من واقعاً جامعه خودمون رو سرزنش می‌کنم. از بچگی.

- اوهوم. می‌تونی واسم بیش‌تر توضیح بدی؟

بین یکی از اصول تربیتی‌ای که همیشه در جریان بوده برای یک کودک، اینه: فرض می‌کنیم که کودک یک وسیله‌ی مورد نیاز و مهم رو برداشته و هیچ‌جوره برای پس دادنش کوتاه نیما. چون دوستش داره و از بازی باهاش لذت می‌بره. یک فرد والد، به زور متوسل می‌شه و به قیمت گریه و نارضایتی کودک، اون وسیله رو از دستش می‌گیره. خوب این برخورد قطعاً آسیب‌زننده هس و به هیچ عنوان تربیت مناسبی برای کودک رقم نمی‌زنه.

اما یک فرد بالغ، وسیله‌ی مهم رو، با یک وسیله‌ی جذاب‌تر جایگزین می‌کنه. اسباب‌بازی، یا وسیله‌ی دیگه‌ای برای کودک فراهم می‌کنه تا کودک به میل خودش کنار بکشه و وسیله‌ی مهم رو کنار بذاره. به این شکل، نه به تربیت آسیبی می‌رسه و نه نارضایتی و گریه‌ای در کاره.

من فکر می‌کنم جامعه‌ی ما، یک جامعه‌ی والد هست. به گرفتن موسیقی کره، کی‌پاپ و بی‌تی‌اس و این دنیای پر زرق و برق و شادی، از نوجوون‌ها اصرار داره و تلاش می‌کنه به زور هم که شده، این دلخوشی رو از جوون‌های جامعه بگیره. در حالی که در مقابلش، هیچ چیزی برای ارایه و جایگزینی

نداره. در موسیقی، در تصویر و محتوا هیچ حرفی برای گفتن نداره اما، هم‌زمان، می‌خواد از محدود تفریحات این نسل رو ازشون بگیره و جای خالی، و خلاء به جاش بذاره. جامعه، سیاست و آموزش پرورش و نهادهایی از این قبیل، باید سرگرمی و دلخوشی بزرگ‌تر و پررنگ و لعاب‌تری رو برای نوجوون‌ها و جوون‌های این کشور فراهم کنن. در غیر این صورت، رفتار پر از زور و دیکتاتوری، بدون درک و شناخت، صرفاً نتیجه‌ی منفی خواهد داشت.

هیچ کس با زور و اصرار قادر نیست یک دل‌خوشی رو از افراد بگیره. این فقط و فقط به این نسل آسیب می‌زنه و اون رو از جامعه‌ی خودش متنفر می‌کنه. ما به یک جامعه‌ی بالغ نیاز داریم. نه والد. چون جایی برای پذیرش ندارن. چون جامعه‌ی ما یک پیرمرد نق‌نقو و عصبانیه که هر چی می‌گه باید درست باشه. یک جامعه‌ی پیر و مردسالار.

یه جورایی دلم گرفت. ما واقعاً تحت ظلم و ستمیم. می‌دونی... هر لحظه دلخوشی‌هامون ازمون گرفته می‌شه و وقتی افسرده می‌شیم، بابتش تحقیر و سرزنش می‌شیم. - مگه جامعه چه کار می‌کنه و معمولاً چه حرف‌هایی می‌شنوی؟

جامعه‌ی ما متأسفانه در حال حاضر مقداری متعصب و بسته و شاید نژادپرست هست. به طوری که عموم افراد، مقابل چیزهای جدید، اعم از تکنولوژی و حتی کی‌پاپ، گارد محکمی می‌گیرن. به خاطر نوع فرهنگ و تربیتی که تا به الآن وجود داشته، جو حاکم بر جامعه، افرادی رو تربیت می‌کنه که دایماً نسبت به چیزهای جدید بدبین هستن و احساس ناامنی می‌کنن و فکر می‌کنم این موضوع، ریشه در سیاست دایماً دفاعی کشور ما مقابل فرهنگ‌ها و کشورهای دیگه داره. این باعث می‌شه در جامعه، هر چیز جدید و ناآشنایی، ناامن، تهدید کننده و بیگانه به نظر بیاد.

بعد یکی از نتایج این گارد دفاعی، این هست که کشور ما ناخودآگاه، فرهنگ و دیدگاه‌های خودش رو برتر و مهم‌تر و کامل‌تر می‌بینه و همیشه به هر محرکی، به چشم یک آسیب و تهدید نگاه کنه، حتی اگه اون محرک، خوب، مفید و پیش‌برنده باشه و موجب پیشرفت و گستردگی بیش‌تر فرهنگ بشه.

پس دیدگاه کلی جامعه نسبت به کی‌پاپ، یک عامل خارجی و بیگانه و آسیب‌زننده هست. مخصوصاً در بین قشر مسن‌تر که طبیعتاً قابلیت انعطاف کم‌تری دارن و متأسفانه همین قشر، تشکیل دهنده‌ی قانون‌گذاران و در جایگاه دارای قدرت‌های سیاسی و اجتماعی هستن. و به‌جای تحلیل موقعیت و سنجیدن کامل و منصفانه، صرفاً تصمیم به مقابله می‌گیرن.

- می‌شه از تأثیرات کی‌پاپ روی زندگی، تفکر و رفتار خودت و این جور چیزا بگی؟

خب اولین تأثیری که بی‌تی‌اس روی من داشت، این بود که اون دیدگاه متعصبانه و شاید بدون فکر نسبت به آسیای شرقی و مخصوصاً کره‌ی جنوبی رو تاحدی تغییر داد. چون صادقانه بگم، دیدگاه کلی جامعه ایران به آسیای شرقی تاحد زیادی نژادپرستانه هس و چهره‌ها، محتواها و فرهنگ‌شون حتی توسط مردم ما تحقیر و تمسخر می‌شه. ولی وقتی توی محیطش قرار گرفتم دیدم حتی چیزایی داره که می‌شه بهش علاقه‌مند شد و ابدأ اون طور که فکر می‌کردم نیست. یه جورایی کی‌پاپ و بی‌تی‌اس واسطه شدن تا من اطلاعات بیش‌تری درباره‌ی فرهنگ‌های مختلف به دست بیارم و دیدگاهم رو از اون بسته بودن و تعصبش فاصله بدم. با فرهنگ‌های مختلف آشنا بشم و با سلیقه‌های مختلف هم بتونم کنار بیام و چیزای جدیدی رو تجربه کنم و به این واسطه شاید حتی به هنرهای مخالفی مثل موسیقی، رقص، نقاشی، نویسندگی یا حتی یادگیری زبان جدید هم علاقه‌ی بیش‌تری پیدا کنم.

از این گذشته، وقتی خودم رو طرفدار یک گروه محسوب می‌کنم، ناخواسته توی تلگرام، اینستاگرام یا توئیتر، با کسانی شبیه خودم آشنا می‌شم که توی همین مورد فن‌دوم و خواننده‌ی مورد علاقه خودمون با همدیگه تفاهم و اشتراک داریم.

همین باعث می‌شه باز هم دوستای جدیدی پیدا کنم، دایره‌ی ارتباطیم گسترده‌تر بشه و با اشخاص جدید، دیدگاه‌های جدید، توانمندی‌ها و استعدادها و اخلاقیات مختلف روبرو بشم و این باعث شد روابط اجتماعی و مهارت‌های ارتباطیم خیلییی بهبود پیدا کنن و حالا علاوه بر اینا، باعث شد تایم‌های خالی و اوقات فراغتم رو با چیزای مثبت‌تری پر کنم.

مثلاً تماشای محتواهایی که سالم محسوب می‌شن و به عوض شدن روحیه و انرژی گرفتن خیلی کمک می‌کنن.

مثلاً تماشای ریلیتی‌شوها، کنسرت‌ها و برنامه‌های مختلفی که کم‌دی، آموزنده یا حتی دوستانه هستن، خیلی گزینه‌ی بهتری هستن به نسبت سرگرمی‌های دیگه‌ای که شاید تاحدی ناسالم باشن، یا به عبارتی حتی بدآموزی داشته باشن و حس و حال افسرده و بی‌انرژی بودن رو تشدید کنن.

- می‌شه مثال بزنی از این برنامه‌ها که معمولاً چه محتویاتی دارن؟

---

۱ - برنامه تلویزیونی واقع نما یا به اصطلاح مشهورتر در ایران، مستند مسابقه یا ریلیتی شو، یکی از گونه‌های برنامه‌سازی تلویزیونی است که در اواخر قرن بیست و ابتدای قرن بیست و یکم مورد توجه برنامه‌سازان قرار گرفت. ریلیتی شو یعنی همان زندگی روزمره‌ای که همه مردم دارند را برنامه‌سازان در موقعیت‌های مختلف مانند مسابقه، مسایل گفت و گو محور، مستندگونه و سرگرم کننده که بخشی از زندگی چند ساعته افراد را روایت کند، به نمایش می‌گذارند و هدف آن، نمایش زندگی روزمره در تلویزیون است. برنامه‌ای که بدون فیلمنامه‌ای مدون، نه تنها اتفاقات خاص و سرگرم کننده را برای مخاطب به دنبال دارد، بلکه اطلاعات خوب و مفیدی را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.



برای مثال، برنامه‌ی ریلیتی شوی ران بی‌تی‌اس<sup>۱</sup>!

که در اون یه سری مسابقه‌ها و رقابت‌های دوستانه بین اعضای همین گروه برگزار می‌شه. از جمله مسابقه‌ی آشپزی، بازی‌های فکری، ورزشی و چیزایی از این قبیل که علاوه بر پر هیجان بودن و با نشاط بودن خود محتوا و متنوع بودنش، می‌شه شوخی و خنده و نوعی از کمدی واقعی بین اعضاء رو تماشا کرد. برنامه‌های این چینی، خیلی برای گذروندن وقت و انرژی گرفتن به شکل سالم، مفید و مناسب ان.



- قبلاً دیدت نسبت به آسیای شرقی چه طور بود ؟

دیدگاه قبلیم به آسیای شرقی تقریباً متأثر از نظرات اطرافیانم و جامعه بود. یعنی با این که تلاش می‌کردم باز هم بی‌طرفانه و بدون تعصب قضاوت کنم و نظرات شخصی خودم رو داشته باشم، نمی‌شد که جوّ اطرافم روی من بی‌تأثیر باشه.

به طور مثال، اکثر اطرافیانم، بدون این که اطلاعاتی درباره‌ی فیلم‌ها و موسیقی کره داشته باشن، متعصبانه از شون دوری می‌کردن و کسی که به این محتواها علاقه‌مند بود رو تمسخر می‌کردن. صرفاً چون شاید چهره‌ها و ظاهر مردم شرق آسیا، براشون خاص و شاید غیرمعمول بود. مخصوصاً تمسخر

۱ - بی‌تی‌اس بدو (Run BTS) یک برنامه‌ی ریلیتی‌شوی اینترنتی کره جنوبی با حضور اعضای گروه بی‌تی‌اس است. در هر قسمت، اعضای گروه بازی‌ها و فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهند و چالش‌های متفاوتی را تکمیل می‌کنند و بعضی اوقات مأموریت‌های مخفیانه‌ای انجام می‌دهند تا در نهایت جایزه یا مجازات دریافت کنند.

چهره‌ها و سبک بازیگری، رقص و یا پوشش آرتیست‌ها و مردم کره که البته من هیچ وقت چنین نظری نداشتم و با این دیدگاه‌های نژادپرستانه مقابله می‌کردم. چون این نظرات از عقل و منطق، سواد و یک دیدگاه باز ناشی نمی‌شود قطعاً. همیشه تلاش می‌روم که از تعصب دوری کنم. مخصوصاً تعصب روی نژاد و یک‌سری کلیشه‌های ظاهری و جنسیتی.

- بعضی وقتا می‌گن که شماها فقط به خاطر زیبایی‌تون طرفدار اون‌ها شدید. نظرت در مورد این حرف چیه؟

من فکر می‌کنم، همون طور که این منتقدان به جای تحلیل عمیق موضوع، صرفاً به دیدن سطحی قضیه بسنده می‌کنن و واکنش دفاعی از خود نشون می‌دن، بر این باور هستن که افرادی مثل ما، یعنی افراد درون یک فن‌دوم هم، مثل همین اشخاص، دارای دیدگاهی سطحی و ظاهری هستن و به خاطر چهره‌ها، ظاهر و پوشش آرتیست هست که این علاقه رو پیدا کردن.

این در حالی هست که یک ظاهر زیبا و منطبق بر مد روز، تا مدت محدودی می‌تونه زیبا و طبق مد روز باقی بمونه. قبل‌تر هم به تنوع زیاد و رشد سریع در جذابیت‌های بصری در کی‌پاپ اشاره کردم. پس طرفدار یک آرتیست بودن، اونم در شرایطی که معیارهای زیبایی به سرعت عوض می‌شن و به اصطلاح عامیانه، هر روز زیباتر از دیروز پا به عرصه می‌ذارن، صرفاً به خاطر چهره و زیبایی نیست. البته نمی‌تونم منکر این باشم که در جذب اولیه، این زیبایی ظاهری بسیار جذب‌کننده و پررنگ هست، اما در ادامه‌ی این علاقه و طرفداری چی؟ بعد از عادت به این چهره‌ها یا تغییر مد یا حتی بالاتر رفتن سن آرتیست و تغییر ظاهر چی؟ چیزی که یک طرفدار رو، طرفدار «نگه می‌داره»، محتواسه. نه چهره و ظاهر.

برای من به شخصه، زمانی که جذب بی‌تی‌اس و وارد فن‌دوم آرمی شدم، معیارهای زیبایی برای من ابداً مطرح نبود. کم‌ترین توجه من در اون زمان به زرق و برق و چهره‌های زیبا بود. چیزی که من رو به شکل جدی جذب کرد، قدرت و عمق محتوا، و زیبایی عمیق و غیر ظاهری اعضا و موسیقی اون‌ها و قدرت دوستی بین‌شون بود.

- وقتی با این طور رفتارها مثل توهین یا انتقاد برخورد می‌کنی، واکنشت چیه، ناراحت و عصبانی می‌شی؟

شاید اوایل عصبانی می‌شدم یا تلاش می‌کردم برای افراد توضیح بدم که دارن متعصبانه قضاوت می‌کنن یا در اشتباه هستن. اما کم‌کم به این پذیرش رسیدم که من می‌تونم به افراد «پیشنهاد» کنم که وسیع‌تر و منطقی‌تر به قضیه نگاه کنن، اما نمی‌تونم بیش از اندازه برای کسانی که خودشون تمایلی به تغییر نظرشون ندارن و نمی‌خوان که سطح فکرشون از تعصبات و دیدگاه محدود خودشون فراتر بره، انرژی و وقت بذارم. در حال حاضر ترجیح می‌دم بیش‌تر روی رشد شخصی خودم متمرکز باشم.

- برعکس کشور ما، توی کشور کره به این زیبایی خیلی توجه می‌شه. نظرت در این مورد چیه؟

از قدیم الایام، فرهنگ کره‌ی جنوبی و حتی به کل، آسیای شرقی به این شکل بوده که به زیبایی ظاهر توجه زیادی می‌شده. لباس‌ها و طراحی کاخ‌ها و باغ‌ها، همچنین هنرهای تاریخی این منطقه مثل نقاشی، و حتی تأکیدشون روی زیبایی الهه‌ها و اشخاص مورد پرستش‌شون در ادیان‌های قدیمی و تاریخی‌شون و... اینا همه نشون دهنده‌ی این هست که این توجه به زیبایی‌های ظاهری، تاریخچه‌ی قدیمی‌ای در این کشور داره. حتی گفته شده که مردم کره در قدیم، عقیده بر این داشتن که پادشاهان و امپراتور، نباید صورت و بدنی زخمی داشته باشه. صورت یک پادشاه یا ملکه، باید بدون نقص می‌بود و یک شخص به طور مثال با صورتی زخمی، ابدأ شایستگی حکومت رو نداشته. این نگرش با مقداری تغییرات، تا به الآن باقی موندن. در حال حاضر هم به نوعی عقیده بر این هست که یک آرتیست، چهره‌ی یک کشور و چهره‌ی یک هنر هست. پس قطعاً باید دارای یک چهره‌ی زیبا و بدون نقص و مقبول باشه تا مورد پذیرش افراد جامعه‌ی کره‌ی جنوبی هم قرار بگیره.

پس این استانداردهای زیبایی، چندان موضوع جدید و ناشناخته‌ای نیستن. فقط الآن با تغییر و پیشرفت کشور و تکنولوژی و این رشدهای اجتماعی، این استانداردها به شکل گریم، آرایش، رنگ‌های متنوع مو و لباس‌ها و پوشش‌های خاص و پر رنگ و لعاب نمود پیدا کرده و قطعاً هم کشور ما به شکلی تاریخی، دارای استانداردهای زیبایی‌ای هست. همون طور که همه می‌دونیم. برای زنان بدن فربه، ابروهای کمانی و به هم پیوسته، موهای مشکی و مجعد، خال لب و چشم‌های مشکی و برای مردان چشمان درشت، بینی عقابی، بدن ورزیده و قوی و موها و ریش‌های مشکی و مجعد و... تمام این‌ها چیزایی هستن که ریشه در تاریخ ما دارن. پس مردم ما هم مردمی زیبایی دوست هستن، اما به شکل و رنگی دیگه.

بهتره این تفاوت جوامع پذیرفته بشه و همگی به این درک و پذیرش برسیم که الگوها و هنجارهای اجتماعی در سرتاسر دنیا بسیار متنوع و متفاوت هست و نباید کشوری بابت این موضوع، تمسخر یا طرد بشه. چون همین تفاوت‌ها، هویت و استقلال فرهنگی کشورها رو می‌سازن.

- آیا با این تأکید به زیبایی در کشور کره، شده آیدولی این استانداردها رو نداشته باشه؟  
متأسفانه فرهنگ عامه‌ی مردم کره‌ی جنوبی در پذیرش افرادی با ظاهرهایی که خیلی از استانداردهای زیبایی دور هستن و یا با سلیقه‌ی عمومی سازگار نیستن، خیلی خوب عمل نمی‌کنه. آیدول‌های زیادی هستن که از نظر زیبایی ظاهری، با استانداردهای موجود کره، تطابق زیادی ندارن و حتی با وجود سابقه‌ی کاری طولانی، هنوز هم که هنوزه بابت این موضوع آزار و اذیت می‌شن و مخصوصاً در فضاهای مجازی هیت می‌گیرن.

۴۴ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

برای مثال نامجون از گروه بی‌تی‌اس یا هواسا از گروه دخترانه‌ی مامامو<sup>۳</sup>.

با این که این آرتیست‌ها طرفدارهای بسیار زیادی دارند و در خوانندگی، ترانه‌نویسی و حتی رقص بسیار ماهر و سطح بالا هستند، با این وجود افرادی هستند که بابت چهره و استایل مخصوص این هنرمندان، بازم به هیت (نفرت پراکنی) دادن‌هاشون ادامه بدن.

متأسفانه استانداردهای زیبایی کره‌ی جنوبی بسیار سخت‌گیرانه هست و برای مردم این کشور از اهمیت بالایی هم برخوردارن و همین باعث می‌شه گاهی اوقات، برای یک هنرمند، بیش‌تر از استعداد و توانایی، به چهره و زیبایی‌های ظاهری توجه بشه.



آر‌ام (کیم نامجون) از گروه BTS



۱ - کیم نامجون (Kim NamJoon) که بیش‌تر با نام هنری خود آر‌ام (RM) سابقاً رپ مانستر (Rap Monster) شناخته می‌شود، یک رپر، ترانه‌سرا و تهیه‌کننده موسیقی اهل کره جنوبی است. او رهبر گروه پسرانه‌ی بی‌تی‌اس است.

۲ - آن هجین (Ahn Hye-jin) که با نام هنری هواسا (Hwasa) شناخته شده است خواننده و رپر عضو گروه مامامو است. وی در ژوئن ۲۰۱۴ به عنوان عضوی از گروه دخترانه مامامو حضور یافت.

۳ - مامامو (Mamamoo) گروه دخترانه کره‌ای است که در سال ۲۰۱۴، زیر نظر کمپانی آر بی دبلیو شکل گرفت و از چهار عضو تشکیل شده‌است: سولار، مونبیول، وین و هواسا. این گروه در تاریخ ۱۸ ژوئن ۲۰۱۴، با انتشار ترانه‌ی «Mr. Ambiguous» به‌طور رسمی آغاز به کار کرد و به یکی از بهترین گروه‌های تازه‌کار در سال ۲۰۱۴ تبدیل شد. این گروه به‌خاطر اجراهای خود در سبک‌های رترو، جاز و آر اند بی و آواز قوی شناخته می‌شود.

- به نظرت آیدول‌هایی هستند که فقط به خاطر چهره معروف شده باشن، نه استعداد هنری لازم خودشون؟

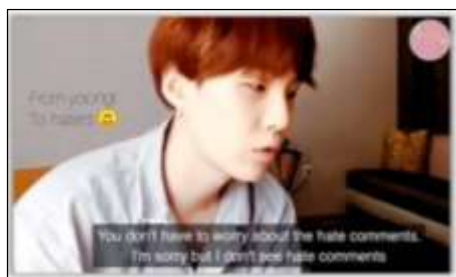
همون طور که گفتم کی‌پاپ یک صنعت سرگرمی هست. نه صرفاً خوانندگی. پس... بله، قطعاً. به خاطر توانایی‌های بازیگری، توانایی‌های مدلینگی، چهره‌ی زیبا، داشتن روابط و یا حامی‌های متعدد... به هر علتی ممکنه یک شخص، آیدول بودن در صنعت کی‌پاپ رو انتخاب کنه و توش حتی موفق هم بشه. چون به هر علتی می‌تونه حمایت مردم رو جلب کنه و به شهرت برسه. در حال حاضر خیلی از آیدول‌های کی‌پاپ هستن که بسیار محبوب و مشهور هم هستن، اما توانایی‌های خوانندگی اونا در حد معمولی و شاید پایین‌تر از سطح معمول هم هست.

- این که چهره‌ی این آیدول‌ها مورد پسند مردم کره‌ی جنوبی نیست، باعث مشکلاتی براشون شده؟ منظورم در مورد هیت گرفته. چه از خود مردم کره و چه از فن‌های خارجی.

در ابتدای شروع کارشون و جلب توجه ابتدایی مردم، بله مشکل ساز شده. چون در دیدگاه اول، این ظاهر و چهره هست که فن‌های کره‌ای و حتی اینترنشنال رو جذب می‌کنه. پس ممکنه اون توجه اولیه رو از دست بدن. اما کم‌کم با تولید محتوای قوی و تلاش و استعداد، می‌تونن جای پای خودشون رو بین مردم محکم کنن و به این شکل فن‌های واقعی پیدا کنن.

بعد همیشه در این بین، افرادی هستن که بخوان به ظاهر و چهره‌ی این افراد هیت بدن. همیشه بودن و خواهند بود. این افراد در بین فن‌ها و حتی گاهی برای خود آرتیست هم فاقد اهمیت هستن.

همون طور که مین یونگی، عضو گروه بی‌تی‌اس بارها اشاره کرده که هیت‌های هیترها و ابراز تنفرهاشون براش اهمیتی نداره و پست‌ها و کامنت‌های هیت رو نمی‌خونه.



۴۶ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

شوگا (مین یونگی) عضو گروه بی‌تی‌اس در یکی از لایوهایش با طرفداران خودش می‌گه:

«نگران نظرات منفی نباشید. من اون‌ها رو نمی‌بینم و نمی‌خونم.

شماها می‌تونید هر چیزی که خواستید بنویسید. کمپانی با همه‌شون برخورد می‌کنه».

- این هیت‌ها روی آیدول‌ها چه تأثیری می‌گذاره؟

بستگی به خود آیدول و همچنین نحوه‌ی برخورد کمپانی با این افراد داره. به طور مثال، کمپانی بیگ‌هیت به طور جدی، از افرادی که محتواهای توهین‌آمیز و هیت رو به اشتراک می‌ذارن، شکایت می‌کنه و حقوق آرتیستش رو حفظ می‌کنه. اما برای مثال کمپانی کیوب، ترجیح می‌ده بعد از پخش شدن شایعه‌ها و هیت گرفتن‌های آیدولش، آرتیستش رو از کمپانی اخراج کنه.

و در کنار این، این هیت‌ها و نفرت‌پراکنی‌ها از سمت افرادی که شاید حتی خودشون رو فن هم می‌دونن، قطعاً به روحیه و سلامت روحی روانی آرتیست لطمه می‌زنه. چون این آیدول‌ها هم قطعاً انسان هستن و نسبت به چنین چیزهایی آسیب پذیر.

همون طور که همین اخیراً، آرتیستی به اسم سولی، نتونست از پس تحمل این حجم از نفرت‌ها بر بیاد و دست به خودکشی زد. بعد دوستش گو هارا هم یک ماه بعد از اون دست به خودکشی زد. یک آسیب تا این اندازه می‌تونه جدی باشه.<sup>۲</sup>

---

۱ - کیوب اینترتینمنت (Cube Entertainment) شرکت سرگرمی کره‌ای است، که در سال ۲۰۰۶ تأسیس شد. گروه‌های

پسرانه‌ی BtoB و Pentagon و گروه دخترانه‌ی (G)I-dle از جمله گروه‌های خوانندگی زیر نظر این کمپانی است.

۲ - چویی جین‌ری (زاده ۲۹ مارس ۱۹۹۴ در بوسان - درگذشته ۱۴ اکتبر ۲۰۱۹ در سئول) که بیش‌تر با نام هنری «سولی» شناخته می‌شد، خواننده، ترانه‌سرا، هنرپیشه و مدل اهل کره جنوبی بود. پیکر او در ۱۴ اکتبر سال ۲۰۱۹ در خانه‌اش پیدا شد. دلیل مرگ او خودکشی اعلام شد. به گفته‌ی پلیس کره جنوبی، سولی یک روز قبل از خودکشی با مدیر برنامه‌هایش تماس تلفنی داشت و مدیر برنامه‌ی سولی می‌گوید که احساس غریبی در صدای سولی بود. به همین دلیل روز بعد به خانه سولی می‌رود و پیکر بی‌جان او را می‌بیند. طرفداران وی آرزوی آرامش روح وی را دارند. یک ماه پس از خودکشی سولی، دوست او، گو هارا نیز خودکشی کرد. ۳ - بی‌بی‌سی در گزارشی با عنوان «جسد بی‌جان ستاره پاپ کره جنوبی در آپارتمانش پیدا شد»، در تاریخ ۱۴۰۲/۱/۳۱، با ارایه دورنمایی کامل‌تر از خودکشی ستاره‌های کره جنوبی، می‌نویسد:

به گزارش رسانه‌های کره جنوبی جسد بی‌جان مون‌بین، ستاره ۲۵ ساله کی-پاپ در آپارتمانش در سئول پیدا شده است. طرفداران این ستاره موسیقی پاپ با ناراحتی و ناباوری، نسبت به مرگ ناگهانی او واکنش نشان دادند. جسد مون‌بین چهارشنبه (۱۹ آوریل)، در آپارتمانش توسط مدیر برنامه‌های گروه موسیقی «آسترو»، گروهی که در آن عضو بود، یافت شد.

مرگ او به نگرانی‌ها در مورد «استرس شدیدی» که ستاره‌های کی‌پاپ در سال‌های گذشته با آن درگیر بوده‌اند، دامن زده است و بسیاری نیز مرگ دیگر ستاره‌های موسیقی کره جنوبی را یادآوری کرده‌اند. پلیس در بیانیه‌ای گفت که بررسی‌های اولیه نشان از «خودکشی» آقای مون دارد، اما کالبدشکافی علت دقیق مرگ را مشخص خواهد کرد.

شرکت فانتیاگو، ناشر آثار این هنرمند، در توئیتر نوشت: «مون‌بین، به‌طور غیرمنتظره دنیای ما را ترک کرد و تبدیل به ستاره‌ای در آسمان شد».

تصاویر منتشر شده، طرفداران این ستاره کی‌پاپ را نشان می‌دهد که در حال گذاشتن گل و یادبودهایی، نه تنها در کره جنوبی، بلکه در سایر نقاط جهان، از جمله ایالات متحده، شیلی، اندونزی و فیلیپین هستند. بسیاری نیز بادکنک‌های بنفش و قرمزی رنگ، رنگ‌هایی که تم اصلی آخرین اجرای مون‌بین در تایلند بود، را به هوا فرستاده‌اند.

مرگ او موجی از غم و اندوه را در رسانه‌های اجتماعی برانگیخته است. کاربری در توییتر نوشت: «در آرامش بخواب، مون‌بین. امیدوارم که ستارگان و ماه با تو با احترام رفتار کنند و تمامی آرامش و عشقی که لایقش هستی را به تو بدهند.»

کاربر دیگری نوشت: «مون‌بین، لبخندت شب را نورانی خواهد کرد.»

مون‌بین از همان دوران کودکی به ستاره‌ای در کره جنوبی تبدیل شده بود. او در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ به عنوان بازیگر و مدل نوجوان، وارد برنامه تلویزیونی «شوبیز» شد و اولین تجربه بازیگری خود را در سال ۲۰۰۹، در سن ۱۱ سالگی، در سریال کره‌ای محبوب «پسران، فراتر از گل‌ها» کسب کرد. او در ۱۸ سالگی به گروه موسیقی «آسترو» پیوست.



راب شوارتز، خبرنگار آسیایی مجله بیلبورده، به بی‌بی‌سی گفت: «با این که شهرت او در سطح بین‌المللی به اندازه بلک پینک و بی‌تی‌اس نبود، اما چهره‌ای بسیار محبوب در کشورش بود.»

او اضافه کرد: «ستاره‌های کی‌پاپ، همواره تحت فشار شدید طرفدارانشان هستند تا ظاهر و صدایی عالی داشته باشند. هم‌زمان، شرکت‌های تولیدکننده موسیقی نیز از آن‌ها می‌خواهند که بدون وقفه، آثارشان را منتشر کنند.»

آقای شوارتز همچنین گفت: «این که این ستاره‌ها این چنین زیر ذره‌بین شبکه‌های اجتماعی و جامعه قرار دارند، باورکردنی نیست» و در ادامه افزود: «سلبریتی‌های غربی مطمئناً می‌توانند دست‌کم بعضی از روابط و مسایل خصوصی خود را از دید عموم پنهان نگاه دارند. اما این، در دنیای کی‌پاپ محال است. به محض این که پای خود را از خانه بیرون می‌گذارند، هزاران مطلب در موردشان نوشته می‌شود.»

او همچنین با اشاره به سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ که مون‌بین به دلیل بیماری برنامه‌های خود را متوقف کرده بود، گفت: «زندگی این هنرمندان فقط به فعالیت در زمینه کی‌پاپ خلاصه می‌شود. از زمانی که تمرینات خود را از سنین پایین شروع می‌کنند، و البته مدرسه را رها می‌کنند، روابطشان با دوستانشان تقریباً قطع می‌شود.»

از سال ۲۰۲۰، مون‌بین به همراه سنه‌ا، دیگر عضو گروه آسترو، اجراهایی به صورت دوئت (دونفره) داشتند. آن‌ها در میانه یک تور جهانی بودند و آخرین اجرایشان به تاریخ ۸ آوریل در بانکوک برمی‌گشت.

کمپانی فانتیاگو، امروز، پنجشنبه (۲۰ آوریل)، در بیانیه‌ای اعلام کرد که تمامی اعضای گروه به سؤل بازگشتند تا در مراسم درگذشت مون‌بین شرکت کنند. در بیانیه این کمپانی همچنین از مردم خواسته شده است که به احترام آقای مون، از «گمانه‌زنی‌های نادرست و مخرب» در مورد مرگش خودداری کنند تا خانواده‌اش در آرامش باشند.

کره جنوبی بالاترین میزان خودکشی جوانان را در میان کشورهای توسعه یافته دارد که حدود ۲۶ نفر در هر صد هزار نفر است. با این که نرخ خودکشی به طور کلی، در این کشور رو به کاهش است، اما مرگ و میر در بین افراد ۲۰ تا ۳۰ ساله، در حال افزایش است. چندین سلبریتی جوان در کره جنوبی در سال‌های اخیر جان خود را از دست داده‌اند، که علت بعضی از این موارد، خودکشی اعلام شده است.

جسد جونگ جای یول، بازیگر ۲۶ ساله، حدود یک هفته پیش در خانه‌اش در سئول پیدا شد و مدیر برنامه‌هایش علت مرگ او را فاش نکرد.



در اکتبر ۲۰۱۹، «سولی»، ستاره کی‌پاپ، پس از یک دوره طولانی خشونت و آزارهای آنلاین، خودکشی کرد. سولی برای مدت‌ها در معرض آزار و اذیت آنلاین بود.



یک ماه بعد، جسد «گو هارا»، دوست نزدیک «سولی» نیز، که پیش‌تر به عنوان یکی از اعضای سابق گروه کی‌پاپ «کارا» شناخته می‌شد، در خانه‌اش در سئول پیدا شد.



در سال ۲۰۱۸، «مین‌وو»، عضو گروه پسرانه «۱۰۰ درصد»، در خانه‌اش درگذشت. در گزارش مرگش، تنها اعلام شده بود که دچار ایست قلبی شده است.

«کیم جونگ‌هیون»، خواننده گروه «شاینی»، یکی از مطرح‌ترین گروه‌های پسرانه در کره جنوبی در سال ۲۰۱۷، در سن ۲۷ سالگی درگذشت.



حالا طرفداران گروه «آسترو» که به «آروهاس» معروف هستند، در سوگ کسی هستند که از او به عنوان یک هنرمند همه‌فن‌حریف و مشهورترین رقصنده گروه یاد می‌شد.

به گزارش شبکه اس‌بی‌اس کره جنوبی، مون‌بین در کنسرت اخیرش، به طرفدارانش گفته بود که دوران سختی را پشت سر گذاشته است: «می‌خواهم به چیزی اعتراف کنم، واقعاً احساس بدی دارم. احتمالاً از همان ابتدای اجرای امشب، بعضی از شما متوجه آن شده باشید. واقعاً متأسفم.»

او همچنین در یک پخش زنده از یک شبکه اجتماعی گفته بود: «من دارم سعی می‌کنم چیزهایی را که قبلاً از دست داده‌ام، دوباره به دست آورم. البته که وقتی این شغل را انتخاب کردم، پس باید خوشحال باشم تا بتوانم طرفدارانم را هم خوشحال کنم.»





- طرفدارها چه طور، آیا اون‌ها هم خودشون رو با این زیبایی مقایسه می‌کنن؟ در هر فن‌دوم، هر شخص با هر مدل اخلاقیات و نگرشی ممکنه وجود داشته باشه. پس... بله. قطعاً فن‌هایی هستن که تحت تأثیر فضای کی‌پاپ، به سمت این ظاهر بینی اغراق‌آمیز کشیده بشن و بیش از اندازه درباره‌ی ظاهر حساسیت به خرج بدن. اما خوشبختانه، نسل جدید فن‌ها و مخصوصاً فن‌های اینترنت‌نشال (هوادارهای غیر کره‌ای) دیدگاه بازتر و بهتری نسبت به این موضوع دارن و این حساسیت‌های بیش از اندازه روی زیبایی و ظاهربینی، تا حد زیادی به فن‌های کشور کره‌ی جنوبی محدود می‌شه.

در کنار همه‌ی این‌ها، در حال حاضر حتی آیدول‌ها هم کم‌کم در حال تابوشکنی هستن و به فن‌ها یادآوری می‌کنن که همه چیز محدود به زیبایی ظاهر نمی‌شه. مثل کانسپت‌های مخصوصی درباره‌ی دوست داشتن خود، و پذیرفتن خود به شکلی که هستیم و توجه به زیبایی واقعی که در واقع زیبایی افکار و شخصیت هست یا مثل پست‌ها و تصاویری که در فضای مجازی از سمت آیدول‌ها به اشتراک گذاشته می‌شه که در اون‌ها، آرتیست بدون آرایش، فیلتر و ظاهر پر رنگ و لعاب، چهره‌ی طبیعیش رو به فن‌ها نشون می‌ده و یا حتی با همون چهره و استایل طبیعی و آزادانه، در بین عموم مردم حضور پیدا می‌کنه. کم‌کم حتی خود آیدول‌ها هم، به کنار زدن چهره‌ی مصنوعی، پر از ادیت و آرایش و غیرواقعی خودشون هم تمایل نشون می‌دن!

---

مون‌بین و سنه‌ها قرار بود شنبه (۲۲ آوریل) در ماکائو روی صحنه برونند و پس از آن، در ادامه تور جهانی خود، به اندونزی و ژاپن سفر کنند.

۱ - در برنامه‌ی رقابتی My Teenage Girl، که برنامه‌ای برای پیدا کردن استعدادهای خوانندگی دختران است، جئون سویون عضو گروه (G)I-DLE که به عنوان یکی از داورهای مسابقه شرکت می‌کرد، از تماشای‌ها و افرادی که رأی می‌دادند گله کرد که چرا به جای توجه به استعداد، به ظاهر توجه می‌کنند. در این برنامه یک اجرای گروهی با صدای بد و اشتباهات فراوان و تنها به دلیل بامزه بودن و زیبایی خواننده‌ها، رأی بالاتری گرفت و به مرحله‌ی بعد رفت، اما اجرای گروه دیگر با وجود قوی بودن، اما داشتن بدنی تپل و بامزه نبودن برای رأی‌دهنده‌ها، نتوانستند به مرحله‌ی بعد برونند. سویون در هنگام رو به رویی با گروهی که به دلیل ظاهر به مرحله‌ی بعد رفته بودند، گفت: «بخوام صادق باشم، حقیقتاً این بدترین اجرای امروز بود. نمی‌تونم عصبانی شم، وقتی می‌بینم شرکت‌کننده‌هایی هستند که سخت کار می‌کنن، اما حتی نمی‌تونن به مرحله‌ی بعد برن. تیم رأی‌دهنده باید با احساس مسوولیت و عادلانه کارش رو انجام بده. من خیلی عصبانی‌ام».

- به نظرت اگر یک هوادار تحت تأثیر ظاهر آیدول‌ها قرار بگیره، چه جور مشکلاتی ممکنه براش به وجود بیاد؟

یکی از معمول‌ترین مشکلاتی که به وجود میاد، اینه که شایسته‌سالاری واقعی در محیط کی‌پاپ از بین می‌ره. چون فن‌ها صرفاً ظاهری قضاوت می‌کنن و اون آرتیست با حمایت‌هاشون رشد می‌کنه و به موفقیت‌هایی می‌رسه که استعدادها و توانایی‌هاش درخور اون موقعیت نیستن.

از طرف دیگه، توجه زیادی به ظاهر، باعث نوعی کمبود اعتماد به نفس واسه فن‌ها و افرادی می‌شه که توجهی به غیر واقعی بودن این زیبایی اغراق‌آمیز ندارن و متوجه نیستن که این زیبایی تاحد زیادی مدیون ادیت‌ها، ورزش‌ها و رژیم‌های غذایی آسیب‌زننده، عمل‌های جراحی و آرایش و گریم‌های مختلف هست.

پس این مقایسه‌ی نابرابر، برای روحیه‌ی افرادی که عموماً جوون و تأثیرپذیر هستن، می‌تونه مشکل‌ساز باشه و باز هم تأکید می‌کنم، اینا همه به خاطر احساسات کنترل نشده و قضاوت غیرمنطقی تعدادی از فن‌ها هست.

- الان گفتم که آیدول‌ها دارن کم‌کم از دوست داشتن افراد توسط خودشون و این چیزها حرف می‌زنن. اما هم‌زمان برای خودشون این سخت‌گیری هست که همیشه باید کامل و بدون بدی باشن. رعایتش هم می‌کنن. این یه تناقض نیست؟

موضوع اینه که این شدت از وسواس روی زیبایی، حتی خود آرتیست‌ها و کمپانی‌ها رو هم اذیت می‌کنه. اما موضوع عرضه و تقاضاست. یعنی عموم مردم این ظاهر و این زیبایی رو به شکلی اغراق‌آمیز می‌خوان. پس کمپانی‌ها و هنرمندا هم باید از این روند پیروی کنن. از طرفی، وقتی هنرمندهایی که الگوی تعداد زیادی از مردم یک کشور هستن، به این شکل رفتار می‌کنن، به شدت پیدا کردن این رفتار دامن می‌زنن. این درست مثل یک دوره‌ی گذشته که دو عنصر روی همدیگه اثر می‌ذارن. پس این زنجیره باید از یک قسمت شکسته بشه و آیدول‌های نسل جدید مخصوصاً، کم‌کم توی این تابو شکنی‌ها پیشقدم می‌شن. مثل جونگ‌کوک عضو بی‌تی‌اس، که تابوی تتو داشتن برای آرتیست‌ها رو شکست.

یا کانسپتی از آلبوم اخیر گروه دخترانه‌ی ایتزی؛ که مخاطب رو به پذیرفتن خودشون، همون طور که هستن تشویق می‌کنه و حتی یکی از اعضای اون‌ها تصاویری از خودش به اشتراک گذاشت که

---

۱ - جونگ‌کوک که با نام جونگ‌کوک شناخته می‌شود، خواننده و ترانه‌سرای اهل کره جنوبی است. او کوچک‌ترین عضو و خواننده گروه پسرانه کره‌ای بی‌تی‌اس است.

۲ - ایتزی (ITZY) یک گروه دخترانه اهل کره جنوبی است که سال ۲۰۱۹ توسط جی‌وای‌پی انترتینمنت (JYP Entertainment) تشکیل شد و اعضای آن متشکل از جی، لیا، ریوجین، چریونگ و یونا است. این گروه در ۱۲ فوریه ۲۰۱۹ و با انتشار آلبوم تک‌آهنگ «این متفاوت» آغاز به کار کردند که توانستند جوایز عالی دریافت کنند با دریافت اولین جایزه خود نه روز پس از شروع به کار در صنعت موسیقی، ایتزی در حال حاضر سریع‌ترین گروه دخترانه کره جنوبی است که اولین برد خود را در برنامه‌های موسیقی به دست می‌آورد. نام فندوم این گروه «میدزی» است.

پوست صورتش رو به شکلی طبیعی، با کم‌ترین گریم و رنگ طبیعی و بدون شیو کردن صورتش به نمایش می‌داشت.



اچنون جونگ‌کوک عضو گروه BTS و تتوهای او



- پس به نظرت این تناقض آروم آروم در حال از بین رفتنه؟  
امیدوارم که این طور باشه. هر چند سرعت و شدتش از نظر من کم هم هست. اما ترجیح می‌دم عجلولانه قضاوت نکنم و منتظر بمونم.

- کره رو چه جور کشوری می‌بینی. شده فکر کنی که بری اونجا؟  
نه واقعاً هیچ وقت تمایلی به زندگی در کره‌ی جنوبی نداشتم. یک مسافرت تفریحی و موقت البته بحثش جداست. من به شخصه برای مسافرت، هر جایی رو می‌پسندم و برام هیجان انگیزه. اما زندگی نه. اگه به طور واقع بینانه به این کشور نگاه کنیم، ممکنه فضا و سیاست و جامعه‌ای داشته باشه که با بعضی از سبک‌های زندگی و سلايق همخونی نداشته باشه. مثلاً من به شخصه توی فضای کاری فشرده، سیاست سرمایه‌داری و هزینه‌های بالا و حتی هنجارهای اجتماعی و فرهنگ این کشور، احساس راحتی زیادی ندارم... و مثلاً برای مهاجرت، ابدأ جزو گزینه‌های انتخابیم نیست.  
اما ممکنه برای شخص دیگه‌ای، این موارد قابل قبول و حتی دوست داشتنی باشه. نمی‌شه یک طرفه قضاوت کرد. برای من به شخصه، کره‌ی جنوبی، صرفاً همون کشوری هست که جاذبه‌های گردشگری بسیار زیادی داره و محل زندگی آرتیست مورد علاقه‌ام هست.

- چه چیزی در مورد هنجارها و فرهنگ‌های این کشور باعث می‌شه این حس رو بهش داشته باشی؟

به طور مثال همین توجه افراطی به ظاهر، یا حتی به وضعیت مالی اشخاص و همین طور سیستم آموزشی شون مخصوصاً در مقاطع راهنمایی و دبیرستان که به صورت بسیار فشرده و رقابتی و حتی ناسالم هست. همین طور مردم شون به طور کلی گاهی رفتارهای نژادپرستانه از خودشون نشون می‌دن. مثلاً به گفته‌ی یکی از مردم کره‌ی جنوبی، در این کشور حتی الامکان از مدل‌های سیاه‌پوست و رنگین پوست برای تبلیغات‌ها استفاده نمی‌شه. سرعت رشد فرهنگ جامعه‌ی کره‌ی جنوبی عقب‌تر از رشد تکنولوژی در این کشور هست و این به شخصه برای من، یک فضای دوگانه و ناخوشایند به نظر میاد. - این نژادپرستی برای آیدول‌ها هم پیش میاد؟ آیدول‌هایی از نژاد و رنگ‌های مختلف فعالیت می‌کنن کی پاپ دارن؟

بله قطعاً. یکی از همین معیارهای زیبایی، سفید بودن رنگ پوسته. و در کره، حتی آیدول‌هایی از خود کره، با پوست تیره هم مورد آزار و نژادپرستی قرار می‌گیرن. از این نظر جامعه‌ی کره‌ی جنوبی اصلاً دیدگاه منعطف و بازی نداره.

آیدول‌هایی با نژادهای مختلف در کی‌پاپ مشغول به کار هستن. اروپایی، چینی، تایلندی، آمریکایی، استرالیایی و حتی آیدول سیاه‌پوست که عضو گروه بلک سوان<sup>۱</sup> هست. اما تک تک این آیدول‌ها کم و بیش مورد هیت و حمله قرار می‌گیرن. شاید کم‌تر یا بیش‌تر، اما همگی از نظر نژادی که دارن، زیر ذره بین هستن. برای مثال لیسا<sup>۲</sup> عضو بلک‌پینک<sup>۳</sup> که به دلیل تایلندی بودن، از سمت فن‌های زیادی هیت می‌گیره، آلبوم‌هاش بایکوت می‌شن و از نظر کشوری که در اون متولد شده، همیشه مورد نظرات منفی قرار می‌گیره. به هر دلیلی. حتی آرتیست‌هایی که از رگ و ریشه‌ی خود کره‌ی جنوبی هم هستن، از نظرات و هیت‌های نژادپرستانه در امان نیستن.

- غیر از بی‌تی‌اس گروه دیگه‌ای هم دنبال می‌کنی؟

گروه دیگه‌ای رو به شکل پیگیر و فندومی، نه. فقط توی فندوم بی‌تی‌اس هستم.

---

۱ - بلک سوان (Blackswan) یک گروه دخترانه‌ی چند ملیتی در کره‌ی جنوبی است که توسط کمپانی DR Music تشکیل شده است. این گروه در دسامبر ۲۰۲۲ شروع به کار کرده است. اعضای آن تشکیل شده است از: فاتو سنگالی، له یا برزیلی - ژاپنی، گابی برزیلی، شریا هندی و آن‌وی آمریکایی.

۲ - لایسا مانوبان (با نام تولد پرانپریا مانوبان) که بیش‌تر با نام هنری لیسا شناخته می‌شود، رپر، خواننده و رقصنده تایلندی است که در کره جنوبی فعالیت می‌کند. او عضو گروه دخترانه کره‌ای بلک‌پینک (Black pink) تحت عنوان وای‌جی اینترتینمنت (YG Entertainment) است.

۳ - بلک‌پینک یک گروه دخترانه کره‌ای متشکل از جیسو، جنی، رزی و لیسا تحت عنوان وای‌جی اینترتینمنت است. این گروه در اگوست ۲۰۱۶ شروع به کار کرد. بلک‌پینک موفق‌ترین گروه دخترانه کره‌ای در سطح بین‌المللی است و لقب بزرگ‌ترین گروه دخترانه دنیا از سوی نشریات معتبر به آن‌ها داده شده است.

اما خواننده‌های دیگه‌ای هم هستن که به تعدادی از موزیک‌ها یا موزیک ویدیوهاشون علاقه‌امند باشم و سبک کاری‌شون رو پسندم. مثلاً تی‌اکس تی!



گروه TXT



گروه چند ملیتی و دخترانه‌ی Black Swan



فاتو عضو سنگالی و سیاه‌پوست گروه Black Swan

---

۱ - تومارو اکس توگدر (Tomorrow X Together یا Tomorrow by Together) که پیش‌تر با نام تی‌ایکس تی (TXT) شناخته می‌شود، گروه پسرانه‌ی اهل کره جنوبی است که توسط بیگ‌هیت میوزیک شکل گرفته‌است. این گروه متشکل از پنج عضو است: یونجون، سوپین، بومگیو، ته‌هیون و هونینگ کای. گروه تی‌اکس تی در ۴ مارس ۲۰۱۹ با آلبوم چند آهنگه‌ی فصل رؤیا: ستاره (The Dream Chapter: Star) فعالیت خود را آغاز کرد.



گروه Black Pink



لیسا عضو تایلندی گروه Black Pink

- خوب شده که از گروهی خوشتر نیاد، رفتارت با فندوم اون گروه چه طوره؟  
بله. موسیقی سلیقه‌ایه و این که من از موسیقی و سبک کاری یک گروه خوشم نیاد خیلی چیز طبیعی‌ای هست. تلاش می‌کنم این موضوع تفاوت سلیق شخصی رو بپذیرم. دخالت و تعصب در این زمینه ابداً عاقلانه نیست. پس طبیعتاً با فندوم اون گروه هم بی‌طرفانه و معمولی رفتار می‌کنم. همون طور که باید باشه. چون ما قبل از عضو یک فندوم بودن، همه انسان و شاید حتی دوست و آشنا هستیم. پس درگیری بابت این موضوعات فندومی، از افراد بالغ و عاقل سر نمی‌زنه و البته که در هر جمعی، افرادی همیشه وجود دارن که متعصبانه و شاید بی‌فکرانه عمل کنن و بحث و درگیری‌هایی در بین بقیه‌ی افراد هم به وجود بیان. اگه این افراد رو فاکتور بگیریم، هر کسی می‌دونه که چه طور باید عاقلانه رفتار کنه.

- ولی شنیدم که گاهی بین اعضای چند فندوم مشکل پیش میاد و باهم دعوا می‌کنن؟ برای چی این اتفاق می‌افته؟

بله، درسته و این دلایل مختلفی می‌تونه داشته باشه. وقتی یک فرد در یک فندوم، هنوز به این فهم و شناخت نرسیده که، کی پاپ یک صنعت سرگرمی هست و هر روز پدیده‌ی جدیدی برای ابراز و نشون

دادن داره و هر دوره‌ای، یک آرتیست خاص در اوج قرار دارن، بحث‌ها و درگیری‌هایی پیش میاد که صرفاً می‌شه اونا رو به هیجانی و احساسی تصمیم گرفتن‌های یک تعداد افراد ربط داد.

گاهی پیش میاد که رکوردهای یک گروه، توسط یک آرتیست دیگه جابه‌جا می‌شه، یا منابع خبری نامعتبر، یک موفقیت یا شکست رو به اشتباه برای هنرمند ثبت می‌کنن یا این که شایعه‌ها یا حتی اخبار شخصی‌ای از آرتیست‌ها در بین فن‌ها پخش می‌شه... هر محرکی می‌تونه عامل پیش اومدن یک درگیری و یک واکنش هیجانی اشتباه باشه.

- این درگیری‌ها در چه حد می‌تونه بد باشه؟

بیش‌تر اوقات تا حد همون درگیری‌های مجازی در توئیتر و اینستاگرام و بقیه‌ی پلتفرم‌ها محدود می‌مونه. خیلی کم پیش میاد که در واقعیت هم درگیری فیزیکی‌ای پیش بیاد.

- توی این درگیری‌ها توی توئیتر و اینستاگرام معمولاً فن‌ها چه کار می‌کنن؟ این درگیری توی

فحش دادن و نظرات منفی محدود می‌مونه یا کارهای بدتری هم هست؟

گاهی این درگیری‌ها، خود آیدول‌ها رو هم نشونه می‌گیره و آسیب روحی و روانی به آرتیست وارد می‌کنه. حتی گاهی به تهدید کردن آرتیست هم ختم می‌شه و البته باید اشاره کنم که این تهدیدها هیچ وقت عملی هم نمی‌شن. اما در حد تهدیدهای مجازی هم آسیب زنده هستن و امنیت آرتیست رو به خطر می‌اندازن. مثل زمانی که جیمین در یکی از تورهای کنسرت در توئیتر تهدید به حمله با اسلحه و قتل شد و مشکلات زیادی ایجاد کرد و تعداد زیادی از فن‌ها و حتی خود اعضای بی‌تی‌اس رو مشوش کرد.

نظرات منفی فن‌ها، می‌تونه باعث خراب شدن وجهه‌ی هنرمند مقابل افرادی بشه که اطلاعی از وضعیت کی‌پاپ ندارن و شناختی از آرتیست هم ندارن. پس یک نفرت عمومی و بی‌پایه و اساس هم ایجاد می‌شه.

- کمپانی‌ها توی کره دقیقاً چه کار می‌کنن؟

بحث درباره‌ی نحوه‌ی کار کمپانی‌ها و سیاست‌هاشون خیلی طولانی و پر بحثه. اما به طور خلاصه، کمپانی‌ها اعضای یک گروه یا حتی خواننده‌های سولو رو استعدادیابی و پیدا می‌کنن، بهشون در دوره‌های کارآموزی، آموزش‌های لازم برای خوندن، رقص و بقیه‌ی توانایی‌های لازم رو می‌دن و بعد از این که به آمادگی لازم رسیدن، به شکل رسمی، شروع کار گروه رو اعلام می‌کنن. بعد از شروع کار آرتیست، کمپانی وظیفه‌ی تبلیغات، تولید موزیک، پرداخت هزینه‌های مختلف مثل خوابگاه، ضبط موزیک ویدیوها و امکانات دیگه رو متحمل می‌شه و به نوعی همه‌جوره گروه رو برای فعالیت و معروف شدن در این صنعت ساپورت می‌کنه تا در عوض این گروه، براش سودآور بشه و به شهرت برسه.

- کمپانی‌ها در چه حد می‌تونن آیدول رو کنترل کنن، اصلاً آیدول‌ها اختیاری برای کارهاشون دارن؟

مقدار این محدودیت‌ها و آزادی‌ها در هر کمپانی متفاوت است. اما به طور کل، کمپانی در تلاشه چیزهایی رو کنترل کنه که پتانسیل ایجاد ریسک و خطر برای کریپر (حرفه‌ای) و کارنامه‌ی کاری آرتیست رو دارن. قطعاً کمپانی نمی‌خواد به سابقه‌ی هنرمند آسیبی وارد بشه. پس موضوعاتی مثل رفت و آمدها، روابط عاشقانه، مصرف نوشیدنی‌های الکلی و رژیم‌های غذایی و رفتار آرتیست در فضای مجازی، تاحدی تحت کنترل کمپانی هست. در موضوعات دیگه که هنرمند آزادتر هست، یا حتی قسمت‌هایی از این موضوعات، آرتیست اختیار و ترجیحات شخصی خودش رو تاحدی رعایت می‌کنه. اما به طور کل، یک خواننده در فضای کمپانی و کی‌پاپ، اختیار زیادی از خودش نداره و برنامه‌ی کاریش و برنامه‌ریزی برای حرفه و شغلش، تماماً توسط کمپانی انجام می‌شه.



البته در این بین استثناهایی هم وجود دارن. مثل گروه‌های قوی‌تر، قدیمی‌تر و مستقل‌تر که خودشون می‌تونن وظیفه‌ی ساخت آهنگ‌ها و برنامه‌ریزی برای ساخت آلبوم‌ها و رفت‌وآمدها و چیزایی از این قبیل رو به عهده داشته باشن. هر قدر گروه تازه‌کارتر و ناشناخته‌تر باشه، بیش‌تر به حمایت احتیاج داره و در نتیجه تحت تسلط کمپانی بیش‌تر می‌ره. اما مجدداً تکرار می‌کنم، این قوانین در کمپانی‌های مختلف، مقداری متفاوت هستن.

- برای محافظت از آیدول‌ها چه کاری انجام می‌دن و آیا شده وادارشون کنن که کار خاصی رو انجام بدن؟

کمپانی همون طور که وظیفه‌ی تأمین خوابگاه و بقیه‌ی امکانات رفاهی رو به عهده داره، وظیفه‌ی حفاظت از آیدول‌ها هم به همین کمپانی برمی‌گرده. هماهنگ کردن پروازها، امنیت وسایل حمل و نقل، محافظت انسانی مثل بادیگارد و استخدام مدیر برنامه‌ها و محافظ‌های شخصی و کارمندهای مخصوص، کارهایی هستن که کمپانی برای تأمین امنیت آیدول‌ها انجام می‌ده.





از اون جایی که تمام امکانات برای آیدول، توسط کمپانی تأمین می‌شود، پس طبیعتاً کمپانی کسی هست که قوانین اصلی رو وضع می‌کنه و آیدول‌ها ناگزیر به اجرای اونا هستن. شدت این قضیه، به خود کمپانی هم مربوطه.

برای مثال، کمپانی اس ام؛ از سخت‌گیرترین کمپانی‌ها و بیگ‌هیت اجزو آزادترین‌ها هست و البته قوانین سخت‌گیرانه‌ی پایه و اصلی، در تمام اون‌ها یک‌سان هست. مثل قانون منع رانندگی به تنهایی بدون اطلاع کمپانی، یا منع به اشتراک گذاشتن پست‌های مشکل‌دار یا دارای محتوای اسپویل آلبوم‌ها در فضای مجازی.

قوانین ممکنه شکسته بشن یا در مواردی با توجه به آرتیست یا کمپانی، منعطف باشن. اما به طور کل، آرتیست موظف هست که ازشون پیروی کنه.

۱ - کمپانی سرگرمی اس ام (SM Entertainment) شرکت سرگرمی و انتشارات موسیقی کره‌ای است، که در زمینه ارایه آلبوم‌های موسیقی و اجرای کنسرت‌های موسیقی، همچنین ارایه خدمات مسافرتی، سرگرمی و نیز توسعه املاک و مستغلات فعالیت می‌کند. کمپانی اس ام به تدریج توسعه یافت و با جذب طرفداران بی‌شماری از سراسر جهان به محبوبیت خود و هنرمندانش افزود. اس ام به پایه‌گذاری و جهانی کردن کی‌پاپ و هالیو موسیقی معروف است. همچنین به دلیل کسب موفقیت‌های جهانی با هنرمندان پیشگامی همچون اچ. او. تی (H.O.T)، اکسو (Exo) و بوآ (BoA) به عنوان موج کره‌ایی شناخته می‌شود.

۲ - بیگ‌هیت میوزیک (Big Hit Music) در گذشته بیگ‌هیت انترتینمنت (Big Hit Entertainment) یک شرکت سرگرمی در کره جنوبی است که در سال ۲۰۰۵، توسط بانگ شی-هیوک تأسیس شد. این شرکت در مارس ۲۰۲۱، زیر نظر هاید کورپوریشن (بیگ‌هیت انترتینمنت کورپوریشن سابق) تغییر عنوان داد. در حال حاضر لی هیون، بی‌تی‌اس و تی‌اکس تی تحت مدیریت بیگ‌هیت میوزیک مشغول به فعالیت اند.

- به نظرت خود آیدول‌ها از این سخت‌گیری راضی هستند؟

نمی‌شه با قاطعیت گفت.

چون اگر قسمتی از ماجرا این باشه که هنرمند از این روال سختگیرانه ناراضی هست و داره آسیب می‌بینه، قطعاً خود این آرتیست، می‌دونه که همین سختگیری‌ها، تا حد زیادی جلوی آسیب رسیدن به حرفه‌ی کاریش رو می‌گیره و تقریباً به نفعش هم هست. درسته که این محدودیت‌ها غیرانسانی هستن، اما در جامعه‌ی کره‌ی جنوبی و جایگاهی که یک آیدول در اون جا داره، این سطح از مراقبت شدید، جای تعجب نداره.

- به نظرت اگه این محدودیت‌ها نبودن، فضای کی‌پاپ بهتر می‌شد یا بدتر؟

من در جایگاهی نیستم که بتونم با قاطعیت جوابی به این سوال بدم.

این طور به نظر میاد که این محدودیت‌ها از سمتی مفید و از سوی دیگه، آسیب زنده هستن. این محدودیت‌ها در کنار عوارض ناخوشایند، تونسته محیط تقریباً امن و سالمی به وجود بیاره که برای هر رده سنی‌ای مناسب باشه و جذاب به نظر بیاد. پس می‌شه گفت این محدودیت‌ها، یک روی خوب و یک روی بد دارن.



نشان تجاری تعدادی از کمپانی‌های سرگرمی معروف کشور کره

- ممکنه این سخت‌گیری کمپانی برای آیدول‌ها مشکل ایجاد کنه؟ اگه ممکنه مثال بزن.  
از بعضی جوانب، بله. مثلاً یکی از متداول‌ترین آسیب‌های این محدودیت‌ها، فشارهای روحی و روانی و حتی جسمی به آرتیست‌ها هست.



- آیدول‌هایی رو می‌شناسی که این مشکل براشون به وجود اومده باشه؟  
 بله مثلاً یکی از اعضای گروه ایتیز؛ وویونگ<sup>۲</sup> که به خاطر سخت‌گیری در حرکات رقص و تمرین زیاد، کمرش دچار آسیب دیدگی دیسک شده بود یا مثال‌های زیادی از آیدول‌هایی هست که روی استیج دچار ضعف یا بیهوشی می‌شن. مثل استیج‌هایی از گروه توایس<sup>۳</sup>.  
 یا استیج‌هایی از تور کنسرت لاو یورسلف بی‌تی‌اس<sup>۴</sup> که در پشت صحنه، جونگ‌کوک دچار ضعف شدید و بیهوشی و مشکل تنفس شد که می‌شد اون رو به ضعف جسمی و حتی خستگی روانی ربط داد.



- ۱ - ایتیز (Ateez) یک گروه پسرانه اهل کره جنوبی است که تحت نظر کی‌کیو اینترتینمنت (KQ Entertainment) فعالیت می‌کند. این گروه از هشت عضو تشکیل شده‌است: هونگ‌جونگ، سونگهوا، یونهو، یوسانگ، سان، مینگی، وویونگ و جونگهو. آن‌ها در ۲۴ اکتبر ۲۰۱۸ شروع به کار کردند.
- ۲ - وویونگ (Wooyoung) خواننده و کال و رقصنده از کره‌ی جنوبی است. او در سال ۲۰۱۸ فعالیت‌های خود را با گروه ایتیز آغاز کرد.
- ۳ - توایس (TWICE) یک گروه نُه نفره دخترانه کی‌پاپ است که در سال ۲۰۱۵ و زیر نظر جی‌وای‌پی اینترتینمنت شکل گرفته است.
- ۴ - تور جهانی «بی‌تی‌اس: خودت را دوست داشته باش» که معمولاً به عنوان تور جهانی لاو یورسلف شناخته می‌شود، سومین تور کنسرت جهانی بود که توسط گروه بی‌تی‌اس انجام شد. این تور در ۲۵ اگوست ۲۰۱۸ در کره‌ی جنوبی آغاز شد و در ۲۹ اکتبر ۲۰۱۹ به پایان رسید و شامل ۶۲ کنسرت در ۱۴ کشور بود. به گزارش بیلبوردر، این تور به موفق‌ترین و پردرآمدترین تور این گروه تا به امروز تبدیل شد.

۶۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

از این گذشته، آیدول‌های زیادی هستند که به خاطر شرایط کمپانی و سختگیری‌ها دچار افسردگی و مشکلات روحی می‌شوند. برای مثال، گروه بی‌تی‌اس در دوره‌ای که کمپانی به مشکل مالی برخورد کرده بود، به قدری برنامه‌ی کاری و تبلیغاتی فشرده‌ای برایشون چیده شده بود که در تک تک اعضا می‌شد خستگی و بی‌انرژی بودن رو تشخیص داد.



گروه Ateez



ووینگ عضو گروه Ateez



گروه Twice

- آگه آیدولی این کارهای ممنوعه رو بکنه، واکنش‌ها بهش چه طوره؟

همیشه واکنش‌ها به دو دسته‌ی سرزنش و حمایت تقسیم می‌شن.

فن‌هایی هستن که متعصبانه آیدول‌ها رو به عنوان یک فرد بی‌نقص و ربات‌گونه قبول دارن... که این گروه از فن‌ها طبیعتاً همراه با سرزنش، خشم و هیت دادن واکنش نشون می‌دن و گروه دیگه‌ای از فن‌ها تلاش می‌کنن سطحی‌تر و با ملایمت بیشتر از این اتفاقات بگذرن. پس این اشتباهات و قانون‌شکنی‌ها رو به عنوان یک عمل انسانی تلقی می‌کنن و سعی می‌کنن اون تصویر آرمانی و بی‌نقص از آرتیست رو از بین ببرن و یادآوری کنن که یک آیدول هم انسانه و حق داره آزادی بخواد و یا اشتباه کنه.

- آیدول‌ها معمولاً در برابر این واکنش‌ها چه رفتاری نشون می‌دن؟

بستگی به آیدول و همین‌طور کمپانی داره. گاهی واکنشی نشون داده نمی‌شه و کمپانی و آرتیست اون قدر صبر می‌کنن تا فن‌ها از تب و تاب این قضایا پایین بیان. گاهی از سمت کمپانی یا آیدول، به این نظرات جواب منطقی و درست داده می‌شه تا غوغای پدید آمده به اتمام برسه. مثل توضیحی برای اون اتفاق و یا تکذیب کردن شایعات و گاهی هم حتی شاید بدون دلیل منطقی، کمپانی، آرتیست رو وادار به عذرخواهی می‌کنه.

- شده که کمپانی‌ها وظیفه‌شون رو درست انجام ندن؟ یا در کل شده که یک کمپانی برای یک گروه کم‌کاری کنه؟

بله این مورد خیلی اتفاق می‌افته. گاهی کمپانی توی مقدار امنیتی که برای آیدول‌ها تدارک می‌بینه کم‌کاری می‌کنه. گاهی توی مقدار پروموت<sup>۱</sup> برای یک گروه. گاهی توجه کافی برای یک گروه و محتواهای تولیدی رو به کار نمی‌بنده و اینا، می‌تونن دلایل مختلفی داشته باشن. مخصوصاً سیاست‌های اقتصادی کمپانی. شاید صرفاً یک بی‌حواسی بی‌دلیل هست. شاید اون آیدول و اون گروه به حد کافی سودآور نبودن و توجه زیاد به اونا بازدهی مثبتی برای کمپانی نبوده.

ممکنه حتی کمپانی‌ها یک گروه کاملاً موفق رو دیس‌بند کنه و به کل توجه و حمایت خودش رو از روی اون گروه برداره. مثال برای این اتفاق هم این که، کمپانی وای جی، برای گروه معروف و موفقش یعنی توانی‌وان<sup>۲</sup> رو دیس‌بند<sup>۳</sup> کرد تا توجهاتی که این گروه قدیمی و باسابقه می‌گرفت، از اون به بعد به سمت گروه دخترانه‌ی جدیدش منعطف بشه. گروهی که جوون‌تر و تازه‌کارتر بودن و طبیعتاً دوره‌ی

۱ - پروموت (Promote) به معنی تبلیغات و ترویج آثار یک گروه قبل از انتشار یافتن آن اثر در صنعت کی‌پاپ است.

۲ - تونی‌وان (2NE1) گروه دختر چهار نفره کی‌پاپ بود که در سال ۲۰۰۹ و زیر نظر کمپانی وای جی اینترتینمنت شکل گرفت. اعضای این گروه شامل سی‌ال، بوم، دارا و مینزی است. این گروه در تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۱۶ به طور رسمی منحل شد. این گروه از محبوب‌ترین گروه‌های کی‌پاپ بود.

۳ - از هم پاشیدن و متوقف شدن فعالیت‌های یک گروه. - Disband - نامیده می‌شود.

۶۲ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

اوج و کریر (حرفه‌ای) بیش‌تری رو پیش رو داشتن. پس لزوماً کمپانی‌ها سود شخصی اعضای یک گروه آیدول رو در نظر نمی‌گیرن. بلکه سود کلی‌ای که به دست میارن برآشون مطرحه.

- پس این آیدول‌ها به نوعی فراموش می‌شن؟ چه اتفاقی برآشون می‌افته بعد از دیس‌بند شدن؟  
هر چیزی ممکنه. برای مثال، از گروه دیس‌بند شده‌ی تونی‌وان، سی‌ال؛ عضو این گروه، هنوز هم به فعالیت‌های سولو ادامه می‌ده و موفق هم هست. پس اعضاء می‌تونن کار گذشته‌شون رو ادامه بدن یا در همون کمپانی، یا در یک کمپانی دیگه و یا به طور آزاد. اما بقیه‌ی اعضاء ممکنه فراموش بشن، به عرصه‌ی مدلینگی، بازیگری، موزیسین شدن و یا ترانه‌نویسی و حتی تهیه‌کنندگی موسیقی رو بیارن. جکسون؛ عضو گروه دیس‌بند شده‌ی گات‌سون؛ کمپانی خودش رو به وجود آورد و همچنان به خوانندگی مشغوله یا از اعضای گروه دیس‌بند شده‌ی نوایست؛ تعدادی به مشاغل غیر مرتبط یا آزاد رو آوردن. و حتی یکی از اون‌ها تصمیم به یوتیوبر شدن گرفت.

گزینه‌های زیادی پیش روی این آرتیست‌ها هست. اما پیدا کردن راهشون، بعد از مدت‌ها عضو یک گروه بودن، ممکنه سخت باشه. مدتی رو نیاز دارن تا بتونن هویت خودشون در غالب یک شخص و یک آرتیست جدا از گروه و کمپانی، بازیابی کنن.

- 
- ۱ - لی‌چه‌رین (Lee Chae-rin) که بیش‌تر با نام هنری سی‌ال (CL) شناخته می‌شود، یک خواننده اهل کره جنوبی است. وی در سئول زاده شد و بیش‌تر دوران کودکی خود را در ژاپن و فرانسه گذراند. از وی به عنوان «ملکه رب کی‌پاپ» یاد می‌شود. او پس از آموزش زیر نظر جی‌وای‌پی اینترتینمنت، به وای‌جی اینترتینمنت ملحق و عضوی از گروه توانی‌وان شد.
  - ۲ - جکسون وانگ (زاده ۲۸ مارس ۱۹۹۴) خواننده، مدل، هنرمند رقص، مجری، طراح مد، کارگردان و ورزشکار حرفه‌ای شمشیربازی (رشته سابر) اهل هنگ کنگ است. او در سال ۲۰۱۷ کمپانی خود را به نام تیم وانگ پایه‌گذاری کرد و فعالیت انفرادی خود را در چین آغاز کرد. شهرت او به دلیل توانایی بالا در رب، رقص، موسیقی و همچنین شخصیت خونگرم و صدای منحصر به فرد اوست. او همچنین یکی از اعضای گروه کره‌ای هفت نفره گات‌سون (got7) و گروه چینی هیپ هاپ (panthepack) است. او از آیدول‌هایی است که توانایی صحبت کردن به چندین زبان مانند انگلیسی، کانتونی معیار، چینی استاندارد، شانگهای، ژاپنی و کره‌ای را دارد. جکسون متولد و بزرگ شده هنگ کنگ و عضو تیم ملی شمشیر بازی سابر این کشور بوده‌است. او در این رشته ورزشی در بازی‌های المپیک تابستانی جوانان ۲۰۱۰ رتبه یازدهم را به دست آورد و در رقابت قهرمانی جوانان آسیا در سال ۲۰۱۱ مقام اول را از آن خود کرد. او در سال ۲۰۱۱ بعد از قبول شدن در مصاحبه خوانندگی به سئول؛ کره جنوبی آمد تا فعالیت خود را در زمینه خوانندگی و عضو شدن در خانواده کی‌پاپ آغاز کند. او تقریباً بعد از دو سال آموزش دیدن در سال ۲۰۱۴ به عنوان عضوی از گروه گات‌سون با اجرای تک آهنگ 'girls girls girls' شروع به فعالیت کرد.
  - ۳ - گات‌سون (GOT7) یک گروه موسیقی کی‌پاپ است که در ژانویه ۲۰۱۴ و زیر نظر کمپانی موسیقی جی‌وای‌پی انترتینمنت، آغاز به کار کرد و شامل ۷ عضو پسر است. اعضای این گروه شامل مارک، جی‌بی، جکسون، جین‌یونگ، یونگجه، بم بم، یوگیوم است. این گروه در ۱۹ ژانویه ۲۰۲۱ به دنبال اتمام قرارداد خود، کمپانی جی‌وای‌پی را ترک کردند.
  - ۴ - نوایست (NU'EST) کوتاه شده (New Establish Style Tempo) یک گروه پسرانه کره‌ای است که توسط پلدیس انترتینمنت ایجاد شده و مدیریت می‌شود. این گروه در ۱۵ مارس ۲۰۱۲ با تک‌آهنگ «فیس» (Face) فعالیت خود را آغاز کرد و در ۱۵ مارس ۲۰۲۲ به آن پایان داد.



گروه دخترانه‌ی 2NE1



سی‌ال یکی از اعضای و لیدر گروه 2NE1



گروه GOT7



جکسون عضو گروه GOT7



گروه NU'EST

- چرا کمپانی روی قرار گذاشتن و رابطه‌ی آیدول‌ها باهم خیلی مراقبه؟  
این به سیاست‌های کمپانی برمی‌گردد. اصولاً بیش‌تر سرمایه‌گذاری‌ها روی فن‌های کره‌ای هست و چیزی که درباره‌ی اکثریت فن‌های کره‌ای وجود داره اینه که این فن‌ها، یک رابطه‌ی عاشقانه و حتی تشکیل خانواده و ازدواج رو برای یک آیدول که حکم ربات و یک شخص بی‌نقص رو برایشون داره، یک نقص و حتی آبروریزی می‌دونند. چون تعدادی از اونا بر این عقیده‌ان که یک آرتیست و آیدول، تماماً متعلق به فن‌هاش هست و نمی‌تونه زندگی و احساساتش رو وقف شخص دیگه‌ای کنه. مخصوصاً اگه اون شخص، در زندگی عاشقانه‌ی آرتیست جا گرفته باشه.

نوعی تعصب و حساسیت بی‌خود و بی‌جهت روی آرتیست باعث می‌شه که فن‌ها چنین رفتاری داشته باشن و کمپانی‌ها و طبعاً خود آرتیست‌ها از پخش شدن اخبار درباره‌ی روابطی این‌چینی، بترسن و پنهان‌کاری کنن.

اما این قضیه، اگه درباره‌ی قرار گذاشتن دوتا آیدول باشه، قضیه پیچیده‌تر هم می‌شه و ممکنه به یک محرک برای بحث و درگیری بین فن‌دوم‌ها تبدیل بشه. افراد یک فن‌دوم خاص، روی آرتیست خودشون تعصب دارن. پس زمانی که یک شخص از یک گروه دیگه وارد زندگی آرتیستی که اون رو متعلق به خودشون می‌دونن می‌شه، حساسیت‌ها و عصبانیت تعدادی از افراد فن‌دوم هم اوج می‌گیره که اینا همه قابل توضیح هستن، اما قابل توجیه نه. تمام اینا فقط و فقط از احساسات کورکورانه‌ی فن‌ها، مخصوصاً فن‌های کره‌ای نشأت می‌گیره. گاهی اوقات هم سانسگ فن‌ها مشکل درست می‌کنن.

- در مورد سانسگ فن‌ها هم یه توضیحی بهم می‌دی؟  
سانسگ فن‌ها، همون فن‌هایی هستن که علاقه‌ی اون‌ها بسیار شدید و ناسالم هست و این احساسات شدید، باعث می‌شه این افراد حتی بدون توجه به رضایت خود آرتیست، دائماً برای جلب توجهش تلاش

---

۱ - کلمه‌ی سانسگ فن (Sasaeng fan) ترکیب کلمه‌ی کره‌ای سانسگ به معنی زندگی خصوصی و فن به معنی طرفدار است. یعنی شخصی که طرفدار زندگی شخصی است. آن‌ها افرادی هستند که آیدول‌ها را در همه جا تعقیب می‌کنند تا بتوانند از زندگی خصوصی آن‌ها اطلاعاتی پیدا کنند. آن‌ها پول‌های زیادی برای این کار خرج می‌کنند و دست به هر کاری برای پیدا کردن اطلاعات در مورد آیدول مورد علاقه‌شان می‌زنند.



کنن، خودشون رو بهش نزدیک کنن، از تمام افعال و تحرکاتش خبردار بشن و از زندگی شخصی اون هنرمند سر دربیارن و حتی امنیت اون رو به خطر بندازن و به حریم شخصیش تجاوز کنن. این افراد تعداد کمی هستن که اکثراً هم بعد مدتی شناخته می‌شن و حتی از سمت آرتیست و کمپانی هم از اون‌ها شکایت می‌شه و به هر شیوه‌ای، تلاش می‌شه که تحت کنترل در بیان.



(تصویری از یک سانسگ‌فن در یکی از لایوهای گروه بی‌تی‌اس با طرفدارانشان که به صورت مخفیانه توانسته بود وارد اتاقشان در هتل شود).



- خوب پس فن‌ها از آیدول‌هاشون چی می‌خوان، یعنی اون‌ها باید برای همیشه مجرد بمونن؟ بی‌تی‌اس چی؟

این رفتار رو کلاً نمی‌شه به فن‌ها نسبت داد. صرفاً قسمت کوچیکی از فن‌ها به این شکل رفتار می‌کنن و چیزی که می‌خوان، تمام یک آیدول هست. می‌خوان رفتارهاش و زندگیش تماماً باب میل اون‌ها باشه و جهت زندگیش در جهت شغلش، یعنی خونندن و رقصیدن برای فن‌ها باشه.

بی‌تی‌اس هم از این قاعده مستثنی نیستن و اخبار روابط عاطفی و بقیه‌ی بخش‌های پرابلماتیک زندگی‌شون، از دسترس فن‌ها دور می‌مونه و سانسور می‌شه. چون بی‌تی‌اس در کره و اینترنت‌نشال فعلاً در درجه‌ی اول اهمیت بین گروه‌های خوانندگی هست و انتظارات و مسوولیت‌های زیادی بر دوش‌شون سنگینی می‌کنه و باید به نوعی رضایت همه رو به دست بیارن.

راستش همه‌ی فن‌ها می‌دونن که یک آیدول در پشت پرده قطعاً زندگی جداگانه‌ای هم داره و روابط عاطفیش از چشم رسانه‌ها دور می‌مونه. اما این دست خودشونه که چه طور به این موضوع واکنش نشون بدن. عاقلانه یا احساساتی و سلطه طلبانه. پس همه‌ی ما می‌دونیم که اعضای بی‌تی‌اس هم مثل تمام انسان‌های دیگه به چنین بخشی در زندگی‌شون نیاز دارن و فقط ما ازش بی‌خبریم. اما شایعه‌های این روابط زیاد هستن که دلایل مختلفی می‌تونن داشته باشن که اکثراً هم مبنای حقیقی‌ای پشت‌شون نیست و بیش‌تر همون حدس و گمان‌های فن‌هاست و خب به همین دلیل که به این حدسیات «شایعه» گفته می‌شه و این شایعات، به کارنامه‌ی کاری یک آرتیست آسیب می‌زنن و چیزهای ناخوشایندی هستن، فن‌ها اغلب اوقات واکنش دفاعی به این نظرات نشون می‌دن و سعی در تکذیب‌شون دارن.

اگر خبر یک رابطه برای یک هنرمند، صحت داشته باشه، فن‌های زیادی هستن که از این رابطه حمایت می‌کنن. به شرط صحت داشتن و تأیید شدن.

- داری همه‌اش در مورد فن‌های کره‌ای می‌گی، چه چیزی باعث شده که این قدر حرف‌هاشون اثر گذار باشه؟

همون طور که گفتیم فن‌های کره‌ای، برای آرتیست‌هایی که از همون کشور هستن، اهمیت بسیار بالاتری دارن. طبیعتاً آیدول‌ها در درجه‌ی اول باید به دنبال کسب رضایت فن‌های کشور خودشون باشن. چون اگر حمایت هموطنان خودشون رو جلب نکنن، فرصت رشد پیدا نمی‌کنن تا بتونن به میادین جهانی پا بذارن.

- این بی‌عیب و نقص نشون دادن آیدول‌ها و این که هیچ اشتباهی نمی‌کنند، باعث نمی‌شه که طرفدارها اون آیدول رو به شخص بی‌نقصی ببینن که هیچ‌وقت، هیچ اشتباهی نمی‌کنه؟ این قضیه چه مشکلاتی رو ممکنه به وجود بیاره؟

دقیقاً این مورد خیلی مشکل‌سازه. نه تنها برای فن‌ها که خودشون رو با آیدول‌ها مقایسه می‌کنن و اونا رو الگو قرار می‌دن... بلکه حتی برای خود آیدولی که آزادی در زندگیش تا حد زیادی ازش گرفته می‌شه. آزادی‌هایی از قبیل آزادی پوشش یا قرار عاشقانه گذاشتن با فرد دلخواه‌شون.

در کره‌ی جنوبی تابوهای بسیار زیادی وجود داره که بیش‌تر اون‌ها حتی غیرعقلانی هم هستن و همین باعث می‌شه تصویر بی‌نقص بودن در این جامعه بسیار سنگین باشه. به طوری که هرکسی زیر این باید و نبایدهای گاه غیرمنطقی نمی‌تونه دووم بیاره.

- تابوهایی که ازشون حرف می‌زنی چی هستن، توضیح‌شون می‌دی؟

تابوهای مختلفی در کره وجود دارند. مثلاً تحصیل نکردن در دانشگاه، ترک تحصیل، چیزای ساده‌ای مثل تتو و مصرف سیگار یا مواد مخدرهای ساده‌ای از این دست... یا حتی داشتن حیوون خونگی‌های بزرگ و نامتعارف یا گستاخانه رفتار کردن با افراد بزرگ‌تر و ارشدهای تحصیلی و شغلی.

- آیدولی رو می‌شناسی که این کارهای اشتباه از نظر مردم کره رو انجام داده باشه، چه اتفاقی واسش افتاد؟

مثلاً جانگ کوک از بی‌تی‌اس، تتو که از نظر جامعه‌ی کره یک تابو هست رو انجام داد. و با توجه به این که ایمپکت (تأثیر) گروه بی‌تی‌اس بسیار زیاد هم هست، این عمل بسیار مورد توجه فن‌ها و حتی مردم عادی قرار گرفت.

اکثریت فن‌ها از این که جانگ کوک آزادانه به کاری که تمایل داشت پرداخته بود، خوشحال بودن و ابراز امیدواری به حذف این تابوهای بی‌مورد می‌کردن. پس اکثر فن‌ها از این قدم مثبت رضایت داشتن. اما گروهی از مردم خود کره‌ی جنوبی، شروع کردن به جمع‌آوری امضا، برای منع کردن جانگ کوک از زدن تتوهای بیش‌تر که البته توجهی به این اقدام اونا نشد و جانگ کوک باز هم آزادانه کاری که بهش علاقه داشت رو انجام داد و نشون داد که این حساسیت‌ها همه بی‌مورد هستن و این موضوع اصلاً جایی برای دخالت افراد دیگه نداره و این عمل، بیش‌تر از سرزنش، مورد استقبال قرار گرفت.

- از خودت هم بگو، این که تو هم فکر می‌کنی که آیدول‌ها بهترین و پاک‌ترین آدمایی که دیدی و هیچ اشتباهی ازشون سر نمی‌زنه؟

خیر. فکر کنم تا به الآن توضیح دادم که قضاوتم درباره‌ی آیدول‌ها و آرتیست‌ها چیزیه مثل تمام مردم عادی. پر از نقاط ضعف و قوت، استعداد، اشتباه و خطا، اخلاق‌های خوب و حتی اخلاقیات نه چندان خوشایند. آیدول‌ها قبل از این که خواننده و الگویی یک تعداد افراد باشن، انسان هستن و انسان هم پر از خطا و نقصه. پس نمی‌شه به طور کامل اون رو الگو و بت قرار داد.

- اگه آیدول مورد علاقه‌ات مثل بی‌تی‌اس، کار اشتباهی بکنه، از طرفدار بودنش دست می‌کشی؟ بستگی داره اون کار اشتباه تا چه اندازه به من یا افراد دیگه مربوط باشه. اگه خواننده‌ی محبوب من، یکی از تابوها یا هنجارهای بی‌اهمیت رو زیر پا بذاره یا مرتکب یک اشتباه شخصی بشه که صرفاً خودش رو تحت تأثیر قرار بده... خب این به من مربوط نیست و قابل چشم‌پوشی هست. چون روی وجهه‌ی کاری و محتوای تولیدی و به طور کل روی چهره‌ی هنری اونا تأثیر آن چنانی‌ای نداره.

اما اگه این اشتباه بسیار بزرگ‌تر باشه و آسیب زننده... بله ممکنه در طرفدار بودنم تجدید نظر کنم. مثلاً رفتارهای نژادپرستانه، جنسیت زده، زن یا مرد ستیزانه، خشونت بار و... برای من به شخصه جزو اشتباهات بزرگ و غیر قابل چشم‌پوشی محسوب می‌شن.

- شده از آیدولی به خاطر کار اشتباهش، ناراحت بشی؟

بله، گاهی پیش اومده یک سری از رفتارها باعث ایجاد ناراحتی در من شده باشه.

۶۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

مثلاً کانسپتی که گروه استری کیدز<sup>۱</sup> برای اجرا در یکی از مراسم‌های موسیقی انتخاب کردن و این کانسپت به فیلم هالیوودی ۳۰۰<sup>۲</sup> مربوط می‌شد که تاریخچه‌ی تحریف شده و توهین آمیزی نسبت به تاریخ ایران و آریایی‌ها داشت و این رو می‌شد به نوعی یک توهین محسوب کرد. یا اجرای گروه دخترانه‌ی مامامو، که کانسپتی از مساجد و معماری‌های اسلامی داشت، بدون این که اطلاع و مطالعه‌ی صحیحی از این تصاویر و کانسپت وجود داشته باشد. این استفاده‌ی بی‌اساس از ظاهر مکان‌های مقدس برای یک ایدئولوژی خاص، مقداری مایه‌ی دلخوری من شد. که خب در نهایت انتظار خاصی هم نمی‌ره. این صنعت سرگرمی برای جذب نظرات و جذابیت بصری، دست به هر خلاقیتی می‌زنه.



اجرای گروه Stray Kids در مراسم پایان سال MAMA در سال ۲۰۲۰ با الهام از فیلم ۳۰۰

– آیا دوران کارآموزی آیدول‌ها سخت‌ترین دوره‌ی کارشونه؟

نمی‌شه به طور قطع گفت «سخت‌ترین». چون کسی نمی‌دونه برای یک گروه بعد از دبیر، چه شرایطی پیش میاد.

اما از نظر درجه‌ی سختی، بله بسیار دوره‌ی سختیه.

چون کمپانی برای یک مدت نامعلوم، کارآموزها رو آموزش می‌ده و این آموزش‌ها بسیار فشرده و سخت هستن. از جمله آموزش خوندن، رقص، روابط اجتماعی و در کنار این مهارت‌ها، کارآموزها به

---

۱ – استری کیدز (Stray Kids) یک گروه موسیقی پسرانه کره‌ای است که در سال ۲۰۱۸ تحت نظر کمپانی جی‌وای پی تشکیل شد. اعضای استری کیدز توسط لیدر گروه بنگ چان انتخاب شده‌اند و در طی برنامه‌ای در سال ۲۰۱۷ به نام استری کیدز موفق به شروع به کار در کی‌پاپ شده‌اند. این گروه در حال حاضر از هشت عضو تشکیل شده‌است: بنگ چان، لی نو، چانگبین، هیونجین، هان، فلیکس، سونگمین و آی ان. استری کیدز در ابتدا به صورت یک گروه ۹ نفره شروع به کار کرده‌اند و ووجین عضو سابق گروه به دلایل نامعلوم شخصی در اکتبر ۲۰۱۹ این گروه را ترک کرده‌است.

۲ – ۳۰۰ یک فیلم آمریکایی در ژانر درام تاریخی حماسی به کارگردانی زک اسنایدر است که در سال ۲۰۰۶ اکران شد. این فیلم بر اساس مجموعه کمیک‌ی به همین نام ساخته شده‌است. این سری کمیک در سال ۱۹۹۸ توسط فرانک میلر و لین ورلی خلق شد. فیلم یک دید تخیلی از داستان نبرد ترموپیل که بین سپاه هخامنشی و شهرهای یونان رخ داد را روایت می‌کند. فیلم از لحاظ جلوه‌های ویژه نظرات متعدد و عموماً مثبتی را به خود جلب کرد، اما از لحاظ تصویرگری واقعیت، شخصیت‌سازی‌های دروغین و نمایش چهره ایرانیان، انتقادات زیادی به آن وارد شد؛ به طوری که عده‌ای این فیلم را نژادپرستانه نامیدند.

طور پیوسته تحت نظر مربی‌های ورزشی و تغذیه هستن و برای کاهش وزن و بالا بردن توانایی‌های بدنی، دست به ورزش‌های سخت و رژیم‌های خطرناک می‌زنن. همه‌ی اینا، شروع جدی ای برای همون پروسه‌ی «بی‌نقص شدن» آیدول هاست.

– ریحانه اگر بخوای حرف‌هایت را راجع به کی‌پاپ و بی‌تی‌اس کی‌پاپ خلاصه کنی، چی می‌گی؟ کی‌پاپ و به خصوص بی‌تی‌اس، با متن آهنگ‌های امیدبخش و موزیک ویدیوهای داستانی معروف است. در حالی که در غرب، بیش‌تر روی محتویات جنسی و سطحی کار می‌کنند، در کی‌پاپ آثار زیادی را با موضوعات روان‌شناختی، فلسفی و اجتماعی می‌توان دید (البته در کی‌پاپ هم آثاری با محتویات جنسی و سطحی وجود دارند).

بی‌تی‌اس از همان اوایل شروع به کار خودش، آثاری در نقد به دولت کره و آموزش و پرورشش در مدارس داشت. در ادامه به تدریج شروع به ساختن یک دنیای ساختگی کرد تا داستان‌هایی را به نمایش بگذارد. داستان‌هایی در مورد نوجوانانی که مشکلات زیادی در دوران بلوغ داشتند و در متن آهنگ‌هایشان از تجربیات نوجوانی خودشان می‌گفتند. مشکلاتی که شاید طرفداران‌شان هم داشته باشند.

نوجوانانی که در جامعه و خانواده به هر دلیلی سرکوب می‌شدند، کسانی را پیدا کرده بودند که به آن‌ها در مورد دوست داشتن خود یاد می‌داد. از آن‌ها می‌خواست در مورد خودشان صحبت کنند و داستان‌شان را بازگو کنند. بدون توجه به این که از چه نژاد، رنگ، کشور و جنسیتی هستند! پس نوجوانان مکان امن خود را در بی‌تی‌اس (و دیگر گروه‌ها) پیدا کرده بودند. جایی که بدون هیچ قضاوت و توهینی، می‌توانستند خود واقعی‌شان باشند.

اما کی‌پاپ در کنار این خوبی‌ها، بدی‌هایی هم دارد. مشکلاتی مانند دعوا، فن‌فیک‌هایی<sup>۱</sup> با محتویات سطحی و جنسی (قطعاً فن‌فیک‌های خوبی هم وجود دارد)، طرفداری افراطی، شیپ<sup>۲</sup> کردن افراطی، الگوهای نامناسب گرفتن و مانند آن.

طرفداران با خودشان و با افرادی که طرفدار کی‌پاپ نیستند، دعوا می‌کنند. بیش‌تر به خاطر شنیدن توهین (جملاتی مانند: اینا معلوم نیست دختر ان یا پسر، صدا کردن‌شان با القاب نامناسب و دادن

۱ - اشاره به سخنرانی کیم نامجون عضو بی‌تی‌اس که در سال ۲۰۱۸ بیان شد.

۲ - فن‌فیکشن یا فن‌فیکشن (به‌طور خلاصه فن‌فیک، فن‌فیک یا فیک، Fan fiction)، داستانی تخیلی است که توسط طرفداران یک کتاب، مجموعه تلویزیونی، فیلم، گروه موسیقی، ورزشکاران و... نوشته می‌شود. نویسندگان این داستان‌ها با الهام از شخصیت‌ها و ساختار داستان‌های نویسندگان اصلی، حکایت جدیدی را در قالبی نو پی‌ریزی می‌کنند. این مجموعه‌ها معمولاً به‌طور رسمی منتشر نمی‌شوند و در ابتدا تنها در مجلات طرفداران جای می‌گرفتند. اما امروزه همچون دیگر فعالیت‌های هواداران به سادگی قابل دست‌یابی در اینترنت هستند.

۳ - شیپ کردن، یعنی فردی تصور می‌کند، دو نفر می‌توانند در رابطه با هم باشند و زوج ایده‌آلی را تشکیل می‌دهند و آن‌ها را اصطلاحاً با هم مرتبط می‌کند. شیپ کردن‌های اخیر از برقراری روابط دوستانه گرفته تا روابط جنسی، گسترده است.

فحش‌های جنسی، گفتن این که طرفداران این گروه‌ها فقط چندتا دختر بچه ان و کارهای بدتر، عصبانی می‌شوند و دعوا می‌کنند که این دعوها بیش‌تر در فضای مجازی هستند. فن‌فیک‌ها هم گاهی مشکل ایجاد می‌کنند. فن‌فیک‌ها داستان‌هایی هستند که طرفداران از گروه‌های مورد علاقه‌ی خود می‌نویسند. گاهی در مورد رابطه‌ی عاشقانه‌ی خود و خواننده‌ی مورد علاقه، گاهی دو عضو از یک گروه و گاهی دو عضو از دو گروه مختلف. در حالی که فن‌فیک‌نویسی توسط افراد زیادی حتی از خود طرفداران کی‌پاپ نقد می‌شود، اما با این حال با قدرت در حال پیشروی است. این نقدها بیش‌تر به دلیل وجود محتویات جنسی زیاد و سطحی بودن‌شان است. اما نمی‌توان فن‌فیک‌های بسیار خوب را نادیده گرفت. این بخش از کی‌پاپ به نوجوانان زیادی در پیدا کردن استعداد نوشتن کمک کرده است.

شیپ کردن افراطی باعث دعوهای بین فن‌دوم‌ها و حتی بین اعضای یک فن‌دوم می‌شود. کمپانی‌های کره‌ای علاقه‌ی زیادی دارند تا نشان دهند رابطه‌ی اعضای یک گروه باهم خوب است. این کار با بغل کردن‌ها، نگاه کردن‌ها و حرکات لمسی دیگر بین دو عضو از یک گروه انجام می‌شود. در نتیجه، طرفداران ممکن است گاهی خیال کنند که دو عضو یک گروه یا دو عضو از دو گروه مختلف، باهم دیگر در رابطه هستند. با این که شواهد کافی در این جهت وجود ندارد، اما این طرفداران دوست دارند که خیال کنند این روابط واقعی است و وقتی با شخصی رو به رو می‌شوند که فکرشان را قبول ندارد، ممکن است از خود پرخاشگری نشان بدهند و دعوا کنند. گاهی هم ممکن است یک عضو از یک گروه را مورد حمله قرار بدهند، چون که خیال می‌کنند مانع رابطه‌ی خوب دو عضوی که شیپ می‌کند، شده است.

طرفداران افراطی عقیده دارند که گروه مورد علاقه‌شان و به ویژه عضو مورد علاقه‌شان هیچ ایرادی ندارند و به نقدهایی که به آن‌ها وارد می‌شد، حتی اگر درست باشد، با عصبانیت پاسخ می‌دهد. هوادارها گاهی هم آن قدر یک عضو را دوست دارند که دیگر اعضای یک گروه را فراموش می‌کنند و با کسانی که مانند او آن عضو را دوست دارند، با پرخاشگری رفتار می‌کنند و می‌گویند که فلان خواننده، مال من است و نباید کسی غیر از من دوستش داشته باشد یا این که تمام زندگی خود را برای طرفداری می‌گذارند و باعث آسیب به خود و دیگران می‌شوند. مثلاً ممکن است نمره‌های‌شان در مدرسه پایین بیاید، زیرا مدام در حال دنبال کردن خواننده‌ی مورد علاقه و حمایت کردن از آن بوده است.

از طرف دیگر، صنعت کی‌پاپ فشار زیادی به آیدول‌ها وارد می‌کند. کمپانی‌ها مدام آن‌ها را مجبور به گرفتن رژیم‌های سنگین، رفتارهای مصنوعی، یاد گرفتن رقص‌های سخت و... می‌کند و زندگی آن‌ها را تحت کنترل دارد. گاهی طرفداران به این بخش توجه نمی‌کنند و فقط اندام عالی یک خواننده‌ی کره‌ای را می‌بینند. در نتیجه ممکن است بخواهند رژیمی که آن خواننده انجام داده است را روی خودشان امتحان کنند. که نتیجه‌ای جز آسیب جسمی و حتی روحی ندارد.

البته این مشکلات نه تنها در کی‌پاپ و بی‌تی‌اس، بلکه در تمام صنعت‌های سرگرمی و حتی غیرسرگرمی وجود دارد.

- خیلی ممنون از همراهیت. ببخشید که وقتت رو گرفتم.

خواهش می‌کنم. موفق باشی.

- ممنونم. خداحافظ.





## تأملی دوباره

ریحانه ۲۱ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

ریحانه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: استفاده از داستان‌های اسطوره‌ای یونانی برای بهتر رساندن مفهوم اثر تولید شده، استفاده از کتاب‌ها و فیلم‌ها برای نوشتن متن آهنگ و استفاده از استعاره و نمادهای آن‌ها برای ساختن موزیک ویدیو، استفاده از تجربه‌های شخصی و اجتماعی برای نوشتن متن آهنگ، استفاده از وقایع در حال رخ دادن در جامعه برای نوشتن متن آهنگ، پدیدار شدن صنعت سرگرمی کی‌پاپ با محتوای متنوع‌تر، جذاب‌تر بودن محتوای صنعت سرگرمی کی‌پاپ به دلیل داشتن محتوای داستانی و آموزشی و متن آهنگ‌های بهتر، استفاده از سبک‌های متفاوت، توجه بیش‌تر به سلیقه هواداران در فضای کی‌پاپ (تا هالیوود)، وجود طرفداران نسبتاً متفاوت، محاسبات کمپانی بر مبنای سودی که گروه‌های مختلف برای آن دارد، عملکرد آزادانه‌تر آیدول‌های قدیمی‌تر نسبت به آیدول‌های جدید در کمپانی و رفتار نژادپرستانه‌ی مردم کره (و کمپانی‌ها) در رابطه با آیدول‌های خارجی، اشاره داشته است.

ریحانه ۲۱ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: استفاده از تجربه‌های شخصی و اجتماعی برای نوشتن متن آهنگ، استفاده از وقایع در حال رخ دادن در جامعه برای نوشتن متن آهنگ، احساس نزدیکی کردن طرفداران با خواننده به دلیل محتویات آهنگ و تجربه‌ی گذشته‌ی خواننده، پدیدار شدن صنعت سرگرمی کی‌پاپ با محتوای متنوع‌تر، جذاب‌تر بودن محتوای صنعت سرگرمی کی‌پاپ به دلیل داشتن محتوای داستانی و آموزشی و متن آهنگ‌های بهتر، استفاده از داستان‌های اسطوره‌های یونانی برای بهتر رساندن مفهوم اثر تولید شده، استفاده از کتاب‌ها و فیلم‌ها برای نوشتن متن آهنگ و استفاده از استعاره و نمادهای آن‌ها برای ساختن موزیک ویدیو، تشویق طرفداران به خواندن و دیدن کتاب‌ها و فیلم‌های مختلف، استفاده از موضوعات روان‌شناختی و فلسفی در آثار بی‌تی‌اس، تهدید آیدول‌ها، به خطر افتادن زندگی آیدول به خاطر برخی از طرفداران، اصرار جامعه بر جلوگیری از طرفداری گروه‌های کی‌پاپ، عدم وجود یک جاذبه‌ی سرگرمی و ایجاد هیجان در داخل، مردسالار بودن جامعه، تحقیر شدن از سمت افراد جامعه به دلیل سلیقه‌ی متفاوت با جامعه، شنیدن توهین از سمت افراد جامعه، تأثیرات منفی جامعه بر غرق شدن نوجوانان در صنعت کی‌پاپ، نبود تفریحات مناسب برای تخلیه هیجان نوجوان‌ها، توجه به سلیقه‌های مختلف و ارایه‌ی سبک‌های متنوع در کی‌پاپ، فردگرا بودن صنعت سرگرمی غرب، گروه‌محور بودن صنعت سرگرمی کی‌پاپ، صادر کردن فرهنگ کره‌ی جنوبی در عین جهانی شدن،

مورد استقبال قرار نگرفتن برخی از آثار گروه بی‌تی‌اس به دلیل مطابق سلیقه‌ی جهانی نبودن، اشاره داشته است.

ریحانه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: عدم وجود یک جاذبه‌ی سرگرمی و ایجاد هیجان در داخل، اصرار جامعه بر جلوگیری از طرفداری گروه‌های کی‌پاپ، تأثیرات منفی جامعه بر غرق شدن نوجوانان در این صنعت، نبود تفریحات مناسب برای تخلیه هیجان نوجوانان، مردسالار بودن جامعه، تحقیر شدن از سمت افراد جامعه به دلیل سلیقه‌ی متفاوت با جامعه، شنیدن توهین از سمت افراد جامعه، بدبین بودن افراد جامعه نسبت به موضوعات جدید، تهدید دانستن فرهنگ کشورهای دیگر به جای استفاده صحیح از آن‌ها، خسته شدن از فضای سرگرمی غرب، سطحی دانستن صنعت سرگرمی غرب، محتوای جنسی و ساده‌ی صنعت سرگرمی غرب، احساس نزدیکی کردن طرفداران با خواننده به دلیل محتویات آهنگ و تجربه‌ی گذشته‌ی خواننده، آشنایی با فرهنگ‌ها و نظرات مختلف، احترام گذاشتن به دیدگاه، نظرات و سلیقه‌ی دیگران، پرکردن اوقات فراغت با برنامه‌ها، دیدن اجرا و کنسرت‌های بی‌تی‌اس، دور شدن از حس افسردگی و بی‌انرژی بودن، ایجاد حس خوب و انرژی مثبت برای طرفداران، جذابیت دوستی موجود بین اعضای گروه بی‌تی‌اس، دوست‌یابی، تابوشکنی آیدول‌های جوان‌تر (مثلاً با نشان دادن عکس‌های بدون آرایش و ویرایش توسط خود آنان)، یادگیری مهارت‌های مختلف مثل رقص، موسیقی، نقاشی، نویسندگی، زبان و مانند آن توسط هواداران، تلاش طرفداران برای شبیه شدن به آیدول موردعلاقه‌شان، دفاع از جذابیت ظاهری آیدول‌ها، آیدول‌ها باید دارای استانداردهای زیبایی مردم کشور کره باشند، کنار نهادن دید کلیشه‌ای اولیه، توهین و تمسخر بدون داشتن اطلاعاتی از صنعت کی‌پاپ و کشور کره، به خطر افتادن زندگی آیدول به خاطر برخی از طرفداران افراطی، تلاش برخی از مردم کشور کره برای جلوگیری از انجام برخی از کارها توسط آیدول‌ها، هشدار در مورد غرق شدن برخی از هواداران در کی‌پاپ، ایجاد اثرات منفی بر ابعاد مختلف زندگی در صورت غرق شدن کامل فرد، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه ریحانه ۲۱ ساله، با ارجاع محورهای اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر وی و دیگر هواداران، توجه خویش را به مباحث ریحانه در زمینه اقدام‌های کمپانی متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، ریحانه در مقایسه موسیقی هالیوودی و کی‌پاپ، موسیقی کی‌پاپ را به دلایل «محتوای عمیق فلسفی و روان‌شناختی»، «کاربری از اسطوره‌ها»، «پرداختن به مسایل جوانان» و مانند آن‌ها، یک موسیقی متفاوت و قابل توجه می‌داند. وی در همین رابطه بیان می‌داشت:

«- خوب ریحانه، کلاً دلیل این که خودت جذب کی‌پاپ شدی، چی بود؟»

راستش من از قبل به موسیقی‌های آمریکایی علاقه داشتم واقعاً. هنوزم دارم. ولی هیچ علاقه‌ای به موزیک ویدیوها و لیریک‌هاشون نداشتم. به نظرم اکثراً معنی‌های جالبی نداشتن و خیلی سطحی و

بدون پیچیدگی و کانسپت خاصی به نظر می‌آید. بعد از این که چندتا کلیپ کوتاه از موزیک ویدیوهای کره‌ای دیدم، اول جذب فضای پر از تنوع و رنگ و موزیک ویدیوهای پر هزیننه و چشم-گیرشون شدم و این که توی همین موزیک ویدیوهای چند دقیقه‌ای، یک داستان و یک موضوع و چندین تئوری و تحلیل و عمق خوبی رو گنجونده بودن هم برام خیلی جذاب بود. چون به موزیک ویدیوهای بی‌محتوا و اکثراً جنسی و کم هزیننه‌ی هالیوودی عادت کرده بودم و این مقدار از توجه روی محتواهاشون خیلی برام جدید و جالب بود و علاقه داشتم که ببینمشون، درباره‌شون بخونم و بدونم داستان پشت این صحنه‌ها و تصاویر و تحلیل‌هاش چیه.

مورد بعدی هم محتوای آهنگ‌ها بود. متن آهنگ‌های بی‌تی‌اس اکثراً از فضای آهنگای جنسی و عاشقانه و صرفاً بیس‌دار آمریکایی، اروپایی خیلی فاصله داشت و توی متن آهنگ‌ها، یک مفهوم فلسفی یا روان‌شناسی گنجونده شده بود. این از مهم‌ترین علت‌هایی بود که به بی‌تی‌اس جذب شدم. چون متن آهنگ‌ها بسیار قوی بودن و روی یک خط داستانی و محتوایی خیلی منسجم و خوب پیش می‌رفتن و توی هر ارایه و دوره‌ای توی کار موسیقی‌شون، به یک محتوای عمیق می‌پرداختن، مثل جوانی، مشکلات نوجوون‌ها، مشکلات سیستم آموزشی، پذیرفتن خود، دوست داشتن خود و تمام ابعاد خودمون».

ریحانه ۲۱ ساله «تنوع موضوعی» و «ارایه آهنگ‌هایی با سبک‌های متفاوت» را از دیگر امتیازهای گروه (و به تبع آن کمپانی بیگ‌هیت) می‌داند:

«به نظرت در مقایسه با هنرمندای هالیوودی، این نقطه‌ی قوتیه که کی‌پاپ و بی‌تی‌اس دارن؟ این هم هست. اما تنها نقطه‌ی قوت نیست. کی‌پاپ و بی‌تی‌اس، توی سبک‌های مختلف موسیقی فعالیت می‌کنن و از نظر فیلم‌برداری و تصاویر هم توی هر سبکی محتوا تولید می‌کنن و این باعث می‌شه هر سلیقه‌ای به سمتشون کشیده بشه.

علاوه بر این، بی‌تی‌اس نه فقط از کانسپت خوب که از استعدادهای خوب توی عرصه‌های مختلف مثل خوانندگی، مدلینگ و ویزوال و حتی بازیگری برخوردارن و این، باز هم حیطة‌ی کاری‌شون رو متنوع‌تر و گسترده‌تر می‌کنه.

از پروموت خوب، مدیریت قوی و سیاست‌های کمپانی‌ها هم نمی‌شه چشم‌پوشی کرد». ریحانه در فرازی دیگر از «سوق یافتن موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس به سمت یک داستان یا فیلم» به عنوان یکی از نقاط قوت و درخشش این گروه و البته کمپانی آن یاد کرده است:

«بیش‌تر موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس تئوری داره؟»

اکثراً تئوری‌ها و تحلیل‌های خاص خودشون رو دارن یا تئوری هستن، یعنی یک داستان و یک روایت خاص رو بیان می‌کنن که این، موزیک ویدیو رو به حالت یک فیلم و یک داستان شبیه می‌کنه تا جذابیت بیش‌تری به محتوا بده یا تحلیل هستن که به کانسپت کلی آلبوم برمی‌گردن».

البته ریحانه هم‌زمان به ذکر برخی از اشکال‌های کمپانی از جمله «برخورد با آیدول‌ها به مثابه یک ربات»، «ارزش قایل شدن برای پوست سفید» (و پردازش تصاویر و فیلم‌های اعضای بی‌تی‌اس با برنامه وایت واشینگ که رنگ زرد پوست آیدول‌ها را به سفید تبدیل می‌کند) و «منحل کردن گروه» که با افزایش سن اعضای آن، ممکن است آنان در درجه نخست اهمیت، توسط هواداران مورد الگوبرداری قرار نگیرند و در درجه بعدی اهمیت به سبب اشباع هواداران در برخورد با آیدول‌ها، در آنان دلزدگی پدید آورده و اسباب ریزش آنان را فراهم آورند، پرداخته است:

«- کمپانی‌ها در چه حد می‌تونن آیدول رو کنترل کنن، اصلاً آیدول‌ها اختیاری برای کارهاشون دارن؟»

... به طور کل، یک خواننده در فضای کمپانی و کی‌پاپ، اختیار زیادی از خودش نداره و برنامه‌ی کاریش و برنامه‌ریزی برای حرفه و شغلش، تماماً توسط کمپانی انجام می‌شه.

البته در این بین استثناهایی هم وجود دارن. مثل گروه‌های قوی‌تر، قدیمی‌تر و مستقل‌تر که خودشون می‌تونن وظیفه‌ی ساخت آهنگ‌ها و برنامه‌ریزی برای ساخت آلبوم‌ها و رفت‌وآمدها و چیزایی از این قبیل رو به عهده داشته باشن... .

- این نژادپرستی برای آیدول‌ها هم پیش میاد؟ آیدول‌هایی از نژاد و رنگ‌های مختلف فعالیتت توی کی‌پاپ دارن؟

بله قطعاً. یکی از همین معیارهای زیبایی، سفید بودن رنگ پوسته. و در کره، حتی آیدول‌هایی از خود کره، با پوست تیره هم مورد آزار و نژادپرستی قرار می‌گیرن... .

علاوه بر این‌ها، ممکنه حتی کمپانی‌ها یک گروه کاملاً موفق رو دیس‌بند کنه و به کل توجه و حمایت خودش رو از روی اون گروه برداره».

## مصاحبه با کوثر، ۲۵ ساله

کل تمرکز این آلبوم لاو یورسلف روی این بود که خودت رو همین جوری که هستی دوست داشته باش و من مثالی بارزش رو می دیدم، یعنی مثلاً طرف می گفت که من واقعاً می خواستم همه چی رو تموم بکنم و خودم رو بکشم، ولی با شنیدن این آلبوم، از این کار منصرف شدم.

- سلام کوثر.

سلام.

- از این که پذیرفتی باهم درباره کی پاپ و بی تی اس مصاحبه داشته باشیم، ازت متشکرم. خواهش می کنم.

- چند وقته کی پاپر هستی؟

از، تقریباً چهارده سالگی شاید.

- چهارده سالگی؟

آره.

- بعد چی شد که با کی پاپ آشنا شدی؟

تقریباً (مکت می کند)، اولین بار یه سریال کره ای نگاه کردم. تقریباً کسایی که هم سن و سال من هستن و کی پاپر ان اکثراً با این سریال با کی پاپ آشنا شدن. چون یه گروه خوانندگی کی پاپ تو این سریاله بود که بازیگر هم بودن.

- ... خب، چه سریالی؟

پسران فراتر از گل؟

---

۱ - K-popper به طرفداران گروهها و خوانندگان کره ای می گویند.

۲ - Boys Over Flowers سریالی کره ای تولید سال ۲۰۰۹.



- فراتر از گل؟

آره. یه سریال عاشقانه خیلی، چی می‌گن، تیپیکاله (معمول و رایج). اینه که مثلاً یه پسر خیلی پولدار عاشق یه دختر خیلی چیز می‌شه و اینا. بعد خیلی معروف بود. برای اون سال این داستان خیلی جذاب بود.

- یه دختر فقیر، یه پسر پولدار؟

آره. مثل شاهزاده و چیز. بعد داستانش درباره یه پسر بود که رئیس، چی می‌گن، جانشین یه شرکت خیلی خفن گنده‌ی فلان کره‌ای بود و دختره هم مثلاً میاد خیلی اتفاقی بورسیه می‌شه توی مدرسه‌ای که مال بابای این پسر بوده. بعد دیگه اینجا یه سری اتفاقات دارن و داستان عاشقانه. بعد تو این سریاله یه گروه کره‌ای بود که نقش دوم مرد سریالش، عضو همین گروه بود. بعد خود اون گروه هم تو اون سریاله آهنگای اون سریال رو خونده بودن و اینا. بعد دیگه به خاطر این که از اون بازیگره خوشم اومد، رفتم درآوردم که خواننده ان. بعد آهنگای اونا رو گوش دادم و بعد فهمیدم که کی‌پاپ هستن. بعد دیگه با کی‌پاپ به صورت کلی آشنا شدم. ولی الان اکثر کسانی که کی‌پاپ می‌شن فک کنم با بی‌تی‌اس آشنا می‌شن که کی‌پاپ می‌شن. یعنی نسل ما، می‌شه نسل قدیم.

- یعنی مستقیم می‌رن دنبال موسیقی... .

آره.

- نه این که اول برن سریال... .

آره. و حتی اکثراً از کی‌پاپ می‌رن سمت کی‌دراما یا صنعت فیلم و سریال کره جنوبی. از کی‌پاپ می‌رن سمت سریالای کره‌ای. برا ما برعکس بود. ولی اکثراً برا اونا الان اول با کی‌پاپ و بی‌تی‌اس آشنا می‌شن و بعد می‌بینن از کره‌ایا خوش شون میاد، بعد می‌رن سریال نگاه می‌کنن. بیش‌تر مواردی که من دیدم این طوری بود. البته تجربه شخصی خودم بوده، شاید کلیت نداشته باشه. - اوهوم. بعد با اون سریال چه جوری آشنا شدی؟

یه دوستی داشتم تو مدرسه... اون بهم معرفی کرد. اصلاً خیلی صدا کرده بود این سریال. همه در موردش حرف می‌زدن.

- توی دبیرستان؟

نه، توی راهنمایی.

- توی راهنمایی؟

آره. حتی کسانی که اصلاً سریال کره‌ای نگاه نمی‌کردن، چون این خیلی صدا کرده بود، رفتند دیدند. بعد اصلاً چرا سریال کره‌ای؟ به خاطر این که اون موقع تلویزیون جومونگ و اینا رو خیلی نشون می‌داد. - (خنده).

بالاخره نگاه می‌کردیم و بعد دیگه فهمیده بودیم از مدل سریال کره‌ایا خوش مون میاد. بعد که فهمیدیم یه سریال کره‌ای دیگه معروف شده، رفتیم اون رو هم دیدیم و بعدش هم دیگه نوبت آشنایی با کی‌پاپ رسید.

- اون سریالی که می‌دیدى چه چیزش بود که جذبت کرد که بعدش هم رفتی سراغ کی‌پاپ؟ متفاوت بودنش از سریالای ایرانی. اون موقع خب اصلاً من اینترنتم به اون صورت نداشتم. یعنی اصلاً اینترنت هنوز اینترنت دایل‌آپ بود.

- الان چند سالته؟

الآن من بیست و چهار سالمه تقریباً. بیست و چهار و خورده‌ای. ده سالی می‌شه تقریباً.

- خوب...

ولی الان دیگه مث قبل نه سریالای کره‌ای رو و نه کی‌پاپ رو دیگه اون قدر دنبال نمی‌کنم، نسبت به موقعی که مثلاً چیز بودم.

- خوب اون موقع برات یه حالت متفاوتی داشت؟

آره و فکر می‌کنم دلیل این که الان دیگه اون قدر نمی‌رم سمتش، اینه که اون حالت یونیک<sup>۲</sup> (بی‌نظیر) بودن و خاص بودنش رو برام از دست داده، نه این که به صورت کلی، مثلاً دوستش نداشته

باشم. ولی دیگه اون امتیاز متفاوت بودنش رو از دست داده و سریالای کره‌ای اکثراً دیگه برام مثل همدیگه ان.

- اوهوم.

بعد هنوزم اگه یه چیزی باشه که متفاوت از بقیه باشه بازم دوست دارم که برم نگاه کنم چه آهنگ باشه، چه کی‌پاپ، چه سریال باشه تو سریالای کره‌ای.

- اوهوم. بعد این که می‌تونن بگی اون سریال که می‌دیدن، چه المان‌هایی داشت که از سریالای ایرانی متفاوت بود؟

در سریالای ایرانی خب چیزی که واضحه ما هیچ چیزی که مقیاس زندگی واقعی باشه رو توش نمی‌دیدیم. همه چیز سانسور شده است. مثلاً طرف با حجاب کامل از خواب بیدار می‌شه، با آرایش کامل از خواب بیدار می‌شه. یا مثلاً ... خیلی غیرواقعی ان. حتی برای من تینیجری که مثلاً سیزده، چهارده سالم بود، سریالای ایرانی خیلی غیرواقعی و مسخره بودن همیشه. بعد من به خودم می‌گفتم، اصلاً این اصلاً شبیه زندگی واقعی که ما داریم نیست، من این شکلی از خواب بیدار نمی‌شم.

- اوهوم.

و خب مثلاً اون موقع چون تینیجری، تازه اون حس‌های رمانتیک میاد بالا که مثلاً علاقه‌مند می‌شی به یه نفر و این حرفا، و خب این بازم چیزی بود که اکثراً تو سریالای ایرانی ما نمی‌دیدیم، یعنی چی می‌گن، سیراب نبودیم از داستان عاشقانه، چون اصلاً نداشتیم سریال عاشقانه‌ها مون هم آبکی و مسخره و اکثراً هم تو فیلم و سریالای ایرانی چیزهای ناراحت کننده و بدبختی و این چیزها رو نشون می‌دادن. خصوصاً اون موقع بیش‌تر حتی. ولی کلاً همین طوری ان سریالای ایرانی. حتی الانم اکثراً همین طوری ان. اون جذابیت رو ندارن، چون هم نزدیک به واقعیت نیستن، حتی الان هم که بازم دارن سعی می‌کنن نزدیک به واقعیت کنن، بازم نزدیک به واقعیت نیست. هم این که آدم رو سیراب نمی‌کنه، چون اون چیزی که می‌خوای نیست بازم از پشت پرده‌ی سانسوره. ولی خب اون سریالای کره‌ای خب این آیتم رو نداشتن. با این که تلویزیون کره هم تا حد زیادی سانسور می‌کنه نسبت به سریالای آمریکایی، ولی برای مثلاً من تینیجر کافی بود در همین حد دیدن یه ارتباط عاشقانه، یه داستان رمانتیک، اتفاقای هیجان‌انگیز، مثلاً یه چیزی که دوست داشتیم، شاید خودم تجربه‌اش کنم.

- اوهوم... با توجه به این که سانسور هم توی سریالای کره‌ای خیلی حضور نداره، حالا تاحدی، هم

مثلاً سریالا و فیلمای غربی، چی شد که بیش‌تر سمت شرق اومدی تا سمت غرب؟

حس می‌کنم به خاطر این که اون قسمت عاشقانه بودن سریال، تو سریالای کره‌ای خیلی بیش‌تر بود تا سریالای آمریکایی.

- اوهوم!



می‌دونی مثلاً من سریالای آمریکایی رو که می‌دیدم اکثراً، انگار دیگه خیلی از اون فرهنگ ما دور بود. خیلی از اون چیزی که ما ممکنه تجربه کنیم دور بود. حداقل برای من سیزده، چهارده ساله و تو بافت فرهنگی‌ای که من توش بودم. ولی اون سریال کره‌ایه خیلی دور از ذهن نبود. یعنی به زندگی واقعی که من ممکن بود تجربه‌اش کنم، خیلی بیش‌تر نزدیک بود نسبت به سریالای ایرانی و سریالای آمریکایی.

- خوب، پس با فیلم‌ها آشنا شدی و بعدش ...

بعدش جذب موسیقی شدم.

- جذب موسیقی شدی؟

بله. چون اصلاً تو همون سریال هم آهنگ بود. مثلاً جومونگ که ما تو تلویزیون می‌دیدیم خب

آهنگا رو سانسور می‌کردن.



- آره.

ولی خب وقتی که آهنگای موسیقی متن خود سریال رو می‌شنیدم، خوشم می‌اومد و می‌خواستم برم

بینم این آهنگه رو کی خونده.

- اوهوم.

این طوری بود که مثلاً با کی‌پاپ آشنا شدم. یه گروه دیگه هم بود که توی همون سریاله خونده

بود، پسران فراتر از گل، به جز خود همون که بازیگرش بود، یه گروه دیگه هم آهنگای این سریال رو

خونده بود، چندتاش رو اونم باهاشون آشنا شدم همون‌جا.

- اوهوم. اولین گروه کی‌پاپی که باهاش آشنا شدی چی بود؟

الآن دیگه کار نمی‌کنن. یعنی الآن دیگه دیس‌بند شدن.

- آهان.

چند سال بعد از این که آشنا شدم باهاشون دیس‌بند شدن. اسم گروه‌شون SS501 بود. بهشون

می‌گفتن دابل اس به صورت خلاصه. بعد، نقش دوم رو گفتم؟ نقش دوم همین سریال هم عضو همین

گروه بود. لیدر همین گروه بود.



- چی شد که اینا دیس‌بند شدن و بندشون از هم پاشید؟  
- فک کنم تقصیر کمپانی‌شون بود. خیلی کمپانی بدی، با خیلی کمپانی بدی قرار داد داشتن و حمایت‌شون نمی‌کرد و ساپورت‌شون نمی‌کرد و بعد درگیر یه سری مشکلات شدن اعضاء‌شون، بعد دیگه کمپانی هم باهاشون تمدید قرارداد نکرد، فک می‌کنم.  
- اهوم.

از جزییاتش من خبر نداشتم. چون می‌گم اینترنت‌مون اون قدر اینترنت قوی‌ای نبود که بخوایم خبر داشته باشیم از همه جزییات مسایل. ولی خب اون چیزی که شنیدم یه مشکلی بود که بیش‌تر تقصیر کمپانی بود. یعنی خودشون باهم اوکی بودن.

- آ... بعد گروه بعدی‌ای که با اون آشنا شدی چی بود؟  
بعد از این که دابل‌اس دیس‌بند شد، من چند سال دوباره از کی‌پاپ فاصله گرفتم. ولی همچنان سریالای کره‌ای رو می‌دیدم. کی‌پاپ هم گوش می‌دادم، ولی طرفدار گروه خاصی نبودم. یعنی این طوری بود که مثلاً هر کی موزیک جدیدی می‌داد، دوستم یا کسی معرفی می‌کرد، کم‌کم دیگه یه ذره اینترنتم بهتر شده بود دیگه، مثلاً می‌تونستی ارتباط برقرار بکنی با آدمای مختلف و اینا. مثلاً هر دفعه موزیک جدیدی می‌اومد، می‌شنیدم می‌رفتم چک می‌کردم، ولی چیزی چشمم رو نگرفته بود. ولی سریالای کره‌ای رو هنوز نگاه می‌کردم. بعد تقریباً فک کنم یک سال بعد، سال ۲۰۱۴ بود که با بی‌تی‌اس آشنا شدم. یعنی خیلی اتفاقی یکی از دوستانم برام فلش آهنگ پر کرده بود، بعد یکی از موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس هم توش بود. بعد دیدم و خیلی (با تأکید) خوشم اومد. بعد این جوری بودم که خب اوکی من دیگه خواننده مورد علاقه‌ام رو پیدا کردم. بعد رفتم تو یه روز کل آهنگاشون رو گوش دادم. بعد این طوری بودم که خب، اوکی، آیم این لاو! (می‌خندد).  
- (خنده).

بعد دیگه این شد داستان این که تقریباً هفت سال من، دیگه مثلاً آهنگای بی‌تی‌اس رو هر چی می‌دادن گوش می‌دادم و موزیک ویدیوها و خبراشون رو دنبال می‌کردم.



اوهوم. بعد، درباره کمپانی گفتی. رابطه بین خواننده‌ها و کمپانی‌شون دقیقاً چه جوریه؟ خیلی ارتباط بدیه توی کی‌پاپ. یعنی کی‌پاپ یه صنعت فوق‌العاده سمی و تاکسیکه<sup>۱</sup> که از خواننده‌هاش سوءاستفاده می‌کنه. سوءاستفاده‌ی ابزاری خیلی زیاد. رژیمای غذایی خیلی سخت بهشون می‌ده و تک‌تک رفتاراشون، حتی یه استوری گذاشتن‌شون، به خاطر اون قراردادی که امضاء می‌کنن، تحت نظر کمپانیه. البته فکر می‌کنم به خاطر فرهنگ‌شون هم هست. یعنی فرهنگ کره‌ایا یه فرهنگیه که فوق‌العاده به مافوق احترام بذارن. فوق‌العاده به بزرگ‌تر احترام بذارن. یعنی فرقی نداره اصلاً اون بزرگ‌تر کی‌توئه. صرفاً به خاطر این که تجربه‌ی بیش‌تری از تو داره و از تو بزرگ‌تره، می‌دونی منظورم اینه که باید احترام بذاری. باید حتماً این کار رو انجام بدی. اینم فکر می‌کنم تأثیر داره تو این که صنعت کی‌پاپ تونسته این جور می‌میراش رو، اعضای کی‌پاپ رو، این قدر زیر سلطه‌ی خودش نگه داره.



بعد، معمولاً این طوریه که می‌رن تو کمپانی‌ها آودیشن می‌دن، مثلاً افراد عادی خودشون تمرین می‌کنن، خوانندگی و رقص و اینا رو، بعد هر چند وقت یه بار کمپانی‌ها اعلان جذب کارآموز دارن.

کره خیلی کمپانی موسیقی داره، خیلی زیاد، چندتا شون گنده ان، سه تا اصلی داره، می‌خوای بگم بهت؟

- آره.

کمپانی SM، کمپانی JYP و کمپانی YG. این سه تا بزرگ‌ترین کمپانی‌های کره از خیلی سال پیش تا الان بودن. ولی الان یه کم عوض شده و کمپانی‌ای که بی‌تی‌اس عضو بود، الان داره تقریباً کل کی‌پاپ رو دست خودش می‌گیره.

- کدومه؟

B- KIT. B- KIT بود ولی الان تبدیل شده به هایب.

- هایب؟

هایب. H- Y- B- E فک می‌کنم.

- اوهوم.

آره. اولش بی‌کیت بود. بی‌کیت اینترتینمنت. ورشکسته بود کمپانیش و فقط یه گروه داشت، دوتا گروه داشت، اون یکی گروهش که کلاً طرفدار خیلی زیادی نداشتن با بی‌تی‌اس.

- اوهوم.

بعد از این که بی‌تی‌اس یهو خیلی معروف شد و ترکوند، اون قدر سهام بی‌کیت رفت بالا که الان چندتا از کمپانی‌های دیگه رو گرفته زیر شاخه خودش و هایب رو تشکیل داده و کم‌کم داره کل کی‌پاپ رو می‌گیره. در این حد غول سرمایه‌داری شده و الان فکر می‌کنم که چند درصد اقتصاد خود کره دست بی‌تی‌اسه.

- از نظر سیاسی هم نقش دارن؟

آره قطعاً از نظر اقتصادی و احتمالاً سیاسی می‌تونن نقش داشته باشن. از نظر این که خیلی توریست می‌تونن جذب بکنن به کشورشون. به واسطه‌ی جذب توریست، درآمد کنسرت‌ها، فروش مثلاً آلبوم‌ها، چون اینا آلبوم که می‌دن، آلبوم رو می‌فروشن به کل دنیا دیگه. خب این آلبومه از کره می‌ره و این می‌شه یه درآمد خیلی زیاد صادراتی در واقع.



- پس یعنی در واقع حکومت کره استقبال می‌کنه از این گروه‌های موسیقی که تشکیل شده. صد در صد. قسمتی از در آمدشه اصلاً. اصلاً صنعت کی‌پاپ و صنعت کی‌دراما، یعنی سریال کره‌ای، دوتا چرخ اقتصادی کره اند. یعنی درآمد خیلی زیادی رو از این نظر دارن.

- بعد می‌دونی این کمپانی‌هایی که کار می‌کنن، آیا وابسته به جایی هستن یا خصوصی اند؟ من... نمی‌دونم ته تهش به کجا وصل می‌شه، ولی چیزی که من می‌دونم آدمای مختلف ان. یعنی به آدمی مثلاً به توانمندی داره. مثلاً مدیر کمپانی BKIT خودش مثلاً آهنگ‌ساز بوده و این حرفا. بعد میاد به سرمایه‌ای جمع می‌کنه به کمپانی تشکیل می‌ده. میاد تصمیم می‌گیره که خواننده‌های دیگه رو معروف بکنه. این طوری شروع و استارت کمپانی‌شو می‌زنه به گروه بیرون می‌ده، اگه گروه بگیره درآمدش می‌ره بالا و می‌تونه دوباره برای به گروه دیگه آودیشن بگذاره، اعضای جدید بگیره و بعد دوباره گروه جدید تشکیل بده.

- به سوالی که این وسط برام ایجاد شد و تقریباً جواب دادی این بود که اول خواننده‌ها هستن یا اول کمپانیه؟ مثل سوال مرغ و تخم مرغ. این شکلیه که به نفر میاد می‌گه من می‌خوام خواننده جذب کنم، بعد به عده میان آودیشن می‌دن یا این که به سری خواننده جمع می‌شن بریم اسپانسر پیدا کنیم؟ اممم... اکثراً این طوره که اول کمپانیه. ولی گاهی هم پیش میاد که مثلاً طرف مثلاً خودش خواننده هست. مثلاً پیج داره. می‌خونه یا مثلاً گروه ان باهم، آهنگ می‌زنن یا می‌رقصن تو خیابون یا به چیز دیگه، بعد یکی میاد جذب‌شون می‌کنه. مثلاً از کمپانیا میان. مثلاً میان می‌گن که بیایید برای ما کار کنید. یا خودشون می‌رن خب حالا اسپانسر می‌گیرن... . ولی اکثر اینه که کمپانی تشکیل می‌شه، آودیشن می‌ذاره و بعد کسانی که می‌خوان خواننده بشن میان آودیشن می‌دن.



- خوب... در مورد رابطه‌ی بین خواننده‌ها و کمپانی‌ها که گفتی به سری سخت‌گیری وجود داره می‌تونن برام به مثال بزنی؟

من قبلاً خیلی بی‌تی‌اس رو دوست داشتم. در حدی بود که کل زندگیم این بود که مثلاً خبرای اونا رو بخونم و این حرفا... . ولی از محیطی که طرفدارا باهم بودن، توی چند سال اخیر فاصله گرفتم. دلیلش هم این بود که محیط، محیط سمی‌ای شده بود. وقتی می‌گم سمی یعنی چی؟ یعنی مثلاً کسی

حق اظهار نظر نداشته باشه و کوچک‌ترین حرف اشتباهی که یکی می‌زنه، یک عالمه آدم هستن که... همین مثل الان که فضای مجازی تاکسیک شده یا مثلاً توی اینستا یا جاهای دیگه می‌بینی، یه نفر یه چیزی می‌گه، یک عالمه کامنت هیت می‌گیره که تو بی‌خود کردی حرف می‌زنی، تو کی هستی که فلان بهمان بیسار، توی محیط طرفدارای کی پاپ هم همین طور شد.

یعنی وقتی که فضای مجازی تاکسیک شد، اونم تحت تأثیر قرار گرفت و دیگه اون محیط صمیمانه و دوستانه که قبلاً بود، دیگه نبود. مگر بین خودت و دوستای خودت که از قبل همدیگه رو می‌شناختید. یعنی خیلی دایره‌ی دوستی کوچیک‌تر شده بود نسبت به قبل. مثلاً حالا در مورد این که می‌گم کمپانی‌ها سخت‌گیری می‌کنن، مثلاً بر فرض یه اتفاقی پیش میاد. مثلاً یه آرتیستی، سلبریتی‌ای حرفی می‌زنه که اشتباهه یا اشتباه نیست، ولی این طوری برداشت می‌شه که اشتباهه و یهو کل طرفدارای کی‌پاپ، نه طرفدارای اون گروه‌ها، طرفدارای اون گروه معمولاً چیز بدی نمی‌گن، دفاع می‌کنن، ولی بقیه‌ی طرفدارای گروه‌های دیگه میان، همه یک دفعه حمله می‌کنن به این آرتیست و میان می‌گن تو اصلاً برای چی، برای چی آرتیست شما این حرف رو زده؟ بعد به طرفداراشون حمله می‌کنن. شما برای چی طرفدار این خواننده‌ی فلان فلان شدی؟ این طوری.

- یعنی کمپانی‌ها و خواننده‌های دیگه؟

کمپانی‌ها نه‌ها. خواننده‌ها نه. طرفدارای گروه‌های دیگه. مثلاً بر فرض. عضو یه گروهی. عضو گروه A میاد، یه اشتباهی می‌کنه. طرفدارای گروه B و C و D و غیره حمله می‌کنن به طرفدارای گروه A. یعنی کلی هیت می‌گیره اون آرتیست. به خاطر مثلاً یه حرفی که زده.

- انگار قبیله‌ای شده.

آره. هرکس به فکر گروهیه که خودش طرفدارشه. مثلاً بقیه انگار چی ان. بعد حالا این جور موقع‌ها معمولاً کمپانی‌ها پشت آرتیست‌شون نمی‌ایستند.

- آهان.

اکثراً این طوری، نه همیشه. یعنی مثلاً کمپانی‌هایی هستن که پشت آرتیست‌شون وایمیستن و درست ساپورت می‌کنن خوب گروه رو، خب؟ مثلاً BKIT یکی از اون کمپانی‌ها بود. خصوصاً تا قبل از این که این قدر معروف بشه. این قدر گنده بشه. این کمپانی یه زمانی فقط بی‌تی‌اس رو داشت. خیلی خیلی ساپورت می‌کرد بی‌تی‌اس رو. خیلی هوش رو داشت. همه جوره پشت آرتیستاش بود. اصلاً فکر کنم یکی از دلایل موقعیتی که بی‌تی‌اس داشت این بود که با کمپانی‌شون، با اعضای کمپانی‌شون دوست بودن. و اون رابطه کارفرما کارمند طوری که تو اکثر کمپانیا وجود داری تو BKIT نبود. حداقل مثلاً تو چهار پنج سال اول. بعد کمپانیا معمولاً پشت اون آرتیست رو نمی‌گیرن و نمیان یه بیانیه بدن و اون آرتیست واقعاً له می‌شه توی زیر بار اون همه حجم از نفرتی که دریافت می‌کنه از باقی آدما.

- اوهوم.

برای همین مثلاً به حالت تاکسیکی داره و همه هم تو کی‌پاپ به این قایل اند که کمپانی‌های کی‌پاپ باید برن انداخته بشن تو سطل آشغال و واقعاً به درد نمی‌خورن. و طرفدارای کی‌پاپ هم آدمای تاکسیکی شدن و محیط محیط سمی‌ای شده.

ولی با این حال انگار مثلاً به خاطر اون علاقه‌ی عمیقی که به اون خواننده‌ی مورد علاقه‌ی خودشون دارن، نمی‌تونن کامل دست بکشن. نمی‌خوان کامل دست بکشن. حتی خود منم که تا حد خیلی زیادی فاصله گرفتم، هنوز اگه یکی بیاد از من بپرسه که مثلاً بی‌تی‌اس رو دوست داری یا نه، با این که هنوز طرفدارای نمی‌کنم، مثلاً این جواری نیستم که توی اینترنت فعال باشم و کامنت بذارم و تو رأی‌گیری‌ها شرکت کنم و اینا، ولی اگه یکی ازم بپرسه، می‌گم آره، دوست‌شون دارم.

- چرا؟

به خاطر این که تأثیر خیلی عمیقی توی درون من گذاشته و اون ارتباط عمیق رو قبلاً داشتیم باهم دیگه و کار خودش رو کرده.

- در مورد این رابطه‌ی عمیق برمی‌گردیم صحبت می‌کنیم. در مورد کمپانی‌ها... طوری که من متوجه شدم، یه سری کارا رو حق ندارن بکنن یا یه سری کاراشون اجباریه. می‌تونن در این مورد صحبت کنن؟

آره... مثلاً یه سری قوانین سخت‌گیرانه توی یه سری از کمپانیا وجود داره. سر... مثلاً رژیم غذایی. این که اگه وزن‌شون از یه حدی بیش‌تر بشه، تویببخ می‌شن. خصوصاً اوایل کار قبل از این که خیلی معروف بشن گروه‌ها. معمولاً بعد از این که معروف می‌شن و کمپانی رو به درآمد کافی می‌رسونن، دیگه اون سخت‌گیری قبل روی آرتیستا نیست. ولی اوایل فوق‌العاده زیاد تحت فشارن تا قبل از این که دیبو'کنن. خلاصه خیلی تحت فشارن سر این که همه چیزشون باید پرفکت (کامل و بی‌نقص) باشه. کلمه به کلمه‌ای که می‌گن باید پرفکت باشه. هیچ رفتار اشتباه، هیچ اکت (رفتار) اشتباه، هیچ اشتباهی تو رقص‌شون، تو خوندنشون، نباید باشه. چیزای این جواری.



- اوهوم. بعد در مورد ظاهرشون از نظر پوشش و آرایش و این‌ها چه طور؟

معمولاً کمپانی تصمیم می‌گیره چه لباسی باید بپوشن یا مثلاً چه رنگ مویی داشته باشن و این خیلی تحت انتقاد طرفدارای کی‌پاپ هست. یعنی طرفدارای کی‌پاپ خیلی ساله که دارن تلاش می‌کنن و هی به کمپانی‌ها نامه می‌زنن که این قدر اظهار نظر رو تمام موجودیت آرتیست‌ها نکنید و اجازه بدید یه چیزایی رو خودشون انتخاب بکنن مثلاً وقتی که آسیبی نمی‌زنه به گروه. مثل مثلاً استایل و ظاهر و فلان و این حرفا. که خب اینم یکی از چیزایی بود که توی بی‌تی‌اس متفاوت بود با بقیه‌ی گروه‌ها. - چه طور؟

بی‌تی‌اس همیشه می‌گفتن. می‌گفتن مثلاً ما خودمون انتخاب می‌کنیم چه رنگ مویی داشته باشیم یا چه مدل لباسی بپوشیم و خب این معمولاً توی گروه‌های دیگه کم‌تر دیده می‌شه که کمپانی این آزادی عمل رو بده.

- درباره‌ی حق رابطه و ازدواج چه طوره، آیا حق دارن که وارد رابطه‌ای بشن یا...؟

بین صنعت کی‌پاپ این طوره که پایه‌ی اساسی‌اش، درسته که مثلاً یه رنج (دامنه) گسترده‌ای از افراد رو شامل می‌شه، از افراد بزرگ‌سال، حتی افراد بالای چهل سال داریم تو کی‌پاپ، کم هم نیستن واقعاً. یعنی یه نظرسنجی که بود، این جوری بود که تقریباً بیست درصد طرفدارای کی‌پاپ بالای سی سال هستن. بیست درصد توی جمعیت کل کی‌پاپرای دنیا خیلی زیاد می‌شه. - آره... .

ولی یه درصد خیلی زیادی‌شون تینیجر ان. یعنی تقریباً نصف... نمی‌تونم آمار دقیق بدم، چون آمارهاش یادم نیست، ولی تقریباً می‌شه گفت حدوداً نصف و شاید حتی یه کم از نصف بیش‌تر، تینیجر ان. وقتی که طرف تینیجر باشه، ناخودآگاه باور ذهنیش رومنسیسایز کردن (عاشقانه) اون ارتباط ذهنیش با اون آرتیسته. یعنی دلش می‌خواد اون آرتیست فقط برای خودش باشه. حتی اگر می‌دونه که فقط برای خودش نیست. یعنی اصلاً وقتی که طرف از دوران تینیجریش رد می‌شه و هنوز طرفدار اون گروه‌های کی‌پاپه، دیگه اون چیز تو ذهنش نیست و مشکل نداره طرف بره ازدواج کنه. ازدواج کنه هم مشکلی نداره. ولی معمولاً تو تینیجرها سخت می‌تونن همچین چیزی رو قبول کنن، چون حس می‌کنن طرف به اینا به عنوان طرفدار اهمیت نمی‌ده. برای همین خیلی فشار روی آرتیستا هست که روابطشون رو علنی نکنن.

- اوهوممم...

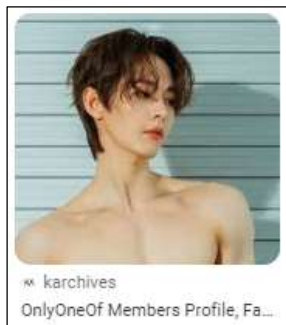
به خاطر این که اگه بکنن اون بخش تینیجر فن‌هاشون رو از دست می‌دن. یه درصد خیلی زیادی رو. یعنی درسته که کامل داغون نمی‌شه و یه عده می‌مونن، یه عده‌ی خیلی زیادی می‌مونن، ولی بالاخره یه بخشی رو از دست می‌دن و درآمد کمپانی کم می‌شه. برای همین کمپانی‌ها معمولاً تحت



فشار می‌ذارن آرتیستا رو که روابطشون رو نگوین. مگر این که طرف با آرتیست دیگه‌ای وارد رابطه بشه. یعنی مثلاً دو نفر از اعضای گروه‌های خوانندگی. باهم وارد رابطه می‌شن، مثلاً این گروه با اون گروه. معمولاً اون جور مواقع کمپانی‌ها باهم صحبت می‌کنن که رابطه رو علنی نکنن یا نه. - آهان.

البته اگه به نفع باشه، علنی‌اش می‌کنن. چون همین هم یه خبره و خبره می‌تونه به نفعشون باشه. - در مورد گرایش جنسی‌شون آیا حق بروز این که... . که گرایش متفاوتی داشته باشه؟ نه. خیلی سخت. مثلاً چندتا آرتیست... معمولاً هم عضو گروه‌های خوانندگی نیستن. کلاً یه گروه کی‌پاپ داریم که علناً توی موزیک ویدیوهاشون نشون می‌دن هموسکشوالیتی رو. - چه گروهی؟

اسم گروهشون... اسم گروهشون اونلی وان آو'هست که خیلی سال هم نیست که فعالیت می‌کنن. این جور هم نبوده که بیان علناً اعلام کنن که مثلاً ما هموسکشوال<sup>۲</sup> (همجنس‌گرا) هستیم. ولی تو موزیک ویدیوهاشون خیلی واضح‌تر نسبت به آرتیست‌های دیگه اند.



۱ - OnlyOneOf یک گروه موسیقی در کره جنوبی که در سال ۲۰۱۹ دبیبو کرده است.

- یعنی مثلاً چی کار می‌کنن؟

مثلاً داستان‌شون، داستان عاشقانه‌ی توی موزیک ویدیو بین دوتا پسره. ولی نه این که صحنه‌ای نشون بدن. ولی صرفاً یه وایبی رو می‌ده به تو که تو می‌فهمی قضیه چیه.

- یعنی نشون می‌ده همجنس‌گرایی مورد پذیرشه.

آره. مثلاً می‌خواد بگه که ما این طوری هستیم. ما ساپورت می‌کنیم یا حالا هر چیزی. طرفدارشون نبودم، نمی‌دونم. جزییات کار رو خبر ندارم، ولی موزیک ویدیوشون رو که دیده بودم، این جور بود که اون حالت تیپیکالی (نمونه) که یه دختر و پسر توی یه موزیک ویدیوی عاشقانه‌ی کره‌ای معمولاً هست... خب این حالت نیست. تک و توک تو موزیک ویدیوهای دیگه هم هست. ولی من بین گروه‌ها همین رو دیدم که این کار رو می‌کنه و مشخصه. بولده.

- چه طور؟

مثلاً رقصش... حرکات رقصش مشخصه. متفاوته... یه مقدار اروتیک‌تره. خیلی نه‌ها. چون مثلاً اون قدری کی‌پاپ به اینا اجازه نمی‌ده، خیلی اروتیکش بکنن یا مثلاً خیلی همجنس‌گرایانه‌اش بکنن. تا جایی که صنعت‌شون بهشون اجازه می‌ده. ولی مثلاً خب واضحه و یکی از معروف‌ترین کسایبی اند که... از کوئیر کمیونیتی (جامعه اقلیت و دگرباشان جنسی) حمایت می‌کنن و یه آرتیست سولو کار هم داریم به اسم هالند<sup>۲</sup> اون علنا اعلام کرده. اینا علنا اعلام نکردن یا کام اوت نکردن، ولی اون آرتیست سولو کاره، کام اوت کرده و گفته که گیه و فوق‌العاده هیت دریافت می‌کنه. از خود مردم کره. به خاطر این که اصلاً توی خود کره قانون نیست که...

- یعنی هوموسکشوالیتی توی کره جرمه؟

نه جرم نیست. اصلاً این طوری نیست که پلیس بیاد پیگیری کنه و دستگیرشون بکنه، نه. همچنین قانونی ندارن اصلاً در برابر هوموسکشوالیتی. برای همین هم توی موزیک ویدیوهایشون می‌تونن بذارن همچنین چیزایی رو. ولی فرهنگ‌شون پذیرای این چیزا نیست. برای همین دست‌شون بسته هست و خیلی در این زمینه فعالیت نمی‌کنن، چون می‌ترسن طرفداراشونو از دست بدن.





- پس تا جایی که من متوجه شدم خیلی هموسکشوالیتی رو بروز نمی‌دن. استریت بودن رو چی؟ آیا اجازه دارن که مثلاً از نظر کمپانی یا خودشون میان بگن که مثلاً ما استریتیم یا این کار رو نمی‌کنن؟ بین مثل فرهنگ ایرانه فرهنگ کره. یعنی تیپیکال اینه که همه استریت ان. یعنی مثلاً ما چیزی غیر از این نداریم. مثلاً یه همچین حالتی داره و مثلاً آگه کسی یه جوری باشه که حالا وایب این رو بده که استریت نیست، خب خبرش می‌پیچه که مثلاً آره فلانی... مثل همین مثلاً آرتیستایی که مثلاً حالا این طوری رفتار می‌کنن.



- بعد مثلاً یه سری ویدیوهای که من دیدم از همین کنسرتاشون و اینا مثلاً خیلی گاهی پیش می‌اومد که دوتا هم‌جنس همدیگه رو می‌بوسن. اون‌ها چه طور؟

همین. می‌خواستم این رو بگم. می‌خواستم بگم چیزی که مثلاً یه نفری که از بیرون نگاه می‌کنه کی‌پاپ رو، مثلاً توی ایران که می‌خوان ضد کی‌پاپ حرف بزنن، میان می‌گن که آره کی‌پاپ همجنس‌گرایی رو داره ترویج می‌ده، به خاطر این که فکر می‌کنن این حرکتایی که اینا می‌زنن، مثلاً پسرای که همدیگه رو بغل می‌کنن یا ماچ می‌کنن، کیس البته منظورم نیستا، مثلاً بوسه‌ی روی گونه منظورمه یا مثلاً حرفای عاشقانه به هم می‌زنن و این حرفا، فک می‌کنن اینا دارن این کار رو می‌کنن که هموسکشوالیتی رو ترویج بدن. در صورتی که این تو فرهنگ خود کره‌ایا هست. یعنی کره‌ایا یه فرهنگی دارن که تو خود بافت جامعه‌شون هم همینه که پسرا با همدیگه خیلی عادیه که دوتا پسر همدیگه رو بغل کنن. خیلی عادیه که دوتا پسر دست هم رو بگیرن و حتی من یه جا یه مقاله‌ای می‌خوندم که لوازم آرایشی رو خیلی پسرا، توی بافت خود جامعه‌شون، خیلی بیش‌تر از دخترا استفاده می‌کنن و این تو فرهنگ‌شونه. یعنی این نیست که بخوان همجنس‌گرایی رو ترویج بدن. نه اصلاً اتفاقاً فرهنگ کره یه فرهنگ فوق‌العاده هوموفوبه و اصلاً ساپورت نمی‌کنه همجنس‌گرایی رو مردم‌شون. ولی این اکت‌ها اصلاً اکت‌های همجنس‌گرایانه حساب نمی‌شه.

- یعنی مردها به ظاهرشون خیلی می‌رسن.

آره خیلی تمیز ان. بعد کیوت بودن یه ویژگی مثبته تو فرهنگ‌شون. یعنی دخترا معمولاً پسرای رو دوست دارن تو کره که مهربون و گوگولی مگولی باشن. برا همینه مثلاً طرفدارای کی‌پاپ وقتی می‌شنون که وای مثلاً بی‌تی‌اس اومد هوموسکشوالیتی رو ترویج داد، خنده‌شون می‌گیره و می‌گن این چرت و پرتا چییه می‌گید. چون اصلاً هوموفوب‌تر از صنعت کی‌پاپ ما نداریم.

- بعد توی فیلم‌هاشون چه طور؟ آیا توی فیلم‌هاشون همجنس‌گرایی بروز داره؟

خیییییییی کم. مثلاً شاید بهت بگم از هر هزارتا فیلم یه دونه فیلم باشه که توش یه دونه کاراکتر ترنس باشه یا یه کاراکتر هوموسکشوال باشه. خیلی کم و اونم در حاشیه و در حد ده دقیقه یه گوشه‌ای، این طوری. یه سری فیلمایی می‌سازن، فعالی مثلاً کوپیر کمیونیتی که مثلاً سعی کنن حمایت بکنن و اینا. چون می‌گم قانون جلوشون رو نمی‌گیره. ولی اون قدر فشار از طرف فرهنگ زیاده که اصلاً صداس در نمیداد. اصلاً اون قدری پخش نمی‌شه. بعد تو فیلمای اصلی‌شون که معروف می‌شن نه. واقعاً خیلی کم. اون قدر کمه که قابل صرف نظر کردنه.

- بعد سؤال دیگه در مورد سن خواننده‌ها، آیا این شکلیه که از یه سنی به بعد گروه منحل می‌شه؟ بستگی به درآمدزایی گروه داره. مثلاً ما الان یه سری گروه‌هایی داریم که هنوز هستن و بالای چهل سالشونه.

- مثل چه گروهی؟

مثل تی‌وی‌اکس کیو، اگه هنوز دیس‌بند نشده باشن یا مثلاً سوپر جونیور<sup>۱</sup>، اینا فکر کنم بالای سی سال هستن. ولی... سنشون بالاست... اصلاً مرد جا افتاده ان، و... اکثراً هم ازدواج کردن و بچه دارن. اما گروه‌هاشون پا برجاست چون از گروه‌های خیلی قدیمی ان که تو خود کره حداقل هنوز دوست‌شون دارن و اینا فعالیت‌شون سر جاش هست.



- اوهوم.

مثلاً یه سری از اعضاء رفتن. یه سری از اعضایی هم که موندن باهم می‌خونن.

- اوهوم. در مورد بی‌تی‌اس چی، چیزی در مورد سن‌شون نگفتن؟

بین گروه‌های کی‌پاپ معمولاً چند ساله قرار داد می‌بندن. مثلاً بی‌تی‌اس یه قرارداد نمی‌دونم هفت ساله یا ده ساله اول داشت. بعد، بعد از چند سال، تقریباً شش هفت سال که گذشت، فک کنم بعد از شش سال بود، آره، شش سال که گذشت، به خاطر این که دیگه خب معروف شده بودن و اینا، دوباره هفت سال دیگه قرارداد رو تمدید کردن. تقریباً این اتفاق مال سال فک کنم، ۲۰۲۰ بود که تمدید کردن، نمی‌دونم. ولی هر چی هست، الان چند سال هنوز از قراردادشون مونده، و الان هم دیس‌بند

۱ - TVXQ یک گروه کی‌پاپ دو نفره، دارای یک عضو ۳۶ ساله و یک عضو ۳۴ ساله.

۲ - Super Junior یک گروه قدیمی کی‌پاپ کره‌ای

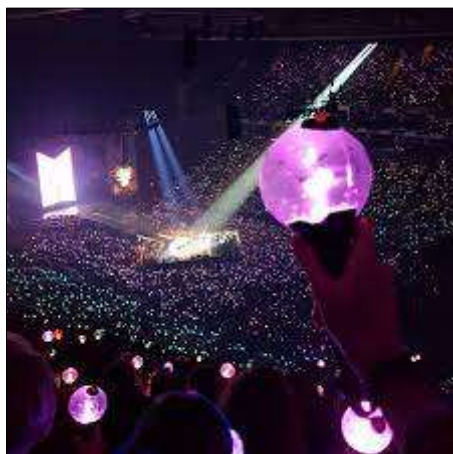
نشدن، یعنی خبرش خیلی پیچید که گفتن بی‌تی‌اس دیس‌بند شده و این حرفا، ولی طبق آخرین چیزایی که من پرس و جو کردم که چه خبر بوده، چون خودم خیلی دیگه الان دنبال نکردم این چند وقته، خصوصاً از وقتی که بی‌تی‌اس کم‌کار شد، ولی این طوری بوده که الان دو سال می‌خوان همه‌شون باهم برن سربازی. چون باید برن سربازی. بعد داشتن فکر می‌کردن که اول بزرگ‌ترین عضو شون که الان تقریباً سی‌سالشه بره، اونای دیگه بخونن یا نه. ولی بعد دیگه آخرش به این نتیجه رسیدن که انگار دو سال همه‌شون استاپ کنن. همه‌شون باهم برن سربازی و بعد، بعد دو سال اگه باز خواستن برگردن.

- بعد اگه بعد از دو سال برگردن آیا هنوز طرفداراشون رو دارن؟

اگه از من می‌پرسی آره. به خاطر این که انقدر اون ارتباطی که برقرار می‌شه بین بعضی از گروه‌ها، نه همه گروه‌ها، خیلی از گروه‌ها هستن که اصلاً تو تاریخ فراموش شدن یا مثلاً یه سال، دو سال می‌خونن، بعد کلاً فراموش می‌شن یا مثلاً طرفداراشون محدود می‌شن به یه تعداد خیلی کمی. ولی اولاً که بی‌تی‌اس رو الان اون قدر آدمای زیادی می‌شناسن که حتی نصف اون جمعیت هم بره، نصفش بمونه کافیه برای این که بی‌تی‌اس بخواد درآمدزایی داشته باشه وقتی که برمی‌گرده برای خودش و برای کمپانیش. دوماً این که من فکر می‌کنم بی‌تی‌اس از همون اول با گروه‌های دیگه خیلی فرق داشت و چون از همون اول متفاوت بودن، ارتباطی که با طرفداراشون برقرار کردن هم متفاوت و این طوری که حتی منی که الان فاصله گرفتم، اگه بعد دو سال اسمشون رو بشنوم و ببینم که اِه‌آه‌آه‌آه‌آه دادن بیرون، اگه زنده باشم (می‌خندد) خدا عمری داد دو سال دیگه، اگه مثلاً بشنوم که آهنگی دادن، قطعاً می‌رم گوش می‌کنم. و همون گوش دادن من می‌شه استریم برای آهنگشون و بازدید برای موزیک ویدیوشون و می‌دونی، تقریباً شاید بالای هشتاد درصد طرفداراشون شاید این شکلی باشن. - اوهوم.

پس اون قدری این فاصله گرفتن، یه مقداری روی این که آدمایی که طرفدارشون نیستن اسمشون رو نشنون یه مدت و اون مشهور بودن شون فاصله بگیرن ازش، این احتمال وجود داره و قطعاً اتفاق می‌افته. اما از محبوب بودن شون بعیده که کم کنه.





- اوهموم. بعد یه سؤالی که وسط حرفات برام پیش اومد این بود که اصرار داری که بی‌تی‌اس متفاوت از بقیه گروه‌های کی‌پاپ. متفاوت از چه نظر؟  
اولین چیز بارزی که وجود داره اینه که خب، چرا بی‌تی‌اس انقدر معروف شد. چرا بقیه گروه‌ها نه. صرفاً یه تقی به توقی خوردن نبود. چون بین مثلاً حتی وان دایرکشن (رو نمی‌دونم یادت میاد یا نه؟ ما وقتی دبیرستان بودیم وان دایرکشن خیلی معروف بود از گروه‌های هالیوودی.



- آره.  
ولی حتی وان دایرکشن که گروه هالیوود بود و ساپورت کل هالیوود رو پشت خودش داشت، اون قدری معروف نشد که بی‌تی‌اس معروف شد.  
- اوهموم.  
یعنی مثلاً خانواده‌های ما اسم وان دایرکشن رو نشنیده بودن. حالا دلایل متفاوت بودنش رو برات توضیح می‌دم.  
محبوبیت گروه جداست. معروفیت بی‌تی‌اس خودش نشون دهنده‌ی تفاوت بی‌تی‌اسه، چون کی‌پاپ خیلی ساله وجود داره. گفتم من از چهارده سالگی طرفدار کی‌پاپ بودم و آهنگا رو گوش می‌دادم ولی

۹۶ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

بی‌تی‌اس جواری معروف شد که کل دنیا اسمشون رو شنید. اولین گروه کی‌پاپی شدن که مثلاً به خانواده سوپر مذهبی توی ایران اسمشون رو شنیده بود و مثلاً میاد از منی که می‌دونن کی‌پاپرم، می‌پرسه که بی‌تی‌اس چیه. مثلاً فک و فامیلامون میان از من می‌پرسن بی‌تی‌اس چیه. می‌دونن؟ و این معروف شدنه، خودش مصداق بارز این تفاوته است. حالا چرا تفاوت؟ اون رو می‌تونم برات توضیح بدم چون خیلی تفاوت وجود داره و منی که تو بافت کی‌پاپ بودم، این تفاوت رو می‌فهمیدم. شاید یه نفری که خیلی تازه میاد، مثلاً همین الان میاد طرفدار بی‌تی‌اس می‌شه یا مثلاً طرفدار کی‌پاپ می‌شه، این چیزایی که من دیدم رو، توی این چند سال، ندیده باشه. ولی اولین تفاوتی که بی‌تی‌اس داشت، که اصلاً اولش من ازشون خوشم اومد، این بود که معنا و مفهوم، فک می‌کنم این رو خیلی از طرفدارای بی‌تی‌اس هم می‌گن، مفهوم آهنگای بی‌تی‌اس با مفهوم تمام آهنگای کی‌پاپ فرق داشت. یعنی مثلاً قبل از این که بی‌تی‌اس آهنگاش رو بده کی‌پاپ اکثراً محدود به آهنگای عاشقانه‌ی مثلاً فلان بود، که مثلاً وای، دختر من تو رو از دست دادم فلان اینا، حتی خود بی‌تی‌اس هم یه سری آهنگای این طوری داره. ولی اساس و پایه‌ی آهنگای بی‌تی‌اس روی مشکلات تینیجرا بود.

- اوهوم.

نه فقط تینیجرا، هم تینیجرا، هم جوونا. مشکلاتی که تو جامعه‌شون وجود داشت. سختیایی که داشتن. مثلاً یه آلبوم دارن که کلاً در مورد اینه که مثلاً چه قدر بچه‌ها تو مدرسه اذیت می‌شن.

- جالبه!

و مثلاً موزیک ویدیوش رو تو مدرسه ریکورد کردن.

کلاً به مشکلاتی که جووناشون تو جامعه خودشون داشتن خیلی پرداخته بودن و برای مایی که شرقی بودیم خیلی قابل ریلیت<sup>۱</sup> (ارتباط گرفتن، متوجه شدن) کردن بود. بعد حالا شاید برای غربی‌ها هم بتونه تا حد زیادی قابل ریلیت کردن باشه. بعد مثلاً درباره مسایلی مثل خودکشی، در مورد این که هدف نداشته باشی تو زندگی چه قدر سخته، مثلاً یه آهنگی دارن اسمش، یکی از اون آهنگای مورد علاقه‌امم بود این، اسمش نور مایند<sup>۲</sup> هست.



1Relate

2Never Mind



- اوهوم.

حالا بعداً بخونی خودتم می‌بینی، خیلی مثلاً حالت درد و دل طور، یعنی اصلاً اشکال نداره این احساسایی که تو داری، یه موقعایی واقعاً یه سری چیزا تو زندگی هست که نمی‌شه برایش کاری کرد. ولی اشکال نداره، مثلاً اگه نمی‌تونن...، بعد مثلاً امید می‌ده. میاد می‌گه درک می‌کنم. اکثر آهنگاشون، خصوصاً آهنگای مثلاً از فاصله‌ی دو هزار و شاید چهارده، پونزده تا دو هزار و شونزده، هفده، توی سه چهار سال اوایل کارشون، نه اول، اول، نه آخر، آخر، اون وسطا، خیلی آهنگایی دادن که فوق‌العاده قابل ارتباط برقرار کردن بود و وقتی که می‌خوندی، می‌تونستی بگی داره حرف دل من رو می‌زنه. مثلاً می‌اومد اول مشکل رو مطرح می‌کرد. بعد می‌گفت من درکت می‌کنم. بعد می‌اومد امید می‌داد یا مثلاً یه آهنگ دیگه دارن که یه بخش خیلی معروف داره که می‌گه (خواندن کره‌ای) که یعنی It's OK!

- اوهوم.

بعد حالا بگو یک، دو، سه. با من بشمر، بیا با من مثلاً فلان این طوری. بعد میاد امید می‌ده و یه حالت همراهی که آره من هستم، حتی اگه کل دنیا پشت تو نیستن، من هستم و کنارتم و اون موقع، الان تو کی پاپ خیلی خواننده‌ها از این کارا می‌کنن و خیلی آهنگای این جور زیاد، ولی اون موقع بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که این مدل آهنگا رو می‌داد و این ارتباط عمیق رو با طرفداراش برقرار کرد و آمد از مشکلات گفت. بعد اصلاً به خاطر این که اولش سبک‌شون هیپ هاپ بود و یه بخش خیلی زیادی از آهنگاشون رو رپ تشکیل می‌داد، خیلی طرفداراشون کم بود تو خود کره، یعنی اول تو جهان معروف شدن بعد تو کره. ولی خب اون ارتباط عمیقه به خاطر این برقرار شد، اون حس درک شدن متقابل با طرفدار، به طرفداراشون می‌گن آرمی<sup>۱</sup> دیگه می‌دونن.

- آره.

مثلاً یه آرمی می‌گه که خب آره این بی‌تی‌اس داره من رو درک می‌کنه و اون لینک قلبی برقرار می‌شه، نه این که صرفاً من از آهنگش خوشم اومده و ریتم قشنگی داره. دومین مسأله موزیک ویدیوهایشون بود. این کارم بعد از این که بی‌تی‌اس معروف شد، تقریباً می‌شه گفت، تمام خواننده‌هایی که خب دیگه الان دارن این کار رو می‌کنن که واقعاً به نظر من دیگه لوس شده، ولی اون موقع که بی‌تی‌اس اولین بار موزیک ویدیوش رو داد، بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که اومد، از استوری لاین<sup>۲</sup> خیلی دیپ و عمیقی تو موزیک ویدیوهایش استفاده کرد. به این صورت که مثلاً توی یه سال موزیک ویدیویی که می‌داد، به هم ربط داشتن. یعنی مثلاً یه حالت داستان طور بود که طرف منتظر بود که ببینه بقیه‌اش چی می‌شه و بالاخره پیام اصلی رو می‌داد که اون پیامه هم معمولاً

۹۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) که پیام خیلی مفهومی و عمیق بود. بعد کاراکترسازی می‌کرد توی موزیک ویدیوهاش. از کتابای فلسفی استفاده می‌کردن تو موزیک ویدیوهاشون.  
 - یعنی چه طور؟  
 مثلاً یه موزیک ویدیو دارن اسمش خون، عرق و اشک‌ها هست.



که این آلبوم رو کلاً از روی کتاب دمیان ساختن. بعد این کتاب خیلی کتاب دیپ و عمیق و سنگینه. بعد اومده بود از کاراکترای این داستان استفاده کرده بود توی موزیک ویدیوها و این، اصلاً سر همین موزیک ویدیو شد، سر همین آلبوم شد که یهو اصلاً بی‌تی‌اس ترکوند. سر آلبوم وینگز؛ اسم آلبومش

---

1blood, Sweat and tears  
 2wings

وینگز بود، بال‌ها. سر آلبوم وینگز وحشتناک تو چارتای جهانی ترکوند آلبوم و بعد تو کره معروف شد و بعد دیگه همین جور رشد صعودی معروف شدنشون ادامه داشت. و خب تا دو، سه سال بعد از این همین جوری موزیک ویدیوهای مفهومی و معنی‌دارشون ادامه داشت و تو کی‌پاپ گروه دیگه‌ای این طوری نبود، واقعاً نبود.



- می‌تونی مثالی بیش‌تری بزنی از این محتواهای متفاوت؟  
 مثلاً یه سری موزیک ویدیو داشتن، فک کن این آلبومه رو مثلاً تو دو سال دادن، اسم آلبومشون HYYH یک و دو که اول، حالا اسم کره‌ایشه، ولی معنی انگلیسیش می‌شه 'The most beautiful moment in life'. یه همچین چیزی. حالا دقیق چیزش یادم نیست ولی همین بود. دوتا آلبوم بعد موزیک ویدیوهای این آلبوم مثلاً در مورد هفت تا کاراکتر بود که با همدیگه دوست بودن و هرکدوم یه زندگی‌ای داشتن. بعد مثلاً یکی‌شون باباش یا ناپدریش خواهرش رو اذیت می‌کرده، بعد این مثلاً درگیر همچین جریانی بوده و یه روز دعوی خیلی شدیدی با ناپدریش می‌کنه، بعد مثلاً با یه اوضاع خیلی آشفته‌ای میاد بیرون، بعد مثلاً تلفن رو برمی‌داره و زنگ می‌زنه به دوستش که یکی دیگه از اعضای گروهه.



- اوهوم.

خب؟ این رو مثلاً اینجا داشته باش. بعد، یکی دیگه از اعضا شون نشون می‌ده که توی وان و مثلاً دوش آب همه چیز بازه و خب این مثلاً نشون دهنده‌ی اینه که این طرف مثلاً افکار خودکشی داره.

- اوهوم.

میاد درگیری این رو مثلاً نشون می‌ده. خب این چیزا واقعاً تو کی پاپ نبود. یعنی می‌خوام بگم اصلاً می‌ترسیدن هنرمندای کی پاپ که تا قبل از این بخوان، یا اگر هم بوده، اون قدری خوب کار نشده بود...

- می‌ترسیدن که پذیرفته نشه از طرف مردم؟

آره، مردم نخوان.

- مردم کره یا مردم جهان؟

کره. چون مثلاً کی پاپ اصلاً تا قبل از بی‌تی‌اس تو جهان معروف نبود. خیلی کم. طرفدارای خیلی کمی داشت. بیش‌تر هم توی آسیا بودن طرفدارای مثلاً ایرانی یا مثلاً کشورای چیز، یا مثلاً یه کاراکتر دیگه شون نشون می‌ده که توی اتاقشه و اتاقش داره آتیش می‌گیره. بعد این صحنه‌ها رو داری و بعد تو موزیک ویدیوی بعدی نشون می‌ده که اصلاً چی شده. مثلاً نشون می‌ده که اصلاً چه اتفاقی افتاده که طرف خودش اتاق خودش رو آتیش زده. نشون می‌ده که قبلاً توی بیمارستان روانی بوده یا اون یکی که تو وان آب بوده، توی موزیک ویدیوی دو سال بعدشون داستانش رو میاد نشون می‌ده که مثلاً یه اتفاقی افتاد که اصلاً این وان نشون دهنده‌ی افکار این طرف بوده، نه این که واقعاً توی وان بوده و حالا خیلی چیزای، خیلی ابعاد فلسفی طور چی می‌گن، رضایت بخشی داره برای بیننده. در حالی که مثلاً از اول بشینی اینا رو نگاه کنی اون طوری که این داستانا تو ذهنت به هم متصل می‌شن خیلی موسیقی‌ای رو که داری می‌شنوی برات لذت بخش می‌کنه.

- بعد یه حس تعلق هم داره که مثلاً این موزیک ویدیو در طول سالیان داره پخش می‌شه و تو هر دفعه بیش‌تر، یعنی تو رو درگیر خودش می‌کنه. مثل یه سریالی که تو منتظر فصل بعدیشی و مثلاً جای حساس تموم شده. و خب اصلاً این یه دلیل دیگه‌اش هم همینه دیگه. اون ارتباطی که تو با سریال برقرار می‌کنی با فیلم نمی‌تونی برقرار بکنی. چون خیلی طولانی‌تره و خیلی بیش‌تر درگیرت می‌کنه. - خوب، داشتی از تفاوتای بی‌تی‌اس با گروه‌های دیگه می‌گفتی. یکیش محتواهای متفاوت‌شون بود...

یکیش محتوای متفاوت بود آره. یکی کیفیت موزیک ویدیوها که خیلی از کتابای فلسفی استفاده می‌کردن که خیلی جدید بود واقعاً تو موزیک ویدیوهای کی پاپ. مثلاً کی پاپ همیشه این جور بود که یه سری پسر دنبال یه دختری راه افتاده. بعد مثلاً پنج‌تا عضو داره گروه پنج‌تاشون عاشق اون دختره ان و هی براش می‌خونن.

- آها... .

خیلی داستان عمیق و اینایی نبود، یه دعوی بین خود اعضای گروه رو مثلاً نشون می‌داد و مثلاً داستان اون قدری پلات توئیستی نداشت و پلات توئیست توی موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس روانی‌کننده بود اون قدر که آدم رو درگیر می‌کرد. می‌گم خصوصاً توی سه، چهار سال وسط کارشون. موزیک ویدیوی اول‌شون در حد موزیک ویدیوی، بقیه موزیک ویدیوهای کی‌پاپه. موزیک ویدیوهای آخرشون سبک هالیوودیه. یعنی جواری ساختن که طرفدارای هالیوود خیلی پسندن و بتونن گرمی و جایزه‌های بیلبورد رو ببرن.

ولی اون وسطه اون جاییه که، اون چند سال وسط اون آهنگایی اون وسط دادن چیزیه که باعث می‌شه اون ارتباطه برقرار بشه.

حالا این که می‌خوام بگم این تجربه شخصی خودمه. برای خود من سبک هیپ هاپ بی‌تی‌اس هم خیلی جذاب بود. یعنی بیش‌تر از این که مثل بقیه آهنگای پاپ باشه که خیلی لوس و تکراری ان معمولاً یا مثلاً جواریه که همه‌پسندن بقیه‌ها، سبک‌شون متفاوت بود، هم آهنگ‌سازی‌هاشون هم رقصاشون. یعنی من رقصی که تو آهنگای بی‌تی‌اس تو موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس می‌دیدم به نظر برای اون موقع در مقایسه با بقیه گروه‌ها، خیلی قوی‌تر بودن اونا. البته این می‌گم نظر شخصی منه. ولی به صورت کلی اون چیزی که خیلی تفاوت رو زیاد می‌کرد این بود که اونا اولین کسانی بودن که این کارا رو کردن. یعنی اولین کسانی بودن که شروع کردن آهنگای مفهومی بدن و اولین کسانی بودن که شروع کردن موزیک ویدیوهای عمیق بسازن و دیگه بعد از اون گروه‌های دیگه تلاش کردن این کارا رو بکنن، ولی دیگه اون جوابی که سر بی‌تی‌اس داد، براشون همون جواب رو نمی‌داد، چون دیگه مردم آشنا بودن به این قضیه و دیگه چیز جدیدی براشون نبود. ولی اون موقع براشون جدید بود و همین جدید بودن اون کلیک رو می‌زنه تو ذهنت. اون کانکشن رو برقرار می‌کنه.

بعد یه قضیه دیگه‌ای هم که هست، این بود که همیشه تو ارتباط بین آرمیا و بی‌تی‌اس یه حالتی بود که آرمیا همیشه می‌فهمیدن که بی‌تی‌اس داره ازشون مراقبت می‌کنه.

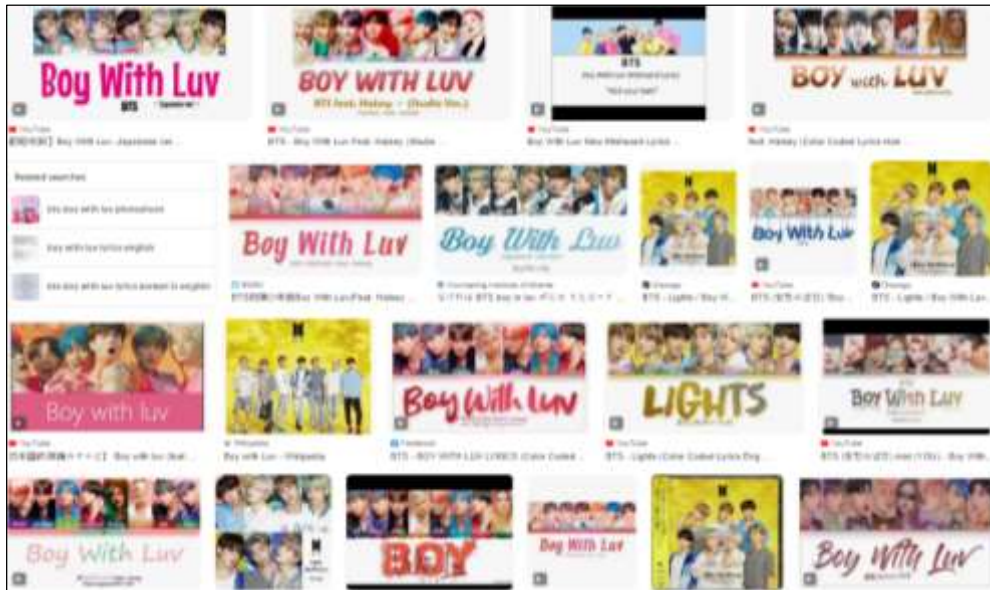
- چه طور؟

مثلاً این که خیلی چیزا رو به ما نمی‌گفتن و ما مثلاً می‌فهمیدیم که این یه چیزیه که ما اگه بفهمیم قراره ناراحت بشیم یا اذیت بشیم. ولی انتخاب می‌کردن که به طرفدارا نگویند و تمام تلاش‌شون رو می‌کردن که بمونن. مثلاً یه اتفاقی که افتاد، این بازم می‌گم این تجربه شخصی منه خب، سر یکی از جشنواره‌ها، آخرین، همون سالی که سال بعدش قراردادشون رو تمدید کردن، خیلی حال بدی داشت بی‌تی‌اس و با این که برنده شده بودن، مثلاً همه‌شون خیلی ناراحت بودن و این حرفا، و با این که چیزی نگفتن خیلی معلوم بود که مثلاً الان سر یه چیزی ناراحت هستن و مثل همیشه که جایزه

۱۰۲ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

می‌گرفتن و خوشحالی رو تو چشماتشون می‌دیدیم، الان لبشون می‌خندید و تو چشماتشون معلوم بود که ناراحت هستن. تقریباً دو سال بعد ما فهمیدیم که اون سال نزدیک بوده که اینا دیس‌بند بشن. یعنی یه سری اتفاقاتی که باز ما نفهمیدیم، دقیقاً چه اتفاقی افتاده فقط یه سری چیزا رو شنیدیم، فهمیدیم که اون سال، بعد دو سال این رو فهمیدیم، که تمديد کرده بودن ديگه قراردادشون هفت سال و قرار بود هفت سال بعد بمونن، ولی فهمیدیم که اون سال نزدیک بوده که اینا دیس‌بند بشن و برا همین حالشون خیلی بد بود. ولی با این حال اصلاً نگفتن و تصمیم گرفتن موندن. توی آهنگی که بعدش دادن، یعنی آهنگی که تو یه سال بعدش دادن، همون سالی که قراردادشون رو تمديد کردن. توی آهنگ بوی ویت لاو که چیزه، توش یه تیکه رپ داره، لیدر گروهشون یه تیکه رپ می‌خونه، یه همچین مفهومی رو می‌گه که اگه من الان دارم پرواز می‌کنم تو اوج، چون دقیقاً نقطه اوج بی‌تی‌اس بود اون سال، اولین سالی بود که رفته بودن بیلپورد، جشنواره اجرا کرده بودن، و بعد جایزه برده بودن، آر티ست سال شده بودن، خیلی اتفاق‌های خفنی براشون افتاده بود، مثلاً اینجا توی آهنگه میاد می‌گه که اگه من الان دارم بالا پرواز می‌کنم، به خاطر توئه، و اگه من الان موندمم، به خاطر توئه. بعد مثلاً میاد می‌گه. یه ذره اشاره می‌کنه که سخته این بالا بودن، ترسناکه. ولی من با این حال بازم به خاطر این که، یعنی یه جورى توی لفافه می‌گه که آره، اگه ما الان موندیم و قرارداد رو تمديد کردیم مثلاً به خاطر طرفدارامونه، یه همچین حالتی. نه این که بیان این رو بگن، این حس رو القا می‌کنن. و خب وقتی طرفدار حس می‌کنه آر티ست داره به خاطرش تلاش می‌کنه، بازم اون ارتباطه برقرار می‌شه.





- چه طوری این حمایت رو حس می‌کردی؟

وقتی که مثلاً به اتفاقی که پیش می‌اومد یا اتفاقی این طوری بود، به جریانی که پیش می‌اومد، بی‌تی‌اس توی متن آهنگاشون، یا از طریق یه سری مثلاً چیز توی موزیک ویدیوهاشون، به طرفدارا می‌رسوند که آره ما می‌دونیم چه خبره و یه پیام مراقبت‌کننده طور می‌دادن تو متن آهنگاشون، که آره ما هستیم، ما مراقب‌تون هستیم، ما کنارتون هستیم و یه چیز دیگه‌ای هم که بود، این بود که بی‌تی‌اس می‌دونست یه تعداد خیلی زیادی از طرفداراشون به خاطر بی‌تی‌اس به زندگی برگشتن. و این در واقع، شاید بتونم بگم یه درصد خیلی بالایی، بیش‌تر از نصف طرفدارای بی‌تی‌اس، سر این آلبوم، یه هم‌چین حس داشتن که انگار یه حس خیلی بهتری به خودشون پیدا کردن. آلبومش، اسم آلبومش لاو یورسلف بود.

- اوهوم.

خودت رو دوست داشته باش. سه‌تا آلبوم بود به عنوان سری لاو یورسلف. یعنی سری لاو یورسلف خودش نزدیک دو سال طول کشید. بعد کل تمرکز این آلبوم لاو یورسلف روی این بود که خودت رو همین جوری که هستی دوست داشته باش و من مثالی بارزش رو می‌دیدم، یعنی مثلاً طرف می‌گفت که من واقعاً می‌خواستم همه چی رو تموم بکنم و خودم رو بکشم، ولی با شنیدن این آلبوم، از این کار منصرف شدم.



- اوهوم.

و مثلاً صرفاً این نبود که طرف به خاطر وابستگیش به هنرمند خودش رو نکشه. به خاطر این بود که اون هنرمند اون قدر برایش اهمیت داشت که بیاد سه تا آلبوم پشت سر هم بده صرفاً برای این که به این حس خوب القا بکنه یا ازش مراقبت بکنه.

خب همه می‌دونن که پول همیشه مطرحه و همه‌ی آرتیستا دارن پول درمیارن. ولی حداقلش این بود که بی‌تی‌اس در کنار پول در آوردنش از طرفداراش سعی می‌کرد از شون مراقبت هم بکنه. می‌دونی؟

- اوهوم.

و این چیزی بود که تعداد خیلی زیادی از آدما تجربه‌اش کردن، از جمله خود من. من توی دورانی که تینیجر بودم، واقعاً اگه بی‌تی‌اس نبود، حتی سر همین آلبوم لاو یورسلف، اگه بی‌تی‌اس این آلبوم رو نمی‌داد، من هیچ‌وقت خودم رو اون جوری که هستم، قبول نمی‌کردم. به خاطر این که انگار نیاز داشتم یه نفری که دوستش داشتم، بیاد این حرف رو به من بزنه. و خیلی اثرش بیشتر از صدها کتاب بود که من پیام بخونم که هی به من بگه که... .

- آیا درست دارم متوجه می‌شم که این گروه یه جورایی جایگزین خانواده‌ای بود که احساس کمبودش رو می‌کردی؟

قطعاً، البته بیش‌تر برا من حکم یه دوست صمیمی رو داشت که نداشتم. ولی برای خیلیا آره. جایگزین خانواده هم بود. جایگزین یه جایی که حتی بهش بگن خونه. بعد مثلاً اعضای اون خانواده هم می‌شن مثلاً طرفدارایی که مثل تو اون گروه رو دوست دارن. همون چیزی رو که تو دوست داری، اونا هم همون رو دوست دارن.

- یعنی انگار یه گروه دوستی، یه گروه خانوادگی که همه‌تون توش مشترکید... .



آره... آره و این چیز عجیبیه توی اون محیط سمی‌ای که توی کی‌پاپ وجود داره. یعنی این حس خونه‌طور و صمیمیت وسط یه محیط فوق‌العاده سمی وجود داره.

- حالا سوالی که خودت پیشنهاد دادی. این که اگه همچین جو سمی‌ای وجود داره، چرا این قدر طرفدار داره و چرا همچین جو‌هایی به وجود میاد که این قدر برای افراد کمک‌کننده هست؟  
دوتا جواب دارم برای این. یکیش همین که الان گفتم. یعنی حالا به جز بی‌تی‌اس، آرتیستای دیگه هم هستن که الان دیگه سعی می‌کنن اون ارتباط رو با طرفداراشون برقرار کنن، حتی تو آهنگا حرف بزبن با طرفدارا، نه صرفاً فقط یه آهنگ بخونن که معروف بشه. مثلاً آهنگای معنادار بدن، پیام‌هایی بدن که واقعاً تأثیر بذاره روی زندگی اون طرفدار. خب اون طرفدار با تو درگیری ذهنی پیدا کرده و آبسده (مدام در فکر چیزی بودن)، تو یه حرفی بزنی، اون طرف روش اثر می‌ذاره. میان استفاده خوب می‌کنن از این فضا. یه دلیلش اینه که وقتی یه آرتیست این کار رو می‌کنه، اون محیط امن به وجود میاد. بین آرتیست و طرفداراش و طرفدارای اون گروه باهم.

- اوهوم.

که یه حس امنیت و خونه‌مانندی می‌ده به اون طرف. که حس می‌کنه مثلاً they're at home.  
دلیل دومشم، این بیش‌تر موسیقاییه دیگه، تفاوت سبک موسیقی کی‌پاپ با تمام موسیقی‌هاییه که تو جهان وجود داره. اولاً کی‌پاپ اولین صنعت موسیقیه که این قدر گروه توش هست. یعنی خواننده‌ی تکی‌اش، خیلی کم‌تر از گروه‌هاشه و هارمونی‌ای که توی گروه وجود داره، خیلی قطعاً می‌تونه جذاب باشه. حرکاتی که همه هماهنگ باهم انجام می‌دن. رقصای گروهی خیلی جذاب‌تر رقص تکی و خوندن گروهی هم خیلی جذاب‌تر از خوندن تکی می‌تونه باشه. خصوصاً برای کسی که خسته شده باشه مثلاً از تکرار توی موسیقی توی کشور خودش یا جهان. و مثلاً تفاوت سبک و استایلشون. این که مثلاً فرهنگ کره، فرهنگیه که پسرا توش واقعاً خوشگل ان. یعنی... به خودشون می‌رسن. مثلاً یه دونه مو رو صورت یا بدنش نیست.

- یه چیزی که من می‌بینم تو گروه‌ها همه‌شون به شکل افراطی سفید پوست اند.  
میکاپه، آرایش.

- آرایش؟

اصلاً آرایش برای پسرا تو فرهنگ کره یه چیز جا افتاده است. یه عده زیادی هم هستن که آرایش نمی‌کنن. منظورم تو نسل جوونشونه، نه مثلاً مرد چهل، پنجاه ساله بخواد بره آرایش بکنه. ولی تو نسل جوونشون استفاده از وسایل آرایشی بهداشتی یه چیز عادیه برای پسرا. این که شیو بکنن کامل خیلی عادیه. این که لباسای رنگی‌پنکی بپوشن، کیوت باشن... رفتار به اصطلاح ظریف داشته باشن، مثلاً ایرانی‌ها می‌گن پسرای کره‌ای دخترونه هستن.

- آره.

مثلاً این رفتار، یه رفتار عادی و حتی جذابه توی فرهنگ کره و خب این برای فرهنگ‌های دیگه که همچین مواردی تو کشورشون نیست، این تفاوته می‌تونه جذاب باشه. مثل فرهنگ ما. مثل حتی خود غرب. توی کشورهای غربی هم همینه. پسرایی که این طوری باشن، خیلی کم ان و خب این قطعاً می‌تونه خیلی جذاب باشه. تفاوت توی استایل، تفاوت توی رقص، تفاوت توی موسیقی... .

- دیگه از جذابیت این گروه‌ها چی می‌تونی بگی؟

کلی بگم؟

- کی پاپ و حالا به خصوص بی‌تی‌اس.

از جذابیت‌های دیگه... یه سری برنامه می‌سازن... تجربه‌ای که خودم موقع طرفداری بی‌تی‌اس داشتم... مثل یه سریالی بود که داشتم زندگی‌اش می‌کردم.

- اوهوم.

بین مثلاً... همین فقط موسیقی نبود. آهنگ می‌دادن هر چند وقت یک بار آلبوم می‌دادن. آلبوما چندتا موزیک ویدیو داشتن. بعد موزیک ویدیو رو که می‌دادن بعد اجرا داشتن. توی چندتا شو می‌رفتن آهنگا رو اجرا می‌کردن و می‌رقصیدن. بعد یه برنامه می‌دادن که مثلاً از اول دو ساعت برنامه طول می‌کشید. وسطش حرف می‌زدن، جوک می‌گفتن، مصاحبه می‌کردن، در مورد خودشون، در مورد بقیه و اینا، بعد وسطش آهنگا رو اجرا می‌کردن. کام‌بک شو' بهش می‌گفتن. بعد... یه مدت مثلاً استراحت‌شون بود، توی اون مدت یه سری برنامه پخش می‌کردن که قبلاً ضبط کرده بودن. برنامه‌هایی که مثلاً می‌شستن باهم بازی می‌کردن. مثلاً باهم اون رو بازی می‌کردن یا مثلاً مافیا بازی می‌کردن یا مثلاً می‌رفتن یه جا خونه‌ی وحشت فیلم می‌گرفتن.

- اوهوم... مثل ولاگ (معادل ویدیویی بلاگ)؟

آره، آره. ولاگای این طوری ولی فان‌تر، با فیلم‌برداری بیش‌تر که حرفه‌ای‌تر بود و ارتباط بین خودشون رو خیلی با طرفدارا شیر می‌کنن. و اینم یکی دیگه از ویژگی‌های کی‌پاپه که دوستی بین اعضای گروه خیلی نمایانه برای طرفدارا. که خب تو صنعت هالیوود من همچین چیزی رو ندیدم.



- آیا این جزو تبلیغات کمپانیه یا به انتخاب فردی یا فرهنگی که جا افتاده؟ فکر می‌کنم کاریه که کمپانی می‌کنه برای این که طرفدارا رو اینترستد<sup>۱</sup> (علاقه‌مند) نگه داره. چون مثلاً فاصله این آلبوم تا آلبوم بعدی برای این که اون طرفدار فراموش نکنه که این طرف رو دوست داره باید یه سری کانتنت<sup>۲</sup> (محتوا) بهش بدی. این کانتنت‌ها رو این وسط جا می‌دن که اون طرفدار حوصله‌اش سر نره. اعضاء هم دیگه به عنوان بخشی از کارشون پذیرفتن این رو و دیگه سعی می‌کنن لذت ببرن ازش یا حداقل چیزی که من حس می‌کردم، این نبود که این اجباریه براشون. مثلاً هفت‌تایی که می‌رفتن شهربازی ازش فیلم می‌گرفتن و انگار که یه سریالی بود که من مدام داشتم می‌دیدم و این هیچ وقت تموم نمی‌شد. مثلاً بعد خب این برنامه‌ها تموم می‌شد، کنسرت می‌داشتن. چند روز کنسرت بود و کنسرت‌ها رو هم معمولاً زنده می‌دیدیم. لینکش می‌اومد. یکی از آرمیا که خریده بود، لینک کنسرت رو شیر می‌کرد برای بقیه همه می‌دیدن. کنسرت رو زنده می‌دیدي... خب خیلی حال می‌ده که تو فضای کنسرت رو زنده بخوای تجربه بکنی. بعد از اون جشنواره‌های آخر سال کی پاپ بود که همه‌ی گروه‌ها میان اجرا می‌کنن، بعد به یه سری‌ها جایزه می‌دن. مثلاً آرتیست سال، آهنگ سال، آلبوم سال که نشون می‌ده کدوم آرتیستا موفق‌ترین آرتیست سال بودن و... بعد رأی‌گیری‌های اون‌ها هست، خب طرفدارا رأی می‌دن به آرتیست مورد علاقه‌شون و برنده که می‌شد، احساس افتخار می‌کنی، چون احساس می‌کنی، خودت این موفقیت رو برای اون آرتیست به دست آوردی. یه جورایی حس می‌کنی، داری پی‌بک (بازپرداخت) می‌کنی بهشون اون حس خوبی که بهت داده رو. یه حالت انگار واقعاً یه دوستی دورا دوره که یه حالت گیو اند تیک<sup>۳</sup> (داد و ستد) داره. یعنی اون به تو گیو می‌کنه تو یه چیزی رو این ریترن<sup>۴</sup> (در مقابل) می‌دی.

---

1 Interested

2 Content

3 Give and take

4 In return

- تو و حالا این آرمی چه کارهایی برای بند مورد علاقه‌تون می‌کنید؟

اصلی‌ترینش گوش دادن به آهنگا و نگاه کردن به موزیک ویدیوهاست. توی پلتفرم‌ها که بازدیدش ثبت بشه. بعد رأی‌گیری‌ها هست. مثلاً اگه خبرش پخش بشه که مثلاً فلان رأی‌گیری باشه، می‌ری رأی می‌دی. رأی‌ها ثبت بشه، بعد نشون می‌دی که این آرتیست مثلاً چه قدر محبوبه. بعد جایزه برنده می‌شه طرف، خب جایزه می‌گیره خوشحال می‌شه، بعد تو حس می‌کنی خب تو یه کاری کردی برای اون طرف.

- بعد مثلاً این که می‌گی ویو بخوره برای اون ویدیو، مگه بیش‌تر از یه ویو می‌تونن بزنن؟ آره... راه داره. می‌تونن مثلاً چندتا اکانت داشته باشن.

- اوهوم.

با هر اکانت بازدید بزنن. می‌تونن... یه چند ساعت وایسی بعد کلیر هیستوری<sup>۱</sup> (پاک کردن حافظه‌ی سیستم) بکنن، بعد دوباره بری بازدید بزنن. از این کارا زیاد می‌کردیم (خنده).

الآن دیگه نیاز نداره بی‌تی‌اس واقعاً به این کارا. یعنی اون قدر معروف شده که اصلاً نری نگاه کنی هم اون کارش رو کرده. بازدید عادی شون اون قدر زیاد هست که دیگه نیاز نداره بری بازدید بزنن براشون.

- دیگه چه کارهای حمایتی‌ای می‌کنید؟

دیگه به جز بازدید و... به این کار، به بازدید زدن، استریم<sup>۲</sup> کردن (پخش زنده) هم می‌کنن. به جز استریم کردن و رأی دادن... اصلی‌ترینش این دوتا ست و مثلاً کسایی که حوصله دارن تو سوشال مدیا فعالیت می‌کنن. مثلاً توی توییتر و این جور جاها. پست می‌ذارن، حمایت می‌کنن، تبلیغ می‌کنن، اگه آرتیست تازه کار باشه یا معروف نباشه تبلیغش رو می‌کنن، معرفی می‌کنن به بقیه که بیان مثلاً نگاه کنن آهنگاش رو، موزیک ویدیوهاش رو... این طوری.

- بعد وقتی می‌گن فن‌دوم<sup>۳</sup> منظور شون چیه؟

کل طرفدارای یه گروه خاص می‌شه فن‌دوم یه گروه. مثلاً فن‌دوم بی‌تی‌اس می‌شه آرمی. یعنی تمام طرفدارای بی‌تی‌اس.

- آرمی رو فقط به طرفدارای بی‌تی‌اس می‌گن؟

آره و معمولاً طرفدارای گروه‌ها اسم خاص خودشون رو دارن.

- بعد وقتی در مورد آرمی بحث می‌شه یه کلمه دیگه هم که من شنیدم آرمی فیکه<sup>۴</sup> (تقلبی، قلابی).

اونا قضیه‌شون چی هست؟

این رو از کجا شنیدی؟ (خنده).

1 Clear history

2 Stream

3 Fandom

4 Fake

ما اون موقع خودمون به کسایی می‌گفتیم آرمی فیک که مثلاً طرف یا مثلاً واقعاً هیچی نمی‌دونست و صرفاً الکی می‌اومد می‌گفت من طرفدار بی‌تی‌اس هستم. چون مثلاً وقتی یکی میاد می‌گه من طرفدار فلان گروهم، حداقل کاری که باید بکنه اینه که اون گروه رو دوست داشته باشه دیگه... .  
- آره.

پایه‌ای‌ترین اساسش اینه دیگه. تو مثلاً چه طور می‌تونی طرفدار یه گروه باشی، بعد مثلاً بیای بگی نه من فلان عضو و فلان عضو رو دوست ندارم. خب وقتی یکی می‌اومد همچین حرفی می‌زد، ما می‌گفتیم طرف فیکه. آرمی واقعی نمیداد بگه من فلان عضو رو دوست ندارم. چون مجبورت نکردن که طرفدارشون باشی، خب بگو من طرفدار این گروه نیستم. طرفدار اون عضو و اون عضو مثلاً.



۱۱۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- در مورد فن‌فیکشن هم توضیح می‌دی؟

آره.

- می‌شه بگی چیه؟

بین اولاً بگم فن‌فیکشن مختص کی‌پاپ نیست. فن‌فیکشن اصلاً اسمش روشه: فن، فیکشن. یعنی به داستانی که به طرفداری، طرفدار یک چیزی، میاد به داستانی رو با کاراکترهای اون چیز خلق می‌کنه.

- آهان، یعنی اصلاً ربطی نداره که شرقیه، غربیه یا چی.  
نه اصلاً.

- می‌تونه هر سریالی فیلمی... .

آره. مثلاً ما فن‌فیکشن برای مثلاً فلان سریال هالیوودی هم داره. مثلاً به طرفداری، به فنی اومده با کاراکترهای اون سریال اومده به داستانی رو خلق کرده یا مثلاً حتی با کاراکترهای انیمه‌ای، حتی با کاراکترهای کارتونی فن‌فیکشن داریم. که طرفدارای اون کارتون، یا چیز، هر چیزی واقعاً. هر چیزی که به سری کاراکتر داشته باشه، باهش فن‌فیکشن می‌سازن. توی کی‌پاپ هم همین طوریه. یعنی اعضای اون گروه به عنوان به کاراکتر مد نظر گرفته می‌شن، که مثلاً میان به سری داستانی رو می‌نویسن که بستگی به سلیق خودشون داره. انگار که مثلاً طرف نویسنده است و رمان خودش و صرفاً فقط به جای کاراکتر از اسم اون اعضای گروه استفاده می‌کنه و معمولاً هم خواننده‌هاش همون طرفدارای گروه ان به خاطر این که خب می‌شناسن اون کاراکتر رو و بهشون علاقه دارن.

- یعنی این فن‌فیکشن رو فن‌ها تولید می‌کنن؟

آره آره. فنا می‌نویسن. اصلاً اسمش روشه. فن‌فیکشن.





- یه دقیقه اصلاً برگردیم به قسمت قبل که من یادم رفت بیرسم. اینا توی اون جذب... کارآموز... یعنی جذب خواننده، آیا این‌ها توی اون دوره‌های آموزشی‌شون و همین حالا دوره‌هایی که کار می‌کنن، حق ملاقات با خانواده و این جور چیزها رو دارن یا مثلاً باهم زندگی می‌کنن، چه شکلی باهم زندگی می‌کنن؟

حق ملاقات با خانواده رو که دارن، مگه می‌شه نداشته باشن! بین بستگی به این داره که کجا دارن زندگی می‌کنن. مثلاً اگه طرف شهرستانی باشه، اومده باشه سئول، خب مسلماً سخت‌تر می‌تونه خونواده‌اش رو ببینه، به خاطر این که باید مثلاً یه چند روز باید بره و بیاد و خب آره در اون صورت از تمریناش عقب می‌افته و سخت‌تر می‌شه که خونواده‌اش رو ببینه یا مثلاً یه سری از گروه‌های کی‌پاپ هستن که اعضا‌شون اصلاً خونواده‌هاشون خارج از کشورن.

- اوهوم.

مثلاً طرف خارجی بوده، مثلاً کره‌ای خارج از کشور نشین بوده، بعد آودیشن داده برای داخل کره، برگشته کره اومده خواننده شده. بعد خب اون طرف خانواده‌اش یه کشور دیگه است خب معلومه که مثلاً سالی یه بارم به زور می‌تونه خونواده‌اش رو ببینه.

- بعد این‌ها به صورت اجباری جراحی پلاستیک هم می‌کنن؟

این بازم بر می‌گرده به همون فشارهایی که کمپانی ممکنه بیاره. اگه کمپانی، آره اگه کمپانی بهشون الزام بکنه، خصوصاً می‌گم اوایل کارشون، اول کارشون که هنوز شناخته شده نیستن، اگه کمپانی تصمیم بگیره که آره این طرف الآن باید این کار رو انجام بده، خب طرف هم مجبور می‌شه به خاطر این که قرارداد بسته، انجام می‌ده. ولی بازم به خودش بستگی داره. یعنی این طور نیست که زندانش کنن اون جا. می‌تونه انتخاب کنه که نکنه و خب از اون کمپانی بره. ولی خب آره بعضی از کمپانیا هستن که آره واقعاً همین قدر فشار میارن. ولی این چیزا چیزایی نیست که... بین تمام اینا، تمام این چیزایی که من تا الآن گفتم، هیچ‌کدوم درباره تمام گروه‌های کی‌پاپ صدق نمی‌کنه. یعنی همون طور که مثلاً آدم با آدم فرق می‌کنه، کمپانی هم با کمپانی فرق می‌کنه آرتیست با آرتیست فرق می‌کنه،

گروه هم با گروه فرق می‌کنه. یعنی این جور نیست که بشه یه نسخه برای تمام خواننده‌های کی‌پاپ یا تمام کمپانی‌های کی‌پاپ بیچی.

- اوهوم.

ولی هست، هم هست، هم نیست. بعضی جاها هست، بعضی جاها نیست.

- بعد این کمپانی‌ها باهم رقابت خاصی دارن که مثلاً پشت سر هم... .

زیاد! زیاد!

کمپانی بی‌تی‌اس تا قبل از این که معروف بشن، اون سه‌تا کمپانی‌ای که بهت گفتم که غول ان، بهشون می‌گفتن بیگ تری، یعنی سه‌تا غول بزرگ سرمایه‌داری صنعت موسیقی کره بودن، این بیگ تری خیلی زیاد تمام تلاش‌شون رو کرده بودن که بی‌تی‌اس و حالا یه سری گروه‌هایی که از کمپانی‌های کوچک‌تر بودن، اصلاً شنیده نشن و اصلاً معروف نشن. مثلاً بهشون اجرا نمی‌دادن تو تلویزیون. نمی‌داشتن که خیلی دیده بشن توی مدیای کره و اصلاً یکی از دلایلی که بی‌تی‌اس اول تو خارج معروف شد، بعد تو کره، این بود. این که اصلاً به خاطر فشار طرفدارای خارجی صنعت موسیقی کره مجبور شد بی‌تی‌اس رو قبول کنه، وگرنه قبول نمی‌کرد.

- کلاً به نظر می‌رسه کره یه حالت سرمایه‌داری خیلی ناچوری داره.

خیلی. حداقل چیزی که ما از بیرون می‌بینیم که اینه. از داخلش که خبر نداریم.

- خوب داشتیم درباره هواداران بی‌تی‌اس صحبت می‌کردیم. فن‌فیکشن رو که گفتیم. بعد انواع

فن‌فیکشن چه جوری هست و چه محتواهایی تولید می‌شه؟

بین اینا همه‌اش بستگی به خود اون طرف داره. همون طور که رمانی داریم، رمان عاشقانه‌ی اروتیک داریم که خیلی صحنه‌های زیادی داره، و رمان عاشقانه سافت داریم که صحنه‌های زیادی نداره، و رمان جنایی داریم و رمان پلیسی داریم و رمان هیجانی داریم و چه می‌دونم علمی-تخیلی داریم، فن‌فیکشن هم همین ان. هیچ فرقی با رمان و داستانی دیگه ندارن و اون نویسنده خودش تصویری که دوست داره، چی بنویسه و تمام این ژانرها رو شامل می‌شه، و صرفاً از کاراکترهایی استفاده می‌کنه که برای اون خواننده‌ها آشنا ان و طرف می‌تونه تصور بکنه که این، مثلاً حالا این بر فرض میاد اسم فلان خواننده رو میاره به عنوان کاراکتر داستانش، برای کسی که داره می‌خونه راحت‌تره تصورش که میاد اون کاراکتر رو با اون تصویری که تو ذهن خودش هست، تصور می‌کنه، چون می‌شناسه در مورد این آدم که کیه و ژانرش هم همین.

- یعنی فکر می‌کنی علت تولید فن‌فیکشن یکیش اینه که شخصیت رو راحت و آماده داره بهت

می‌ده.



آره دقیقاً و تو می‌ری اون داستانی رو می‌خونی که با کاراکترهایی ان که تو خودت دوست شون داری. یعنی مثلاً تو فلان عضو و فلان عضو و فلان عضو گروه رو خیلی دوست داری و می‌ری دقیقاً داستانی رو می‌خونی که اون سه‌تا توشن.

- در واقع داری می‌گی، با این که اونا کلی محتوا تولید می‌کنن، یعنی هم آهنگ اینا می‌دن هم موزیک ویدیو می‌دن، گاهی ولاگ می‌دن از زندگی روزانه‌شون، ولی با این حال بازم انگار کافی نیست برای طرفداران شون و بازم می‌رن سراغ فن‌فیکشن و چیزهایی که خودشون دارن.

آره همین طوره و کلاً هنر خیلی زیاده توی طرفدارای کی‌پاپا و البته طرفدارای هر چیزی، می‌گم این تصور خیلی غلطه که یه نفر بیاد بگه که وای کی‌پاپ یه چیز خیلی زیاد فراگیر شده هست و طرفداراش خیلی دارن کارای عجیب‌گریبی می‌کنن. تمام کارهایی که طرفدارای کی‌پاپ می‌کنن، طرفدارای انیمه هم می‌کنن، طرفدارای سریالای هالیوودی هم می‌کنن، طرفدارای بازیگرهای خارجی، حتی طرفدارای یه سری از کانتنت‌های (محتواهای) داخلی هم می‌کنن. فقط محتواهای داخلی به خاطر این که سانسور می‌شه، خیلی جا برای این که طرف بخواد کاری بکنه نیست.

- اوهوم.

وگرنه اینم، یعنی چی می‌گن، بنیه‌ی، مایه‌ی، آه چی می‌گن، کلمه‌اش چیه؟

- essence؟

آره essence. می‌خوام فارسیش رو بگم.

- ماهیت.

ماهیت، آها. ماهیت فن بودن اینه. تو طرفدار هر چیزی که باشی، دلت می‌خواد در اون زمینه فعالیت انجام بدی. حالا اگه یه نفر هنرمند باشه، نقاش باشه بر فرض، تو اون زمینه نقاشی می‌کشه. اگه طرفدار کی‌پاپ باشه، نقاشی اون خواننده‌ها رو می‌کشه. اگه طرفدار فیلم و سریالای خاصی باشه، مثلاً همین هری‌پاتر، چه قدر معروفه و چه قدر هنوز که هنوزه بعد از این همه سال طرفداراش میان صحبت می‌کنن که آره من عضو فلان هاوس ام.

- اوهوم.

چی می‌گن، اون مدرسه جادوگریه هستم. مثلاً من هاپلپافم یا مثلاً من گریفیندورم. بعد میان گروه می‌سازن و توی اون گروه‌ها باهم حرف می‌زنن. بعد تظاهر می‌کنن که همیشه با اون هاوس‌ها هستن و اون ویژگی‌های رفتاری که توی اون مثلاً فیلم، هر کدوم از این گروه‌ها داشتن، همونا رو بروز می‌دن. لباساش رو می‌خرن. چوب جادوگریش رو می‌خرن. یعنی این چیزی که می‌خوام بگم، می‌گم این فرآیندهایی که توی کی‌پاپ، این فرآیندهایی که توی کی‌پاپ به خصوص بین طرفدارای کی‌پاپ اتفاق می‌افته، عین همین بین تمام طرفدارای هر چیزی که توی دنیا ممکنه وجود داشته باشه، هست.



- اوهوم.
- صرفاً یه سری جزییاتش متفاوت.
- یعنی می‌خوای بگی دنبال کردن و الگوبرداری... .
- ماهیت فن بودن. مهم نیست تو فن چی باشی.
- یعنی در واقع می‌گی که هر انسانی یه چیزی داره که ازش الگو برمی‌داره، صرفاً قضیه اینه که هر کسی از چه چیزی الگو برمی‌داره.
- شاید بشه برای اکثریت همچین حرفی زد.
- آیا همون طور که گفتیم کمپانی‌ها روی افرادشون حالا یه تسلطی دارن، تو بعضی گروه‌ها مخصوصاً، آیا این شکلی هم هست که مخاطب‌ها روی کمپانی‌ها تسلط داشته باشن؟

ا... خیلی کم. بیش‌تر تسلطی که مخاطباً روی کمپانی دارن به صورت غیر مستقیمه. این که کمپانی میاد می‌بینه که خب مخاطبش چی دوست داره و سعی می‌کنه همون رو ارائه بده. ببین اگه بخوام به صورت کلی بگم فشار روی آرتیستای کی‌پاپ نسبت به مثلاً آرتیستای هالیوودی، خیلی بیش‌تره. ولی این صرفاً به خاطر فرهنگ کره‌ایا هست. یعنی من فکر می‌کنم که بیش‌تر ریشه توی فرهنگ‌شون داره. این که مثلاً چرا توی هالیوود همچین قضیه‌ای نیست. این که چرا مثلاً وقتی یه گروهی توی بر فرض هالیوود تشکیل می‌شه، مثلاً مثل گروه وان دایرکشن یا بعضی گروه‌های دیگه، چرا اونا یه همچین فشارهایی رو تجربه نمی‌کنن؟ چرا مثلاً اونا سعی نمی‌کنن خودشون رو باب میل طرفداراشون تغییر بدن؟ چرا مثلاً اونا هر جور خودشون می‌خوان هستن و طرفدارا بازم همون جوری دوست‌شون دارن؟ به این دلیل که کره‌ایا فکر می‌کنن که مثلاً تمام آدمای دنیا مثل خودشون ان و سعی می‌کنن اون پیپل پلیزینگ 'بودنه، این که مثلاً باب میل مخاطب‌شون باشن، این رو کامل به همه القا می‌کنن و یه جورایی طرفدارای کی‌پاپ، طرفدارا خودشون رو عادت می‌دن به این قضیه.

- اوهوم.

یعنی به طرفدارها این رو القا می‌کنن که آره ما مثلاً میایم آرتیستامون رو با میل شما مثلاً چیز می‌کنیم. در صورتی که خب واقعاً طرفدارهای کی‌پاپ دیگه کره‌ایا صرفاً نیستن و از کل کشورای دنیا هستن و خیلیا اصلاً مخالف ان با این که کمپانیا این طوری رفتار می‌کنن. ولی خب اونا اصلاً دست خودشون نیست، یعنی طرز تفکر یه که توی فرهنگ‌شون وجود داره. یکی احترام خیلی زیاده به مافوق و یکی این که رضایت مثلاً طرف مقابل رو جلب کردن. این دوتا آیتیم خیلی توی فرهنگ کی‌پاپ، یعنی کلاً خود فرهنگ کره‌ایا و تو کی‌پاپ خیلی بلده. یعنی اگه دقت کنی مثلاً توی سریالاشون هم محیط‌های کاری‌شون که نشون می‌ده، خیلی بر اساس اینه که مثلاً کارمند رضایت مافوقش رو جلب بکنه، برای همین من فکر می‌کنم این یه چیز ریشه‌ای توی فرهنگ‌شونه و این توی کی‌پاپ هم بروز کرده.

- اوهوم. حالا یه سؤال در مورد خودت. اون موقع که طرفدار شدید بی‌تی‌اس بودی، مثلاً در طول روز چه قدر وقت می‌گذاستی برای دنبال کردنش یا مثلاً برای بالا بردن بازدیدهاش؟

فکر می‌کنم، ا...، ببین بستگی داشت، مثلاً اون سالای اولی که تازه باهاشون آشنا شده بودم و هنوز اون ارتباط عمیق رو خیلی باهاشون برقرار نکرده بودم، شاید مثلاً در حدی که روزی مثلاً نهایت یکی، دو ساعت مثلاً آهنگاشون رو گوش بدم. همون جور که الان مثلاً روزی یکی دو ساعت آهنگ گوش می‌دم، ولی خب آهنگای اونا رو گوش می‌دادم. این طوری بود. ولی بعد از یکی، دو سال که اون ارتباط عمیق رو باهاشون برقرار کردم و یه جورایی حس کردم که بودن‌شون توی زندگی من باعث شده که زندگی من کیفیتش بالاتر بره و امید به زندگی من بیش‌تر بشه، حس کنم یکی داره از من مراقبت

۱۱۶ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

می‌کنه، و خصوصاً می‌گم، بعد از اون آهنگش که در مورد دوست داشتن خودت بود، لاو یورسلف بود که من بعدش حس کردم که خب خیلی خودم رو بیش‌تر دوست دارم، بعد از اون آلبوم، اون تأثیر رو روی من گذاشت، خب حس می‌کردم که یه جورایی دلم می‌خواد اون خوبی، اون حس خوبی که ازشون گرفتم رو، منم به اونا بدم. برا همین دیگه مثلاً شروع کردم به این که بخوام چیز بکنم، ویو بزمنم و اینا، اون موقع شاید مثلاً روزی پنج، شش ساعت از وقتم رو می‌گرفت.



- اوهوم. بعد چه مدت این قدر... .

من تقریباً سال ۲۰۱۴ باهاشون آشنا شدم و تا سال ۲۰۱۸ خیلی زیاد درگیرش بودم. بعد دیگه کم‌کم، کم شد. هر چه قدر که بزرگ‌تر شدم و مثلاً انگار با دید بالغانه‌تری به قضیه نگاه می‌کردم، یه مقدار فاصله‌ام باهاشون بیش‌تر شد. ولی از دوست داشتنه کم نمی‌شدها. صرفاً دیگه حس می‌کردم اون کاری که باید می‌کردم رو کردم. مثلاً همون قدر که حس خوب گرفتم، همون قدر حس خوب هم دادم.

- بعد آیا جزو گروه دوستی‌ای بودی که طرفدار گروه بی‌تی‌اس بودن، یعنی همراه با کسی مثلاً فعالیت‌ها رو دنبال می‌کردید؟

اول که با بی‌تی‌اس آشنا شدم اصلاً هیچ دوست آرمی‌ای نداشتم. یعنی با این که دوستم برام فلش پر کرده بود خودش طرفدار بی‌تی‌اس نبود. صرفاً همین جور موسیقی کی‌پاپ ریخته بود. هر چی داشت رو برام ریخته بود. اون موقع که من طرفدار بی‌تی‌اس بودم، اصلاً تو ایران شاید صد نفر آرمی نبودن تو ایران. چون مثلاً می‌گم سال ۲۰۱۳ بی‌تی‌اس شروع به کار کرده بود، من ۲۰۱۴ طرفدارشون شدم. برای همین اصلاً گروهی نداشتم که با آرمیا بخوام دوست باشم. چند سال بعدش که خب اینترنت یه ذره سرعش رفت بالا و مثلاً اینستاگرام اومد، خب آره چندتا دوست آرمی پیدا کردم که آره باهم این کارا رو می‌کردیم.

- بعد این که در نهایت فکر می‌کنی طرفداری از بی‌تی‌اس چه تأثیری روی زندگیت داشته؟

تأثیر مثبت قطعاً! یعنی این رو من دارم از دید الانم می‌گم که دیگه اون طوری نه اون قدر دوس شون دارم، نه اون قدر اخبارشون رو حتی دنبال می‌کنم. ولی به عنوان کسی که از بیرون دارم به اون چندسالی که نوجوون بودم و طرفدار بی‌تی‌اس بودم یا کی‌پاپر بودم یا هر چی، نیاز داشتم به بودن

همچین چیزی تو زندگیم، به خاطر این که زندگی گاهی اوقات می‌تونه خیلی سخت باشه. و دوست داشتن یه چیزی که داره از تو مراقبت می‌کنه، یعنی واضح داری می‌بینی که طرف مثلاً وقتش رو داره می‌ذاره و میاد یه چیزی مثلاً ارایه می‌ده که به تو کمک داره می‌کنه. حالا می‌خواد همدلی باشه یا توصیه‌های مثبت باشه یا هر چیز دیگه‌ای. دوست داشتن همچین چیزی که حس مورد مراقبت واقع شدن رو بهت می‌ده، تو اون لحظات سخت، می‌تونه خیلی حیاتی باشه.

- اوهوم.

و مطمئنم که خیلی‌ها هم همین حس رو دارن که حتی الان اگه فاصله گرفته باشن، می‌دونن که اون موقع به بودن بی‌تی‌اس تو زندگی‌شون نیاز داشتن و اصلاً برای همین جذبش شدن. چون جای خالیش حس می‌شده و اینا هم اون جای خالی رو با یه چیزی که واقعاً آسیب‌چندانی نداره، پر کردن. چون مثلاً درسته که صنعت کی‌پاپ یه صنعت کثیفه، ولی لزوماً هر چیزی که ماهیت بدی داشته باشه، نمی‌تونه تأثیر بدی هم روی تو داشته باشه، قرار نیست تأثیر بدی روی تو داشته باشه و هیچ چیز خوب و بد مطلقاً هم وجود نداره و برای من خوبی‌هاش بیش‌تر بود. چون درسته که مثلاً ممکنه بگیم بر فرض روزی پنج، شیش ساعت از وقت من برای بی‌تی‌اس رفته و پول شده رفته تو جیب کمپانی و پول شده رفته تو جیب مثلاً خود خواننده، ولی بی‌تی‌اس اگه کلاً از زندگی من حذف می‌شد، حالا شاید خیلی از نظر یکی که داره از بیرون نگاه می‌کنه این حرف خیلی غیر واقعی به نظر بیاد، ولی واقعاً ممکن بود من حتی اصلاً اینجا نباشم.

- یعنی چی؟

یعنی که خیلی‌ها هستن که... حالا مطمئنم اگه مصاحبه‌های دیگه انجام بشه با کسانی که طرفدار حالا چه بی‌تی‌اس چه گروه‌هایی که مثلاً فعالیت این طوری دارن... خیلیا می‌گن که زندگی‌شون رو مدیون به اون هنرمند هستن و این دروغ نیست. چون وقتی که یک نفر افکار خودکشی داره، به شدت نیازمند به اینه که یه همچین رابطه‌ای رو، ارتباط سیف<sup>۱</sup> (امن) رو با یه چیزی برقرار کنه. یه چیزی که کم‌ترین آسیب ممکن رو براش داره و حس می‌کنه که بهش امید به زندگی می‌ده. من یادم میاد اون موقع‌ها به شوخی... چون اصلاً متوجه نبودم که افکار خودکشی دارم... ولی اون موقع‌ها به شوخی می‌گفتم که یکی از دلایلی که الان خودم رو نمی‌کشم، اینه که بی‌تی‌اس آخر این ماه کنسرت داره.



- یعنی یه چیزی بود که براش ... .

آره، زندگی می‌کردم. درسته که روزی پنج، شیش ساعت از وقتم واسش می‌رفت، ولی اگه بی‌تی‌اس کلاً از زندگی من حذف می‌شد، کلاً معلوم نبود چه اتفاقی برام می‌افتاد و ممکن بود من اصلاً الآن اینجا نباشم که بخوام با تو مصاحبه بکنم. برای همین به نظرم اون موقعی که باید می‌بود، بود و کمکش رو به من کرد. حتی با این که الآن ازش فاصله گرفتم، ولی می‌دونم که اون موقع تأثیر مثبتش خیلی بیش‌تر از اون چند ساعت وقتیه که حالا از من گرفته یا حالا هر فضای منفی که می‌خواست داشته باشه.

- حالا این که چند بارم تأکید کردی که اون موقع بود و الآن انگار دیگه نیست، چی شد که دیگه حس نکردی که طرفدارشون هستی؟

حس می‌کنم بلوغ فکری آدم باعث می‌شه که تو دنبال یه چیز بیش‌تری باشی. یعنی برای من تا اون لحظه که این ارتباط رو من با، این جای خالی که تو زندگیم بود رو، من با یه هنرمندی اون سر دنیا پر کرده بودم، تا یه جایی برای من کافی بود و کارش رو هم کرد واقعاً. ولی از یه جایی به بعد انگار دنبال یه معنای بیش‌تری توی زندگی بودم و دیگه اون موقع دیگه کی پاپ برام راضی‌کننده نبود. - یعنی محتواش دیگه برات راضی‌کننده نبود؟

آره، انگار دیگه یه چیز عمیق‌تری رو می‌خواستم برای این که بخوام راضی باشم و رضایت داشته باشم. ولی این که فاصله گرفتم، دوست داشتنم رو نسبت بهشون کم نکرد. یعنی من هنوز عکساشون رو دیوار اتاقم بود. با این که اصلاً دیگه خبراشون رو دنبال نمی‌کردم، ولی انگار اون حس مثبتی که از قبل مونده بود، مونده بود و می‌گم، تأثیر مثبتش رو گذاشته بود.

البته یه دلیل دیگه‌ای هم که داشت، این بود که بی‌تی‌اس، خب چون من طرفدار بی‌تی‌اس بودم دیگه. بعدشم هر چه قدر دیگه سعی کردم ارتباطی با گروه‌های دیگه برقرار کنم دیگه نتونستم. بی‌تی‌اس دیگه تقریباً یکی، دو سال آخر سبک و سیاق آهنگاشون رو برده بودن به سمت سبک و سیاق هالیوودی. مثلاً مدل آهنگای هالیوودی آهنگ می‌خوندن. جوری که مثلاً اونا می‌پسندن و توی جشنواره‌هاشون باهاش جایزه می‌برن و دیگه اون حس... دیگه اون مفهوم رو آهنگا به اندازه قبل نداشتن... داستان عمیق رو نداشت موزیک ویدیوها و واقعیتش جذابیتش برام کم شد و اینم بازم سیاست کمپانی بود که همچین آهنگایی رو بخونن که بیان جایزه‌های جشنواره‌های خارجی رو ببرن. چون دیگه هیچ جایزه‌ای تو کره نمونده بود که نبرده باشن و تموم جایزه‌ها رو درو کرده بودن. یه جورایی می‌خواستن مسیر پیشرفت رو طی کنن که کردن هم تا یه حد زیادی... ولی دیگه برای شخص من مهم نبود. با این که دقیقاً از همون موقع بود که یه موج جدیدی از طرفدارای بی‌تی‌اس خیلی زیاد شد و دقیقاً سر همون جریان بود که همه بی‌تی‌اس رو شناختن. ولی خب برای من دیگه اون آهنگا اندازه قبل دیگه جذاب نبود. یه جورایی انگار به اون معنا و مفهوم و عمق توی آهنگا نیاز داشتم و وقتی دیگه نبود دیگه... .





– الآن با توجه به این که دیگه به اون معنای قبل طرفدار گروه بی‌تی‌اس نیستی، چه چیزی رو جایگزین داری؟ یعنی به هر حال می‌گی اون موقع نقش خیلی مهمی رو داشتن. حتی یه جورایی انگار نگهت داشتن. الآن چیه که نگهت می‌داره و چیه که جایگزین اون گروه و محتواهاش شده؟

حقیقتاً جای خالیش رو حس می‌کنم. یعنی با یه سری چیزا تا یه حدی اون جای خالی رو پر کردم... یعنی نه جای خالی بی‌تی‌اس رو. جای خالی همون چیزی که قبل از این که بی‌تی‌اس بیاد، خالی بود. یعنی بی‌تی‌اس اومد پرش کرد و بعد که دیگه بی‌تی‌اس نمی‌تونست پرش کنه و یه جورایی برام اون قالب کوچیک شده بود، الآن با یه سری چیزای دیگه تا یه حدی اون جای خالی رو پر کردم. می‌تونه مثلاً... ارتباطاتی که توی دنیا ایجاد می‌کنم باشه، می‌تونه فلسفه باشه. چون همون اولشم چیزی که توی موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس من رو جذب کرد، محتواهای فلسفی‌اش بود. یکی از اصلی‌ترین چیزاش بود که مثلاً کارشون واقعاً ارزش نگاه کردن رو داشت و چیپ<sup>۱</sup> (بی‌ارزش) نبود، مثل اکثر آهنگایی که شنیده بودم یا موزیک ویدیوهایی که دیده بودم. یه جورایی انگار با چنگ و دندون خودم رو نگه داشتم تو زندگی. توی لحظه. با لحظات خوب. با حس‌های خوبی که سعی می‌کنم تجربه کنم. و حقیقتاً جای خالی این که یه چیزی رو، یا یه کسی رو انقدر دوست داشته باشم که صرف وجود داشتن اون چیز، یا صرف وجود داشتن اون شخص برای اون که من دوست داشته باشمش برام کافی باشه، جای اون واقعاً حس می‌شه، جای خالی‌اش و تا یه حدی با یه چیزایی که الآن مقتضای سن الانمه. چون الآن من اگه بخوام هم نمی‌تونم پیام یه آرتیست رو برای خودم در این حد مهم بکنم. می‌دونی، این مقتضای سن اون موقع من بود یا شخصیت اون موقع من. ممکنه یه نفر تو سن الآن من همون شخصیت رو داشته باشه. ولی برای من توی اون بازه زمانی بود. مثلاً الآن اگه بخوام هم نمی‌تونم به یه آرتیست یا یه هنرمند اون قدر اهمیت بدم که بشه دلیل زندگیم. ولی خب اون جای خالی رو پر کرد، اون زمان بی‌تی‌اس و الآن تا یه حدی پر شده و نه به اندازه زمانی که بی‌تی‌اس جاش رو پر کرده بود حقیقتاً.



- اوهوم.

ولی خب با این که می‌دونم این چیزهایی که الان دوس شون دارم به اون اندازه جاش رو پر نمی‌کنه، ولی دیگه نمی‌تونم خودم رو قانع بکنم که یه آرتیست رو اون قدر دوست داشته باشم.



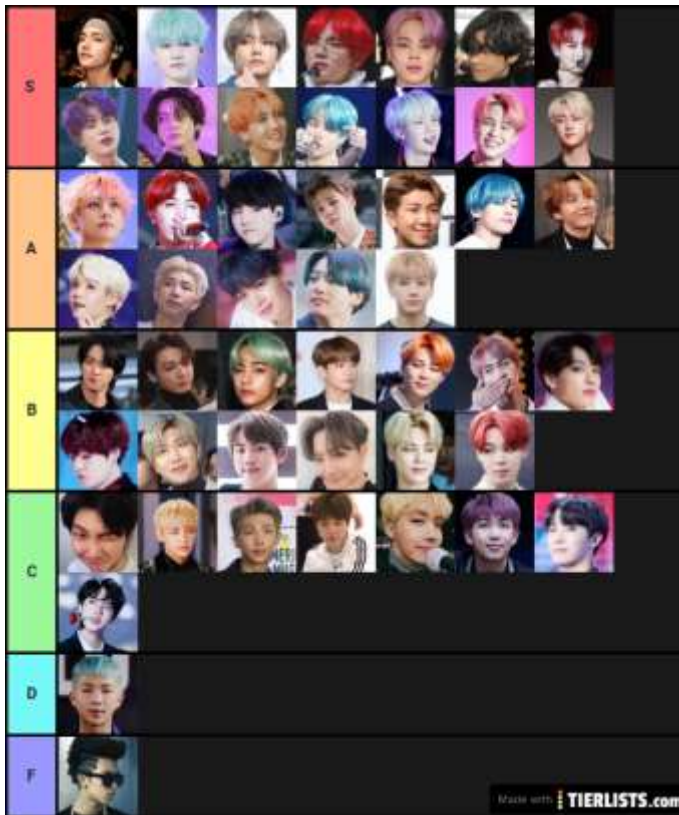
- یه کم برگردیم عقب. آیا تو توی رفتاری یا نوع پوششی یا هر چیز دیگه‌ای بوده که از اونا الگوبرداری کنی؟ مثلاً مدل موی خاصی یا رفتار یا حرکت خاصی...؟  
یه سوال ازت می‌پرسم. چند نفر آدم رو دیدی که رفتن چوب هری پاتر رو خریدن به خاطر این که سریال هری پاتر رو، مجموعه‌ی فیلم‌های هری پاتر رو، دوست داشتن؟  
- زیاد.

همین اتفاق برای وقتی که یه نفر یه خواننده‌ای رو دوست داره هم می‌افته. وقتی تو مثلاً می‌بینی کسی که دوشش داری، اون کارکنتری که دوشش داری یا اون خواننده یا اون بازیگر یا اون حتی یه شخصیت فیکشن توی یه کتاب، یه رمان، یه جور خاصی لباس می‌پوشه، یه جور خاصی رفتار می‌کنه، خواه ناخواه، دلت می‌خواد شبیه اون باشی. بعد گفتم ماهیت فن بودن، توش الگوبرداری هست. بخش جدایی ناپذیر فن بودن اینه که تو الگوبرداری می‌کنی.

- خودت چی؟ چه چیزهایی رو سعی می‌کردی از اون‌ها الگوبرداری کنی؟  
اول این که من فکر نمی‌کنم الگوبرداری خیلی چیزی باشه که ما بهش آگاه باشیم. حس می‌کنم ما لحظه به لحظه توی زندگی خودمون در حال الگوبرداری از یک عالمه چیز هستیم که اصلاً بهش آگاهی نداریم. می‌تونه یک دوست‌مون باشه، می‌تونه یه کارتر فیلمی باشه که دیدیم، می‌تونه یک رهگذری باشه که از کنارمون رد شده صرفاً و ما رو تحت تأثیر قرار داده، بدون این که بدونیم. ولی خب توی زمینه‌ی بی‌تی‌اس چیزی که خود من خیلی دوست داشتم، یکی چیز بود... رنگ موهاشون بود که به نظرم این شجاعت زیادی می‌خواست، یعنی برای من اون موقع خیلی حرکت شجاعانه‌ای بود. این که تو مثلاً بیای یه رنگ مویی رو امتحان بکنی که مثلاً خیلی چیز جا افتاده‌ای تو جامعه

۱۲۲ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

نیست. برای خودم خیلی هیجان‌انگیز بود. خصوصاً با توجه به بافت جامعه‌ای که توش هستیم که تأیید نمی‌کنه خیلی حرکتهای این طوری رو. برای همین خیلی رنگ موهای مختلف رو عوض می‌کردم، ولی نه لزوماً به این دلیل که حالا فلان شخص رفته موهاش رو این رنگی کرده. صرفاً همین فکت که مثلاً موها رو می‌شه رفت رنگ کرد. این طوری. چون چیز خیلی جا افتاده‌ایه تو فرهنگ کره‌ای‌ها. فقط هم توی آهنگاشون نیست. تو سریالاشون هم هست. یعنی می‌بینی که مردم عادی. یا مثلاً همین طور فیلمای فوتیج (فیلم صحنه) که از خیابونای سئول و کلاً کشور کره می‌بینی، می‌بینی مردم کره دارن می‌رن تو خیابون، همین جور موهاشون رنگی رنگیه. یعنی چیز خیلی عادی‌ایه تو کشورشون. خب این برای من کلاً چیز جالبی بود. چون تو کشور ما این طوری نیست.



- انگار توی فرهنگ کره یه جور جنسیت‌زدایی از آرایش و پوشش وجود داره. جامعه‌ی کره یه جامعه‌ی فوق‌العاده سنتیه. برعکس چیزی که از بیرون دیده می‌شه. فوق‌العاده هوموفوبین<sup>۱</sup> (همجنس‌گراستیز)، فوق‌العاده ضد همجنس‌گرایی اند. این طوری اند که وقتی تو جامعه‌شون یه نفر همجنس‌گرا باشه باهاش بد برخورد می‌شه.

- به جز حالا هوموفوب بودن چه ویژگی‌ای دارن که می‌گی سنتی اند؟  
می‌خوام همین رو بگم... این در کنارش زن بودن و مرد بودن رو هم شامل می‌شه. یعنی این که اتفاقاً فوق‌العاده توی خانواده‌هاشون زن و مرد، زن بودن و مرد بودن، نقاششون متفاوت. مادر خونه، پدر خونه. بعد مثلاً این که پسر باشه طرف یا دختر، نحوه برخورد اصلاً خود جامعه با اون آدم‌ها فرق می‌کنه. این که مثلاً فشار روی پسر هست که حتماً باید برن سربازی. باید مرد بشن. باید فلان بشن. از اون طرف دخترا خب فوق‌العاده تحت فشارن سر این که بخوان مثلاً خیلی اسکینی<sup>۲</sup> و لاغر باشن. تو خود جامعه کره، چهره زیبایی داشته باشن. برای همین جراحی پلاستیک کلاً تو کره انقدر زیاده. خب؟ برای همین نه من فکر نمی‌کنم همچین حالتی باشه. از بیرون برای ما ممکنه همچین حالتی به نظر برسه چون توی جامعه‌ی ما تفاوت زن و مرد روی ظاهرشونه. یعنی یه دختر بر فرض توی بافت فعلی جامعه الان ما باید مثلاً پوشش زنانه داشته باشه. مثلاً موهاش بلند باشه، نمی‌دونم آرایش بکنه ...  
- ولی اونجا بیش‌تر جایگاه خانوادگی و ...

دقیقاً. اونجا بیش‌تر اون جایگاه خانوادگی و اجتماعی این تفاوت رو ایجاد می‌کنه. مثل اینجا نیست که مرد بودن به ریش و سبیل باشه یا به کت و شلواوری که می‌پوشی باشه. اونجا می‌تونن هودی قرمز رنگ بپوشی و آرایش کنی و همچنان یه هویت مردانه داشته باشی، آره. بیش‌تر توی بافت فرهنگی-اجتماعی‌شون بروز پیدا می‌کنه تا ظاهرشون. یعنی این به خاطر تفاوت فرهنگی ما با کره‌ای‌ها هست که این تفاوت رو متوجه نمی‌شیم به نظر من.

- بعد این که آیا این گروه‌های کی‌پاپ فعالیت‌های سیاسی یا سیاسی-اجتماعی هم دارن؟  
من خب از گروه‌های دیگه که خبر ندارم، ولی بی‌تی‌اس خب عضو یونیسف<sup>۳</sup> (بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی برای رسیدگی به مشکلات کودکان) بودن. خیلی زیاد براشون فعالیت می‌کردن. بعد یه سری هم... چند سری فکر کنم تو سازمان ملل هم سخنرانی کردن و بیش‌تر سخنرانی‌هاش هم در مورد همین حقوق کودکان و حقوق مظلومین و این چیزها بود. این که مثلاً از کودکان محافظت بشه، منع خشونت علیه بچه‌ها و چیزای این طوری. فعالیت‌هاشون بیش‌تر در این زمینه بود. در حدی که من می‌دونم. چیز بیش‌تری من نمی‌دونم.

1 Homophobia

2 Skinny

3 UNICEF



- و آخرین سوال... که دو بخشه. اگه می‌تونستی یه چیزی به گروه بی‌تی‌اس بگی، یعنی مثلاً جلوت بودن، وقتی اون موقع که طرفدارشون بودی و الان، بهشون چی می‌گفتی؟  
اون موقع که طرفدارشون بودم، احتمالاً صرفاً ابراز محبت می‌کردم. که خیلی دوست تون دارم. خیلی مثلاً خوشحالم که تو زندگیم هستین، فلان و این حرفا... احتمالاً کلمات محبت‌آمیز خیلی زیادی استفاده می‌کردم. ولی الان فقط یه جمله تو ذهنم اومد و اون این بود که ممنونم. ممنون از این که حتی به عنوان یه خواننده حداقل سعی کردین یه چیز مفیدی رو منتقل کنید. یه حس خوب و یک سری اطلاعات مفید که کمک می‌کنه طرف حس بهتری به خودش داشته باشه و از خودش مراقبت کنه رو منتقل کردید.

- صحبت آخر؟

این که به نظرم خیلی بهتره که کلاً جامعه‌ی ما و نسل قبلی ما از این تلاش‌شون برای تغییر نسل بعدی دست بردارن و اجازه بدن این تغییرات فرایند خودشون رو طی کنه. چون چه اونا تلاش بکنن که جوونا رو عوض کنن، چه نکنن، این تغییر توی نسل بعد اتفاق می‌افته. توی هر نسل نسبت به نسل بعد اتفاق می‌افته و این تلاش رو نسل قبلی ما باید متوقف کنه و ما هم این تلاش رو نباید نسبت به نسل بعد انجام بدیم. به خاطر این که مقتضای تفاوت نسل‌ها اینه که باهم متفاوت باشن و نباید همه این قدر ازش بترسیم و صرفاً اینم تفاوتیه که توی نسل جدید نسبت به نسل قدیم وجود داره. همون طور که می‌تونه یه همچین چیزی توی نسل بعد به وجود بیاد.

- خیلی ممنونم از وقتی که گذاشتی و جواب‌های صادقانه‌ای که دادی.  
خواهش می‌کنم.

## تأملی دوباره

کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

کوثر در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: القای مراقبت کردن از هواداران، القای وجود کسی که نوجوان برای وی (حداقل در شعار) اهمیت دارد و او را دوست می‌دارد، ارزیابی نوعی از خدمات روان‌شناختی عام به هواداران، توجه خاص به طرفداران، تمهیدهای ایجاد ارتباط عمیق گروه بی‌تی‌اس با مخاطبان، وجود محتوای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای گروه بی‌تی‌اس، تدوین آهنگ‌های مفهومی، تحول‌های محتوایی آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، تحول‌های داخلی گروه، به نمایش نهادن فعالیت‌های اجتماعی گروه بی‌تی‌اس، تلاش برای بردن جوایز غربی، تنوع‌آفرینی در صنعت سرگرمی، سوءاستفاده ابزاری کمپانی از گروه بی‌تی‌اس، عدم مقابله جدی با فن‌فیکشن‌های اهانت‌کننده به آیدول‌ها، الزام جراحی پلاستیک به آیدول‌ها در صورت تشخیص کمپانی، برخورد ربانیک با آیدول‌ها، عدم اجازه علنی کردن روابط آیدول‌ها برای از دست ندادن طرفداران، توجیه فشار به آیدول‌ها و رقابت کمپانی‌ها، اشاره داشته است.

کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ارزیابی نوعی از خدمات روان‌شناختی عام به هواداران، توجه خاص به طرفداران، القای وجود کسی که نوجوان برای وی (حداقل در شعار) اهمیت دارد و او را دوست می‌دارد، القای مراقبت کردن از هواداران، امیدبخشی، انگیزه‌بخشی، هویت بخشی جمعی به هواداران، ایجاد ارتباط عمیق با مخاطبان، تنوع‌آفرینی در صنعت سرگرمی، به نمایش نهادن فعالیت‌های اجتماعی گروه بی‌تی‌اس، وجود آهنگ‌های مفهومی گروه بی‌تی‌اس، تحول‌های محتوایی گروه بی‌تی‌اس، وجود محتوای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس، تلاش برای بردن جوایز غربی توسط گروه بی‌تی‌اس، تحول‌های داخلی گروه بی‌تی‌اس و به نمایش نهادن نگاه مثبت گروه بی‌تی‌اس به هم‌جنس‌گرایی، اشاره داشته است.

کوثر در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند:

همخوانی فرهنگی نسبی فرهنگ ایران با فرهنگ کره، ضعف فرهنگ خودی در ارزیابی الگوهای مختلف از جمله الگوهای هنری، آشنایی اولیه با کی‌دراما و و سوق یافتن از کی‌دراما به کی‌پاپ، رفع نیاز شدید نوجوان و جوان به الگو، القای وجود کسی که نوجوان برای وی (حداقل در شعار) اهمیت دارد

و او را دوست می‌دارد، ایجاد ارتباط عمیق با مخاطبان، ارایه برخی از رهنمودهای روان‌شناختی به هواداران، ارایه نوعی از خدمات روان‌شناختی عام به هواداران، امیدبخشی به هواداران، انگیزه‌بخشی به هواداران، ایجاد عرصه‌ای برای هویت‌یابی افراد بی‌هویت، هویت‌بخشی جمعی به هواداران، ایجاد فضایی برای پیدا کردن دوست توسط هواداران، وجود محتواهای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای گروه بی‌تی‌اس، مشاهده تحول‌های محتوایی گروه بی‌تی‌اس، مشاهده فعالیت‌های اجتماعی گروه بی‌تی‌اس توسط هواداران، دامن زدن به عشق تخیلی برخی از هواداران، جذابیت‌های فن‌فیکشن نویسی رایج بین هواداران، احساس تعهد هواداران در برابر آیدول‌ها، توجیه فشارهای وارده از سوی کمپانی به آیدول‌ها، وجود درگیری و توهین بین طرفداران و سمی شدن فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی توسط برخی از هواداران افراطی اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه کوثر ۲۵ ساله، با ارجاع محورهای اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر وی و دیگر هواداران، توجه خویش را به مباحث کوثر در زمینه اقدام‌های کمپانی متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، «تحول‌آفرینی در محتوای آهنگ‌ها» و «سوق دادن آهنگ‌ها از محتواهای سبک به سمت محتوای طرح مشکلات جوانان» و «امیدبخش بودن» بسیاری از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس از سویی و «حمایت روانی» از مخاطبان جوان گروه از سوی دیگر، چند فراز مهم در مصاحبه کوثر در ارتباط با کمپانی گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌روند:

«مفهوم آهنگ‌های بی‌تی‌اس با مفهوم تمام آهنگ‌های کی‌پاپ فرق داشت. یعنی مثلاً قبل از این که بی‌تی‌اس آهنگ‌اش رو بده کی‌پاپ اکثراً محدود به آهنگ‌های عاشقانه‌ی مثلاً فلان بود، که مثلاً وای، دختر من تو رو از دست دادم فلان اینا، حتی خود بی‌تی‌اس هم یه سری آهنگ‌های این طوری داره. ولی اساس و پایه‌ی آهنگ‌های بی‌تی‌اس روی مشکلات تینیجرا بود.

- اوهوم.

نه فقط تینیجرا، هم تینیجرا، هم جوونا. مشکلاتی که تو جامعه‌شون وجود داشت. سختیایی که داشتن. مثلاً یه آلبوم دارن که کلاً در مورد اینه که مثلاً چه قدر بچه‌ها تو مدرسه اذیت می‌شن و مثلاً موزیک ویدیوش رو تو مدرسه ریکورد کردن».

«مثلاً گروه تو آهنگش می‌اومد اول مشکل رو مطرح می‌کرد. بعد می‌گفت من درکت می‌کنم. بعد می‌اومد امید می‌داد یا مثلاً یه آهنگ دیگه دارن که یه بخش خیلی معروف داره که می‌گه (خواندن کره‌ای) که یعنی It's OK!

بعد حالا بگو یک، دو، سه. با من بشمر، بیا با من مثلاً فلان این طوری. بعد میاد امید می‌ده و یه حالت همراهی که آره من هستم، حتی اگه کل دنیا پشت تو نیستن، من هستم و کنارتم و اون موقع، الان تو کی‌پاپ خیلی خواننده‌ها از این کارا می‌کنن و خیلی آهنگ‌های این جوریه، ولی اون موقع

بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که این مدل آهنگا رو می‌داد و این ارتباط عمیق رو با طرفداراش برقرار کرد و آمد از مشکلات گفت».

«یه پیام مراقبت کننده طور می‌دادن تو متن آهنگاشون، که آره ما هستیم، ما مراقبتون هستیم، ما کنارتون هستیم و یه چیز دیگه‌ای هم که بود، این بود که بی‌تی‌اس می‌دونست یه تعداد خیلی زیادی از طرفداراشون به خاطر بی‌تی‌اس به زندگی برگشتن. و این در واقع، شاید بتونم بگم یه درصد خیلی بالایی، بیش‌تر از نصف طرفدارای بی‌تی‌اس، سر این آلبوم، یه همچین حسی داشتن که انگار یه حس خیلی بهتری به خودشون پیدا کردن. آلبومش، اسم آلبومش لاو یورسلف بود.

خودت رو دوست داشته باش. سه‌تا آلبوم بود به عنوان سری لاو یورسلف. یعنی سری لاو یورسلف خودش نزدیک دو سال طول کشید. بعد کل تمرکز این آلبوم لاو یورسلف روی این بود که خودت رو همین جوری که هستی دوست داشته باش و من مثالی بارزش رو می‌دیدم، یعنی مثلاً طرف می‌گفت که من واقعاً می‌خواستم همه چی رو تموم بکنم و خودم رو بکشم، ولی با شنیدن این آلبوم، از این کار منصرف شدم... .

خود من توی دورانی که تینیجر بودم، واقعاً اگه بی‌تی‌اس نبود، حتی سر همین آلبوم لاو یورسلف، اگه بی‌تی‌اس این آلبوم رو نمی‌داد، من هیچ‌وقت خودم رو اون جوری که هستم قبول نمی‌کردم. به خاطر این که انگار نیاز داشتم یه نفری که دوستش داشتم، بیاد این حرف رو به من بزنه. و خیلی اثرش بیش‌تر از صدها کتاب بود که من بیام بخونم که هی به من بگه که... .

- آیا درست دارم متوجه می‌شم که این گروه یه جورایی جایگزین خانواده‌ای بود که احساس کمبودش رو می‌کردی؟

قطعاً، البته بیش‌تر برا من حکم یه دوست صمیمی رو داشت که نداشتم. ولی برای خیلیا آره. جایگزین خانواده هم بود. جایگزین یه جایی که حتی بهش بگن خونه. بعد مثلاً اعضای اون خانواده هم می‌شن مثلاً طرفدارایی که مثل تو اون گروه رو دوست دارن. همون چیزی رو که تو دوست داری، اونا هم همون رو دوست دارن».

کوثر در فرازهای دیگری از مصاحبه‌اش، مواردی مانند: «استفاده از مفاهیم فلسفی و روان‌شناختی در آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس»، «ارایه آهنگ‌های مفهومی» و «ایجاد یک پازل مفهومی در آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس» را از ویژگی‌های قابل تأمل کمپانی بیگ‌هیت می‌داند که توسط گروه وی محقق شده اند:

«اون موقع که بی‌تی‌اس اولین بار موزیک ویدیوش رو داد، بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که اومد، از استوری لاین (داستان پس‌زمینه‌ی یک آهنگ) خیلی دیپ و عمیقی تو موزیک ویدیوهاش استفاده کرد. به این صورت که مثلاً توی یه سال موزیک ویدیویی که می‌داد، به هم ربط داشتن. یعنی مثلاً یه حالت داستان طور بود که طرف منتظر بود که ببینه بقیه‌اش چی می‌شه و بالاخره پیام اصلی رو می‌داد که

اون پیامه هم معمولاً به پیام خیلی مفهومی و عمیق بود. بعد کاراکترسازی می‌کرد توی موزیک ویدیوهاش. از کتابای فلسفی استفاده می‌کردن تو موزیک ویدیوهاشون.»

«اونا اولین کسایی بودن که این کارا رو کردن. یعنی اولین کسایی بودن که شروع کردن آهنگای مفهومی بدن و اولین کسایی بودن که شروع کردن موزیک ویدیوهای عمیق بسازن و دیگه بعد از اون گروه‌های دیگه تلاش کردن این کارا رو بکنن، ولی دیگه اون جوابی که سر بی‌تی‌اس داد، براشون همون جواب رو نمی‌داد، چون دیگه مردم آشنا بودن به این قضیه و دیگه چیز جدیدی براشون نبود. ولی اون موقع براشون جدید بود و همین جدید بودن، اون کلیک رو می‌زنه تو ذهنت. اون کانکشن رو برقرار می‌کنه.»

«موزیک ویدیوهای این آلبوم مثلاً در مورد هفت تا کاراکتر بود که با همدیگه دوست بودن و هرکدوم به زندگی‌ای داشتن. بعد مثلاً یکی شون باباش یا ناپدریش خواهرش رو اذیت می‌کرده، بعد این مثلاً درگیر همچین جریانی بوده و یه روز دعوای خیلی شدیدی با ناپدریش می‌کنه، بعد مثلاً با یه اوضاع خیلی آشفته‌ای میاد بیرون، بعد مثلاً تلفن رو برمی‌داره و زنگ می‌زنه به دوستش که یکی دیگه از اعضای گروهه.»

خب؟ این رو مثلاً اینجا داشته باش. بعد، یکی دیگه از اعضا شون نشون می‌ده که توی وان و مثلاً دوش آب همه چیز بازه و خب این مثلاً نشون دهنده‌ی اینه که این طرف مثلاً افکار خودکشی داره. میاد درگیری این رو مثلاً نشون می‌ده... یا مثلاً یه کاراکتر دیگه شون نشون می‌ده که توی اتاقشه و اتاقش داره آتیش می‌گیره. بعد این صحنه‌ها رو داری و بعد تو موزیک ویدیوی بعدی نشون می‌ده که اصلاً چی شده. مثلاً نشون می‌ده که اصلاً چه اتفاقی افتاده که طرف خودش اتاق خودش رو آتیش زده. نشون می‌ده که قبلاً توی بیمارستان روانی بوده یا اون یکی که تو وان آب بوده، توی موزیک ویدیوی دو سال بعدشون داستانش رو میاد نشون می‌ده که مثلاً یه اتفاقی افتاد که اصلاً این وان نشون دهنده‌ی افکار این طرف بوده، نه این که واقعاً توی وان بوده و حالا خیلی چیزای، خیلی ابعاد فلسفی طور چی می‌گن، رضایت بخشی داره برای بیننده. در حالی که مثلاً از اول بشینی اینا رو نگاه کنی اون طوری که این داستانا تو ذهنت به هم متصل می‌شن خیلی موسیقی‌ای رو که داری می‌شنوی برات لذت بخش می‌کنه.

- بعد یه حس تعلق هم داره که مثلاً این موزیک ویدیو در طول سالیان داره پخش می‌شه و تو هر دفعه بیش‌تر، یعنی تو رو درگیر خودش می‌کنه. مثل یه سربالی که تو منتظر فصل بعدیش هستی و مثلاً جای حساس تموم شده.»

«تمهیدهای کمپانی برای تهیه برنامه‌های سرگرم کننده» و «سوق دادن گروه بی‌تی‌اس به سمت فعالیت‌های اجتماعی» از دیگر موضوع‌هایی است که کوثر در مصاحبه خودش بدان‌ها اشاره دارد:



«بین مثلاً... فقط موسیقی نبود. آهنگ می‌دادن هر چند وقت یک بار آلبوم می‌دادن. آلبوما چندتا موزیک ویدیو داشتن. بعد موزیک ویدیو رو که می‌دادن بعد اجرا داشتن. توی چندتا شو می‌رفتن آهنگا رو اجرا می‌کردن و می‌رقصیدن. بعد یه برنامه می‌دادن که مثلاً از اول دو ساعت برنامه طول می‌کشید. وسطش حرف می‌زدن، جوک می‌گفتن، مصاحبه می‌کردن، در مورد خودشون، در مورد بقیه و اینا، بعد وسطاش آهنگا رو اجرا می‌کردن. کام‌بک شو بهش می‌گفتن. بعد... یه مدت مثلاً استراحت‌شون بود، توی اون مدت یه سری برنامه پخش می‌کردن که قبلاً ضبط کرده بودن. برنامه‌هایی که مثلاً می‌شستن باهم بازی می‌کردن. مثلاً باهم اون رو بازی می‌کردن یا مثلاً مافیا بازی می‌کردن یا مثلاً می‌رفتن یه جا خونه‌ی وحشت فیلم می‌گرفتن.

- اوهوم... مثل ولاگ (معادل ویدیویی بلاگ)؟

آره، آره. ولاگای این طوری ولی فان‌تر، با فیلم‌بردارای بیش‌تر که حرفه‌ای‌تر بود و ارتباط بین خودشون رو خیلی با طرفدارا شیر می‌کنن».

«- بعد این که آیا این گروه‌های کی‌پاپ فعالیت‌های سیاسی یا سیاسی - اجتماعی هم دارن؟

من خب از گروه‌های دیگه که خبر ندارم، ولی بی‌تی‌اس خب عضو یونیسف (بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی برای رسیدگی به مشکلات کودکان) بودن. خیلی زیاد براشون فعالیت می‌کردن. بعد یه سری هم... چند سری فکر کنم تو سازمان ملل هم سخنرانی کردن و بیش‌تر سخنرانی‌هاش هم در مورد همین حقوق کودکان و حقوق مظلومین و این چیزا بود. این که مثلاً از کودکان محافظت بشه، منع خشونت علیه بچه‌ها و چیزای این طوری. فعالیت‌هاشون بیش‌تر در این زمینه بود».

از منظر کوثر کمپانی بیگ‌هیت با «ایجاد تحول در سبک آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس»، تلاش می‌کند تا «در جشنواره‌های غربی موسیقیایی برنده جایزه شده»، به این ترتیب بیش‌تر مورد توجه جهانیان واقع گردد:

«موزیک ویدیوی اول‌شون در حد موزیک ویدیوی، بقیه موزیک ویدیوهای کی‌پاپه. موزیک ویدیوهای آخرشون سبک هالیوودیه. یعنی جوری ساختن که طرفدارای هالیوود خیلی پسندن و بتونن گرمی و جایزه‌های بیلبورد رو ببرن».

«بی‌تی‌اس دیگه تقریباً یکی، دو سال آخر سبک و سیاق آهنگاشون رو برده بودن به سمت سبک و سیاق هالیوودی. مثلاً مدل آهنگای هالیوودی آهنگ می‌خوندن. جوری که مثلاً اونا می‌پسندن و توی جشنواره‌هاشون باهاش جایزه می‌برن و دیگه اون حس... دیگه اون مفهوم رو آهنگا به اندازه قبل نداشتن... داستان عمیق رو نداشت موزیک ویدیوها و واقعیتش جذابیتش برام کم شد و اینم بازم سیاست کمپانی بود که همچین آهنگایی رو بخونن که بیان جایزه‌های جشنواره‌های خارجی رو ببرن. چون دیگه هیچ جایزه‌ای تو کره نمونه بود که نبرده باشن و تموم جایزه‌ها رو درو کرده بودن. یه جورایی می‌خواستن مسیر پیشرفت رو طی کنن که کردن هم تا یه حد زیادی».

کوثر در نقد کمپانی بیگ‌هیت نیز خاطرنشان می‌سازد، کمپانی با آیدول‌هایش به گونه‌ای ابزاری برخوردار کرده، به آن‌ها مواردی مانند رنگ مو، پوشش و حتی جراحی پلاستیک را نیز دیکته می‌کند:

«- رابطه بین خواننده‌ها و کمپانی‌شون دقیقاً چه جوریه؟»

خیلی ارتباط بدیه توی کی‌پاپ. یعنی کی‌پاپ یه صنعت فوق‌العاده سمی و تاکسیکه که از خواننده‌هاش سوءاستفاده می‌کنه. سوءاستفاده‌ی ابزاری خیلی زیاد. رژیمای غذایی خیلی سخت بهشون می‌ده و تک‌تک رفتاراشون، حتی یه استوری گذاشتن‌شون، به خاطر اون قراردادی که امضاء می‌کنن، تحت نظر کمپانیه. البته فکر می‌کنم به خاطر فرهنگ‌شون هم هست. یعنی فرهنگ کره‌ایا یه فرهنگیه که فوق‌العاده به مافوق احترام بذارن. فوق‌العاده به بزرگ‌تر احترام بذارن. یعنی فرقی نداره اصلاً اون بزرگ‌تر کی توئه. صرفاً به خاطر این که تجربه‌ی بیش‌تری از تو داره و از تو بزرگ‌تره، می‌دونی منظورم اینه که باید احترام بذاری. باید حتماً این کار رو انجام بدی. اینم فکر می‌کنم تأثیر داره تو این که صنعت کی‌پاپ تونسته این جور می‌میراش رو، اعضای کی‌پاپ رو، این قدر زیر سلطه‌ی خودش نگه داره.

... وقتی که طرف تینیجر باشه، ناخودآگاه باور ذهنیش رومنتیسایز کردن (عاشقانه) اون ارتباط ذهنیش با اون آرتیسته. یعنی دلش می‌خواد اون آرتیست فقط برای خودش باشه. حتی اگر می‌دونه که فقط برای خودش نیست. یعنی اصلاً وقتی که طرف از دوران تینیجریش رد می‌شه و هنوز طرفدار اون گروه‌های کی‌پاپه، دیگه اون چیز تو ذهنش نیست و مشکل نداره بره ازدواج کنه. ازدواج کنه هم مشکلی نداره. ولی معمولاً تو تینیجرا سخت می‌تونن همچین چیزی رو قبول کنن، چون حس می‌کنن طرف به اینا به عنوان طرفدار اهمیت نمی‌ده. برای همین خیلی فشار روی آرتیستا هست که روابطشون رو علنی نکنن. به خاطر این که اگه بکنن اون بخش تینیجر فن‌هاشون رو از دست می‌دن. یه درصد خیلی زیادی رو. یعنی درسته که کامل داغون نمی‌شه و یه عده می‌مونن، یه عده‌ی خیلی زیادی می‌مونن، ولی بالاخره یه بخشی رو از دست می‌دن و درآمد کمپانی کم می‌شه. برای همین کمپانی‌ها معمولاً تحت فشار می‌ذارن آرتیستا رو که روابطشون رو نکنن. مگر این که طرف با آرتیست دیگه‌ای وارد رابطه بشه. یعنی مثلاً دو نفر از اعضای گروه‌های خوانندگی. باهم وارد رابطه می‌شن، مثلاً این گروه با اون گروه. معمولاً اون جور مواقع کمپانی‌ها باهم صحبت می‌کنن که رابطه رو علنی بکنن یا نه. البته اگه به نفع باشه علنی‌اش می‌کنن. چون همین هم یه خبره و خبره می‌تونه به نفع‌شون باشه.»

«- بعد این‌ها به صورت اجباری جراحی پلاستیک هم می‌کنن؟»

این بازم بر می‌گرده به همون فشارهایی که کمپانی ممکنه بیاره. اگه کمپانی، آره اگه کمپانی بهشون الزام بکنه، خصوصاً می‌گم اوایل کارشون، اول کارشون که هنوز شناخته شده نیستن، اگه کمپانی تصمیم بگیره که آره این طرف الان باید این کار رو انجام بده، خب طرف هم مجبور می‌شه به خاطر این که قرارداد بسته، انجام می‌ده. ولی بازم به خودش بستگی داره. یعنی این طور نیست که زندانش کنن اون جا. می‌تونه انتخاب کنه که نکنه و خب از اون کمپانی بره. ولی خب آره بعضی از کمپانی

هستن که آره واقعاً همین قدر فشار میارن. ولی این چیزا چیزایی نیست که...، بین تمام اینا، تمام این چیزایی که من تا الآن گفتم، هیچ کدوم درباره تمام گروه‌های کی‌پاپ صدق نمی‌کنه. یعنی همون طور که مثلاً آدم با آدم فرق می‌کنه، کمپانی هم با کمپانی فرق می‌کنه آرتیست با آرتیست فرق می‌کنه، گروه هم با گروه فرق می‌کنه. یعنی این جور نیست که بشه یه نسخه برای تمام خواننده‌های کی‌پاپ یا تمام کمپانی‌های کی‌پاپ بیچی».

اما کوثر در نهایت می‌کوشد تا با انتساب سخت‌گیری‌های غیرمتعارف کمپانی در ارتباط با آیدول-هایش، کمپانی را از مواردی مانند سوء نیت و سوء مدیریت تبرئه کند:

«اگه بخوام به صورت کلی بگم فشار روی آرتیستای کی‌پاپ نسبت به مثلاً آرتیستای هالیوودی، خیلی بیش‌تره، ولی این صرفاً به خاطر فرهنگ کره‌ایا هست».



## مصاحبه با عرفان، ۲۱ ساله

گروه هفت نفره اعضاء بی‌تی‌اس ظاهراً مذکر هستند، اما فاقد هویت جنسی قطعی هستند. از قضا، این مسأله، یعنی هویت مرزی جنسی، یکی از محورهای شکل‌گیری پروژه بی‌تی‌اس هست.

تذکر پژوهشگر:

عرفان، ۲۱ ساله و فرزند اول یک خانواده چهار نفره است و با پدر و مادرش زندگی می‌کند. از نظر اجتماعی سطح زندگی آن‌ها متوسط است. عرفان به شغل نوازندگی ارگ مشغول است و از سال ۲۰۱۷ تاکنون بی‌تی‌اس را می‌شناسد. عرفان در شغلش با الگوبرداری از آیدول‌های بی‌تی‌اس به شهرت رسیده است.

- سلام خوبی عرفان، وقت آزاد داری برای یه مصاحبه؟  
سلام، البته که وقت دارم، ولی اگر مصاحبه طولانی باشه، در چندین جلسه می‌تونم با شما گفت‌وگو داشته باشم.

- خیلی ممنونم، البته، هر طور که شما راحت باشین.  
خواهش می‌کنم.

- تعداد خانواده شما چند نفر هست؟

ما یه خانواده چهار نفره هستیم.

- چند خواهر و یا برادر داری؟

فقط یه خواهر دارم.

خواهرت چند سالشه؟

خواهرم نوزده سالشه و دو سال از خودم کوچیک‌تره.

- خودت چند سال سن داری و تحصیلاتت در چه حدیه؟

خودم ۲۱ سالمه و تا دیپلم بیش‌تر نخوندم.

- پدرت به چه کاری مشغول هست؟

پدرم کارمند شهرداری هست.

- عرفان مادرتون نیز شاغل هست؟

نه، مادرم خونه داره.

تحصیلات خواهرتون در چه حدیه؟

۱۳۴ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

خواهرم دیپلم فنی حرفه‌ای دارن و یه سالیه پشت کنکور مونده و موفق نمی‌شن دانشگاه دولتی روزانه قبول بشن.

– چرا دانشگاه دولتی روزانه؟

چون خواهرم معتقده باید دانشگاه دولتی قبول بشه. هزینه دانشگاه آزاد و غیر دولتی به خانواده فشار اقتصادی میاره.

– عرفان خودت چرا ادامه تحصیل ندادی؟

خودم بعد از دیپلم شروع به کار کردم و دیگه فرصت درس خواندن نداشتم.

– می‌شه بپرسم شغلت چیه؟

من نوازنده ارگ هستم و در تالارهای مراسم و عروسی‌ها به همراه خواننده‌ها، نوازندگی می‌کنم.

– دستگاه ارگ مال خودته؟

بله، پدرم دید که به موسیقی و نوازندگی علاقه دارم، اون رو برام خرید و من بعد کلی تمرین و آموزش دیدن با همین یه دستگاه شروع به کار کردم

– تمرین‌ها رو کجا انجام می‌دی؟

خونه‌مون ویلایی. دو طبقه هست، برای همین من تمرینات خودم رو توی خونه انجام می‌دم.

– تاحالا خودت هم خوانندگی کردی؟

همیشه با خواننده گروه هم خوانی می‌کنم، ولی خودم تنهایی تو مراسمات نخوندم.

– چرا تو مراسمات تو خودت تک خونی نمی‌کنی؟

احساس می‌کنم صدام زیاد قشنگ نیست و یا به اون مرحله که خودم تک خونی کنم، هنوز نرسیدم.

– عرفان شما گروه کره‌ای بی‌تی‌اس رو می‌شناسی؟

بله، می‌شناسم و مال کره جنوبی هستن.

– از چه راهی با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدی؟

از طریق آوازه معروفیت‌شون تو دنیای مجازی و تو سایت‌ها.

– چند سالی هست که ازشون شناخت داری؟

از شونزده سالگی تا الان، یعنی از سال ۲۰۱۷ تا به امروز ازشون شناخت دارم.

– شونزده سالگی همون دوران دبیرستان بوده، درسته؟

بله، کاملاً درسته.

– عرفان اون وقت از هم کلاسی‌ها هم کسی بی‌تی‌اس رو می‌شناخت؟

بله تو یه کلاس سی نفره بودیم، حدود ده نفری ازشون گروه بی‌تی‌اس رو می‌شناختن.

– هم کلاسی‌ها در چه حدی بی‌تی‌اس رو می‌شناختن؟

همه می‌دونستن این گروه از هفت تا پسر خوشگل و جذاب کره‌ای تشکیل شده و آهنگ‌ها و موسیقی‌های گروه رو برای هم دیگه می‌فرستادن.

- بین هم کلاسی‌هات به خاطر طرفداری از بچه‌های گروه بی‌تی‌اس بحث و مشاجره بود؟  
آره خیلی باهم بحث می‌کردن.

- مثلاً چه بحث‌هایی می‌کردن مثال بزن؟

مثلاً چندتا شون طرفدار یکی از آیدول‌ها به اسم جین بودن و هر روز راجع به جین حرف می‌زدن و دو، سه تا شون طرفدار تهیونگ بودن و این جور می‌شد که هر کی از آیدول خودش تعریف می‌کرد و کلاً بحث‌شون می‌شد دیگه.

- مثلاً طرف‌داران جین چی می‌گفتن؟

مثلاً می‌گفتن جین لقب جذاب جهانی داره و یا می‌گفتن اعضای گروه بی‌تی‌اس جین رو مادر گروه می‌نامند. زیرا جین برای بچه‌های گروه بی‌تی‌اس بعضی وقت‌ها آشپزی می‌کنه و یا حتی نظافت محیط زندگی‌شون رو انجام می‌ده و این طوری منزلت جین رو بالا می‌بردن و دودسته گی بین طرفدارهای جین با تهیونگ در کلاس ما ایجاد می‌شد.

- خودت چه اطلاعاتی شخصی از جین داری؟

اطلاعات من در مورد جین بر گرفته از تحقیق‌هایی که در گوگل و یا سایت‌ها درباره این آیدول دارم. جین یکی از خواننده‌های گروه بی‌تی‌اسه که متولد سال ۱۹۹۲ است و در همان کره جنوبی متولد شده و در این گروه فعالیت می‌کند. از لحاظ سنی بزرگ‌ترین عضو تیم است. او در بیست سالگی وارد این عرصه شد، در ابتدا رؤیای خودش تئاتر و بازیگری بود. قبل از وارد شدن به این گروه خودش نمی‌دانست که چه قدر استعداد خوانندگی دارد. او سخت کار کرد و تحصیلاتش رو در زمینه موسیقی و آواز به اتمام رسانید.

- نظر خودت در مورد جین چیه؟

به نظرم بهترین آیدوله که از همه لحاظ بی‌نظیره. یعنی تمام حسن‌های خوب به یکجا در وجود این آیدول جمع شده. هم جذابه، هم صداس فوق‌العاده هست و هم بهترین آهنگ سازه.

- عرفان از بین بچه‌های گروه بی‌تی‌اس تو خودت طرفدار کدام یکی شون هستی؟

همه‌شون خوبن، ولی من عاشق جین هستم. تا حدی که دیوارهای اطاقم پر از پوسترهای جین با اون ژست‌های قشنگش هست.

- به نظرت مجادله‌های بین هواداران چه تأثیری رو هواداران داره؟

به نظرم هم تأثیر مثبت داره، هم تأثیر منفی برای هواداران. تأثیر مثبتش اینه که هواداران بیش‌تر آیدول‌ها رو می‌شناسن و آن‌ها رو باهم مقایسه می‌کنن و اگر در انتخاب آیدول مورد علاقه خودشون اشتباه کرده باشن، تجدید نظر می‌کنن و اما تأثیر منفیش اینه که هواداران پرخاشگر و عصبی می‌شن.

- چرا هواداران ممکنه عصبی و پرخاشگر بشن؟

مثلاً اگر آیدول مورد علاقه‌ی آن‌ها چند خصوصیت خوب که بقیه آیدول‌ها دارن، رو نداشته باشه. مثلاً جذاب باشه ولی صدای خوبی نداشته باشه و این تفاوت‌ها خودش رو در مشاجرات بین هواداران نشون می‌ده و این خودش تأثیر منفی روی هوادار مثلاً فلان آیدول رو داره یا تجدید نظر می‌کنه در انتخاب آیدول مورد علاقه‌اش یا با عصبانیت و سرخوردگی همچنان از آیدول مورد علاقه‌اش دفاع می‌کنه.

- هواداران سرخورده چه لطمه‌ای ممکنه ببینن؟

دچار صدمات روحی و روانی می‌شن و عقده‌های خاموش در آن‌ها بیدار می‌شه، سعی می‌کنن از هر جهتی خود را شبیه آیدول مورد علاقه‌شون نشون بدن، از رنگ موی سر گرفته تا لباس و کفش و میکاپ آیدول‌ها رو تقلید می‌کنن. و این طوری خودشون رو تخلیه روانی می‌کنن.

- این تقلید از آیدول‌ها رو شما تأیید می‌کنید؟

بله، خیلی خوبه یه هویت جدید به آدم می‌ده، آدم دیگه احساس خلاء نمی‌کنه و چه بسا ممکنه با این تیپ جدید، کلی جذابیت داشته باشه.

- عرفان شده خودت هم از آیدول‌ها تقلید کنی؟

بله، خیلی الگوبرداری می‌کنم، از شیوه پوشش و آداهاشون روی صحنه و مدل موی سرشون و کلی حس خوب می‌گیرم.

- این الگوبرداری از آیدول‌ها چه تأثیری توی زندگی شخصی تو داشته؟

خیلی تأثیر مثبتی توی زندگیم داشته. باعث جذابیت بیش‌تر من در بین دوستان و آشناها شده و این تغییر کلی حس و حال خوب به من می‌ده.

- عرفان الگوبرداری از آیدول‌ها چه تأثیری در زندگی اجتماعی تو داشته؟

باعث رونق کارم شده، در بین نوازنده‌های ارگ در شهرم به معروفیت رسیدم و همه‌اش رو مدیون بی‌تی‌اس و آیدول‌های خوبش هستم.

- الگوبرداری از آیدول‌های بی‌تی‌اس چه طور باعث رونق کسب و کار تو شده؟

چون شغل منم ربط به موسیقی داره و مردم در موسیقی تنوع طلب ان و باید ظاهر شیک و آراسته داشته باشی، چشم صدها نفر در یه تالار مراسمات روی من هست. من با الگوبرداری از مدل موی سر و میکاپ صورت و لباس‌ها و زنجیر گردن و مچ بند روی مچم از آیدول‌ها، کلی در کارم پیشرفت کردم و همه گروه‌های نوازندگی شهرمون من رو برای مراسماتشون انتخاب می‌کنن.

- بیش‌تر از چه آیدولی در گروه بی‌تی‌اس الگوبرداری می‌کنی؟

بیش‌تر از طرز لباس پوشیدن جین و آداهای او زمان موسیقی تقلید می‌کنم و بعضی مواقع برای تنوع از میکاپ تهیونگ و مدل موی سرش و ژست‌هاش استفاده می‌کنم.





- چه چیزی توی گروه بی‌تی‌اس بیش‌تر تو رو جذب گروه کرد؟  
شخصیت و جذابیت آیدول‌ها و بعد آهنگ‌های منحصر به فردشون.  
- بیش‌تر چه نوع آهنگ‌هایی از بی‌تی‌اس رو می‌پسندی؟  
آهنگ‌های رپ رو بیش‌تر دوست دارم و آلبوم تاریک و وحشی که نخستین آلبوم گروه بی‌تی‌اس هست رو بیش‌تر از همه‌ی آلبوم‌هاشون دوست دارم.



- عرفان آیا گروه بی‌تی‌اس در انتخاب شغلت تأثیر داشت؟  
بله، صد در صد تأثیر داشت با دیدن آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس و سبک موسیقی منحصر به فردشون، اولین جرقه در مغز من ایجاد شد. نشستم و با خودم فکر کردم. دیدم من هم مثل پسران گروه بی‌تی‌اس بیش‌تر گزینه‌ها رو دارم. هم جوانی و هم جذابیت دارم، بعد با یه مقدار الگوسازی و تغییر در خود و تلاش‌های مداوم در یادگیری نوازندگی تونستم در کارم موفق بشم.  
- عرفان به نظر خودت موفقیتت در نوازندگی به خاطر کدام گزینه است؟  
بیش‌تر به خاطر شبیه سازی خودم به جین هست، من اون قدر در کار خودم به تبحر رسیدم که خودم هم باورم شد یه جین دیگه هستم، هم جذاب و هم نوازنده‌ی معروف.  
- عرفان تو گفتی یه خواهر کوچک‌تر از خودت داری، آیا اون هم با بی‌تی‌اس آشنایی داره؟  
بله، تاحدودی آشنایی داره. اون هم با من آهنگ‌های جدید بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنه.  
- آیا بی‌تی‌اس روی خواهرت هم تأثیر گذاشته؟  
بله تأثیر مثبت گذاشته. اون هم در زندگی هدفمند شده و تلاش می‌کنه با رتبه خوبی دانشگاه دولتی روزانه قبول بشه.

۱۳۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- قبل از آشناشدن با بی‌تی‌اس چه طور فکر می‌کرد؟

وضعیت درسی نه چندان خوبی داشت و ادامه تحصیل براش مهم نبود.

- به نظرت بی‌تی‌اس روی همه تأثیر مثبت داره؟

نه، این طور نیست. بعضی‌ها خیلی بیراهه رفتن و به انحراف کشیده شدن، ولی من و خواهرم، اصل مطالب مثبت رو گرفتیم و تلاش و هدفمند بودن را سرلوحه زندگی خودمان قرار دادیم.

- نظر والدین شما در مورد گروه بی‌تی‌اس چیه؟

مادرم که نظری نداره و از تغییرات من و خواهرم خیلی خوشحاله، ولی پدرم مخالفه و این تغییرات من رو سبک و جلف می‌دانه و می‌گه از این کارام دست بکشم.

- پدرت چه تغییراتی در تو را سبک و جلف می‌دانه؟

مثلاً آرایش کردن من رو و برداشتن زیر ابرو هام رو و رژلب کم رنگ و رژگونه ملایم زدن من رو و یا با رنگ کردن مو هام مخالفه.

- چرا به نظرات پدرت گوش نمی‌دی؟

پدرم مال دهه پنجاه هس و من مال دهه هشتاد، حدود سی سال تفاوت فرهنگی باهم داریم. به نظر من آرایش که فقط مال دخترا نیست. پسرها هم می‌تونن با آرایش و میکاپ حس و حال شون خوب تر بشه.

- در مقابل مخالفت پدرت چی جواب می‌دی؟

می‌گم من راه خودم رو پیدا کردم و با این تغییرات هم حالم خوب می‌شه، هم درآمدم بیش تر شده و اگر زیاد مخالفت کنی، می‌رم و مستقل زندگی می‌کنم و دیگه پدرم سکوت می‌کنه و هیچ حرفی نمی‌زنه.

- خوب عرفان علاوه بر آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس آیا فیلم‌های کره‌ای رو هم می‌بینی؟

بله، خیلی می‌بینم چه ترجمه شده و چه با زیرنویس فارسی. به نظر من فیلم‌هاشون نیز به اندازه آهنگ‌هاشون دلنشین و تأثیرگذاره.

- می‌شه یه فیلم‌شون رو مثال بزنی که خیلی خوشت اومده و دوستش داشتی؟

البته، فیلم سوختن با کارگردانی لی چانگ - دونگ و تاریخ اکران ۲۰۱۸.



- دوستان هم به فیلم‌های کره‌ای علاقه دارن؟  
اوه، بله، خیلی علاقه دارن و گاهی باهم سریال‌ها و فیلم‌های کره‌ای رو می‌بینیم و لذت می‌بریم.  
- شده تا حالا یه فیلم رو باهم نقد و بررسی کنیم؟  
بله، ساعت‌ها درباره فیلم‌های کره‌ای حرف می‌زنیم و تفسیر می‌کنیم و با این کارمون هیجانانگیز خودمون رو ناشی از فیلم خالی می‌کنیم.

- چه چیز خاصی توی فیلم‌های کره‌ای می‌بینی که تو رو جذب خودش کرده؟  
فیلم‌هاشون در مورد مشکلات مردم در تمام دنیا، نه خود کره هست و راه‌های مبارزه و تلاش با این مشکلات رو در قالب‌های احساسی و هیجانی به مخاطب نشون می‌ده. هیجانانگیز رو ادامه می‌ده، بعد یهو اوج می‌گیره و در آخر آرام آرام این هیجانانگیز فروکش می‌کنه و مخاطب حس خوبی بهش دست می‌ده. بعد یه چیز دیگه که من خیلی دوست دارم، ادغام آهنگ‌های کره‌ای در ابتدا و وسط‌های فیلم هست، زمانی که فیلم به اوج هیجانی خودش نزدیک می‌شه پخش آهنگ‌های کره‌ای مثل آب روی آتیش می‌مونه و من رو آرام می‌کنه.

- چه چیز مشترکی در فیلم‌های کره‌ای و آهنگ‌هاشون می‌بینی؟  
مضمون فیلم‌هاشون معمولاً با متن ترانه‌هاشون هر دو از مشکلات مشترک تمام مردم دنیا در هر کجای جهان که باشن حرف می‌زنند و هم ترانه‌هاشون و هم فیلم‌هاشون احساسیه.  
- چه حس مشترکی بین خودت و اعضای بی‌تی‌اس می‌بینی؟  
احساس مهم بودن و دیده شدن توسط بقیه، احساس جذابیت و غرور و جوانی و موفق شدن.  
- چرا با این همه گروه‌های کره‌ای تو جذب بی‌تی‌اس شدی؟  
چون بی‌تی‌اس با بقیه گروه‌ها فرق داره، آهنگ‌ها و موسیقی‌های گروه‌های دیگه همه‌اش قدیمی و تکراریه. در حالی که آهنگ‌های بی‌تی‌اس جدید و به روزه، حس و حال ما جوان‌ها رو خوب می‌کنه، به ما شادی و انرژی مضاعف می‌ده.

- چه تفاوتی تو آهنگ‌های بی‌تی‌اس با بقیه آهنگ‌های کره‌ای هست؟  
تفاوت اصلی تو متن ترانه‌ها هست که براساس نیازها و مشکلات تمام اقشار مردم در سرتاسر دنیا مثل دغدغه‌های شخصی و اجتماعی، سلامت روان، مشکلات دوران مدرسه، فقدان عشق به خود را شامل می‌شود و بعد ریتم و آهنگ خوندنش خیلی جذابه و هماهنگی خاصی توی تک‌تک آیدول‌ها هست.

- عرفان دیگه چه اطلاعاتی در مورد آهنگ‌های بی‌تی‌اس داری؟  
طبق تحقیقاتم تو اینترنت می‌دانم که آهنگ‌ها و آلبوم‌های بی‌تی‌اس برای اقتصاد کره جنوبی ارزش دارد و توریست‌های زیادی رو به سمت کره جنوبی جلب می‌کنه. فروش آلبوم‌های گروه بی‌تی‌اس هم واجد اثرهای اقتصادی در اقتصاد کشور کره هست.

۱۴۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- عرفان آشنایی تو با بی‌تی‌اس تغییری در خلق و خوی تو ایجاد کرده؟  
آره، قبلاً خیلی ناآرام و پرخاشگر بودم، زود عصبانی می‌شدم و از کوره در می‌رفتم، ولی الآن صبورتر شدم و هر وقت می‌خوام عصبانی بشم، سکوت می‌کنم و می‌رم یه آهنگ از آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو گوش می‌کنم، سریع حالم خوب می‌شه. یاد گرفتم پرحوصله و صبور باشم.

- این صبر و حوصله در زندگی شخصیت هست یا در محیط کار؟  
در هر دو جا. در زندگی شخصیم احترام به تک تک افراد خانواده رو رعایت می‌کنم و اگر تفاوت فکری بین من و پدر و مادرم پیش بیاد، همیشه کوتاه میام و یه جوری با زبان خودشون قانع‌شون می‌کنم. بعد در محیط کار که صد در صد باید صبور باشم و این رو هر بار با خودم تمرین می‌کنم، چون شغلم حساس و در محیطی شلوغ و جلو چشم جمع زیادی از مردم هست و من باید حوصله داشته باشم.  
- عرفان به اقتضای شغلت در جمع دختران و پسران زیادی قرار می‌گیری آیا شده نگاهت گناه آلود بلغزد؟

(می‌خندد و کمی مکث می‌کند) حقیقتش را بگم تا حالا این اتفاق برام افتاده، ولی برای حفظ شغلم سریع خودم رو جمع و جور کردم.  
- می‌شه یه مثالی بزنی؟

پارسال تو یه جشن عروسی مراسم مختلط بود، یعنی مردا و زن‌ها باهم می‌رقصیدن، دخترا همه زیبا و بدون حجاب با موه‌های رنگی پریشان و آرایش کرده. انگار جلو چشم من رژه می‌رفتن. یکی از دخترا خیلی زیبا و در عین حال نیمه لخت بود و مرتب جلو چشم همه می‌آمد، قسمت موزیک به من لبخند می‌زد و هی به من شاباش می‌داد.

- برخوردار تو چه طور بود؟  
ابتدا خیلی حس و حال خوبی به من دست داد، ولی از نگاه‌های دوستانم و پوزخندهاشون فهمیدم باید جدی برخوردار کنم و فکر کنم خانواده خودم و فامیل‌های خودم هستن. سریع جهت نگاهم رو عوض کردم.  
- این عکس العمل تو به خاطر چه بود؟

من تو یه خانواده تقریباً مذهبی به دنیا آمدم و درست و پاک بودن رو از پدر و مادرم یاد گرفتم، نمی‌خوام تو اجتماع به یه آدم هرزه معروف بشم. در ثانی شغل من همیشه این طور مراسمات رو داره، باید برای حفظ معروفیت خودم و گروه نوازندگان و خواننده‌مان هر کدامان پایبند اخلاقیات باشیم.

- آیا گروه بی‌تی‌اس نیز تأثیری در این پایبندی اخلاقی شما داشته ؟  
تقریباً آره، بی‌تأثیر نبوده. وقتی پسران گروه بی‌تی‌اس حق ازدواج و یا دوست دختر رو ندارن و با این همه جذابیت خودشون رو کنترل می‌کنن، من که بهترین الگویم جین هست، چه طور می‌تونم نگاه منحرف و خلافی داشته باشم. گر چه در جامعه‌ای بزرگ شده‌ام که پدرم و مادرم بهترین الگویم هستن. در ضمن من نمی‌خوام خدشه‌ای به شغل و شخصیت اجتماعیم وارد بشه.

- چرا پسران بی‌تی‌اس حق ازدواج ندارند؟

کمپانی سازنده بی‌تی‌اس که گروه رو ساپورت مالی می‌کنه، از روز اول قراردادش با پسران بی‌تی‌اس خیلی شفاف گفته به شرطی با شماها قرارداد امضا می‌کنم که حق ازدواج ندارین و بچه‌ها با اختیار کامل خودشون قبول کردن و همکاری با گروه رو ادامه می‌دن.



- عرفان به نظرت هواداران بی‌تی‌اس در این زمینه از گروه بی‌تی‌اس الگوبرداری می‌کنن؟ فکر نکنم همه هواداران در زمینه ازدواج از پسران گروه بی‌تی‌اس پیروی کنن. چون دیدم بعضی از دوستانم طرفدار بی‌تی‌اس بودن و ازدواج کردن.

- عرفان نظر خودت در مورد ازدواج چیه؟

من خودم فعلاً به ازدواج فکر نمی‌کنم، چون با شرایط کاری که دارم، دوست دارم مجرد باشم.

- کاری که کمپانی در حق پسران بی‌تی‌اس می‌کنه رو تأیید می‌کنی؟

خوب کمپانی به فکر صلاح خودش و بچه‌های بی‌تی‌اس هست. این که اجازه نمی‌ده ازدواج کنن و یا دوست دختر داشته باشن، باز به نفع گروه هست و همین باعث شده تا توجه جهانیان به این گروه باشه و من این رو ظلم در حق بچه‌ها نمی‌بینم. چون در ابتدا خیلی واضح بهشون متن قرارداد با کمپانی رو توضیح دادن.

- عرفان آیا گروه بی‌تی‌اس تأثیری روی این که خودت ازدواج نمی‌کنی رو داشته؟

(با کمی مکث می‌گوید) خوب راستش من به عنوان یه هوادار بی‌تی‌اس وقتی می‌بینم آیدول مورد علاقه‌ام نمی‌تونه ازدواج کنه، منم که در همه‌ی مسایل زندگی‌م جین‌الگوی منه، نمی‌تونم به ازدواج فکر کنم. شاید یکی از راه‌های موفقیت منم در نوازندگی همین باشه.

- چرا فکر می‌کنی یکی از راه‌های موفقیتت در کار ازدواج نکردن است؟

چون من به عینه دارم می‌بینم که گروه بی‌تی‌اس چه قدر در کارشون موفق شدن و چه قدر محبوبیت و معروفیت جهانی دارن و همه‌اش به خاطر اینه که کمپانی سخت‌گیری می‌کنه و نمی‌ذاره ازدواج کنن و این قضیه داره برای خود منم تکرار می‌شه. منم مثل آیدول‌ها جوانم و جذابیت خاص خودم رو دارم، اگر ازدواج کنم، ممکن هست دیگه کم‌تر به خودم برسیم و از هدفم دور بشیم.

- عرفان نظر عموم مردم درباره این کار کمپانی سازنده بی‌تی‌اس در حق پسران گروه چیه؟

۱۴۲ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

اکثر مردم این کار کمپانی رو دخالت در مسایل شخصی آیدول‌ها می‌دانند و این کار کمپانی رو محکوم می‌کنن.

- عکس‌العمل کمپانی در مقابل این نظر مردم چه‌گونه است؟

کمپانی سازنده بی‌تی‌اس برای منحرف کردن اذهان مردم و هواداران به آیدول‌ها می‌گه زمانی که روی صحنه اجرا دارن دست‌های همدیگه رو لمس کنن یا نگاه‌های نافذ و معنی داری به کنار دستی خودشون بکنن.



- این کار کمپانی چه معنی می‌تونه داشته باشه؟

مردم فریب می‌خورن و فکر می‌کنن آیدول‌ها همجنس‌گرا هستن و برای اینکه از دواج نمی‌کنن.

- این کار کمپانی لطمه‌ای به آیدول‌ها می‌زنه؟

آیدول‌ها دچار صدمات روحی و روانی شدیدی می‌شن. با آبرو و حیثیت اون‌ها بازی می‌شه. بعضی‌هاشون افسرده می‌شن و به خوردن قرص‌های اعصاب روی میارن، ولی چون با کمپانی قرار داد بستن، به کارشون ادامه می‌دن.

- این کار کمپانی چه لطمه‌ای به هواداران می‌زنه؟

بعضی‌ها مثل من که می‌دانن آیدول‌ها پاک و بی‌گناه هستن، خیلی ناراحت می‌شن و سعی می‌کنن چهره واقعی آیدول‌ها رو برای همه آشکار کنن، ولی یه عده هم این حقه کمپانی رو نمی‌فهمن و فکر می‌کنن آیدول‌ها منحرف و همجنس‌گرا هستن. باز این عده هم ناراحت می‌شن که چند مدتی‌ه چه کسانی الگوشون بوده و از هواداری دست می‌کشن. یه عده دیگه هم هستن که کلاً از مرحله پرت هستن و خیلی هم خوش‌شون میاد و به بیراهه کشیده می‌شن.

- عرفان آیا تو اینستا فن پیج داری؟

بله، یه دونه دارم.

- فن پیج تو درباره چیه؟

فن پیچم کاری هست و هر بار در هر مراسمی که برای خوانندگی و موزیک دعوتیم، یه نمونه از

کارمان را برای هوادارانمان و به قصد تبلیغ بیش‌تر می‌ذارم.

- در فن پیچت شده برای گروه بی‌تی‌اس تبلیغ کنی؟

نه تاحالا این کار رو نکردم.

- چرا این کار رو نکردی؟

هواداری من از بی‌تی‌اس کاملاً شخصی و محرمانه اس. نمی‌خوام کسی بفهمه من از بی‌تی‌اس الگوبرداری می‌کنم. به همین دلیل تو پیچم برای بی‌تی‌اس تبلیغ نمی‌کنم.

- چرا نمی‌خواهی کسی بفهمه تو از بی‌تی‌اس هواداری می‌کنی؟

اکثر مردم فکر می‌کنن گروه بی‌تی‌اس یه گروه همجنس‌گرا و هر کسی از اون‌ها هواداری کنه، با دید بدی بهش نگاه می‌کنن و من نمی‌خوام کسی بفهمه من هوادار بی‌تی‌اس هستم.



- خانواده‌ات می‌دونن تو هوادار بی‌تی‌اس هستی؟

فقط خواهرم می‌دونه. پدر و مادرم نمی‌دونن و هیچ‌کس از بی‌تی‌اس سر در نمی‌بارن.

- خواهرت چه نظری داره؟

خواهرم با شناختی که از گروه بی‌تی‌اس داره، مشوق من در کارام هست و خودش هم اخبار لحظه به لحظه اون‌ها رو پیگیری می‌کنه.

- اخبار بی‌تی‌اس رو از کجا پیگیری می‌کنی؟

هم تو اینستا، هم تلگرام، چندتا پیج و کانال هست که آهنگ‌های گروه رو منتشر می‌کنه و یا عکس‌ها و فیلم‌هایی از آیدول‌ها رو به نمایش می‌ذاره.

۱۴۴ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- عرفان بین دوستان صمیمیت باز هم کسی هست هواداری خودش رو پنهان کنه؟  
بله یکی از خواننده‌های گروه‌مان باز مثل من فکر می‌کنه و هواداریش رو مخفی می‌کنه. اون هم فکر می‌کنه، نباید مردم و دوست و آشنا بفهمن که هوادار گروه بی‌تی‌اس هست و نمی‌خواد لطمه به معروفیت و محبوبیتش وارد بشه.

- خوب با این که هواداریت رو مخفی می‌کنی، چه طور و از چه راهی برای گروه بی‌تی‌اس تبلیغ می‌کنی؟

(کمی می‌خندد) من از جمله نادرترین هوادارانی هستم که در عمل و با رفتارم و طرز پوشش و مدل موی سر و میکاپ مخصوص بی‌تی‌اس در اشاعه گروه بی‌تی‌اس نقش دارم، ولی شفاهاً هیچ تبلیغی در پیچم و یا در بین عامه مردم نمی‌کنم.

- این کار تو بین شما و بقیه دوستان هوادار بی‌تی‌اس اختلاف ایجاد نمی‌کنه؟  
دوستان صمیمیم می‌دونن من به خاطر مصلحت کاری و شغلیم علناً هواداری خودم رو اعلام نمی‌کنم و همیشه در بین جمع آن‌ها، جانبداری خودم رو اعلام می‌کنم. و راجع به آهنگ‌ها و موسیقی‌های گروه همیشه بحث می‌کنیم و یا گاهی باهم آهنگ‌ها رو با زبان کره‌ای روخوانی می‌کنیم و لحظات خوشی رو باهم می‌گذرونیم.

- چرا با کره‌ای می‌خونین؟  
با کره‌ای خیلی حس و حال قشنگ‌تری به ما دست می‌ده، از بس آهنگ‌های کره‌ای رو باهم می‌خونیم، انگار توی کره به دنیا آمدم و هیچ لهجه‌ای نداریم.

- عرفان کمپانی برای معروف شدن موسیقی بی‌تی‌اس چه کارهایی کرده؟  
کنسرت‌های زیادی در سرتاسر جهان برگزار کرده و قبل از برگزاری هر کنسرتی، آن چنان تبلیغاتی راه می‌اندازد که صدای آوازه گروه بی‌تی‌اس و آهنگ‌هاشون به گوش همه جهانیان می‌رسد.



- مثلاً تبلیغات‌شون رو چه‌گونه انجام می‌دن؟ مثال بزن.  
مثلاً می‌خوان کنسرتی تو شهر توکیو ژاپن برگزار کنن، قبل از کنسرت بنرهایی از عکس پسران بی‌تی‌اس رو با اون چهره‌های جذاب‌شون در میادین مهم کشور ژاپن و بر روی برج‌های بلند و بر سردر



سینماها و بر سردر هتل‌ها و رستوران‌های معروف و بر روی اتوبوس‌ها و روی دیوار ورزشگاه‌ها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های ژاپن و... نصب می‌کنن و از طریق رسانه‌های خبری حدود یه هفته قبل از اجرای کنسرت به سراسر دنیا اطلاع رسانی می‌کنن و این طوری نظر هنرمندان کل دنیا و توریست‌ها نیز برای شرکت در این کنسرت جلب می‌شه و به حدی شلوغش می‌کنن که کمپانی بلیط‌های کنسرت رو با دو برابر قیمت می‌فروشه و این طوری از نظر اقتصادی کمپانی سود هنگفتی به جیب می‌زنه.



- گروه بی‌تی‌اس دیگه چه سودی برای مردم کره و کشور کره دارد؟  
معروفیت و محبوبیت گروه بی‌تی‌اس باعث روانه شدن هزاران توریست به کشور کره جنوبی می‌شه و این توریست‌ها با خودشون کلی ارز وارد کشور می‌کنن. بعد کلی دانشجو و نخبه هنری برای ادامه تحصیل به کره مهاجرت می‌کنن و این‌ها همه درآمدزایی برای مردم و کشور کره با خودشون همرا میارن.

- عرفان این همه تبلیغات کمپانی برای برگزاری کنسرت‌هاش چه تأثیری روی هواداران داره؟  
هواداران هم احساس مسوولیت می‌کنن و وظیفه خودشون می‌دونن که به هر نحوی شده، اون‌ها هم به همه اطلاع‌رسانی کنن.

- از چه راهی اطلاع‌رسانی می‌کنن؟  
اکثر هواداران تو اینستا و تلگرام فن پیج و یا کانال دارن که فقط مختص گروه بی‌تی‌اسه. تو فن پیج یا کانال‌شون کشور محل اجرای کنسرت و ساعت اجرا رو اطلاع‌رسانی می‌کنن، با کلی تبلیغات و عکس‌های جنجالی از آیدول‌ها.

۱۴۶ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- عرفان این فن پیچ‌ها و کانال‌ها برای هواداران چه سودی داره؟

هواداران با تبلیغات و عکس‌ها و خبرهای جنجالی از گروه بی‌تی‌اس فن پیچ یا کانال‌شون رو معروف می‌کنن و کلی فالور کسب می‌کنن و اخبار لحظه به لحظه از گروه بی‌تی‌اس و آهنگ‌ها و آلبوم‌هاشون رو توی پیچ‌شون می‌ذارن، بعد از این که پیچ‌شون گسترش پیدا کرده، با تبلیغ گذاشتن از سالن‌ها، باشگاه‌ها و هتل‌ها و فروشگاه‌ها، کلی درآمد کسب می‌کنن.

- عرفان می‌تونی یه مثال بزنی؟

بله، مثلاً یکی از دوستان دوران دبیرستانم از همون اوایل طرفداریش از گروه بی‌تی‌اس یه پیچ تو اینستا داره، از ابتدای تأسیس گروه تا به حال هر آنچه که برای اعضای گروه اتفاق افتاده و شرح حال تک تک آیدول‌ها و عکس‌های تمام این مدت‌شون و تمام آلبوم‌هاشون و سفرهاشون رو موبه مو در پیچش گذاشته و کلی با هیجان و آب و تاب فراوان کشور محل کنسرت‌ها و ساعت‌شون رو اطلاع‌رسانی می‌کنه و در فاصله این خبر رسانی، کلی تبلیغ پوشاک و مدل کفش و یا تبلیغ کنسروها و مواد غذایی و غیره در لایه لای اخبارها و عکس و فیلم‌های گروه می‌ذاره و خیلی خوب هم درآمدزایی می‌کنه.

- عرفان آیا گروه بی‌تی‌اس هوادار دختر هم داره؟

بله، اتفاقاً خیلی داره.

- از کجا فهمیدی هوادار دختر زیاد داره؟

تو فن پیچ‌های هواداران بی‌تی‌اس اکثر فالورها دختر بودن. بعد خواهرم می‌گه اکثر دوستاش هوادار گروه بی‌تی‌اس هستن و همیشه سر آیدول مورد علاقه‌شون با همدیگه جرّ و بحث می‌کنن.

- عرفان به نظرت چرا بین هواداران گروه بی‌تی‌اس، طرفداران دختر بیش‌ترن؟

به نظرم چون پسران بی‌تی‌اس مثل خانم‌ها آرایش می‌کنن و گوشواره به گوش‌هاشون آویزون می‌کنن یا زنجیر طلا برگردن می‌اندازن و دست‌بند و مچ‌بند به دست‌شون می‌بندن و از رنگ‌های روشن استفاده می‌کنن و دخترانه لباس می‌پوشن و چهره‌هاشون شبیه به دخترهاست. تا جایی که هواداران دختر خودشون رو به سبک اون‌ها آرایش می‌کنن و یا مثل اون‌ها لباس می‌پوشن.





- عرفان شده تا حالا خواهرت از بی‌تی‌اس طرفداری بکنه؟  
بله، همیشه من و خواهرم در مورد بی‌تی‌اس نقطه نظرات مشترکی داریم و اون همیشه پیش من از بی‌تی‌اس طرفداری می‌کنه.

- خواهرت هم به سبک بی‌تی‌اس لباس می‌پوشه و یا آرایش می‌کنه؟  
بله، خیلی به سبک اون‌ها لباس می‌پوشه و آرایشش مثل اون‌ها ملایم و طبیعیه.  
- خواهرت هم طرفداری خودش رو از بی‌تی‌اس مخفی می‌کنه؟  
نه، ایشون آشکارا و در همه جا از بی‌تی‌اس طرفداری می‌کنه و سعی می‌کنه بی‌تی‌اس رو به دوستان و آشنایان معرفی کنه.

- خانواده‌ات با هواداری خواهرت از بی‌تی‌اس مشکلی ندارن و مخالفتی نمی‌کنن؟  
نه، اتفاقاً خیلی هم خوش‌شون میاد. و می‌گن دخترمون درس‌خوان شده و خیلی سنگین و آبرومندانه آرایش می‌کنه.

- والدینت تا چه حدی بی‌تی‌اس رو می‌شناسن؟  
تا حدودی آیدول‌ها رو می‌شناسن، چون من پوستر عکس‌هاشون رو بر دیوار اتاقم نصب کردم. در مورد زندگی‌شون و برخورد کمپانی با گروه هم براشون توضیح دادم و همیشه آهنگ‌هاشون رو می‌شنون. هیچ اعتراضی نمی‌کنن. بعد فیلم‌های کره‌ای براشون می‌ذاریم، خوش‌شون میاد.

- عرفان از نظر مذهبی خانواده شما در چه سطحیه؟  
در سطح متوسطی هستن. مادرم هم نماز می‌خونه، هم روزه می‌گیره، ولی پدرم گاهی نماز می‌خونه و اعتقادات مذهبی رو قبول داره. من و خواهرم نماز نمی‌خوانیم، ولی به خدا و مذهب اسلام ایمان داریم.

- به نظرت هواداری شما از گروه بی‌تی‌اس لطمه‌ای به ایمان شما وارد نکرده؟  
(کمی مردد هست و مکث می‌کند) فکر نکنم ذره‌ای از ایمان و اعتقاداتم کم شده باشه. چون گروه بی‌تی‌اس برای هر مذهب و هر نژادی احترام قایلنه.

۱۴۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- آیا ممکنه یه مسلمان افراطی هم هوادار بی‌تی‌اس باشه؟  
فکر نکنم. من تاحالا ندیدم.

- آیا بی‌تی‌اس تأثیر منفی هم روی هواداران داره؟  
نه، من ندیدم. همه‌اش به انسان روحیه و امیدواری می‌دن با آهنگ‌هاشون شادی میارن، هیجان ایجاد می‌کنن و برای اوقات فراغت ما جوان‌ها خیلی مفیدن. به ما انگیزه می‌دن و برای رسیدن به هدف‌هایمان ما رو به تلاش وامی‌دارن.

- عرفان کمپانی به غیر از تبلیغ برای کنسرت‌ها دیگه چه مواقعی تبلیغ می‌کنه؟  
کمپانی قبل از هر جشنی و یا اعیاد مختلف و یا انتخابات و یا تولد آیدول‌ها تبلیغات وسیعی رو در سطح جهان شروع می‌کنه و مقداری از درآمدش رو صرف کارهای خیریه می‌کنه.  
- می‌شه مثال بزنید؟

مثلاً کمپانی بی‌تی‌اس برای نهمین سال تأسیس گروه بی‌تی‌اس جشن گرفت که به فستا معروفه، یعنی سالگرد گروه بی‌تی‌اس. جشن فستا هر ساله از اول ژوئن تا ۱۲ و ۱۳ ژوئن برگزار می‌شه. توی این دوره سیزده روزه اعضای گروه بی‌تی‌اس به آرمی‌ها هدیه‌هایی مثل پروفایل‌های خنده‌دار و عکس‌ها و یا آهنگ‌های زیبا و یا کاورهای خودشون رو می‌دن که واقعاً خیلی باحالت و در آخرین روز از فستا، اعضای پارتی تولد برای بی‌تی‌اس می‌گیرن که کل محتوای اون رو خودشون آماده می‌کنن. هر سال هشتک‌های مختلفی مثل فستا و بی‌تی‌اس و آرمی و... ترند می‌شه. در کل فستا یه چیزیه بین آرمی‌ها و بی‌تی‌اس که باهم جشن می‌گیرن و اعضا از خاطراتشون و شادی‌هاشون حرف می‌زنن که واقعاً هر آرمی هر ساله منتظر این روزه. این قدر این جشن فستا رو در رسانه‌های سراسر کره پخش می‌کنه که مردم و طرفداران هر ساله دراول ژوئن منتظر جشن ان و در سراسر جهان هم این زمان بین هواداران هر ساله جشن گرفته می‌شه و کمپانی مقداری از درآمدش رو به کارهای خیر و کمک به نیازمندان اختصاص می‌دهد.





- برگزاری جشن فستا چه تأثیری روی هواداران داره؟

چون این جشن دوازده تا سیزده روز ادامه داره، خیلی به هواداران خوش می‌گذره. معمولاً آیدول‌های بی‌تی‌اس در این سیزده روز با هواداران ارتباط برقرار می‌کنن و لحظات شادی رو ایجاد می‌کنن مثلاً خاطرات خنده‌دار می‌گن و آهنگ‌های زیبا می‌خوانن که گاهی با رقص توام هستن و هواداران انرژی مثبت می‌گیرن.





- هواداران در کشورهای دیگر چه گونه جشن فستا رو برگزار می‌کنن؟

اکثر هواداران فن پیچ دارن و توی این سیزده روز جشن، هر روز پروفایل هاشون رو از عکس‌های شاد اعضای بی‌تی‌اس پر می‌کنن و لحظه به لحظه جشن فستا رو استوری می‌کنن و جدیدترین آهنگ‌هاشون رو تو فن پیچ‌شون می‌ذارن و در نظرسنجی‌ها از هواداران می‌خوان نظرات و شادی‌های خودشون رو بنویسن و در این ایام جشن فستا هرگونه درآمد از طریق فن پیچ‌شون رو صرف کارهای خیریه می‌کنن. این جوری مرام و منش بی‌تی‌اس در بین هواداران ادامه دارد.

- عرفان هواداران از چه قسمت‌هایی از جشن‌ها استقبال می‌کنن؟

بیش‌تر از آهنگ‌های اهدایی آیدول‌ها به مناسبت جشن‌ها و کمک‌های مالی به نیازمندان و خاطرات خنده‌دار آیدول‌ها استقبال می‌کنن.

- عرفان نظر خودت به عنوان یه هوادار از این جشن‌ها چیه؟

هر گروهی برای معروف شدن و زنده نگه داشتن نام و آوازه گروهش در اذهان مردم، نیاز به چنین جشن‌هایی به مناسبت‌های مختلف داره. تأثیری که این جشن‌ها در بین هواداران دارن به مراتب بیش‌تر از دیگر تبلیغات کمپانی هست، ولی یه چیزی که من رو ناراحت می‌کنه هزینه‌های هنگفتی است که برای این جشن‌ها کمپانی می‌کنه.

- عرفان کمپانی برای جشن‌های دیگر هم هزینه‌های زیادی می‌کنه؟

بله، برای همه‌ی جشن‌ها کلی هزینه می‌کنه.

- یه نمونه دیگه می‌شه مثال بزنی؟

بله، مثلاً هزینه‌هایی که برای جشن تولد هر کدام از آیدول‌ها می‌کنه، ده‌ها برابر جشن فستا است. برای تولد آیدول‌ها نه تنها در کره جشن می‌گیره، بلکه در اکثر کشورها هم کلی بزرگ و پوستر از آیدول‌ها بر در و دیوار و برج‌های معروف جهان می‌چسبانن. برای تولد هر کدام‌شان از یه رنگ استفاده می‌کنن، مثلاً برای تولد تهیونگ از رنگ بنفش استفاده کردن و برای تولد جین از رنگ صورتی استفاده کردن.

- عرفان به نظرت کمپانی این همه هزینه برای جشن‌ها رو از کجا می‌آورد؟

اگر کمپانی برای هر جشنی هزینه کند، آنقدر با قدرت برای جشن‌ها تبلیغات می‌کنه و از قبل آهنگ‌هایی آماده می‌کنه که نه تنها هزینه‌ها برمی‌گرده، بلکه چندین برابر نیز سود می‌کنه.

- چه طور همچین چیزی ممکنه؟ مثالی بزن.

مثلاً وقتی جشن تولد تهیونگ رو گرفتن، عکس و بزرگ‌ترین برج‌های دوی و ژاپن و ویتنام و ده‌ها کشور دیگه با نور افشانی به رنگ بنفش نشان داده شد. یعنی آنقدر تهیونگ رو به دنیا شناساندن که کافی بود تهیونگ بره به هر کدام از این کشورها و آلبوم خودش رو اجرا کنه. آن وقت بلیط برای فروش کم می‌آوردن یا حتی می‌تونستن بلیط‌ها رو دو، سه برابر قیمت واقعی شون به فروش برسانن. در نتیجه هر چه هزینه می‌کنن، ده‌ها برابرش از راه‌های دیگه به جیب‌شون برمی‌گرده.



- این جشن تولدها چه بازخوردی در بین هواداران داره؟

اگر هواداری از نظر مالی در وضعیت خوبی به سر بره، آن چنان جشن تولدی می‌گیره و به تقلید از آیدول‌ها از یه رنگ در تزئین میزها و سردر تالار استفاده می‌کنه و هر چه دوست و آشنا و هم‌کلاسی دارن دعوت می‌کنه به صرف شام و شیرینی. بعد آن چنان کیک بزرگ چند طبقه سفارش می‌دن به

۱۵۲ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

رنگ تمی که استفاده کردن و کلی آهنگ‌های شاد و با رقص‌های متنوع اجرا می‌کن و در بعضی تولدها از مشروبات هم برای نوشیدن استفاده می‌کنن و به این ترتیب کلی هیجان و لذت، هم برای کسی که تولد گرفته و هم برای مهمان‌ها ایجاد می‌کنن. بعد چون اکثراً دعوت شده‌ها از خانواده‌های پولدار هستن، کادوهایی که هدیه می‌دن بیش‌تر یا ماشین و یا ملکی و یا قطعه‌ای از طلا و یا سکه بهار آزادی هست.

- عرفان به عنوان یه موسیقی‌دان و نوازنده تا به حال توی جشن تولدهای اقشار مرفه شرکت کردی؟

خیلی شرکت کردم، البته به اتفاق بقیه گروهم.

چه حسی بهت دست می‌ده؟

خوب من به خاطر کارم سعی می‌کنم تحت تأثیر قرار نگیرم، ولی چون خودم از قشر متوسط جامعه هستم کمی رنج می‌برم و ته دلم می‌گم ای کاش منم همچین جشنی برای تولدم گرفته بشه.

- عرفان به نظرت چرا گروه بی‌تی‌اس این قدر در سطح جهان معروف شده؟

چند دلیل داره. بیش‌تر به خاطر تبلیغات سنگین کمپانی در سطح جهان هستش و بعد موسیقی و آهنگ‌های بی‌تی‌اس متفاوت و تودل برو هستش و دلیل آخر و مهم‌ترین دلیلش وجود آیدول‌های جذاب و دوست‌داشتنی هست.

- می‌تونی چند کشور طرفدار بی‌تی‌اس رو نام ببری؟

(کمی مکث کرده و مردد است) خود کره جنوبی، فیلیپین، ژاپن، اندونزی، ویتنام، مالزی، برزیل، آمریکا، مکزیک.

- عرفان به نظرت چرا این قدر گروه بی‌تی‌اس مورد علاقه افراد خارج از کره هست؟

این قدر تبلیغات کمپانی در برجسته‌سازی نقش آیدول‌ها تأثیر داشته که جذابیت چهره‌هاشون و صدای قشنگ آهنگ‌هاشون با متن ترانه‌های دلنشین، علاقه‌ها رو در طرفداران خارج از کره مضاعف و چندین برابر کرده. این که چند جذابیت یک جا در هر کدام از آیدول‌ها جمع شده، بیش‌تر از همه گزینه‌ها هواداران رو علاقه‌مند به ادامه طرفداری کرده. تا اونجا که می‌دونم خود کشور کره که سرزمین مادری گروه بی‌تی‌اس هست، در رتبه دوم از نظر طرفداری قرار داره. فیلیپین اولین کشوری که طرفدارترین هواداران بی‌تی‌اس رو داره. بر اساس رسانه‌های اجتماعی بیش از ۶۰ میلیون طرفدار دارن و این گروه بی‌تی‌اس رو طرفدارترین گروه موسیقی در اینستاگرام تبدیل کرده.

- عرفان چرا کمپانی اسم گروه رو بی‌تی‌اس گذاشته؟

طبق تحقیقاتی که تو گوگل درباره گروه بی‌تی‌اس داشتیم، بی‌تی‌اس یه نام کره‌ایه به معنای پسران ضد گلوله و چون اعضای گروه از پسران تشکیل شده و ضدگلوله بودنش هم نمادی از مقاومت رو



نشون می‌ده، به گفته جیهوپ این نام اشاره به مقاومت در برابر انتقادات و انتظارات بی‌جا از نوجوانان داره.

- آیا این مقاومت هم در بین هواداران دیده می‌شه؟

در بیش‌تر هواداران دیده می‌شه. وقتی تو یه جامعه اسلامی زندگی می‌کنی و تیپ‌های فشن می‌پوشی و برخلاف عرف جامعه آرایش می‌کنی، رگباری از انتقادات و ایرادها بهت وارد می‌شه و تو جز مقاومت کردن و پافشاری در برابر خانواده و اجتماع نمی‌تونی هیچ کار دیگه‌ای انجام بدی. اگر یک ذره کوتاه بیای و از پافشاریت در برابر خواسته‌های درونیت در مقابل نظرات اطرافیان کم کنی، روز به روز از بی‌تی‌اس دور و دورتر می‌شی.

- برای خود تو اتفاق افتاده؟

بله، خیلی، ابتدا پدرم با تیپ و آرایشم مخالفت می‌کرد و می‌گفت تو با این کارات آبرو برای من نداشتی، بعد تو اجتماع بین فامیل از دایی گرفته تا خاله‌ها و عمه‌هایم همه من رو سرزنش می‌کردن.

- چرا پدرت این قدر مخالفت می‌کرد؟

به نظر پدرم پسرا نباید آرایش کنن و لباس‌های رنگ و وارنگ بپوشن و طلاجات به خودشون آویزون کنن. اگر این کارها رو بکنن، تو جامعه انگ همجنس‌گرایی بهشون می‌زنن و این مایه‌ی آبروریزی برای خانواده محسوب می‌شد.



- عرفان تو چه طور با این همه مخالفت تونستی ادامه بدی؟

خیلی با زبان خوش برای پدرم توضیح دادم من این طوری دوست دارم باشم و تو من رو می‌شناسی همجنس‌گرا نیستم. من این تغییر رو دوست دارم، بهم هویت تازه می‌ده و در کارم کلی موفق شدم. این تغییر من رو به موفقیت کاری و محبوبیت رسونده و گرنه تو شهر کلی نوازنده ارگ وجود داری، چرا همه گروه‌ها من رو انتخاب می‌کنن، چون با بقیه متفاوت هستم. بی‌تی‌اس به من آموخت هم به والدین و بقیه انسان‌ها با هر دین و نژادی احترام بگذارم و هم مقاومت و تلاش در برابر درخواست‌های نامتعارف دیگران رو به من یاد داد.

- عرفان قبلاً گفتی که بیش‌تر از آیدول جین تقلید می‌کنی تا چه حدی درباره اون تحقیق کردی و می‌شناسیش؟

جین قبل از این که بیاد عضو بی‌تی‌اس بشه، دوست داشت در آینده بازیگر بشه و تو تأثیر کارکنه. هیچ وقت فکرش رو نمی‌کرد که یه زمانی خواننده معروفی بشه. در حال حاضر جین از بهترین خوانندگان بی‌تی‌اس و خود کشور کره هست. چهره گروه از نظر زیبایی، شعار جین، بدون نگرانی زندگی کردن هست. اون می‌گه شما فقط یه بار زندگی می‌کنین و باید بدونین که زندگی تون هم خیلی سریع می‌گذره.

- شعار جین دال بر بدون نگرانی زندگی کن رو توی زندگی شخصیت استفاده می‌کنی؟  
من عاشق این شعارم. زندگی ممکنه خیلی کوتاه‌تر از آنچه که فکرش رو بکنیم، باشه. اگر آدم بدون نگرانی از دغدغه‌های مادی این دنیا بگذره، زندگی باکیفیت‌تر و اعصاب آرام‌تر و خونسردی بیش‌تری خواهد داشت.

- به نظرت این شعارهای آیدول‌ها بر سلامت روانی هواداران چه تأثیری داره؟  
به نظرم شعارهاشون خوبه و پر معنیه و می‌تونه حتی به اصلاح زندگی هواداران نیز کمک کنه. آن‌ها رو از عصبانیت و یا پرخاشگری منصرف کنه و درس صبر و حوصله و آرامش رو بهشون یاد بده.  
- عرفان می‌دونی آیدول‌ها چه دینی دارن؟

دین‌شون مشخص نیست و چون به همه ادیان احترام می‌ذارن نمی‌شه فهمید چه مذهبی دارن، ولی شایع شده تهیونگ مسیحی هست، این رو حدس زدن شاید مسیحی باشه، به خاطر این که توی ست آهنگ‌هاش یه آهنگ برای عبادت مسیحی‌ها وجود داره.

- به نظرت چرا راجع به دین خودشون هیچ حرفی نزدن؟  
چون اعتقادات و دین خود رو به امر شخصی می‌دونن و یا شاید کمپانی به آن‌ها اجازه نده راجع به دین‌شون حرف بزنن.

- به نظرت اگر کمپانی به آن‌ها اجازه نده راجع به دین خودشون حرف بزنن، چه دلیلی می‌تونه داشته باشه؟

به خاطر ایجاد اختلاف میان هواداران ممکنه کمپانی بهشون اجازه نده. چون ممکنه بعضی هواداران مسلمان، بعضی یهودی و بعضی مسیحی باشن و این خودش باعث اختلاف میان هواداران و چند دستگی می‌شه یا هر آیدولی یه مذهب متغایر با آیدول دیگه داشته باشه. در نتیجه بین طرفداران آیدول‌ها مشاجره و دعوا پیش میاد.

- عرفان به نظرت به عنوان یه مسلمان اگر بفهمی آیدولی که الگوی تو هست، اصلاً اعتقاداتی نداره و یه فرد لایبیکه، چه واکنشی انجام می‌دی؟

(خیلی مکث می‌کنه و در جواب دادن مردد هست) امیدوارم که این طور نباشه و فقط اعتقادات داشته باشه، عیب نداره دیگه مسیحی باشه یا یهودی. ولی اگر یه روزی متوجه بشم که لایبیک هست، سریع از طرفداری خودم از بی‌تی‌اس کنار می‌کشم.

- عرفان به نظرت چرا کمپانی روی شخصی‌ترین مسایل آیدول‌ها دخالت می‌کنه؟ برای حفظ گروه و معروفیت بیش‌ترش در سطح جهان و جلوگیری از فروپاشی و منحل شدن گروه این کار رو می‌کنه

- این همه دخالت و فشار کمپانی روی آیدول‌ها چه تبعاتی برای آیدول‌ها داره؟ آیدول‌ها برخلاف ظاهر شاد و خندون شون، روحی افسرده و ناآرام دارن. گاهی برای تحمل این همه محدودیت به قرص‌های اعصاب روی میارن.

- خوب چرا ادامه می‌دن؟

چون از ابتدا از شون تعهد گرفتن که مثلاً حق ازدواج ندارن و باید کاملاً مطیع کمپانی باشن و اگر پا پس بکشن، باید کلی خسارت به کمپانی بدن. از طرف دیگه آیدول‌ها می‌دانن اگر کمپانی نبود، الان یه شخص عادی مثل بقیه هم‌کلاسی‌هاشون بودن و دیگه خبری از این همه معروفیت و محبوبیت در سطح جهان نبود... بنابراین دچار دو حس ضد و نقیض در وجود خودشون شدن، هم این موقعیت رو دوست دارن، هم از فشارهای کمپانی منزجر شدن. نه راه پس دارن، نه راه پیش. پس ادامه می‌دن.

- این رفتار دوگانه آیدول‌ها روی طرفداران بی‌تی‌اس چه تأثیری داره؟ طرفداران آگاه و با معرفت درکشون می‌کنن و حتی بیش‌تر از قبل دوست‌شون دارن، چون می‌فهمن چه فشار سختی روی گروه هست و بیش‌تر از قبل برای گروه تبلیغ می‌کنن.

- عرفان این همه آهنگ و فیلم کره‌ای دیدی و شنیدی، آیا از لحاظ فرهنگی تأثیری روی تو داشته؟ بله تا حدودی از فرهنگ کره خوشم آمده.

- می‌شه مثال بزنی؟

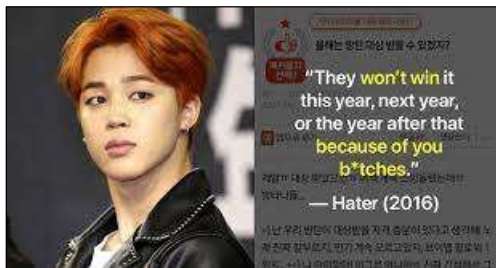
مثلاً فرهنگ غذا خوردن شون. یه کاسه سوپ سبزیجات می‌خورن سریع سیر می‌شن. زیاد مثل ایرانی‌ها پرخوری نمی‌کنن که چندین نوع غذا و چندین نوع پلو بخورن. برای همین همه‌شون اندام‌های

۱۵۶ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) لاغر و یا متوسطی دارن و یا مثلاً از فرهنگ ادای احترام گذاشتن شون هم خوشم میاد و من همیشه در پایان کارهام از مهمان‌ها اون طوری تشکر و قدردانی می‌کنم.



- کره‌ای‌ها رو چه طور مردمانی می‌بینی؟  
مردمانی نجیب و با ادب و سرشار از هوش فراوان و از نظر قیافه جذاب و دوست داشتنی می‌بینم.  
- دوست داری به کره مهاجرت کنی؟  
نه، دوست ندارم. اینجا کارم رونق گرفته و تو شهر خودمون معروف شدم. ولی دوست دارم یه سفر یه ماهه به کره داشته باشم و از نزدیک از کنسرت‌های گروه بی‌تی‌اس دیدن کنم و آیدول‌ها رو ببینم.  
- اگر آیدول مورد علاقه‌ات رو ببینی بهش چی می‌گی؟  
ازش تشکر می‌کنم به خاطر این که به خاطر ما هوادارها، این همه سختی و فشار روحی و روانی رو تحمل می‌کنن و به خاطر این که برای من بهترین الگو تو زندگی‌م بوده، دستش رو به گرمی می‌فشارم و ازش سپاس‌گزاری می‌کنم.  
- آیا کمپانی کار نامتعارفی از آیدول‌ها درخواست می‌کنه؟  
کمپانی به آیدول‌ها می‌گه که روی صحنه و یا در مکان‌های شلوغ، تماس بدنی باهم داشته باشن و یا دست هم دیگه رو بگیرن و این کار آیدول‌ها در ذهن هواداران و مردم اون‌ها رو به عنوان همجنس‌گرا معرفی می‌کنه که این کار کمپانی از لحاظ روحی و روانی به آیدول‌ها لطمه می‌زنه.

- چرا کمپانی بهشون می‌گه این کارها رو بکنن؟  
 هم برای جذب هوادار بیش‌تر هم برای رواج همجنس‌گرایی.  
 - این کار آیدول‌ها چه تبعاتی براشون داره؟  
 مورد نفرت مردم کشور خودشون قرار می‌گیرن و ممکنه خانواده‌هاشون طردشون کنن و روح و روان خودشون به هم می‌ریزه و به خوردن داروهای اعصاب پناه می‌برن.  
 - هواداران بی‌تی‌اس در مقابل این کارهای غیراخلاقی آیدول‌ها چه عکس‌العملی نشون می‌دن؟  
 هواداران به سادگی هیت دادن رو حق خود می‌دانن و به آیدول‌های الفاظ رکیک و زشتی می‌گن، مثلاً خوک کثیف و غیره. ولی همه باور نمی‌کنن مگر اندکی از هواداران یا مردم عادی. فکر می‌کنن آیدول‌ها همجنس‌گرا هستن.



- عرفان نظر خودت در مورد آیدول‌ها چیه؟  
 به نظر من انسان‌های پاکی هستن که کمپانی اون‌ها رو استثمار کرده برای پیشبرد اهداف پلید خودش. کمپانی از زیبایی و جذابیت اون‌ها به نفع اهداف خودش سوءاستفاده می‌کنه.  
 - می‌شه چندتا از اهداف کمپانی رو بگی؟  
 بله، یکی می‌خواد همجنس‌گرایی رو در جهان عادی جلوه بده تا در زیر سایه اون به اهداف سیاسی کره با غربی‌ها دست پیدا کنه. دوم این‌که با این تبلیغات طرفداران بیش‌تر پیدا بکنه و سوم از نظر اقتصادی در آمد بیش‌تری داشته باشه.  
 - عرفان چرا همه پسران گروه بی‌تی‌اس به دخترها شباهت دارن؟

۱۵۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

گروه هفت نفره اعضاء بی‌تی‌اس ظاهراً مذکر هستند، اما فاقد هویت جنسی قطعی هستند. از قضا، این مسأله، یعنی هویت مرزی جنسی، یکی از محورهای شکل‌گیری پروژه بی‌تی‌اس هست. پسرانی جوان با اندام و پوشش و هییتی پسرانه، اما با چهره‌هایی به شدت ظریف و زنانه که استفاده از میکاپ و زیور آلات زنانه، تشخیص هویت جنسی آن‌ها رو دشوار کرده است. هفت عضو گروه بی‌تی‌اس پسران دخترنما هستن که با آرایش و میکاپی که می‌کنن، تشخیص‌شون سخته چه جنسیتی دارن.

کمپانی معمولاً آیدول‌ها رو از بین پسرانی انتخاب کرده که شبیه دخترن و یا با عمل‌های جراحی پلاستیک اگر ایرادی داشتن رو تغییر دادن.



- چرا کمپانی این کارا رو می‌کنه؟

خود کمپانی زیر نظر یکی از برنامه‌های یک شبکه جهانی است که ستاد فرماندهی نظام لیبرال سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد. در سال‌های اخیر با اعمال نفوذ این شبکه قدرتمند، بحث دگرپاشی

جنسی و هویت‌های جنسی رو فرهنگ‌سازی کرده. در دو، سه سال اخیر به واژه ال‌جی‌بی‌تی، کوئیر رو هم اضافه کردن. کوئیر به معنای اصلی عجیب و غریب و یا عوضی.

واژه‌ای است که به صورت کلی برای افرادی به کار می‌رود که هویت جنسی نامشخصی دارند و کوئیر در ادبیات جنسی که در سال‌های اخیر در رسانه‌های نظام لیبرال سرمایه‌داری جعل شده، به افرادی گفته می‌شود که از لحاظ شناسنامه ای و فیزیولوژیک مرد هستن اما ظاهر و قیافه و و آرایش آن‌ها زنانه است.

- چرا در کنسرت‌ها و ویدیوهای بی‌تی‌اس هیچ دختری نیست؟

چون به اختلال آمیختگی هویت جنسی و خود بسندگی جنسی رسیدن حتی در آهنگ عاشقانه‌ای به نام «به تو نیاز دارم دختر» که در آن خطاب به مخاطبی فرضی که یه دختر باشد گفته می‌شود، عملاً هیچ دختری در این ویدیو وجود ندارد.



- عرفان این که آیدول‌ها هویت جنسی مشخصی ندارن، چه تأثیری روی هواداران می‌گذاره؟  
هواداران فرقی نمی‌کنه دختر باشه یا پسر. همه‌ی هواداران اعضاء بی‌تی‌اس رو دوست دارن و هر هواداری سعی می‌کنه از آیدول مورد علاقه‌اش تقلید و الگوبرداری کنه.

- این که کمپانی سعی می‌کنه از طریق بی‌تی‌اس جامعه کوئیرها رو به جهانبیان معرفی کنه. هواداران

چه واکنشی دارن؟

۱۶۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

هواداران به شدت از لحاظ روحی و روانی آشفته هستن، ابتدا علاقه به آیدول‌ها ایجاد شده، ولی دو، سه سالی هست که کمپانی از آیدول‌ها سوءاستفاده در ترویج دگرباشی و همجنس‌گرایی می‌کند. نمی‌تونن باور کنن که آیدول‌هاشون دگر باش یا همجنس‌گرا باشن.

- این قضیه باعث شده بعضی از هواداران از طرفداری انصراف بدن؟  
بله، خیلی از دوستای خودم دیگه مثل قبل بحث بی‌تی‌اس رو وسط نمی‌کشن و اظهار پشیمانی می‌کنن که به مدتی هوادارشون بودن.

- خودت چی عرفان؟

من از ابتدا هواداریم رو مخفیانه ادامه می‌دادم، ولی خوب یکی، دو سالی هستش که برام مهم نیستن و من از الگوبرداری از جین پشیمان نیستم. این تقلید و الگوبرداری جرقه‌ای در زندگیم ایجاد کرد و در معروفیت و موفقیتیم بی‌تأثیر نبود.

- یعنی دیگه ازشون هواداری مخفیانه هم نمی‌کنی؟

نه، مثل قبل ازشون طرفداری نمی‌کنم، ولی به حسی در وجودم هست که من رو وادار می‌کند که پیگیر کارها و آهنگ‌هاشون باشم.

- عرفان چه اخبار جدیدی از بی‌تی‌اس به این تازگی شنیدی؟

دو خبر جدید از بی‌تی‌اس دارم. یکی این که چندی قبل این گروه کره‌ای به آمریکا سفر کردن و رئیس‌جمهور بایدن به آن‌ها اجازه ملاقات در کاخ سفید رو داد. حدود نیم ساعت با آقای جو بایدن صحبت کردن.

- هدف بی‌تی‌اس از این سفر چه بود؟

هدف به ظاهر رساندن پیامی بود به جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا درباره مبارزه بانزادپرستی در برابر آسیایی‌ها بود. این ملاقات‌شون تیتراول روزنامه‌های جهان شد. ولی به نظر من هدف اصلی از این ملاقات جنبه سیاسی روابط دوکشور آمریکا و کره بود که از پوشش پسران بی‌تی‌اس برای پنهان کاری استفاده کردن.





- دومین خبر جدیدت چی بود؟

دومین خبر جدیدم از گروه بی‌تی‌اس، آهنگ جدید بی‌تی‌اس برای جام جهانی قطر هستش.

- خوب آهنگ‌شون برای جام جهانی چه بازتابی میان هواداران ایجاد کرده؟

هواداران دچار هیجان شدن و بی‌صبرانه منتظر پخش این آهنگ هستن و مسلماً پولی میلیاردی منتظر پخش این آهنگه.

- این آهنگ‌شون چه تفاوتی با بقیه آهنگ‌هاشون داره؟

این آهنگ رو میلیون‌ها نفر در سطح جهان می‌شنوند. تمام تماشاچی‌های فوتبال چه در ورزشگاه چه در خونه‌ها از طریق تلویزیون و این خودش باز باعث معروفیت هر چه بیش‌تر بی‌تی‌اس در سراسر دنیا می‌شه.



- چه ارتباطی بین گروه بی‌تی‌اس و حاکمیت در کره و آمریکا برقرار هست؟

گروه بی‌تی‌اس زیر نظر کمپانی وابسته به حاکمیت کره دایر شده و به رشد خود ادامه داده و گروه هر ملاقاتی رو زیر نظر کمپانی انجام می‌ده و دیدار گروه بی‌تی‌اس با رئیس جمهور بایدن به منظور شرکت در مراسم ماه میراث (جنابایات نفرت و تبعیض ضد آسیایی) است تا میراث رو جشن بگیرن و با رئیس جمهور بایدن درباره افزایش نگران‌کننده جنابایات و نفرت و تبعیض ضد آسیایی در ایالات متحده گفت‌وگو کنند. شاید شنیده باشی که نفرت آمریکایی‌ها به آسیایی‌های ساکن آمریکا به حدی زیاد شده که در ۱۶ مارس یک مرد مسلح آمریکایی هشت نفر از جمله شش زن آسیایی رو به قتل رساند.

- عرفان حضور گروه بی‌تی‌اس در کاخ سفید و ملاقات با بایدن از نظر فرهنگی و اجتماعی چه تأثیری در جهان داشته؟

خیلی از لحاظ فرهنگی تونسته تأثیر داشته باشه. گروهی از پسران زیباروی و جذاب کره‌ای با ملاقات‌شون با رئیس جمهور وقت آمریکا جوابیدن سر تیترا خبرهای مجلات و روزنامه‌های آمریکا و سراسر دنیا شده و این خودش بزرگ‌ترین تبلیغ برای گروه بی‌تی‌اس به شمار میاد.

با این کار گروه بی‌تی‌اس به عنوان سفیران جوان صلح در سراسر دنیا معرفی شدن و بر محبوبیت و معروفیت‌شون افزوده شد.

۱۶۲ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- این ملاقات چه سودی برای دوران ریاست جمهوری بایدن دارد؟

در تمام سال‌های گذشته و در دوران ریاست جمهوری جو بایدن مردم آمریکا بارها و بارها خشم و نفرت خود را از آسیای تبارهای ساکن آمریکا نشان دادند. هم با تبعیض نژادی هم با کشتن آسیایی‌های مقیم آمریکا هم با تحقیر آن‌ها انزجار خود رو نشون دادن. این حرکت جو بایدن پیام صلح و برابری تمام انسان‌های ساکن آمریکا رو نشون می‌ده. این حرکت از نظر سیاسی بازتاب‌های خیلی خوبی داشته.

- از نظر سیاسی چه بازتابی برای جو بایدن داشته؟

با این کار رئیس جمهور جو بایدن تونسته نظر خیلی از مخالفان خود رو جلب کنه و خودش رو به یه چهره صلح دوست و مبارز با تبعیض نژادی و برابری انسان‌ها به دور از رنگ و نژاد معرفی کنه. این برای بایدن خیلی تأثیرگذاره اگر بعد از تمام شدن دوره ریاست جمهوری باز بخواد کاندید ریاست جمهوری بشه.



- عرفان نظرت راجع به داستان‌هایی که توی اینستا و در فن پیج‌ها برای گروه بی‌تی‌اس می‌نویسن،

چییه؟

متأسفانه بعضی از هواداران بی‌تی‌اس برای این که آمار فالورهایشون زیاد بشه، به خودشون اجازه می‌دن تا داستان‌هایی خیالی در مورد آیدول‌های بی‌تی‌اس بنویسن که مضمون این داستان‌های خیالی غالباً عاشقانه و غیراخلاقیه و من مخالف این کار هواداران هستم.

- این کار هواداران چه لطمه‌ای به آیدول‌ها می‌زنه؟

از بس این داستان‌ها زیاد شده و راست و دروغ رو باهم قاطی می‌کنن که ممکنه هواداران تازه وارد و یا مردم عادی اون‌ها رو باور کنن و به این ترتیب خواسته یا ناخواسته به شخصیت اجتماعی آیدول‌ها خللی وارد کنن.

- می‌شه یه نمونه از این داستان‌ها رو مثال بزنید؟

بله، من توی یکی از این فن پیج‌های هواداران بی‌تی‌اس، یکی از داستان‌های خیالی‌شون رو خوندم که با نشون دادن عکس دوتا آیدول، سعی کرده بودند اللقاء کنند که قصه‌شون همچین خیالی هم

نیست. در این داستان تصویری از تهیونگ و جیمین گذاشته بودن که تهیونگ با چنگال یک قارچ هندونه رو توی دهن جیمین می‌گذاشت. با اتکا به همین تصویر که ممکن بود دست جیمین بند بوده باشه و شرایط این که هندوانه بخوره رو نداشته باشه، این‌ها یک داستان سرایی رو درباره این دوتا راه انداختن که همه فکر می‌کردن تهیونگ به جیمین نظر داره و از آنجا که توسط کمپانی آیدول‌ها بارها مجبور شدن که دوتا دوتا دست هم رو بگیرن و در روی صحنه داشته تماس بدنی باهم داشته باشن. دیگه داستان‌های خیالی هواداران حول و حوش این مسایل مهر تأیید بر همجنس‌گرایی آیدول‌ها می‌زد. از آنجا که چهره‌هاشون شبیه به دخترها هست، دیگه عموم مردم درباره‌شون همچین قضاوتی می‌کنن. - این داستان‌های خیالی چه فرهنگی رو در جامعه ما ترویج می‌کنه؟

داستان‌های خیالی همیشه بد نیستن اگر اشاره به شخصی و یا گروهی نکنن و دیگران رو زیر سؤال نبرن. اما به نظر من الآن فرهنگ همجنس‌گرایی و دگرجنس‌گرایی رو ترویج می‌کنن. - از نظر اخلاقی چه تأثیری روی هواداران داره؟

طبیعیه باعث انحراف فکری و اخلاقی هواداران می‌شه و معمولاً آیدول‌ها الگوی قشر جوان ما هستن و دیگه به مرحله‌ای از علاقه‌مندی به آیدول‌ها رسیدن که بی‌چون و چرا از کارهای اون‌ها تقلید می‌کنن و این داستان سرایی‌ها بی‌شک باعث منحرف شدن جوانان هوادار می‌شه.

- آیا گزارش روتیز در مورد دولت چین رو شنیدی که این کشور پخش تصویر گروه بی‌تی‌اس رو در شبکه‌های تلویزیونی‌اش منع کرده؟  
بله، شنیدم. آن‌ها گفتن نشان دادن تصویر مردانه (و در واقع زنانه) گروه بی‌تی‌اس به ضرر مردان چینی است.

نیویورک پست در این خصوص نوشت: اداره ملی رادیو و تلویزیون چین نیز قصد دارد تا ستارگان را تحت قانون جدید قرار دهد و این گونه سرمایه‌داران سرگرمی را تشویق به داوطلب شدن برای کمک به برنامه‌های رفاه عمومی کند.

در گزارش فاکس نیوز تصریح شده: دولت چین نمایش مردان زن‌سان را در تلویزیون ممنوع کرده و به پخش کنندگان رسانه‌ای تأکید کرده که فرهنگ انقلابی را ترویج کنند.  
بنابر همین گزارش، مقامات رسمی چین نگرانند که ستاره‌های هنری و سرشناس این کشور متأثر از ظواهر جذاب دخترانه برخی خوانندگان و بازیگران کره جنوبی و ژاپنی، مردان جوان کشورشان را به فاصله گرفتن از روحیات مردانه ترغیب کنند.

- گروه بی‌تی‌اس خارج از موسیقی چه کارهای دیگری انجام می‌دن؟

بی‌تی‌اس با یونیسف در کمپین ضد خشونت همکاری کردن و در ۷۳ مین و ۷۵ مین مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کردن و همچنین سفرشان به آمریکا و ملاقات با جو بایدن خارج از موسیقی بود.



- شنیدی اعضای بی‌تی‌اس از طرف رئیس جمهور کشورشون حکم لیاقت فرهنگی دریافت کردن؟ آره. طبق آمارهای موجود، این گروه سالانه نزدیک به پنج میلیارد دلار برای کره جنوبی سودآوری دارند و اعلام شده از هر ۱۳ گردشگر یک نفر از آن‌ها به خاطر بی‌تی‌اس به کره می‌آیند. به دلیل این تأثیرگذاری مثبت اعضای گروه، رئیس جمهور کره حکم لیاقت فرهنگی را به اون‌ها داد و به این ترتیب اون‌ها تبدیل به جوان‌ترین دریافت کنندگان این حکم شدن.
- عرفان آیا اعضاء بی‌تی‌اس فعالیت‌های مدلینگ نیز دارند؟
- بله دارن، تمام اعضای بی‌تی‌اس به عنوان سفیران برندهای مشهوری مانند لویی ویتون، هیوندا، زایلیتول و برند مشهور بستنی بسکین رایینز معرفی شده اند.
- این فعالیت‌های مدلینگ لطمه‌ای به موسیقی گروه نمی‌زنه؟
- نه تنها لطمه نمی‌زنه، بلکه باعث در آمدزایی از این راه هم می‌شن. چون آیدول‌ها سرشناس و معروف ان، مدل هر شرکتی بشن، چندین برابر مدل‌های عادی بهشون پول می‌دن. چرا که در سراسر دنیا سریع سفارش اون کالا رو می‌دن. این کار هم به نفع آیدول‌ها هست و هم به نفع شرکت‌ها.
- فعالیت‌های مدلینگ بی‌تی‌اس چه تأثیری روی هواداران دارد؟
- تأثیر بدی روی هواداران نداره. آن‌ها رو مصمم می‌کنه که مثل آیدول‌ها فعالیت اقتصادی و فرهنگی داشته باشن. و برای رسیدن به هدف و نتیجه از هیچ تلاشی نا امید نشوند.
- بسیار خب. ممنون از وقتی که گذاشتی.
- خواهش می‌کنم. کاری نکردم.

## تأملی دوباره

عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

عرفان در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: جذابیت بخشیدن به آیدول‌ها با ادغام چند ویژگی جذاب در آنان، فعالیت‌های تبلیغاتی گروه، سود اقتصادی گروه برای کمپانی، درآمدزایی از طریق جشن‌ها برای کره و کمپانی، برگزاری جشن فستا، اعطای وجهه اجتماعی - سیاسی به گروه، نشان دادن چهره صلح دوست و ضد تبعیض نژادی بایدن در ملاقات با گروه بی‌تی‌اس، قطع ارتباط آیدول‌ها با خانواده‌های‌شان (برای مخدوش نشدن تصورات و ذهنیات آیدول‌ها)، از بین بردن هویت جنسی میان آیدول‌ها، تلاش کمپانی برای به انحراف کشاندن اخلاقی هواداران، درآمدزایی بیش‌تر برای کمپانی با تبلیغ هم‌جنس‌گرایی، عادی‌سازی هم‌جنس‌گرایی برای پوشش دادن به اهداف فرهنگی - سیاسی - اقتصادی نظام سرمایه‌داری و مقابله برخی از کشورهای جهان با عملکرد و اهداف کمپانی، اشاره داشته است.

عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: دریافت حکم لیاقت فرهنگی از طرف رئیس‌جمهور کره به بی‌تی‌اس، معرفی شدن گروه به عنوان سفیران جوان صلح و ضد تبعیض نژادی در جهان در ملاقات با بایدن، دعوت گروه به صبر و آرامش و از بین رفتن هویت جنسی میان آیدول‌ها، اشاره داشته است.

عرفان در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: جهانی شدن بی‌تی‌اس، اخذ ارزش توسط هواداران از گروه، الگوبرداری اخلاقی از اعضای گروه، استقبال هواداران از جنسیت‌زدایی از آرایش و پوشش، اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران از طریق آهنگ‌های بی‌تی‌اس، تشویق به مقاومت و استقامت در بین هواداران بی‌تی‌اس، الگوبرداری بعضی از هواداران در ازدواج نکردن به تقلید از آیدول‌ها، اثرپذیری هواداران حتی در ذائقه غذایی آنان، انصراف دادن بعضی از هواداران از بی‌تی‌اس پس از ترویج دگرباشی و همجنس‌گرایی توسط آیدول‌ها، از بین رفتن هویت جنسی میان آیدول‌ها، تأثیرپذیری هواداران از آیدول‌ها در انتخاب شغل و جهت دادن به آینده‌شان، در آمدزایی برخی از هواداران از طریق تبلیغات در فن پیچ‌ها و کانال‌های بی‌تی‌اسی، رونق کسب و کار و درآمدزایی شخصی هواداران از طریق تقلید و الگوبرداری از آیدول‌ها، یکی از علل عدم انتقاد از آیدول‌ها توسط هوادارانی که با ظلم کمپانی آشنا هستند مسأله فشار غیرمتعارف کمپانی به آیدول‌ها است، مشاجره و به تناقض کشیده شدن هواداران به خاطر طرفداری از آیدول‌ها، ایجاد اختلاف‌های خانوادگی و پرهیز از انتساب خود به گروه بی‌تی‌اس، اشاره داشته است.

۱۶۶/ چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه عرفان ۲۱ ساله، با ارجاع محورهای اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر وی و دیگر هواداران، توجه خویش را به مباحث عرفان در زمینه اقدام‌های کمپانی متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، از منظر عرفان ۲۱ ساله، «جذابیت بخشیدن به آیدول‌ها با ادغام چند ویژگی جذاب در آنان»، یکی از اقدام‌های مهم کمپانی است و به این ترتیب کمپانی می‌کوشد تا هواداران را بیش از پیش جذب ستاره‌های کمپانی کند. عرفان در مصاحبه خود در همین زمینه بیان می‌داشت:

«- خودت چه اطلاعاتی شخصی از جین داری؟»

جین یکی از خواننده‌های گروه بی‌تی‌اسه که متولد سال ۱۹۹۲ است و در همان کره جنوبی متولد شده و در این گروه فعالیت می‌کند. از لحاظ سنی بزرگ‌ترین عضو تیم است. او در بیست سالگی وارد این عرصه شد، در ابتدا رؤیای خودش تئاتر و بازیگری بود. قبل از وارد شدن به این گروه خودش نمی‌دانست که چه قدر استعداد خوانندگی دارد. او سخت کار کرد و تحصیلاتش رو در زمینه موسیقی و آواز به اتمام رسانید.

- نظر خودت در مورد جین چیه؟

به نظرم بهترین آیدوله که از همه لحاظ بی‌نظیره. یعنی تمام حسن‌های خوب به یکجا در وجود این آیدول جمع شده. هم جذابه، هم صدایش فوق‌العاده هست و هم بهترین آهنگ سازه.  
- عرفان از بین بچه‌های گروه بی‌تی‌اس تو خودت طرفدار کدام یکی شون هستی؟  
همه‌شون خوبن، ولی من عاشق جین هستم. تا حدی که دیوارهای اطاقم پر از پوسترهای جین با اون ژست‌های قشنگش هست».

کمپانی با موارد دیگری مانند «کسب سود اقتصادی توسط گروه» و «فعالیت‌های تبلیغاتی گروه»، در پی کسب سود بیش‌تر و بیش‌تر خود برآمده است. نظر عرفان در ارتباط با موارد اخیر به قرار زیر بوده است:  
«- شنیدی اعضای بی‌تی‌اس از طرف رئیس جمهور کشورشون حکم لیاقت فرهنگی دریافت کردن؟ آره. طبق آمارهای موجود، این گروه سالانه نزدیک به پنج میلیارد دلار برای کره جنوبی سودآوری دارند و اعلام شده از هر ۱۳ گردشگر یک نفر از آن‌ها به خاطر بی‌تی‌اس به کره می‌آیند. به دلیل این تأثیرگذاری مثبت اعضای گروه، رئیس جمهور کره حکم لیاقت فرهنگی را به اون‌ها داد و به این ترتیب اون‌ها تبدیل به جوان‌ترین دریافت‌کنندگان این حکم شدن».

«- عرفان آیا اعضای بی‌تی‌اس فعالیت‌های مدلینگ نیز دارند؟»

بله دارن، تمام اعضای بی‌تی‌اس به عنوان سفیران برندهای مشهوری مانند لویی ویتون، هیوندا، زایلیتول و برند مشهور بستنی بسکین رایینز معرفی شده‌اند.

- این فعالیت‌های مدلینگ لطمه‌ای به موسیقی گروه نمی‌زنه؟

نه تنها لطمه نمی‌زنه، بلکه باعث در آمدزایی از این راه هم می‌شن. چون آیدول‌ها سرشناس و معروف‌ان، مدل هر شرکتی بشن، چندین برابر مدل‌های عادی بهشون پول می‌دن. چرا که در سراسر دنیا سریع سفارش اون کالا رو می‌دن. این کار هم به نفع آیدول‌ها هست و هم به نفع شرکت‌ها».

از نظر عرفان ۲۱ ساله «درآمدزایی از طریق جشن‌ها برای کمپانی» و «برگزاری جشن فستا»، از دیگر اقدام‌های تبلیغاتی کمپانی است که منافع بیش از پیش کمپانی را تأمین می‌سازند:

«- عرفان کمپانی برای جشن‌های دیگر هم هزینه‌های زیادی می‌کنه؟

بله، برای همه‌ی جشن‌ها کلی هزینه می‌کنه.

- یه نمونه دیگه می‌شه مثال بزنی؟

بله، مثلاً هزینه‌هایی که برای جشن تولّد هر کدام از آیدول‌ها می‌کنه، ده‌ها برابر جشن فستا است. برای تولّد آیدول‌ها نه تنها در کره جشن می‌گیره، بلکه در اکثر کشورها هم کلی بِنر و پوستر از آیدول‌ها بر در و دیوار و برج‌های معروف جهان می‌چسبانن. برای تولّد هر کدام‌شان از یه رنگ استفاده می‌کنن، مثلاً برای تولّد تهیونگ از رنگ بنفش استفاده کردن و برای تولّد جین از رنگ صورتی استفاده کردن.

- عرفان به نظرت کمپانی این همه هزینه برای جشن‌ها رو از کجا می‌آورد؟

اگر کمپانی برای هر جشنی هزینه کند، آنقدر با قدرت برای جشن‌ها تبلیغات می‌کنه و از قبل آهنگ‌هایی آماده می‌کنه که نه تنها هزینه‌ها برمی‌گرده، بلکه چندین برابر نیز سود می‌کنه.

- چه طور همچین چیزی ممکنه؟ مثال می‌زنی.

مثلاً وقتی جشن تولّد تهیونگ رو گرفتن، عکس و بِنر تهیونگ رو بر روی معروف‌ترین برج‌های دوبی و ژاپن و ویتنام و ده‌ها کشور دیگه با نور افشانی به رنگ بنفش نشان داده شد. یعنی آنقدر تهیونگ رو به دنیا شناساندن که کافی بود تهیونگ بره به هر کدام از این کشورها و آلبوم خودش رو اجرا کنه. آن وقت بلیط برای فروش کم می‌آوردن یا حتی می‌تونستن بلیط‌ها رو دو، سه برابر قیمت واقعی‌شون به فروش برسانن. در نتیجه هر چه هزینه می‌کنن، ده‌ها برابرش از راه‌های دیگه به جیب‌شون برمی‌گرده».

«... جشن فستا هر ساله از اول ژوئن تا ۱۲ و ۱۳ ژوئن برگزار می‌شه. توی این دوره سیزده روزه اعضای گروه بی‌تی‌اس به آرمی‌ها هدیه‌هایی مثل پروفایل‌های خنده‌دار و عکس‌ها و یا آهنگ‌های زیبا و یا کاورهای خودشون رو می‌دن که واقعاً خیلی باحالتن و در آخرین روز از فستا، اعضای پارتی تولّد برای بی‌تی‌اس می‌گیرن که کل محتوای اون رو خودشون آماده می‌کنن. هر سال هشتک‌های مختلفی مثل فستا و بی‌تی‌اس و آرمی و... ترند می‌شه. در کل فستا یه چیزیه بین آرمی‌ها و بی‌تی‌اس که باهم جشن می‌گیرن و اعضا از خاطرات‌شون و شادی‌هاشون حرف می‌زنن که واقعاً هر آرمی هر ساله منتظر این روزه. این قدر این جشن فستا رو در رسانه‌های سراسر کره پخش می‌کنه که مردم و طرفداران هر ساله

۱۶۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

دراول ژوئن منتظر جشن ان و در سراسر جهان هم این زمان بین هواداران هر ساله جشن گرفته می‌شه و کمپانی مقداری از درآمدش رو به کارهای خیر و کمک به نیازمندان اختصاص می‌دهد.  
- برگزاری جشن فستا چه تأثیری روی هواداران داره؟

چون این جشن دوازده تا سیزده روز ادامه داره، خیلی به هواداران خوش می‌گذره. معمولاً آیدول‌های بی‌تی‌اس در این سیزده روز با هواداران ارتباط برقرار می‌کنن و لحظات شادی رو ایجاد می‌کنن مثلاً خاطرات خنده‌دار می‌گن و آهنگ‌های زیبا می‌خوانن که گاهی با رقص توام هستن و هواداران انرژی مثبت می‌گیرن».

عرفان در فراز دیگری از مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، کمپانی با «اعطای وجهه اجتماعی- سیاسی به گروه» و «نشان دادن چهره صلح دوست و ضد تبعیض نژادی گروه بی‌تی‌اس»، وجهه‌ای اجتماعی- سیاسی به گروه بخشیده، آنان را افرادی چند بعدی می‌نمایند:

«- چه ارتباطی بین گروه بی‌تی‌اس و حاکمیت در کره و آمریکا برقرار هست؟

گروه بی‌تی‌اس زیر نظر کمپانی وابسته به حاکمیت کره دایر شده و به رشد خود ادامه داده و گروه هر ملاقاتی رو زیر نظر کمپانی انجام می‌ده و دیدار گروه بی‌تی‌اس با رئیس جمهور بایدن به منظور شرکت در مراسم ماه میراث (جنايات نفرت و تبعیض ضد آسیایی) است تا میراث رو جشن بگیرن و با رئیس جمهور بایدن درباره افزایش نگران کننده جنایات و نفرت و تبعیض ضد آسیایی در ایالات متحده گفت‌وگو کنند. شاید شنیده باشی که نفرت آمریکایی‌ها به آسیایی‌های ساکن آمریکا به حدی زیاد شده که در ۱۶ مارس یک مرد مسلح آمریکایی هشت نفر از جمله شش زن آسیایی رو به قتل رساند».

«- عرفان حضور گروه بی‌تی‌اس در کاخ سفید و ملاقات با بایدن از نظر فرهنگی و اجتماعی چه تأثیری در جهان داشته؟

خیلی از لحاظ فرهنگی تونسته تأثیر داشته باشه. گروهی از پسران زیباروی و جذاب کره‌ای با ملاقات‌شون با رئیس جمهور وقت آمریکا جو بایدن سر تیتیر خبرهای مجلات و روزنامه‌های آمریکا و سراسر دنیا شده و این خودش بزرگ‌ترین تبلیغ برای گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌آید.  
با این کار گروه بی‌تی‌اس به عنوان سفیران جوان صلح در سراسر دنیا معرفی شدن و بر محبوبیت و معروفیت‌شون افزوده شد.

- این ملاقات چه سودی برای دوران ریاست جمهوری بایدن دارد؟

در تمام سال‌های گذشته و در دوران ریاست جمهوری جو بایدن مردم آمریکا بارها و بارها خشم و نفرت خود را از آسیایی تبارهای ساکن آمریکا نشان دادن. هم با تبعیض نژادی هم با کشتن آسیایی‌های مقیم آمریکا هم با تحقیر آن‌ها انزجار خود رو نشون دادن. این حرکت جو بایدن پیام صلح و برابری تمام انسان‌های ساکن آمریکا رو نشون می‌ده. این حرکت از نظر سیاسی بازتاب‌های خیلی خوبی داشته.

- از نظر سیاسی چه بازتابی برای جو بایدن داشته؟



با این کار رئیس جمهور جو بایدن تونسته نظر خیلی از مخالفان خود رو جلب کنه و خودش رو به یه چهره صلح دوست و مبارز با تبعیض نژادی و برابری انسان‌ها به دور از رنگ و نژاد معرفی کنه. این برای بایدن خیلی تأثیرگذاره، اگر بعد از تمام شدن دوره ریاست جمهوری‌ش باز بخواد کاندید ریاست جمهوری بشه».

«- گروه بی‌تی‌اس خارج از موسیقی چه کارهای دیگری انجام می‌دن؟»

بی‌تی‌اس با یونیسف در کمپین ضد خشونت همکاری کردن و در ۷۳ مین و ۷۵ مین مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کردن و همچنین سفرشان به آمریکا و ملاقات با جو بایدن خارج از موسیقی بود».

عرفان ۲۱ ساله در مصاحبه خود از «قطع ارتباط آیدول‌ها با خانواده‌های‌شان»، به عنوان تمهید دیگری از کمپانی یاد می‌کند که کمپانی جهت نداشتن رقیب در القائات ارزشی خویش به آیدول‌ها، بدان متوسل گردیده است:

«- آیا کمپانی کار نامتعارفی از آیدول‌ها درخواست می‌کنه؟»

کمپانی به آیدول‌ها می‌گه که روی صحنه و یا در مکان‌های شلوغ، تماس بدنی باهم داشته باشن و یا دست هم دیگه رو بگیرن و این کار آیدول‌ها در ذهن هواداران و مردم اون‌ها رو به عنوان همجنس‌گرا معرفی می‌کنه که این کار کمپانی از لحاظ روحی و روانی به آیدول‌ها لطمه می‌زنه.

- چرا کمپانی بهشون می‌گه این کارها رو بکنن؟

هم برای جذب هوادار بیش‌تر هم برای رواج همجنس‌گرایی.

- این کار آیدول‌ها چه تبعاتی براشون داره؟

مورد نفرت مردم کشور خودشون قرار می‌گیرن و ممکنه خانواده‌هاشون طردشون کنن و روح و روان خودشون به هم می‌ریزه و به خوردن داروهای اعصاب پناه می‌برن.

- هواداران بی‌تی‌اس در مقابل این کارهای غیراخلاقی آیدول‌ها چه عکس‌العملی نشون می‌دن؟

هواداران به سادگی هیت دادن رو حق خود می‌دانن و به آیدول‌های الفاظ رکیک و زشتی می‌گن، مثلاً خوک کثیف و غیره. ولی همه باور نمی‌کنن مگر اندکی از هواداران یا مردم عادی. فکر می‌کنن آیدول‌ها همجنس‌گرا هستن».

عرفان با بیان مواردی همچون «از بین بردن هویت جنسی میان آیدول‌ها» و «تلاش کمپانی برای به انحراف کشاندن اخلاقی هواداران»، به زعم خویش از دیگر اهداف کمپانی یاد کرده است. وی در همین ارتباط می‌گوید:

«... کمپانی سازنده بی‌تی‌اس برای منحرف کردن اذهان مردم و هواداران به آیدول‌ها می‌گه زمانی

که روی صحنه اجرا دارن دست‌های همدیگه رو لمس کنن یا نگاه‌های نافذ و معنی داری به کنار دستی خودشون بکنن.

- این کار کمپانی چه معنی می‌تونه داشته باشه؟

مردم فریب می‌خورن و فکر می‌کنن آیدول‌ها همجنس‌گرا هستن و برای اینه که ازدواج نمی‌کنن.

- این کار کمپانی لطمه‌ای به آیدول‌ها می‌زنه؟

آیدول‌ها دچار صدمات روحی و روانی شدیدی می‌شن. با آبرو و حیثیت اون‌ها بازی می‌شه. بعضی‌هاشون افسرده می‌شن و به خوردن قرص‌های اعصاب روی میارن، ولی چون با کمپانی قرار داد بستن، به کارشون ادامه می‌دن.

- این کار کمپانی چه لطمه‌ای به هواداران می‌زنه؟

بعضی‌ها مثل من که می‌دانن آیدول‌ها پاک و بی‌گناه هستن، خیلی ناراحت می‌شن و سعی می‌کنن چهره واقعی آیدول‌ها رو برای همه آشکار کنن، ولی یه عده هم این حقه کمپانی رو نمی‌فهمن و فکر می‌کنن آیدول‌ها منحرف و همجنس‌گرا هستن. باز این عده هم ناراحت می‌شن که چند مدتی چه کسانی الگوشون بوده و از هواداری دست می‌کشن. یه عده دیگه هم هستن که کلاً از مرحله پرت هستن و خیلی هم خوش‌شون میاد و به بیراهه کشیده می‌شن.»

«- عرفان چرا همه پسران گروه بی‌تی‌اس به دخترها شباهت دارن؟»

گروه هفت نفره اعضاء بی‌تی‌اس ظاهراً مذکر هستند، اما فاقد هویت جنسی قطعی هستند. از قضا، این مسأله، یعنی هویت مرزی جنسی، یکی از محورهای شکل‌گیری پروژه بی‌تی‌اس هست. پسرانی جوان با اندام و پوشش و هییتی پسرانه، اما با چهره‌هایی به شدت ظریف و زنانه که استفاده از میکاپ و زیور آلات زنانه، تشخیص هویت جنسی آن‌ها رو دشوار کرده است.

هفت عضو گروه بی‌تی‌اس پسران دخترنما هستن که با آرایش و میکاپی که می‌کنن، تشخیص‌شون سخته چه جنسیتی دارن.

کمپانی معمولاً آیدول‌ها رو از بین پسرانی انتخاب کرده که شبیه دخترن و یا با عمل‌های جراحی پلاستیک اگر ایرادی داشتن رو تغییر دادن.

- چرا کمپانی این کارا رو می‌کنه؟

خود کمپانی زیر نظر یکی از برنامه‌های یک شبکه جهانی است که ستاد فرماندهی نظام لیبرال سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد. در سال‌های اخیر با اعمال نفوذ این شبکه قدرتمند، بحث دگرپاشی جنسی و هویت‌های جنسی رو فرهنگ‌سازی کرده. در دو، سه سال اخیر به واژه ال‌جی‌بی‌تی، کوئیر رو هم اضافه کردن. کوئیر به معنای اصلی عجیب و غریب و یا عوضی.

واژه‌ای است که به صورت کلی برای افرادی به کار می‌رود که هویت جنسی نامشخصی دارن و کوئیر در ادبیات جنسی که در سال‌های اخیر در رسانه‌های نظام لیبرال سرمایه‌داری جعل شده، به افرادی گفته می‌شود که از لحاظ شناسنامه‌ای و فیزیولوژیک مرد هستن اما ظاهر و قیافه و آرایش آن‌ها زنانه است.

- چرا در کنسرت‌ها و ویدیوهای بی‌تی‌اس هیچ دختری نیست؟

چون به اختلال آمیختگی هویت جنسی و خود بسندگی جنسی رسیدن حتی در آهنگ عاشقانه‌ای به نام «به تو نیاز دارم دختر» که در آن خطاب به مخاطبی فرضی که به دختر باشد، گفته می‌شود، عملاً هیچ دختری در این ویدیو وجود ندارد».

از دیگر مواردی است که عرفان در مصاحبه خود بدان اشاره داشته است، مقوله «درآمدزایی بیش‌تر برای کمپانی با تبلیغ هم‌جنس‌گرایی» و «عادی‌سازی هم‌جنس‌گرایی برای پوشش دادن به اهداف فرهنگی - سیاسی - اقتصادی نظام سرمایه‌داری» هست:

«- عرفان نظر خودت در مورد آیدول‌ها چیه؟

به نظر من انسان‌های پاکی هستن که کمپانی اون‌ها رو استثمار کرده برای پیش‌برد اهداف پلید خودش. کمپانی از زیبایی و جذابیت اون‌ها به نفع اهداف خودش سوءاستفاده می‌کنه.

- می‌شه چندتا از اهداف کمپانی رو بگی؟

بله، یکی می‌خواد هم‌جنس‌گرایی رو در جهان عادی جلوه بده تا در زیر سایه اون به اهداف سیاسی کره با غربی‌ها دست پیدا کنه. دوم این که با این تبلیغات طرفداران بیش‌تر پیدا بکنه و سوم از نظر اقتصادی در آمد بیش‌تری داشته باشه».

عرفان ۲۱ ساله در مصاحبه‌ای که داشته است از «مقابله برخی از کشورهای جهان با عملکرد و اهداف کمپانی» نیز یاد کرده است:

«- آیا به گزارش رویترز دولت چین پخش تصویر گروه بی‌تی‌اس رو در شبکه‌های تلویزیونی‌اش منع کرده رو شنیدی؟

بله، شنیدم. آن‌ها گفتن نشان دادن تصویر مردانه (و در واقع زنانه) گروه بی‌تی‌اس به ضرر مردان چینی است.

نیویورک پست در این خصوص نوشت: اداره ملی رادیو و تلویزیون چین نیز قصد دارد تا ستارگان را تحت قانون جدید قرار دهد و این‌گونه سرمایه‌داران سرگرمی را تشویق به داوطلب شدن برای کمک به برنامه‌های رفاه عمومی کند.

در گزارش فاکس نیوز تصریح شده: دولت چین نمایش مردان زن‌سان را در تلویزیون ممنوع کرده و به پخش کنندگان رسانه‌ای تأکید کرده که فرهنگ انقلابی را ترویج کنند.

بنابر همین گزارش، مقامات رسمی چین نگرانند که ستاره‌های هنری و سرشناس این کشور متأثر از ظواهر جذاب دخترانه برخی خوانندگان و بازیگران کره جنوبی و ژاپنی، مردان جوان کشورشان را به فاصله گرفتن از روحیات مردانه ترغیب کنند».



## مصاحبه با مه‌لقا، ۱۹ ساله

کاپیتالیسیم و موسیقی مارکتی میان جایزه‌های مختلف می‌دارن... نمی‌دونم چندمدل رأی‌گیری و استریم زدن وجود داره، توی اسپاتیفای، توی یوتوب، توی توئیتر و توی پلتفرمای مختلف و این که تو بخوای واردش بشی، وارد یه سیکل معیوبی می‌شی که دائماً در حال رأی‌گیری هستی... .

- سلام!

سلام!

از این که پذیرفتی با هم مصاحبه داشته باشیم، متشکرم.

خواهش می‌کنم.

- عزیزم می‌شه بگی چند وقته کی پاپری؟

۷ ساله.

- خوب یه کم بیش‌تر توضیح می‌دی که چی شد که کی پاپر شدی؟

بذار مفصل جواب بدم. من از بچگی با سریالای کره‌ای مثل جومونگ و یانگوم و دونگی علاقه‌مند شدم به کی‌دراما و دوست صمیمیم که کی‌دراما می‌دید من رو ترغیب کرد و باهم شروع کردیم به دیدن و بعد از دیدن بوسه‌ی شیطنت‌آمیز، فن SS501 شدم به مدت یک سال.





بعدش تو راهنمایی دوستام من رو با اکسو آشنا کردن و از اون موقع فن اکسو هستم. این وسطا به گروه‌های دیگه هم ناخونک زدم، اما اون‌ی که برام موندگار شد، اکسو بود.

- خوب می‌تونم دقیق بگی منظورت از بچگی چه سنیه؟

شاید ۸-۹ سالگی. وقتی هم که کی‌پاپر و کی‌درامر شدم ۱۱ سالم بود.

- خوب می‌تونم بگی چه طوری با اکسو آشنا شدی و چی جذبت کرد؟

از دیدن ماما ۲۰۱۲ شروع شد و بعدشم فن پیجای اینستاگرام. خیلی بانمک و دوست داشتنی بودن و حس خوبی منتقل می‌کردن. موسیقی‌شون به شدت برام جذاب بود و سطح خوانندگی و رقص‌شون هم واقعاً بالا بود و سخت‌کوشی‌شون برام قابل ستایش بود.

- عزیزم می‌شه مثال بزنی که دوستان خودت چه تأثیری توی این فرایند داشتن؟

دوتاشون که فن اکسو بودن همیشه ازشون تعریف می‌کردن و راجع بهشون حرف می‌زدن. اوایل گارد داشتم نسبت به اونا، اما کم‌کم ازشون خوشم اومد. ما اخبار رو برای هم می‌فرستادیم و هر روز تو مدرسه درباره‌شون حرف می‌زدیم و ذوق می‌کردیم و به اصطلاح، فن‌گرلی می‌کردیم. در صورتی که بعضی از هم‌کلاسی‌هامون ما رو مسخره می‌کردن. این دوستیه باعث می‌شد بفهمیم ما عجیب غریب نیستیم و این که کسی رو داشته باشی تا احساساتت رو درک بکنه و حس مقبولیت درونت رو ارضا بکنه، رضایت بخشه.

- خوب این مسخره کردنه تا چه اندازه بود و عکس‌العمل شما در برابرش چی بود.

نه هیت نمی‌دادن، فقط گه گذاری با شوخی تیکه‌های کوچیک می‌انداختن. بعضیاشونم حتی یه وقتایی باهامون همراه می‌شدن و اعضاء رو بهشون معرفی می‌کردیم و اجراها رو نشون شون می‌دادیم و خوش شون می‌اومد.

- این حس مقبولیت که می‌گی توسط گروه اکسو ارضا می‌شد یا از این جهت که افراد دیگه‌ای هم هستن که فن باشن؟

هر دوش. وقتایی که اونا از طرفداراشون حرف می‌زدن و تشکر می‌کردن یا جایزه‌ای می‌گرفتن باعث افتخارمون می‌شد. از طرفی هم دوست داشتیم همیشه پیش همه درباره‌شون حرف بزیم و بهشون نشون بدیم که طرفدار چه کسانی هستیم و وقتی بقیه هم تحت تأثیر قرار می‌گرفتن دوباره اون حس افتخار بود و ارضای مقبولیت.



- یادت هست که اون اوایل علت دنبال کردن اکسو توسط خودت چی بود؟

من به خاطر مشکلات خانوادگی، دوران سختی رو تو زندگی می‌گذروندم. دوست خاصی نداشتم و همیشه آدم گوشه گیر و آرومی بودم. اکسو باعث می‌شد بخندم و دلخوشی داشته باشم. هیچ کس نبود که درکم کنه و باهاش حرف بزنم، ولی اکسو برام مثل مسکن عمل می‌کرد و می‌تونستم از دنیای اطرافم به اونا پناه ببرم. حتی زمان‌هایی رو یادم میاد که غیر از اکسو مطلقاً هیچ دلخوشی و دلیلی برای ادامه دادن پیدا نمی‌کردم. به نظرم برای دوره‌ای ناجی‌های من بودن و نمی‌تونم تصور کنم که اگه فن‌شون نبودم، اون چند سال چه جوری می‌گذشت.

- پس بگذار این سوال رو بپرسم، اکسو خلاه‌های عاطفی که احساس می‌کردی رو برات پر می‌کرد؟ آره دقیقاً. بعد بهم حس مهم بودن می‌داد. دوست داشتن آدم‌ها حس جذابی و وقتی خام‌تری، از آدم‌ها بت می‌سازی و می‌پرستی‌شون، فارغ از این که اون‌ها هم مثل تو انسانان و کم و کاستی‌هایی دارن. من تو زمان‌های خالیم در مورد آینده رؤیایرذاری می‌کردم. همیشه موسیقی رو دوست داشتم و به نظرم اکسو یه تأثیر بزرگی توی علاقه‌ام به موسیقی و در نهایت انتخاب رشته‌ام داشت.

- می‌تونم بپرسم چه رشته‌ای می‌خونی و این که اکسو توی پیدا کردن هدف چه طوری کمکت کرد؟

من دانشگاه نمی‌رم، ولی تو هنرستان موسیقی خوندم. بهتره بگیم اکسو علاقه من به موسیقی رو تشدید کرد و یه انگیزه بود برام. من اون موقع‌ها خیلی دوست داشتم مهاجرت کنم و در کشور کره درس بخونم، ولی بزرگ‌تر که شدم، اون دیدگاه ایده‌ال و رؤیاییم نسبت بهش از بین رفت و با بدی‌های فرهنگ کره بیش‌تر آشنا شدم و بتی که ساخته بودم شکست.

- منظورت از این بتی که می‌گی ساخته بودی چیه؟

خب اون موقع می‌گفتم کره هم مثل مثلاً کشور خودمونه، اینجا هم یک‌سری تعصبات هست اونجا هم هست، در عوض امکاناتش بیش‌تره، ولی کم‌کم فرهنگشون رو دیدم، اون تعصبات نژادپرستی و غیره باعث شد، بدی‌هاش در نظرم غلبه کنه.

- در مورد زبان‌شون چه طور، سعی نکردی کره‌ای یاد بگیری؟

چرا اتفاقاً حروفشون رو یاد گرفته بودم و هنوزم یادمه. اون قدر هم که سریال دیدم و هنوز می‌بینم، باعث شده نصف فیلم رو بدون نیاز به زیرنویس بفهمم. زبان شیرین و بامزه‌ای دارن.

- خوب عزیزم اگه دقیق‌تر و به طور کلی بخواهی بگی علت دنبال کردنشون چی هست، رقص،

اجرا، آهنگ، سبک موسیقی یا چی؟

آممم فکر می‌کنم توی جوابام تیکه تیکه گفته باشم... ولی اگه بخوام یه بار دیگه بگم می‌گم که عههه جدا از این که حس خوبی منتقل می‌کردن، موسیقی‌شون سبک‌شون و آمم کلاً موزیک ویدیوهاشون چون توی کی‌پاپ خیلی به موزیک ویدیو اهمیت می‌دن و آمم اون جلوه‌های بصری و



اینا به نظرم خیلی تأثیر داره و قطعاً پرفرمنسوشن، قطعاً توانایی خوانندگی شون و موزیک‌هاشون همه اینا که مربوط به خودشون بوده، می‌گم یه سمتیش بوده و سمت دیگه‌اش هم شرایطی که خودم اون زمان توش بودم و خلأیی که اونا برای من پر می‌کردن و باعث می‌شد که در واقع یه دل‌خوشیی داشته باشم، حس نکنم تنها یا اضافی‌ام، حس ارزشمندی بهم می‌دادن.

- خوب به جز اکسو طرفداری گروه‌های دیگه رو هم داشتی؟

آره. یه تایم کوتاهی بلک‌پینک و بی‌تی‌اس و گات سون و دابل اس.



- منظورت چی بود که گفتی یه وقت کوتاهی؟ یعنی هم‌زمان با اکسو بود، چه جوری بود، یه کم بیش‌تر توضیح می‌دی؟

دابل اس که هم‌زمان با اکسو نبود، یعنی اولین گروهی که من استن می‌کردم، دابل اس بود، بعدش شد اکسو و اون وسطا آره، مثلاً گروه‌های مختلف باهاشون آشنا می‌شدم یا یه ذره می‌رفتم تو فندوم‌شون و این داستانا، ولی اممم حالا از فنای بی‌تی‌اس خیلی چیزای بدی دیدم، مخصوصاً نسبت به اکسو و

۱۷۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

فناي اکسو که چه قدر با تعصب خیلی بیش‌تری رفتار می‌کردن و این من رو خیلی زده کرد و همه‌اش باعث می‌شد که برگردم و چون هیچ کسی واسه من اکسو نمی‌شد، هر چه قدر جلوتر می‌رفتم و با هر گروهی که آشنا می‌شدم، دوباره برگشتم و تنها گروهی که همیشه استن می‌کردم، اکسو بود.

- حالا واقعاً کار اکسو خوب بود یا تو این جورى تصور می‌کردی؟

الآنم با این که دیگه زیاد پیگیر نیستم، همچنان می‌گم واقعاً کارشون خوب و قویه. به خصوص ووکال لاینش بی‌نظیره و حق‌شون هم بیش‌تر از این‌ها هست منتهی، به خاطر کمپانی‌شون در حق‌شون اجحاف شده، باید بیش‌تر دیده می‌شدن.

- منظورت چیه که می‌گی به خاطر کمپانی‌شون؟

خیلی مفصله. کمپانیه حمایت‌گری ندارن. کمپانی فقط به فکر سود خودشه و از اکسو بیگاری می‌کشه و خیلی اذیت‌شون می‌کنه که سه‌تا از اعضای چینی طی یکی، دو سال از گروه خارج شدن. این سه، چهار سال اخیر هم چون اواخر قرارداد اکسو با کمپانی‌ش بود، کمپانی سعی می‌کرد از اکسو حمایت نکنه و خودش و سهامش رو زیاد وابسته‌ی اکسو نکنه که اگه اکسو رو از دست داد، ضربه‌ی بزرگی نخوره. سعی کرد گروه‌های دیگه‌اش رو بیاره بالا تا جایگزین اکسو بشن، ولی خب کارساز نبود. الآنم فعلاً تا پایان سربازی‌شون دو سالی مونده احتمالاً بعدش تصمیم می‌گیرن که با گروه چه کار بکنن.

- این که گفתי اعضای چینی از گروه خارج شدن، آیا اذیت شدن این‌ها نشونه نژادپرستی تو کشور کره هست؟

آره کره به شدت مردم نژادپرستی داره (با تأکید می‌گوید). یکی از بلاگرهایی که رفته کره، ایرانیه، رفته کره اونجا زندگی و کار می‌کنه و همیشه میاد صحبت می‌کنه که اوایل چه قدر اذیت می‌شدم، از این که باهام بد رفتاری می‌شد، به عنوان یک فرد ایرانی، یک فرد خارجی، کلاً یک مقداری گارد دارن نسبت به شخصی که از کشور دیگه میاد، از یه ملیت دیگه هستن و اینا و این که حالا خود فناي متعصب نسبت به اعضای چینی رفتارای بدی داشتن، ولی خود کمپانی باز رفتاراش خیلی بدتر بوده و خیلی بیش‌تر اذیت‌شون می‌کرده، یعنی حتی یه زنگ ساده نمی‌تونستن به اعضای خانواده‌شون بززن یا یه سری بیماری زمینه‌ای داشتن، حالا یکی‌شون بود که مشکل قلب داشت یا حالا هر کدوم‌شون یه سری مشکلاتی داشتن، اصلاً به اینا توجه نمی‌کرد و کمپانی می‌اومد برخلاف همه این مشکلات، به شدت ازشون کار می‌کشید و اصلاً بهشون استراحت نمی‌داد، نه که بگم با اعضای کره‌ای خیلی خوب رفتار می‌کنه، نه، ولی با اعضای چینی خیلی بدتر رفتار می‌کرد که اونا واقعاً صلاح رو در این دیدن که برن از گروه.

- چندتا مثال از این که می‌گی کمپانی به فکر خودشه می‌زنی؟

کمپانی واقعاً به فکر خودشه، دیگه نمی‌خواد سود خودش رو از دست بده. اون اوایل به اکسو بها داد تا خودش سود کنه و اینا، بعد اومد بالا یهو دید کل کمپانی‌ش شده اکسو و هیچ چیز دیگه‌ای

نمی‌تونه جایگزینش بشه، گروه‌های مختلف رو درست کرد کلی رو اونا هزینه کرد، نمی‌دونم زیر گروه درست کرد از چندتا گروه و اینا رو بیش‌تر انداخت سمت شورای اروپایی و آمریکایی و اینا، ولی بازم هیچ کدومشون اون قدر اون طور که باید کار نکرد که اکسو کار کرد. الانم منتظره تا همه اعضا سربازباشون تموم شه و بعد ببینیم که چه فکری می‌خوان بکنن. طبیعتاً نمی‌تونن از کمپانی برن، چون اگه بخوان از کمپانی برن، اممم تمام آهنگای قبلی‌شون و هیچ چی رو نمی‌تونن اجرا کنن و اصلاً کلاً حق مالکیت اونا رو ندارن، چون حق مالکیتش با کمپانیه. بنابراین فکر نمی‌کنم برن، شاید یه گروه جدا تشکیل بدن، مثل سوپر جونیور، چون اونام یکی از بندای اسم بودن و اونا هم خیلی اذیت شدن، حالام نمی‌دونم چه فکری قراره بکنن ولی به هر حال کمپانی به شدت اذیت‌شون می‌کنه و در خیلی اوقات وقتی یه سری اتفاقات میفته و شایعات بدی در مورد افراد و کل گروه به وجود میاد، هیچ ری اکشنی نشون نمی‌ده یا حمایت نمی‌کنه و این که اصلاً انگار نه انگار باید از اعضای خودش حمایت کنه و اصلاً پشت اعضای اکسو نیست.



- تو الان دیگه کی پاپ نیستی؟

نه، تقریباً یک‌ساله می‌شه دیگه پیگیری نمی‌کنم.

- می‌شه بگی چرا؟

هم دغدغه‌هام و زندگی‌م تغییر کرده، هم از اون دنیای فانتزیه نوجوونی بیرون اومدم و متوجه شدم که خود کانسپت «فن بودن» یعنی بت ساختن، چه بخوای چه نخوای تو وجودت بذر تعصب می‌کاره. فهمیدم نباید این قدر خودم رو بازیچه‌ی موسیقی مارکتی و کاپیتالیسم بکنم. کی پاپ اون دنیای رنگارنگ و گوگولی‌ای که تو موزیک ویدیوهاشون نشون می‌دن، نیست. کثیف بودن هالیوود برای همه آشکاره، اما کی پاپ با ظاهرسازی میاد لاپوشونی می‌کنه و کاری می‌کنه حتی وقتی بفهمی توش چه خبره، نتونی ازش بکشی بیرون.

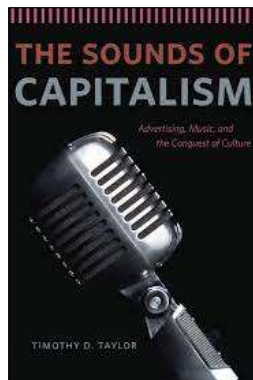
- منظورت از این که می‌گی از دنیای فانتزی نوجوونی بیرون اومدم چیه، چه طور شد؟

بین وقتی نوجوونی یعنی هر چی سنت پایین‌تره، این دیدگاه رو داری که چی؟ که دنیا حول محور تو می‌چرخه، انگار همه چیز به تو بستگی داره، انگار همه چیز به تو ربط داره، در صورتی که وقتی هر چه قدر بزرگ‌تر می‌شی، می‌فهمی که این طوری نیست که تو مرکز دنیا باشی، نه تو به گوشه‌ای از این دنیایی که شاید نباشی و به غیر از چهارتا آدمای دور و برت، هیچ کس هیچ اتفاقی برات نیفته و هیچ تأثیر خیلی خاصی تو دنیا ایجاد نشه و این که آدم تو دوران نوجوونیش بلند پروازتره، به خاطر این که هنوز انگاری وارد اون اقیانوسه نشده، چون توی مثلاً دوران نوجوونی توی یه رودخونه‌ای یا نهایتاً یه دریاچه یا نهایتش یه دریا باشی، در صورتی که هر چه قدر بزرگ‌تر می‌شی، این داره بزرگ‌تر می‌شه، یهو می‌بینی وسط یه اقیانوس گنده‌ای با کلی ماهی بزرگ‌تر از خودت و قوی‌تر از خودت که اونا به راحتی می‌تونن تو رو بخورن، لهت کنن، حقت رو بخورن و هزارتا چیز دیگه، یعنی می‌فهمی که تو مرکز دنیا نیستی و اون دیدگاه فانتزی که نسبت به دنیا داشتی و فکر می‌کردی، خیلی چیزا خوب پیش می‌ره، خیلی هم با واقعیت همخوانی نداره. خود من به شخصه همیشه این طوری بودم که تنها راه به دست آوردن چیزی تلاشه، در صورتی که ما رو هیچ وقت با مقوله‌ای به اسم شانس آشنا نکردن، یعنی چیزهایی که دست ما نیست، گاهی وقتا تو ممکنه تمام تلاشت رو واسه یه کاری بکنی، ممکنه به هیچ نتیجه‌ای نرسه، اما اون ربطی به تو نداشته باشه، صرفاً از تأثیر تصمیم یه شخص دیگه باشه یا زنجیره‌ای از اتفاقات به هم وصل شده باشه که باعث شده تأثیری بذاره رو زندگی تو، پس اینجا مهم نیست که تلاشی کردی یا حتی بیش‌تر می‌کردی بازم. هیچ نتیجه و تأثیری نداشت.

- منظورت از موسیقی مارکتی و کاپیتالیستی چیه و دقیقاً این موارد چه جور هستن؟

بین کلاً کی‌پاپ و صنعت موسیقی کره‌ای این طوریه که خیلی به ظاهر اهمیت می‌ده، یعنی این که تو اگر یه صدای بی‌نظیر داشته باشی یا خیلی خوب برقصی، اما قیافه نداشته باشی، ممکنه هیچ کمپانی نخواد باهات قرارداد ببنده، مگر این که تو بری کلی ورزش یا عمل کنی تا مثلاً به اون ایده‌آل‌ها یا مثلاً معیارهایی که گذاشتن نزدیک بشی، در اون صورت مثلاً تو رو می‌پذیرن و به عنوان کارآموز ازت ثبت نام می‌کنن. کی‌پاپ کلاً صنعتیه که به شدت به ظاهر اهمیت می‌ده، به خاطر همین هزینه خیلی بالایی نسبت به خواننده‌های غربی انجام می‌دن روی موزیک ویدیوهایشون به خاطر این که می‌خوان خیلی جذاب باشه و همین استفاده از رنگ و اینا باعث جذب مخاطب می‌شه و تو رو وارد این داستانا می‌کنه و اون قدر که تو درگیر کوچیک‌ترین اخبار و اتفاقات و همه چیز می‌شی... زنجیره هس و تو نمی‌تونی یه کم یه کم چک کنی، اگه بری توش مستقیم می‌ری توش و اگر ازش بکشی بیرون، کامل می‌کشی بیرون و نمی‌تونی یه کم یه کم داشته باشیش و این که تو رو دقیقاً معتاد خودش می‌کنه و تو صحبتای قبل گفتم، حالا چه طور این کار رو می‌کنه با چیزای مختلف با برنامه‌ها و جشنواره‌ها این داستانا و این مسأله مسلماً به کاپیتالیسم ربط داره، چون تهش اون پوله هس و همه این اتفاقاً صورت می‌گیره تا یه پولی به عده‌ای برسه و طبیعتاً هر چه قدر بیش‌تر برای کاپیتالیسم بهتره.

هدف کاپیتالیسم اینه که سودش رو بیره بالا و حیطة بزرگ‌تری داشته باشه و انگاری کل دنیا رو گرفته و هر چی می‌کشیم، از دست اینه، انگاری و هیچ کس حواسش بهش نیست و به وضوح توی موسیقی هم وارد شده و موسیقی بیش‌تر فروش می‌ره که انگار زیاد به صدای خواننده یا چه می‌دونم، مهارت اون شخص توجهی نمی‌شه، مثلاً تو تیک تاک از وقتی تیک تاک اومده، همه آهنگا این‌طورین که یه لاین باحال فقط دارن و همون رو می‌سازن تا اون فقط ریپید (تکرار) شه و موزیک‌شون مثلاً خیلی وایرال بشه و اینا و تو بری اینا رو گوش بدی می‌بینی خیلی مزخرفه فقط دو، سه تا لاین خوب داره و این باعث شده موسیقیایی که ارزش چندانی ندارن، بیان بالا و به اون شخص کلی سود برسه. کاپیتالیسم و موسیقی مارکتی یعنی این که موسیقی‌ای که ارزش موسیقیایی نداره، هر هنری که ارزش هنری نداره بیاد بالا با یه سری ترفندها، صرفاً به خاطر این که به هنرمند یه سودی برسه و بیش‌تر معروف شه.



- پس تو ناخواسته فرد متعصبی بودی؟

آره دقیقاً نه این که بگم ناآگاهانه‌ها... ناخواسته خیلی وقتا من متوجه می‌شدم که این از روی تعصبه، خیلی وقتها می‌فهمیدم که این رفتارم از روی تعصبه و می‌خواستم که کمش بکنم، اما بازم می‌گم اون کانسپت فن بودن خودش متعصبانه هست، اصلاً نمی‌تونم بگی که متعصبانه نیست، الان مثلاً می‌گم من مثلاً لانا رو خیلی دوست دارم موزیکاش رو و مدل فکری که میاد وارد موزیکش می‌کنه و ایده‌هایی که توی مغزش داره رو، ولی من فنش نیستم که این آدم رو بپرستم، نه اونم پر از نقصه، اونم

پر از مشکله و هزارتا چیز دیگه و کل زندگیم لانا نیست، درسته که شاید خیلی زیاد آهنگاش رو گوش بدم، شاید خیلی حالم رو خوب می‌کنه و خیلی لذت می‌برم از موزیکش، ولی این طوری نیست که کل زندگیم لانا باشه نه.

- منظورت چیه می‌گی کاری می‌کنه نتونی ازش بکشی بیرون؟ ممکنه این جمله رو برام شفاف‌تر کنی؟

خب بین یه چیزی که خیلی واضحه، طبیعتاً تو هر چه قدر فن کی‌پاپ بیش‌تر باشه، سودش برای کره و صنعت موسیقیش بیش‌تره، حالا اینا چه پلنایی دارن و میان چه کارا می‌کنن... کاپیتال‌ایسم و موسیقی مارکتی میان جایزه‌های مختلف می‌ذارن مراسمای مختلف می‌ذارن، برنامه‌های مختلفی و متنوعی درست می‌کنن با اون آیدولاشون و این مراسمای مختلف جشنواره‌های مختلف همه‌شون رأی‌گیری و جایزه داره، اون جایزه برای این که مثلاً یه نفر اون جایزه رو ببره براش رأی‌گیری وجود داره، نمی‌دونم چندمدل رأی‌گیری استریم زدن وجود داره، توی اسپاتیفای، نمی‌دونم توی یوتوب و توی پلتفرمای مختلف و این که یا مثلاً توی توئیتر خیلی چیزای مختلفی وجود داره و این که تو بخوای واردش بشی و از کسی که فنشی حمایت کنی، یک سره درگیری و وارد یه سیکل معیوبی می‌شی که دائماً در حال رأی‌گیری هستی، این رأی‌گیری تموم می‌شه، رأی‌گیری بعدی، چه می‌دونم، فلان مراسم تموم می‌شه، مراسم بعدی و دائماً تو رو درگیر این داستانا می‌کنه.

بعد گروه‌های کی‌پاپ چون اکثرشون این طوری ان که تو فاصله خیلی کوتاه‌تری موزیک می‌دن تا مثلاً خواننده‌های غربی، یک گروه کره‌ای ممکنه توی یک سال، یه فول آلبوم بده با دوتا مینی آلبوم حداقلش، می‌دونی چی می‌گم؟ به خاطر همین تو دائماً درگیری، تو دائماً درگیر کام‌بک‌هاشونی، تو دائماً درگیر مراسمای مختلفشون هستی و اصلاً وقت نمی‌کنی به چیزای دیگه فکر بکنی و اینا به علاوه لاپوشونی‌هایی که می‌کنن، یعنی توی هالیوود کاملاً یه چیز عادیه که طرف درباره دوست دختر و دوست پسرش حرف بزنه یا توی رابطه باشه، ولی توی کی‌پاپ اصلاً به هیچ وجه این طوری نیست، یعنی نمی‌بینی که توی یک مراسمی حالا توی یک برنامه یا هر چیزی طرف بیاد درباره پارتنرش حرف بزنه، اصلاً همچین چیزی نداریم و خیلی چیزا در این وسط همه‌اش سانسور می‌شه، حتی رفتاراشون و شخصیتی که دارن هم خیلی وقت‌ها سانسور می‌شه و همه اتفاقات پشت صحنه هم به خاطر همین که میان گندا رو لاپوشونی می‌کنن و با برنامه‌های مختلفی که دارن، تو رو توی اون سیکله نگه می‌دارن توی اون دایره‌ه نگه می‌دارن که تو همه‌اش درگیر همین کی‌پاپ باشی.



- براشون دنبال جایگزین نگشتی؟

کلی دوست پیدا کردم، درگیر درس و ساز و زندگی و کنکور شدم از یه جایی به بعد هم سلیقه موسیقیم تغییر کرد و مثل قبل با کی‌پاپ حال نمی‌کنم، یادگرفتم از زندگی خودم لذت ببرم، به جای این که سرم تو زندگی چندتا سلبریتی باشه.

- دوست‌هات از بین فن‌ها بود؟

آره، از بین اون‌ها که کلی دوست دارم، ولی در کل دوستای اجتماعی زیادی هم پیدا کردم.

- تو اون زمان تعصبی نبودی؟

زمانی که کی‌پاپ بودم، فکر می‌کردم نیستم، ولی بودم. هنوزم آثارش هست توم.

- خوب می‌شه بگی چه جور بودی.

اگه کسی ازشون خوشش نمی‌اومد، گارد می‌گرفتم و می‌خواستم بهشون ثابت کنم که اکسو خوبه.



۱۸۴ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

نسبت به بی‌تی‌اس همیشه گارد داشتیم، چون همیشه معتقد بودم، اکسو قوی‌تره، اما بی‌تی‌اس به خاطر حمایت کمپانیش این قدر اومده بالا و بُت شده.

اگه اعضاء وارد رابطه می‌شدن ناراحت می‌شدم اما براشون آرزوی خوشبختی می‌کردم. الان که بهش فکر می‌کنم واقعاً خنده‌داره (باخنده) چرا ناراحت می‌شدم آخه!؟

- درباره بقیه طرفدارها چی اون‌ها چه جور رفتار می‌کنن؟

خلاصه‌اش رو بخوام بگم، می‌شه فن‌وار (جنگ فن‌ها) میان به همدیگه و آیدولای هم توهین می‌کنن و تمام توانایی‌ها و دستاوردها و شخصیت اون سلبریتی رو زیر سوال می‌برن و می‌گن آیدول ما بهترینه.



- دقیقاً یادت نیست که چرا و چه فکری به ذهنت می‌رسید که ناراحت می‌شدی؟

فکر می‌کنم یکیش حسودیه طبیعتاً، آره مطمئنم یکیش حسودیه، یکیشم حس مالکیتیه که تو روی این آدم داری، منتها حسودیه رو نمی‌تونستم کنترل کنم، اما مالکیتیه رو می‌تونستم کنترل کنم و این طوری باشم که ببین این زندگی خودش و تو مالک این آدم نیستی و اصلاً این حتی تو رو نمی‌شناسه و این که امم، اون آزاده که هر کاری تو زندگیش بکنه و با هر کسی که دوست داره، باشه. پس هیچی، اما یه حسودی دیگه این بود که چرا من نباید جای این آدم باشم، خوش به حال این آدم که توسط کسی که من این قدر دوستش دارم، دوست داشته شده، کسی که این قدر آدم خوبی، کسی که این قدر



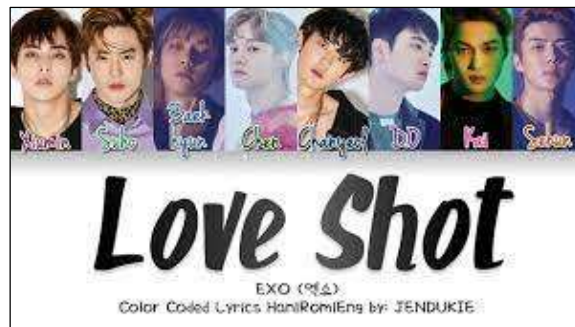
ویژگی‌های خوبی داره، کسی که این قدر خفن و موفقه، کسی که این قدر جذاب و قشنگه و همه این مسایل.

- این موضوع آسیب روحی برات ایجاد نکرد؟

آسیب روحی و روانی به نظرم خیلی زیاده، برای یه همچین مسأله‌ای صرفاً یه اعصاب خوردی و یه افسوسی بود و همچنان هم گاهی هست، اگه درگیرش بشم که چه قدر اکسو می‌تونست معروف‌تر و خفن‌تر باشه و چه قدر بیش‌تر می‌تونست دیده و شنیده بشه، اما به خاطر کمپانیش نشد. اما یه گروهی که شاید به اندازه اکسو خوب نیست، این قدر الکی و پیهویی رفته بالا و همه ازش بت ساختن و بین حالتی نیست که بخواد آسیبی به روانم بزنه، نه صرفاً یک چیزیه که گاهی براش حسرت می‌خورم که کاش این طوری نبود، ولی الآن به اون مرحله پذیرش رسیدم که هست، حالا خوبه که تلاش کنن تا جایی که می‌شه که این طوری نباشه، اما تا زمانی که یه چیزی هست، تو نمی‌تونی کاریش بکنی.

- عزیزم لیریک آهنگ‌ها رو شما متوجه می‌شدی؟

تو آهنگ متوجه شدن خب سخت‌تره طبیعتاً، مگه این که کلمه‌های خیلی پرکاربرد داشته باشه که معنی‌شون رو بفهمم. اصولاً ترجمه‌ی آهنگا رو بعد از ریلیز شدن‌شون می‌داشتن تو چنلا یا فن پیجا رو می‌خوندم.



- بعد این که آیا این آهنگ‌ها حس غم هم بهت منتقل می‌کردن؟ یعنی باهاشون همزاد پنداری می‌کردی؟

آره قطعاً. آلبومای زمستونه‌شون رو خیلی دوست داشتم همیشه. انگاری قلبت رو گرم می‌کنه.

- این از لحاظ روحی اذیتت نمی‌کرد؟

طبیعتاً خیلی از آهنگا میان اون غم وجودت رو مثلاً وقتی خیلی غمگین باشی زنده می‌کنن، خیلی وقتا حاله خوب نبود و موزیکای غمگین‌شون رو که اصولاً از آلبوم زمستون‌شون بود رو پلی می‌کردم و شروع می‌کردم به بیش‌تر غمگین بودن، چون یه وقتایی لازمه تو غمگین باشی، لازمه که غم درونت رو بریزی بیرون و امم به اصطلاح سوگواری کنی، اما این طوری نبود که حال خوب من رو خراب کنه، نه چون سبکای مختلف موزیک داشتن مخصوصاً اکسو که هر آهنگ‌شون هر آلبوم‌شون یه سبک متفاوتی و خیلی وقتا که پایین بودم، موزیکای زمستونی‌شون رو گوش می‌کردم، خیلی وقتا هم موزیکای دیگه‌شون باعث می‌شدن های بشم برم بالا و خوشحال بشم برقصم و جنب و جوش کنم و به این طریق حاله خوب بشه با موسیقی‌شون.

- فن پیچ هم داشتی؟

آره چندتا فن پیچ تو دوره‌های مختلف داشتم. یه مدت هم ادمین یه چنل تلگرام بودم.

- خوب چه چیزهایی توشون به اشتراک می‌گذاشتی؟

تو هر کدوم‌شون متفاوت بودم. در یکیش ادیت می‌زدم و می‌داشتم، ادیتای فانتری و گوگولی می‌زدم و می‌داشتم و هنوز هم پیچه هست. یکیش هم یه پیچ بود که با دوستان باهم داشتیم که اون پیچ رو فکر کنم بعدش بستم. یه چنلی هم که توی تلگرام داشتم، ادمیناش کسای دیگه بودن، منتها من بهشون اضافه شده بودم و درباره یکی از اعضای اکسو بود و کلاً اخبار و هر چیزی که مربوط به اون عضو بود رو پوشش می‌دادیم، دیگه چی؟ غیر از اکسو اون اوایل واسه یه گروه دیگه‌ام که الان حضور ذهن ندارم هم فن پیچ داشتم.

- خوب از این‌ها درآمدزایی هم کردی؟

نه، اون موقع اصلاً تو این فکر نبودم.

- تقریباً چه قدر برای تولید محتوا وقت می‌گذاشتی؟

زمان دقیقش رو نمی‌دونم، ولی حدوداً مثلاً شاید در روز می‌خواست ۳ ساعت، ۴ ساعت، ۵ ساعت

زمان بگیره ازم.

- آیا این روند به درس‌ها لطمه‌ای زد؟

آره خب قطعاً تأثیر داشت، هر چند که حواسم به این قضیه کاملاً بود، چون برام مهم بود، حواسم بود، ولی مثلاً یادمه کلاس هشتم بودم و درس‌م یه ذره پسرفت کرده بود، یه کوچولو خیلی کم، منتها دوباره حواسم جمع شده بود و برای ترم دوم سریع جبران‌ش کردم و چون درس‌م همیشه برام مهم بود

و یه جورایی چون برای آینده‌ام داشتم تلاش می‌کردم و از اون طرف خود اکسو هم، چی می‌گن برام حکم یه طورایی حکم اون دل خوشیه رو داشت، به خاطر همین خیلی نمی‌تونست مانع بشه، درسته که تأثیر می‌داشت، ولی خب می‌گم خیلی نمی‌تونست مانع بشه.

- منظورت از این که می‌گی حکم دل خوشی داشت، چیه؟

در مورد دل خوشی ببین، انگاری چندتا دوست بودن برام، من اون دوران دوست زیاد نداشتم، یعنی داشتم یه سه، چهارتا، ولی باز پیش اونام اون طور که باید، همیشه راحت نبودم، چون ترس از قضاوت شدن داشتم همیشه و باید اون طوری می‌بودم که اونا می‌خوان و توی خانواده‌ام مشکلات مختلف داشتم و اونا تنها دوستانم بودن که من رو قضاوت نمی‌کردن و با این که من رو نمی‌شناختن، کلی بهم عشق می‌دادن و من به اونا عشق می‌دادم و درگیر زندگی اونا بودن، باعث می‌شد من کم‌تر درگیر زندگی خودم باشم و کم‌تر درباره زندگی خودم اورثینک (زیاده از حد اندیشیدن) داشته باشم و این که ببین برنامه‌های مختلف داشتن، کنسرتای مختلف داشتن و اینا همه‌اش باعث می‌شد توی یه دنیای رنگارنگ و خوب باشم، بعد می‌دونید، فکر کردن به اونا حس خوبی داشت و این که دلیلی بود برای این که بخندم، برنامه‌هاشون، خودشون، همه چی دلیلی بود برای این که یه سری احساسات توی وجودم زنده نگه‌داشته شه تا این که بجنگم و توی زندگی خودم دل خوشی پیدا بکنم، تو زندگی خودم چیز زیبایی نداشتم که دلم بهش خوش باشه، ولی توی چند سالی که گذشت، کم‌کم چیزهای خوب پیدا کردم، دوستای خوب پیدا کردم رفتم تو رشته مورد علاقه‌ام، نمی‌دونم ساز مورد علاقه‌ام، فلان اینا اینا اینا و کم‌کم دلایل مختلف به وجود اومد یا نه بهتره بگم به وجود آوردم که دل خوشیم بودن، ولی اون تایم فقط برام کی‌پاپ بود، یعنی تنها چیزی که من رو خوشحال نگه می‌داشت، کی‌پاپ بود.

- در مورد فن‌فیکشن چی؟ تاحالا نوشتی؟

آره یه فن‌فیک نوشته بودم منتهی نصفه موند.

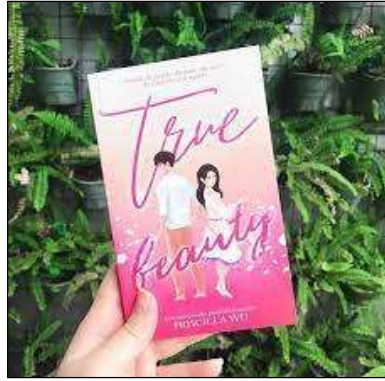
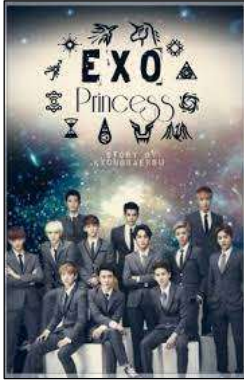
یه تایمی بیشتر می‌خوندم.

- خوب چه قدر ازت وقت می‌گرفت؟

این طوری نبود که به عنوان وظیفه انجامش بدم.

صرفاً وقتایی که آزاد بودم می‌نشستم پشت کامپیوتر و می‌نوشتم، گاهی شاید نیم ساعت در روز،

گاهی یک ساعت یا بیشتر، خلق کردن برام جذاب بود.



- می‌شه بگی چرا نصفه موند؟

هم کامپیوترم خراب شده بود، هم کنکوری شدم. بعد کنکور هم باعث شد کم‌تر پیگیر باشم، از همون جاها کم‌کم کی‌پاپ کم‌رنگ‌تر شد تو زندگیم تا الان که دوسال می‌گذره که کلاً درگیر کی‌پاپ نیستم.

از طرفی هم چون خیلی جسته‌گریخته می‌نوشتم و ایده‌های توی ذهنم هم‌هش تغییر می‌کرد و پرسپکت (چشم انداز) نداشتم و چند جا به مشکل برخورددم، دیگه از یه جایی به بعد ره‌اش کردم.

- خوب عزیزم می‌شه بگی محتوای فیلم‌ها و کتاب‌هایی که برای فیکشن نوشتن استفاده می‌کردی تا ایده یا الهام‌گیری چی بود؟

این طوری نبود که من مثلاً از فیلم و کتاب یا فن‌فیک مشخصی الهام بگیرم، نه چون تو هر چیزی که می‌خونی هر فیلمی که می‌بینی و هر فیکی که می‌خونی و اینا، یک بخشیش تو حافظه‌ات می‌مونه، درسته یه بخشیش پاک می‌شه ولی یه بخشیش می‌مونه و من خیلی رندوم از اون بخشه استفاده می‌کردم، از اون ته مونده حافظه‌ام استفاده می‌کردم و می‌تونست هر چیزی باشه، یهویی مثلاً می‌بینی یه فیلم ایرانی بوده یا شاید همون مثلاً یه فیلم کره‌ای بوده یا حالا اون موقع زیاد کتاب نمی‌خوندم، بیش‌تر فن‌فیک می‌خوندم، به خاطر همین اصولاً الهام گرفتن‌هام از همون فن‌فیکا بود. ولی با حساسیت بیش‌تری بود، چون نمی‌خواستم که کپی محسوب بشه و من حتی حساسیت نسبت به این قضیه خیلی زیاد بود، اون قدر که یک فن‌فیک اون دوران بود که خیلی معروف بود و از بهترین فن‌فیکا محسوب می‌شد و ترجمه شده بود، من با دوستانم خیلی درباره‌اش صحبت می‌کردم، خیلی دوسش داشتیم و اون قدر که من این رو دوستش داشتم و تو وجودم رخنه کرده بود. دو فصل بود و حجمش هم زیاد بود و من هم‌هش احساس این رو داشتم که فن‌فیک خودم، انگاری یه بخش‌هاییش از اون کپی شده، شاید یه نفر می‌خوند، اصلاً هم‌چنین نظری نداشتم، یعنی شاید مثلاً من بهش می‌گفتم که فلان قسمت فن‌فیک من، شبیه مثلاً فلان قسمت اون فن‌فیکه هس، طرف این جوری می‌شد که آره شاید فلان،

ولی خودشون شاید متوجه نمی‌شدن، ولی من اون قدر که حساسیت به خرج می‌دادم رو این قضیه، همه‌اش فکر می‌کردم که دارم کپی می‌کنم.

- در اون متنی که خودت نوشتی، کسانی بودند که اون‌ها رو شیپ کرده باشی؟  
 بله. من چانک رو شیپ می‌کردم. کلاً معروف‌ترین شیپ اکسو اول هونهان بود (سهون و لوهان) بعدش که لوهان از گروه رفت شد چانک (چانیول و بکهیون).  
 - بین دوستانت چی، اون‌ها از فن پیچ‌هاشون درآمدی ندارن؟  
 دوست کی‌پایر ندارم کلاً کی‌درام دارم، ولی فن پیچ ندارن.  
 - این مدت هیچ وقت دوست نداشتی کره بری، به عنوان یک مقصدی که بخوای بهش مهاجرت کنی؟

چرا، دو سال به شدت هدفم این بود برم کره آهنگسازی بخونم. اما بعدش فهمیدم خیلی خیلی خیلی سخت‌تر از این حرف‌هاست و از طرفی اون دیدگاه رؤیاییم نسبت به کره تغییر کرد و خودم رو با واقعیت این که کشور چندان سالمی نیست و گزینه‌ی خوبی هم برای مهاجرت نیست رو به رو کردم.  
 - منظورت چیه که می‌گی کشور سالمی نیست، مگه چه جوریه؟

اگر بخوای به عنوان یک مهاجر نگاه بکنی، مثلاً به مقدار کشور گرونیه، یعنی خیلی دخل و خرج به هم نمی‌خوره، یعنی از نظر اقتصادی خوب نیست برای مهاجرت، اما جدا از اون یا به طور کل بخوام بگم، این که در فرهنگ خیلی اینا به بزرگ‌ترشون حتماً این طورین که احترام بذار، ولی من کاملاً مخالف همچین قضیه‌ای هستم که بخوای به خاطر این که به نفر صرفاً زودتر از تو به دنیا اومده، همه جور بهش احترام بذاری، نه احترام رو باید به همه بذاری به یک اندازه، نه صرفاً چون ازت بزرگ‌تره و این قدر این بزرگ‌تر بودن رو بت کنی و این که نژادپرستن و به ظاهر خیلی اهمیت می‌دن. امم خیلی تو زندگی هم دخالت می‌کنن یا زیادی نسبت به هم بی‌تفاوت ان و حسودی می‌کنن و راحت نمی‌تونن اونجا به کسی اعتماد بکنی. درسته که آدم خوب و بد همه جا هست، ولی به سری فرهنگ-های مزخرفی هم دارن اونا، امم این که نسبت به خارجیا خیلی گارد دارن، بعد دیگه این که امم همه این داستانا باعث شد که حسم به کره این طوری باشه که دوست دارم به روزی حتماً برم، اما نه برای زندگی کردن اونجا، به خاطر این که به کشور شرقیه که هنوز خیلی چیزا توش تابو محسوب می‌شه یا مثلاً در مورد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو (اقلیت جنسی) هم خیلی گارد دارن همچنان و خیلی چیزا فرهنگ‌سازی نشده، همین مسأله باعث شده که دلم نخواد به عنوان مهاجر و برای زندگی کردن، وارد این کشور بشم، به خاطر این که خیلی فرهنگ‌هاشون همچنان مثل ایران و حتی شاید بدتر.

- آلبوم و این چیزها رو می‌گیری یا وسایلی که آیدول‌ها مد و ترندش می‌کنن؟  
 نه کلاً هیچ وقت آلبوم و این جور چیزا رو نگرفتم اما دوستام برای تولدم لباس یا ماگ یا چیزای این جور با عکس اکسو سفارش می‌دادن.

۱۹۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- هزینه‌هاشون چه طوریه، توی ایران خرید و فروشش چه طوری هست؟  
راستش خیلی اطلاعاتی درباره خرید و هزینه‌هاش ندارم.



- حالا جدا از این که دقیقاً بخوای اون وسایل رو بخری از سبک‌هایی که می‌پوشن یا استایل‌هایی که دارن، مثل استایل مو، لباس و این‌ها، استفاده می‌کنی؟

نه از استایلا و میکاپ و موهاشون برای خودم ایده نمی‌گیرم، چون اونا خیلی خوشگل ان و همه چی میاد بهشون (باخنده) اما گاهی از ایده‌ها و ژستای عکاسی‌شون ایده می‌گرفتم.

- این که می‌گی خیلی خوشگل ان دلت نخواست که با عمل و این چیزا شبیه اونا بشی؟

نه، هیچ وقت این طوری نبوده، چون هیچ وقت عمل کردن رو کلاً دوست نداشتم و قبولش نداشتم، مخصوصاً الان باز بیش‌تر به خاطر این که این طوریم که برای چی باید خودمون رو بازیچه معیارایی بکنیم که سیستم سرمایه داری اومده درست کرده که به خودش سود برسه، قرار نیست که سودی به ما برسونه که ما خودمون رو شبیه هم بکنیم که ما خودمون رو نزدیک به معیارهای زیبایی اونا بکنیم و صرفاً سعی کردم که تحسین بکنم زیبایی اونا رو و هیچ وقت این طوری نبوده که... البته گاهی

وقت‌ها شاید کمی حسودی می‌کردم، اما هیچ وقت این طوری نبوده که بخوام عمل کنم و به کاری کنم که شبیه اونا بشم.

- به نظرت هدف سیستم سرمایه‌داری چیه؟

اسمش روشه دیگه. واسه پول و سرمایه. میان مغزای ما رو شست و شو می‌دن و با ترفندای خاص‌شون، خیلی ریز بدون این که بفهمیم کاری می‌کنن که ما حس کنیم به محصولاتی که این سیستم برامون تدارک دیده، نیاز داریم. اون قدر زیر پوستی رخنه می‌کنه که به هیچ وجه نمی‌فهمیم و حتی نمی‌تونیم دنیایی رو تصور کنیم که توش پولی وجود نداره. مثل سیستم همسان ساز کره شمالی که کاری کرده که مردمش حتی نتونن تصور کنن جور دیگه‌ای هم می‌شه زندگی کرد و هیچ تعریف درستی از آزادی نداشته باشن. کاپیتالیسم می‌خواد دنیا روی پول بچرخه و برای مردم احساس نیاز ایجاد می‌کنه و هر چه قدر تقاضا بالاتر بره، سود این سیستم بالاتر می‌ره.

- بیش‌تر چه سبک لباس‌هایی می‌پوشن و شما دوست داری؟

تو کره بیش‌تر سبک استایلا کژوال یا نیمه رسمی یا به اصطلاح لایت آکادمیاست و از رنگای روشن و ملایم مثل سفید و کرم و آبی آسمانی استفاده می‌کنن و استایلاشون رو دوست دارم واقعاً. یه چیز جالبی درباره فرهنگ لباس پوشیدن تو کره هست که برعکس غربه. تو کره پوشیدن دامن کوتاه یا شلوارک خیلی عادی‌تر و نرمال‌تره تا این که قسمت بالاتنه‌ی لباس‌شون بخواد باز باشه. اصولاً بالاتنه کاملاً پوشیده هست و زیاد خوب نمی‌دونن که باز باشه خیلی و پایین تنه اصولاً کوتاهه. در صورتی که تو کشورای اروپایی این موضوع برعکسه.

- شما از چه سبک‌هایی بیش‌تر خوشت میاد؟

سبک لباس پوشیدن‌شون مخصوصاً برای پسرهاشون رو واقعاً دوست دارم و می‌پسندم. اما خودم چون زیاد طرفدار رنگای روشن نیستم، ترجیحم اینه رنگا تیره‌تر باشن، چون رنگ روشن همیشه زیادی تو دیده و من زیاد تو دید بودن رو دوست ندارم و درباره‌اش راحت نیستم و حس خوبی نسبت به خودم پیدا نمی‌کنم.

- دخترها و پسرها مثل هم آرایش می‌کنن یا سبک‌شون متفاوت هست؟ شما ترجیح کدوم هست؟ آره طبیعتاً سبک آرایش دخترها و پسرهاشون متفاوته و من چون کلاً زیاد طرفدار آرایش نیستم و به نظرم صرفاً یه فرهنگی هست که از قدیم الایام که هدف انسان صرفاً پیدا کردن یک جفت بوده، نشأت گرفته و الآن کاپیتالیسم بهش دامن زده و ما بازیچه‌ی این سیستم و استانداردهای غیر استانداردمشیم.

به خاطر همین هر چه قدر آرایش‌شون ملایم‌تر باشه بیش‌تر مورد پسند منه، فارغ از جنسیت.

- خوب دوتا چیز که در مورد آیدول‌های کره‌ای زیاد اتفاق می‌افته، یکیش رژیم‌های خیلی سخته، مخصوصاً از دوران کارآموزی، یکیش هم عمل‌های زیباییه که دارن. این قضیه باعث نشده خودت

۱۹۲ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

بخوای این کارها رو انجام بدی، مثلاً اگه اضافه وزن داشته باشی بخوای خودت رو مثل اون‌ها لاغر کنی یا بخوای عمل کنی؟

تو تموم این سال‌ها همیشه اگه ازم می‌پرسیدن بدترین فرهنگ کره جنوبی چیه؟ می‌گفتم توجه بیش از حد به زیبایی و میکاپ و معیارهای زیبایی. آدم‌ها رو کاملاً بر اساس ظاهرشون قضاوت می‌کنن و این موضوع رو به وضوح می‌شه تو فیلم و سریال‌ها یا گفت‌وگوهای روزانه و عادی آدماشون دید و یا حتی بارها خود آیدول‌ها تو لایوها و برنامه‌هاشون چیزای مختلف درباره ظاهرشون یا رژیم‌شون می‌گن و حقیقتاً همیشه برام مسخره بود این موضوع، چون طرف مدل که نیست که قرار باشه بی‌نقص و عالی باشه، خواننده هست، دنسره و چیزای که مهمه مهارت‌ش، نه قیافه‌اش، اما تو کره وقتی ظاهرت با معیارهاشون نخونه، طرد می‌شی و بقیه مهارت‌ها نادیده گرفته می‌شه. از طرفی چون خودم خیلی با معیارهای زیبایی، مخصوصاً معیارهای کره، فاصله دارم، همیشه به این فکر می‌کردم که اگه من اونجا بودم، فارغ از شخصیت‌م، یه انسان طرد شده می‌بودم.

هیچ وقت علاقه‌ای به عمل کردن نداشتیم، اما کل زندگی‌م درگیر یه سیکل برای کاهش وزن بودم و هستم و به نظرم لازم هم هست چون درسته که معیارها مزخرف ان، اما عادی‌سازی چاقی هم آسیب‌زاست.

- بایس خاصی هم بین‌شون داری یا داشتی؟

آره برای ۴ سال اول که فن اکسو بودم، بایسم سهون بود با شدت بسیار زیاد (خنده) خیلی خیلی زیاد و الان برام جالبه چه جور یه نفر رو که نه من رو می‌شناسه، نه دیدمش و نه باهاش حرف زدیم و نه هیچی رو می‌تونستم اون قدر دوست داشته باشم!

- مگه چه جور یه دوست داشته؟

خیلی سمی و افراطی بود، دلم نمی‌خواد درباره‌اش صحبت کنم (باخنده).

- باشه عزیزم ایرادی نداره.

- خوب حالا با توجه به حرف‌های خودت که گفتی توی این صنعت کنترل می‌شن، خیلی از حرف‌هاشون و این‌ها، چه طور می‌تونن اعتماد کنی و دوست داشته باشی و اگه حرفی می‌زنن یا کاری می‌کنن، باور کنی؟

راستش این اعتماد کرده و باور کرده خیلی سخته.

به نظرم فقط با زمان می‌شه این پروسه رو طی کرد و تو کم‌کم به یه شناختی ازشون می‌رسی و وقتی زیاد بشناسی‌شون، حدوداً حالت‌هاشون رو یاد می‌گیری. قطعاً هزاران چیز پشت صحنه هست که ما ازش خبر نداریم، اما به نظرم ربطی به هم نداره. اونا خواننده ان و کارشون خونندن و اجرا کردنه و بقیه‌ی چیزاش به ما نباید ربطی داشته باشه.

- جامعه کره جور یه هست که پسرا باهم خیلی صمیمی هم باشن؟



منظورت از صمیمی بودن پسر رو نفهمیدم ولی اگه منظورت درباره هموفوب بودن شونه که چرا کاملاً هموفوب ان. چند سال اخیر خیلی بیش‌تر فرهنگ‌سازی شده و تو سریالاشون خیلی استفاده می‌کنن از این موضوعات تا عادی سازی بکنن و بهتر شده، اما همچنان اکثریت هموفوب ان، مثل کشور خودمون.

- به نظرت کی پاپ توی عادی سازی روابط هموسکچوال (همجنس‌گرایانه) نقش دارند؟  
آره قطعاً نقش دارن، اما مهم اینه که چه نقشی. جوری شده که الان خیلی‌ها آیدولای کره‌ای رو به عنوان چارتا پسر خوشگل همجنس‌گرا که آرایش می‌کنن، می‌شناسن. یه دیدگاه کاملاً هموفوب و سکسیست. یا باعث شده خیلی از نوجونا وارد جو بشن که آره ما همجنس‌گراییم یا درباره‌اش کنجکاو بشن و بخوان تجربه‌اش کنن.



- عزیزم درباره این که گفتی (جوونا وارد جو بشن که آره ما همجنس‌گراییم یا درباره‌اش کنجکاو بشن و بخوان تجربه‌اش کنن)، می‌تونی یک مثال بزنی؟

بین من یادمه دوران مدرسه این طوری بوده که آممم یا مثلاً دورانی که برای کنکور می‌رفتم کتابخونه درس بخونم، انگاری اون دوران مد شده بود که تو مدرسه باهم دیگه وارد رابطه بشن و می‌گفتن که آره ما لزیبنیم یا چه می‌دونم بایسکشوالیم و استایلی تام بوی خیلی زیاد شده بود و هرکسی که می‌رفت موهاش رو کوتاه می‌کرد تو مدرسه دخترونه به اصطلاح موهاش رو پسرונה می‌زد همه روش کراش می‌زدن و اونم یه آدم خیلی سرد بود که مثلاً خیلی خفنه، مثلاً پیرسینگ داشت و مثلاً یه دوست دختری انتخاب می‌کرد و باهم بودن و کلی درام داشتن و این قضیه انگاری مثل یه الگویی بوده، مثل یک شابلن بوده، بعد همه‌اش هی تکرار شده، تکرار شده... انگار مد شده و انگار اگه تو این کار رو انجام ندی، عقب افتادی، می‌دونی چی می‌گم، انگار می‌خواستن از هم عقب نیفتن و به عنوان مد این رو پذیرفته بودن که این کار رو انجام بدن، در صورتی که هنوز به درکش نرسیده بودن و اون ذهنیته خراب بود.

- قبل قضیه کی‌پاپ و حالا توی عادی‌سازی روابط، دیدگاهت چی بود، اصلاً نسبت به کویرها اطلاعات داشتی یا نداشتی؟

بین از لحاظ علمی بخوام بگم، هیچ ژنی وجود نداره که تعیین کنه یک انسان فقط عاشق همجنسش بشه یا عاشق غیر همجنسش. اینا صرفاً یه سری رفتارن که برحسب محیط شکل می‌گیرن. محیط می‌تونه کاری کنه تو نسبت به حس پیدا کردن به هم جنست، احساس چندش شدن داشته باشی. در صورتی که ما عاشق جنسیت آدما که نمی‌شیم، عاشق یه پکیج کامل اون آدم می‌شیم که اینم تأثیر گرفته از محیط و پیش زمینه‌ها و تربیت و زندگی مون از بدو تولد بوده و مبحث پیچیده‌ایه. بنابراین تمام این برچسب زدنا مزخرف محضه. بعد این که نه از وقتی یادم میاد گاردی نسبت به این موضوع نداشتیم و خودم هم کاملاً اوکی بودم و این طوری نبود که وارد کی‌پاپ بشم و بعد برام عادی سازی بشه. قطعاً توش نقش داشته، اما از قبل هم زمینه‌اش رو داشتیم.

- خوب به نظرت این که کی‌پاپ داره همجنس‌گرایی رو عادی می‌کنه، خوبه؟

حالا اگه بخوام این قضیه رو فاکتور بگیرم که اصلاً چیزی به اسم گرایش وجود نداره و زن و مرد تفاوت‌های شناختی باهم ندارن و صرفاً توی آلت جنسی اون‌هاست و یه سری هورمون‌ها و اینا، امم بنابراین ما عاشق آلت جنسی آدما که نمی‌شیم، ما عاشق یک پکیج کامل شخصیت و ظاهر و فلان و این داستانی آدما می‌شیم، بنابراین این لیبیل‌ها (برچسب) در واقع چیزای مزخرفی ان که می‌گیم استریت، همجنس‌گرا و فلان و اینا، جدا از این ما نمی‌تونیم با یک چیزی غیرعادی برخورد کنیم و انتظار داشته باشیم اون چیز عادی بشه، ما ال‌جی‌بی‌تی کیو رو میایم براش برچسبای مختلف می‌زنیم، زیرگروه‌های مختلف می‌سازیم براش، ماه مخصوص داریم، مراسمای مخصوص داریم و از اون طرف انتظار داریم که عادی بشه (باخنده)، این اصلاً یه چیز غیرمنطقیه، مگه ما برای استریت‌ها همچین چیزی داریم؟ خیر، بنابراین درستش اینه که همون طوری که با روابط دگرجنس‌گرا برخورد می‌شه، همون طور هم با روابط همجنس‌گرا برخورد بشه، امم و این که به نظرم توی کی‌پاپ حالا اوایلش توی کی‌دراما، در ابتدا خیلی زیرپوستی بود و کم‌کم اومد رو و به نظرم به نظرم (تأکید می‌کند)، شیوه خوبی رو داره اعمال می‌کنه، امم که عادی داره سعی می‌کنه جلوه بده، داره سعی می‌کنه خیلی ریز بندازتش وسط، بدون این که یه چیزی باشه که مستقیم بخوره توی صورتت و تو یهو شوکه بشی، این طوریه کم‌کم داره رخنه می‌کنه و این به نظرم خیلی بهتره تا این که تو یهو یه دیتای (داده) گنده بدی به جامعه و انتظار داشته باشی که جامعه بتونه اون دیتای گنده رو هضمش کنه، امم کاری که هالیوود می‌کنه، می‌دونی چی می‌گم؟ ولی کی‌دراما یا کی‌پاپ این این کار رو انجام نمی‌ده و به نظرم شیوه خوبی رو در پیش گرفته، یک شیوه امم در واقع محتاطانه هست که به نظرم عمل می‌کنه این که تو آروم آروم پیش بری.

- بعد این که بین دوستان کسی بود که هیچ شناختی نداشته باشه یا شناخت خیلی کم یا دید بدی داشته باشه نسبت به جامعه کویبرها و از طریق کی‌پاپ آشنا شده یا عادی شده باشه براشون؟  
دوست صمیمی همون دورانم که قبل از من اکسوال شده بود و بعد من توسط اون اکسوال شدم، یک انسان هموفوب بود. سال‌ها طول کشید تا تغییر بکنه و به نظرم کی‌پاپ هم کمک کننده بود، با این که همیشه گارد داشت نسبت به این قضایا. اما به مرور زمان و به کمک کی‌پاپ و دبیرستان و پیشرفت دنیا، اونم سعی کرد خودش رو آپدیت کنه.

- این قضیه که دارن روش کار می‌کنن که لباس جنسیت نداره چی، نظر خودت یا دوستانت راجع بهش چی هست و درباره‌اش چی فکر می‌کنی؟

قطعاً دوستانم به اندازه‌ی من آزاد فکر نمی‌کنن، اما می‌دونم که تلاش می‌کنن همون طور که خودم می‌کنم. این موضوع برامون یک فرهنگ شده که چندین هزار ساله که جریان داره و قطعاً تغییر دادن چنین طرز تفکری به همین راحتی‌ها نیست. خیلی جاها خودمون می‌دونیم که این طرز فکر جنسیت زده هست، اما نمی‌تونیم جلوش رو بگیریم یا باهاش کنار بیایم و برامون غیرعادی‌ه، اما همینکه هست! ما باید باهاش کنار بیایم و بپذیریمش و تصاویر و تعاریف ذهنی خودمون رو تغییر بدیم.

- بین کی‌پاپ‌هایی که خودت می‌شناسی یا فن پیچ‌ها، فرد متعصب هست؟ اگر آره، چه طوری هستن؟

راستش بین فن‌های بی‌تی‌اس خیلی آدمای متعصب زیاد دیدم و اصلاً مهم‌ترین دلیلی که فقط یه مدت خیلی کوتاهی بی‌تی‌اس رو هم کنار اکسو استن کردم، همین بود، واقعاً رفتارای زننده و توهین-آمیزی می‌دیدم و طبیعتاً رفتار فن‌ها رو دیدگاه تو نسبت به اون آیدول تأثیرگذاره. بکهیون اکسو یه جمله‌ای داره که همیشه می‌گفت. می‌گه: «فن‌ها آینه‌ی آیدول‌ها هستن».

قطعاً جمله‌ی صددرصد درستی نیست، اما خیلی جاها صدق می‌کنه به نظرم.

- می‌شه بگی چرا دیگه طر فداری بی‌تی‌اس رو نکردی؟

علتی که بی‌تی‌اس رو استن نکردم، خیلی راستش سبک مورد علاقه‌ام و نبودن بیش‌تر آهنگاشون تو یه سبک بود حالا بسته‌گریخته بین آهنگاشون یه چیزایی رو دوست داشتم، ولی باز اون قدر زیاد نه به اندازه اکسو، چون بیش‌تر بی‌تی‌اس پایه‌اش رو رپه، رو ووکال خیلی نیست، منم رپ دوست ندارم و نمی‌پسندم زیاد، اما اکسو پایه‌اش روی رپ نیست رو ووکاله و رپم جزوشه، به خاطر همین اکسو رو خیلی بیش‌تر می‌پسندم، چون تو سبکای مختلف هم کار می‌کنن و ووکالیستای خیلی خفنی هم دارن.  
- مثلاً چه رفتارهایی داشتن؟

رفتارای زننده‌شون هم خیلی با جزییات یادم نیست، ولی مثلاً تو فن پیچاشون حالا چه مستقیم، چه غیرمستقیم، میان و می‌اومدن تا اکسو رو یه طورایی دیس می‌کردن یا فنای اکسو رو دیس می‌کردن و کلاً همیشه فن‌وارهایی وجود داشت، حالا من هیچ وقت خودم رو درگیر این فن‌وارها نکردم، ولی

۱۹۶ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

همیشه فن‌وار وجود داشته بین فنای اکسو و بی‌تی‌اس با این که حالا خودشون باهم خوبن، ولی فن‌اشون باهم خوب نیستن و به چشم دیدم که فن‌های بی‌تی‌اس میان به فن‌های اکسو می‌پرن و داستان درست می‌کنن، امم اونم به این خاطر که این دوتا گروه تا یک جایی رقیب هم محسوب می‌شدن همیشه، به خاطر این که تقریباً تو یک سال حالا ۲۰۱۲ اکسو بود، بی‌تی‌اس هم ۲۰۱۳ بود که دیو کردن، حالا کار ندارم که تا چند سال که اکسو معروف شد، بی‌تی‌اس اون قدر معروف نشده بود و بعدش بی‌تی‌اس اومد بالا. به خاطر همین که تقریباً تو یک سطح و لول و اینا بودن، به خاطر همین اون رقابته بین شون بیش‌تره دقیقاً مثل پرسپولیس و استقلال دقیقاً به همچین داستانیه.



- درس‌ها ت عقب نمی‌افتاد و مشکلی پیش نمی‌اومد چون فن گرلی می‌کردی؟  
کی‌پاپ برام یه انگیزه و موتیویشن بود که درس بخونم و بتونم برای دانشگاه بورسیه شم، بنابراین نه، به درسام زیاد لطمه نمی‌زد و اولویت اولم همیشه درس بود. اوایل سخت بود برقرار کردن تعادل، ولی بعد خیلی بهتر شدم.

- کی‌پاپ برات نسبت به درس اولویت داشت؟  
نه، اولویتم همیشه درسم بود.

- اون موقع که اوایل فن بودنت بود، می‌تونستی مسأله درس رو کنترل کنی؟  
می‌گم که، چون اکسو برام انگیزه بود، برای درس و آینده‌ام، زیاد مانع درس خوندم نمی‌شد و سعی می‌کردم به تعادل برسونم درس و فن گرلی کردنم رو. اوایل سخت‌تر بود طبیعتاً، اما کم‌کم یاد گرفتم که متعادلش کنم.

- خوب واکنشت به ازدواج یا رابطه‌ی آیدول‌ها چی هست؟ واکنش‌های مختلفی از طرف فن‌ها هست. مثلاً بایست ازدواج کنه یا مثلاً مشخص بشه قرار می‌گذاره.

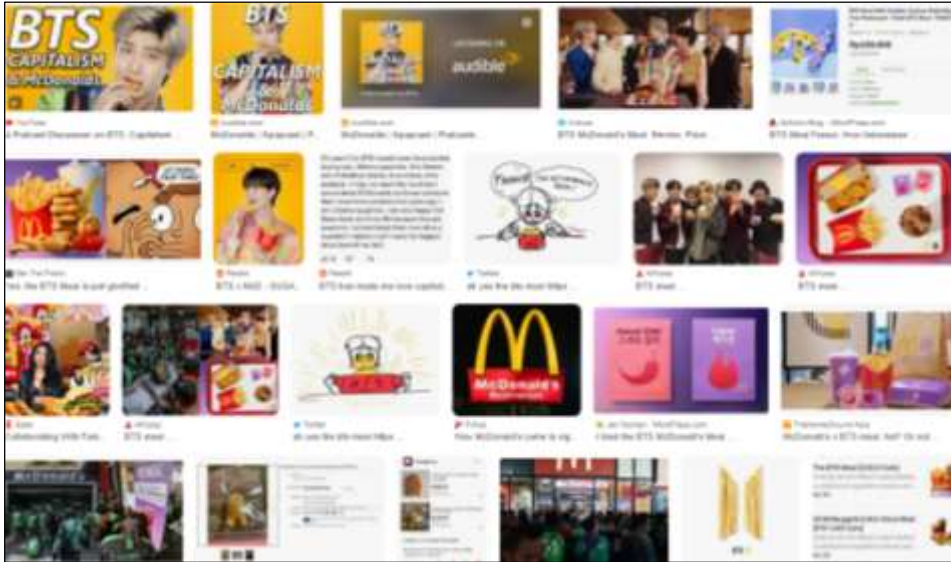
خب اوایل خیلی سخت و ناراحت کننده بود، حتی فکر کردن بهش اذیتم می‌کرد اما احترام می‌داشتیم، چون بهر حال زندگیه خودشونه، به من ربطی نداره. اما از یه جایی به بعد، اتفاقاً از خدام بود وارد رابطه بشن و ذوق می‌کردم براشون (خنده).

- کسی رو دیدی سر این موضوع عصبی و ناراحت بشه؟

تو کره که ازدواج و قرار گذاشتن برای آیدولا رسماً جرم محسوب می‌شه و معتقدن طرف باید تا آخر عمرش سینگل و در خدمت اونا باشه، تو اطرافیانم هم در حد خودم دیده بودم، هر چند که الان خیلی باز بهتر شده نسبتاً به قبلاً و فرهنگ‌سازی داره می‌شه که احترام بذارن به آیدولا و زندگی شخصی‌شون.

- این کره‌ای‌ها که هیت می‌دادن و ناراحت می‌شدن از خبر مثلاً ازدواج طرف به چه حقی هیت می‌دادن؟

کره‌ای‌ها متأسفانه فکر می‌کنن صاحب آیدول‌ها هستن و آیدول‌ها بدون اونا هیچی نیستن، در صورتی که تلاش‌های شبانه‌روزی و آزار و اذیت شدن‌هاشون رو نمی‌بینن و فکر می‌کنن یه زندگی لاکچری دارن و به خودشون اجازه می‌دن اون شخص رو کنترل کنن. هر چند که این یه سیاسته. خبرنگاراً برای این که نون‌شون تو روغن باشه، حاضر هستن همه‌اش اخبار دروغ انتشار بدن. صحت مسأله مهم نیست، مهم خبریه که بیش‌تر کلیک بخوره تا پول بیش‌تری بره تو جیب اونا. به خاطر همین می‌گم کی‌پاپ به شدت صنعت کثیفیه.



- چیزی از خودکشی‌هایی که شده و دلیل شون می‌دونی؟  
خودکشی‌هایی که تو آیدولا دیدم دلایل مختلفی داشت.

مثلاً جونگ‌هیون شاینی به خاطر مشکلات روانی خودش خودکشی کرد که قطعاً فشار جامعه روش بی‌تأثیر نبود.

سولی عضو اف ایکس به شدت هیت می‌گرفت از مردم و حرفا و رفتارای وحشتناکی داشتن باهاش، حتی تو لایوش اومده بود و گریه می‌کرد که باور کنین من آدم بدی نیستم و بعد از خودکشی کردنش، دوست صمیمیش گو هارا که عضو گروه کارا بود هم نمی‌تونه این غم رو تحمل کنه و خودکشی می‌کنه.

- وقتی کام‌بک می‌دارن برای استریم زدن و حمایت کردن چه قدر وقت می‌گذاری؟  
برای کام‌بکا من هیچ وقت خیلی زیاد وقت نمی‌ذاشتم اصولاً چون وقت یا امکاناتش رو نداشتم و خیلی وقتا حوصله‌اش رو. اما به هر حال چندین ساعت از روزم صرف استریم زدن و چک کردن اخبار و این جور مسایل می‌شد.





- می‌دونی بقیه در مواقع نشر آهنگ و کام‌بک چه طوری عمل می‌کنن؟

یه سری مثل من هستند، ولی خیلی‌ها تمام زندگی‌شون رو صرف استریم زدن و رأی دادن و توییت زدن می‌کردن و من هیچ وقت نمی‌تونستم اون طوری باشم. با این که یه حس مفید بودن و افتخار پیدا می‌کردم که از گروه و آدمای مورد علاقه‌ام حمایت کنم، اما خیلی وقتا تنبلی بهم غالب می‌شد.

- خودت کویر نیستی؟

بالتر درباره اقلیت جنسی صحبت کردم که یه چیز کاملاً ساختگیه و عشق جنسیت نمی‌شناسه و این جور صحبت‌ها، بنابراین باید بگم که تا زمانی که اون شخص همه جوره برام مناسب باشه، جنسیتش ذره‌ای اهمیت نداره.

- اگر یک رسوایی از بایست دربیاد و خب صحتش هم بررسی بشه و بگن آره صحت داره، اون موقع واکنشت چی هست؟

قطعاً به شدت ناامید می‌شم چون تو چندین سال یه آدم رو دنبال می‌کنی و حمایتش می‌کنی و بهش عشق می‌دی و ازش انتظار نداری که کار غیراخلاقی انجام بده، اما همچنان این بُت ساخته. هر آدمی ممکنه کار غیراخلاقی انجام بده. هر آدمی ممکنه اشتباه کنه. بنابراین باید از هر کسی، هر انتظاری داشت.

- خوب بازم با این وجود ازش حمایت می‌کنی؟

بستگی حالا به خود اون شخص داره که طرف واقعاً پشیمون شده باشه از کارش و واقعاً به این پی برده باشه که کار بدی کرده، کار اشتباهی کرده یا نه. طبیعتاً اگه قبول کرده باشه که سعی می‌کنم حمایتش کنم، چون درکش می‌کنم، چون هر آدمی ممکنه اشتباه کنه و اگه به آدمی یه حرکت اشتباهی زد، صرفاً اون حرکتش اشتباهه به این معنی نیست که اون آدم، آدم بدیه، صرفاً یک کار اشتباهی انجام داده، صرفاً یک کار بدی انجام داده، اما طبیعتاً اگر اون آدم پشیمون نشده باشه، تو کم‌کم ازش زده می‌شی و نسبت بهش بی‌میل می‌شی، حالا الآن نمی‌تونم خیلی نظر بدم، چون تا حالا همچین اتفاقی واسم نیفتاده.

- کلیشه‌های جنسیتی که قبلاً بیش‌تر بود، مثل لباس، جنسیت داره. خوب کی پاپ مثلاً داره باهاش مبارزه می‌کنه، یعنی یک ضد و نقیض‌هایی بین‌شون هست. خوب این اتفاق خیلی قبل‌تر توی غرب

۲۰۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

افتاده، فکر می‌کنم فتوشوتای سال ۱۹۹۹ بوده یا ۲۰۰۰ یک همچین چیزی که برد پیت با لباسایی که اصطلاحاً ما می‌گیمن لباس‌های زنانه، چندتا فتوشوت داشته یا هری استایلز چند سال پیش، ولی واکنش‌ها مثبت‌تر بوده، فکر می‌کنی دلیل این تفاوت دیدگاه چی هست؟

واکنش‌ها نسبت به غرب مثبت‌تر بوده یا شرق؟ اگه داری می‌گی به شرق مثبت‌تر بوده که به نظرم به دلیل فاصله‌ی زمانی عه. اون فتوشوتا برمی‌گرده به بالغ بر بیست سال پیش و دنیا دایماً در حال تغییر و پیشرفته و قطعاً فهمی که امروز مردم دارن بیش‌تر از فهم و درک ۲۰ سال پیشه.

– نه عزیزم منظور اینه که واکنش غربی‌ها همون حدود ۲۰ سال پیش مثبت‌تر بوده نسبت به شرق الان.

خب بین قبل‌تر گفتیم که مردم کره واقعاً مردم متعصب و سنتی‌ای هستن و دید بسته‌تری دارن نسبتاً و هنوز با این همه تلاشایی که کی‌پاپ کرده، بازم به درک درستی از این قضایا نرسیدن و به نظرم هنوز خیلی چیزا براشون تابوعه.

– فکر می‌کنی بی‌تی‌اس چرا نسبت به اکسو این قدر یهو توی کل دنیا معروف شد؟

کمپانی بی‌تی‌اس خیلی ازش حمایت می‌کنه و به تمام درخواست‌ها بله می‌گه. در صورتی که کمپانی اکسو اجازه نمی‌ده موزیکای اکسو تو رادیوهای امریکا مثلاً پخش بشه یا زیاد براشون تور خارج از آسیا نمی‌ذاره و محدودیت‌هایی امثال این که در نهایت همه‌شون باعث بشن اکسو خارج از آسیا زیاد معروف نشه. بی‌تی‌اس همچین محدودیت‌هایی نداشت و وارد موسیقی غرب شد و بعدشم با چندتا سلبریتی مطرح فیت داد و یه چیز کاملاً طبیعی که انقدر یهو معروف بشه. همه‌اش سیاستای تجاریه دیگه.

– این بودن توی کی‌پاپ و این‌ها، باعث نشده دلت بخواهد بری و آودیشن بدی، آیدول بشی و این جور چیزها؟

باعث بیش‌تر شدن علاقه‌ام به رقص و خوانندگی شده، اما نه هیچ وقت دلم نمی‌خواست آیدول بشم. جدا از این که به خاطر ظاهرهم که دور از معیارای کره هست، هیت می‌گیرم، دلم نمی‌خواست زندگیم رو تو یه صنعت کثیف تلف کنم.

– درکل این فضا باعث نشد، مثلاً بخواهی توی یک زمینه‌ای کار بکنی، یک رشته‌ای رو شروع بکنی که تأثیرگذار باشه، مثلاً بخواهی بری موسیقی شروع بکنی، به عنوان هر چیزی که مرتبط باشه با کارشون، حالا حتماً نه آیدول، چیزهای دیگه؟

چرا باعث شده بود که من بخوام آهنگ‌ساز بشم و تلاش کنم برای بورسیه تا برم کره و بعدش آهنگ‌ساز یکی از همین کمپانی‌ها بشم و به همین خاطر رشته‌ی دبیرستانم رو زدم موسیقی اما کم‌کم علاقه‌ام از آهنگ‌سازی رفت به سمت نوازندگی و دیدگاه زیادی بلند پروازانه‌ام رو انداختم تو سطل آشغال مغزم.



- خوب یه کم بیش‌تر برام می‌گی که الان چه کار می‌کنی؟ و فکر می‌کنی الان که به هدفت رسیدی، اکسو روش تأثیر داشته؟

بین من توی زمانای مختلف اهداف مختلفی داشتم و الان به دوتا هدفم رسیدم و دارم توش فعالیت می‌کنم، یکیش خب توی موسیقی، یکی دیگه‌اش هم بیرون از موسیقی و ربطی به موسیقی و اکسو نداره. در مورد اکسوام اون زمان که دوره راهنمایی بودم، خیلی یه انگیزه بود برای درس خوندن و نمرات خوب گرفتن و از اون طرف وارد شدن به رشته موسیقی، ولی خوب اون زمان علاقه داشتم تو کشور کره بورسیه شم، اما بعدش فرق کرد و هدفم کشور آسیایی نبود. دیگه برای من اکسو مثل یه سری دوست بودن که یک دوره‌ای از زندگیت رو باهاشون هستی، اما از یه جایی به بعد چون مسیراتون از هم دور می‌شه و هرکدوم درگیر زندگیا‌ی خودتون می‌شید، دیگه اون ارتباطه تموم می‌شه و اون قدر دووم نمیاره، ولی معنی‌ش این نیست که باهم مشکلی داشتید، نه طبیعتاً هیچی دایمی نیست.

- از مواردی که از طرف کمپانی خیلی سلامت آیدول‌ها تهدید بشه، به عنوان فن خبر دارین؟ مثلاً رژیم‌های سختی که باعث شه سلامتی‌شون با خطر جدی رو به رو بشه.

کمپانی‌ها به روش‌های مختلف به آیدول‌هاشون فشار میارن. رژیم‌های سخت، برنامه‌های کاری بسیار فشرده که اون آیدول حتی فرصت خواب هم پیدا نمی‌کنه. خیلی وقت‌ها با وجود آسیب دیدگی مجبور به اجرا می‌شن. تمام کارها و رفتارها و حرف‌ها و رفت و آمدهاشون کنترل می‌شه.

- فنای اینترنشنال از این موضوع که آیدول حتماً باید رژیم بگیره تا لاغر باشه، حمایت می‌کنن یا نه؟

بین فنای اینترنشنال توی کلاً همه قضایا، چه موضوع مثلاً ازدواج یا قرار گذاشتن‌شون، چه موضوع رژیم و مثلاً ظاهر و این داستانا، خیلی بهترن، گفتم که مثلاً در مورد خودم اون دوران که خیلی فن بودم، مثلاً آگه یکی‌شون شروع می‌کرد به قرار گذاشتن، شاید ناراحت می‌شدم، اما احترام می‌داشتم، اما کره‌ایا اصولاً احترام نمی‌ذارن، ناراحت می‌شن، عصبانی می‌شن و احترام هم نمی‌ذارن و هیت می‌دن و حمایت نمی‌کنن دیگه اون شخص رو و می‌گم اینا چیزاییه که تو فرهنگ کره زیاد هست، در حالی که تو فنای اینترنشنال خیلی خیلی کم‌تره. تو می‌تونی اینا رو ببینی. خیلی کم‌تر، حتی آگه طرف ناراحت شده باشه یا براش مهم باشه، اهمیت بده، سعی می‌کنه احترام بذاره. حالا درباره گروه‌های دیگه اطلاع ندارم، اما اکسو بارها تو همه این سال‌ها به مدلای مختلفی نشون دادن که چه قدر به فنای اینترنشنال‌شون بیش‌تر احترام می‌ذارن و دوس‌شون دارن، حالا خیلی روش‌هاشون رو یادم نیست، ولی اصولاً مثلاً لایو‌اشون آخر شب می‌اومدن یا همیشه از فن اینترنشنال‌شون یاد می‌کردن و این طور بودن که سعی می‌کردن به زبونای مختلف مثلاً حرف بزنن تو لایو‌اشون، چون خودشون هم از این مسأله آگاه بودن، سعی می‌کردن که حالا چه مستقیم چه غیر مستقیم نشون بدن که برای فنای خارج از کره‌شون خیلی احترام قایلند.

۲۰۲ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- بین حرف‌ها گفتی که یک‌سری از فن‌ها خیلی تعصب دارن روی یک‌سری از آیدول‌ها که اگر این‌ها ازدواج کنن، این‌ها چه قدر به هم می‌ریزن یا هیت می‌دن. فکر می‌کنی دلیلش چی هست، و این افراد تحت تأثیر چی هستند؟

به نظرم سیاست کمپانی نمی‌تونه باشه. سیاست کمپانی تا اون جایی هست که سعی می‌کنه همه چیز رو لاپوشونی بکنه، چون اگه خبر قرار گذاشتن یا هر چیزی از آیدولش پخش شه، سهم اون کمپانی میاد پایین و ضرر می‌کنه.

این از مشکل فرهنگی تو کره هست که به شدت به ظاهر اهمیت می‌دن و بنابراین اصولاً خوش قیافه‌ها می‌رن آیدول می‌شن و مردم هم از اونا بُت می‌سازن و صرفاً به خاطر قیافه‌شون می‌پرستن‌شون و روشون احساس مالکیت دارن و فکر می‌کنن اون آیدول موظفه تا اون جووری که این‌ها می‌خوان، زندگی کنه.

- مه‌لقا از وقتی که به من اختصاص دادی متشکرم.

اگر لازم بود، باز هم در خدمتم.

## تأملی دوباره

مه‌لقای ۱۹ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

مه‌لقا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: کثیف بودن صنعت کی‌پاپ، فشار کمپانی‌ها به آیدول‌ها، ملعبه نظام سرمایه‌داری شدن کمپانی، تأثیر عمق‌تر کی‌پاپ در آزادی روابط جنسی تا هالیوود، نقش تخدیر کننده‌ی گروه‌ها، به بازی گرفتن آیدول‌ها و هواداران جهت تأمین منافع بیش از پیش کمپانی، فرق کمپانی‌ها و برنامه‌ریزی هوشمندانه‌تر کمپانی بی‌تی‌اس در مقایسه با کمپانی اکسو، اشاره داشته است.

مه‌لقای ۱۹ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تغییر مسیر توجه، تأثیر عمق‌تر کی‌پاپ در آزادی روابط جنسی تا هالیوود و ایفای نقش یک ماده مخدر توسط گروه، اشاره داشته است.

مه‌لقا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: نوعی از هویت‌یابی در پناه آیدول‌ها، عشق تخیلی هواداران، کاهش خلاءهای عاطفی فرد در جریان هواداری از گروه، اثرگذاری در تحصیلات و حرفه‌یابی هواداران، داستان‌نویسی درباره آیدول‌ها در سبک‌ها و موضوع‌های مختلف، ایجاد زوج‌های همجنس‌گرا از اعضای گروه توسط طرفداران، احساس مالکیت طرفدار نسبت به آیدول‌ها، توهین به آیدول‌ها، نژادپرستی و تبعیض میان آیدول‌های کره‌ای و غیرکره‌ای از طرف طرفداران کره‌ای، طرفداری متعصبانه و کورکورانه از آیدول‌ها، دعوا و مشاجره میان طرفداران گروه‌های مختلف، پذیرش عادی‌سازی همجنس‌گرایی توسط هواداران، مقاومت برخی از هواداران در برابر جنسیت‌زدایی پوشش توسط اعضای گروه، ائتلاف وقت، کم توجهی به درس، حسرت یافتن هواداران در مقایسه شرایط خودشان با آیدول‌ها، تعدیل هواداری در گذر زمان، تغییر مسیر توجه هواداران در گذر زمان، ترک رفتارهای متعصبانه در گذر زمان، گسترش افق دید و فاصله گرفتن از فن‌ها و فهم نقش سرمایه‌داری و جریان‌های فرهنگی خاص در کی‌پاپ، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه مه‌لقای ۱۹ ساله، با ارجاع محورهای اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر وی و دیگر هواداران، توجه خویش را به مباحث مه‌لقا در زمینه اقدام‌های کمپانی متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، مه‌لقا اصولاً صنعت کی‌پاپ را صنعتی کثیف می‌داند:

«این کره‌ای‌ها که هیت می‌دادن و ناراحت می‌شدن از خبر مثلاً ازدواج طرف به چه حقی هیت می‌دادن؟»

کره‌ای‌ها متأسفانه فکر می‌کنن صاحب آیدول‌ها هستن و آیدول‌ها بدون اونا هیچی نیستن، در صورتی که تلاش‌های شبانه روزی و آزار و اذیت شدن‌هاشون رو نمی‌بینن و فکر می‌کنن یه زندگی لاکچری دارن و به خودشون اجازه می‌دن اون شخص رو کنترل کنن. هر چند که این یه سیاسته. خبرنگاراً برای این که نون‌شون تو روغن باشه، حاضر هستن همه‌اش اخبار دروغ انتشار بدن. صحت مسأله مهم نیست، مهم خبریه که بیش‌تر کلیک بخوره تا پول بیش‌تری بره تو جیب اونا. به خاطر همین می‌گم کی‌پاپ به شدت صنعت کثیفیه».

مه‌لقای ۱۹ ساله در توصیف یکی از دلایل کثیف بودن کی‌پاپ، از اندیشه سود بردن بیش‌تر و بیش‌تر کمپانی، حتی اگر به بهای آسیب خوردن اعضای گروه باشد، یاد می‌کند:

«چندتا مثال از این که می‌گی کمپانی به فکر خودش می‌زنی؟»

کمپانی واقعاً به فکر خودش، دیگه نمی‌خواد سود خودش رو از دست بده. اونا اوایل به اکسو بها داد تا خودش سود کنه و اینا، بعد اومد بالا بیهو دید کل کمپانیش شده اکسو و هیچ چیز دیگه‌ای نمی‌تونه جایگزینش بشه، گروه‌های مختلف رو درست کرد کلی رو اونا هزینه کرد، نمی‌دونم زیر گروه درست کرد از چندتا گروه و اینا رو بیش‌تر انداخت سمت کشورای اروپایی و آمریکایی و اینا، ولی باز هم هیچ کدومشون اون قدر اون طور که باید کار نکرد که اکسو کار کرد. الان منتظره تا همه اعضای سربازباشون تموم شه و بعد ببینیم که چه فکری می‌خوان بکنن. طبیعتاً نمی‌تونن از کمپانی برن، چون اگه بخوان از کمپانی برن، اممم تمام آهنگای قبلی‌شون و هیچ چی رو نمی‌تونن اجرا کنن و اصلاً کلاً حق مالکیت اونا رو ندارن، چون حق مالکیتش با کمپانیه. بنابراین فکر نمی‌کنم برن، شاید یه گروه جدا تشکیل بدن، مثل سوپر جونیور، چون اونا هم یکی از بندای اسام بودن و اونا هم خیلی اذیت شدن، حالام نمی‌دونم چه فکری قراره بکنن، ولی به هر حال کمپانی به شدت اذیت‌شون می‌کنه و در خیلی اوقات وقتی یه سری اتفاقات میفته و شایعات بدی در مورد افراد و کل گروه به وجود میاد، هیچ ری اکشنی نشون نمی‌ده یا حمایت نمی‌کنه و این که اصلاً انگار نه انگار باید از اعضای خودش حمایت کنه و اصلاً پشت اعضای گروه نیست».

مه‌لقا در ادامه استدلال خویش مبنی بر کثیف بودن صنعت کی‌پاپ، از این مسأله یاد کرده است که به تصور وی اساساً کمپانی ملعبه دست نظام سرمایه‌داری است:

«این که می‌گی خیلی خوشگل ان دلت نخواست که با عمل و این چیزا شبیه اونا بشی؟»

نه، هیچ وقت این طوری نبوده، چون هیچ وقت عمل کردن رو کلاً دوست نداشتم و قبولش نداشتم، مخصوصاً الان باز بیش‌تر به خاطر این که این طوریم که برای چی باید خودمون رو بازیچه معیارایی بکنیم که سیستم سرمایه‌داری اومده درست کرده که به خودش سود برسه، قرار نیست که سودی به

ما برسونه که ما خودمون رو شبیه هم بکنیم که ما خودمون رو نزدیک به معیارهای زیبایی اونا بکنیم و صرفاً سعی کردم که تحسین بکنم زیبایی اونا رو و هیچ وقت این طوری نبوده که... البته گاهی وقت‌ها شاید کمی حسودی می‌کردم، اما هیچ وقت این طوری نبوده که بخوام عمل کنم و یه کاری کنم که شبیه اونا بشم.

- به نظرت هدف سیستم سرمایه‌داری چیه؟

اسمش روشه دیگه. واسه پول و سرمایه. میان مغزای ما رو شست و شو می‌دن و با ترفندای خاص‌شون، خیلی ریز بدون این که بفهمیم کاری می‌کنن که ما حس کنیم به محصولاتی که این سیستم برامون تدارک دیده، نیاز داریم. اون قدر زیر پوستی رخنه می‌کنه که به هیچ وجه نمی‌فهمیم و حتی نمی‌تونیم دنیایی رو تصور کنیم که توش پولی وجود نداره. مثل سیستم همسان ساز کره شمالی که کاری کرده که مردمش حتی نتونن تصور کنن جور دیگه‌ای هم می‌شه زندگی کرد و هیچ تعریف درستی از آزادی نداشته باشن. کاپیتالیسم می‌خواد دنیا روی پول بچرخه و برای مردم احساس نیاز ایجاد می‌کنه و هر چه قدر تقاضا بالاتر بره، سود این سیستم بالاتر می‌ره».

مه‌لقا در فراز دیگری از استدلال‌های خویش از نقش‌کی‌پاپ در تعمیق اندیشه آزادی جنسی در میان هواداران خودش یاد کرده است:

«- خوب به نظرت این که کی‌پاپ داره همجنس‌گرایی رو عادی می‌کنه، خوبه؟»

حالا اگه بخوام این قضیه رو فاکتور بگیرم که اصلاً چیزی به اسم گرایش وجود نداره و زن و مرد تفاوت‌های شناختی باهم ندارن و صرفاً توی آلت جنسی اون‌هاست و یه سری هورمون‌ها و اینا، امم بنابراین ما عاشق آلت جنسی آدم‌ها که نمی‌شیم، ما عاشق یک پکیج کامل شخصیت و ظاهر و فلان و این داستانی آدم‌ها می‌شیم، بنابراین این لیبیل‌ها (برچسب) در واقع چیزای مزخرفی ان که می‌گیم استریت، همجنس‌گرا و فلان و اینا، جدا از این ما نمی‌تونیم با یک چیزی غیرعادی برخورد کنیم و انتظار داشته باشیم اون چیز عادی بشه، ما ال‌جی‌بی‌تی کیو رو میایم براش برچسبای مختلف می‌زنیم، زیرگروه‌های مختلف می‌سازیم براش، ماه مخصوص داریم، مراسمای مخصوص داریم و از اون طرف انتظار داریم که عادی بشه (باخنده)، این اصلاً یه چیز غیرمنطقیه، مگه ما برای استریت‌ها همچین چیزی داریم؟ خیر، بنابراین درستش اینه که همون طوری که با روابط دگرجنس‌گرا برخورد می‌شه، همون طور هم با روابط همجنس‌گرا برخورد بشه، امم و این که به نظرم توی کی‌پاپ حالا اوایلش توی کی‌دراما، در ابتدا خیلی زیرپوستی بود و کم‌کم اومد رو و به نظرم به نظرم (تأکید می‌کند)، شیوه خوبی رو داره اعمال می‌کنه، امم که عادی داره سعی می‌کنه جلوه بده، داره سعی می‌کنه خیلی ریز بندازتش وسط، بدون این که یه چیزی باشه که مستقیم بخوره توی صورتت و تو یهو شوکه بشی، این طوریه کم‌کم داره رخنه می‌کنه و این به نظرم خیلی بهتره تا این که تو یهو یه دیتای (داده) گنده بدی به جامعه و انتظار داشته باشی که جامعه بتونه اون دیتای گنده رو هضمش کنه، امم کاری که هالیوود

می‌کنه، می‌دونی چی می‌گم؟ ولی کی‌دراما یا کی‌پاپ این این کار رو انجام نمی‌ده و به نظرم شیوه خوبی رو در پیش گرفته، یک شیوه امم در واقع محتاطانه هست که به نظرم عمل می‌کنه این که تو آروم آروم پیش بری».

مه‌لقای ۱۹ ساله در فراز دیگری از مصاحبه خود از «نقش تخدیر کننده کی‌پاپ» به قرار زیر یاد کرده است:

«- منظورت چیه می‌گی کمپانی کاری می‌کنه نتونی ازش بکشی بیرون؟»

خب بین یه چیزی که خیلی واضحه، طبیعتاً تو هر چه قدر فن کی‌پاپ بیش‌تر باشه، سودش برای کره و صنعت موسیقیش بیش‌تره، حالا اینا چه پلنایی دارن و میان چه کارا می‌کنن... کاپیتالیزم و موسیقی مارکتی میان جایزه‌های مختلف می‌ذارن مراسمای مختلف می‌ذارن، برنامه‌های مختلفی و متنوعی درست می‌کنن با اون آیدولاشون و این مراسمای مختلف جشنواره‌های مختلف همه‌شون رأی‌گیری و جایزه داره، اون جایزه برای این که مثلاً یه نفر اون جایزه رو ببره براش رأی‌گیری وجود داره، نمی‌دونم چندمدل رأی‌گیری استریم زدن وجود داره، توی اسپاتیفای، نمی‌دونم توی یوتوب و توی پلتفرمای مختلف و این که یا مثلاً توی توئیتر خیلی چیزای مختلفی وجود داره و این که تو بخوای واردش بشی و از کسی که فنشی حمایت کنی، یک سره درگیری و وارد یه سیکل معیوبی می‌شی که دائماً در حال رأی‌گیری هستی، این رأی‌گیری تموم می‌شه، رأی‌گیری بعدی، چه می‌دونم، فلان مراسم تموم می‌شه، مراسم بعدی و دائماً تو رو درگیر این داستانا می‌کنه.

بعد گروه‌های کی‌پاپ چون اکثرشون این طوری ان که تو فاصله خیلی کوتاه‌تری موزیک می‌دن تا مثلاً خواننده‌های غربی، یک گروه کره‌ای ممکنه توی یک سال، یه فول آلبوم بده با دوتا مینی آلبوم حداقلش، می‌دونی چی می‌گم؟ به خاطر همین تو دائماً درگیری، تو دائماً درگیر کام‌بک‌هاشونی، تو دائماً درگیر مراسمای مختلفشون هستی و اصلاً وقت نمی‌کنی به چیزای دیگه فکر بکنی و اینا به علاوه لاپوشونی‌هایی که می‌کنن، یعنی توی هالیوود کاملاً یه چیز عادیه که طرف درباره دوست دختر و دوست پسرش حرف بزنه یا توی رابطه باشه، ولی توی کی‌پاپ اصلاً به هیچ وجه این طوری نیست، یعنی نمی‌بینی که توی یک مراسمی حالا توی یک برنامه یا هر چیزی طرف بیاد درباره پارتنرش حرف بزنه، اصلاً همچین چیزی نداریم و خیلی چیزا در این وسط همه‌اش سانسور می‌شه، حتی رفتاراشون و شخصیتی که دارن هم خیلی وقت‌ها سانسور می‌شه و همه اتفاقات پشت صحنه هم به خاطر همین که میان گندا رو لاپوشونی می‌کنن و با برنامه‌های مختلفی که دارن، تو رو توی اون سیکله نگه می‌دارن توی اون دایره‌ه نکه می‌دارن که تو همه‌اش درگیر همین کی‌پاپ باشی».

از منظر مه‌لقا قسمت مهمی از اهداف کمپانی در «به بازی گرفتن آیدول‌ها و هواداران و تأمین منافع حداکثری کمپانی» آن خلاصه می‌شود:

«- واقعاً کار اکسو خوب بود؟»

الآنم با این که دیگه زیاد پیگیر نیستم، همچنان می‌گم واقعاً کارشون خوب و قویه. به خصوص ووکال لاینش بی‌نظیره و حق‌شون هم بیش‌تر از این‌ها هست منتهی، به خاطر کمپانی‌شون در حق‌شون اجحاف شده، باید بیش‌تر دیده می‌شدن.

- منظورت چیه که می‌گی به خاطر کمپانی‌شون؟

خیلی مفصله. کمپانیه حمایت‌گری ندارن. کمپانی فقط به فکر سود خودش و از اکسو بیگاری می‌کشه و خیلی اذیت‌شون می‌کنه که سه‌تا از اعضای چینی طی یکی، دو سال از گروه خارج شدن. این سه، چهار سال اخیر هم چون اواخر قرارداد اکسو با کمپانیش بود، کمپانی سعی می‌کرد از اکسو حمایت نکنه و خودش و سهامش رو زیاد وابسته‌ی اکسو نکنه که اگه اکسو رو از دست داد، ضربه‌ی بزرگی نخوره. سعی کرد گروه‌های دیگه‌اش رو بیاره بالا تا جایگزین اکسو بشن، ولی خب کارساز نبود. الآنم فعلاً تا پایان سربازی‌شون دو سالی مونده احتمالاً بعدش تصمیم می‌گیرن که با گروه چه کار بکنن».

مه‌لقا پس از استدلال در مورد کثیف بودن صنعت کی‌پاپ، از تفاوت کمپانی‌های موجود در عرصه کی‌پاپ یاد کرده، کمپانی گروه بی‌تی‌اس را در پیش‌برد اهدافش زیرک‌تر از کمپانی گروه اکسو معرفی می‌کند:

«- فنای اینترنشنال از این موضوع که آیدول حتماً باید رژیم بگیره تا لاغر باشه، حمایت می‌کنن یا

نه؟

بین فنای اینترنشنال توی کلاً همه قضایا، چه موضوع مثلاً ازدواج یا قرار گذاشتن‌شون، چه موضوع رژیم و مثلاً ظاهر و این داستانا، خیلی بهترن، گفتم که مثلاً در مورد خودم اون دوران که خیلی فن بودم، مثلاً اگه یکی‌شون شروع می‌کرد به قرار گذاشتن، شاید ناراحت می‌شدم، اما احترام می‌داشتتم، اما کره‌ایها اصولاً احترام نمی‌ذارن، ناراحت می‌شن، عصبانی می‌شن و احترام هم نمی‌ذارن و هیت می‌دن و حمایت نمی‌کنن دیگه اون شخص رو و می‌گم اینا چیزاییه که تو فرهنگ کره زیاد هست، در حالی که تو فنای اینترنشنال خیلی خیلی کم‌تره. تو می‌تونی اینا رو ببینی. خیلی کم‌تر، حتی اگه طرف ناراحت شده باشه یا براش مهم باشه، اهمیت بده، سعی می‌کنه احترام بذاره. حالا درباره گروه‌های دیگه اطلاع ندارم، اما اکسو بارها تو همه این سال‌ها به مدلای مختلفی نشون دادن که چه قدر به فنای اینترنشنال‌شون بیش‌تر احترام می‌ذارن و دوس‌شون دارن، حالا خیلی روش‌هاشون رو یادم نیست، ولی اصولاً مثلاً لایو‌اشون آخر شب می‌اومدن یا همیشه از فن اینترنشنال‌شون یاد می‌کردن و این طور بودن که سعی می‌کردن به زبونای مختلف مثلاً حرف بزنن تو لایو‌اشون، چون خودشون هم از این مسأله آگاه بودن، سعی می‌کردن که حالا چه مستقیم چه غیر مستقیم نشون بدن که برای فنای خارج از کره‌شون خیلی احترام قایل اند».

«- فکر می‌کنی بی‌تی‌اس چرا نسبت به اکسو این قدر پهلو توی کل دنیا معروف شد؟

۲۰۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

کمپانی بی‌تی‌اس خیلی ازش حمایت می‌کنه و به تمام درخواست‌ها بله می‌گه. در صورتی که کمپانی اکسو اجازه نمی‌ده موزیکای اکسو تو رادیوهایی امریکا مثلاً پخش بشه یا زیاد براشون تور خارج از آسیا نمی‌ذاره و محدودیت‌هایی امثال این که در نهایت همه‌شون باعث بشن اکسو خارج از آسیا زیاد معروف نشه. بی‌تی‌اس همچین محدودیت‌هایی نداشت و وارد موسیقی غرب شد و بعدشم با چندتا سلبریتی مطرح فیت داد و یه چیز کاملاً طبیعی که انقدر یهو معروف بشه. همه‌اش سیاستای تجاریه دیگه».



## مصاحبه با سحر، ۱۵ ساله

تازه بعد از دیو، بخش دارک این صنعت موسیقی رو می‌بینند، این که مجبورند یه سری نمادها رو نشون بدن به خاطر قراردادهایی که کمپانی‌ها با ایلومیناتی می‌بندند، این که مجبورند یک شخص دیگه باشن.

- سلام سحر جان!

سلام.

- از این که قبول کردی برای مصاحبه وقت بگذاری، متشکرم.

خواهش می‌کنم.

- سحر جان اول بگو کلاس چندمی؟

من کلاس هشتم هستم.

- سطح اقتصادی خانواده شما چه طور هست؟

متوسطه.

- و از لحاظ اعتقادی چه طور هستید؟

مذهبی نیستیم.

- سحر جان می‌تونی بهم بگی چه جوری با کی‌پاپ آشنا شدی؟

چند سال پیش یکی از فامیل‌هامون که اون موقع نوجوان بود و مامانم خیلی قبولش داشت، فن گروه ای پینک (از گروه‌های کی‌پاپ) بود، بعد همه‌اش واسه مامانم آهنگ‌هاشون رو می‌ذاشت، مامانم هم تو رودربایستی گوش می‌داد، می‌گفت خوب ان. بعد کم‌کم من از آهنگ‌های گروه‌شون خوشم اومد و به مامانم گفتم، من آهنگ‌های این گروه رو می‌خوام. مامانم هم به فامیل‌مون گفت و اون هر چی آهنگ داشت فرستاد. بعد از اون دیگه خودم هم می‌رفتم آهنگ‌های کره‌ای از گروه‌های مختلف رو دانلود می‌کردم، گوش می‌دادم و دیگه کم‌کم با خیلی از گروه‌های کی‌پاپ آشنا شدم. البته دیگه از ای پینک خوشم نمیاد، خیلی زیادی صورتی و دخترونه بودن.

۲۱۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)



- سحر تو چند ساله که کی پاپری؟  
حدوداً ۵، ۶ ساله، یعنی از حدود ۱۰ سالگی خودم.  
- یادته اول از همه کدوم آهنگ‌های کی‌پاپ توجهت رو جلب کرد؟  
آهنگی که باهاش کی‌پاپر شدم یکی آهنگ لاو از ای‌پینک بود یکی هم آهنگ بونا مانا از گروه سوپر‌جونیور.



- چرا جذب این آهنگ شدی؟  
از ریتمش خوشم اومد. اون زمان با آهنگ‌هایی که تا اون موقع شنیده بودم، متفاوت بود.  
- چه جوری با بی‌تی‌اس آشنا شدی؟  
کلاس چهارم فهمیدم یه چیزی به نام بی‌تی‌اس هست، ولی تا کلاس پنجم فقط اسم‌شون رو شنیده بودم و نمی‌شناختم‌شون تا این که یکی از دوستانم تو کلاس فن بی‌تی‌اس بود و همون روزهای اول شروع سال اومد ازم پرسید تو آرمی‌ای؟ چون با کی‌پاپ آشنا بودم، می‌فهمیدم قطعاً منظورش یه فن

یه گروه کی‌پاپه، ولی نمی‌دونستم آرمی فن‌دوم کدوم گروهه. دیگه اون دوستم یه مقدار بیش‌تر با بی‌تی‌اس آشنام کرد و فن‌شون شدم. بعد یه مدت دیگه فن‌شون نبودم، بعد دوباره فن‌شون شدم.



- چرا یه مدت فن‌شون نبودی؟

ببین من الان بی‌تی‌اس رو دوست دارم، ولی صرفاً خود بی‌تی‌اس رو دوست دارم، چون از وقتی بی‌تی‌اس با آهنگ دینامیت رکورد زد، خیلی افراد جدید وارد فن‌دوم آرمی شدن و یه سری از این آدم‌های جدید، کسانی هستن که به بقیه گروه‌ها هیت می‌دن، مثلاً یهو میان می‌گن بلک‌پینک و یوهاش رو خریدی و همه‌اش هیت الکی می‌دن به گروه‌های دیگه و کلی دعوا و تنش ایجاد می‌کنن.



۲۱۲/ چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

منم یه مدت زده شدم و ترجیح می‌دادم دیگه اسم این فن‌دوم روم نباشه تا این که همین یکی، دو ماه پیش با خودم گفتم کارهای اون‌ها به من چه، من عاشق خود بی‌تی‌اسم و دوباره آرمی شدم.

- تو خودت هیچ وقت تعصبی نبودی و توی دعوای فن‌دوم‌ها شرکت نکردی؟

نه اصلاً. یه زمانی بود که یه سری از اکسوال‌ها<sup>۱</sup> بودن که به بی‌تی‌اس هیت می‌دادن، خب من ناراحت می‌شدم ولی جواب نمی‌دادم، نمی‌رفتم دعوا کنم و همه‌اش با خودم فکر می‌کردم، این‌ها چرا این کار رو می‌کنن تا این که بعدتر فهمیدم آرمی‌ها خودشون به خیلی گروه‌ها هیت دادن و توی خیلی از فن‌وارها<sup>۲</sup> آرمی‌ها نقش پررنگی داشتند و در نتیجه اکسوال‌ها تاحدی حق داشتند.



- دلیل این که توی فن‌وارها شرکت نمی‌کنی چیه؟

من کلاً دعوایی نیستم. من به نظرم به عنوان یه آرمی یا بلینک<sup>۳</sup> یا هر گروه دیگه‌ای، وقتی به گروه‌مون هیت می‌دن، ما نباید جواب بدیم چون که یه سری هیتر هستن که کلاً هدف‌شون همینه که جو رو بهم بریزن و دعوا راه بندازن و فن واقعی نیستن. خب اگه آدم با این موج دعوای همراهی کنه، در واقع دارم اسم فن‌دوم خودش رو خراب می‌کنه. خب من خیلی بی‌تی‌اس رو دوست دارم و وقتی بهش

۱- طرفداران گروه اکسو

۲- دعوا و درگیری میان فن‌دوم‌ها

۳- طرفداران گروه بلک‌پینک

هیت می‌دن ناراحت می‌شم، ولی خب اگه منم به اون‌ها هیت بدم اسم فندوم خراب می‌شه و می‌گن آرمی‌ها وحشی‌ان.



- بالاتر گفتم آرمی‌ها توی خیلی از فن‌وارها نقش پررنگی داشتن، به نظرت دلیل این موضوع چیه؟ آرمی‌ها همیشه آتیش شون تندتر از فندوم‌های دیگه بود، چون از یه طرف به خاطر این که بی‌تی‌اس از بقیه گروه‌های کی‌پاپ موفق‌ترند فندوم گروه‌های دیگه بهشون حسادت می‌کنند و هیت می‌دن از طرف دیگه هم به نظرم به خاطر موفقیت‌های بی‌تی‌اس آرمی‌ها یه مقدار مغرور شدن و نمی‌شه راحت به گروهشون انتقاد کرد.

- به نظرت فقط توی ایران آرمی‌ها به قول تو وحشی‌اند یا تو کشورهای دیگه هم همین طوره؟ کلاً آرمی‌ها به این که وحشی‌ان معروف هستن و فکر می‌کنم تو کشورهای دیگه هم همین طور باشه، چون گفتم از وقتی بی‌تی‌اس با آهنگ دینامیت رکورد زد که یه آهنگ انگلیسی بود و جهانی شد، خیلی آدم‌های مختلف، چه ایرانی چه خارجی، جذب فندوم شدن. البته ایرانی‌ها کلاً روحیه دعوا کردن و فحش دادن شون خیلی بیش‌تر از بقیه کشورهاست (می‌خندد)، واسه همین شاید برای فن‌وار (دعوی بین فندوم‌ها) ایرانی‌ها درجه اول باشن، ولی آدم خوب و بد همه جا هست و قطعاً تو فندوم‌های خارجی هم اوضاع به همین شکله. در کل به نظرم بیش‌تر تو ایرانه، ولی همه جا هست.

- خوب سحر دوستت چه جوری شما رو با بی‌تی‌اس آشنا کرد؟ تک تک اعضا رو بهم معرفی کرد و گفت نقش هر کدوم تو گروه چیه و چندتا از آهنگاشون رو برام با معنی‌هاش فرستاد و یه بار هم اومد خونمون، موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس رو تو یوتیوب آورد، چندتا از معروف‌هاش رو نگاه کردیم و دیگه خوشم اومد.

- در ابتدا چه چیزی توی بی‌تی‌اس تو رو جذب کرد؟ می‌رقصیدن، مثل خواننده‌های ایرانی نبودن که وایستن پشت میکروفون و تکون نخورن. رقص شون جذبه کرد و رنگ موهاشون هم به نظرم خیلی جالب بود. قیافه‌هاشون صداشون کلاً همه چی. آهنگ‌هاشون هم ریتمی داشت که می‌پسندیدم.

۲۱۴ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)



- آشنایی با گروه‌های دیگه کی‌پاپ تأثیری توی آرمی شدن تو داشت؟  
آره خب. من کلاً با فضای کی‌پاپ آشنا بودم و مولتی استن بودم. واسه همین سریع هم تونستم با بی‌تی‌اس ارتباط بگیرم.  
- منظورت از مولتی استن چیه؟  
مولتی استن به کسی می‌گن که فن خیلی از گروه‌های کی‌پاپ هست و فقط یه گروه رو دوست نداره. البته من بی‌تی‌اس رو بیش‌تر دوست دارم، ولی اکثر گروه‌های کی‌پاپ رو می‌شناسم.  
- توی گروه بی‌تی‌اس، کدوم رو بیش‌تر از بقیه اعضا دوست داری؟  
اوایل که آرمی شدم جونگ‌کوک بود ولی الان هیونگ‌لاین!



۱- هیونگ‌لاین به اعضای گفته می‌شود که سن آن‌ها از سایر اعضا بیش‌تر است و در گروه بی‌تی‌اس شامل شوگا، جیهوپ، جین و نامجین می‌شود.

«- موسیقی بی‌تی‌اس رو از چه نظر بیش‌تر دوست داری، ریتم‌شون، محتواشون یا اجراشون؟ هم ریتم (آهنگ)، هم لیریک (متن) و هم پرفورمنس (اجرا) شون. من واقعاً توی موسیقی هیچ کشور دیگه‌ای ندیده بودم که همه چیزشون باهم خوب باشه، یعنی تو خواننده‌های کشورهای دیگه می‌بینی، طرف می‌خونه، ولی نمی‌رقصه، اما خب رقصنده دورش زیاده. ولی این‌ها خودشون می‌رقصن و هم‌زمان خودشون می‌خونن و حتی بیش‌تر آهنگ‌هاشون رو خودشون می‌نویسن. رقص‌ها و پرفورمنس‌شون خیلی من رو جذب می‌کنه. کلاً موسیقی کی‌پاپ، اولین سبکی بود که دیدم، خواننده هم‌زمان می‌خونه و می‌رقصه، واسه همین جذب کی‌پاپ شدم. بی‌تی‌اس آهنگ‌هاشون رو هم خیلی دوست دارم.

- بعضی خواننده‌های هالیوودی مثل لیدی گاگا یا جنیفر لویز هم هستند که هم‌زمان می‌خوندن و می‌رقصند، فرق گروه‌های کی‌پاپ با اون‌ها چیه؟



تفاوت‌شون اینه که کی‌پاپ از افسردگی رهاست و مثل خواننده‌های کشورهای دیگه تبلیغ افسردگی نمی‌کنند. کلاً تو کی‌پاپ هیچ وقت سبک افسردگی نداشتیم، یعنی آهنگ‌ها همه شاد بود و همه‌اش در حال رقصیدن بودن، ولی بی‌تی‌اس گروهی بود که اومد، آهنگ کاملاً ضد افسردگی ساخت و گفت، خودتون رو دوست داشته باشید. خیلی خوشم اومد که آهنگ‌هاشون حس خوبی داره و افسردگی رو نشون نمی‌ده و کسی حتی اگه آرمی نباشه، وقتی که آهنگ‌هاشون رو بشنوه، دلش می‌خواد پاشه برقصه.

- خوب آهنگ‌های غمگین‌شون چی؟

یه سری آهنگ‌های با ریتم آرام دارن که موضوع اون‌ها هم باز افسردگی و ناامیدی نیست، بلکه این رو نشون می‌ده که دوره‌های سخت هم تموم می‌شه و بالاخره جاش با روزهای خوب عوض می‌شه، مثل آهنگ اسپرینگ دی (روز بهاری). البته باز متفاوت‌ها، مثلاً آهنگ فیک لاو خیلی معنی‌قشنگی داشت، ولی در کنارش آهنگ باتر (کره) به نظر من هیچ معنی خاصی نداشت و صرفاً ریتمش یا حال بود.

- دوست داری محتوا و لیریک آهنگ‌هاشون بیش‌تر توی چه حوزه‌ای باشه؟

۲۱۶ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

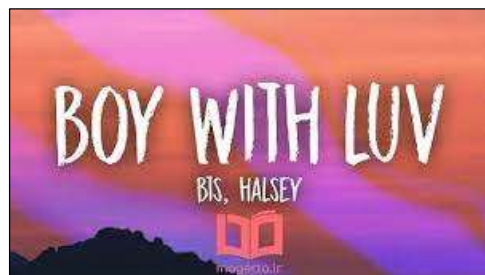
به نظر من توی این سال‌ها که می‌شه گفت، تقریباً همه خواننده‌ها دارند تبلیغ افسردگی می‌کنند و بین تینیجرها (نوجوان‌ها) باب شده که افسرده بودن چیز جالبیه، توی همچنین دوره‌ای بهتره که آهنگ‌های امیدبخش بخوندند تا حداقل از بین تینیجرها حال آرمی‌ها بهتر بشه و شاید بتونن حال اطرافیان‌شون رو هم بهتر کنند که خب البته بی‌تی‌اس همین کار رو هم داره می‌کنه و بیش‌تر آهنگ‌هاشون امید بخشه. البته من شخصاً آهنگ‌های عاشقانه‌شون رو بیش‌تر دوست دارم.

- مخصوص هر حس و حالت آهنگ دارند؟

آره مثلاً وقت‌هایی که دلم می‌خواد آروم بشم و در عین حال خوشحال باشم آهنگ بلک سوان کمکم می‌کنه، هم‌زمان هم رقص میاد هم آرامش می‌گیرم (می‌خندد). وقت‌هایی که می‌خوام به خودم یادآوری کنم که هدفم در آینده چیه و می‌خوام چه کاره بشم آهنگ آیدول رو گوش می‌کنم که حس و حال آیدول بودن برای یادآوری بشه. وقت‌هایی که خیلی ناراحتم آهنگ آی نید یو و آهنگ فیک لاو حال رو بهتر می‌کنه. وقت‌هایی که ناراحتم ولی می‌خوام خوشحال شم، آهنگ بوی ویت لاو رو گوش می‌کنم. وقت‌هایی که ناامیدم سو وات رو گوش می‌کنم. آره کلاً برای هر حس و حال چندتا آهنگ هست که اون لحظه به مودم بخوره.

- یعنی وقتی ناراحتی و آهنگ‌شون رو گوش می‌دی حالت بهتر می‌شه؟

آره خیلی. حس خوبی می‌گیرم. مخصوصاً با آهنگ بوی ویت لاو خیلی خاطره دارم، برای همین اون رو توی هر موقعیتی که گوش می‌دم کلاً قلبم اکللی می‌شه. ولی آهنگی که وقتی ناراحتم گوش می‌دم، کامل حال رو خوب می‌کنه، آهنگ سو وات هست، سو وات یه حس خیلی خوبی داره و این که از این ری‌ورس‌های منفی نداره و بمب انرژیه.



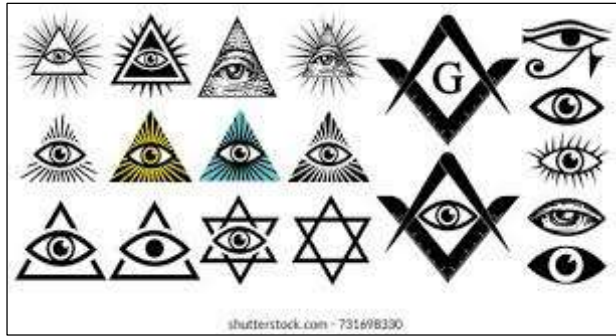
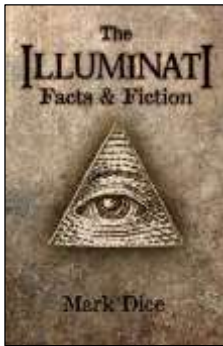




- ری‌ورس منفی یعنی چی؟  
بعضی آهنگ‌ها یه سری پیام‌های منفی تو خودشون دارن که آهنگ رو که برعکس می‌کنی، اون پیام‌ها رو می‌شنوی، مثلاً تو آهنگ‌های بیلی ایلیش (خواننده) خیلی ری‌ورس‌های منفی زیاده.



- چرا ری‌ورس‌های منفی رو توی آهنگ‌ها می‌گذارن؟  
بعضی خواننده‌ها برای این که معروف بشن با ایلومیناتی قرارداد می‌بندن و بعد تازه متوجه می‌شن تو چه دردسری افتادن. ایلومیناتی مجبورشون می‌کنه این پیام‌های مخفی رو بذارن توی آهنگ‌هاشون تا توی ذهن آدم‌ها تأثیر بذاره، اگر هم خواننده‌ها قبول نکنن این کار رو بکنن، صدجور تهدیدشون می‌کنن.



- بی‌تی‌اس هم این پیام‌ها رو توی آهنگ‌هاش داره؟  
یکی، دو جا شنیدم که توی بعضی آهنگ‌هاشون هست، ولی دلم نمی‌خواست بدونم واسه همین پیگیری نکردم ببینم دقیقاً چیه و تو کدوم آهنگه.

- چرا دلت نمی‌خواست بدونی؟  
دلم نمی‌خواد تصویری که از بی‌تی‌اس و آهنگ‌هاشون دارم، خراب بشه، چون می‌دونم، حتی اگر با ایلومیناتی همکاری بکنند، از روی اجبار و مجبورند و خواست خودشون نیست. از طرفی هم آهنگ‌هاشون حال من رو خوب می‌کنه، دوست ندارم هر بار که یه آهنگ رو گوش می‌دم، یاد پیام مخفی توش بیفتم و حالم بد شه.

- از تأثیری که این پیام‌ها روی ذهن انسان‌ها دارند، نمی‌ترسی؟  
من چهار ساله دارم آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو گوش می‌دم و هیچ تمایلی به ایلومیناتی پیدا نکردم و هیچی تو من تغییر نکرده. به نظرم تأثیری نداره.

- سحر جان تو تاحالا فن پیچ داشتی یا داری؟  
آره، اون اوایل که تازه آرمی شده بودم توی واتساپ یه کانال زدم واسه بی‌تی‌اس. اسمش بی‌تی‌اس ورلد (جهان بی‌تی‌اس) بود و خیلی هم ممبرهاش زیاد شده بود.

- چندتا عضو داشت؟  
حدود ۱۰۰ و خورده، ولی خب اون موقع به نظرم این رقم خیلی زیاد بود.

من اون موقع که کانال رو زدم، بی‌تی‌اس مد نبود و زیاد کسی خوشش نمی‌اومد، اما همین که من اون کانال رو بستم، بی‌تی‌اس به شدت معروف شد و هر کی واسشون کانال می‌زد، یهو ۱۰۰۰ نفر جوین می‌شدن و من همه‌اش با خودم می‌گفتم، چرا!!!! (می‌خندد). کلاً شانس نداشتم. اولین کانال جی‌آیدول (گروه کی‌پاپ) رو هم من توی واتساپ زدم و هیچ کس استقبال نکرد، همین که من اون کانال رو بستم، صدتا کانال ایجاد شد به اسم اولین کانال جی‌آیدول و معروف شدن، این شانس گند منه.

- چرا توی واتساپ کانال زدی و توی اینستاگرام فن پیچ نزدی؟

چون اون موقع من اینستا نداشتم مامانم اینا نمی‌داشتن اینستا بریزم، دیگه با محدودیت‌ها کنار اومدم و به کانال واتساپ قناعت کردم (می‌خندد).

- چه مدت کانال بی‌تی‌اس رو داشتی؟  
حدود یک سال.

- توی کانالت بیش‌تر چه جور پست‌هایی می‌گذاشتی و فعالیتت توی چه عرصه‌هایی بود؟  
بیش‌تر ادمین‌هام توش باهم چت یا دعوا می‌کردن (می‌خندد)، مثلاً یکی از ادمین‌ها مسوول فرستادن عکس بود، می‌اومد به جای عکس، فیلم می‌فرستاد تو کانال، بعد بقیه ادمین‌های می‌اومدن دعواش می‌کردن، بعد من می‌رفتم می‌نوشتم، ساکت شید، مگه کانال جای دعواست. خیلی پرمحتوا بود کانال - مون (می‌خندد). بیش‌تر فعالیت‌مون فیلم‌ها و عکس‌ها و آهنگ‌هاشون بود که بقیه بیش‌تر باهاشون آشنا بشن.

- چندتا ادمین بودید؟

۵ نفر بودیم.

- آیا از کانالت از طریق تبلیغ کسب درآمد هم می‌کردی؟

نه اصلاً هیچ درآمدی نداشتم، ولی وظیفه خودم می‌دونستم که به مردم معرفی‌شون کنم. اگه کانال رو نگه می‌داشتم و پاکش نمی‌کردم، تا الآن ممبرهاش بیش‌تر هم شده بود و می‌تونستم ازش کسب درآمد کنم.

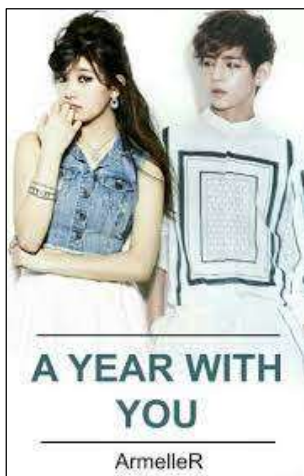
- سحر آیا خودت فن‌فیکشن می‌خونی یا می‌نویسی؟

من اوایل نمی‌دونستم فن‌فیکشن چی هست. بعد یه بار یکی از دوست‌هام که آر می بود ازم پرسید تا حالا تصور کن خوندی؟ من اصلاً نمی‌دونستم تصور کن چیه، بعد برام یکی دوتا فرستاد که موضوعش این بود که تصور کن مثلاً بلد نیستی بند کفشت رو ببندی، جیمین میاد برات می‌بنده و کلاً سناریوهای مختلف داشت. دیگه کم‌کم با فن‌فیکشن‌ها آشنا شدم، زیاد اهلش نبودم، ولی یکی، دوبار رفتم از سر کنجکاوای خوندم، اوکی بودن تا این که چشمم خورد به یه سری‌هاش که موضوع‌هاش یه مقدار چیز بود... در کل زیاد حوصله خوندن فن‌فیک ندارم. نوشتنش هم نه، نمی‌نویسم، علاقه‌ای ندارم.



- می‌تونی بگی میانگین چه قدر برای خوندن فن فیکشن وقت می‌گذاری؟  
من خب خیلی اهل کتاب خوندنم ولی فن فیک‌ها بیش‌ترش به دلم نمی‌شیننه مگر این که خیلی جالب باشه برام. مثلاً یه مدت که بایسم جونگ‌کوک بود، یه فن فیک ۵۰۰ صفحه‌ای اومده بود و هیچ چیز بدی هم توش نداشت. داستانش در مورد جونگ‌کوک و یه دختره بود که چه جور باهم آشنا شدن و عاشق هم شدن و ازدواج کردن و بعد باهم رفتن مسافرت و این داستان‌ها. و من از اون جایی که خیلی رمان دوست دارم، نشستم خوندم و خیلی زمان برد، چون طولانی بود. ولی خب این شکلی نیست که هر روز فن فیک بخونم یه وقت‌هایی یه فن فیک جالب به چشمم بخوره می‌خونمش.

- بیش‌تر چه نوع فن فیکشن‌هایی دوست داری؟  
من خودم بیش‌تر ژانر کمدی دوست دارم. یه سری عاشقانه‌هام قشنگه.  
- بیش‌تر فن فیک‌های عاشقانه درباره کدوم شیپ می‌خوندی؟  
من دختر پسری می‌خونم فقط. شیپ نمی‌کنم اعضاء رو با هم.



- چرا اعضاء رو باهم شیپ نمی‌کنی؟

دلیلش اینه که من نمی‌دونم اونا گرایش شون چیه. اگه من الان پیام بگم ویکوک با همدیگه هستن، شاید باهم باشن، شاید هم نباشن، کلاً به من ربطی نداره، من فقط طرفدارشونم، حق ندارم شیپ شون کنم. البته فرندشیپ نامجین رو دوست دارم، در حد این که دوست‌های صمیمی ان و مامان بابای بی‌تی‌اس به حساب میان و بانمک ان، ولی شیپ شون نمی‌کنم، چون ممکنه ناراحت بشن.

- به نظرت توی جامعه کره رابطه احساسی بین پسرها رواج داره یا جامعه کره هموفب‌هست؟

بالاخره همه مدل گرایشی همه جا هست، ولی خب کره از یه نظرهایی مثل ایرانه و خانواده‌هاشون به خصوص قدیمی‌های کره، خیلی سخت گیرند و هم جنس‌گرایی رو سرکوب می‌کنند. پسرهای کره‌ای خیلی خوشگل اند و فکر کنم هم جنس‌گرایی توشون زیاد باشه، مثل بقیه کشورها، ولی خب سرکوب می‌شن.

- سحر تاحالا تحت تأثیر گروه بی‌تی‌اس حس کردی که به همجنس‌گرایی تمایل پیدا کردی و می‌خوای همجنس‌گرا بشی؟

من خوشم نیامد، البته این جور نیستم که به همجنس‌گراها توهین کنم، ولی زیاد خوشم نیامد. این جوریم که حمایت نمی‌کنم، ولی باهاشون کاری هم ندارم، چون به نظرم وقتی خودم جزوشون نیستم، پس حق ندارم درباره‌شون نظری هم بدم. نمی‌گم چیز بدیه، خب اون‌ها این طوری ان، ولی شخصاً خوشم نیامد.

- آیا بی‌تی‌اس باعث آشنا شدن با همجنس‌گرایی شد؟

نه، از قبلش هم می‌دونستم.

- به نظرت بی‌تی‌اس سعی داره روابط هم جنس‌گرایانه رو عادی سازی کنه یا این کار رو برای تبلیغ خودش انجام می‌ده؟

اعضای بی‌تی‌اس شخصاً خودشون این کار رو نمی‌کنند، اونا دستورات کمپانی رو انجام می‌دن. خب بالاخره اعضای بی‌تی‌اس یه حقوقی می‌گیرند دیگه، مجبورند برای این که از کمپانی بیرون انداخته نشن، هر کاری کمپانی می‌گه، انجام بدن. مخصوصاً الان که کمپانی‌شون زیر نظر یه آمریکاییه و امریکایی‌ها الان سودشون روی اینه که هم جنس‌گرایی رو تبلیغ کنن، برای همین وقتی دیدن کی‌پاپ معروف شده، به آیدول‌های کی‌پاپ هم گفتن این موضوع رو تبلیغ کنن. بنابراین با توجه به این که الان کمپانی بی‌تی‌اس زیر نظر یه امریکاییه، ممکنه توی بعضی از موزیک ویدیوهاشون نشانه‌هایی از این مسأله رو ببینیم.

- با وجود این که شعار بی‌تی‌اس خودت را دوست داشته باش هست، به نظرت چه طور قبول کردند که مثل برده در خدمت کمپانی باشند و تمام اعمال و رفتار آن‌ها مثل ارتباط با جنس مخالف، غذایی که می‌خورند، عمل‌های زیبایی که انجام می‌دن و مانند آن‌ها، تحت کنترل کامل کمپانی باشه؟

خب این یه چیز فراگیره توی کی‌پاپ. یعنی همه کمپانی‌ها این فشارها رو به آیدول‌هاشون میارن و برای این که توی کره معروف بشی، مجبوری بعضی چیزها رو بپذیری، مخصوصاً در مورد ظاهرته. اعضاء ممکنه خودشون با چهره و هیکل‌شون مشکلی نداشته باشند، اما برای حرفه‌ای که دوستش دارند، مجبورند یه سری تغییرات توی خودشون به وجود بیارن، اگه نیازه عمل کنند یا مراقب تغذیه خودشون باشن. البته فکر کنم فقط هم کره نیست، توی کشورهای دیگه هم وقتی می‌خوای معروف بشی، باید به ظاهرته برسی. در رابطه با جنس مخالف هم به نظرم کمپانی می‌خواد اعصاب اعضاء آروم باشه و درگیر چالش‌های یک رابطه نشن، چون ممکنه این موضوع تمرکزشون رو بهم بزنه. به نظرم این چیزها رو کمپانی باید به شکل راهنمایی و مشاوره به اعضاء می‌گفت، نه این که اجبار کنه، ولی کلاً هم وقتی انتخاب می‌کنی که وارد این جور حرفه‌ها بشی، مجبور می‌شی کارهایی رو انجام بدی که دلت نمی‌خواد و به نظرم این ربطی به دوست داشتن خودت نداره، ربط به این داره که چه قدر هدفت برات مهمه و حاضری به خاطرش سختی‌ها رو تحمل کنی.

- سحر جان قبل‌تر گفتی کمپانی در حال حاضر زیر نظر یک فرد امریکایی هست، از چه منبعی این موضوع رو شنیدی؟

توی یکی از پیج‌های اینستا خوندم که جدیداً با یه امریکایی قرارداد بستن و همه چی شون زیر نظر اونه، ولی اسمش رو یادم نمیاد.

- به نظرت چرا امریکایی‌ها از تبلیغ همجنس‌گرایی سود می‌کنند؟

چون می‌خوان جمعیت کره زمین کم بشه. برای همین این تبلیغ رو می‌کنند، چون دوتا مرد که بچه نمیارن، مگر این که به سرپرستی بگیرند. همین افسردگی و خودکشی هم که دارند توی آهنگ‌ها تبلیغش رو می‌کنند که البته توی کی‌پاپ اثر نکرده، به خاطر کاهش جمعیت زمین هست.

- به نظرت چرا می‌خواهند جمعیت زمین را کاهش بدهند؟

نمی‌دونم شاید این باعث می‌شه قدرت‌شون زیادتر بشه.

- می‌تونی مثال بزنی چه نشانه‌هایی توی موزیک ویدیوهاشون هست؟

مثلاً توی موزیک ویدیو دینامیت، پشت سرشون رنگین کمون بود و جیمین بهو می‌پرید بغل جونگ‌کوک شاید یه کم تبلیغ باشه، البته به نظر من زیاد معنی خاصی نداره و می‌تونه دوستانه باشه. کمپانی وای جی هم با امریکایی‌ها قرارداد بسته و خیلی روی این مسأله تمرکز دارن و تقریباً می‌شه گفت تمام آیدول‌های کمپانی وای جی دارن هم جنس‌گرایی رو تبلیغ می‌کنند.

- سحر به نظرت مومنت‌های بین اعضای بی‌تی‌اس واقعیه یا ساختگی و فیک؟

کاملاً فیکه. فقط هم بی‌تی‌اس نیستند، تمام گروه‌هایی که من دیدم تمام حرکات شون فیکه و این جووری نیست که خودشون اون رو بخوان. یه سری ریلیتی شوها هستند که واقعه مثل ریلیتی شوهای گروه‌هایی که تازه درست شدن مثل ان‌های پن (یه گروه کره‌ای). یکی از ریلیتی شوهاشون، دقیقاً واسه بلافاصله بعد از دبیوشون بود، در نتیجه هنوز کمپانی فرصت نکرده بود بهشون بگه شماها باید نقش بازی کنید و گروه‌شون هنوز به این فضا عادت نکرده بود، برای همین رفتارهای واقعی شون رو نشون می‌دادند.



بی‌تی‌اس هم قبل از دبیوش یه ریلیتی شو ارزش اومد بیرون که رفتارهای واقعی خودشون بود و خب این مومنت‌هایی که الان می‌بینیم توی این ریلیتی شوها که واقعی بودند وجود نداشتند و همین آدم رو به شک می‌اندازه. ولی در کل، کل صنعت موسیقی می‌تونه فیک باشه به خصوص کی‌پاپ که اصلاً معروفه به این که فیکه، چون که مثلاً لایو تولد جی (یکی از اعضای گروه ان‌های پن) جلوی دوربین بود و قشنگ داشت پشت دوربین رو نگاه می‌کرد و جواب می‌داد و فقط یه سری کامنت‌های خاص رو می‌خوند و یه سری جواب‌های خاص می‌داد و این جووری بود که فن‌ها از انعکاس بادکنک پشت سرش دیدن که یه دختر داره براش روی تخته وایت برد می‌نویسه و نشونش می‌ده. تمام حرف‌هاشون کنترل شده هست و نمی‌تونند به این دستورها عمل نکنند. دیگه چیزیه که هست و باید نقش بازی کنند، مثلاً جیسونگ (عضو گروه استری کیدز) توی یکی از برنامه‌ها گفت، من بازیگر خوبی هستم بعد بهش گفتن تو بازیگر خوبی هستی؟ گفت آره، من همین الان هم دارم نقش بازی می‌کنم و همه این حرفش رو به عنوان شوخی گرفتند، ولی جیسونگ لحنش و چهره‌اش خیلی جدی‌تر از یه شوخی ساده بود. گفت من همین الان هم دارم نقش بازی می‌کنم، فکر می‌کنید اسم واقعی من هان جیسونگه؟ فکر می‌کنید من اینم؟ یه مثال دیگه اینه که خیلی وقت‌ها وقتی تولد یکی از خواننده‌های کی‌پاپه و از جشن تولد فیلم می‌گیرن، یه صحنه ساختگی درست می‌کنن که توش کیک می‌فته زمین و این اتفاق توی چندتا

۲۲۴ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)  
از تولدها تکرار شده پس نمی‌تونه اتفاقی باشه، دلیلشم اینه که به خاطر رژیم‌های سختی که دارند اجازه ندارند شیرینی و کیک بخورند. خیلی ظلمه که حتی تو روز تولدت هم نتونی کیک بخوری.



- سحر گفتی اوایل دیو توی ریلیتی شوها هنوز فرصت نکردند تا به اعضای گروه بگن چه طور باید رفتار کنند، خب گروه‌های کی‌پاپ سال‌ها کارآموزی را پشت سر می‌ذارن و قطعاً در طول این مدت طولانی باهاشون هماهنگ شده، نظرت چیه؟

خب وقتی دوره کارآموزی رو دارن می‌گذرونن، هنوز وقت دارن که انصراف بدن و ادامه بدن، برای همین کمپانی‌ها سعی می‌کنن اونجا رو به شکل بهتری براشون نشون بدن، یعنی حتی اتاق‌های آیدول‌های دیگه که قدیمی‌تر هستند، نمی‌برن شون تا صحبتی بین شون پیش نیاد و از واقعیت ماجرا زیاد باخبر نشن. کارآموزها فقط توی اتاق تمرین می‌رن. البته به کارآموزها می‌گن، شما اگر نخواید دیو کنید و انصراف بدید، باید پول ما رو بدید، چون برای آموزش شما وقت گذاشتیم و کلی هزینه کردیم، ولی اگر دیو کنید، می‌تونید با پولی که از اجراها و ویوهایتون به دست میارید، پول ما رو بدید، برای همین تا به مدت بهشون حقوق کمی می‌دن تا پول دوران کارآموزی شون جبران بشه برای همین اکثر کارآموزها شرایط سخت رو تحمل می‌کنند، چون با خودشون فکر می‌کنند، اگر بخوایم بریم، باید کلی پول بدیم. کلاً فضا براشون جوری درست می‌کنند که این باور رو القا کنند که هر چه قدر کار سختی داریم، تلاش می‌کنیم که به رؤیایمون برسیم. توی اون حالت کارآموزها خیلی ذوق دارند و تا قبل از این که دیو کنند، کمپانی نباید مستقیم بهشون بگه که شما باید همه چیزتون کنترل شده باشه و حتی اگر شرایط خیلی سخت بشه بهشون، می‌گن شما دارید تلاش می‌کنید تا به رؤیایتون برسید. برای همین تا قبل از این که دیو کنند، از بعضی چیزها خبر ندارند و تازه بعد از دیو بخش دارک (تاریک) این صنعت موسیقی رو می‌بینند، این که مجبورند به سری نمادها رو نشون بدن به خاطر قراردادهایی که کمپانی‌ها با ایلومیناتی می‌بندند، این که مجبورند یک شخص دیگه باشن، در حدی که جیسونگ می‌گفت، فکر می‌کنید من واقعاً همون جیسونگم؟ که این نشون می‌ده ممکنه، حتی این شخصیت‌ها واقعی نباشند.

- می‌تونن بیش‌تر توضیح بدی که منظورت از این که ممکنه این شخصیت‌ها واقعی نباشند، چیه؟



بین ما یه چیزی داریم به اسم کلون‌سازی (شبیه‌سازی) که من فکر می‌کنم جونگ‌کوک رو با یه نسخه کلون‌سازی عوض کردند. یعنی میان ژنتیک و هرمون اون شخص رو برمی‌دارند و ازش یه نسخه دیگه عین خودش رو می‌سازند.



مثلاً یه نفر هست، بنیان‌گذار کلیسای شیطان و یه دختری داشته که اسمش زینالابی بوده. این زینالابی خواننده بود و الآن اگه عکس فیلم‌هاش، حالت صحبت کردنش و صدایش رو گوش بدیم عین تیلور سوییفته، خب مشخصه که تیلور سوییفته نسخه کلون‌سازی شده زینالابی، ولی یه سری‌ها می‌گن عکس‌های بچگی تیلور سوییفته موجوده، ولی خب وقتی می‌تونن عکس یه برش سوسیسی رو به عنوان عکس نزدیک از سیاره مریخ به ما غالب کنن، کاری که ناسا چندسال پیش انجام داد، نمی‌تونن عکس یه بچه بلوند رو پخش کنند و بگن این تیلوره؟ من درباره جونگ‌کوک بی‌تی‌اس هم همین نظر رو دارم. جونگ‌کوک تا یه زمانی واقعی بود، ولی بعد یه تصادف خیلی بد داشت توی تاکسی. خیلی‌ها می‌گن جونگ‌کوک توی اون تصادف مرده و اینی که الآن تو گروهه، نسخه کلون‌سازی شده اونه. من اوایل این حرف رو جدی نمی‌گرفتم، ولی وقتی زینالابی و تیلور سوییفته رو دیدم به شک افتادم که ممکنه این اتفاق افتاده باشه. چون وضعیت جونگ‌کوک بعد اون تصادف خیلی بد بود ولی دو روز بعد اومد، صاف و ایستاد کنار بقیه اعضا و اجرا کرد، یعنی حتی ننشسته بود فقط بخونه، حتی داشت می‌رقصید! کی می‌تونه دو روز بعد تصادف این شکلی برقصه؟

- از چه منبعی شنیدی که تیلور سوییفته نسخه کلون‌سازی شده زینالابی هست؟

۲۲۶ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

یکی از فن پیچ‌های تیلور یه سری استوری درباره شباهت عجیبی که این دو تا دارند گذاشته بود و توش توضیح داده بود که احتمال همچنین چیزی هست.



- یعنی منبع معتبری این موضوع رو تأیید نکرده و این نظر شخصی ادمین پیچ بوده؟  
نمی‌دونم شاید توی نت بگردی در موردش باشه، من پیگیرش نشدم.

- دونستن این موضوعات باعث نشده تو نسبت به آرمی بودن تردید کنی؟

نه خب، بقیه اعضا گروه خودشون ان و الان اون قدر معروف شدن که کمپانی نتونه رو تمام کارهایی که می‌کنن، کنترل داشته باشه و جز محدود گروه‌هایی هستن که رفتارهاشون تاحدی واقعیه و شخصیت واقعی شون رو نشون می‌دن، چون قدرت و معروفیت شون بیش‌تر از بقیه گروه‌های کی‌پاپه و تاحدی اختیار دارن. این کنترل فقط روی کی‌پاپ نیست‌ها، کلاً تو صنعت موسیقی این داستان هست، مثلاً اکس‌تنتاسیون (یک خواننده امریکایی) نمونه بارز اینه که این‌ها همه چی شون تحت کنترله. روز قبل این که اکس‌تنتاسیون بمیره، یه لایوی گذاشت که توی اون لایو گفت ببینید من می‌تونم با یه سری فرکانس‌ها ذهن شما رو کنترل کنم، ولی دست خودم نیست، چون کمپانی میاد آهنگ‌هایی که من می‌سازم رو با یه سری پیام‌ها که شما نمی‌تونید به سادگی بشنوید، پر می‌کنه و شما مجبورید اون‌ها رو بشنوید، در حالی که خودتون خبر ندارید. خب خیلی‌ها فکر کردند دیوونه شده، ولی تأکید داشت که من می‌تونم با یه سری فرکانس‌ها ذهن شما رو کنترل کنم و صنعت موسیقی داره این کار رو با ذهن شما می‌کنه.



قبل از جنگ جهانی دوم پیدا کرده بودند که فرکانس ۴۴۰ هرتز می‌تونه ذهن رو کنترل کنه، چون آب سلول‌های مغز رو گل آلود می‌کنه و می‌تونن باهاش ذهن رو کنترل کنن، بعد از پخش این خبر سازمان ایلومیناتی سریع این خبر رو پاک کرد و اعلام کرد که فرکانس ۴۴۰ هرتز فرکانس نرمال و اصلی موسیقیه، در حالی که فرکانس بی‌خطر ۴۳۲ هرتزه و کلاً اومدن صنعت موسیقی رو تغییر دادند و الآن کل موسیقی و هر صدایی که از سازها حتی سازهایی که خودمون می‌زنیم می‌شنویم روی فرکانس ۴۴۰ هرتز تنظیم شده، واسه همین از اون زمانی که فرکانس موسیقی رو تغییر دادند میزان افسردگی و اعتیاد و این جور چیزها به شدت افزایش پیدا کرد. اکس‌تنتاسیون داشت این مسایل رو به وضوح می‌گفت و دقیقاً روز بعدش به شکل عجیبی به ضرب گلوله ترور شد. خب این داستان خیلی سروصدا کرد، برای همین بعد یه مدت شایعه کردن که اکس‌تنتاسیون زنده هست و اگر آهنگ آخرش رو برعکس کنید، داره می‌گه که من توی نیویورک قایم شدم، ولی وقتی برعکس می‌کنیم، بدون این که چند هرتز ازش برداریم، می‌تونیم بشنویم که داره می‌گه من توی نیویورک قایم شدم، در حالی که پیام‌های مخفی توی آهنگ‌ها رو نمی‌شه راحت شنید و حتماً باید با دستگاه‌های مخصوص چند هرتز برداشته بشه ازش. حتی همه می‌دونن که گذاشتن پیام‌های مخفی توی آهنگ‌ها کار کمپانی‌ها هست و کم‌تر آیدول‌هایی خودشون حاضر می‌شن همچین کاری بکنند، برای همین واضح بود که این پیام که قایم شده و زنده هست، کار خود کمپانی بود تا گندی که زده بود رو جمع بکنه. خارجی‌ها تمرکز بیش‌تری روی ایلومیناتی دارن و سریع متوجه شدند که اکس‌تنتاسیون رو خود کمپانی کشته و واسه همین کمپانی اومد شایعه درست کرد که زنده هست. جالبیش اینه که کمپانی اکس‌تنتاسیون، کمپانی سونی بود که کشتنش و کمپانی مایکل جکسون که روزهای قبل از مرگش در مورد صنعت موسیقی یه هشدارهایی می‌داد و کشتنش هم کمپانی سونی بود. می‌گن کمپانی سونی خود شیطان!



- بعضی از افراد می‌گن که رفتار اعضای گروه در کمپشان با دوربین کنترل می‌شه و حتی دوربین‌ها در دستشویی اون‌ها کار گذاشته شده با این حال به نظرت اعضای گروه آزادی عمل دارن؟

۲۲۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

از این جور چیزها زیاد گفته می‌شه، مخصوصاً کارآموزهایی که وسط کار رد می‌شن و از کمپانی میان بیرون، خیلی چیزها در مورد فضای کمپانی می‌گن، ولی هیچ وقت معلوم نیست که از روی لج میان این‌ها رو می‌گن یا واقعیه و واقعاً شدتش این قدر زیاده.

- با توجه به چیزهایی که گفتی به نظرت گروه بی‌تی‌اس به خاطر این ظلم‌ها و کنترل‌های کمپانی و از طرف دیگه فن‌فیکشن‌هایی که بعضی فن‌ها می‌نویسند و اعضاء رو شیپ می‌کنند، می‌تونه شکایت بکنه و از حق خودش دفاع بکنه یا این که مجبوره به خاطر کمپانی سکوت کنه؟

از اون جایی که اکثر کارهاشون تحت کنترل کمپانیه، اجازه بیان ندارند. فقط تهیونگ توی یکی از لایوهاش اشاره کرد، از این که با اعضاء شیپ بشه، ناراحت می‌شه و کمپانی سریع اون لایوش رو پاک کرد و همه نتونستند ببینند. کمپانی فقط لایوهایی که راضی باشه رو پخش می‌کنه. و خب از اون جایی که الان توی کل جهان دارن تبلیغ همجنس‌گرایی می‌کنند، کمپانی بی‌تی‌اس هم اجازه نمی‌ده که اعضاء به فن‌فیکشن‌ها و شیپ شدن اعتراض بکنند و حتی می‌خوان یه جور نشون بدن که انگار اعضاء بی‌تی‌اس هیچ مشکلی با این موضوع ندارند، در صورتی که خب هیچ کس خوشش نیاد درباره‌اش همچین چیزهایی نوشته بشه و اعضاء بی‌تی‌اس قطعاً اون قدر آزادی بیان ندارند که ناراضی‌تون رو اعلام بکنند. این باعث سود کمپانی می‌شه که آرمی‌ها فن‌فیکشن بنویسند یا بخوندند و درگیر بی‌تی‌اس باشند. هیچ راه شکایتی برای بی‌تی‌اس نیست، مگر این که کلاً از اون کمپانی برن و برای این کار باید صبر کنند تا مهلت قراردادشون تموم بشه و اگر به حرف‌های کمپانی گوش نکنن، ممکنه سرنوشت اکس‌تنتاسیون و خیلی‌های دیگه براشون پیش بیاد.

- این که کمپانی‌ها بعضی خواننده‌ها رو احیاناً می‌کشند، براشون دردسر درست نمی‌شه؟

قبلاً شاید، ولی جدیداً راهش رو پیدا کردند و اگه یکی از آیدول‌ها رو بززن بکشن، با روش کلون‌سازی یه دونه دیگه عینش رو می‌سازند و دیگه براشون دردسر نمی‌شه. جدیداً هم اگه آیدولی به حرف کمپانی گوش نده، تنبیهش می‌کنن، الان گروه مانستا اکس و گروه ان‌های پن وقتی به حرف کمپانی گوش نمی‌دادن، منیجر کتک‌شون می‌زده و تازگی‌ها یه فنی که برای گروه پیتزا برده بود، متوجه شده و رفته از کمپانی شکایت کرده بابت این موضوع.





- به نظرت با توجه به این جوّ متشنج و ظلم‌های فراوانی که به آیدول‌ها می‌شه و حقوق انسانی‌شون زیر پا گذاشته می‌شه چه چیزی باز به افراد زیادی انگیزه می‌ده که آودیشن بدن و وارد این فضا بشن؟ همون چیزی که من رو جذب می‌کنه. الان من می‌خوام آیدول بشم، چون یه کسایی هستن مثل من که از بچگی آرزوی خواننده شدن رو داشتن و بعد که با سبک کی‌پاپ آشنا شدن، تصمیم گرفتن آیدول بشن. چون فضایی که بهمون نشون می‌دن، خیلی رنگی رنگی و کیوته، خب جذبش می‌شیم. گروه کی‌پاپ ان‌های پن، یه آهنگ دارن که خیلی جنجالیه، همه به ریتم و آهنگش دقت کردن نه به متنش، در حالی که توی متنش خیلی چیزها هست، مثلاً توی بخش رپش نیکی (یکی از اعضای گروه)، می‌گه که نورهای صحنه همه فیک هستن و پشت صحنه موسیقی سیاه و ترسناکه و کسی خبر نداره، بعد می‌گه که من مثل عروسک خیمه شب بازی، روی صحنه می‌رقصم. این یعنی آیدول‌ها کنترل می‌شن و چیزی که روی صحنه نشون می‌دن، واقعی نیست. یه چیز دیگه هم هست، الان تمرکز دنیا و سازمان ایلومیناتی روی چندتا چیزه، یک پول‌پرستی، دو همجنس‌گرایی، سه معروف شدن. برای همین الان یه جوروی شده که مردم برای معروف شدن هر کاری می‌کنند و این به خاطر همین پیام‌های پنهانه. البته یه سری‌ها هستن که ذاتاً معروف شدن رو دوست دارن و از بچگی هم همین طور بودن و اون‌ها بحث‌شون جداسه. ایلومیناتی داره این چیزها رو می‌کنه اولویت اول مردم و یه جورهای حواس مردم رو کاملاً جذب این چیزها کردند.

- به نظرت کمپانی‌ها هم از نظر اقتصادی و سیاسی از این مسایل سود می‌برند؟ آره خب قطعاً. یه سود دو طرفه هست واسه ایلومیناتی و کمپانی‌ها که بیان این جور چیزها رو تبلیغ کنند تا خیلی‌ها جذب بشن، بیان آودیشن بدن و این‌ها بتونن درآمد داشته باشن.

- تو با وجود این که این آگاهی‌ها رو داری و شنیدی که پشت صحنه چه خبرهایی هست، چه طور هنوز تصمیم داری که وارد این فضا بشی و آیدول بشی؟

انگیزه‌ام رؤیای بچگی خودمه. من از بچگی دوست داشتم خواننده بشم، برای همین به نظرم می‌تونم با این چیزهاش کنار بیام. من واقعاً دنبال کمپانی‌ای هستم که ربطی به ایلومیناتی نداشته باشه، ولی واقعاً نیست. البته ترجیح می‌دم بدون کمپانی کار کنم و البته اگر کسی با استعداد باشه و با کمپانی‌ای

۲۳۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

کار نکنه و با ایلومیناتی همکاری نکنه و نماد نشون نده، مثل گروه ای پینک (یک گروه کی‌پاپ) معروف نمی‌شه و از صنعت موسیقی پرتش می‌کنند بیرون. گروه ای پینک تا وقتی طرف ایلومیناتی نرفته بود، اصلاً نمی‌داشتن که معروف بشه و پیشرفت کنه، ولی تازگی‌ها که داره یه سری قرارداد با ایلومیناتی می‌بنده و یکی دوبرار نماد اون‌ها رو نشون داده، یه مقدار معروف شده. در صورتی که از سال ۲۰۱۰ این گروه داشت فعالیت می‌کرد و به هیچ جا نرسیده بود و بلافاصله بعد از اون قرارداد، یه مقدار مطرح شده و داره پیشرفت می‌کنه، برای همین فکر می‌کنم این موضوع واسه پیشرفت توی موسیقی متأسفانه اجباریه.

- یعنی فکر می‌کنی حاضری به خاطر آیدول شدن با ایلومیناتی همکاری کنی؟

نمی‌دونم واقعاً. من اصلاً از این موضوع خوشم نیومده هیچ وقت و باهاش کنار نیام، برای همین تا جایی که بشه می‌گردم که یا یه کمپانی سالم پیدا کنم و یا بتونم تکی پیشرفت کنم، هنوز اول راهم و هیچی معلوم نیست، ولی خب هر شغلی یه بخش‌های دارکی هم داره و حتی وکیل و دکتر مهندسش هم گاهی مجبورند برای حرفه خودشون کارهایی بکنند که اخلاقی نیست و دل‌شون نمی‌خواد.





- تاحالا برای آزمون دادن اقدامی هم انجام دادی، مثل این که کلاس رقص بری یا روی صدات کار بکنی؟

من کلاس که نرفتم، چون چیزی که به دردم بخوره پیدا نکردم. کلاس رقص‌ها تو ایران به درد نمی‌خورن و صدا هم که اکثر کلاس آوازها سنتی کار می‌کنن و ربطی به کار من نداره. برای همین خودم تمرین کردم و الان کلی از رقص‌های کی‌پاپ رو بلدم، حتی اون روز تو باشگاهی که بدن‌سازی می‌رم، صحبتش بود که من بشم مربی رقص کی‌پاپ و همونجا کلاس بذارم براشون. آهنگ هم خودم کاور می‌کنم و کاور می‌کنم. یه بار هم برای جی‌وای پی، یکی از آهنگام رو فرستادم، ولی بعد پاکش کردم چون حس کردم ضایع هست و هنوز به اندازه کافی صدام آماده نیست. یه سری کمپانی‌های مجازی هستن که هیچ ربطی به این کمپانی‌های بزرگ و معروف ندارن، مثلاً یه دختر ۱۶ ساله پیج می‌زنه، می‌گه شماها بیاید واسه من کاورهاتون رو بفرستید و آودیشن (آزمون اولیه) بدید، بعد شما که شدید آیدول کمپانی من، من چندتا پیج می‌زنم و صداتون رو توی همه اون پیج‌ها می‌ذارم و این جووری شما رو معروف می‌کنم، ولی خب حقوق اینا نمی‌دن. من اوایل خیلی پیگیر این جور کمپانی‌ها بودم که عضو بشم، ولی یه مدت بعد حس کردم که من نمی‌تونم واسه این‌ها کار کنم و نمی‌تونم تحمل کنم که یه کمپانی‌ای که حتی کمپانی به حساب نمیداد و این قدر کوچیک و بی‌حساب کتابه، بخواد به من بگه چی بخون، چی نخون، چه کار بکن، چه کار نکن. واسه همین تصمیم گرفتم کاور می‌کنم مستقل باشم که البته اوایلش فکر نمی‌کردم خوب جلو بره، ولی بعد دیدم خیلی استقبال شدم، برای همین به این فکر افتادم که شاید لازم نباشه من برای آیدول شدن آودیشن بدم، شاید بتونم خودم مستقل کاور می‌کنم خودم رو ادامه بدم و نهایتاً خودم یه آهنگ بسازم و منتشر کنم مثل مدگل، مدگل که توی کمپانی‌ای نیست خودش مستقل آهنگ می‌سازه و می‌ده بیرون.

۲۳۲ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- سحر جان با توجه به این که تو ۱۵ سالته چه طور بهت پیشنهاد کار توی کلاس رقص رو دادند؟ من تقریباً ۵ ساله که دارم می‌رم کلاس رقص همه دیگه اونجا من رو می‌شناسن. مربیم چند بار دید که رقص‌های کی‌پاپ رو کاملاً مسلط هستم، برای همین گفت با مدیریت صحبت می‌کنه که یه کلاس رقص کی‌پاپ بذارن که کار کنم با بچه‌ها، چون جدیداً خیلی از کی‌پاپرها دنبال همچین کلاسی هستند، مطمئنم ازش استقبال می‌شه.

- این که تو به طور تخصصی مدرکی در زمینه رقص نداری، مانعی ایجاد نمی‌کنه؟ کلاس رقص کی‌پاپ هنوز تو ایران خیلی کمه و پرطرفداره. وقتی من کامل مهارتش رو دارم، دیگه چه اهمیتی داره مدرکش باشه یا نه. به علاوه این که توی ایران مدرکی واسه رقص‌های کی‌پاپ وجود نداره، همه باشگاه‌ها در نهایت می‌رن سراغ کسانی که خودشون خودآموز بلد شدند.

- قبل‌تر گفتی کاور می‌کنی، می‌توننی توضیح بدی که منظورت از کاور چی هست؟ کاور این شکلیه که مثلاً یه آهنگ رو انتخاب می‌کنی، تمرینش می‌کنی و بعد روی موسیقی بی‌کلامش می‌خونی صداتو ضبط می‌کنی.

- کاورها رو کجا منتشر می‌کنی که ازشون استقبال می‌شه؟ الان ادمین یه پیجی‌ام توی اینستاگرام که واسه گروه بلک‌پینکه و خیلی فالور داره، با ادمین اصلی صحبت کردم و قبول کرد من کاورهام رو بذارم اون تو و الان کلی طرفدار واسه کارهام پیدا شده و وقت‌هایی که سرم شلوغه و چند هفته هیچی نمی‌ذارم، سراغ کاورهام رو می‌گیرن. در کنارش دوستانم هم خیلی پیگیر آهنگ‌هام هستن و خوش‌شون میاد. انقدر اوکی شده اوضاع که اگه توی گوگل بزنی مین‌هی کاوربست (مین‌هی اسمی هست که برای خودش انتخاب کرده) من رو میاره بالا و آهنگ‌هام هست.

- می‌توننی بیشتر توضیح بدی که برای کاور کردن چه کارهایی انجام می‌دی و چه قدر برای این موضوع وقت می‌گذاری؟

من واقعاً پدرم درامد چون من یه دختر معمولیم، نه استودیویی دارم، نه امکاناتی دارم و همه چیز رو با گوشی خودم دارم درست می‌کنم و خیلی زمان برد تا بتونم کار با برنامه ادیت آهنگ رو یاد بگیرم و مدل خوندم رو درست کنم، چون من کلاس آواز نرفتم. کلاً کارم رو جدی می‌دونم و کاوربستی رو یه جورهایی شغل خودم می‌دونم نه فقط برای فان و سرگرمی. خیلی براش تمرین کردم و زحمت کشیدم.

- تاحالا از راه کاور کردن آهنگ درآمدی هم داشتی؟

نه هنوز، ولی مطمئنم یه روز اون قدر پیشرفت می‌کنم که بتونم درآمد هم داشته باشم.

- حالا با توجه به این که می‌خوای آودیشن بدی دوست داری به کره مهاجرت کنی؟



آره صددرصد. من قبلاً هم دوست داشتم برم ژاپن، هم دوست داشتم برم کره، ولی زبان ژاپنی رو نتونستم اصلاً خوب یاد بگیرم برای همین تصمیم گرفتم برم کره.

- از چند سالگی دنبال یادگیری زبان ژاپنی بودی؟ کلاسش رو رفتی یا باز تلاش کردی به شکل خودآموز یاد بگیری؟

تقریباً دو سال پیش من خیلی از انیمه‌های ژاپنی خوشم اومده بود و اون‌ها رو زیاد نگاه می‌کردم، داشتم یه سری کلماتشون رو یاد می‌گرفتم خود به خود. دیگه کم‌کم خودم پیگیرش شدم حتی یه کتاب گرفته بودم واسه آموزش زبان ژاپنی بود، ولی حقیقتاً خیلی سخت بود و اصلاً اون رو نمی‌فهمیدم.

- زبان کره‌ای رو یاد گرفتی؟

تقریباً می‌شه گفت بلدم.

- چه طور یاد گرفتی؟

از طریق سریال‌های کره‌ای، برنامه‌های آموزشی کره‌ای و کارتون کره‌ای. مثلاً پونی کوچولو رو الان دارم دوبله کره‌ای می‌بینم با زیرنویس فارسی. می‌شه گفت خودم یاد گرفتم کره‌ای رو.



- سحر جان تئوری‌های 'موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس رو می‌خونی؟

آره خیلی. من حتی خودم می‌سازم. تئوری یه نظریه هست و وقتی تبدیل به فکت می‌شه که تأییدش کنند. من خودم تئوری می‌سازم، اما خب قطعاً تئوری‌هایی که من می‌سازم، تبدیل به فکت نمی‌شه، چون کمپانی تأییدش نمی‌کنه، چون تئوری‌هایی که من می‌سازم رو اگه کمپانی بخواد تأیید کنه، کلاً سهامش می‌افته. من یه تعبیرهایی می‌کنم که مثلاً این تیکه یعنی کمپانی فلان ظلم رو کرده، این یکی تیکه یعنی کمپانی اون طوری کرده و این جور تئوری‌ها قطعاً باب میل کمپانی نخواهد بود.

---

۱- گاهی کمپانی‌ها یک سری نمادها و علایم و یا حتی داستان‌هایی را به تکرار در موزیک ویدیوهای مختلف نشان می‌دهند تا جذابیت محصول خودشان را بالاتر ببرند. بعضی از طرفداران هم به دقت موزیک ویدیوها را نگاه می‌کنند تا داستان‌ها و نمادهای پنهان در موزیک ویدیوها را کشف کنند و بعد تئوری‌های کشف شده را نشر می‌دهند تا سایر طرفداران هم در جریان قرار بگیرند. به عنوان مثال، در موزیک ویدیو آی نید یو گرل، شوگا خود را آتش می‌زند و جیمین خود را زیر آب خفه می‌کند، سپس در موزیک ویدیو فیک لائو می‌بینیم که شوگا روی صندلی‌ای میان آتش نشسته و جیمین در جایی ایستاده که از هر طرف آب با فشار وارد می‌شود. این سکانس‌ها در موزیک ویدیوها به هم اشاره دارند و دارای معانی خاص هستند. بعضی از کی پاپرها این تئوری‌ها را خوانده و پیگیری می‌کنند و سایرین نسبت به این موضوع بی‌توجه هستند.

- می‌توننی یکی از این تئوری‌ها رو مثال بزنی؟

مثلاً توی موزیک ویدیو دیبو گروه ان‌های پن کل اعضای گروه داشتند به یه ساختمون گرد تیراندازی می‌کردند و خب قطعاً اون ساختمون یه معنایی داره. به نظر من این ساختمون نمادی از کمپانی می‌تونه باشه. یکی دیگه از تئوری‌ها درباره یکی از آهنگ‌های ان‌های پن هست که همه به آهنگ دقت کردند و هیچ کس به متن آهنگ دقت نکرد. توی این آهنگ سونگهون نشسته بود روی یه مبل خیلی راحت و داشت بقیه اعضا رو که می‌رقصیدند، نگاه می‌کرد. به نظر من این داره به فاصله طبقاتی اشاره می‌کنه که سونگهون بالادستی این هاست و نیکی و جونگوون توی یکی از سکانس‌ها توی یه اتاق بسته که قرمز بود، زندانی بودند و به نظر من این رو می‌خواست نشون بده که اگه آیدول‌ها به حرف کمپانی گوش نکنند، می‌اندازن شون توی یه اتاق بسته و بهشون آب و غذا نمی‌دن و شاید حتی کتک شون می‌زنن. نیکی توی اون بخش آهنگ که توی اتاق بود گفت، من قبلاً مثل یک عروسک خیمه شب بازی روی صحنه می‌رقصیدم، در حالی که نورهای صحنه همه فیک هستند و پشت صحنه خیلی تاریکه. حتی جی یک جای آهنگ گفت، من وقتی حقیقت رو می‌دونم، دیگه نمی‌خوام بمونم. من به متن این آهنگ دقت کردم و همه جای آهنگ این کلمه دروغ‌گو تکرار می‌شد و حتی یه جای موزیک ویدیو این کلمه روی دیوار هم نوشته شده بود. من تو ذهنم همه این‌ها رو ربط دادم به کمپانی و واقعاً هم ربط داشت، ولی خود کمپانی اگر بخواد تئوری موزیک ویدیو رو بگه، میاد چرت و پرت می‌گه و این چیزها رو به موضوعات بی‌ربط، ربط می‌ده.

- آخه موزیک ویدیوها تحت نظارت کمپانی درست می‌شه، یعنی کمپانی میاد چیزی رو می‌سازه که علیه خودش باشه؟

یه چیزی توی ایلومیناتی هست به اسم سپر توطئه. یعنی میان یه حقیقت رو می‌ذارن جلوی روی آدم‌ها و می‌گن این تئوری توطئه هست. مثلاً میان می‌گن که یه خواننده‌ای اومده داره می‌گه شماها نمی‌دونید که ما قبل از این که خواننده بشیم و بتونیم به این معروفیت برسیم، قرارداد ایلومیناتی رو با خون خودمون امضا کردیم و بعد میان می‌گن این یه تئوری توطئه هست و مردم هم انقدر روی ذهن شون کار شده که این حقایق جلو چشم شون رو می‌گن تئوریه. یعنی در این حد روی ذهن ما کار کردن که این چیزها رو می‌گیم این‌ها که تئوریه و ممکنه حقیقت نداشته باشه.

- خوب تو با وجود این که این‌ها رو می‌دونی و شنیدی، باز هم تصمیمت درباره آودیشن دادن تغییر

نکرده و فکر می‌کنی می‌توننی کنار بیایی با این مسایل؟

من ترجیح می‌دم بدون کمپانی کار کنم اما باز هم دارم دنبال کمپانی‌ای می‌گردم که مطمئن باشم بی‌خطره، البته نمی‌شه پیدا کرد چون واقعیت خودشون رو زیاد نشون نمی‌دن. تا زمان کارآموزی هم باز به همه یه فضای رنگی رنگی رو نشون می‌دن و نمی‌شه فهمید.

- به نظرت چرا خواننده‌هایی که توی اتاق انداخته می‌شن و انقدر بهشون ظلم می‌شه انصراف نمی‌دن و از کی‌پاپ بیرون نمیان؟  
نمی‌تونند چون قرارداد امضاء کردند.  
- حتی شکایت هم نمی‌تونن بکنند؟

نه، چون تا زمان تموم شدن زمان قرارداد، برده کمپانی هستند و کاری از دست‌شون برنمیاد. حتی اگر از کمپانی انصراف بدن و بیان بیرون باز هم نمی‌تونن چیزی از کمپانی بگن چون قطعاً کشته می‌شن.

- به نظرت آرمی‌ها چه کاری می‌تونن انجام بدن تا جلوی ظلم کمپانی به اعضای گروه رو بگیرند؟  
خب ایلو میناتی یکی از قدرت‌مندترین‌ها هست و قدرتش خیلی زیاده، اما داره به شکل اغراق‌آمیزی هم به مردم این رو القا می‌کنه که ما خیلی قدرتمندیم و شما نمی‌تونید هیچ کاری بکنید تا مردم با خودشون فکر کنند، این‌ها که قدرت‌شون خیلی زیاده و کاری هم از دست ما برنمیاد، پس مجبوریم بذاریم بیان دنیا رو بگیرند، اما این اشتباهه، اون‌ها چندتا آدم‌ن ما هم چندتا آدمیم، فقط اون‌ها جن و پری پشتشونه ما خدا پشتمون. اگه همه مردم به خدا باور داشته باشند و این قدر افسردگی فرمان روا نباشه و همه مردم به آگاهی برسند و اعتراض کنند، قطعاً موفق می‌شیم.

- آیا وقتی کام‌بک می‌دن برای استریم زدن وقت می‌گذاری؟

آره یه وقت‌هایی.

- معمولاً چه قدر زمان برای استریم زدن می‌گذاری؟

بخوام راستش رو بگم به شخصه یک دقیقه. یعنی حتی سه دقیقه کامل یک موزیک ویدیو رو هم واینمیستم. من خیلی خلاف‌کارم، می‌رم تو یوتوب کپی لینک می‌کنم می‌رم دانلود می‌کنم ویدیو جدیدشون رو. چون اینترنتم ضعیفه اعصابم خورد می‌شه وسطش هی بخواد قطع بشه، واسه همین دانلودش می‌کنم، راحت می‌بینم. شاید استریم هم نیفته کلاً. خیلی دوست دارم براشون استریم بزنم، ولی توی آمارهای استریمی که کمپانی‌شون نشون داد، ایران نبود و من با خودم گفتم چرا ما وقت بذاریم این همه زحمت بکشیم و اون‌ها آخر حتی اسم ما رو نبرن به خاطر چندتا تحریم مسخره. برای همین گفتم پس من دیگه این کار رو انجام نمی‌دم. البته خود اعضای بی‌تی‌اس خیلی تاحالا اسم ایران رو بردن مثلاً جیمین یه بار گفت من ایران رو دوست دارم، حتی جکسون (عضو گروه گات سون) هم یه بار این رو گفت. در کل خود اعضای این جواری نیستند، ولی کمپانی‌شون به خاطر تحریم‌های ایران استریم‌ها رو حساب نمی‌کنه برای همین من وقت نمی‌ذارم.

- به نظرت خبر قرار گذاشتن اعضای بی‌تی‌اس با گروه‌های دختر فیکه و برای تبلیغ آلبوم‌هاشون

هست یا این که واقعیه؟

۲۳۶ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

یه رسانه‌ای هست توی کره به اسم دیسپچ که یه رسانه مزخرفه و یه جورهایی می‌شه گفت پاپاراتزیه و این جوریه که هر دفعه میاد شایعه می‌کنه که فلانی داره با فلانی قرار می‌ذاره. دلایل مسخره‌ای میاره برای اثبات این موضوع و بعد از یه مدت هم می‌گه اشتباه کردیم و همچنین چیزی نبوده، ولی اون اشتباه کردیم‌شون رو کسی بهش دقت نمی‌کنه و همه مطمئن می‌شن که واقعاً اون دو نفر باهم قرار می‌ذارن.



- به نظرت این برای کمپانی و آلبوم جدید تبلیغ نمی‌شه؟

نه برعکس. باعث افت کمپانی می‌شه، چون سود سهامش افت می‌کنه به خاطر این که طرفدارهای آیدول‌ها دوست ندارن آیدول‌شون قرار بذاره، به خاطر همین ممکنه طرفدارهاشون کم بشن. مثلاً چن از گروه اکسو وقتی ازدواج کرد، بعضی از فن‌هاش رفتن امضا دادن که چن به خاطر ازدواجش از گروه اکسو بیرون انداخته بشه! یعنی در این حد!

- به نظرت چرا طرفدارهاشون این حق رو به خودشون می‌دن که به خاطر این موضوع به بایس‌شون

هیت بدن؟

فکر می‌کنند چون من این آدم رو دوست دارم، پس این آدم مال منه و نمی‌تونند قبول کنند که اون آیدول بره با کس دیگه‌ای قرار بذاره. یه سری ساسنگ فن هم هستند که حتی بدتر از هیت‌رها هستند، چون این‌ها در غالب یک فن، آیدول‌ها رو اذیت می‌کنند و از پاپاراتزی‌ها بدترند. این‌ها تصور می‌کنند چون آرمی هستند، پس دوست دختر اعضا هم هستند و کم‌کم این رو باور می‌کنند و دیگه حاضر نیستند واقعیت رو بپذیرند و توی تمام تصمیمات شخصی بایس‌شون می‌خوان دخالت بکنند و در نهایت اگر چیزی باب میل‌شون جلو نره یا بشنون بایس‌شون قرار می‌ذاره، شروع می‌کنند خیلی بد هیت می‌دن و اعصاب آیدول‌ها رو بهم می‌ریزند.

- اگر بشنوی بایست با کسی قرار می‌گذاری یا ازدواج کرده، واکنشت چیه؟ خوشحال می‌شم. من بایس‌هام هیونگ لاین (اعضای بزرگ‌تر بی‌تی‌اس) هستن. اگه بشنوم قرار می‌دارن، خیلی خوشحال می‌شم، چون سن‌شون دیگه داره می‌ره بالا و اگه بخوان همین طور تنها بمونن، ممکنه مشکلات روحی براشون ایجاد بشه از طرفی هم خوشحال می‌شم چون بالاخره از چیزهایی که کمپانی زورشون می‌کنه، نجات پیدا می‌کنند، مثلاً کمپانی می‌گه حق ندارن ازدواج کنن، ولی من خوشحال می‌شم که نسل‌شون ادامه پیدا کنه و منقرض نشن (می‌خندد).
- تاحالا شده به خاطر طرفداری از بی‌تی‌اس از درس‌هات عقب بمونی؟ من همیشه از درس‌هام عقب می‌مونم چه بی‌تی‌اس باشه، چه نباشه (می‌خندد).
- چه قدر از وسایلی که طرح بی‌تی‌اس روش هست، خریداری می‌کنی؟ من کل اتاقم پره ازشون. البته همه‌اش از بی‌تی‌اس نیست، از کل کی‌پاپ وسیله دارم.
- این وسایل رو از کجا خریداری می‌کنی؟ معمولاً از تو نت عکس پیدا می‌کنم، می‌رم می‌دم چاپ می‌کنن، می‌چسبونم تو اتاق. یا به وقت‌هایی تو دیجی‌کالا می‌گردم، چیزهای خوب توش پیدا می‌شه، سفارش می‌دم. به وقت‌هایی هم بعضی مغازه‌ها وسایل‌شون رو دارن می‌خرم مثل پیکسل و ماگ و این جور چیزها.
- تاحالا آلبوم اصل خریدی؟ نه بابا، من پول این چیزها رو ندارم (می‌خندد). فقط به دونه آلبوم فیک دارم که مثل جونم می‌پرستمش. آلبوم وینگزه (بال‌ها).



- تو پیام‌هایی که بی‌تی‌اس می‌ده، مثل خودت را دوست داشته باش رو قبول داری؟ آره خیلی.
- به نظرت عمل‌های زیبایی و رژیم‌های سخت غذایی که بی‌تی‌اس دارن، برخلاف شعار خودت را دوست داشته باش نیست که سعی در تبلیغش دارن؟

۲۳۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

به نظر من خیلی تناقض داره، چون کسی که عمل جراحی می‌کنه قیافه خودش رو دوست داره، اما خب دست خودشون که نیست، این کاریه که کمپانی ازشون می‌خواد و اعضای بی‌تی‌اس به خواست خودشون این کار رو نمی‌کنند. مثلاً جیهوپ اوایل دیو حتی گوشواره هم نمی‌انداخت، فقط گاهی اوقات گوشواره چسبی استفاده می‌کرد تا نیاز نباشه گوشش رو سوراخ کنه ولی جدیداً گوش‌هاش رو خیلی سوراخ کرده و خب مشخصه که خواست خودش نبوده و اجبار کمپانی بوده.



- تاحالا خودت تحت تأثیر بی‌تی‌اس به فکر رژیم‌های غذایی سخت یا عمل زیبایی افتادی؟  
نه رژیم رو که کلاً نمی‌تونم یعنی نهایت رژیم گرفتنم اینه که مثلاً بگم شیرینی تا یه هفته نمی‌خورم. ولی این جوری نیست که به خاطر کی‌پاپ باشه دلیلش اینه که خودم اندازه فیل نشم (می‌خندد). عمل جراحی هم نه هیچ وقت. چون خدا من رو این جوری آفریده و پس فردا بخوام یه شکل دیگه برم بهشت، بهم می‌گه چرا گند زدی تو صورتت؟ این چیه؟ من تو رو این جوری نیافریدم (می‌خندد). همین الانم که موهام رو کراتینه کردم، احتمالاً بهم می‌گه موهای تو که فر بود چه کارشون کردی. من البته کراتین موم رو تحت تأثیر کره‌ای‌ها انجام دادم، چون موهام فر بود و کره‌ای‌ها موهای صاف بینشون پیش‌تره.

- با توجه به این که تمام اعمال بی‌تی‌اس تحت کنترل کمپانی شون هست و حرف‌هایی که می‌زنند از قبل برنامه‌ریزی شده هست، چه طور می‌تونی پیام‌ها و حرف‌هاشون رو باور کنی و بپذیری؟  
من شخصیت خودشون برام مهمه و وقتی خودشون بدون هماهنگی کمپانی میان می‌گن، خودت را دوست داشته باش، من به حرفشون گوش می‌کنم، اما اون‌ها تحت تأثیر کمپانی اند و من می‌دونم که تحت کنترل کمپانی اند، برای همین من به حرف کمپانی گوش نمی‌کنم، بلکه به حرف خود بی‌تی‌اس گوش می‌کنم.



- خوب از کجا می‌دونی این‌ها حرف‌های خودشون هست و حرف‌های کمپانی نیست؟  
 امممم... خیلی پیچیده شد... به نظر من بعیده این‌ها حرف‌های کمپانی باشه، چون وقتی هدف کمپانی‌ها افسرده سازی مردمه، دیگه نمایان بگن خودت را دوست داشته باش که. اگه حتی بی‌تی‌اس خودشون هم نگن لاو یورسلف و به خاطر جذب مخاطب و تبلیغات باشه، باز هم این پیام داره تو زندگی به من کمک می‌کنه و بهم آسیب نمی‌زنه که بخوام باهاش مخالفت کنم و گوش نکنم.  
 - وقتی تمام اعمال و رفتار اعضای گروه زیر نظر مستقیم کمپانی هست، چه طور ممکنه برخلاف اهداف و دستورات کمپانی قدمی بردارند و پیام خودت را دوست داشته باش را به عنوان نظر شخصی خودشون بیان کنند؟

درسته، ولی حرف من اینه که این پیام چه از طرف کمپانی باشه، چه از طرف اعضاء باز هم کمک کننده بوده و چیز بدی نیست که بگیریم کمپانی مجبور کرده. تمام روان‌شناس‌ها هم الان تلاش‌شون همینه که به مردم بفهموند باید خودشون رو همون طور که هستند بپذیرند و دوست داشته باشند. بی‌تی‌اس هم داره همین کار رو می‌کنه.

- به نظرت ممکن هست پیام‌های دیگه‌ای که برات سودمند نباشه رو هم کمپانی با این روش‌ها بهت القا کنه؟

آخه من تا حالا ندیدم بی‌تی‌اس پیامی به فن‌هاش بده که بد باشه و به نفع فن‌ها نباشه و فقط به سود خودشون باشه. تا حالا همچین چیزی ندیدم که بخوام نظری بدم. معمولاً هر چی گفتن در جهت این بوده که حال آرمی‌ها بهتر بشه و با شیوه درست‌تری زندگی بکنند.

- می‌تونی مثال بزنی که پیام‌های بی‌تی‌اس چه طور در جهت کمک به آرمی‌ها و زندگی بهتر آن‌ها بوده؟

بین بی‌تی‌اس همیشه تلاش کردند به آرمی‌ها انگیزه و امید بدن و تشویق‌شون کنند که رؤیاهای خودشون رو دنبال کنند، خیلی وقت‌ها آخر لایوهاشون این رو می‌گن که برای رؤیاهاتون تلاش کنید و بی‌خیال نشید، خیلی وقت‌ها هم آرمی‌ها رو تشویق می‌کنند که درس بخوندند یا همین پیام لاو یورسلف که از همه‌اش معروف‌تره، به وضوح این رو نشون می‌ده که پیام‌هاشون به سود آرمی‌ها هست،

۲۴۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

چون اکثر آرمی‌ها نوجوونن و توی یه سنی هستن که اکثراً نسبت به خودشون حس خوبی ندارن و بی‌تی‌اس با این پیام بهشون یاد می‌ده که باید خودشون رو دوست داشته باشند و اعتماد به نفس‌شون رو می‌بره بالا.



- به نظرت این اعتماد به نفس ایجاد شده توسط حرف‌های اعضا، موقتی‌ه یا اثر طولانی مدت داره؟ بستگی به این داره که چه قدر مفهومش رو درک کرده باشی و بهش دقت کرده باشی. خیلی از آرمی‌ها فقط حرفش رو می‌زنند، ولی در عمل حس خوبی به خودشون ندارند. اگه واقعاً آدم سعی کنه که این پیام رو توی زندگیش رعایت بکنه و بهش عمل بکنه اون وقت آره تأثیر داره.

- چه طور می‌شه توی زندگی واقعی به این پیام عمل کرد؟

مثلاً توی سن ما خیلی زیاده که خودمون رو با بقیه مقایسه می‌کنیم، می‌شه همون لحظه که حس مقایسه داریم با خودمون بگیریم که هر کسی منحصر به فرد و زندگی و سرنوشتش با بقیه فرق داره، همه قرار نیست مثل هم باشن، اگه این طور بود، این همه آدم متفاوت نداشتیم و دنیا قشنگ نمی‌شد. باید با خودت بگی من همینم و همین خاصه.

- به نظرت هدف بی‌تی‌اس از جنسیت‌زدایی پوشش و آرایش، عادی‌سازی این مسایل در سطح جامعه هست یا این که هدفش تبلیغ و جذب مخاطب برای خودشه؟

به نظرم می‌خواد عادی‌سازی کنه، چون فقط مختص کی‌پاپ نیست که. مثلاً قدیم‌ها پرنس‌های فرانسوی رژ می‌زدند و این طبیعی بوده. کره‌ای‌ها هم از اون جایی که خیلی به ظاهر اهمیت می‌دن به خصوص به پوست، پسرهایشون هم مثل دخترها خیلی به پوست‌شون می‌رسند و براشون مهمه، در نتیجه آرایش هم می‌کنند، ولی آرایش پسرانه نه این که یه پسر بیاد خودش رو شکل دختر درست کنه. اون‌ها آرایش پسرانه دارند و این از قدیم بوده و ربطی به بی‌تی‌اس نداره، الان تاریخچه کره رو هم نگاه کنی همه‌شون آرایش می‌کردند و حتی پرنس‌ها و پادشاهاشون آرایش‌های خاص خودشون رو داشتند.





- آیا از سبک لباس پوشیدن، مدل مو و آرایش بی‌تی‌اس تقلید می‌کنی و سعی می‌کنی، مثل اون‌ها باشی یا نه؟

آره، بعد سعی کردم، ولی نشده. من هیچ وقت تاحالا تیپ تام‌بوی طور نزدم، چون دلم نمی‌خواد پسر باشم، برای همین آرایش دخترونه کره‌ای رو رفتم یاد گرفتم و الان دارم سعی می‌کنم آرایش کره‌ای رو کامل یاد بگیرم، ولی دخترونس رو، نه بی‌تی‌اس. البته جیمین یه مقدار شرایطش فرق کرده جدیداً داره رفتار و صدا و آرایش و ظاهرش رو دخترونه می‌کنه و حتی صداسش رو از اون چیزی که واقعاً هست هم زیبرتر می‌کنه، من فکر می‌کنم می‌خوان کلاً کلیشه‌های جنسیتی رو از بین ببرن و این‌ها همه زیر سر ایلومیناتیه. کلاً من بیش‌تر از تیپ دخترهای کره‌ای الهام می‌گیرم و آرایش دخترونه‌شون رو یاد گرفتم. دوست دارم مثل دخترهاشون تیپ بزنم، چون تیپ‌هاشون رو دوست دارم و آرایش‌هاشون خیلی قشنگ و با دقته، برای همین خوشم میاد. ولی چون تیپ‌های بی‌تی‌اس اکثراً پسرونه هست از اون‌ها تقلید نمی‌کنم زیاد.

- این کار چه سودی به ایلومیناتی می‌رسونه؟

ایلومیناتی اولین هدفش اینه که مردم جهان کم باشند و وقتی کلیشه‌های جنسیت رو از بین ببره، به مرور دیگه دخترها از پسرها خوش‌شون نمیاد و پسرها از دخترها خوش‌شون نمیاد و همجنس‌گرایی رواج پیدا می‌کنه و همین باعث می‌شه زمین کم بشه جمعیتش. از طرف دیگه می‌خوان کاری کنند که فاصله طبقاتی هم توی جوامع باشه تا مردم انگیزه پیدا کنند که برای معروف شدن و به دست آوردن پول هر کاری بکنند. من نمی‌گم تام‌بوی‌ها یا همجنس‌گراها بد هستن، چون من جزوشون نیستم که حق داشته باشم نظری بدم، چون برای یه سری‌ها واقعاً نیازه، مثلاً طرف دختره، ولی کاملاً تمایلات و احساسات پسرونه داره، در اون صورت تیپ تام‌بویی یا حتی تغییر جنسیت هم حقشه و طبیعیه، ولی این که اکثریت جوان‌ها حس می‌کنند هم جنس‌گرا هستند و توی دبیرستان‌های دخترونه همه فاز تام‌بوی بودن می‌گیرن، این نشون می‌ده که این‌ها همه برنامه‌ریزی شده هست و تحت تأثیر پیام‌های مخفی توی آهنگ و فیلم و این جور چیزها ایجاد می‌شه.

- سحر جان آیا بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس همجنس‌گرایی را به عنوان پدیده‌ای طبیعی پذیرفتی یا این که قبل از کی‌پاپ شدن هم همین دید را نسبت به آن‌ها داشتی؟

خب قبل از کی‌پاپ شدن سنم کم بود و هنوز در جریان این جور چیزها قرار نگرفته بودم هم‌زمان با کی‌پاپ شدنم سنم هم بیشتر شد و حتی اگه با بی‌تی‌اس آشنا نمی‌شدم، باز هم بالاخره با همجنس‌گرایی مواجه می‌شدم، چون توی دبیرستان‌های دخترانه پره از این چیزها. ولی بی‌تی‌اس باعث شد بفهمم که همجنس‌گراها کاملاً قابل احترامند و باید پذیرفت‌شون.

- آیا بی‌تی‌اس باعث شده به فرهنگ کره علاقه‌مند بشی؟

کلاً کی‌پاپ باعث این شده.

- به نظرت کره کی‌پاپ رو ایجاد کرده تا بتونه فرهنگ خودش رو جهانی بکنه؟

به نظرم این مسأله توی همه کشورها هست، مثلاً الان ایران خواننده و بازیگر داره و یه جورهایی دارن فرهنگ ایران رو تبلیغ می‌کنن، با این که خیلی در این زمینه موفق نیستن (می‌خندد). در نتیجه کره هم خواننده و بازیگرهای عادی خودش رو داره، فقط قوی‌تر از کشورهای دیگه می‌تونن عمل کنند. می‌دونی کره از خیلی قبل‌تر صنعت کی‌پاپ رو تو خودش داشت و یه موسیقی عادی و سلبریتی‌های عادی‌ای بودن که صرفاً مورد توجه مردم خود کره بود نه کشورهای دیگه بعد کم‌کم مردم کشورهای دیگه خودشون به سمت کی‌پاپ جذب شدن و بهو کی‌پاپ تر کوند اتفاقی که می‌تونست شاید برای ایران هم بیفته، ولی موسیقی و اجراهای کره اون قدر قوی بود که تونست مخاطب جذب بکنه. برای همین وقتی کره دید مردم جذب شدن شروع کرد بیش‌تر در مورد فرهنگ خودش سریال ساخت و فعالیتش رو بیش‌تر و دقیق‌تر کرد تا بتونه فرهنگ خودش رو جهانی‌تر بکنه.

- به نظرت چرا موسیقی کشورهای دیگه به اندازه کی‌پاپ نتونسته مثل هالیوود جهانی و معروف بشه؟

والا من خودم آهنگ‌های ژاپنی و هالیوود رو دوست دارم، ولی کی‌پاپ من رو به چند دلیل جذب کرد، یکیش جوّ گروهی‌شون بود، یکیش جوّ کیوت‌شون. من خودم گروه خیلی دوست دارم، ولی توی هالیوود گروه موسیقی خیلی کم هست، دیگه نهایتاً وان دایرکشن و لیتل میکس و فیفت هارمونی و اینا توی هالیوود هست که اکثرشون هم این اواخر دیس‌بند شدن و گروه‌هاشون از هم جدا شدن. کره جوّ گروهی رو توی کی‌پاپ ایجاد کرد که خیلی جالب بود. یکی دیگه از چیزهایی که کی‌پاپ داره، جوّ کیوت‌شون هست، الان همه جای دنیا فاز دارک مد شده که همه جذاب و خفن باشن و کیوت بودن زیاد مطرح نیست، ولی کی‌پاپ این رو نشون داد که رنگی رنگی بودن و شاد بودن و کیوت بودن هم چیز جالبیه. مخصوصاً تو ایران که رقص هم ممنوعه و فقط مردها می‌تونن خواننده باشن. بالاخره کی‌پاپ نشون می‌ده زن‌ها هم می‌تونن خواننده بشن و رقص آزاده و کلاً محدودیتی در این زمینه نیست، واسه همین فرصت پیشرفت و جهانی شدن فرهنگ کره هم بیش‌تره.

بی‌تی‌اس حتی با آهنگ‌های آروم‌شون هم یه رقصی طراحی می‌کنند. من چیزهایی که در مورد کی‌پاپ می‌دونم، مثل همین پیام‌های مخفی توی آهنگ‌هاشون، باعث شد یه مدت حس کنم، بهتره به آهنگ‌هاشون زیاد گوش ندم و فاصله بگیرم، ولی بعد دیدم تأثیر منفی‌ای تو زندگیم نداشت و الان دیگه عادت کردم به جو کی‌پاپ و دوست‌شون دارم. یه جورهایی اون‌ها رو مثل خانواده دوم می‌دونم، البته این زیاد خوب نیست، ولی خب این حس هست.

- به نظرت چی باعث شده کی‌پاپ و بی‌تی‌اس رو مثل خانواده دومت بدونی؟

خب کی‌پاپ یه حس امنیتی به من می‌ده، مواقعی که حس و حال خوب نیست، حس می‌کنم یه دنیای امنی هست که می‌تونم موقتاً برم توش، واسه همین آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دم اجراها و موزیک ویدیوهاشون رو که می‌بینم، آرامش می‌گیرم و یه حس ذوقی توام ایجاد می‌شه که دوباره بتونم با مشکلاتم رو به رو بشم، یه حسیه که انگار پشتیبان من هستند و هوام رو دارن.

- به نظرت این حس شبیه به حسی که به خدا داری نیست؟

نه خب، این‌ها دوتا بحث جداست. بی‌تی‌اس واسم مثل یه دوست می‌مونه که در نهایت اگه اوضاع بهم ریخت، می‌تونم برم پیش‌شون و حالم بهتر شه.

- سحر جان آیا تو خواهر و برادر داری؟

نه تک فرزندم.

- به نظرت بی‌تی‌اس برات جای خواهر و برادر رو پر نکرده؟

آره، می‌شه گفت. البته دوست‌هایی هم که آرمی ان و خواهر یا برادر دارن، هم اکثراً همین حس رو دارن و به نظرم ربط زیادی به این موضوع نمی‌تونه داشته باشه. خیلی وقت‌ها می‌شه که آدم در کنار خانواده‌اش، افراد دیگه‌ای رو هم مثل اعضای خانواده‌اش دوست داشته باشه. به نظرم بیش‌تر اون حس امنیت و آرامشی که به اون افراد داری، مهمه.

- سحر به نظرت آرمی بودن باعث شده که بین همسنگ‌ها محبوب‌تر بشی و بتونی دوست‌های

بیش‌تری پیدا کنی؟

از اون جایی که الان توی ایران آرمی خیلی زیاد شده برای دوست پیدا کردن این روش صددرصد جواب می‌ده. من خودم وقتی می‌خوام با یه نفر دوست بشم، اون اول که هنوز یخ‌هامون باز نشده برای این که بیش‌تر بتونیم باهم ارتباط بگیریم، سعی می‌کنم دنبال علایق مشترک با اون فرد بگردم که باهم در موردش حرف بزنیم و یه کم بیش‌تر ارتباط بگیریم. مثلاً می‌پرسم کی‌پاپی؟ ممکنه بگه نه، پس بعدش می‌پرسم اوتا کویی؟ (طرفدار انیمه ژاپنی) ممکنه دوباره بگه نه، می‌پرسم قورمه سبزی دوست داری؟ این رو دیگه اگه بگه نه کلاً باهاش ارتباط برقرار نمی‌کنم، چون احتمالاً آدم نیست (می‌خندد). اکثر کسانی که کی‌پاپرن وقتی با کسی آشنا می‌شن، این سوال رو می‌پرسن، البته چون تعداد آرمی‌ها تو ایران زیاده، اگه بررسی آرمی هستی یا نه، حکم همون سوال کی‌پاپر هستی یا نه رو

۲۴۴ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

داره. البته الآن به دلیل فن‌وارهای (دعواهای بین فندوم‌ها) زیادی که توی ایران بین آرمی‌ها با گروه‌های دیگه هست، خیلی از آرمی‌ها کلاً از فندوم اومدن بیرون و الآن فقط کی‌پا پرند و بقیه گروه‌ها رو دوست دارند. برای همین آرمی بودن آره، خیلی تأثیر داره تو دوست پیدا کردن.



- می‌تونن یه نمونه از این فن‌وارها که باعث شد بعضی‌ها از فندوم خارج بشوند رو مثال بزنی؟  
مثلاً یه زمانی بلک‌پینک حتی مطرح‌تر از بی‌تی‌اس بود، ولی یه سری آرمی‌ها شروع کردند هیت دادند و اون قدر این کار رو ادامه دادند تا جایی که خیلی‌ها دیدشون کلاً نسبت به بلک‌پینک بد شد.

- چه چیزهایی گفتند که باعث شد دید مردم نسبت به بلک‌پینک تغییر کنه؟  
اومدن گفتن بلک‌پینک ویوهای واقعی نیست و ویوهایش رو می‌خره یا مثلاً جنی با همه بوده تو کی‌پاپ و کلاً یه سری دروغ بستن به هم تا بلک‌پینک رو بکشن پایین.

- به نظرت دلیل این کارشون چی بود؟  
نمی‌دونم. شاید از سر حسادت بوده، آخه کلاً آرمی‌ها همین ان و همیشه خدا سرشون درد می‌کنه واسه دعوا و کلی تفرقه ایجاد می‌کنن بین فندوم‌های مختلف و من نمی‌فهمم واقعاً دلش چیه.



- به نظرت توی سن شما اگر کسی آرمی یا کی‌پاپر نباشه، توی پیدا کردن دوست به مشکل برمی‌خوره و روش فشار هست که باید حتماً طرفدارشون بشه؟

بین نه همیشه. یه سری آرمی‌ها هستند که می‌گن تو اگه آرمی نباشی، من باهات حرف نمی‌زنم. من خودم این جور نیستم، می‌گردم دنبال بقیه علایق مشترک. ولی خب یه سری‌ها هستن که این فشار رو به غیرآرمی‌ها میارند. البته همه غیرآرمی‌ها از این موضوع احساس فشار نمی‌کنند، بستگی به شخصیت خودشون داره، مثلاً من یه دوستی دارم که نه کی‌پاپره، نه آرمیه و نه حتی اوتاکو هست، ولی با این حال اصلاً براش مهم نیست حرف بقیه و همچنان با همه دوسته.

- تا حالا خودت کسی رو آرمی کردی؟

به زور نه. صرفاً آشنا می‌کردم‌شون با بی‌تی‌اس و بعد خودشون خوش‌شون می‌اومد. عکس و فیلم‌هاشون رو نشون می‌دادم، بعد می‌گفتم این قدش خیلی بلندها، این یکی صداس این جوریه‌ها و کلاً با این حرف‌ها اگه سلیقه‌شون مثل من بود و خوش‌شون می‌اومد جذب می‌شدن و اگر هم خوش‌شون نمی‌اومد، بی‌خیال می‌شدم.

- در کنار بی‌تی‌اس گروه‌های کی‌پاپ زیادی هستند که با وجود فعالیت‌هاشون نتونستن اندازه بی‌تی‌اس در جهان مطرح بشن، مثل اکسو، به نظرت دلیل این موضوع چیه؟

صدا و تصویر ایلومیناتی تأثیر زیادی روی معروف شدن همه گروه‌ها و خواننده‌ها داره، ولی خب می‌گیم ایلومیناتی از قبل از این هم بوده و بی‌تی‌اس خب قبلاً هم بوده، ولی انقدر مطرح نبود. من فکر می‌کنم دلیل اصلیش این بود که آهنگ انگلیسی خوندن، یه آهنگی دادن بیرون به اسم دینامیت که کلش انگلیسی بود و توی زمانی این آهنگ رو خوندن که آرمی‌ها بیش‌ترین اتحاد رو داشتند، به خصوص توی ایران، چون مقدار زیادی از استریم‌هاشون از طرف ایرانی‌ها بود. اون زمان می‌گفتند برای این آهنگی که می‌خوایم بدیم بیرون، باید تا جایی که می‌تونید استریم بزیند تا وپوهاش بره بالا. آهنگ‌شون چون انگلیسی بود توی کل دنیا پیچید و آهنگیه که حتی مامان منم که از بی‌تی‌اس زیاد خوشش نمیداد، تو خونه گوشش می‌ده... .



۲۴۶/ چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

آهنگی بود که ریتمش به مردم ساخت. ولی خب گروه‌های دیگه کی پاپ زیاد آهنگ انگلیسی نمی‌دن بیرون. البته بی‌تی‌اس آهنگ‌های سطح پایین هم داشته مثلاً آهنگ باتر شون در مقایسه با این همه آهنگ‌های عالی‌ای که دادند بیرون، لیریکش به نظر من بی‌معنی بود. آخه آهنگ می‌تونه در مورد کره باشه! (می‌خندد).

- بی‌تی‌اس تا حالا باور سیاسی یا دینی‌ای رو در تو تغییر داده؟

نه فکر نمی‌کنم.

- نظرت درباره این که بی‌تی‌اس به یونسکو رفته و حامل پیام خودت را دوست داشته باش شده، یا

دیداری که با بایدن داشته و یا حمایتی که از اسرائیل کرده چیه؟

رفتن شون به یونسکو که خیلی خوشحالم کرد، با این کار پیام شون حتی جهانی‌تر هم شد و این باعث می‌شه آدم‌های بیش‌تری توی دنیا متوجه اهمیت دوست داشتن خودشون بشن. راجع به بقیه چیزهایی که گفتمی نظر خاصی ندارم، خیلی از کارها رو بی‌تی‌اس مجبوره تحت فرمان کمپانی شون انجام بده و شاید تصمیم شخصی خودشون نباشه و حتی دل شون نخواد، ولی مجبور باشند به خاطر حرفه و موقعیت شون انجام بدن.



- می‌تونم مثال بزنی که طرفداری از بی‌تی‌اس، برات چه مزایا و معایب بارزی داشته؟

باعث شد من به درس خوندن امیدوار بشم، چون مثلاً نامجون خیلی اومد گفت درس خوندن خوبه و واسه رسیدن به رؤیاهاتون لازمه و من رو به درس خوندن تشویق کردند. بدی‌ای هم که داشت، وابستگی بود. بهشون وابسته شدم. از یه طرف دیگه هم مشکل خانواده‌ها هست، من وقتی میام از

کره‌ای‌ها تعریف می‌کنم، مامانم می‌گه کره‌ای‌ها بد ان، ژاپنی‌ها خوب ان، بعد می‌رم می‌گم من فن فلانی که خواننده ژاپنیه شدم، می‌گه، ژاپنی‌ها بد ان همون کره‌ای‌ها خوب ان، کلاً انگار منتظرن ببینند، چی به نظر من جالب میاد و علاقه پیدا می‌کنم تا همون رو بگن به درد نمی‌خوره.

- به نظرت دلیل این موضوع چیه؟

خودشون می‌گن وقتی یه نفر رو دوست داشته باشی و اون یه نفر دیگه رو دوست داشته باشه، خود به خود حرصت می‌گیره. مامانم می‌گه من می‌دونم اون‌ها چیا دارن می‌گن و چه چیزهایی رو دارن تبلیغ می‌کنند، برای همین دوست ندارم تو طرفدارشون باشی و توی اون فضا باشی، من هر بار براش کلی توضیح می‌دم که این چیزها دست خودشون نیست و اجبار کمپانیه، ولی قبول نمی‌کنه و می‌گه ما پدر مادرها باید یه جور یه بچه‌هامون رو نجات بدیم.

- آیا خانواده‌های دوستان هم همین شیوه تفکر رو دارن؟

آره، تو دوستانم فقط یکی شون هست که مامانش کاملاً با این چیزها اوکیه و حتی گاهی وقت داشته باشه، می‌شینه باهاش ران بی‌تی‌اس نگاه می‌کنه و مشکلی با آرمی بودن نداره، بقیه شون همه داستان دارن با خانواده‌هاشون. مثلاً یکی از دوستانم مجبوره همه‌اش آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو با هندزفری گوش کنه، چون می‌گه اگه بلند بذارم، صدای مامانم درمیاد که این‌ها چیه گوش می‌دی، اصلاً قشنگ نیست و معلوم نیست چی می‌گن، فقط جیغ می‌زنند.

- فکر نمی‌کنی طرفداری از بی‌تی‌اس وقت رو گرفته و می‌تونستی وقت رو صرف اولویت‌های

بهتری بکنی؟

نه، چون من کنترل تایم رو داشتم. این جور یه نبوده که تمام وقتم رو گذاشته باشم واسه اونا و از کار و زندگی بیفتم. حتی تأثیر مثبت هم داشته روی درس هام. مثلاً من اصلاً علاقه‌ای به ریاضی نداشتم، بعد نامجون اومد گفت شما باید ریاضی بخونید و من از اون موقع انگیزه گرفتم.

- بی‌تی‌اس چه چیزی رو تبلیغ می‌کنه که پدر و مادرت رو نگران می‌کنه؟

همجنس‌گرایی. آخه بی‌تی‌اس زیاد هم همجنس‌گرایی رو تبلیغ نمی‌کنه، گروه‌های کمپانی وای جی بیش‌تر تبلیغ می‌کنند، ولی مامانم به خاطر قیافه‌هاشون به خصوص قیافه جیمین که یه مقدار دخترونه به نظر میاد، فکر می‌کنه این نشانه همجنس‌گرایی شون هست و دارن همه‌اش این موضوع رو نشون می‌دن، در صورتی که این استایل توی کره نرماله و حتماً نشانه این موضوع نیست. می‌خوان نشون بدن که هر کسی می‌تونه هر جور که دوست داشت لباس بپوشه.



- خوب سحر جان مصاحبه ما به پایان رسید. نکته‌ای هست که نپرسیده باشیم و دوست داشته باشی بگی؟

به نظرم بهتره خواننده‌ها رو نپرستیم، اون‌ها هم یه سری آدم‌ان مثل ما و هر چه قدر هم که سلبریتی‌ها زیبا باشند، ما نباید به خودمون فشار بیاریم که مثل اون‌ها باشیم و صد جور عمل زیبایی انجام بدیم و این که لطفاً هیت ندیم این قدر به سلبریتی‌های بیچاره و در عین حال ازشون بت نسازیم. - از وقتی که به من دادی، متشکرم. خواهش می‌کنم.



## تأملی دوباره

سحر ۱۵ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

سحر در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: زیر پوشش امریکا بودن کمپانی، فشارهای زیاد از طرف کمپانی‌ها به آیدول‌ها از زمان کارآموزی، از دست دادن هویت فردی آیدول و پذیرش هویت دیکته شده از سوی کمپانی‌ها، القای هویت رباتیک به آیدول‌ها، جذاب بودن همه جانبه کی‌پاپ در مقایسه با گروه‌های دیگر، رویکرد شاد محصولات گروه، تأثیر گسترده موسیقی بر ذهن انسان‌ها، تلاش در جهت نفوذ در ذهن انسان‌ها از طریق پیام‌های مخفی در صنعت موسیقی، تأثیر بسیار زیاد ایلومیناتی بر صنعت موسیقی، بازیچه ایلومیناتی بودن کمپانی و گروه آن، کنترل و نفوذ ایلومیناتی در صنعت موسیقی، کنترل کامل کمپانی روی اعضای گروه، تلاش برای به حداکثر رساندن سود با کنترل کامل رفتار آیدول‌ها، کلون‌سازی آیدول‌ها توسط کمپانی، در امان نبودن جان آیدول‌ها، اخذ خط‌مشی از امریکا در دامن زدن به انحرافات اخلاقی، تلاش کمپانی در جهت از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی، تبلیغ برنامه‌ریزی شده همجنس‌گرایی توسط کمپانی و عادی‌سازی هم‌جنس‌گرایی توسط کمپانی، اشاره داشته است.

سحر ۱۵ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ایجاد هدف و انگیزه، امید و انگیزه دادن به طرفداران بیش‌تر به صورت یک حالت هیجانی زودگذر، آرایه ترانه‌های متنوع و متناسب با خلق فرد در موقعیت‌های مختلف، جذاب بودن همه جانبه کی‌پاپ، رویکرد شاد محصولات، ساختگی بودن مومنت‌های اعضای گروه، عادی‌سازی همجنس‌گرایی، کنترل و نفوذ ایلومیناتی در صنعت موسیقی و تلاش در جهت نفوذ در ذهن انسان‌ها از طریق پیام‌های مخفی در صنعت موسیقی، اشاره داشته است.

سحر در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ایجاد هدف و انگیزه، امید و انگیزه دادن به طرفداران (بیش‌تر به صورت یک حالت هیجانی زودگذر)، ارتقای عزت نفس برخی از هواداران، شکوفاسازی استعدادها، آشنایی با مهارت‌های ادیت آهنگ، یادگیری آواز به شکل خودآموز، یادگیری سماعی زبان کره‌ای، الگوگیری از استانداردهای زیبایی کی‌پاپ، ایجاد فن‌پیج در صفحه‌های مجازی جهت حمایت از آیدول‌ها، جذاب بودن همه جانبه کی‌پاپ، رویکرد شاد محصولات گروه، زیربنای هیجانی اولیه جذب شدن به گروه، تحلیل عاطفی رخدادهای (که ابعاد شناختی را کنار می‌زند)، شیوع طرفداری از کی‌پاپ از سنین پایین، فشار از سوی همسالان جهت طرفداری از کی‌پاپ، یافتن هویت جمعی و گروهی در پوشش طرفداری

از گروه، گران بودن آلبوم‌های اصل کی‌پاپ، هزینه کردن برای آلبوم‌ها، استریم زدن برای گروه، سوق یافتن کنجکاوی هواداران به سمت مسایل خرافی و حاشیه‌سازی‌ها، دعوا و مشاجره میان طرفداران گروه‌های مختلف، هویت یافتن افراد بی‌هویت، در نظر گرفتن کی‌پاپ به عنوان خانواده دوم فرد، مخالفت خانواده با طرفداری از کی‌پاپ، نگرانی خانواده‌ها از آرمی بودن فرزندان خود، ایجاد اختلاف‌های خانوادگی، استناد به منابع خبری غیرموثق، توجیه هویت ربانیک اعضای گروه بی‌تی‌اس و عادی سازی هم جنس‌گرایی توسط گروه، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه سحر ۱۵ ساله، با ارجاع محورهای اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر وی و دیگر هواداران، توجه خویش را به مباحث سحر در زمینه اقدام‌های کمپانی متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، سحر در مصاحبه‌ای که دارد، اساساً کمپانی هاب را زیر نفوذ امریکا می‌داند:

«سحر جان قبل‌تر گفتم کمپانی در حال حاضر زیر نظر یک فرد امریکایی هست، از چه منبعی این موضوع رو شنیدی؟»

توی یکی از پیج‌های اینستا خوندم که جدیداً با یه امریکایی قرارداد بستن و همه چی شون زیر نظر اونه، ولی اسمش رو یادم نمیاد...

- می‌تونم مثال بزنی چه نشانه‌هایی توی موزیک ویدیوهاشون هست؟

مثلاً توی موزیک ویدیو دینامیت، پشت سرشون رنگین کمون بود و جیمین پهلو می‌پرید بغل جونگ کوک شاید یه کم تبلیغ باشه، البته به نظر من زیاد معنی خاصی نداره و می‌تونه دوستانه باشه. کمپانی وای جی هم با امریکایی‌ها قرارداد بسته و خیلی روی این مسأله تمرکز دارن و تقریباً می‌شه گفت تمام آیدول‌های کمپانی وای جی دارن هم جنس‌گرایی رو تبلیغ می‌کنند. از منظر سحر، فشارهای زیادی که از طرف کمپانی به آیدول‌ها از زمان کارآموزی آن‌ها وارد می‌آید، سبب می‌شود آیدول‌ها، هویت فردی خویش را از دست داده و به پذیرش هویت دیکته شده از سوی کمپانی روی آورند که از هویت اخیر می‌توان با عنوان هویت ربانیک یاد کرد. سحر در مورد فشارهای وارده از سوی کمپانی به آیدول‌ها بیان می‌دارد:

«... وقتی افراد دارن دوره کارآموزی رو می‌گذرونن، هنوز وقت دارن که انصراف بدن و ادامه ندن، برای همین کمپانی‌ها سعی می‌کنن اونجا رو به شکل بهتری برایشون نشون بدن، یعنی حتی اتاق‌های آیدول‌های دیگه که قدیمی‌تر هستند، نمی‌برن شون تا صحبتی بین شون پیش نیاد و از واقعیت ماجرا زیاد باخبر نشن. کارآموزها فقط توی اتاق تمرین می‌رن. البته به کارآموزها می‌گن، شما اگر نخواید دیو کنید و انصراف بدید، باید پول ما رو بدید، چون برای آموزش شما وقت گذاشتیم و کلی هزینه کردیم، ولی اگر دیو کنید، می‌تونید با پولی که از اجراها و ویدئوهایتون به دست می‌آید، پول ما رو بدید، برای همین تا یه مدت بهشون حقوق کمی می‌دن تا پول دوران کارآموزی شون جبران بشه، برای همین اکثر

کارآموزها شرایط سخت رو تحمل می‌کنند، چون با خودشون فکر می‌کنند، اگر بخوایم بریم، باید کلی پول بدیم. کلاً فضا براشون جوری درست می‌کنند که این باور رو القا کنند که هر چه قدر کار سختی داریم، تلاش می‌کنیم که به رؤیایمون برسیم. توی اون حالت کارآموزها خیلی ذوق دارند و تا قبل از این که دیبو کنند، کمپانی نیما مستقیم بهشون بگه که شما باید همه چیزتون کنترل شده باشه و حتی اگر شرایط خیلی سخت بشه بهشون، می‌گن شما دارید تلاش می‌کنید تا به رؤیایتون برسید. برای همین تا قبل از این که دیبو کنند، از بعضی چیزها خبر ندارند و تازه بعد از دیبو بخش دارک (تاریک) این صنعت موسیقی رو می‌بینند، این که مجبورند یه سری نمادها رو نشون بدن به خاطر قراردادهایی که کمپانی‌ها با ایلومیناتی می‌بندند، این که مجبورند یک شخص دیگه باشن، در حدی که جیسونگ می‌گفت، فکر می‌کنید من واقعاً همون جیسونگم؟ که این نشون می‌ده ممکنه، حتی این شخصیت‌ها واقعی نباشند».

سحر در مورد از دست دادن هویت فردی آیدول و پذیرش هویت دیکته شده از سوی کمپانی، بیان می‌دارد:

«کل صنعت موسیقی می‌تونه فیک باشه به خصوص کی‌پاپ که اصلاً معروفه به این که فیکه، چون که مثلاً لایو تولد جی (یکی از اعضای گروه ان‌های پن) جلوی دوربین بود و قشنگ داشت پشت دوربین رو نگاه می‌کرد و جواب می‌داد و فقط یه سری کامنت‌های خاص رو می‌خوند و یه سری جواب‌های خاص می‌داد و این جوری بود که فن‌ها از انعکاس بادکنک پشت سرش دیدن که یه دختر داره براش روی تخته وایت برد می‌نویسه و نشونش می‌ده. تمام حرف‌هاشون کنترل شده هست و نمی‌تونند به این دستورها عمل نکنند. دیگه چیزیه که هست و باید نقش بازی کنند، مثلاً جیسونگ (عضو گروه استری کیدز) توی یکی از برنامه‌ها گفت، من بازیگر خوبی هستم بعد بهش گفتن تو بازیگر خوبی هستی؟ گفت آره، من همین الان هم دارم نقش بازی می‌کنم و همه این حرفش رو به عنوان شوخی گرفتند، ولی جیسونگ لحنش و چهره‌اش خیلی جدی‌تر از یه شوخی ساده بود. گفت من همین الان هم دارم نقش بازی می‌کنم، فکر می‌کنید اسم واقعی من هان جیسونگه؟ فکر می‌کنید من اینم؟ یه مثال دیگه اینه که خیلی وقت‌ها وقتی تولد یکی از خواننده‌های کی‌پاپه و از جشن تولد فیلم می‌گیرن، یه صحنه ساختگی درست می‌کنن که توش کیک می‌فته زمین و این اتفاق توی چندتا از تولدها تکرار شده پس نمی‌تونه اتفاقی باشه، دلیلشم اینه که به خاطر رژیم‌های سختی که دارند اجازه ندارند شیرینی و کیک بخورند. خیلی ظلمه که حتی تو روز تولدت هم نتونی کیک بخوری».

سحر ۱۵ ساله، در ادامه، در مصاحبه خود از هویت ربات مانند آیدول‌ها، به قرار زیر یاد کرده است:

«- به نظرت عمل‌های زیبایی و رژیم‌های سخت غذایی که بی‌تی‌اس دارند، برخلاف شعار خودت

را دوست داشته باش نیست که سعی در تبلیغش دارند؟

به نظر من خیلی تناقض داره، چون کسی که عمل جراحی می‌کنه قیافه خودش رو دوست داره، اما خب دست خودشون که نیست، این کاریه که کمپانی ازشون می‌خواد و اعضای بی‌تی‌اس به خواست خودشون این کار رو نمی‌کنند. مثلاً جیهوپ اوایل دیو حتی گوشواره هم نمی‌انداخت، فقط گاهی اوقات گوشواره چسبی استفاده می‌کرد تا نیاز نباشه گوشش رو سوراخ کنه ولی جدیداً گوش‌هاش رو خیلی سوراخ کرده و خب مشخصه که خواست خودش نبوده و اجبار کمپانی بوده».

جذاب بودن همه جانبه گروه بی‌تی‌اس در مقایسه با گروه‌های دیگر کی‌پاپ و رویکرد شاد محصولات گروه بی‌تی‌اس از دیگر مواردی است که سحر در مصاحبه خود از آن‌ها یاد کرده است:

«- موسیقی بی‌تی‌اس رو از چه نظر بیشتر دوست داری، ریتم‌شون، محتواشون یا اجراشون؟ هم ریتم (آهنگ)، هم لیریک (متن) و هم پرفورمنس (اجرا) شون. من واقعاً توی موسیقی هیچ کشور دیگه‌ای ندیده بودم که همه این جور باشن و همه چیزشون باهم خوب باشه، یعنی تو خواننده‌های کشورهای دیگه می‌بینی، طرف می‌خونه، ولی نمی‌رقصه، اما خب رقصنده دورش زیاده. ولی این‌ها خودشون می‌رقصن و هم‌زمان خودشون می‌خونن و حتی بیشتر تر آهنگ‌هاشون رو خودشون می‌نویسن. رقص‌ها و پرفورمنس شون خیلی من رو جذب می‌کنه. کلاً موسیقی کی‌پاپ، اولین سبکی بود که دیدم، خواننده هم‌زمان می‌خونه و می‌رقصه، واسه همین جذب کی‌پاپ شدم. بی‌تی‌اس آهنگ‌هاشون رو هم خیلی دوست دارم».

«- بعضی خواننده‌های هالیوودی مثل لیدی گاگا یا جنیفر لوپز هم هستند که هم‌زمان می‌خوانند و می‌رقصند، فرق گروه‌های کی‌پاپ با اون‌ها چیه؟

تفاوتشون اینه که کی‌پاپ از افسردگی رهاست و مثل خواننده‌های کشورهای دیگه تبلیغ افسردگی نمی‌کنند. کلاً تو کی‌پاپ هیچ وقت سبک افسردگی نداشتیم، یعنی آهنگ‌ها همه شاد بود و همه‌اش در حال رقصیدن بودن، ولی بی‌تی‌اس گروهی بود که اومد، آهنگ کاملاً ضد افسردگی ساخت و گفت، خودتون رو دوست داشته باشید. خیلی خوشم اومد که آهنگ‌هاشون حس خوبی داره و افسردگی رو نشون نمی‌ده و کسی حتی اگه آرمی نباشه، وقتی که آهنگ‌هاشون رو بشنوه، دلش می‌خواد پاشه برقصه».

از منظر سحر ۱۵ ساله، تأثیر گسترده موسیقی بر ذهن انسان‌ها، سبب شده است که اندیشه ایلومیناتی متوجه صنعت موسیقی شده، تلاش کند تا از این طریق نیز بر ذهن انسان‌ها تأثیر بگذارد. وی در مورد تأثیر موسیقی بر ذهن افراد می‌گوید:

«- ... دونستن این موضوع‌ها باعث نشده تو نسبت به آرمی بودن تردید کنی؟

نه خب، بقیه اعضا گروه خودشون ان و الان اون قدر معروف شدن که کمپانی نتونه رو تمام کارهایی که می‌کنن، کنترل داشته باشه و جز محدود گروه‌هایی هستن که رفتارهاشون تاحدی واقعیه و شخصیت واقعی شون رو نشون می‌دن، چون قدرت و معروفیتشون بیشتر از بقیه گروه‌های کی‌پاپه

و تاحدی اختیار دارند. این کنترل فقط روی کی‌پاپ نیست‌ها، کلاً تو صنعت موسیقی این داستان هست، مثلاً اکس‌تنتاسیون (یک خواننده امریکایی) نمونه بارز اینه که این‌ها همه چی شون تحت کنترل. روز قبل این که اکس‌تنتاسیون بمیره، یه لایوی گذاشت که توی اون لایو گفت ببینید من می‌تونم با یه سری فرکانس‌ها ذهن شما رو کنترل کنم، ولی دست خودم نیست، چون کمپانی میاد آهنگ‌هایی که من می‌سازم رو با یه سری پیام‌ها که شما نمی‌تونید به سادگی بشنوید، پر می‌کنه و شما مجبورید اون‌ها رو بشنوید، در حالی که خودتون خبر ندارید. خب خیلی‌ها فکر کردند دیوونه شده، ولی تأکید داشت که من می‌تونم با یه سری فرکانس‌ها ذهن شما رو کنترل کنم و صنعت موسیقی داره این کار رو با ذهن شما می‌کنه.

قبل از جنگ جهانی دوم پیدا کرده بودند که فرکانس ۴۴۰ هرتز می‌تونه ذهن رو کنترل کنه، چون آب سلول‌های مغز رو گل آلود می‌کنه و می‌تونن باهاش ذهن رو کنترل کنن، بعد از پخش این خبر سازمان ایلومیناتی سریع این خبر رو پاک کرد و اعلام کرد که فرکانس ۴۴۰ هرتز فرکانس نرمال و اصلی موسیقیه، در حالی که فرکانس بی‌خطر ۴۳۲ هرتزه و کلاً اومدن صنعت موسیقی رو تغییر دادند و الآن کل موسیقی و هر صدایی که از سازها حتی سازهایی که خودمون می‌زنیم می‌شنویم روی فرکانس ۴۴۰ هرتز تنظیم شده، واسه همین از اون زمانی که فرکانس موسیقی رو تغییر دادند میزان افسردگی و اعتیاد و این جور چیزها به شدت افزایش پیدا کرد. اکس‌تنتاسیون داشت این مسایل رو به وضوح می‌گفت و دقیقاً روز بعدش به شکل عجیبی به ضرب گلوله ترور شد. خب این داستان خیلی سروصدا کرد، برای همین بعد یه مدت شایعه کردن که اکس‌تنتاسیون زنده هست و اگر آهنگ آخرش رو برعکس کنید، داره می‌گه که من توی نیویورک قائم شدم، ولی وقتی برعکس می‌کنیم، بدون این که چند هرتز ازش برداریم، می‌تونیم بشنویم که داره می‌گه من توی نیویورک قائم شدم، در حالی که پیام‌های مخفی توی آهنگ‌ها رو نمی‌شه راحت شنید و حتماً باید با دستگاه‌های مخصوص چند هرتز برداشته بشه ازش. حتی همه می‌دونن که گذاشتن پیام‌های مخفی توی آهنگ‌ها کار کمپانی‌ها هست و کم‌تر آیدول‌هایی خودشون حاضر می‌شن همچین کاری بکنند، برای همین واضح بود که این پیام که قائم شده و زنده هست، کار خود کمپانی بود تا گندی که زده بود رو جمع بکنه».

سحر ۱۵ ساله، در ادامه، از تأثیر قابل توجه موسیقی بر ذهن انسان‌ها و تلاش اندیشه ایلومیناتی در جهت اثرگذاری از این طریق بر ذهن افراد، چنین یاد کرده است:

«- تو با وجود این که این آگاهی‌ها رو داری و شنیدی که پشت صحنه چه خبرهایی هست، چه طور هنوز تصمیم داری که وارد این فضا شده و آیدول بشی؟

انگیزه‌ام رؤیای بچگی خودمه. من از بچگی دوست داشتم خواننده بشم، برای همین به نظرم می‌تونم با این چیزهاش کنار بیام. من واقعاً دنبال کمپانی‌ای هستم که ربطی به ایلومیناتی نداشته باشه، ولی واقعاً نیست. البته ترجیح می‌دم بدون کمپانی کار کنم و البته اگر کسی با استعداد باشه و با کمپانی‌ای

کار نکنه و با ایلومیناتی همکاری نکنه و نماد نشون نده، مثل گروه ای پینک (یک گروه کی‌پاپ) معروف نمی‌شه و از صنعت موسیقی پرورش می‌کنند بیرون. گروه ای پینک تا وقتی طرف ایلومیناتی نرفته بود، اصلاً نمی‌داشتن که معروف بشه و پیشرفت کنه، ولی تازگی‌ها که داره یه سری قرارداد با ایلومیناتی می‌بنده و یکی دوبار نماد اون‌ها رو نشون داده، یه مقدار معروف شده. در صورتی که از سال ۲۰۱۰ این گروه داشت فعالیت می‌کرد و به هیچ جا نرسیده بود و بلافاصله بعد از اون قرارداد، یه مقدار مطرح شده و داره پیشرفت می‌کنه، برای همین فکر می‌کنم این موضوع واسه پیشرفت توی موسیقی متأسفانه اجباریه».

«- به نظرت با توجه به این جو متشنج و ظلم‌های فراوانی که به آیدول‌ها می‌شه و حقوق انسانی‌شون زیرپا گذاشته می‌شه چه چیزی باز به افراد زیادی انگیزه می‌ده که آودیشن بدن و وارد این فضا بشن؟ همون چیزی که من رو جذب می‌کنه. الان من می‌خوام آیدول بشم، چون یه کسایی هستن مثل من که از بچگی آرزوی خواننده شدن رو داشتن و بعد که با سبک کی‌پاپ آشنا شدن، تصمیم گرفتن آیدول بشن. چون فضایی که بهمون نشون می‌دن، خیلی رنگی و کیوته، خب جذاب می‌شیم. گروه کی‌پاپ ان‌های پن، یه آهنگ دارن که خیلی جنجالیه، همه به ریتم و آهنگش دقت کردن نه به متنش، در حالی که توی متنش خیلی چیزها هست، مثلاً توی بخش رپش نیکی (یکی از اعضای گروه)، می‌گه که نورهای صحنه همه فیک هستن و پشت صحنه موسیقی سیاه و ترسناکه و کسی خبر نداره، بعد می‌گه که من مثل عروسک خیمه شب بازی، روی صحنه می‌رقصم. این یعنی آیدول‌ها کنترل می‌شن و چیزی که روی صحنه نشون می‌دن، واقعی نیست. یه چیز دیگه هم هست، الان تمرکز دنیا و سازمان ایلومیناتی روی چندتا چیزه، یک پول‌پرستی، دو همجنس‌گرایی، سه معروف شدن. برای همین الان یه جور شده که مردم برای معروف شدن هر کاری می‌کنند و این به خاطر همین پیام‌های پنهانه. البته یه سری‌ها هستن که ذاتاً معروف شدن رو دوست دارن و از بچگی هم همین‌طور بودن و اون‌ها بحث‌شون جداسه. ایلومیناتی داره این چیزها رو می‌کنه اولویت اول مردم و یه جورهای حواس مردم رو کاملاً جذب این چیزها کردند».

«- یعنی وقتی ناراحتی و آهنگ‌اشون رو گوش می‌دی حالت بهتر می‌شه؟

آره خیلی. حس خوبی می‌گیرم. مخصوصاً با آهنگ بوی ویت لاو خیلی خاطره دارم، برای همین اون رو توی هر موقعیتی که گوش می‌دم کلاً قلبم اکللی می‌شه. ولی آهنگی که وقتی ناراحتم گوش می‌دم، کامل حال رو خوب می‌کنه، آهنگ سو وات هست، سو وات یه حس خیلی خوبی داره و این که از این ری‌ورس‌های منفی نداره و بمب انرژیه.

- ری‌ورس منفی یعنی چی؟

بعضی آهنگ‌ها یه سری پیام‌های منفی تو خودشون دارن که آهنگ رو که برعکس می‌کنی، اون پیام‌ها رو می‌شنوی، مثلاً تو آهنگ‌های بیلی ایلیش (خواننده) خیلی ری‌ورس‌های منفی زیاده.

- چرا ری‌ورس‌های منفی رو توی آهنگ‌ها می‌گذارن؟

بعضی خواننده‌ها برای این که معروف بشن با ایلمیناتی قرارداد می‌بندن و بعد تازه متوجه می‌شن تو چه دردسری افتادن. ایلمیناتی مجبورشون می‌کنه این پیام‌های مخفی رو بذارن توی آهنگ‌هاشون تا توی ذهن آدم‌ها تأثیر بذاره، اگر هم خواننده‌ها قبول نکنن این کار رو بکنن، صدجور تهدیدشون می‌کنند».

سحر در فراز دیگری از بیاناتش، از تلاش کمپانی برای به حداکثر رساندن سود خود با اعمال کنترل کامل بر رفتار آیدول‌ها به فرار زیر یاد کرده است:

«- با توجه به چیزهایی که گفتم به نظرت گروه بی‌تی‌اس به خاطر این ظلم‌ها و کنترل‌های کمپانی و از طرف دیگه فن‌فیکشن‌هایی که بعضی فن‌ها می‌نویسن و اعضاء رو شیپ می‌کنند، می‌تونه شکایت بکنه و از حق خودش دفاع بکنه یا این که مجبوره به خاطر کمپانی سکوت کنه؟

از اون جایی که اکثر کارهاشون تحت کنترل کمپانی، اجازه بیان ندارند. فقط تهیونگ توی یکی از لایوهاش اشاره کرد، از این که با اعضاء شیپ بشه، ناراحت می‌شه و کمپانی سریع اون لایوش رو پاک کرد و همه نتونستن ببینن. کمپانی فقط لایوهایی که راضی باشه رو پخش می‌کنه. و خب از اون جایی که الان توی کل جهان دارن تبلیغ همجنس‌گرایی می‌کنن، کمپانی بی‌تی‌اس هم اجازه نمی‌ده که اعضاء به فن‌فیکشن‌ها و شیپ شدن اعتراض بکنن و حتی می‌خوان یه جور نشون بدن که انگار اعضاء بی‌تی‌اس هیچ مشکلی با این موضوع ندارند، در صورتی که خب هیچ کس خوشش نیاد درباره‌ش همچین چیزهایی نوشته بشه و اعضاء بی‌تی‌اس قطعاً اون قدر آزادی بیان ندارند که ناراضی‌تون رو اعلام بکنن. این باعث سود کمپانی می‌شه که آرمی‌ها فن‌فیکشن بنویسن یا بخونن و درگیر بی‌تی‌اس باشن. هیچ راه شکایتی برای بی‌تی‌اس نیست، مگر این که کلاً از اون کمپانی برن و برای این کار باید صبر کنن تا مهلت قراردادشون تموم بشه و اگر به حرف‌های کمپانی گوش نکنن، ممکنه سرنوشت اکس‌تنتاسیون و خیلی‌های دیگه براشون پیش بیاد».

«- به نظرت چرا خواننده‌هایی که توی اتاق انداخته می‌شن و انقدر بهشون ظلم می‌شه انصراف نمی‌دن و از کی‌پاپ بیرون نمیان؟

نمی‌تونن چون قرارداد امضاء کردند.

- حتی شکایت هم نمی‌تونن بکنن؟

نه، چون تا زمان تموم شدن زمان قرارداد، برده کمپانی هستن و کاری از دست‌شون برنمیاد. حتی اگر از کمپانی انصراف بدن و بیان بیرون باز هم نمی‌تونن چیزی از کمپانی بگن چون قطعاً کشته می‌شن».

سحر در فراز دیگری از مصاحبه‌اش از موضوع کلون‌سازی آیدول‌ها توسط کمپانی و در پی این امر، در امان نبودن جان آیدول‌ها، به فرار زیر یاد کرده است:

«می‌تونم بیشتر توضیح بدم که منظورت از این که ممکنه این شخصیت‌ها واقعی نباشند، چیه؟ بین ما یه چیزی داریم به اسم کلون‌سازی (شبیه‌سازی) که من فکر می‌کنم چونگ‌کوک رو با یه نسخه کلون‌سازی عوض کردند. یعنی میان ژنتیک و هرمون اون شخص رو برمی‌دارند و ازش یه نسخه دیگه عین خودش رو می‌سازند.

مثلاً یه نفر هست بنیان‌گذار کلیسا شیطان‌ه و یه دختری داشته که اسمش زینالابی بوده. این زینالابی خواننده بود و الان اگه عکس فیلم‌هاش، حالت صحبت کردنش و صدایش رو گوش بدیم عین تیلور سوئیفته، خب مشخصه که تیلور سوئیفته نسخه کلون‌سازی شده زینالابی، ولی یه سری‌ها می‌گن عکس‌های بچگی تیلور سوئیفته موجوده، ولی خب وقتی می‌تونن عکس‌ها رو برش سوسیس رو به عنوان عکس نزدیک از سیاره مریخ به ما غالب کنن، کاری که ناسا چندسال پیش انجام داد، نمی‌تونن عکس یه بچه بلوند رو پخش کنند و بگن این تیلوره؟ من درباره چونگ‌کوک بی‌تی‌اس هم همین نظر رو دارم. چونگ‌کوک تا یه زمانی واقعی بود، ولی بعد یه تصادف خیلی بد داشت توی تاکسی. خیلی‌ها می‌گن چونگ‌کوک توی اون تصادف مرده و اینی که الان تو گروهه، نسخه کلون‌سازی شده اونه. من اوایل این حرف رو جدی نمی‌گرفتم، ولی وقتی زینالابی و تیلور سوئیفته رو دیدم به شک افتادم که ممکنه این اتفاق افتاده باشه. چون وضعیت چونگ‌کوک بعد اون تصادف خیلی بد بود ولی دو روز بعد اومد، صاف و ایستاد کنار بقیه اعضا و اجرا کرد، یعنی حتی ننشسته بود فقط بخونه، حتی داشت می‌رقصید! کی می‌تونه دو روز بعد تصادف این شکلی برقصه؟

- از چه منبعی شنیدی که تیلور سوئیفته نسخه کلون‌سازی شده زینالابی هست؟ یکی از فن پیچ‌های تیلور یه سری استوری درباره شباهت عجیبی که این دوتا دارند گذاشته بود و توش توضیح داده بود که احتمال همچین چیزی هست.

- یعنی منبع معتبری این موضوع رو تأیید نکرده و این نظر شخصی ادمن پیچ بوده؟ نمی‌دونم شاید توی نت بگردی در موردش باشه، من پیگیرش نشدم...  
این که کمپانی‌ها بعضی خواننده‌ها رو احیاناً می‌کشند، براشون دردسر نمی‌شه؟ قبلاً شاید، ولی جدیداً راهش رو پیدا کردند و اگه یکی از آیدول‌ها رو بزنی بکشن، با روش کلون‌سازی یه دونه دیگه عینش رو می‌سازند و دیگه براشون دردسر نمی‌شه. جدیداً هم اگه آیدولی به حرف کمپانی گوش نده، تنبیهش می‌کنن، الان گروه مانستا اکس و گروه ان‌های پن وقتی به حرف کمپانی گوش نمی‌دادن، منیجر کتک‌شون می‌زده و تازگی‌ها یه فنی که برای گروه پیتزا برده بود، متوجه شده و رفته از کمپانی شکایت کرده بابت این موضوع».

«خارجی‌ها تمرکز بیش‌تری روی ایلومیناتی دارن و سریع متوجه شدند که اکس‌تنتاسیون رو خود کمپانی کشته و واسه همین کمپانی اومد شایعه درست کرد که زنده هست. جالبیش اینه که کمپانی اکس‌تنتاسیون، کمپانی سونی بود که کشتنش و کمپانی مایکل جکسون که روزهای قبل از مرگش در



مورد صنعت موسیقی یه هشدارهایی می‌داد و کشتنش هم کمپانی سونی بود. می‌گن کمپانی سونی خود شیطانیه!»

اخذ خطمشی کمپانی در دامن زدن به انحرافات اخلاقی از امریکا، تلاش کمپانی در جهت از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی، تبلیغ برنامه‌ریزی شده همجنس‌گرایی توسط کمپانی و عادی‌سازی هم‌جنس‌گرایی توسط کمپانی، از دیگر موضوع‌هایی است که سحر در مصاحبه‌اش متذکر آن‌ها شده است. وی در مورد اخذ خطمشی از امریکا در دامن زدن به انحرافات اخلاقی توسط کمپانی می‌گوید:

«- به نظرت بی‌تی‌اس سعی داره روابط هم‌جنس‌گرایانه رو عادی‌سازی کنه یا این که این کار رو برای تبلیغ خودش انجام می‌ده؟

اعضای بی‌تی‌اس شخصاً خودشون این کار رو نمی‌کنند، اونا دستورات کمپانی رو انجام می‌دن. خب بالاخره اعضای بی‌تی‌اس یه حقوقی می‌گیرند دیگه، مجبورند برای این که از کمپانی بیرون انداخته نشن، هر کاری کمپانی می‌گه، انجام بدن. مخصوصاً الآن که کمپانی‌شون زیر نظر یه آمریکاییه و امریکایی‌ها الآن سودشون روی اینه که هم‌جنس‌گرایی رو تبلیغ کنن، برای همین وقتی دیدن کی‌پاپ معروف شده، به آیدول‌های کی‌پاپ هم گفتن این موضوع رو تبلیغ کنن. بنابراین با توجه به این که الآن کمپانی بی‌تی‌اس زیر نظر یه آمریکاییه، ممکنه توی بعضی از موزیک ویدیوهاشون نشانه‌هایی از این مسأله رو ببینیم».

از منظر سحر، کمپانی برای تحقق خواست امریکا توسط گروه بی‌تی‌اس در صدد از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی، تبلیغ و عادی‌سازی هم‌جنس‌گرایی برمی‌آید:

«- آیا از سبک لباس پوشیدن، مدل مو و آرایش بی‌تی‌اس تقلید می‌کنی و سعی می‌کنی، مثل اون‌ها باشی یا نه؟

آره، بعد سعی کردم، ولی نشده. من هیچ وقت تا حالا تیپ تام‌بوی طور نزدم، چون دلم نمی‌خواد پسر باشم، برای همین آرایش دخترونه کره‌ای رو رفتم یاد گرفتم و الآن دارم سعی می‌کنم آرایش کره‌ای رو کامل یاد بگیرم، ولی دخترنش رو، نه بی‌تی‌اس. البته جیمین یه مقدار شرایطش فرق کرده جدیداً داره رفتار و صدا و آرایش و ظاهرش رو دخترونه می‌کنه و حتی صداسش رو از اون چیزی که واقعاً هست هم زیرتر می‌کنه، من فکر می‌کنم می‌خوان کلاً کلیشه‌های جنسیتی رو از بین ببرن و این‌ها همه زیر سر ایلومیناتیه. کلاً من بیشتر از تیپ دخترهای کره‌ای الهام می‌گیرم و آرایش دخترونه‌شون رو یاد گرفتم. دوست دارم مثل دخترهاشون تیپ بزنم، چون تیپ‌هاشون رو دوست دارم و آرایش‌هاشون خیلی قشنگ و با دقته، برای همین خوشم میاد. ولی چون تیپ‌های بی‌تی‌اس اکثراً پسرونه هست از اون‌ها تقلید نمی‌کنم زیاد».

«- این کار چه سودی به ایلومیناتی می‌رسونه؟

ایلو میناتی اولین هدفش اینه که مردم جهان کم باشند و وقتی کلیشه‌های جنسیت رو از بین ببره، به مرور دیگه دخترها از پسرها خوش‌شون نیاد و پسرها از دخترها خوش‌شون نیاد و همجنس‌گرایی رواج پیدا می‌کنه و همین باعث می‌شه زمین کم بشه جمعیتش. از طرف دیگه می‌خوان کاری کنند که فاصله طبقاتی هم توی جوامع باشه تا مردم انگیزه پیدا کنند که برای معروف شدن و به دست آوردن پول هر کاری بکنند. من نمی‌گم تام‌بوی‌ها یا همجنس‌گراها بد هستن، چون من جزوشون نیستم که حق داشته باشم نظری بدم، چون برای یه سری‌ها واقعاً نیازه، مثلاً طرف دختره، ولی کاملاً تمایلات و احساسات پسرانه داره، در اون صورت تیپ تام‌بویی یا حتی تغییر جنسیت هم حقیقه و طبیعیه، ولی این که اکثریت جوان‌ها حس می‌کنند هم جنس‌گرا هستند و توی دبیرستان‌های دخترانه همه فاز تام‌بوی بودن می‌گیرن، این نشون می‌ده که این‌ها همه برنامه‌ریزی شده هست و تحت تأثیر پیام‌های مخفی توی آهنگ و فیلم و این جور چیزها ایجاد می‌شه».

«- سحر جان آیا بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس همجنس‌گرایی را به عنوان پدیده‌ای طبیعی پذیرفتی یا این که قبل از کی‌پا‌پر شدن هم همین دید را نسبت به آن‌ها داشتی؟  
خب قبل از کی‌پا‌پر شدن سنم کم بود و هنوز در جریان این جور چیزها قرار نگرفته بودم هم‌زمان با کی‌پا‌پر شدنم سنم هم بیشتر شد و حتی اگه با بی‌تی‌اس آشنا نمی‌شدم، باز هم بالاخره با همجنس‌گرایی مواجه می‌شدم، چون توی دبیرستان‌های دخترانه پره از این چیزها. ولی بی‌تی‌اس باعث شد بفهمم که همجنس‌گراها کاملاً قابل احترامند و باید پذیرفت‌شون».

## مصاحبه با فرشته، ۱۸ ساله

چونگ کوک که رسانه‌های کره‌ای به اون لقب «پادشاه سولداوت» رو دادن، بار دیگه محبوبیت و قدرتش رو در این زمینه ثابت کرد و دو تیشرتی که یکی در لایو جیهوپ و دیگری لباسی که در سامر پکیج به تن داشت، در سریع‌ترین زمان ممکن سولداوت شدند.

- خوب شروع کنیم فرشته جان؟

Let's gooo

- از چند سالگی با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدی؟

از سیزده سالگی.

- نحوه‌ی آشنا شدنت به چه صورتی بود؟

وقتی سیزده سالم بود، با دوست صمیمیم یه موزیک ویدیو کره‌ایی دیدیم و ازش خوش مون اومد و بعداً با جزییات در موردشون تحقیق کردیم و از اونجا بود که فن شون شدیم. اسم گروه اکسو بود اولین گروه کی‌پاپی که دنبالش می‌کردم، اون موقع اکسو روی بورس بود و نسبت به بقیه گروه‌های کی‌پاپری معروف‌تر بود، چون که همه‌ی اعضاهاش باهم بودند و آهنگاشون در مقایسه با بقیه باحال‌تر بود و حتی موفق‌تر هم بودند، اما بعد از سه سال، دونه، دونه رفتن سربازی و گروهش ناقص شد و دیگه کسی غیر از فن‌های وفادار دنبال شون نمی‌کرد. بعدش گروه‌های دیگه‌ی کی‌پاپ خودشون رو نشون دادند که حتی باحال‌تر از اکسو بودند. گروه‌های دیگه‌ای از کی‌پاپ که دنبال می‌کنم همه‌شون جزو سه کمپانی بزرگ کره هستند.



۲۶۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)



این کمپانی‌ها رو بهم معرفی می‌کنی؟  
- به سه کمپانی بزرگ و معروف کره بیگ تری می‌گند. کمپانی هایب که اسم قبلیش بیگ‌هیت بود هم جزو این سه کمپانی بزرگ حساب می‌شه که بعضی از گروه‌هایی که استن می‌کردم شامل: بی‌تی‌اس، سونتین، تی‌اکس تی، ان‌هایپن و لسرافیم هستند.



۱ - به فن‌هایی که گروه مورد علاقه‌ی خود را حمایت می‌کنند و از آن‌ها در همه‌ی شرایط حمایت‌های مالی، بازدید، لایک و مانند آن دارند، استن می‌گویند.



- پس در کل حدوداً ۵ ساله که شروع کردی، درست‌ه؟  
بله، با امسال می‌شه پنج سال.
- چه چیزی از اون ویدیوموزیک تو رو جذب خودش کرد؟  
سبک جدیدشون، چون تاحالا همچین سبکی ندیده بودم و برام تازگی داشت و اون موقع برام جالب بود.
- منظورت از سبک جدید چیه؟ رقص، سبک موزیک، مفهوم موزیک یا اجرا؟  
آره از پرفورمنس تا موسیقی و اجرا، راستش برای خودم سبک‌شون جدید بود، چون تاحالا موزیک ویدیو کره‌ایی ندیده بودم و با سبک‌شون که پاپ بود، آشنا نبودم.
- و بعد از این‌ها، چی جذبت کرد؟  
جذابیت‌شون (می‌خندند)، راستش قیافه‌ی خوبی داشتند که به نظرم استعداد یک آیدول شدن رو داشتن.
- خوب.
- حتی قدرت خوانندگی، سرعت رپ و استقامت دنس‌شون، همه چیزهایی بود که می‌شد به نفر رو فن‌شون کنه.

۲۶۲ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

- واقعاً توی کارشون خوب بودن یا فقط شما همچین مسأله‌ای رو احساس کردی؟

آره خوب بودن، ولی می‌شه گفت دوتاش، نه برای من بلکه همه، همین طور که الآن شنیده می‌شه کی پاپ سر زبون‌ها افتاده، به خاطر سبک و استایل خاص‌شون، پس تا حدودی عامه‌پسند هست و خودمم در کنار این‌ها خیلی دوس شون داشتم و دارم.

- خوب به نظرت شیفتگی تو به کی پاپ از چه زمانی جدی‌تر شد؟

از همون سن ۱۳ سالگی، تابستون بود و قطعاً تفریح خاصی نداشتم و چی بهتر از یک دنیای جدید و کامل و قشنگ و تینیجری.

- روی بی‌تی‌اس تعصب هم داری؟

نه اون قدر که بخوام در موردشون با هر کس صحبت کنم یا بخوام بقیه رو قانع کنم که آره این‌ها خوب ان، قشنگ ان خوشت میاد و... چون باید نسبت به آدم‌های سمی و محترم توی این موارد تفاوت قایل بشیم و اون موقع تعصب خودمون رو نشون بدیم، اگر که لازم باشه، آره تا حدودی سعی می‌کنم طرز فکرشون رو باز کنم یا اعتقادات بی‌خودی‌شون رو تصحیح کنم، اما نه، الآن نسبت به قبلاً خیلی تعصبی نیستم.

- پس این طور به نظر می‌رسه که قبلاً تعصب داشتی، درسته؟

بله.

- این تعصب تو و بقیه‌ی کی پاپرها که می‌بینیم به نظرت از کجا نشأت می‌گیره و دلیلش چیه؟

سر اینه که وقتی علاقه‌شون رو با بقیه به اشتراک می‌داشتن و می‌گفتن من فن کی پاپ هستم، بقیه‌ی چیزایی مثل: این چینی مینیا چیه، دختر ان یا پسر ان، اصلاً می‌فهمی چی می‌گن رو می‌گفتن و اونا هم در این مورد حساس شدن، این طوری نیست که بی‌خودی تعصب داشته باشن، پس بقیه دلیل رفتارهای الآن‌شون هست، البته یک استثنایی هم در این مورد هست که بعضیا متأسفانه از همون اول شعور نداشتن و بعضی رفتارهای بی‌ادبانه رو با عنوان تعصب نشون دادن که به نظرم اصلاً کار درستی نیست.

- این بحث کردن‌ها تاحالا نتیجه‌ای هم داشته؟

آره، نتیجه‌ی این بحث کردن این بود که با هر کسی در موردشون بحث نکنم (می‌خندد).

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

راستش یه کم پیچیده شد، ولی واقعاً نتیجه‌اش همین بود که هرکسی ارزش هدر دادن وقت رو نداره، برای این که قانع‌شون کنی، و یکی دیگه از نتیجه‌هاش هم این بود که اطرافیانم دیدشون عوض شد و سعی کردن تا جایی که شده به عقاید و علایقم احترام بذارن و حتی بعضی جاها هم اونا همراهم بودن مثلاً باهم آهنگ گوش می‌دادیم و منم بهشون موزیک ویدیوهاشون رو نشون می‌دادم و نظرشون رو می‌پرسم و برنامه‌هاشون رو می‌دیدیم و از این جور چیزا.

- منظورت از اطرافیان چه کسانی هستند؟  
خانواده و فامیل دیگه. مثلاً دوتا از دختر خاله‌هام که ازم چند سال بزرگ‌تر هستن خیلی نسبت به اینا واکنش نشون می‌دادن، ولی دیگه الان اونا هم اوکی شدن و زیاد بهشون گیر نمی‌دن.
- مگه دختر خاله‌ها ت بهت چی می‌گفتن؟  
گفتم دیگه مثلاً اینا کی ان؟ پسر ان یا اصلاً دختر ان؟ این چه آهنگیه، از این حرفا، ولی می‌گم دیگه، بعد از یه مدت اونا هم عادت کردن و زیاد راجع بهش صحبت نمی‌کنن.
- این اطرافیان چه طور به این مسأله عادت کردن؟  
وقتی دیگه اهمیتی به حرفاشون ندادم و کار خودم رو کردم، دیگه انگار برای اونا هم عادی و بی‌اهمیت شد.
- گروه بی‌تی‌اس هفت نفرند، درسته؟  
بله کاملاً درسته. جین، شوگا، جیهوپ، آر ام، جیمین، وی، جونگ‌کوک.
- تو از کدوم‌شون بیش‌تر خوشت میاد؟  
آره بایس دارم که جونگ‌کوک بایسمه، دلیلش اینه که چون صداش خیلی خاص و باحال بود و خیلی هم با استعداد بود، تقریباً همه کار می‌کرد و می‌کنه و قیافه‌ی بامزه‌ای هم داره.



- مثلاً چه کارهایی؟  
نقاشی و طراحی‌های خیلی حرفه‌ای، بوکس، ورزش بدن‌سازی، طراحی رقص، آشپزی، ساخت و نوشتن آهنگ، نواختن بعضی سازها، کارگردانی موزیک ویدیو و... .
- این کارها باعث شدن که علاقه‌ات به یک حرفه مثل نقاشی و... افزایش پیدا کنه؟ مثلاً توی دهنتم بیفته که مثل جونگ‌کوک عمل کنی و راهش رو ادامه بدی؟

آره، مثلاً منم مثل خیلی‌های دیگه خیلی وقتاً رقصاشون رو برای خودم کاور می‌کردم، و مثل اونا می‌رقصیدم و این که آره، علاقه‌ام به کتاب خونندن افزایش یافت و اعضای بی‌تی‌اس وقتی یک کتابی رو بعد از خونندن به آرمی‌ها پیشنهاد می‌کردن، تهیه‌اش می‌کردم و می‌خوندم یا مثلاً پیشنهاداتی که برای زندگی بهتر می‌کردن و گوش می‌دادم و عمل می‌کردم.

- می‌تونم برام مثال بزنی عزیزم؟

مثلاً صبح‌ها زود بیدار می‌شدم، برنامه دقیقی برای پیش برد کارهام داشتم، اطلاعات عمومی رو سعی کردم بالا ببرم و مثل اونا برای موفق و پولدار شدن و آدم بهتری شدن تلاش زیادی می‌کردم و تاحدودی سعی می‌کردم به صورت کلی مثل اونا باشم، مثلاً موفق هستن، موفق باشم، مهربون ان مهربون باشم، در واقع روی جزییات کاری اونا دقتی نداشتم، این که مثلاً چون جونگ‌کوک بوکس کار می‌کنه، بوکس کار کنم، به این فکر می‌کردم با این مشغله‌ی کاری، این کارم انجام می‌ده، در واقع زاویه‌ی دید من نسبت به خیلیا متفاوته (می‌خندد) و این باعث می‌شه فکر کنم تاحدودی جوابای متفاوتی بدم.

- پس با این اوصاف تأثیرهای مثبتی در سبک زندگی داشتن؟

قطعاً خیلی زیاده، من اگه الان آدم بهتری هستم، تاحدودی مدیون اونا هستم.

- خصلت‌های بدی هم دارند که سعی کنی از اون‌ها دوری کنی و یا شاید هم تشویق به انجام اون کار بشی؟

آره، هر آدمی ممکنه خصلت‌های بدی داشته باشه، اما یک نکته‌ی بزرگ و قابل توجهی این وسط هست که باید گفته بشه، اونم اینه که اونا تا جایی که ممکنه شاید نکات بدشون رو جلوی فنا نشون نمی‌دن و من واقعاً در این مورد حرفی برای گفتن ندارم، چرا؟ چون که چیز بدی ازشون ندیدم، خوب در واقع اونام آدم هستن و ممکنه اخلاقای بدی داشته باشن، اما به ما نشون ندادن.

- تاحالا شده دیگران رو تشویق به حمایت و هواداری از این گروه کنی؟

آره، در واقع نتیجه هم گرفتم، مثلاً دختر عمه‌ام یکی شونه یا خیلی از هم‌کلاسیای دیگه‌ام که الان متأسفانه باهاشون در ارتباط نیستم.

- این کار رو برای چی انجام می‌دی؟ منظورم اینه دوست داری دیگران هم مثل تو تأثیر مثبتی از

اخلاق اونا بگیرن یا صرفاً برای بیش‌تر شدن کی‌پارها و خانواده‌ی بی‌تی‌اس این کار رو کردی؟

من می‌خوام مثل بی‌تی‌اس آدم مفیدی برای اطرافیانم باشم، اگه متوجه بشم می‌تونم با آشنا کردن اونا با بی‌تی‌اس بهشون کمک کنم که آدم بهتر و مفیدتری بشن و در آن واحد بهشون خوش بگذره، قطعاً این کار رو می‌کنم، و یه چیز دیگه هم که هست، اینه که کلی راه‌های دیگه هم هست که باعث شه اونا به جمع کی‌پاپ بیبوندن که من این رو می‌ذارم به عهده‌ی خودشون که تصمیم گیرنده باشن، خودت می‌دونی که نمی‌شه به زور بهشون گفت بیا فن اینا شو اینا خوب ان، بهت خوش می‌گذره و...



اگه نخوان تمام راه‌ها رو بستن، در واقع اگر بخوام تأثیر مثبتی روی بقیه بذارم، کلی کاره دیگه هم هست که بشه.

- در معرفی چه توضیحی از خصوصیات این گروه می‌دی؟

خب زمانی که بهشون موزیک ویدیو یا ویدیوی مورد نظر رو نشون می‌دم، خودشون متوجه با استعداد بودن گروه می‌شن (می‌خندد) و من یه روشی برای تحت تأثیر قرار دادن بقیه دارم، مثل گوشزد کردن علایق یا کار مشترکی که بین اون شخص با بی‌تی‌اس هست یا سعی می‌کنم چیزایی رو در موردشون یادآوری کنم که نظر اونا رو عوض کنم، مثلاً چی؟ اون لیدرشونه، تونسته تو یک سال انگلیسی یاد بگیره یا مثلاً اونا کتاب می‌خونن یا! مثلاً کارگردان مورد علاقه‌ی بابام کریستوفر نولانه و اینا رو به هم ربط می‌دم. چه طوری؟ کارگردان مورد علاقه‌ی شوگا کریستوفر نولانه‌ها، تمام فیلماش رو دیده. این جورى مثلاً پدر من متوجه می‌شه، سبک فیلم دیدن اونا سطح بالا هست یا تاحدودی هم عقیده ان، در واقع روی نقطه ضعفشون دست می‌ذارم، همین قدر کلک و مودی (می‌خندد).

- خوب تاحالا آلبوم یا وسایلی که آیدول‌ها مدش می‌کنن رو گرفتی؟

آره، اون موقع که در مورد نحوه‌ی خرید آلبوم اطلاعات نداشتم، عکسای A4 چاپ می‌کردم، اما چند سال پیش فکر می‌کنم، دو سال پیش که آهنگ داینامیت منتشر شد، آلبومش رو خریدم که شامل فوتوبک، پولاریود، سی دی، عکسای A5 و A4 مخصوص همون آرا (AREA) بود، می‌شد.

- از کره مستقیم آورده بودن یا تو ایران مونتاژ شده بود؟

آلبومی که من خریدم تو ایران مونتاژ شده بود.

- درباره نحوه‌ی خرید و فروششون تو ایران اطلاعاتی داری؟

خب ادمین‌های کانال‌های تلگرامی بعد از ثبت سفارش و تعیین و ثبت تعداد آلبوم‌های سفارش شده، از خارج کشور اونا رو می‌خرن و بعد از رسیدن بسته‌ها اونا رو به سرتاسر ایران پست می‌کنن. البته یک نکته‌ی قابل توجه دیگه هم هست، که آلبوم‌هایی که ما سفارش می‌دادیم، بعضیاشون مستقیماً از شرکت مورد نظر نمیداد، بعضی از ادمین‌های پیجا، عکسا رو چاپ می‌کنن و اونا رو داخل آلبوما قرار می‌دن، چون خریدن آلبوم واقعی از شرکت اصلی اونم توی این ایران یک پروسه سخت و تقریباً غیره ممکنه و هزینه برداره.

- هزینه‌ی آلبومی که تهیه کردی حدوداً چند دراومد؟

من ۱ و ۵۰۰ خریدم، ولی فکر می‌کنم از یک میلیون شروع می‌شن تا سقف سه میلیون.

- به غیر از آلبوم‌ها وسایلی که مد می‌کنن چی هستند، بعد این وسایل ساخته‌ی خودشون هستند و

شرکت منحصر به فردی هست یا پول تبلیغات می‌گیرن و تبلیغ می‌کنن؟

به غیر از آلبوم، فکر می‌کنم لباسا و وسایلی که خود اعضاء شخصاً اونا رو استفاده کردن و کمپانی

اون رو به حراج می‌ذاره (که در واقع اسمش حراجیه، چون پولش اندازه‌ی یک خونه هست) تا بتونن از

۲۶۶/ چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

فروش همچین چیزای متفرقه پول در بیارن این آلبومای واقعی که گفتم مستقیماً از شرکت سازنده منتشر می‌شه و قطعاً دلیلش هم داشتن سود بیش‌تر از فروش آلبوم و پس از منتشر کردن آهنگ هست، اما وسایل دیگه مثله لباس، پیکسل و بنر متفرقه هست و تقریباً همه اجازه‌ی منتشر کردن اونا رو دارن، در واقع اون افراد متفرقه از موضوع ترندی این روزا استفاده می‌کنن و از فروش این جور چیزا هم دوباره پول در میارن.

- این شرکت سازنده وابسته به گروهه؟

شرکت هابیه که شرکت ساپورت کننده‌ی بی‌تی‌اسه.

- این وسایل حراجی یا آلبوم‌ها خیلی سریع فروش و سولد اوت<sup>۱</sup> می‌رن؟

آره، اما در صورتی که خود اون شخص بی‌تی‌اس توی یک لایو، یک مکان عمومی برای همه‌ی مردم در مورد یک محصول صحبت کنه، قطعاً طی ۲۴ ساعت سولد اوته، حتی یک موضوع برای اثبات این صحبت هست که چونگ‌کوک طی یک لایو آلبمیوه می‌خورد و یه کم هم ازش تعریف کرد و توی لایو بعدی، وقتی می‌خواست آلبمیوه سفارش بده، آلبمیوه سولد اوت شده بود و آرمی‌ها این کار رو کرده بودن، حتی عکساشون هم موجوده.

- ممکنه این عکسا رو برام بفرستی؟

آره حتماً. بعد نمونه‌های دیگه‌ای هم می‌تونم بفرستم؟

- حتماً فرشته جان راحت باش.



در یه نمونه دیگه، اعضای بی‌تی‌اس برند لباس‌های خیابانی رو در ویدیوی "Euphoria" پوشیدند و اون لباس‌ها بلافاصله سولد اوت شدند. بعد از پوشیدن لباس‌های برند A Piece of Cake توسط بی‌تی‌اس

۱- فروش کامل و تمام و کمال یک محصول تا آخرین عدد آن.

در یوفوریا محصولات اون به سولداوت رسید. بی‌تی‌اس به طور رسمی به اون تصویر استایل ایده‌آل رسیده، در حالی که می‌دونیم اون‌ها لباس‌هاشون بی‌عیب و نقص هست، این هفته یک قدم به جلوتر برداشتن، در ویدیو جدیدشون یوفوریا، جیهوپ و جونگ‌کوک هر دو لباس‌هایی رو از برند کره جنوبی A Piece of Cake هست رو پوشیدند و طبق گفته‌های این برند، این استایل به طور کامل به فروش رسیده. در گفته‌ای از این برند، اون‌ها نوشتند: «این خیلی خوب بود که اون‌ها با این حالت جالب انگیز محصولاتمون رو به بقیه نشون دادند. ممنون بی‌تی‌اس برای این علاقه‌تون». این طور به نظر می‌رسه که اون‌ها توقع این بازخورد سریع رو برای آیتم‌هایی که توسط بی‌تی‌اس پوشیده شده رو نداشتند. این برند همچنین گفته که «برای این که تقاضاهای زیادی که داشتیم، بی‌جواب نمونه ما تصمیم به تولید دوباره اون دو آیتم کردیم. فقط ممکنه چند روز طول بکشه تا به دست‌تون برسه، ما می‌خواهیم ازتون تشکر کنیم برای صبر و عشقی که نشون دادید».



در مورد دیگه‌ای تنها یک روز بعد از آن که جونگ‌کوک شراب Sangiovese را در وی‌لایوش خورد، سولداوت شد.



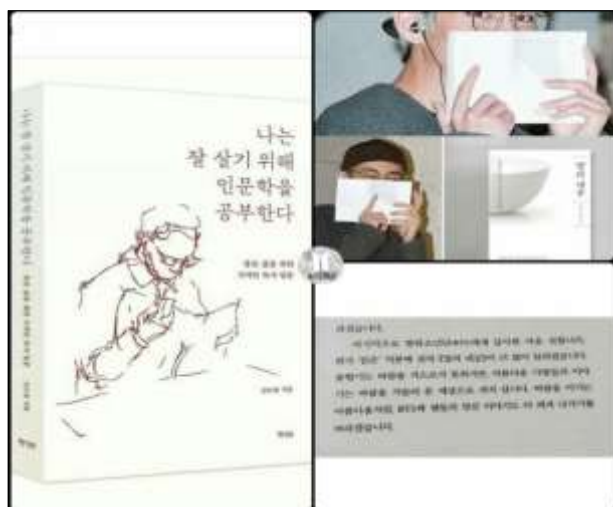
۲۶۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

جوناگ کوک که رسانه‌های کره‌ای به او لقب «پادشاه سولداوت» رو دادن، بار دیگه محبوبیت و قدرتش رو در این زمینه ثابت کرد و دو تیشرتی که یکی در لایو جیهوپ و دیگری لباسی که در سامر پکیج به تن داشت، در سریع‌ترین زمان ممکن سولداوت شدند. همچنین باید اضافه کرد که عروسک جوناگ کوک که ماتل (کمپانی سازنده باربی) اون رو ساخته، در حال حاضر در لیست پرفروش‌ترین محصول است.





طبق اطلاعات منتشر شده، Shin نویسنده‌ی کتاب 'Life energy of Language' که پس از دیده شدن در دست تهیونگ، سولد اوت شد، به تازگی کتابی با عنوان 'Humanities' منتشر کرده که در پیش‌گفتار آن از تهیونگ تشکر کرده و گفته امیدواره داستان‌های زیبای بی‌تی‌اس و طرفداران بیش‌تر گسترش پیدا کند.



- آیا از سبک‌های استایل مو و لباس که پسر می‌پوشند و دارند، استفاده می‌کنی؟  
 آره، خیلی جاها چون اون‌ها با برنامه و صحبتای دقیق یک کارشناس استایلاشون رو انتخاب می‌کنن و استایلاهی ترندی استفاده می‌کنن پس آره، تا حدودی سعی می‌کنم استفاده کنم، تا جایی که ضرر نزنه. الان سبک و استایلی که می‌پوشم، خیلی نزدیک به سبک و استایل جونگ‌کوک که شامل: استفاده از رنگ سیاه در بیش‌تر لباسای پوشیده شده، کلاه آفتابی و کپ و سیاه که به مقدار سبکش راکه و از لباسای لش و اورسایز زیاد استفاده می‌کنه، هر کدوم استایل مخصوص به خودش رو داره

۲۷۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

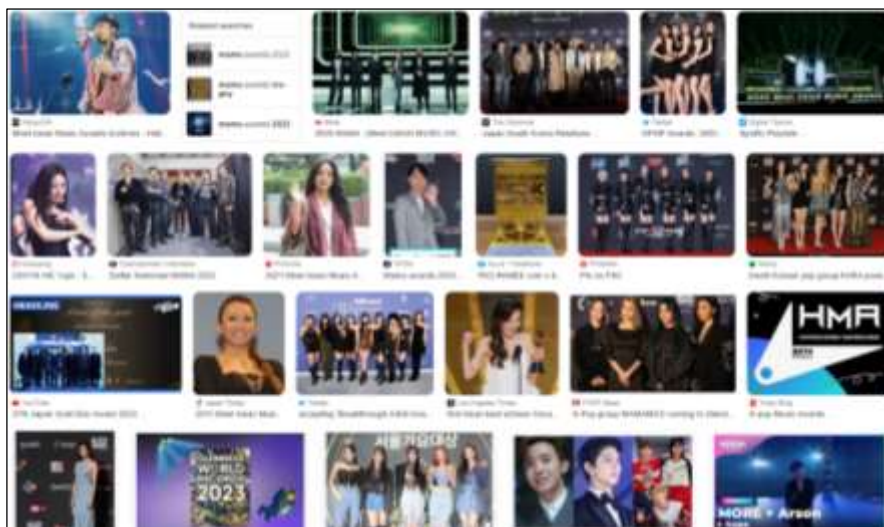
- از استایل بقیه گروه هم استفاده می‌کنی؟

آره تا حدودی فقط از جیمین، چون اون از ترکیب پیراهن مردونه و شلوار جذب زیاد استفاده می‌کنه و منم نزدیک به هفت یا هشتا پیراهن مردونه تو رنگا و سایزای مختلف دارم، اون همچنین از یک لباس اضافه مثل جلیقه یا لباسای بافتنی و لی برای لباساش استفاده می‌کنه، مثل یک چیز رو کار. دیگه زبونم نمی‌کشه، تموم شدم کلماتم تموم شد، پس با عکس توضیح رو کامل می‌کنم.



- سبک آرایش شون چه طوری هست؟

سبک میکاپ شون بسته به نوع اجرا، برنامه، موقعیت و... متفاوت هست، مثلاً در برنامه‌های رسمی و پرترفدار و زنده مثل مراسم «ماما» قطعاً سبک آرایشون متفاوت نسبت به زمانی که برای برنامه تلویزیونی ضبط شده آرایش می‌کنن، پس سبک آرایش شون بسته به موقعیت فرق می‌کنه.



- در این جشنواره‌ها و موقعیت‌ها، پسرها هم مثل دخترها میکاپ می‌کنن و این میکاپ به صورت غلیظ استفاده می‌شه یا ساده؟

بله قطعاً سبک آرایش دختر و پسر در کره‌ی جنوبی متفاوت، مثلاً دختری که از ریمل و فر مژه استفاده می‌کنن و از جزییات بیش‌تری برای آرایش‌شون استفاده می‌کنن، مسلماً اونا دخترن و آرایش‌شون نسبت به پسر کاملاً متفاوت. اما این آرایش و میکاپ در پسر شامل سایه پشت چشم، کرم‌های پودری و در کل سفید کننده مخصوص آرایش و تینت‌های لب می‌شه و گروه‌های پسر بسته به کمپانی‌ای که در اون فعالیت می‌کنن، آرایش‌های متفاوتی دارند، بعضی‌ها آرایش‌های غلیظ با جزییات بالا و در طرف مقابل بعضی تاحدودی نچرال دوست دارند، البته این سبک میکاپ بسته به کانسپتی که در حال حاضر در اون هستن هم بستگی داره.

- ممکنه از کانسپت‌ها برام مثال بزنی؟

مثلاً کانسپت بد بوی قطعاً میکاپ غلیظ‌تری داره، نسبت به کانسپتی که درباره‌ی درام لاو که چیزی مقابل با کانسپت بد بوی داره، پس این غلظت یا این لایت بودن آرایش‌شون خیلی در موقعیت‌های مختلفی در حال تغییر هست و توی بعضی از کمپانی‌ها این آرایش تاحدودی کم‌رنگ می‌شه، یعنی

۲۷۲ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) آیدول‌های اون کمپانی دارن به سمت نچرال (طبیعی) بودن می‌رن و ترجیح می‌دن از آرایش کم‌تری نسبت به قبل استفاده کنند توی موزیک شوها توی برنامه‌های آخر سال‌ها و... .



- یعنی در این کمپانی‌ها قبلاً آرایش غلیظ انجام می‌شده، ولی الان سبک و به صورت طبیعی داره انجام می‌شه؟

خب آره، دقیقاً یعنی توی زمان گذشته غلیظ بودن آرایش بسته به مداد چشمی، مشکی بود که توی چشم می‌کشیدن، مثلاً هر چی اون مداد توی چشم بیش‌تر کشیده می‌شد اون آرایش جزو آرایش‌های



غلیظ حساب می‌شد یا سعی می‌کردند برای غلظت آرایش از سایه‌های تیره رنگ استفاده کنند، اما الآن این طوری نیست، این غلظت آرایش با توجه به مد روز طبیعی‌تر شده.

- درباره کمپانی در اول صحبت خودت گفتی، یعنی کمپانی مجبور به آرایش کردن می‌کنه؟

بیش‌تر آره کمپانی در واقع می‌شه گفت سبک خودش رو پیش می‌بره، اونا میکاپ آرتیست‌های متفاوتی دارند و ممکنه حتی برای یک برنامه‌ی زنده، یه میکاپ آرتیست تازه بیارن که خیلی از توانایی‌هاش در میکاپ خبر ندارن و این طوری می‌شه، بعضی از خرابی‌های بدی پیش میاد و آیدول دست نشاندۀ نتیزن‌ها می‌شه در واقع می‌شه گفت، می‌ره سر تیترا خبرا، چون میکاپ مسأله‌ی خیلی، خیلی، خیلی مهمیه، حالا چرا؟ چون ممکنه یکی رو بیش از اندازه غیرطبیعی نشون بده یا مثلاً از جزییات ناکارآمدی استفاده بشه یا کلاً گریم باشه که این اصلاً موضوع خوبی نیست.

- از میکاپ‌هاشون در آرایش کردن الگو می‌گیری و استفاده می‌کنی؟

قطعاً آره، در واقع اون‌ها صاحب سبکن و سبک خاص و به خصوص خودشون رو دارن که کانسپت‌ش خیلی لایت و کیوت طوره اما برای طولانی مدت ازشون الگو نگرفتم مثلاً هر پنج تا شیش بار که آرایش تجملاتی دارم، این بین از سبک میکاپ کره‌ای استفاده می‌کنم چون من آرایش غربی بیش‌تر می‌پسندم و الآن آرایش سبک مدلا که اخیراً خیلی رو بورس هست چون بیش‌تر روی نچرال و طبیعی و سالم بودن کار می‌کنن

- آرایش‌شون که گفتی اکثراً ساده و لایت با یه سایه و کرم پودر و تینت لبه درسته؟

دقیقاً، اونا بیش‌تر ترجیح می‌دن آرایش سبک و کیوت داشته باشن

- ما می‌بینیم که آیدول‌ها این قضیه رو که لباس و آرایش جنسیت نداره هم انجام می‌دن و هم

تبلیغش می‌کنن نظرت راجع بهش چیه؟ درباره‌اش چی فکر می‌کنی؟

به نظر من بعضی از لباسای خاص قطعاً جنسیت ندارن و بسته به سلیقه‌ی فرد پوشیده می‌شن و یک موضوعی هست، اونم اینه که وقتی در مورد «لباس جنسیت نداره» صحبت می‌کنیم، بیش‌تر افراد فکرشون می‌ره به سمت لباس‌هایی که مطلقاً برای زنان هست، مثل بیکنی و... ولی اونا می‌گن اگه لباس جنسیت نداره، پس هر مردی بخواد می‌تونه هر جایی اون رو بپوشه، اونا می‌خوان با آخرین و تقریباً غیره ممکن‌ترین حالت‌ها عقیده‌ی ما رو پوچ بدونن و بگن ما زیادی داریم بین زن و مرد برابری قرار می‌دیم. نظر من اینه که اونا حق این رو دارن که هر لباسی که دوست دارن بپوشن، در صورتی

---

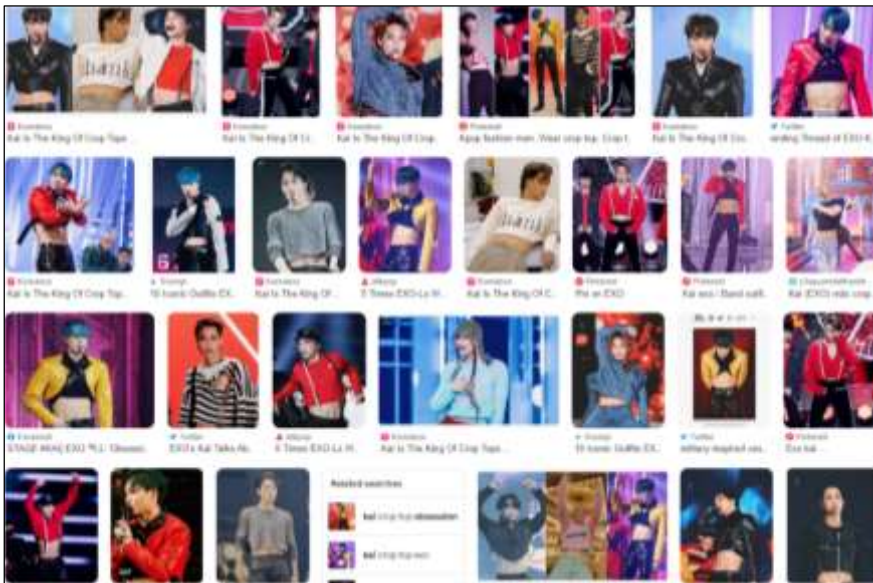
۱- نتیزن به افرادی می‌گویند که در اینترنت درباره هر موردی مربوط به اخبار افراد معروف، مانند بازیگران، خواننده‌ها و فیلم و سریال‌ها صحبت می‌کنند و نظر می‌دهند. نتیزن در میان اصطلاحات کی‌پاپ به معنی شهروندان اینترنتی نیز معنی می‌شود و کاربرهایی در کره هستند که نظرات شخصی خودشان را می‌گویند و بعضی از پیش‌بینی‌های کی‌پاپ هم انجام می‌دهند که تا حدود بیش‌ترشون پیش‌بینی هستند که اتفاق نمی‌افتند، اما درصدی از آن‌ها هم رخ می‌دهند.

۲۷۴ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

که یک تصمیم منطقی پشتش باشه، حتی عجیب غریب بودن بعضی لباسا هم خوشگله و مورد پسند خیلی‌ها هست و موضوع و صحبت خاص خودش رو داره.

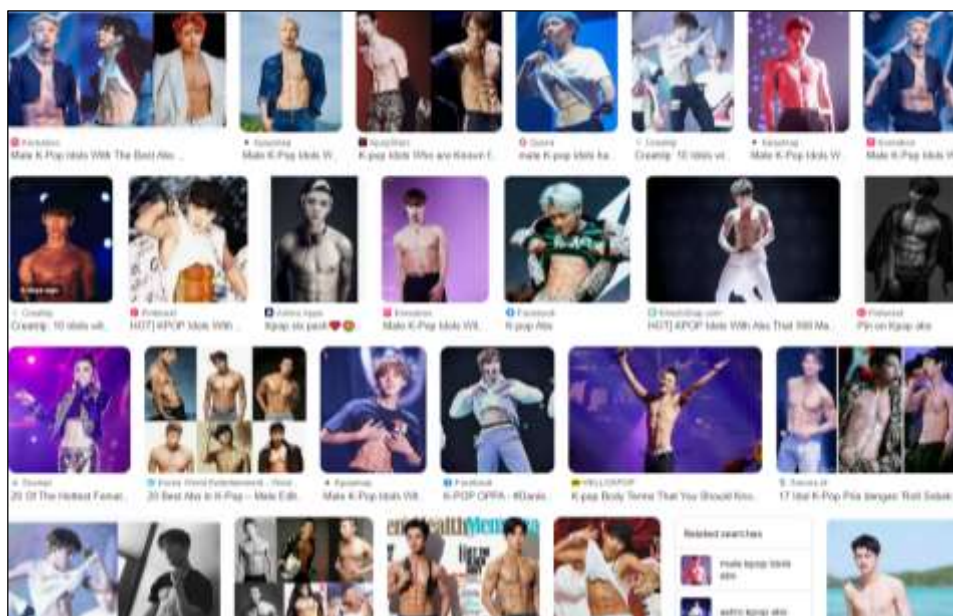
- به نظرت تبلیغ جنسیت نداشتن لباس کار درست و خوبیه یا نه؟

این در واقع یک جور مد و فشنه و این نوع لباسی که می‌پوشن، در واقع خودش یک سبک و فشنه، مثلاً کراپ تاپی که پسر می‌پوشن، اوایل که یکی از اعضای اکسو برای اولین بار برای بعد از کامبک‌شون که توی یک موزیک شو اجرا داشتن، از یک کراپ تاپ استفاده کرد که عضلات شکمش مشخص بود و اولین باری بود فکرکنم که این لباس در معرض عموم قرار گرفت و یک پسر همچنین چیزی رو پوشید و بعد از اونم دیگه این فرهنگ بین پسر شکل گرفت و آروم آروم پیشرفته‌تر شدن و بعد از اون اومدن دامن‌های کوتاه با شلوار پوشیدن و بعد دامن‌های بلند و... و از همچنین چیزهایی توی استایلاشون استفاده می‌کردند.



- یعنی بعد از اون موزیک اجرای این فرهنگ رواج داده شد و عادی شد؟

آره بعد از اون موزیک اجرا دیگه ترند شد و می‌شه گفت، موضوع قابل بحثی بود برای همه‌ی افراد که بگن این عضو از این گروه همچنین چیزی رو رواج داد که این عادی‌سازی اون اوایل خیلی براشون سخت بود به خاطر این که خیلی‌ها مخالفت می‌کردند و قبول نمی‌کردند که پسرها همچنین لباسی بپوشن، اما بعد از اون که پسرای دیگه‌ای از این گروه‌ها شجاعت به خرج دادند و از این سبک استفاده کردند یه مقدار این عصبانیت خوابید و تا حدودی بین‌شون عادی شد، اما الانم برای فن‌ها عادی نشده، چون وقتی یک فن عضلات شکم اون فرد مورد علاقه‌اش رو می‌بینه، حالت طبیعی‌ش رو از دست می‌ده... (می‌خندد).



– به نظرت آیدول‌ها در کارهاشون مختار هستند یا هرطوری که کمپانی از اون‌ها بخواد رفتار می‌کنند؟ این موضوع، موضوع خیلی طولانی و قابل بحثی هست. آره، ببین، ممکنه که بعضی‌ها یا بعضی وقت‌ها آیدول‌ها و اشخاص معروف با کمپانی لج کنند، چون بعضی از کمپانی‌ها برای منافع مادی خودشون هم که شده آیدول‌ها رو مجبور می‌کنند کارهایی انجام بدن که اون‌ها دوست ندارند، حتی شده با وجود این که اون آیدول مخالفت کرده که شایعه‌ی قرارش با یک نفر بیرون درز نکنه، اما کمپانی برای این که بخواد توجه‌ها رو به سمت خودش جلب کنه، همچنین شایعه‌هایی رو استفاده کرده، در صورتی که اون شخصی که مورد سوءاستفاده قرار گرفته، به هیچ وجه راضی نبوده، ولی خب اون‌ها همچنین کاری رو کردند، پس در این مورد هم همچنین داستانی هست و خیلی موقع‌ها بوده که کمپانی آیدول‌ها رو مجبور کرده که کاری رو انجام بدن که دوست ندارند، حتی ممکنه پوشیدن همین لباس‌ها هم باشه، البته نه فقط لباس‌هایی برای پسران مثل کراپ تاپ، بلکه لباس‌های بدن نما برای دخترها که توی موزیک شوهای خیلی معروف مثل ماماها یا مثل موزیک شوهای دیگه یا هر جا دخترا

۲۷۶ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

رو مجبور می‌کردند که لباس‌های تنگ و کوتاه بپوشند به خاطر این که خب این جوری توجه‌ها بیشتر بهشون جلب می‌شد و اون‌ها از این موقعیت استفاده می‌کردند و به خاطر منافع مادی خودشون انجام می‌دادند.

- این دخالت‌ها بسته به همون قرارداد و تعهداتی هست که کمپانی‌ها از آیدول‌ها در زمان کارآموزی می‌گیرند؟

خب آره، زمانی که یک آیدول یک قرارداد با کمپانی می‌بندد، قطعاً چندتا قانون هست که باید رعایت بشه، اگر در صورتی اون قانون‌ها رعایت نشه یا از قانون‌ها سرپیچی بشه، بازم تنبیه‌هایی رو براشون در نظر می‌گیرند.

- این قانون‌ها بین کمپانی‌های مختلف به صورت مشترک هست یا متفاوت؟

مثلاً کمپانی جی‌و‌ای‌پی نسبت به کمپانی‌های دیگه روی کارآموزی که قبول شد و به عنوان آیدول دیبو کرد، خیلی تعصب خاصی نداره، یعنی روی آیدول بعد از گذروندن سه سال، به عنوان یک آیدول حرفه‌ای اجازه داره که قرار بذاره یا این که بعضی از کمپانی‌ها مثل کمپانی هایپ یا همون بی‌کید، خیلییی این اجازه رو به فن‌ها نمی‌ده که در مورد قرار گذاشتن آیدول‌ها چیزی بدونن مثلاً تا الان شایعه‌های بی‌اساس زیادی در مورد قرارهای بی‌تی‌اس گفته شده، اما بیشتر تر اون‌ها یا تقریباً همه‌شون رو تکذیب یا اون‌ها رو رد کردند یا به اون‌ها جوابی ندادند.

- پس یعنی از کمپانی به کمپانی متفاوت و بعضی‌ها سخت می‌گیرن و توی تمامی ابعاد زندگی آیدول‌ها دخالت می‌کنن و برعکس بعضی کمپانی‌ها در حد سطحی و کارهای نمادینی دخالت دارن، درسته؟  
دقیقاً همینه.

- مابین اون فشارهایی که کمپانی به آیدول‌ها وارد می‌کنه، افرادی هم بودند که از دستورهای کمپانی سرپیچی کنن و تنبیه شده باشن؟

آره، آیدول‌هایی هم بودند که شجاعت خودشون رو به خرج دادند و در مقابل این بی‌عدالتی ایستادگی کردند یا مثلاً نداشتند که شایعه‌های بی‌اساسی درباره خودشون یا آیدول‌های دیگه بین عموم پخش بشه که بعدها در موردشون صحبت شد یا گفته شد که این آیدول با کمپانی در مورد این شایعه بی‌اساس مخالفت کرده و مسلماً تنبیه شده که البته اگر که مخالفت‌ها جدی بشه و مخالفتی در رابطه با کاری که کمپانی می‌کنه صورت بگیره، اون‌ها قطعاً تنبیهی رو برای اون آیدول در نظر می‌گیرند، اما خیلی جاها هم شده که آیدول‌ها حق یا توانایی این رو نداشتند یا شجاعت و قدرت این رو نداشتند که بخوان با کمپانی مقابله کنن و کارهایی که اون‌ها می‌گند رو انجام ندن و برای همین مجبور شدند که اون کار رو انجام بدن که مثالش پوشیدن همون لباس‌های که بدن نما هست.

- این تنبیه‌ها می‌دونی به چه صورته، ممکنه برام چند نمونه از تنبیه‌هاشون بگی؟

مثلاً این کمپانی‌هایی که اجازه نمی‌دادند آیدول شون هر کاری بخواد بکنه. لاینی که برای یک آیدول در یک آهنگ در نظر می‌گرفتند، حتی ممکنه به صدم ثانیه هم نرسه، یعنی اون شخص توی آهنگ حتی یک ثانیه هم فرصت نداشته و نخونده که این رو بعضی از فن‌ها و افراد متوجه شدند که یک نوع تنبیه در نظر گرفته شده، در رابطه با کاری که اون آیدول انجام نداده یا مثلاً تنبیه‌ها نظیر کم کردن حقوق می‌تونه باشه یا فشار بیش از حد کاری به اون آیدول می‌تونه باشه یا انجام کارهای خیلی خیلی زیاد به صورت هم‌زمان توسط آیدول می‌تونه باشه یا لباس‌های عجیب‌گرایی که جالب نمی‌اومد و آیدول‌ها رو مجبور می‌کردند که اون‌ها رو بپوشند و بین عموم برند که جزوی از تنبیه‌شون حساب می‌شد و اگر اونا بخوان در رابطه با چیزی که کمپانی می‌گه، مخالفت کنند، راه‌های زیاد دیگه‌ای برای تنبیه‌شون هست.

- این تنبیه‌ها در زمان کارآموزی و آیدول شدن هست، درسته؟  
بله.

- از تنبیه‌های دوران کارآموزی اون‌ها اطلاعی داری؟

اگر زیر پا گذاشتن قوانین متعلق به دوران کارآموزی باشه، می‌تونه شامل تمرینات سخت‌تر و فشرده‌تر از بقیه باشه یا ممکنه منع اونا از دیبو با گروهی که داره دیبو می‌کنه باشه یا عقب انداختن زمان کارآموزی‌شون و یا حتی ممکنه به صورت ندادن وسایل مورد نیاز و اضطراری مثل مکان، خوابگاه، لباس و هر چیز دیگه‌ای باشه یا مثلاً گرفتن پول بیش‌تری از اون کارآموز، به خاطر این که از یک قانون سرپیچی کرده و خب کلاً کمپانی‌ها قبل از کارآموزی قدرت خیلی بیش‌تری دارند و تنبیهی هم که برای آیدول در نظر می‌گیرند، فکر می‌کنم سخت‌تر باشه، ولی خب بعد از دوران کارآموزی، زمانی که آیدول شدند، کمپانی برای زمانی که بخواد آیدول رو تنبیه کنه دستش بازتر هست، چون خب گزینه‌های بیش‌تری هست تا بخواد اون آیدول رو تحت فشار بذاره و حتی این تنبیه‌ها ممکنه خبر دادن یک شایعه بی‌اساس یا حتی یک شایعه درست درباره قرار میان یک آیدول و یک آیدول دیگه باشه با کمک دیسپچ این کار رو انجام می‌ده که این قطعاً خیلی از نظر روحی و روانی اون آیدول رو تحت فشار می‌ذاره، چون کامنت‌های مخرب و صحبت‌های ناشایانه یا هر چیز دیگه‌ای قطعاً روی اون آیدول تأثیر داره.

- برای کمپانی این ضرر محسوب نمی‌شه که ستاره رو از لحاظ روحی در فشار بگذارن، چون ممکنه این ستاره دست به خودکشی بزنه، افسرده بشه، کارهای مخفی کمپانی‌ها را افشا کنه و نظایر این‌ها؟  
خب همینه و در واقع کمپانی‌ها اصلاً برای آیدول شون حرمت نمی‌ذارند و بدون این که از شون اجازه بگیرند، بدون این که از شون بخوان، توی زندگی آیدول دخالت می‌کنند و اون‌ها رو تحت فشار می‌ذارند و به همین سبب این تحت فشار قرار دادن‌ها و این دخالت کردن‌ها و تنبیه‌ها، باعث شده که خیلی از

۲۷۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

آیدول‌ها جا بزنند و یا افسرده بشند یا خودکشی کنند یا در حال مبارزه با افسردگی باشند یا مشکل روانی پیدا کنند، اما به خاطر کاری که دارند، مجبور به تظاهر به خوب بودن می‌کنند

- به این صورت اگر پیش برند که ستاره‌ای باقی نمی‌مونه؟

خب کمپانی‌ها اون قدر احمق نیستند که فقط به فکر منافع خودشون باشند، خب باید یک منبعی داشته باشند که از طریق اون بتونند به هدفشون برسه و اون منبع مسلماً آیدوله، پس تا جایی که بشه، سعی می‌کنند ارزش محافظت کنند، اما در عین حال اون‌ها رو هم تحت فشار قرار می‌دند. پس تا جایی که اون آیدول ظرفیتش رو داشته باشه، ارزش کار می‌کشن و وقتی دیدن بی‌مصرفه می‌اندازنش دور یا دیگه بیش‌تر از قبل تحت فشار قرارشون نمی‌دن یا سعی می‌کنند اونا رو تحت درمان قرار بدن یا موضوعات دیگه که توی موقعیت‌های مختلف فرق می‌کنه

- ستاره‌ها یا کمپانی‌ها چیزی از قراردادهای و تعهداتشون رو افشا می‌کنند؟

صحبت در مورد همچنین چیزهایی برای آیدول‌هایی هست که یا دیگه آیدول نیستند یا فقط دوران کارآموزی رو گذروندند و دیگه آیدول نشدند یا بعضی‌ها هم بعد از دوران کارآموزی آیدول شدند و الآن کناره‌گیری کردند. البته بعضی‌های دیگه هم در یک سطح و ویوی دیگه هم هست که بعضی‌ها دیبو کردن و الآن آیدول هستند و بازم قدرت این رو داشتند که بگند.

- من چیزهایی درباره سایت دیسپیچ دیدم که به چت‌ها و زندگی شخصی آیدول‌ها دسترسی داره درسته؟ و اصلاً اطلاعاتی از دیسپیچ داری؟

آره دیسپیچ در واقع مجموعه‌ای از افرادی که یا برای کمپانی کار می‌کنند یا خبرهای دسته اول در رابطه با آیدول‌ها رو به صورت کاملاً مجزا از طرف خودشون منتشر می‌کنند که بیش‌تر مواقع دیسپیچ‌ها افرادی هستند که از کمپانی پولی رو دریافت می‌کنند تا با سند و مدرک واقعی از یک آیدول اون رو در دسترس داشته باشند تا اون رو در مواقع مخصوص تحت فشار قرار بدن یا از اون استفاده کنند که حتی بعضی وقت‌ها بدون این که خود آیدول خبر داشته باشه، خبر قرارش رو با مدرک واقعی بین عموم قرار می‌دند تا همه اون رو ببینند.





- دیسپچ‌ها معمولاً چه اخباری رو منتشر می‌کنند و چه اطلاعاتی براشون مهمه؟  
 دیسپچ‌ها خبرهای مهم مثل خبر قرارها رو پخش می‌کنند و در این مورد خیلییی کار می‌کنند و روی قرار آیدول‌ها خیلی زوم هستند، چون این موضوع برعکس غربی‌ها، برای کره‌ای‌ها، خیلی مهمه این که کی با کی قرار می‌ذاره یا حتی اونا خودشون رو در حدی می‌دونن که برای اونا آیدول اظهار نظر کنند و بگند، مثلاً این خوب نیست، این بهتره، تو اصلاً چرا با اون رفتی سر قرار، شما اصلاً سناتون یا قدهاتون نمی‌خوره یا همچنین چیزهایی در واقع دیسپچ با ارایه سند و مدرک واقعی برای یک موضوع، اون رو به واقعیت و باورپذیری نزدیک‌تر می‌کنه، مثلاً شایعه‌ی قلدری پارسال خیلییی ضررها داشت و خیلی هم موضوع داغی بود که اونا میان مثلاً چت آیدول با یک شخص دیگه یا هر چیزی رو در رابطه با اون آیدول منتشر می‌کنند یا می‌دن به کمپانی تا کمپانی منتشر کنه یا هر چیزی که مربوط به صحت خبر باشه و باورپذیریش بیش‌تر بشه.

- خوب این رفتار کاملاً نقص حریم خصوصی هست، ستاره‌ها نمی‌تونن از این افراد شکایت کنند؟  
 آره، تاحدودی شکایت رو می‌تونن پیش ببرن، اگر که ببینن این قضایا داره در واقع وجهه‌ی اونا رو خراب می‌کنه این کار رو می‌کنند، اما بیش‌تر اون‌ها به خاطر این که تاحدودی قضیه مرگ و زندگیه، قضیه کاره، قضیه پوله، قضیه زندگی‌شونه، سعی می‌کنن دندون روی جگر بذارن یا کنار بیان یا نذارن کار به انتشار قضیه‌ی قرارشون برسه و یک موضوعی هم که هست، اینه که خیلی کم پیش میاد آیدول‌ها بیان شکایت کنند از کمپانی‌شون که بگن آره اونا ما رو تحت فشار قرار می‌دن یا همچنین چیزی، چون خود کمپانی هم بعد از این که اونا رو تحت فشار گذاشت، میاد این موضوع رو پنهان می‌کنه تاحدودی با میکاپ با آرایش یا با موضوعات دیگه مثل دادن بیانیه به فن‌ها برای این که این

۲۸۰/ چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

موضوع رو موجه و تاحدودی منطقی جلوه بده که این آیدول یه زمانی نیست یه دو هفته ای نیست، نیاز به استراحت داره، پس شما هم کاریش نداشته باشین. پس این جواری به اون آیدول فرصت می‌دن تا روی خودش کار کنه و تاحدودی قوی‌تر از قبل برگرده.

- ممکنه درباره شایعه قلدری که نام بردی، بیش‌تر توضیح بدی؟

در مورد اخبارهایی که توی کره مورد بحث بوده، این شایعه قلدری‌ها حتی اگر هم بی‌اساس بوده یا حتی اگر واقعیت داشته ۴ حالت داشته با شایعه‌ی قلدری در عموم قرار گرفته مردم اون رو دیدن و اون آیدول از گروه رفته، اما قلدری الکی بوده، یعنی قلدری الکی بوده و اون آیدول رفته که این خیلی بده، یا این که نه قلدری قلدری الکی نبوده، ولی آیدول داخل گروه مونده و با عوضی بازی یا هر چیزی، یا قلدری الکی بوده و اون آیدول رفته که این گزینه آخر می‌شه به سوچین یکی از اعضای جی‌آل‌دو اشاره کرد که این دختر درگیر شایعه‌های بی‌اساس قلدری قرار گرفته، از گروه رفته، ولی خب گروه از هم نپاشیده، اما اعضای گروه از نظر روحی حال‌شون بده و حالا با دیس کردن با کامبک‌هایی که می‌دن با موزیک ویدیوهایی که می‌دن، همون افراد رو دیس می‌دن که متأسفانه هیچ فایده‌ای هم نداره، چون اون‌ها دیگه یکی از اعضا شون رو از دست دادن و مجبورن با یک عضو کم‌تر ادامه بدن.



در مورد بقیه‌ی زوایا مثلاً گارام لس رافیم<sup>۲</sup> هم درگیر این شایعه‌های قلدری شده و با ارایه‌ی سند و مدرک واقعی این تأیید شد که اون در دوران مدرسه قلدر بوده و این از گروه‌شون رفته.



1Soojine –(G)- idol

2Geram- lessra fim



- کمپانی‌ها خودشان از بین مردم چند نفری گلچین و پیدا می‌کنن و یا در یک دوره مردم به صورت دل‌بخواهی مصاحبه می‌دن و بعداً انتخاب می‌شن؟

جذب افراد برای کارآموزی کلاً به دو روش انجام می‌شه. اعلان کمپانی برای انتخاب کارآموز و اخذ آزمون از افراد داوطلب و جذب افراد برگزیده شده در مسابقات تلوزیونی.

در حالت اول که گفتم، کمپانی با اعلام عمومی بین مردم با یک تیترا خبری یا اعلامیه، اعلام می‌کنه که الان در حال آماده سازی یک گروه پسر یا دختر هست و نیاز به کارآموز دختر یا پسر دارن و بقیه افراد و کسانی که فکر می‌کنند استاندارد و توانایی کافی برای شرکت در اون چالش یا مسابقه یا رقابت رو دارند، توی اون شرکت می‌کنند و اول از همه فکر می‌کنم دو یا سه دوره‌ی تست رو باید رد کنند تا تأیید بشن و به عنوان کارآموز توی یک کمپانی شروع به کار کنند، توی این دوره‌های مختلف، اون‌ها توانایی لازم برای یک آیدول شدن استفاده می‌کنند و توانایی‌هاشون رو جلوی داورها انجام می‌دند و بعد از تأیید شدنش با اون‌ها تماس گرفته می‌شه و اون‌ها دوباره برای تست دوم و تأیید شدن مجدد کارهای دیگه‌ای انجام می‌دند که البته منظورم کارهای جدید نیست، بلکه به عنوان مثال رقصی که انجام داده بودند رو دوباره با تلاش بیش‌تر و پیشرفته‌تر انجام می‌دن تا مورد قبول دوباره‌ی داورها قرار بگیرند، بعد از این که این دوره هم تموم شد اون‌ها تأیید می‌شن که به عنوان کارآموز توی اون کمپانی شروع به کار کنند. کلاً کارآموزی روند طولانی‌ای هست.

- معیارهای کمپانی‌های کره‌ایی برای پیدا کردن و یا ساختن یک آیدول چی هست؟  
مثلاً خواندن، نواختن موزیک، ساختن موزیک، نواختن آلات موسیقی در مدت زمان مشخص جلوی داورها، رقصیدن، آواز خواندن که کلاً ۵ مورد هستند.

- دوران کارآموزی چند سال هست و این که اگر کمپانی به ۲۰ نفر احتیاج داشته باشه، برای یک گروه فقط ۲۰ نفر رو به عنوان کارآموزی قبول می‌کنند یا تعداد نفرات بیش‌تری رو جذب می‌کنند؟  
این جور نیست که بعد از این که رقابت انجام شد و کمپانی‌های دختر یا پسر انتخاب شدند، مثلاً توی اون ۲۰ تا کارآموز اون‌ها به صورت هم‌زمان و یک دفعه داخل یک گروه دبیبو نمی‌کنن، بلکه ممکنه برای افراد متفاوت باشه، مثلاً وقتی که این رقابت داره برگزار می‌شه در این بین ممکنه افرادی باشند که از دو یا سه سال قبل بصورت تکی وارد کمپانی شدند پس اونا باهم کارآموزی شون رو ادامه می‌دن تا زمانی که خود کمپانی صلاح بدونه که الان موقعیت مناسبی برای ساخت یک گروه دختر یا یک گروه پسر هست و بعد از اون، اون‌ها افراد کارآموز رو گلچین می‌کنند، گروه خودشون رو می‌سازن و بعد از پروسه‌های طولانی اون رو دبیبو می‌دن که در این بین، بعضی از کارآموزا از شدت سختی کارهای داخل کمپانی مجبور به ترکش می‌شن، بعضیا دیگه توانایی پرداخت هزینه‌هاش رو ندارن که اون‌ها هم ترک کمپانی می‌کنن، بعضیا هم به خاطر کمبود اعتماد به نفس و نداشتن توانایی‌های لازم

۲۸۲/ چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

کمپانی رو ترک می‌کنن یا خود کمپانی اون‌ها رو اخراج می‌کنه، بعضیا هم از شدت فشاری که کمپانی بهشون وارد می‌کنه، اون‌ها رو ترک می‌کنه.

- پس به این صورت فکر می‌کنم افرادی که در یک دوره باهم انتخاب و تأیید می‌شن، افرادی نیستند که بعدها باهم در یک گروه باشند، درسته؟

آره برای دبیو گروه اونا این جورین که بعد از این که اون افراد رو توی رقابت گلچین کردن و داخل کمپانی شروع به کار کردند، ممکنه یک شخصی که مثلاً ۱۰ سال یا ۶ سال دوران کارآموزی گذرونده رو بیارن داخل یک گروهی که یک فرد ۶ یا ۷ ماه یا حتی ۱ سال دوران کارآموزی رو گذرونده، پس این متفاوت و وقتی یک گروه دبیو می‌کنه، افراد اون گروه اصلاً شبیه هم نیستن، حتی دوران کارآموزی و انتخابشون.

- موقعیت‌های داخل گروه، مثل لیدر گروه و افراد دیگه، چه طوری تعیین می‌شه؟

این لیدر گروه بر اساس توانایی‌هایی که اون فرد توی کنترل اعضاء بر اساس سن و تجربه و کلی استانداردهای دیگه کمپانی اون رو در نظر می‌گیره و یکی از معیارهاشون هم برای انتخاب لیدر گروه اینه که اون فرد چه قدر دوران کارآموزی رو گذرونده پس هر چقدر این دوران طولانی‌تر باشه، شانس بیش‌تری طرف برای لیدر شدن داره.

نوع دوم جذب کارآموز این طور هست که در مسابقاتی شبیه مسابقات استعدادیابی که در بین افراد برگزار می‌شه، کمپانی افراد برگزیده این مسابقات رو مد نظر قرار می‌ده و با اون‌ها برنامه مستقلی رو شروع می‌کنه.

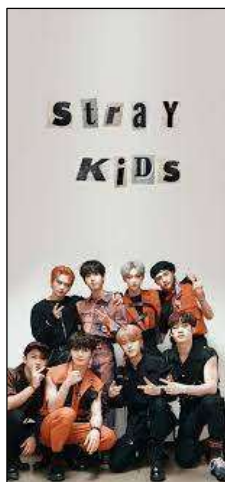
در این حالت که رقابت بین چندین نفر از افراد هست، یک برنامه رو می‌سازند و چندتا مثلاً پسر کارآموز رو داخل اون برنامه می‌ذارن و اون‌ها باهم رقابت می‌کنند و در آخر یک گروه از اون برنامه، دبیو می‌شه.

- این برنامه‌ها تلویزیونی هستند؟ می‌تونن یک گروه که از این طریق دبیو کردن نام ببری؟

یک برنامه که از این نوع معروف هست برنامه‌ی ان‌های پن‌هست و یکی برنامه استری کیدز هست که این‌ها گروه‌هایی بودن که از طریق یک برنامه رقابتی تونستن دبیو کنند و یک گروه رو تشکیل بدن و بعضی از گروه‌ها هم که برنامه‌ی دبیوشون نیست، خب اونا کمپانی لازم ندونسته که در مورد اون‌ها برنامه‌ای بسازه، ولی بعضیا این جوری بودن که نه من می‌خوام برنامه بسازم، پس اون برنامه ساخته شده و در دسترس عموم قرار گرفته شده و خیلی هم معروف ان.

---

۱- ان‌های پن گروه پسرانه‌ی هفت نفره اهل کره جنوبی است. این گروه از طریق برنامه تلویزیونی مسابقه‌ی بقا آی-لند تشکیل شده است.



آی-لند هم یک برنامه واقع‌نمای رقابتی گروه پسرانه کره جنوبی که توسط بیلیفت لب که یک سرمایه‌گذاری مشترک بین شرکت‌های سرگرمی سی‌جی‌ئی اند ام و هایب کورپوریشن است، سازماندهی شده است.





- ما دو چیزی که در مورد آیدول‌های کره‌ایی می‌بینیم زیاد اتفاق می‌افته، اولیش رژیم‌های سخته، مخصوصاً از دوران کارآموزی و یکیش عمل‌های زیبایی که دارن، درسته؟  
کاملاً درسته، اونم به این خاطر که آیدولی که مطابق استانداردهایها نیست با عمل زیبایی یا رژیم به این استاندارد نزدیک بشه.

- تا حالا شده آیدول‌هایی بر سر این موضوعات صدمه جدی ببینند یا این کارها رو انجام ندن و با کمپانی مخالفت کنند؟

خب بعضی اوقات کمپانی‌ها به خاطر این که اون قدر آیدول‌شون رو تحت فشار قرار می‌دند، خود اون کارآموز می‌دید توانایی این رو نداره که توی اون کمپانی باشه، کمپانی رو ول می‌کرد که خیلیا این جوری شدن یا حتی بعد از دوران کارآموزی زمانی که به عنوان یک آیدول دیو می‌کردند، به دلیل سخت‌گیری‌های کمپانی برای عمل‌های زیبایی برای رژیم‌ها اون‌ها مجبور به ترک گروه می‌شدن و یا حال‌شون خیلی بد می‌شد که مجبور بودند یک بیانیه‌ی دروغین بدن تا بتونند فن‌ها رو از حالت سردرگمی دربیارن تا اون آیدول بتونه روی خودش تمرکز کنه، به خاطر این که اون آیدول تحت فشاره و نیاز به زمان داره تا بتونه خودش رو درمان کنه تا بتونه دوباره این پروسه رو ادامه بده.

- در این عمل‌ها یا رژیم‌ها نظر خود آیدول‌ها هم مهم یا حایز اهمیت بود یا فقط به خواست و اجبار کمپانی بوده؟

قطعاً تمام این کارها که شامل پلاستیک سورجری یا همون عمل زیبایی بشه یا حتی همین رژیم به خواست آیدول‌ها نبوده، در واقع این به خواست کمپانی بوده چون اون آیدول مطابق استانداردهای کمپانی نبوده.

- این استانداردها به چه صورت هستند؟

خب استانداردهای کره‌ایی‌ها خیلی استاندارد غیر متعارفی هست که در واقع وقتی یک نفر شروع کنه خودش رو مطابق با اون استاندارد بسازه و عمل کنه، منجر به مریضی‌های متنوع و زیادی می‌شه و در واقع می‌شه گفت آسیب‌های فیزیکی که این آیدول‌ها بهش مبتلا می‌شن، خیلی زیاد ان، ولی استانداردهاشون معمولاً صورت کوچیک، اندام لاغر و باربی، چشم‌های بزرگ یا به اصطلاح درشت، قد بلند و... هست.

وقتی یک نفر شروع می‌کنه به رژیم برای کم کردن وزن یا سایز خودش اون رژیمی که براش در نظر گرفته شده، می‌تونه منجر به آسیب‌های جدی فرد بشه. مثلاً هواسا مامامو از گروه تو وایس که الان دیبو کرده، تأیید کرده برای این که بتونه رژیم بگیره و وزنش رو مطابق با وزن استاندارد و اولویت کمپانی کنه و تغییر بده، مجبور بوده که روزی یک قالب یخ بخوره و بعد از یک هفته، اون قدر اون شخص ترسیده بود که می‌ترسید، وقتی که شب می‌خوابه، صبح روز بعدش از خواب بیدار نشه، چون این استاندارد غیر قابل قبول و غیر استاندارد اون رو فقط تحت فشار می‌داشت.



- تمامی کمپانی‌ها بر روی عمل و رژیم‌ها هم عقیده هستند و آیدول‌ها رو مجبور می‌کنند یا در این بین استثناهایی وجود داره؟

نه، بعضی از کمپانی‌ها هستند که این عمل زیبایی رو در اختیار اون آیدول قرار می‌دن، مثلاً می‌گن آیا تو مایلی عمل زیبایی انجام بدی یا نه؟ اگر که نه خب اوکیه امااااا بیش‌تر آیدول‌های کی‌پاپ تاحدودی عمل زیبایی انجام ندادند یا حتی اگر دادند، ممکنه فقط اون عمل زیبایی برای زاویه‌سازی فک، پروتز لب یا عمل بینی باشه، و خب بعضی از آیدول‌ها هم مشخصاً آشکار هست که یه تغییر عجیب توی

۲۸۶/ چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

صورت‌شون ایجاد شده، البته بعد از دیبو هم اینا امکان این که بخوان عمل زیبایی داشته باشن رو دارن، یعنی اگر شما به عنوان یه آیدول دیبو کنی، بعدش می‌بینی اون قیافه‌ای که تو الان داری، چیزی نیست که دوستش داشته باشی یا حتی ممکنه خیلی از فن‌ها بیان اون نقص توی صورتت رو هی یادآوری کنن و بهت توهین کنن، پس میای چه کار می‌کنی؟ دست به عمل زیبایی می‌زنی و اون عمل زیبایی می‌تونه بعد دیبو باشه و بازه زمانی مشخصی نداره، بلکه در هر حالت و زمانی امکان پذیره و خیلی از آیدول‌ها به خاطر این که این عمل‌های زیبایی که داشتن یک مقدار زیاده روی بوده خیلی از فن‌هاشون رو از دست دادن یا حتی از آیدولی کناره‌گیری کردن، اما این بین بعضیا هم بودند که با وجود عمل‌های زیبایی متعدد بازم تونستن به کار خودشون ادامه بدن و یا حتی بعضی اوقات به خاطر همون عمل‌های زیبایی معروف شدند که از اون دسته افراد می‌تونیم به سولو آرتیست‌جسی اشاره کرد. اون اوایلی که دیبو کرد صورت نچرالی داشت و بعد تصمیم گرفت عمل زیبایی انجام بده که پشیمون هم شد اما از اون جایی که بعد عمل کاری نمی‌شه کرد، با همون صورت ادامه داد و اون یکی از همون آیدول‌هایی بود که عمل زیبایی انجام داد، ولی جزو اون دسته از افرادی بودن که بعد از اون اتفاق پشیمون شدند



در مورد رژیم‌ها هم دو دسته هست یا خود کمپانی مجبور می‌کنه یا خودت دوست داری که اون جوری باشی خب توی گزیننه اول که خود کمپانی مجبور می‌کنه، خیلی از آیدول‌ها بودند که به خاطر رژیم‌های سخت بعضی جاها مجبور می‌شدند که برای مدت کوتاهی از فعالیت‌های گروه کناره‌گیری کنند، به خاطر این که اون قدر ضعیف شده بودند که نمی‌تونستند توی تمام فعالیت‌های روزانه، هفتگی یا ماهانه شرکت کنند، برای همین توی بازه زمانی کوتاهی استراحت می‌کردند تا بتونند دوباره اون انرژی لازم

۱- سولو آرتیست یک خواننده‌ی تک بدون هیچ گروه و یا اکیبی هست. همچنین تک نوازی، تک خوانی، تنها یا سولو قطعه یا قسمتی از موسیقی است که توسط یک اجرا کننده اعم از نوازنده یا خواننده اجرا می‌شود.

برای انجام فعالیت‌ها رو داشته باشند که این رژیم‌ها در واقع کاری نیست که فن‌ها موافق باشند، بلکه خود آیدول‌ها ممکنه خودشون این دید رو داشته باشند که من توی این عکس خوب نیفتادم یا من ناراحتم به خاطر این که یه کم تپل افتادم، برای همون شروع می‌کنند به رژیم گرفتن، در صورتی که اون بدنی که از قبل داشتن خیلی پرفردارتر یا حتی بهتر بود، ممکن بود که یه کم از استانداردها فاصله گرفته باشه، اما اون استانداردها همون طور که گفتم، استانداردهای زیبایی نیستند اما بدن اون دختر یا پسر اون قدری زیبا بود که اصلاً نباید استاندارد رو در نظر گرفت، اما بعضی‌ها هم این بین هستند که کلاً انگار حتی تلفظ کلمه‌ی رژیم رو هم نمی‌دونند، به این صورت که یکی می‌گه، آره من چاقم، خودمم می‌دونم و بدنمم اصلاً با استاندارد کره یکی نیست، اما بدنم رو دوست دارم که از این دسته از افراد یکی‌شون هست که به خاطر پوست تیره‌اش و نگرفتن رژیم و فعالیت با بدنی شبیه به بدن لاتین‌ها، معروف هست، چون که مطابق استانداردهای کره‌ای‌ها ران‌های خیلی لاغر جزو گزینه‌های اون‌ها هست که در واقع باید در نظر گرفته بشه و انجام بشه، اما خب این آیدول مطابق با استانداردهای خودش پیش رفته راهش رو و الان ران‌های پر چاقی داره که ایشون یکی از همون افرادی بود که مطابق استاندارد پیش نرفت و لاو یورسلف رو پیش برد و همون جور که هست، خودش رو قبول داشت و این رو هم تاحدودی جا انداخت و بعد از این که صحبت کرد، گفت که اوکی من با این بدن مشکلی ندارم و هر کسی که مشکل داره، مشکل خودش و بعد از اون خیلی از آیدول‌های دختری بودند که از اون الهام گرفتند از اون و رژیم‌های خیلی سختی نگرفتند و با برنامه پیش نرفتند یعنی یه جور بود که گفتند، من با این بدنم زیبا هستم، پس لازم نیست که خودم رو تغییر بدم و الان تعداد افراد نسبت به ۵ سال پیش خیلی بهتر شده و آیدول‌های زیادی هستند که مطابق با آیدول‌های کره نیستند، اما خب راضی ان و مشکلی ندارند.

- با این تفاسیر این قضیه باعث نشده که تحریک بشی خودت رو با عمل زیبایی یا لاغر کردن تغییر بدی؟

نه چون من از اعتماد به نفس بالایی برخوردارم و اون قدر لاغر هستم که خیلیا نگران همین وضعیت فعلی منم ولی بین خودمون باشه برنامه دارم لاغرتر شم (می‌خندد).

- خیال پردازی درباره اعضای بی‌تی‌اس توی ذهنت و تنهاییات ناشتی یا نداری، به این صورت که خودت رو در یک رابطه با ستاره‌ها تصور کنی؟

یه مقدار سوال عجیبی پرسیدی و همه‌اش می‌ترسیدم نکنه به این سوال برسی (می‌خندد)، ولی آره من مشکلی با این موضوع نداشتم. من راستش خیلی خیال‌پردازی‌هام به این صورت نبود که رابطه‌ی عاشقانه‌ای باهاشون داشته باشم، نمی‌خوام خودم رو مستثنا از این قضیه بدونم یا این که بخوام خودم رو جدا کنم، نه این جور نیست، اما من برعکس بقیه دخترها، از تصور رابطه عاشقانه خوشم نمیاد، اتفاقاً خیلی خیلی خییلی تصور داشتم، حتی ممکنه الان هم بعضی مواقع داشته باشم، بعضی اوقات

۲۸۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

که حوصله‌ام سر می‌ره و به عنوان سرگرمی، اما خودم رو توی یه قالب دوست و گروه دوستانه در نظر می‌گیرم و این خیلی بهم کمک می‌کنه که حتی توی دنیای واقعی هم بعضی از مشکلاتم رو در رابطه با همین دوست‌ها حل کنم، برای همون آره داشتم.

- پس یه جور تصور درباره دوستی ساده بوده، از اون فراتر نرفته، جوری که به یه عشق یک طرفه تبدیل بشه؟

این کارها، کارهای بچه‌گانه هست، کارهایی که یکی که از نظر عاطفی توی زندگی واقعی خودش داشته یا حتی نداشته، به هر دلیلی شروع می‌کرد به تصورات چیزهایی که مطابق با نظر خودش و در واقع آرزوهاشه که من اون جوری نبودم و در واقع ذهنم رو با این چیزهای سطح پایین و ساده درگیر نمی‌کردم، اما خیلی از همسن‌های خودم بودند که همچنین افکاری دارند، اما نه من جزو اون دسته از افرادی نبودم که بخوام درباره همچنین چیزهایی تصور کنم فکر کنم یا حتی همچنین داستان‌هایی بسازم.

- بله بابت همین پرسیدم چون ما دیدیم افرادی رو که تصویری عاشقانه با ستاره مورد علاقه‌شون یا شخص مورد علاقه‌شون ساختن و وقتی به خودشون اومدن با یه عشق دروغین و دل شکسته مواجه شدن متأسفانه که پیامدش هم افسردگی هست.

دقیقاً به خاطر اینکه اون اون شخصی رو می‌سازن یا تصوراتشون از اون فرد اینه که اون هیچ نقصی نداره، هیچ مشکلی نداره، بهترین فرد توی دنیاست و هر کاری که بگند رو انجام می‌ده، ولی وقتی با واقعیت روبرو می‌شن، می‌بینن نه این فقط توی داستانا هست و شاهزاده‌ای با اسب سفید که قراره دنبال شون بیاد، خیالیه، قطعاً به در بسته می‌خورن و توی زندگی شخصی، روابط عاشقانه، روابط خانوادگی، روابط دوستانه و... با مشکل برخورد می‌کنن، اما من برای این خیال‌پردازی‌ها، برای این که خیلی باعث نشم که این خیال‌پردازی‌ها اذیتم کنند، عوضش می‌رفتم فیکشن یا داستان یا استوری می‌خوندم و اون‌ها به نظر من خیلی بهترن نسبت به زمانی که یک شخص بخواد همه‌ی زمانش رو یا بیش‌تر زمانش رو صرف تصور همچنین چیزهای بی‌نتیجه و بی‌فایده‌ای کنه.

- این داستان‌ها و فیکشن‌هایی که درباره‌شون حرف می‌زنی، به دست فن‌ها نوشته می‌شند؟

آره این فیکشن‌ها به دست همون فن‌ها نوشته می‌شد و واقعاً بعضیاشون برای من در قالب یک داستان مثل داستان‌های نویسنده‌های معروف بود و تصوراتم با اون‌ها پیش می‌رفت و به این صورت بود که اون داستان‌هایی که می‌گفتن از کتاب دنیای سوفی یوستاین گرودر<sup>۱</sup> هم تاحدودی بهتر بود یا حتی برابری می‌کرد به این صورت که واقعاً داستان‌هاشون باکیفیت بود و احساس می‌کردی، واقعاً یک نویسنده ماهر و حرفه‌ای این‌ها رو نوشته، برای همون من همیشه بعد از این که احساس می‌کردم دارم

۱- یوستاین گرودر یا یوستاین گوردر نویسنده نروژی و معلم فلسفه است. عمده شهرت او به خاطر نگارش کتاب آموزش فلسفه در قالب داستان با عنوان دنیای سوفی است.



تصورات اشتباه و الکی و غیر مفید می‌کنم، می‌رفتم سراغ فیکشن‌هاشون که اطلاعات خیلی مفید و خوبی هم دارند.

- پس نظر مثبتی درباره این فن فیکشن‌ها داری. اکثراً گونه‌شون چیه؟ یعنی آموزنده هستند یا صرفاً مثل یه رمان عاشقانه، رمان ترسناک، داستان پورن و نظایر اون هستند؟  
 من نظرم خوبه، البته فقط برای تعداد خیلی خیلییی کمی از این دنیای بزرگ، چون که فکر کنم نزدیک به ۷۰ یا ۸۰ و یا حتی ۹۰ درصد در مورد اینا ژانرش متشکل از اسمات هست که متأسفانه، متأسفانه و تا سال بعد متأسفانه، خیلی از فن‌ها از این ژانر (گونه) خوش‌شون میاد، یعنی این که اون‌ها دوست دارند ببینند آیدول‌های خودشون در این مورد دارند کاری می‌کنند، اونم توی داستان‌ها و به صورت متن یا حتی به صورت نقاشی و فن آرت که این مجموعه از گندکاری‌ها بین فن‌ها خیلی وایرال (گسترده) هست و اون‌ها از این کار خوش‌شون میاد، از این که همچنین صحنه‌ای رو توی هر حالتی از آیدول‌های خودشون به تصویر بکشن، روی متن بیارن یا همچنین موضوعاتی و متأسفانه خیلی این ژانر معروف بود، و نسبت به بقیه ژانرها حرف اول رو می‌زد، اما الان وقتی یک مقدار سن فن‌ها بالاتر رفت تاحدودی با این ژانر مخالفت شد، اما این جوری نشد که کلاً تعطیل بشه و هیچ ژانری ازش ساخته نشده، بلکه ساخته شد، خیلیم خفن‌تر ساخته شد، اما نسبت به قبل فکر کنم فن‌هاش کم‌تر شده.



- نظرت در مورد ساسنگ فن‌ها یا اون دسته از افراد و فن‌هایی که موجب اذیت اعضای می‌شن، چی هست؟  
 ساسنگ فن‌ها یک دسته از منفورترین آدم‌های توی دنیا هستند، به خاطر این که این‌ها آدم‌های بی‌خود و بی‌کاری هستند که قصدشون اذیت کردن آیدول‌ها هست و این‌ها بعضیاشون دیوونه و روانی

---

۱- ژانر اسمات، ژانری که در آن انواع و اقسام مختلف رابطه جنسی به کار برده می‌شود که می‌تواند انواع مختلفی از بی‌دی‌اس‌ام یا خشن یا مانند آن باشد. در این ژانر رابطه‌ی جنسی و صحنه‌های آن حرف اول را می‌زنند.

۲۹۰/ چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ هیت اینترتینمنت)

ان، چون وقتی تو یک شخصی رو بیش از اندازه دوست داشته باشی، دیوونه می‌شی، روانی می‌شی و هر کاری واسش می‌کنی. می‌ری جلب توجه می‌کنی، می‌ری اذیتش می‌کنی و کلاً از حالت نرمال می‌ای بیرون که بعضی از ساسنگ فن‌ها جزو همچنین افرادی هستند که اونا انقدر عشق و علاقه‌شون بالا می‌زنه که دست به همچنین کارای دیوونه واری می‌زنند، میان پیام جنسی می‌ذارند میان آزار و اذیت انجام می‌دند، حتی این ثابت شده که اعضای بی‌تی‌اس خیلی تماس‌ها داشتند از ساسنگ فن‌ها چون می‌دونستند، شماره‌شون کجاست خونه‌هاشون کجاست، لوکیشن‌شون کجاست و بهشون زنگ می‌زدند تا مثلاً بهشون بگند، آره ما شماره شما رو داریم و می‌تونیم اذیت‌تون کنیم، بعضی‌ها هم می‌رفتند کارای وحشتناکی می‌کردند مثلاً تئوری و شایعه ازشون می‌ساختند یا یکی از همین ساسنگ فن‌های روانی که یه کاری کرده بود، این بود که وقتی بی‌تی‌اس داشت از یک سفر کاری توی فرودگاه برمی‌گشت، این ساسنگ فن احق می‌خواست جلب توجه کنه یه شومیز بدون شلوار پوشیده بود و از کنار بی‌تی‌اس رد می‌شد تا مثلاً بگه، آره من همچنین کاری می‌کنم، اما خب بعد از اون خیلی از افراد اذیتش کردن و یه ساسنگ فن خیلی خیلی معروفم توی کره هست که ژاپنیه و اون خیلی از آیدول‌ها رو اذیت کرده.

استان از پلیس شروع شد که پس از آن با تعدادی از افراد در حال رفتن  
از شهر آنگلیا از این پرونده در سطح کشور تماس داشتند و از آن‌ها در حال  
تکلیف و تکلیف از این پرونده از آن‌ها است و آن‌ها که پس از آن استان طرح  
شدن و تکلیف هم از آن‌ها است و استان پس از آن از آن‌ها که به آن‌ها  
آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند  
و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند  
تا آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند



از آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند  
و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند  
و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند  
و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند  
و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند  
و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند  
و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند و آن‌ها که در آن استان تکلیف می‌دهند





- این اذیت‌ها بیش‌تر شامل چی می‌شوند؟

شامل پیام‌های جنسی، رفتارها جنسی، اذیت کردن از لحاظ روحی روانی، فرستادن پیام‌های اذیت‌کننده، کارهایی که باعث می‌شه، آیدول‌ها احساس امنیت نکنند، مثلاً میان می‌گن، من می‌دونم تو الان کجایی، توی چه هتلی هستی، شماره اتاقت چنده و خب اون آیدول اون لحظه روانش بهم می‌ریزه که هر لحظه مورد حمله قرار نگیره و از کجا معلوم این فردی که این همه اطلاعات داره، نقشه‌ی قتل رو نکشیده باشه؟ برای همین باعث می‌شه هم خود اون ساسنگ فن که گویا از قبل مورد آزار روحی روانی بوده بقیه رو هم آزارهای روحی روانی بده.



- تاحالا شده با این دسته از هوادارهای نامتعادل برخورد داشته باشی یا باهاشون بحث کنی؟

آره. وقتی که اونا از همون اول به من می‌گن، من از این کره‌ای‌ها خوشم نمیاد و بعد از اون از الفاظ رکیک و کلیشه‌ای استفاده می‌کنند، مشخصه این افراد همین رو می‌خوان، اونا می‌خوان که من باهاشون وارد جنگ تن به تن بشم، وارد جنگ لفظی بشم، اما خب من اون قدری اون‌ها رو از اون سطح بالاتر و با ارزش‌تر نمی‌دونم که وقتم رو بذارم باهاشون صحبت کنم یا بخوام قانع‌شون کنم که بگم تو اشتباه فکر می‌کنی چون از همون اول مغز پوچ و زیبون بی‌فکرشون رو به عمل رسوندن و همچنین حرفی به من زدن، متوجه شدم که صحبت کردن با این دسته از افراد اصلاً از اون کارهایی نیست که من واسش برنامه ریزی کرده باشم یا بخوام انجام بدم پس رهاشون می‌کنم به حال خودشون.

- چندوقت پیش یه وقفه توی کار گروه ایجاد شد که ممکن بود دیگه کار نکنن، می‌خوام بدونم

توی این زمان احساس پوچی یا افسردگی یا خلاء نکردی؟

نه تاحدودی، ولی آره خب حوصله‌مون سر می‌رفت و این که دیگه دلیلی نداشت که توی سوشال مدیا فعالیت کنیم یا بخوایم خبر بگیریم از کسانی که تا الان دنبال‌شون بودیم، پس اون وقفه، اون قدر جدی نیست که باعث افسردگی بشه، در واقع برای بعضی‌ها هم می‌تونه مفید باشه، به این صورت که قدری وقت آزاد برای خودشون پیدا می‌کنند تا یک مقدار خودشون رو راست و ریس کنن، به خودشون برسن، کارهای خودشون رو انجام بدن تا این قدر ذهن و فکرشون درگیر آیدول‌ها نباشه، اما بعضیا هستند نه خب خودشون رو سرگرم می‌کنند با گروه‌های دیگه یا حتی خبرهای قبلی یا برنامه‌های دیده نشده‌ی اون گروه تا زمانی که دوباره فعالیت گروه به منوال سابق برگرده.

- اگر دیگه گروه به فعالیت سابق برنگرده چی؟

خب قطعاً حس بد و خلاء هست، اون موقع چون ما بازه زمانی تقریباً طولانی با اون‌ها گذروندیم و این خبر یهویی اون‌ها ممکنه یه مدت زمانی برای ما غیرقابل هضم باشه و سخت باشه که دیگه اون دلیل شادی‌مون نیست، اون دلیل وجودمون توی سوشال مدیا ممکنه نباشه، اما خب این اتفاق تاحدودی سخته و بعد از اون جایگزینی‌های زیادی هستند که جای اون دسته افرادی رو می‌گیرند که دیگه الان نیستند، خب می‌دونی که کی‌پاپ گروه‌های زیادی رو داره و اگر یک گروه فعالیتش به هر دلیلی به صورت کامل قطع بشه، قطعاً همون جوری که گفتم ممکنه هضم کردنش سخت باشه واسشون که دیگه اون شخص یا گروه نیست، اما جایگزین کردنش هم تاحدودی راحتته، چون ممکنه اون گروه معروف باشه، اما گروه‌های دیگه‌ای هم هستند که حتی بامزه‌تر، فان‌تر، سرگرم‌کننده‌تر و حتی از نظر سطح موسیقی بالاتر باشن، اما بنا به دلایلی مثل کمپانی یا معروف نبودن یا نداشتن سرچ بالا در مورد اون گروه و... اون گروه معروف نباشه، اما از لحاظی از گروه قبلی سطحش بالاتر باشه، خب ممکنه اون‌ها این‌ها رو در اولویت قرار بدن و گروه جدیدی رو جایگزین کنند یا حتی ممکنه سبک کاری‌شون

رو تغییر بدن، مثلاً ممکنه کسی که گروه‌های کی‌پاپ رو دنبال می‌کرده، دلش رو بزنه و برای همین بره سراغ هالیوود یا کلاً روی زندگی اصلی و واقعیش تمرکز کنه.

- فرشته جان وقتی گروه کار جدیدی ارایه می‌ده، چه قدر زمان صرف استریم زدن و حمایت کردن می‌کنی؟

من خودم شخصاً کسی هستم که بدون برنامه‌ریزی نمی‌تونم کارام رو پیش ببرم حتی در این حد ریزه کاری‌ها رو در نظر می‌گیرم که واسه‌ی تمیز کردن قسمت‌های اتاقم اسم می‌ذارم به این صورت که می‌گم تمیز کردن کتابخونه، تمیز کردن تخت و... پس وقتی که من همچنین آدمی هستم، قطعاً موقع استریم زدن و حمایت کردن و انجام دادن این کارها که حالا جزو سرگرمی‌های روزانه و هفتگی یا ماهانه و حتی به صورت کلی جزو سرگرمی‌های زندگی من حساب می‌شند، برنامه‌ریزی شده پیش می‌رم و به این صورت بود که برنامه می‌ریختم قبل از کامبک، درسام رو می‌خوندم تا با خیال راحت بتونم فن گرلیم رو به جا بیارم، استریم بزنم، حمایت کنم، بازدید بزنم و از این قضایا.

- فکر می‌کنم زبان کره‌ای رو بلدی، درسته؟

آره تا ترم دو خوندم، چون اون موقع انتخاب رشته داشتم، ولش کردم، اما الان چند وقت یه بار یه کلمه یاد می‌گیرم، صحبت می‌کنم، جمله جمله می‌گم، کلاً زبانشون رو دوست دارم و برنامه دارم بعد از اتمام زبان انگلیسی یکی از زبانای شرق آسیا رو شروع کنم خیلیییی خوب ان.

- این علاقه به خاطر آیدول‌ها و متوجه شدن معانی آهنگ‌ها بوده یا علاقه شخصی هست؟

آره چون من دوست داشتم بتونم بهتر و راحت‌تر باهاشون ارتباط بگیرم، مثلاً وقتی که برنامه‌های سرگرمی یا شوهاشون رو نگاه می‌کنم، ممکنه که بازی داشته باشن، مثلاً بازی با کلمات که نیاز به این هست که شما کلمات و مفهوم کره‌ایی و بعضی از جملاتشون رو درک کنی و متوجه بشی که من خوشبختانه به دلیل همچنین موضوعی سعی کردم زبانشون رو یاد بگیرم و این احساس همزاد پنداری من با اون‌ها بیش‌تر می‌شد و این احساس قلبی خوبی به من می‌داد که وای خدا، من همچنین توانایی دارم یا دوست دارم که ارتقاش بدم، پس قطعاً آره به خاطر این بود که بتونم آهنگاشون رو متوجه بشم بفهمشون، بتونم باهاشون ارتباط برقرار کنم، حتی بتونم سریال‌هاشون رو هم بدون زیر نویس ببینم یا حتی برای مهاجرت و یا یک سفر تفریحی‌ام مشکلی نداشته باشم.

- برای یادگیری زبان کره‌ایی به کلاس‌ها و زبانکده‌ها مراجعه کردی؟

نه خودم با استفاده از فیلم‌ها و گوگل ترجمه و کلمه به کلمه خوندن رو یاد گرفتم و الانم همچنان سعی می‌کنم چند وقت یه بار کلماتی رو یاد بگیرم و توی یه مکالمه کوتاه یا جمله‌ها ازشون استفاده کنم.

- از مهاجرت بین صحبت‌هاست استفاده کردی، به فکر مهاجرت و زندگی دایم توی کره هستی؟

۲۹۴ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

نه حقیقتاً ترجیح می‌دم توی کشور خودم زندگی و پیشرفت کنم و به آرزوها و اهدافی که توی ذهنم دارم برسم ولی به عنوان یک مسافرت چند روزه چرا که نه، اتفاقاً خیلی هم مشتاقش هستم و اگر شرایطش پیش بیاد، حتماً قبول می‌کنم.

- خوب فرشته عزیزم مصاحبه ما تموم شد، موردی هست که بخوای بگی و من نپرسیده باشم؟

- نه سپاس خسته نباشید

شما هم خسته نباشی، بسیار ممنونم بابت وقتی که در اختیارم گذاشتی و همکاری کردی.

## تأملی دوباره

فرشته ۱۸ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

فرشته در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: پاسخ به نوسان‌های عاطفی شدید نوجوانان و جوانان و رؤیاپردازی و تخیلات آنان، جذب مرحله به مرحله و دشوار کارآموز توسط کمپانی، استانداردهای سخت‌گیرانه زیبایی در کمپانی و کی‌پاپ، دخالت کمپانی در زندگی شخصی آیدول‌ها، دخالت در حریم شخصی آیدول‌ها توسط کمپانی، فشارهای روانی شدید وارده بر آیدول‌ها از سوی کمپانی، بی‌توجهی کمپانی به بهداشت روانی آیدول‌ها، همکاری کمپانی با رسانه زرد دیسپچ، استفاده کمپانی از آیدول‌ها برای تبلیغات اقتصادی، همراهی کمپانی هایب با کمپانی مائل (کمپانی سازنده عروسک‌های باربی)، تلاش کمپانی در جهت حمایت از سرمایه‌داری، مصرف‌گرایی و سبک زندگی لذت‌مدار و تلاش کمپانی و گروه آن برای جنسیت‌زدایی از پوشش و آرایش اشاره داشته است.

فرشته ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: پاسخ گروه به نوسان‌های عاطفی شدید نوجوانان و جوانان و رؤیاپردازی و تخیلات آنان، تغییر آرایش آیدول‌ها به تناسب موقعیت، جذابیت رفتارهای چند بعدی آیدول‌ها در زمینه‌های مختلف برای جذب طرفدار، ورود گروه بی‌تی‌اس در تبلیغات دنیای سرمایه‌داری، ارایه غیرمستقیم ارزش به مخاطبان (شراب، سیکس پک، مصرف‌زدگی، و مانند آن‌ها) مواجهه آیدول‌ها با هوادارهای سمی و نقد اصرار کمپانی بر سیکس پک بودن آیدول‌ها، اشاره داشته است.

فرشته در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: توجه گروه بی‌تی‌اس به نوسان‌های عاطفی شدید نوجوانان و جوانان و رؤیاپردازی و تخیلات آنان، جذابیت‌های ظاهری آیدول‌ها، جذابیت رفتارهای چند بعدی آیدول‌ها در زمینه‌های مختلف برای هواداران، الگوبرداری از آیدول‌ها در انتخاب سبک پوشش، گسترش و ترویج کی‌پاپ از طریق طرفداران، خیال‌پردازی و درگیری ذهنی هواداران در مورد آیدول‌ها، تحقیر و توهین افراد به آیدول‌ها به علت عدم تطابق با استانداردهای زیبایی مخصوص کی‌پاپ و هویت‌یابی افراد بی‌هویت در مسیر طرفداری از گروه، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه فرشته ۱۸ ساله، با ارجاع محورهای اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر وی و دیگر هواداران، توجه خویش را به مباحث فرشته در زمینه اقدام‌های کمپانی متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، فرشته در فرازی از

۲۹۶ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

مصاحبه خود با بیان پاسخ گروه بی‌تی‌اس به نوسان‌های عاطفی نوجوانان و جوانان و رؤیاپردازی و تخیلات آنان، از کارکرد مثبت گروه در برخورد با مخاطبانش یاد کرده است:

«... حتی قدرت خوانندگی، سرعت رپ و استقامت دنس‌شون، همه چیزهایی بود که می‌شد به نفر رو فن‌شون کنه.

- واقعاً توی کارشون خوب بودن یا فقط شما همچنین مسأله‌ای رو احساس کردی؟  
آره خوب بودن، ولی می‌شه گفت دوتاش، نه برای من بلکه همه، همین طور که الان شنیده می‌شه کی‌پاپ سر زبون‌ها افتاده، به خاطر سبک و استایل خاص‌شون، پس تا حدودی عامه‌پسند هست و خودمم در کنار این‌ها خیلی دوس‌شون داشتم و دارم.

- خوب به نظرت شیفتگی تو به کی‌پاپ از چه زمانی جدی‌تر شد؟  
از همون سن ۱۳ سالگی، تابستون بود و قطعاً تفریح خاصی نداشتیم و چی بهتر از یک دنیای جدید و کامل و قشنگ و تینیجری.»

فرشته در ادامه از جذب مرحله به مرحله آیدول‌ها توسط کمپانی یاد کرده، در مورد دشواری‌های بسیار زیادی که بر سر راه آیدول شدن وجود دارد، صحه نهاده است:

«- جذب افراد توسط کمپانی‌ها چگونه است؟

جذب افراد برای کارآموزی کلاً به دو روش انجام می‌شه. اعلان کمپانی برای انتخاب کارآموز و اخذ آزمون از افراد داوطلب و جذب افراد برگزیده شده در مسابقات تلوزیونی.

در حالت اول که گفتیم، کمپانی با اعلام عمومی بین مردم با یک تیترا خبری یا اعلامیه، اعلام می‌کنه که الان در حال آماده‌سازی یک گروه پسر یا دختر هست و نیاز به کارآموز دختر یا پسر دارن و بقیه افراد و کسانی که فکر می‌کنند استاندارد و توانایی کافی برای شرکت در اون چالش یا مسابقه یا رقابت رو دارند، توی اون شرکت می‌کنند و اول از همه فکر می‌کنم دو یا سه دوره‌ی تست رو باید رد کنند تا تأیید بشن و به عنوان کارآموز توی یک کمپانی شروع به کار کنند، توی این دوره‌های مختلف، اون‌ها توانایی لازم برای یک آیدول شدن استفاده می‌کنند و توانایی‌هاشون رو جلوی داورها انجام می‌دن و بعد از تأیید شدنش با اون‌ها تماس گرفته می‌شه و اون‌ها دوباره برای تست دوم و تأیید شدن مجدد کارهای دیگه‌ای انجام می‌دن که البته منظورم کارهای جدید نیست، بلکه به عنوان مثال رقصی که انجام داده بودند رو دوباره با تلاش بیش‌تر و پیشرفته‌تر انجام می‌دن تا مورد قبول دوباره‌ی داورها قرار بگیرند، بعد از این که این دوره هم تموم شد اون‌ها تأیید می‌شن که به عنوان کارآموز توی اون کمپانی شروع به کار کنند. کلاً کارآموزی روند طولانی‌ای هست.

- معیارهای کمپانی‌های کره‌ایی برای پیدا کردن و یا ساختن یک آیدول چی هست؟  
مثلاً خواندن، نواختن موزیک، ساختن موزیک، نواختن آلات موسیقی در مدت زمان مشخص جلوی داورها، رقصیدن، آواز خواندن که کلاً ۵ مورد هستند.



- دوران کارآموزی چند سال هست و این که اگر کمپانی به ۲۰ نفر احتیاج داشته باشه، برای یک گروه فقط ۲۰ نفر رو به عنوان کارآموزی قبول می‌کنند یا تعداد نفرات بیش‌تری رو جذب می‌کنند؟ این جواری نیست که بعد از این که رقابت انجام شد و کمپانی‌های دختر یا پسر انتخاب شدند، مثلاً توی اون ۲۰ تا کارآموز اون‌ها به صورت هم‌زمان و یک دفعه داخل یک گروه دیبو نمی‌کنن، بلکه ممکنه برای افراد متفاوت باشه، مثلاً وقتی که این رقابت داره برگزار می‌شه در این بین ممکنه افرادی باشند که از دو یا سه سال قبل بصورت تکی وارد کمپانی شدند پس اونا باهم کارآموزی‌شون رو ادامه می‌دن تا زمانی که خود کمپانی صلاح بدونه که الآن موقعیت مناسبی برای ساخت یک گروه دختر یا یک گروه پسر هست و بعد از اون، اون‌ها افراد کارآموز رو گلچین می‌کنند، گروه خودشون رو می‌سازن و بعد از پروسه‌های طولانی اون رو دیبو می‌دن که در این بین، بعضی از کارآموزا از شدت سختی کارهای داخل کمپانی مجبور به ترکش می‌شن، بعضیا دیگه توانایی پرداخت هزینه‌هاش رو ندارن که اون‌ها هم ترک کمپانی می‌کنن، بعضیا هم به خاطر کمبود اعتماد به نفس و نداشتن توانایی‌های لازم کمپانی رو ترک می‌کنن یا خود کمپانی اون‌ها رو اخراج می‌کنه، بعضیا هم از شدت فشاری که کمپانی بهشون وارد می‌کنه، اون‌ها رو ترک می‌کنه.

- پس به این صورت فکر می‌کنم افرادی که در یک دوره باهم انتخاب و تأیید می‌شن، افرادی نیستند که بعدها باهم در یک گروه باشند، درسته؟

آره برای دیبو گروه اونا این جورین که بعد از این که اون افراد رو توی رقابت گلچین کردن و داخل کمپانی شروع به کار کردند، ممکنه یک شخصی که مثلاً ۱۰ سال یا ۶ سال دوران کارآموزی گذرونده رو بیارن داخل یک گروهی که یک فرد ۶ یا ۷ ماه یا حتی ۱ سال دوران کارآموزی رو گذرونده، پس این متفاوت و وقتی یک گروه دیبو می‌کنه، افراد اون گروه اصلاً شبیه هم نیستن، حتی دوران کارآموزی و انتخاب‌شون.

- موقعیت‌های داخل گروه، مثل لیدر گروه و افراد دیگه، چه طوری تعیین می‌شه؟

این لیدر گروه بر اساس توانایی‌هایی که اون فرد توی کنترل اعضاء بر اساس سن و تجربه و کلی استانداردهای دیگه کمپانی اون رو در نظر می‌گیره و یکی از معیارهاشون هم برای انتخاب لیدر گروه اینه که اون فرد چه قدر دوران کارآموزی رو گذرونده پس هر چقدر این دوران طولانی‌تر باشه، شانس بیش‌تری طرف برای لیدر شدن داره.

نوع دوم جذب کارآموز این طور هست که در مسابقاتی شبیه مسابقات استعدادیابی که در بین افراد برگزار می‌شه، کمپانی افراد برگزیده این مسابقات رو مد نظر قرار می‌ده و با اون‌ها برنامه مستقلی رو شروع می‌کنه.

۲۹۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

در این حالت که رقابت بین چندین نفر از افراد هست، یک برنامه رو می‌سازند و چندتا مثلاً پسر کارآموز رو داخل اون برنامه می‌ذارن و اون‌ها باهم رقابت می‌کنند و در آخر یک گروه از اون برنامه، دیو می‌شه.

- این برنامه‌ها تلویزیونی هستند؟ می‌تونن یک گروه که از این طریق دیو کردن نام ببری؟

یک برنامه که از این نوع معروف هست برنامه‌ی ان‌های پن هست و یکی برنامه استری کیدز هست که این‌ها گروه‌هایی بودن که از طریق یک برنامه رقابتی تونستن دیو کنند و یک گروه رو تشکیل بدن و بعضی از گروه‌ها هم که برنامه‌ی دیوشون نیست، خب اونا کمپانی لازم ندونسته که در مورد اون‌ها برنامه‌ای بسازه، ولی بعضیا این جور بودن که نه من می‌خوام برنامه بسازم، پس اون برنامه ساخته شده و در دسترس عموم قرار گرفته شده و خیلی هم معروف ان.

آی- لند هم یک برنامه واقع‌نمای رقابتی گروه پسرانه کره جنوبی که توسط بیلیفت لب که یک سرمایه‌گذاری مشترک بین شرکت‌های سرگرمی سی‌جی‌بی‌اند ام و هایب کورپوریشن است، سازماندهی شده است».

فرشته ۱۸ ساله در ادامه مصاحبه‌اش از استانداردهای سخت‌گیرانه زیبایی در کی‌پاپ به قرار زیر یاد کرده است:

«- چیزی که در مورد آیدول‌های کره‌ای می‌بینیم زیاد اتفاق می‌افته، اولیش رژیم‌های سخته و دیگری عمل‌های زیبایی که دارن، درسته؟  
کاملاً درسته، اونم به این خاطر که آیدولی که مطابق استانداردهایها نیست با عمل زیبایی یا رژیم به این استاندارد نزدیک بشه...»

- در این عمل‌ها یا رژیم‌ها نظر خود آیدول‌ها هم مهم یا حایز اهمیت بود یا فقط به خواست و اجبار کمپانی بوده؟

قطعاً تمام این کارها که شامل پلاستیک سورجری یا همون عمل زیبایی بشه یا حتی همین رژیم به خواست آیدول‌ها نبوده، در واقع این به خواست کمپانی بوده چون اون آیدول مطابق استانداردهای کمپانی نبوده.

- این استانداردها به چه صورت هستند؟

خب استانداردهای کره‌ایی‌ها خیلی استاندارد غیرمتعارفی هست که در واقع وقتی یک نفر شروع کنه خودش رو مطابق با اون استاندارد بسازه و عمل کنه، منجر به مریضی‌های متنوع و زیادی می‌شه و در واقع می‌شه گفت آسیب‌های فیزیکی که این آیدول‌ها بهش مبتلا می‌شن، خیلی زیاد ان، ولی استانداردهاشون معمولاً صورت کوچیک، اندام لاغر و باربی، چشم‌های بزرگ یا به اصطلاح درشت، قد بلند و... هست.

- تمامی کمپانی‌ها بر روی عمل و رژیم‌ها هم عقیده هستند و آیدول‌ها رو مجبور می‌کنند یا در این بین استثناهایی وجود داره؟

نه، بعضی از کمپانی‌ها هستند که این عمل زیبایی رو در اختیار اون آیدول قرار می‌دن، مثلاً می‌گن آیا تو مایلی عمل زیبایی انجام بدی یا نه؟ اگر که نه خب اوکیه، امااااااا بیشتر آیدول‌های کی‌پاپ محدودی عمل زیبایی انجام ندادند یا حتی اگر دادند، ممکنه فقط اون عمل زیبایی برای زاویه‌سازی فک، پروتز لب یا عمل بینی باشه، و خب بعضی از آیدول‌ها هم مشخصاً آشکار هست که یه تغییر عجیب توی صورتشون ایجاد شده، البته بعد از دیو هم اینا امکان این که بخوان عمل زیبایی داشته باشن رو دارن، یعنی اگر شما به عنوان یه آیدول دیو کنی، بعدش می‌بینی اون قیاف‌های که تو الان داری، چیزی نیست که دوستش داشته باشی یا حتی ممکنه خیلی از فن‌ها بیان اون نقص توی صورتت رو هی یادآوری کنن و بهت توهین کنن، پس میای چه کار می‌کنی؟ دست به عمل زیبایی می‌زنی و اون عمل زیبایی می‌تونه بعد دیو باشه و بازه زمانی مشخصی نداره، بلکه در هر حالت و زمانی امکان پذیره و خیلی از آیدول‌ها به خاطر این که این عمل‌های زیبایی که داشتن یک مقدار زیاده روی بوده خیلی از فن‌هاشون رو از دست دادن یا حتی از آیدولی کناره‌گیری کردن، اما این بین بعضیا هم بودند که با وجود عمل‌های زیبایی متعدد بازم تونستن به کار خودشون ادامه بدن و یا حتی بعضی اوقات به خاطر همون عمل‌های زیبایی معروف شدند که از اون دسته افراد می‌تونیم به سولو آرتیست جسی اشاره کرد. اون اوایلی که دیو کرد صورت نچرالی داشت و بعد تصمیم گرفت عمل زیبایی انجام بده که پشیمون هم شد اما از اون جایی که بعد عمل کاری نمی‌شه کرد، با همون صورت ادامه داد و اون یکی از همون آیدول‌هایی بود که عمل زیبایی انجام داد، ولی جزو اون دسته از افرادی بودن که بعد از اون اتفاق پشیمون شدن».

فرشته در نقد کمپانی گروه بی‌تی‌اس از دخالت در زندگی شخصی و حریم آیدول‌ها به قرار زیر یاد کرده است:

«- این دخالت‌ها بسته به همون قرارداد و تعهداتی هست که کمپانی‌ها از آیدول‌ها در زمان کارآموزی می‌گیرند؟

خب آره، زمانی که یک آیدول یک قرارداد با کمپانی می‌بنده، قطعاً چندتا قانون هست که باید رعایت بشه، اگر در صورتی اون قانون‌ها رعایت نشه یا از قانون‌ها سرپیچی بشه، بازم تنبیه‌هایی رو براشون در نظر می‌گیرند.

- این قانون‌ها بین کمپانی‌های مختلف به صورت مشترک هست؟

مثلاً کمپانی جی‌وای‌پی نسبت به کمپانی‌های دیگه روی کارآموزی که قبول شد و به عنوان آیدول دیو کرد، خیلی تعصب خاصی نداره، یعنی روی آیدول بعد از گذروندن سه سال، به عنوان یک آیدول حرفه‌ای اجازه داره که قرار بذاره یا این که بعضی از کمپانی‌ها مثل کمپانی هایپ یا همون بی‌کید،

۳۰۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

خیلییی این اجازه رو به فن‌ها نمی‌ده که در مورد قرار گذاشتن آیدول‌ها چیزی بدونن مثلاً تا الان شایعه‌های بی‌اساس زیادی در مورد قرارهای بی‌تی‌اس گفته شده، اما بیش‌تر اون‌ها یا تقریباً همه‌شون رو تکذیب یا اون‌ها رو رد کردند یا به اون‌ها جوابی ندادند.

- پس یعنی از کمپانی به کمپانی متفاوت و بعضی‌ها سخت می‌گیرن و توی تمامی ابعاد زندگی آیدول‌ها دخالت می‌کنن و برعکس بعضی کمپانی‌ها در حد سطحی و کارهای نمادینی دخالت دارن، درسته؟

دقیقاً همینه... .

در مورد رژیم‌ها هم دو دسته هست یا خود کمپانی مجبور می‌کنه یا خودت دوست داری که اون جور باشی خب توی گزینه اول که خود کمپانی مجبور می‌کنه، خیلی از آیدول‌ها بودند که به خاطر رژیم‌های سخت بعضی جاها مجبور می‌شدند که برای مدت کوتاهی از فعالیت‌های گروه کناره‌گیری کنند، به خاطر این که اون قدر ضعیف شده بودند که نمی‌تونستند توی تمام فعالیت‌های روزانه، هفتگی یا ماهانه شرکت کنند، برای همین توی بازه زمانی کوتاهی استراحت می‌کردند تا بتونند دوباره اون انرژی لازم برای انجام فعالیت‌ها رو داشته باشند».

فرشته ۱۸ ساله در مصاحبه خود به طرح موارد دیگری نظیر «بی‌توجهی کمپانی به بهداشت روانی آیدول‌ها» و «فشارهای روانی شدید بر آیدول‌ها»، پرداخته است. وی در مورد بی‌توجهی کمپانی به سلامت روانی آیدول‌ها می‌گوید:

«- به نظرت آیدول‌ها در کارهاشون مختار هستند یا هرطوری که کمپانی از اون‌ها بخواد رفتار می‌کنند؟

این موضوع، موضوع خیلی طولانی و قابل بحثی هست. آره، ببین، ممکنه که بعضی‌ها یا بعضی وقت‌ها آیدول‌ها و اشخاص معروف با کمپانی لج کنند، چون بعضی از کمپانی‌ها برای منافع مادی خودشون هم که شده آیدول‌ها رو مجبور می‌کنند کارهایی انجام بدن که اون‌ها دوست ندارند، حتی شده با وجود این که اون آیدول مخالفت کرده که شایعه‌ی قرارش با یک نفر بیرون درز نکنه، اما کمپانی برای این که بخواد توجه‌ها رو به سمت خودش جلب کنه، همچنین شایعه‌هایی رو استفاده کرده، در صورتی که اون شخصی که مورد سوءاستفاده قرار گرفته، به هیچ وجه راضی نبوده، ولی خب اون‌ها همچنین کاری رو کردند، پس در این مورد هم همچنین داستانی هست و خیلی موقع‌ها بوده که کمپانی آیدول‌ها رو مجبور کرده که کاری رو انجام بدن که دوست ندارند، حتی ممکنه پوشیدن همین لباس‌ها هم باشه، البته نه فقط لباس‌هایی برای پسران مثل کراپ تاپ، بلکه لباس‌های بدن نما برای دخترها که توی موزیک شوه‌های خیلی معروف مثل ماماها یا مثل موزیک شوه‌های دیگه یا هر جا دخترا رو مجبور می‌کردند که لباس‌های تنگ و کوتاه بپوشند به خاطر این که خب این جور توجه‌ها بیش‌تر

بهشون جلب می‌شد و اون‌ها از این موقعیت استفاده می‌کردند و به خاطر منافع مادی خودشون انجام می‌دادند».

فرشته در مورد فشارهای روانی شدید کمپانی بر آیدول‌ها نیز خاطرنشان می‌سازد:  
 «- مابین اون فشارهایی که کمپانی به آیدول‌ها وارد می‌کنه، افرادی هم بودند که از دستورهای کمپانی سرپیچی کنند و تنبیه شده باشند؟

آره، آیدول‌هایی هم بودند که شجاعت خودشون رو به خرج دادند و در مقابل این بی‌عدالتی ایستادگی کردند یا مثلاً نداشتند که شایعه‌های بی‌اساسی درباره خودشون یا آیدول‌های دیگه بین عموم پخش بشه که بعدها در موردشون صحبت شد یا گفته شد که این آیدول با کمپانی در مورد این شایعه‌ی بی‌اساس مخالفت کرده و مسلماً تنبیه شده که البته اگر که مخالفت‌ها جدی بشه و مخالفتی در رابطه با کاری که کمپانی می‌کنه صورت بگیره، اون‌ها قطعاً تنبیهی رو برای اون آیدول در نظر می‌گیرند، اما خیلی جاها هم شده که آیدول‌ها حق یا توانایی این رو نداشتند یا شجاعت و قدرت این رو نداشتن که بخوان با کمپانی مقابله کنند و کارهایی که اون‌ها می‌گند رو انجام ندن و برای همین مجبور شدند که اون کار رو انجام بدن که مثالش پوشیدن همون لباس‌های که بدن نما هست.

- این تنبیه‌ها می‌دونی به چه صورته، ممکنه برام چند نمونه از تنبیه‌هاشون بگی؟

مثلاً این کمپانی‌هایی که اجازه نمی‌دادند آیدول‌شون هرکاری بخواد بکنه. لاینی که برای یک آیدول در یک آهنگ در نظر می‌گرفتند، حتی ممکنه به صدم ثانیه هم نرسه، یعنی اون شخص توی آهنگ حتی یک ثانیه هم فرصت نداشته و نخونده که این رو بعضی از فن‌ها و افراد متوجه شدند که یک نوع تنبیه در نظر گرفته شده، در رابطه با کاری که اون آیدول انجام نداده یا مثلاً تنبیه‌ها نظیر کم کردن حقوق می‌تونه باشه یا فشار بیش از حد کاری به اون آیدول می‌تونه باشه یا انجام کارهای خیلی خیلی زیاد به صورت هم‌زمان توسط آیدول می‌تونه باشه یا لباس‌های عجیب‌گریبی که جالب نمی‌اومد و آیدول‌ها رو مجبور می‌کردند که اون‌ها رو بپوشند و بین عموم برند که جزوی از تنبیه‌شون حساب می‌شد و اگر اونا بخوان در رابطه با چیزی که کمپانی می‌گه، مخالفت کنند، راه‌های زیاد دیگه‌ای برای تنبیه‌شون هست».

«- از تنبیه‌های دوران کارآموزی اون‌ها اطلاعی داری؟

اگر زیر پا گذاشتن قوانین متعلق به دوران کارآموزی باشه، می‌تونه شامل تمرینات سخت‌تر و فشرده‌تر از بقیه باشه یا ممکنه منع اونا از دیبو با گروهی که داره دیبو می‌کنه باشه یا عقب انداختن زمان کارآموزی‌شون و یا حتی ممکنه به صورت ندادن وسایل مورد نیاز و اضطراری مثل مکان، خوابگاه، لباس و هر چیز دیگه‌ای باشه یا مثلاً گرفتن پول بیش‌تری از اون کارآموز، به خاطر این که از یک قانون سرپیچی کرده و خب کلاً کمپانی‌ها قبل از کارآموزی قدرت خیلی بیش‌تری دارند و تنبیهی هم که برای آیدول در نظر می‌گیرند، فکر می‌کنم سخت‌تر باشه، ولی خب بعد از دوران کارآموزی، زمانی

که آیدول شدند، کمپانی برای زمانی که بخواد آیدول رو تنبیه کنه دستش بازتر هست، چون خب گزینه‌های بیش‌تری هست تا بخواد اون آیدول رو تحت فشار بذاره و حتی این تنبیه‌ها ممکنه خبر دادن یک شایعه بی‌اساس یا حتی یک شایعه درست درباره قرار میان یک آیدول و یک آیدول دیگه باشه با کمک دیسپیچ این کار رو انجام می‌ده که این قطعاً خیلی از نظر روحی و روانی اون آیدول رو تحت فشار می‌ذاره، چون کامنت‌های مخرب و صحبت‌های ناشیانه یا هر چیز دیگه‌ای قطعاً روی اون آیدول تأثیر داره».

فرشته در مورد رسانه زرد دیسپیچ که با دسترسی به محتوای چت شخصی آیدول‌ها نیز به زعم خود افشاگری‌هایی نسبت به آیدول‌ها دارد، بیان می‌دارد:

«- من چیزهایی درباره به سایت دیسپیچ دیدم که البته دقیق نمی‌دونم سایته، کمپانیه... ولی می‌دونم که به چت‌ها و زندگی شخصی آیدول‌ها دسترسی داره، درسته؟

آره، دیسپیچ در واقع مجموع‌های از افرادی که یا برای کمپانی کار می‌کنند یا خبرهای دسته اول در رابطه با آیدول‌ها رو به صورت کاملاً مجزا از طرف خودشون منتشر می‌کنند که بیش‌تر مواقع دیسپیچ‌ها افرادی هستند که از کمپانی پولی رو دریافت می‌کنند تا با سند و مدرک واقعی از یک آیدول اون رو در دسترس داشته باشند تا اون رو در مواقع مخصوص تحت فشار قرار بدنند یا از اون استفاده کنند که حتی بعضی وقت‌ها بدون این که خود آیدول خبر داشته باشه، خبر قرارش رو با مدرک واقعی بین عموم قرار می‌دند تا همه اون رو ببینند...»

- دیسپیچ‌ها معمولاً چه اخباری رو منتشر می‌کنند و چه اطلاعاتی براشون مهمه؟

دیسپیچ‌ها خبرهای مهم مثل خبر قرارها رو پخش می‌کنند و در این مورد خیلییی کار می‌کنند و روی قرار آیدول‌ها خیلی زوم هستند، چون این موضوع برعکس غربی‌ها، برای کره‌ای‌ها، خیلی مهمه این که کی با کی قرار می‌ذاره یا حتی اونا خودشون رو در حدی می‌دونن که برای اون آیدول اظهار نظر کنند و بگند، مثلاً این خوب نیست، این بهتره، تو اصلاً چرا با اون رفتی سر قرار، شما اصلاً سناتون یا قدهاتون نمی‌خوره یا همچنین چیزهایی در واقع دیسپیچ با ارایه سند و مدرک واقعی برای یک موضوع، اون رو به واقعیت و باورپذیری نزدیک‌تر می‌کنه، مثلاً شایعه‌ی قلدری پارسال خیلییی ضررها داشت و خیلی هم موضوع داغی بود که اونا میان مثلاً چت آیدول با یک شخص دیگه یا هر چیزی رو در رابطه با اون آیدول منتشر می‌کنند یا می‌دن به کمپانی تا کمپانی منتشر کنه یا هر چیزی که مربوط به صحت خبر باشه و باورپذیریش بیش‌تر بشه».

فرشته در فراز دیگری از مصاحبه خود در مورد کمپانی بیگ‌هیت از تلاش کمپانی در جهت حمایت از سرمایه‌داری، مصرف‌گرایی و سبک زندگی لذت‌مدار و استفاده کمپانی در این راستا از آیدول‌ها برای تبلیغات اقتصادی یاد کرده است:

«... در یه نمونه دیگه، اعضای بی‌تی‌اس برند لباس‌های خیابانی رو در ویدیوی "Euphoria" پوشیدند و اون لباس‌ها بلافاصله سولداوت شدند. بعد از پوشیدن لباس‌های برند A Piece of Cake توسط بی‌تی‌اس در یوفوریا محصولات اون به سولداوت رسید. بی‌تی‌اس به طور رسمی به اون تصویر استایل ایده‌آل رسیده، در حالی که می‌دونیم اون‌ها لباس‌هاشون بی‌عیب و نقص هست، این هفته یک قدم به جلوتر برداشتن، در ویدیو جدیدشون یوفوریا، جیهوپ و جونگ‌کوک هر دو لباس‌هایی رو از برند کره جنوبی A Piece of Cake هست رو پوشیدند و طبق گفته‌های این برند، این استایل به طور کامل به فروش رسیده.

در گفت‌های از این برند، اون‌ها نوشتند: «این خیلی خوب بود که اون‌ها با این حالت جالب انگیز محصولاتمون رو به بقیه نشون دادند. ممنون بی‌تی‌اس برای این علاقه‌تون». این طور به نظر می‌رسه که اون‌ها توقع این بازخورد سریع رو برای آیتم‌هایی که توسط بی‌تی‌اس پوشیده شده رو نداشتند. این برند همچنین گفته که «برای این که تقاضاهای زیادی که داشتیم، بی‌جواب نمونه ما تصمیم به تولید دوباره اون دو آیتم کردیم. فقط ممکنه چند روز طول بکشه تا به دست‌تون برسه، ما می‌خواهیم ازتون تشکر کنیم برای صبر و عشقی که نشون دادید».

در مورد دیگه‌ای تنها یک روز بعد از آن که جونگ‌کوک شراب Sangiovese را در وی لایوش خورد، سولداوت شد.

جونگ‌کوک که رسانه‌های کره‌ای به اون لقب «پادشاه سولداوت» رو دادن، بار دیگه محبوبیت و قدرتش رو در این زمینه ثابت کرد و دو تیشرتی که یکی در لایو جیهوپ و دیگری لباسی که در سامر پکیج به تن داشت، در سریع‌ترین زمان ممکن سولداوت شدند».

نمونه دیگری است که فرشته در اظهارات خویش در مورد تلاش کمپانی دال بر مطرح کردن بیش از پیش خود (که بالطبع به فروش بیش‌تر آن می‌انجامد)، یاد کرده است، همراهی کمپانی هایب با کمپانی ماتل (کمپانی سازنده عروسک‌های باربی) است:

«عروسک جونگ‌کوک که ماتل (کمپانی سازنده باربی) اون رو ساخته، در حال حاضر در لیست پرفروش‌ترین محصول این کمپانی هست».

فرشته از تلاش کمپانی و گروه آن برای جنسیت‌زدایی از پوشش و آرایش که در راستای تربیت هواداران، به صورت انسان‌هایی لذت‌مدار است (و البته انسان ایده‌آل جهان سرمایه‌داری نیز چنین انسانی هست)، به قرار زیر یاد کرده است:

«- به نظرت تبلیغ جنسیت نداشتن لباس کار درست و خوبییه یا نه؟

این در واقع یک جور مد و فشنه و این نوع لباسی که می‌پوشن، در واقع خودش یک سبک و فشنه، مثلاً کراپ تاپی که پسر می‌پوشن، اوایل که یکی از اعضای اکسو برای اولین بار برای بعد از کامبک‌شون که توی یک موزیک شو اجرا داشتن، از یک کراپ تاپ استفاده کرد که عضلات شکمش

۳۰۴ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت)

مشخص بود و اولین باری بود فکر کنم که این لباس در معرض عموم قرار گرفت و یک پسر همچنین چیزی رو پوشید و بعد از اونم دیگه این فرهنگ بین پسرا شکل گرفت و آروم آروم پیشرفته‌تر شدن و بعد از اون اومدن دامن‌های کوتاه با شلوار پوشیدن و بعد دامن‌های بلند و... و از همچنین چیزهایی توی استایلاشون استفاده می‌کردند.

- یعنی بعد از اون موزیک اجرای این فرهنگ رواج داده شد و عادی شد؟

آره بعد از اون موزیک اجرا دیگه ترند شد و می‌شه گفت، موضوع قابل بحثی بود برای همه‌ی افراد که بگن این عضو از این گروه همچنین چیزی رو رواج داد که این عادی‌سازی اون اوایل خیلی براشون سخت بود به خاطر این که خیلییی‌ها مخالفت می‌کردند و قبول نمی‌کردند که پسرها همچنین لباسی بپوشن، اما بعد از اون که پسرای دیگه‌ای از این گروه‌ها شجاعت به خرج دادند و از این سبک استفاده کردند یه مقدار این عصبانیت خوابید و تا حدودی بین شون عادی شد، اما الانم برای فن‌ها عادی نشده، چون وقتی یک فن عضلات شکم اون فرد مورد علاقه‌اش رو می‌بینه، حالت طبیعی‌ش رو از دست می‌ده... (می‌خندد)».